١٣١٣

٤١٨٣٢

فهرست حواشی

ابواب فهرست فی هذه الرساله التی لوبیا بون نهادر لکا البانع

هذا کتاب مفتاح السعادات

من مؤلفات المتحلی بالفضائل والفواضل

صاحب العقل والنقل ومعدن الجود والفضل البارع البادع

طلب العلیا مقتدی الانام الشیخ محمد تقی ابن

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل الدعاء ذریعة لوصول الداعین الی غایة مراتب المرام وصیر الآیات والمناجات مفتاح السعادات بید الانام وصلی الله علی ترجمان الوحی ومبین اسماء الله العظام مفسر ما نزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة من بین ابناء الفخام المصطفی واولاده بین اولیاء الله الکرام الهادین الی زاد المعاد ودار السلام علیه وعلیهم الصلوة والسلام الی قیام یوم القیام **اما بعد** چون بعضی از برادران و دوستان یقینی از این کمترین خدام شرع مبین محمد تقی بن محمد باقر عفی الله عنهما التماس مختصری کردند که مشتمل باشد بر آنچه انسان محتاج باو میشود در تکمیل نفس و وصول بمقامات از عبادات و غیر عبادات از اقسام ادعیه و انواع احراز و اذکار و اعمال و استغاثات علی تفصیل الذی کتب فی الفهرست الابواب لهذا نامیدم او را بمفتاح السعادات و کنز الکمالات بالله التوفیق فی جمیع الحالات و ترتیب دادم او را بهفتاد و نه باب **باب اول** مشتمل است بر مقدمه و چند فصل **مقدمه** روایات بسیار از ائمه اطهار در فضیلت این وقت وارد شده و از ساعت

غفلت میگویند چنانچه میان غروب آفتاب و بر طرف شدن شفق را نیز ساعت غفلت میگویند و سزاوار آنکه آدمی در این وقت بیدار باشد زیرا که خواب این وقت شوم است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت است که خواب صبح شوم است منع میکند روزی را و زرد میکند رنگ او را و تغییر میدهد از او و این خواب هر شومی است بدرستیکه خداوند تبارک و تعالی قسمت میفرماید روزیها را در میانه طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس دوری کنید از خواب در این وقت و فرمود حضرت امام رضا در تفسیر آیه شریفه فالمقسمات امرا که ملائکه قسمت میکنند روزیهای بنی آدم را در میانه طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس هر که بخوابد در این وقت میخوابد از روزی خود یعنی محروم می شود از آن و مراد یا اینست که در آن روز روزی حلال باو نمیرسد بلکه از ممر حرام روزی میابد یا آنکه روزیکه باو میرسد از راه استحقاق نیست و در کافی از حضرت صادق ع در تفسیر آیه شریفه ان قرآن الفجر کان مشهودا مرویست که آنحضرت فرمود یعنی نماز صبح حاضر می شوند و را ملائکه شب و ملائکه روز پس هر گاه بگذارد بنده نماز صبح را وقت طلوع صبح می نویسند ملائکه شب یکمرتبه و ملائکه روز یکمرتبه **تنبیه** در تشخیص صبح صادق از کاذب بدانکه روشنی روز از روشنی آفتابست و روشن نمیشود مگر چیزیکه تیره و کثیف باشد فی نفسه مثل ماه و زمین و اجزاء آن خواه جدا باشد از آن یا نه و هر چه روشن میشود بسبب آفتاب میافتد سایه از آن بطرف دیگر و حقتعالی بحکمت بالغه گردیدن آفتاب و ابر دور زمین قرار فرموده پس هر گاه آفتاب زیر زمین باشد میافتد سایه زمین بالای زمین بر شکل مخروطی و احاطه میکند و احاطه میکند هوائیکه روشن شده بروشنی آفتاب بهمه اطراف این مخروط پس روشن میشود اطراف این مخروطی بروشنی از هوای روشن لیکن روشنی هوا چون ضعیف است بسبب آنکه ذاتی نیست بلکه از دیگری کسب شده نفوذ نمیکند در اجزاء آن مخروط بلکه هر چند دور می شود آن روشنی زیاد می شود ضعف آن پس هر گاه بوده باشیم ما در وسط آن مخروط خواهیم بود در

تاریکی سخت و چون نزدیک شود افتاب بافق شرقی میل میکند ان مخروط سایه از بالای سر و بطرف مغرب میاید نزدیک سحر ان اجزای که در اطراف بیشتر روشن شده بودند به روشنی هوایی که از افتاب روشن شده بود و در انوقت اندکی قوت می کرد روشنی ان اجزا پس ادراک میکند از ان چشم نزدیک صبح و هم چنین هر چند زیاده می شود نزدیکی افتاب بافق زیاده می شود بیکی روشنی اطراف سایه بچشم تا وقتیکه طلوع می کند افتاب و اول مرتبه که ظاهر میشود روشنی نزدیک صبح تاریک و بلند است مانند ستونی و انرا صبح کاذب میگویند و تشبیه است بدم گرگ بسبب باریکی و بلندیکه دارد و صبح اول نیز گویند باعتبار انکه قبل از صبح دویم است و انرا کاذب جهت ان گویند که ظاهرا دروغ می نماید چرا که اگر روشنی افتاب بودی بایستی که افق که نزدیکتر بافتابست روشن شود چرا همین بالای ان روشن شد پس گویا دروغ میگوید که روشنی افتابست و این روشنی صبح کاذب ضعیف و باریکست و در انوقت باقی است روی زمین بر تاریکی خود که بجهت سایه خود دارد و بعد از ان زیاد میشود روشنی تا اینکه میرود بطرف طول و عرض و پهن میشود در عرض افق بشکل نصف دایره و این صبح دومست و انرا صبح صادق میگویند بجهت انکه راست خبر داده است که صبحست و ظاهر کرده صبح را و افضل اوقات نماز وتر میانه صبح اول و دویمست چنانچه بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری مرویست که گفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن الرضا ع از ساعتهای وتر فرمود که دوستترین انها بسوی من صبح اولست و وارد شده است که مردی سؤال کرد از حضرت امیر المؤمنین ع از وتر در اول شب انحضرت جواب نفرمود چون میانه صبح اول و دویم شد بیرون امد انحضرت بسوی مسجد و سه مرتبه ندا فرمود که چه شد انکسی که سؤال کرد از وتر خوب ساعتی است از برای وتر این ساعت پس برخواست و وتر گذارد و صبح دوم عبادات متعلقه باو بسیار است پس هر گاه معلوم نمودی طلوع او را بخوان یا فالق الاصباح من حیث لا اری و مخرجه من حیث اری صل علی محمد و ال محمد و اجعل اول یومنا

هذا صلاحا و اوسطه فلاحا و اخره نجاحا و بخوان ابخره اگر و روایتکرده صدوق از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمود حضرت نوح ع هر صبح و شام می خواندند اللهم انی اشهدک انه ما اصبح بی من نعمة و عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک لک لک الحمد و لک الشکر بها علی حتی ترضی و بعد الرضا این را در صبح ده مرتبه و در شام ده مرتبه پس بسبب این نامیده شد بعبد شکور و بخوان انچه در کافی از حضرت امیر المؤمنین ع روایتکرده در صبح سه مرتبه بگوید سبحان الله الملک القدوس و بعد این دعا را بعد بخواند اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک و من تحویل عافیتک و من فجائة نقمتک و من درک الشقاء و من شر ما سبق فی اللیل و النهار اللهم انی اسئلک بعزة ملکک و شدة قوتک و بعظم سلطانک و بقدرتک علی خلقک ان تفعل بی کذا و کذا و ان دعائی که خوانده می شود نزد طلوع صبح دعائیست که روایت کرده است انرا در کافی بسند صحیح از حضرت باقر ع که انحضرت فرمود گذشت رسول خدا ص بمرد یکه می کاشت درخت در باغی که برای او بود پس انحضرت در انجا توقف فرمود و گفت ایا راه نمایم ترا بدرختی که ثابت تر باشد بیخ ان و زودتر باشد هنگام چیدن ان و نیکوتر باشد میوه ان و باقی تر باشد عرض کرد اری راه بنما ای رسول خدا ص پس فرمود انحضرت که هر گاه صبح شوی و داخل شام شوی پس بگوی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر پس بدرستیکه برای تست اگر بگوئی انرا بعوض هر تسبیحی ده درخت در بهشت از انواع میوه و اینها از جمله باقیات الصالحات اند یعنی عملیکه باقی میماند اجر و ثواب ان که این کلمات باعث انها می شود و از انحضرت باقر ع مرویست که انحضرت فرمود که هر که صبح کند و بر او انگشتری باشد که نگین او عقیق باشد و انرا در دست راست بانگشت کرده باشد پس صبح کند پیش از اینکه کسی را ببیند پس بگرداند نگین انرا بطرف باطن کف و بخواند سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را و بگوید امنت بالله وحده لا شریک

باب در اعمال مستحبه نزد طلوع صبح

له وكفرت بالجبت والطاغوت وامنت بالله وحده لا شريك له وكفرت بالجبت والطاغوت
وامنت بسر آل محمد وعلانيتهم وظاهرهم وباطنهم واولهم واخرهم نكهدارد
خداى تعالى او را از روز و از شر انچه فرود ميايد از اسمان وانچه بالا ميرود وانچه فرو ميرود
در زمين وانچه بيرون ميايد و دنيا حقيقتا تا انكه داخل شام شود و از انچه خوانده ميشود در
صبح دعائيست كه روايت شده از حضرت صادق ع استودع الله العلي الاعلى الجليل العظيم
ديني ونفسي واهلي ومالي وولدي واخواني المؤمنين وجميع ما رزقني ربي و
جميع ما رزقني ربي وجميع من يعنيني امره استودع الله المخوف المرهوب المتضعضع
لعظمته كل شيء ديني ونفسي واهلي ومالي وولدي واخواني المؤمنين وجميع ما رزقني
ربي وجميع من يعنيني امره مي خوانند اين را سه مرتبه فصل هرگاه نزد طلوع صبح باوضو شدى
پس بشتاب بسوى وضو تا اينكه در وقت اذان صبح با طهارت باشى و ما اينجا ذكر ميكنيم ما در اينجا كيفيت
وضوى كامل را بدانكه هرگاه اراده وضو داشته باشى ابتدا كن پيش از ان بمسواك و بايد كه ماليده شود
مسواك بر عرض دندانها نه بطول انها و مجزيست انگشت بعوض مسواك و اينكه روايت شده است از حضرت
صادق ع كه پيغمبر ص فرمود كه مسواك كردن بانگشت و انگشت شهادت مسواك كردن و سنت است رو
كردن بقبله در حال وضو و اكثر علماى ما ذكر نكرده اند و بعضى ذكر كرده اند اين را و مستند ايشان
بانچه روايت شده از ائمه ع كه بهترين مجالس مجلسى است كه رو بقبله بوده باشد و بقبله پس اگر وضو ميسازى
از ظرفى كه ممكن است كف اب برداشتن از اب بگذار انرا جانب دست راست خود و اگر وضو ميسازى از نهر مانند جو
مثلا سزاوار انست كه چنان بنشينى كه جانب راست تو باشد و در وقت نگاه كردن باب بگو الحمد لله
الذي جعل الماء طهورا ولم يجعله نجسا و بعد از ان بشو هر دو دست را تا بند دست پيش از انكه
داخل كنى يكمرتبه اگر وضوى تو از حدث خواب باشد يا از حدث بول و دو مرتبه از حدث غايط باشد
و سنت است شستن انها از غير اين سه حدث بعد از ان بگذار دست راست را در اب و بسم الله بگو چنانچه روا

در خواص سوره حمد ... منافع الم ذلك صفت ...

در اداب و فرايض متعلقه بوضو

كرده شيخ بسند صحيح از حضرت باقر ع كه انحضرت فرمود هرگاه بگذارى دست خود را در اب پس بگو
بسم الله وبالله اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين بعد از ان سه مرتبه
مضمضه بكن بسه كف اب بعد از ان استنشاق بكن بهمان نحو و بگو عقب هر يك از انها
انچه بعد از اين ذكر ميشود بعد از ان بردار بدست راست يك كف و نيت بكن بجا اوردن
وضوى واجب قربة الى الله و مقارن دار نيت را با شستن بالاى روى خود و باقى بدار حكم
نيت را تا فارغ از وضو و بگو نزد شروع در شستن رو بسم الله و ظاهر انست كه تسميه اول وضو
كفايت از اين ميكند چه تسميه نزد شروع در وضو واجبست و هرگاه بريزى اب بر روى سزاوار انست كه
بكشى دست خود را بر ان جهت حكايت وضوى پيغمبر ص و ابتدا بشستن بالاى رو نما و حد رو در
طول و عرض انقدر است كه بگردد در ان انگشت بزرگ و انگشت ميان و واجبست داخل كردن اب در ميان
ان مو كه ديده شود پوست رو از زير ان در مجلس گفتگو بر نحوى كه برسد اب بر ان بر روشى كه گذشته شود
پس بردار يك كف اب بدست چپ و بشوى بان دست راست را در حالتى كه ابتدا كنى از مرفق و بكشى دست
راست را بر ان تا سرهاى انگشتان و بعد از ان بردار يك كف ديگر و بشوى دست چپ را بعد از ان
مسح كن پوست پيش سر خود را يا موى انرا كه بدو نزديك باشد از جلو پيش سر بمقدار سر انگشت مضموم
به ترى دست راست و بقيه ان ترى مسح كن پشت پاى راست خود را از سر انگشتان تا كعب بعد از ان مسح
كن پشت پاى چپ خود را بترى دست چپ و سزاوار انست كه مسح كنى با تمام ابهام كف و بايد كه بوده
باشد افعال وضوى تو پى در پى و رعايت كرده شود در انها ترتيب مذكور و سزاوار انست كه اب وضو را
بدستمال و مثل ان خشك نكند در كافى از حضرت ابى عبد الله روايت فرموده كه در اثناء
انكه حضرت امير المؤمنين ع با محمد بن حنفيه نشسته بود ناگاه فرمود كه اى محمد بياور براى من
ظرفى از اب كه وضو بسازم براى نماز پس محمد اورد اب از براى انحضرت پس انحضرت ريخت اب را بدست
راست بر دست چپ و فرمود بسم الله والحمد لله الذي جعل الماء طهورا ولم يجعله

... مقبول القول
... شود و ...
اكر فقير بود غنى گردد ...
باشد خلاص يابد ...
بفضل خداوند عالم ...
بركت دهد و ان ايات اينست بسم الله
الرحمن الرحيم الم ذلك الكتاب لا ريب
فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون
بالغيب ويقيمون الصلوة ومما
رزقناهم ينفقون والذين
يؤمنون بما انزل اليك وما انزل من قبلك وبالاخرة
هم يوقنون اولئك على هدى
من ربهم واولئك هم المفلحون
اگر خواهد دشمنان را مقهور كند ...
يك كف خاك ...

باب اول در ادعیه وضوء و اذان

بعد اطلق لسانی بذکرک
بعد از آن مضمضه کردند و فرمودند اللهم لقنی حجتی یوم القاک و اطلق لسانی بذکرک
ازان استنشاق کردند و فرمودند اللهم لا تحرم علی ریح الجنة واجعلنی ممن یشم ریحها
وروحها وطیبها بعد ازان شستند روی مبارک خود او فرمودند اللهم بیض وجهی
یوم تسود فیه الوجوه ولا تسود وجهی یوم تبیض فیه الوجوه و بعد ازان شستند دست
راست خود را و فرمودند اللهم اعطنی کتابی بیمینی و الخلد فی الجنان بیساری وحاسبنی
حسابا یسیرا بعد ازان شستند دست چپ خود را و فرمودند اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی
ولا تجعلها مغلولة الی عنقی واعوذ بک من مقطعات النیران بعد ازان مسح کردند سر
مبارک خود را و فرمودند اللهم غشنی رحمتک وبرکاتک بعد ازان مسح کردند
پاهای مبارک خود را و فرمودند اللهم ثبتنی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام
واجعل سعیی فیما یرضیک عنی بعد ازان سر مبارک را بالا کردند خود را و نگاه کردند بمحمد و فرمودند
ای محمد هر که وضو بسازد مثل این وضوی من و بگوید مثل این گفتگوی من خلق میکند
خدای تعالی از هر قطره فرشته که تقدیس کند او را و تسبیح کند او را و تکبیر کند او را پس
می نویسد خدای تعالی ثواب او را برای او تا روز قیامت پس چون فارغ شد از وضو رو بمسجد آورد
روایت کرده صدوق از حضرت صادق ع که هر که برود بسوی مسجد نمیگذارد پا بر هیچ خشکی
و تری مگر آنکه تسبیح کند از زمین که پا گذاشته تا زمین هفتم و سر او وانست که بخوانی نزد
بیرون آمدن از خانه خود بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین و الذی هو یطعمنی و یسقین
و اذا مرضت فهو یشفین و الذی یمیتنی ثم یحیین و الذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی
یوم الدین رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین واجعل لی لسان صدق فی الاخرین
واجعلنی من ورثة جنة النعیم واغفر لابی در دعة الداعی از پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایت کرده که هر که وضو بسازد آنگاه بیرون رود بسوی مسجد و بگوید در وقتی که بیرون می رود

در ثواب ادعیه خروج از خانه و دخول در مسجد

از خانه خود بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین راه نماید خدای تعالی او را از طعام بهشت
و هر گاه بگوید و الذی هو یطعمنی و یسقین اطعام کند او را خدای تعالی او را از طعام بهشت و
بیاشامد او را از شراب بهشت و هر گاه بگوید و اذا مرضت فهو یشفین بگرداند خدای تعالی
او را کفاره گناهان او و هر گاه بگوید و الذی یمیتنی ثم یحیین بمیراند خدای تعالی او را مردن
شهیدان در بلندی مرتبه و زنده گرداند او را از زنده شدن نیکبختان و هر گاه بگوید و الذی
اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین بیامرزد خدای تعالی از برای او گناهان او را هر چند بیشتر
باشد از کف دریا و هر گاه بگوید رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین ببخشد خدای تعالی
مر او را حکم و علم و ملحق گرداند او را بصالحین و هر گاه بگوید و اجعل لی لسان صدق
فی الاخرین بنویسد خدای تعالی از برای او در ورق سفیدی اینکه فلان بن فلان از جمله
راستگویانست و هر گاه بگوید و اجعلنی من ورثة جنة النعیم عطا کند خدای تعالی
برای او منزلی در بهشت نعیم و هر گاه بگوید و اغفر لابی بیامرزد خدای تعالی پدر و مادر
او را و هر گاه خواهی داخل مسجد شوی ملاحظه کفشهای خود را بکن که پاک باشد و پیش گذار
پای راست خود را و بگوی بسم الله و بالله و من الله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله
توکلت علی الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لی
ابواب رحمتک و توبتک و اغلق عنی ابواب معصیتک و اجعلنی من زوار
و عمار مساجدک و ممن یناجیک فی اللیل و النهار و من الذین فی صلوتهم خاشعون
و ادحر عنی الشیطان الرجیم و جنود ابلیس اجمعین بعد ازان اذان بگو زیرا که اذان
صبح از محتمات است حتی آنکه بعضی از متقدمین قائل بوجوب آن شده اند و آن شاذ است
و باید که ایستاده باشی در حال اذان و رو بقبله کنی و آواز بلند و از روی تأنی بگوئی
و وقف کنی در هر جمله فصل اذان و التفات نکنی بجانب راست و چپ و حرفی در اثنای

باب اول در بیان اذان و اقامت و آداب صلوات و رفع اشکال ازان

ان و صلوات بفرستی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نزد ذکر آنحضرت زیرا که صدوق از حضرت صادق
روایت کرده که فرمود صلوات بفرست بر پیغمبر ص هرگاه ذکر کنی او را یا ذکر کند او را ذکر
کننده نزد تو در اذان و غیر ان و ظاهر این حدیث دلالت می کند بر وجوب صلوات بر ان
حضرت بر هر ذکر کننده یا شنونده هرگاه ذکر کند او را یا بشنود ذکر او را با انضمام احادیث دیگر
و بعضی قائل بوجوب شده اند مطلقا و بعضی تخصیص داده اند بتشهد و قول اول احوط است
و ثانی اقرب و قدر واجب ادا میشود بگفتن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ و اما آنچه روایت
شده است که چون نازل شد آیه مذکوره گفتند یا رسول الله سلام بر شما را دانستیم
چگونه است صلوات بر شما فرمود بگوئید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ
مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَ اٰلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ پس ظاهر است که مراد
بان بیان افضل کیفیات صلوات بر انحضرت است نه اینکه خصوص این نحو واجب باشد
و سزاوار است که هرگاه صلوات بفرستی بر این نحو ملاحظه کنی اینرا که انحضرت از جمله آل
ابرهیم است پس صلوات بر انحضرت فرستاده می شود اولا در ضمن صلوات بر ابرهیم
و غرض از تشبیه انستکه مخصوص پیغمبر و آل او بصلواتی دیگر علیحده مثل ان صلوات
که شامل بود ایشان و غیر ایشان از بقیه آل ابرهیم پس بنا بر این لازم نمیاید خلاف
قاعده که مقرر شده است میان اهل بلاغت که هرگاه چیزی را بچیزی تشبیه کنند باید که مشبه به
اقوی باشد از مشبه و حال انکه پیغمبر افضل بود از ابرهیم چه شکی نیست که صلواتی که شامل
همه آل ابرهیم باشد من حیث العموم اقوی نیست از انچه مخصوص بعضی باشد پس مشبه به یعنی
صلوات بر همه آل ابرهیم که پیغمبر و آل او از جمله ایشانند اقوی نیست از مشبه یعنی صلوات بر خصوص
پیغمبر و آل او و توجیهات دیگر نیز کرده اند که ذکرش باعث طول کلام است پس هرگاه فارغ شدی
از اذان فاصله کن میان او و اقامه بسجده یا نشستنی پس بگو در حالیکه در سجده یا با نشسته باشی اَللّٰهُمَّ

در آداب اقامه و دعای و آداب ایستادن بنماز

اجْعَلْ قَلْبِیْ بَارًّا وَ عَیْشِیْ قَارًّا وَ رِزْقِیْ دَارًّا وَ اجْعَلْ لِیْ عِنْدَ قَبْرِ رَسُوْلِکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ
وَ اٰلِهٖ مُسْتَقَرًّا وَ قَرَارًا بعد از ان بیخوانی هر دعائی که میخواهی و سؤال میکنی حاجت خود را
پس بتحقیق که روایت شده است از پیغمبر ص که دعا میان اذان و اقامه رد کرده نمیشود بعد ازان
برخیز بجهت اقامه و بجا میاوری دران جمیع آداب اذان را مگر زیاتی و گذاشتن انگشتها
در گوشها و بلند کردن آواز بلکه باید اقامه اهسته تر باشد و تاکید طهارت داشتن
و ایستادن در حال اقامه بیشتر است از حال اذان و میگوئی هرگاه فارغ شوی از اقامه و حال
انکه رو بقبله باشی اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَ مَرْضَاتَکَ طَلَبْتُ وَ ثَوَابَکَ ابْتَغَیْتُ
وَ بِکَ اٰمَنْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ قَلْبِیْ
لِذِکْرِکَ وَ ثَبِّتْنِیْ عَلٰی دِیْنِکَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِیْ بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنِیْ وَ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْکَ
رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و باید بایستی در نماز با وقار و خشوع و بگذاری دستهای
خود را بر روی رانها مقابل زانوها و بگشای میان قدمهای خود را بقدر سه انگشت گشاده
از یکدیگر یا یک شبر و نگاه کن بموضع سجود خود و بخواطر خود در آور که این نماز کسی است که وداع
می کند از نماز و یا از اخوات بعد از ان قصد کنی اداء نماز صبح واجب جهة فرمان برداری امر
خدای تعالی و مقارن دار نیت را بیکی از هفت تکبیر و بلند کن در هر یک دستهای خود را تا محاذی گوش
کف دستها بسمت قبله باشد و انگشتان بیکدیگر چسپیده باشند غیر شستها که باید انها
گشاده باشد و ابتدا می کنی بتکبیر نزد ابتداء دست برداشتن و تمام می کنی انرا نزد تمام شدن
آن و در نیت دو امر معتبر یکی قربت چنانچه گذشت و دیگری تعیین فعل منوی بطریقیکه تمیز دهد
انرا از غیر ان و ممتاز نماید مثلا ان نماز صبح را در خواطر از جمیع ما عدای خود از عبادات
و غیر عبادات جدا سازد و بخوان میان ان هفت تکبیر این سه دعا را که روایت کرده ثقة
الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت صادق ع دعای اول بعد از تکبیر سیم است اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

باب سیم در ادعیه تکبیرات افتتاحیه و وقت نیت نماز

اَلْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي اِنَّهُ لَا
يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ و بعد از تکبیر پنجم بگوید لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ
فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ
سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ
و بعد از تکبیر هفتم خواه تکبیرة الحرام باشد یا غیر آن بگوید وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ
الْمُشْرِكِينَ اِنَّ صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ و در روایت دیگر باین نحو واقع شده
وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَلٰى مِلَّةِ اِبْرٰهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ
وَمِنْهَاجِ عَلِيٍّ حَنِيفًا مُسْلِمًا تا آخر بی اضافه عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ و اتفاق
کرده اند علمای ما بر اینکه جایز است مقارن داشتن نیت با هر یک از این هفت تکبیر پس تو
مخیری در آن و بهتر آنستکه تکبیر آخر را تکبیرة الاحرام قرار دهد و بعد از فراغ از دعا سیم
استعاذه می کنی باین طریق و میکوئی اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ آهسته
در همان رکعت اول بعد از آن بخوان سوره حمد را بترتیل یعنی مراعات حروف و وقفها
از اداء جایهای آن و حاضر کند قلب خود را بتفکر در معانی آن و ساکت می شوی بعد
از آن بقدر نفسی بعد از آن بخوان سوره را همان نحو و اگر بتوانی بهتر آنستکه بخوانی سوره
نبا یا غاشیه یا قیامت یا دهر یا آنچه مانند اینها باشد در درازی چنانکه روایت کرده است
شیخ بسند صحیح از حضرت صادق و ساکت می شوی بعد از آن بقدر نفسی پس میداری
دستهای خود را چنانچه برداشتی در آن هفت تکبیر و میکوئی اَللّٰهُ اَکْبَرُ بعد از آن برکوع میروی
تقسیم میکنی بگذاری دست راست را بر زانوی راست پیش از دست چپ بر زانوی چپ و پس

در آداب و اذکار رکوع و سجود است

کنی کفها را از زانوها خود و فرو گیری زانوهای خود را با انگشتان تمام و لقمه گیر داری و
برگردان زانوها را بطرف پشت که از پیش بر آمده نباشد و هموار کنی پشت خود را بطریقی که
اگر قطره آبی بر آن بچکد از جای خود نغلطد و بکشی گردن خود را و نگاه کنی بمیان قدمهای خود
بعد از آن بگو اَللّٰهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ
وَاَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَلَحْمِي وَدَمِي
وَمُخِّي وَعَصَبِي وَعِظَامِي وَمَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ
وَلَا مُسْتَحْسِرٍ بعد از آن بگو هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ
وَبِحَمْدِهِ بعد از آن راست میشوی و میکوئی سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بعد از آن تکبیر میکوئی
و میروی بسجود بخضوع و خشوع در حالیکه بگذاری بر زمین کفها را پیش از زانوها
و چنان میکنی که دستها در وقت سجود بمنزله بالها شوند از برای تو و پهن میکنی
کفها را در حالیکه مضموم باشد انگشتان در برابر دوشها و روی خود و نمیگذاری
هیچ عضوی از بدن خود را بر روی عضو دیگر و میگذاری پیشانی خود را از روی اعتماد
تمام بر زمین و علاوه بر هفت عضو واجب باید بر زمین گذاشته شود بینی خود را نیز بجای مهر
و نگاه می کنی در وقت سجود بسر بینی و میکوئی اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ
وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِيَ لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ
سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِينَ بعد از آن بگو
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰى وَبِحَمْدِهِ و باید که بوده باشد با آداب چنانچه در رکوع ذکر شد بعد از آن
بردار سر خود را و تکبیر میکوئی و می نشینی بحالت تورک یعنی بنشین بر روی ران چپ و بیرون
کن هر دو پاها را از زیر خود و بگذار پشت پای چپ خود را بر زمین و پشت پای راست را بر
کف پای چپ و سرین را بر زمین نه و میکوئی اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ و ابصار میکوئی

اللّهم اغفر لی وارحمنی واجبرنی وادفع عنّی بلائی لما انزلت الیّ من خیرٍ فقیر
تبارک الله ربّ العالمین و بعد از ان تکبیر بگو و برو بسجدهٔ دوّم مثل سجدهٔ اوّل
پس بردار سر خود را و بنشین بعنوان تورّک یک لحظه و این را جلسهٔ استراحت میگویند
بعضی از علما این را واجب دانسته اند بعد از ان برخیز بگو بگه برداری زانوها را پیش
از دستها و اعتماد کن در وقت برخواستن بر دستها و بگو بحول الله وقوّته اقوم
واقعد وارکع واسجد پس هرگاه راست ایستادی بخوان حمد و سوره چنانچه
گذشت در رکعت اوّل و باید که بوده باشد سورهٔ قل هو الله احد بعد از ان ساکت
می شوی بقدر نفسی پس تکبیر میگوئی برای قنوت و قنوت میگوئی بکلمات فرج در
حالیکه بلند کنی دستها را بطرف اسمان و بهم گذاری انگشتها را غیر از شصتها
پس میگوئی لا اله الّا الله العلیّ العظیم سبحان الله ربّ السموات السبع وربّ
الارضین السبع وما فیهنّ وما بینهنّ وربّ العرش العظیم والحمد لله ربّ
العالمین و در بعضی از کتابهای دعا وما تحتهنّ بعد از ما بینهنّ زیاد شده
و در بعضی وما فوقهنّ بعد از وما تحتهنّ زیاد شده و در بعضی وهو ربّ العرش
العظیم و نیافته ام من این زیادتها را در آنچه مطلع شده ام بر ان از کتابهای معتبره
احادیث و میگوئی بعد از کلمات فرج اللّهم اغفر لنا وارحمنا واعف عنّا فی
الدنیا والاخرة انّک علی کلّ شیءٍ قدیر بعد از ان میگوئی اللّهم الیک شخصت
الابصار ونقلت الاقدام ورفعت الایدی ومدّت الاعناق وانت دعیت
بالالسن والیک سرّهم ونجویهم فی الاعمال ربّنا افتح بیننا وبین قومنا بالحقّ
وانت خیر الفاتحین اللّهم انّا نشکو الیک غیبة امامنا وقلّة عددنا و
کثرة عدوّنا وتظاهر الاعداء علینا ووقوع الفتن بنا ففرّج ذلک اللّهم

بعدلٍ تظهره وامام حقٍّ تعرفه اله الحقّ امین ربّ العالمین بعد از ان میگوئی
اللّهم من کان اصبح وله ثقة او رجاء غیرک فانت ثقتی ورجائی یا اجود
من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی ومسکنتی وقلّة حیلتی و
امنن علیّ بالجنّة وفکّ رقبتی من النار وعافنی فی نفسی وفی جمیع
اموری یا ارحم الراحمین بعد از ان بلند کن دستها را بتکبیر و رکوع و سجود کن
چنانچه گذشت بعد از ان بنشین برای تشهّد بطریق تورّک و نگاه کن بکنار خود و بگو
بسم الله وبالله وخیر الاسماء کلّها لله اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شریک
له واشهد انّ محمّدا عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین الحقّ بشیرا ونذیرا بین
یدی الساعة واشهد انّ ربّی نعم الربّ وانّ محمّدا نعم الرسول اللّهم صلّ
علی محمّد وال محمّد وتقبّل شفاعته فی امّته وارفع درجته بعد از ان حمد
می کنی خدا را دو مرتبه یا سه مرتبه و واجب از این تشهّد همین شهادتین است و
صلوات بر پیغمبر و ال پیغمبر صلعم بعد از ان سلام بده و قصد بکن از ان بیرون امدن
از نماز را و بگو السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و قصد میکنی بان انبیا
وانبیا علیهم السلام را و حفظه را و اشاره می کنی بگوشهٔ چشمها بطرف راست خود
و هرگاه فارغ شدی از نماز پس شروع کن در تعقیبات دستیکه وارد شده در تفسیر کلام
ایزد منّان فاذا فرغت فانصب والی ربّک فارغب که مراد اینست که هرگاه فارغ شوی
از نماز واجب پس تعب بکش بسوی پروردگار خود در دعا و رغبت کن بسوی او در
سؤال که عطا کند بتو و روایت کرده است شیخ بسند صحیح از حضرت صادق که فرمود
تعقیب مبالغه کننده تر است در طلب رزق از رفتن بتجارة در شهرها و مراد بتعقیب
دعا خواندن عقب نماز است و در کافی از حضرت باقر مرویست که دعا بعد از نماز واجب فضلت

از نماز سنت و روایات در این باب از ائمه هدی بسیار او افضل تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه
زهراست پیش از آنکه بگرداند پاهای خود را در نماز واجب امر زیده می شود و ابتدای شود
تکبیر و نیز فرمود ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا چنانکه امر میکنیم ایشانرا
بنماز پس ملازم شوا زا بدرستیکه ملازم نشد از اینده که بدبخت شود و فرمود تسبیح
حضرت فاطمه در هر روز عقب هر نماز دوستر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز
و از حضرت باقر مرویست که فرمودند نیست شده که عبادت کند خدا را بچیزی از تحمید افضل
از تسبیح فاطمه زهرا و اگر می بود چیزی افضل از آن هر اینه عطا می کرد از اپیغمبر بفاطمه
و روایات در فضیلت تسبیح فاطمه زهرا شمار در نیاید و باید که بوده باشد نشستن تو
در تعقیب متصل بنشستن تو در تشهد و بر همان هیئت رو بقبله و با تورک و ترک کن
در اثناء آن کلام او التفات و مانند آن زیرا که روایت شده است که آنچه ضرر می
رساند بنماز ضرر میرساند بتعقیب و هرگاه سلام دادی سه تکبیر بگوی و بلند کن در
هر یک دستها را تا برابر روی خود بنحوی که پشت آنها بطرف روی خود باشد و
کف آنها بطرف قبله و این تکبیرها اول تعقیب است بعد از آن میگوئی لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ
اِلٰهاً واحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ لا نَعْبُدُ اِلاّ اِیّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ
وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ
لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الْاَوَّلِینَ لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ
وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی
وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَسْتَغْفِرُ اللهَ
الَّذِی لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ اَللّٰهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِكَ وَاَفِضْ
عَلَیَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکاتِكَ سُبْحانَكَ

اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ لَهُ ما فِی السَّمٰواتِ وَما فِی الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلاّ بِاِذْنِهِ یَعْلَمُ ما بَیْنَ اَیْدِیهِمْ وَما خَلْفَهُمْ وَلا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلاّ بِما شاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ وَلا یَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ ... اُولٰئِكَ اَصْحابُ النّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ این آیه آنست که اگر نوشته هر که خانه یا بقعه همیشه آبادان و معمور باشد این آیت را بنویسد بر ورق آهو روز یکشنبه در ساعت ... بعد از آن در قطعه ... در موضع پاك در بنا عمارت ... از موضع دیگر خراب شود و همیشه آنجا بارگاه فرشتگان بود و جن از آنجا بگریزد آیه اَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلی قَرْیَةٍ وَهِیَ خاوِیَةٌ عَلی عُرُوشِها قالَ اَنّی یُحْیِی هٰذِهِ اللهُ بَعْدَ مَوْتِها فَاَماتَهُ اللهُ مِائَةَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قالَ کَمْ لَبِثْتَ قالَ لَبِثْتُ یَوْماً اَوْ بَعْضَ

یا لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی کُلَّها جَمِیعاً فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ کُلَّها جَمِیعاً
اِلاّ اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَاَعُوذُ بِكَ
مِنْ کُلِّ شَرٍّ اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ عافِیَتَكَ فِی اُمُورِی کُلِّها وَ
اَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَعَذابِ الْآخِرَةِ وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْکَرِیمِ وَ
عِزَّتِكَ الَّتِی لا تُرامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِی لا یَمْتَنِعُ مِنْها شَیْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَ
مِنْ شَرِّ الْاَوْجاعِ کُلِّها وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ
الَّذِی لا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیكٌ فِی الْمُلْكِ وَلَمْ
یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح فاطمه زهرا بعد
از آن میگوئی ده مرتبه و این مخصوص بتعقیب صبح است لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ وَحْدَهُ لا
شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمِیتُ وَیُمِیتُ وَیُحْیی بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ
عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و ده مرتبه بگوید و این نیز مخصوص بتعقیب صبح است سُبْحانَ
اللهِ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ
اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ و صد مرتبه اَسْتَجِیرُ بِاللهِ مِنَ النّارِ وَاَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ و صد
مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ و ده مرتبه اَشْهَدُ اَنْ لا
اِلٰهَ اِلاّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیكَ لَهُ اِلٰهاً واحِداً اَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا
وَلَداً و سی مرتبه سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ و سزاوار است که
شمرده شود این تسبیحها و ذکرها بتسبیح از تربت امام حسین و روایت کرده شیخ در تهذیب
بسند صحیح از حضرت صاحب الامر که بهترین افضل چیزیست که تسبیح کرده می شود بآن و بدرستی که
تسبیح کننده که فراموش میکند تسبیح را و میگرداند سبحه را پس نوشته میشود برای او ثواب
تسبیحی که قصد داشته و فراموش کرده بعد از آن میگوئی و این مخصوص بتعقیب صبح است یا مقلب

لقلوب والابصار صل علی محمد وآل محمد وثبت قلبی علی دینک ودین نبیک
صلی الله علیه واله ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة
انک انت الوهاب اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک وتحویل عافیتک و
من فجاءة نقمتک ومن درک الشقاء ومن شر ما سبق فی الکتاب اللهم انی اسئلک
بعزة ملکک وعظم سلطانک وشدة قوتک علی جمیع خلقک ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا بعد از ان میگوئی اعید نفسی ودینی واهلی
یعنی حاجت خود را بگوید
ومالی وولدی واخوانی ومارزقنی ربی وجمیع من یعنینی امره بالله الواحد
الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد وبرب الفلق من
شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر
حاسد اذا حسد وبرب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس
الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس بعد از ان بخوان
سوره فاتحه وایه الکرسی وایه شهد الله انه لا اله الا هو تا سریع الحساب وایه ملک
که قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب وایه سخره ان ربکم الله الذی خلق
السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار
یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر
تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین
ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمة الله قریب
من المحسنین واخر کهف قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد
کلمات ربی ولو جئنا بمثله مددا قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم
اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا

درباره فوائد سوره دهر که ... بجوشاند بر طرف ... اندر هفت بار بخوانند ... از درمان شوید و ان ابرا باد در زیر درخت انگور باد درخت خرما برد از جمیع سالها میوه اش بیشتر گردد و هر کس را تب باشد از ان میتوان خورد
ایه مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم هر کس که بر این ایه مداومت نماید دشمن مقهور گردد و در دولتش نکرد و به هر مرادی که دارد واصل گردد ایه امن الرسول تا اخر
منافع سوره ال عمران ان الذین یکفرون بایات الله کرد و از ده روز پنجشنبه بعد از نماز عشا که مردمان در خواب باشند بخواند بیست و یکبار و باد بر خود دمد قرضش گذارده شود و اگر همین طریقه در صبح بخواند ابواب معرفت بروی مفتوح گردد و از معتبر کشف گردد و به درجه اولیا برسد و اگر برابر سلطان

و از اول صافات تا فاتبعه شهاب ثاقب وسه ایه از اخر صافات سبحان ربک رب
العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین وسه ایه
از سوره الرحمن از یا معشر الجن والانس تا فلا تنتصران وچهار ایه از اخر سوره حشر از
لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا وهو العزیز الحکیم بعد از ان میخوانی سوره قل
هو الله احد را دوازده مرتبه بعد از ان میگوئی در حالیکه گشاده باشی دستهای
خود را برابر روی خود اللهم انی اسئلک باسمک المکنون المخزون الطهر الطاهر
المبارک واسئلک باسمک العظیم وسلطانک القدیم یا واهب العطایا ویا
فکاک
مطلق الاساری یا فاک الرقاب من النار اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تعتق رقبتی من النار وان تخرجنی من الدنیا امنا وتدخلنی الجنة سالما وان تجعل
وان تجعل دعائی اوله فلاحا واوسطه نجاحا واخره صلاحا انک انت علام الغیوب بعد از ان
میگوئی سبحان الله کلما سبح الله شیء وکما یحب الله ان یسبح وکما هو اهله وکما
ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله والحمد لله کلما حمد الله شیء وکما یحب الله
ان یحمد وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله ولا اله الا الله
کلما هلل الله شیء وکما یحب الله ان یهلل وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم
وجهه وعز جلاله والله اکبر کلما کبر الله شیء وکما یحب الله ان یکبر وکما هو اهله
وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله و
الله اکبر علی کل نعمة انعم بها علی وعلی کل احد من خلقه ممن کان او یکون
الی یوم القیمة اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک خیر
ما ارجوا وخیر ما لا ارجو واعوذ بک من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر و بعد از ان
میگوئی بسم الله وصلی الله علی محمد وآل محمد وافوض امری الی الله ان الله

بجهت حافظه ... خواندن تبرا ... و مراداتش حاصل شود ایه الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه وانزل التورية والانجیل من قبل هدی للناس وانزل الفرقان ان الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید والله عزیز ذو انتقام این ایات از برای حفظ و ذکا و دانائیست که هر کس کودن باشد و قوتش نباشد بنویسد بر جام سبز روز یکشنبه در ساعت ششم بمشک و زعفران و گلاب و بشوید و بیاشامد قبل از طلوع اما باید که چیزی که شبهه باشد نخورد و زنا و غیبت و دروغ نگوید تا محل اجابت دارد ایه هو الذی انزل علیک الکتاب منه ایات محکمات هن ام الکتاب واخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله وما یعلم تاویله الا الله

بصیر بالعباد فوقیه الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین
حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء ما
شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء
الله وان کره الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی
الرازق من المرزوقین حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی من کان مذ کنت
حسبی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم بعد
ازان میگوئی الحمد لله الذی ذهب باللیل بقدرته وجاء بالنهار
برحمته خلقا جدیدا ونحن فی عافیة بمنه وجوده وکرمه مرحبا
بالحافظین والتفات کن بطرف راست وبگو حیاکم الله من الکاتبین والتفات
کن بطرف چپ خود وبگو کتبا رحمکما الله بسم الله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الساعة
آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور علی ذلک احیا وعلیه اموت
وعلیه ابعث ان شاء الله اقرئ محمدا صلی الله علیه وآله منی السلام
بعد ازان میگوئی اللهم صل علی محمد وآل محمد فی النهار اذا تجلی
وصل علی محمد وآل محمد فی اللیل اذا یغشی وصل علی محمد وآل محمد
فی الآخرة والاولی وصل علی محمد وآل محمد ما لاح الجدیدان وصل
علی محمد وآل محمد ما حدی الحادیان وصل علی
محمد وآل محمد ما عسعس لیل وما ادلهم ظلام وما
تنفس صبح وما اضاء فجر اللهم اجعل محمدا خطیب
وفد المؤمنین الیک والمکسو حلل الامان اذا وقف بین یدیک

والناطق

والناطق اذا خرست الالسن بالثناء علیک اللهم اعل منزلته وارفع درجته
واظهر حجته وتقبل شفاعته وابعثه المقام المحمود الذی وعدته واغفر
له ما احدث المحدثون من امته بعده اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک
وعزائم مغفرتک والغنیمة من کل بر والسلامة من کل اثم واسئلک الفوز
بالجنة والنجاة من النار اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعل لی فی صلوتی
ودعائی برکة تطهر بها قلبی وتؤمن بها روعی وتکشف بها کربی
وتغفر بها ذنبی وتصلح بها امری وتغنی بها فقری وتذهب بها ضری
وتفرج بها همی وتسلی بها غمی وتشفی بها سقمی وتؤمن بها خوفی وتجلو
بها حزنی وتقضی بها دینی وتجمع بها شملی وتبیض بها وجهی واجعل لی
ما عندک خیرا لی بعد ازان میگوئی وحال انکه گریه کنی یا خود را بگریه بداری
الهی ان ذنوبی وکثرتها قد غبرت وجهی عندک وحجبتنی عن استیهال
رحمتک وباعدتنی عن استیجاب مغفرتک ولولا تعلقی بآلائک وتمسکی
بالرجاء لما وعدت امثالی من المسرفین واشباهی من الخاطئین بقولک یا
عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر
الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم وحذرت القانطین من رحمتک
فقلت ومن یقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا برحمتک الی دعائک
فقلت ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون
جهنم داخرین الهی لقد کان ذل الایاس علی مشتملا والقنوط من رحمتک بی
ملتحفا الهی قد وعدت المحسن ظنه بک ثوابا واوعدت المسیء بک ظنه
عقابا اللهم وقد امسک رمقی حسن الظن بک فی عتق رقبتی من النار وتغمد
زللی واقالة عثرتی وقلت وقولک الحق لا خلف فیه ولا تبدیل یوم

تدعوا كل اناس بامامهم اللهم انى أقر واشهد واعترف ولا اجحد واسر واظهر
واعلن وابطن بانك انت الله الذى لا اله الا انت وحدك لا شريك لك و
ان محمدا عبده ورسولك وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين و
وارث علم النبيين وقاتل المشركين وامام المتقين ومجاهد الناكثين والقاسطين
والمارقين امامى وحجتى وصراطى ودليلى ومحجتى ومن لا اثق بالاعمال وان
زكت ولا اراها منجية وان صلحت الا بولايته والايتمام به والاقرار بفضائله
والقبول من حملتها والتسليم لرواتها اللهم واقر باوصيائه من ابنائه
ائمة وحججا وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة ابرارا وادين بسرهم
وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم وغائبهم لا شك
فى ذلك ولا ارتياب ولا تحول عنه ولا انقلاب اللهم فادعنى يوم حشرى
وحين نشرى بامامتهم واحشرنى فى زمرتهم واكتبنى فى اصحابهم وانقذنى
بهم يا مولاى من حر النيران فانك ان اعفيتنى منها كنت من الفائزين اللهم
وقد اصبحت فى يومى هذا لا ثقة لى ولا مفزع ولا ملجأ غير من توسلت
بهم اليك من آل رسولك على وفاطمة والحسن والحسين وعلى ومحمد وجعفر
وموسى وعلى ومحمد وعلى والحسن ومحمد صلواتك عليهم اجمعين
اللهم فاجعلهم حصنى من المكاره ومعقلى من المخاوف ونجنى بهم من كل
عدو طاغ وفاسق باغ ومن شر ما اعرف وما انكر وما استتر علىّ وما ابصر
ومن شر كل دابة ربى آخذ بناصيتها ان ربى على صراط مستقيم اللهم
بوسيلتى اليك بهم وتقربى بمحبتهم افتح علىّ ابواب رحمتك وحببنى
الى خلقك وجنبنى عداوتهم وبغضهم انك على كل شىء قدير اللهم و

على ... قال بيوتوا ... ما از بيلت
... قد آبلعكم ... ربى قوما
غيركم ولا تضرونه شيئا ان
ربى على كل شىء حفيظ ... قطعه
اين را بنويسد در شهر ... و بعد از ان
المجلس ... باشد ... وزهار
... نوبت بخواند رفت ... ولب ... موءلف
نوبت بخواند ... بود ... پيش
اين كتاب گويد كه مرا ابن عم بود ناگاه دشمنان او را
خليفه متهم بودند ... سلطان ...
نزد سلطان ... مؤلف اين كتاب
خشم گرفت ... بعد از سه روز
نوشت ... اسم ... آن تعويذ
خليفه خود ... چونكه از خواب
كردند بر سبب ... او ...
در اسد در ... تمام شد
او رد با اعزاز واكرام ... قال الملك
او را اطلاق داد ... ائتونى به استخلصه لنفسى فلما
كلمه قال انك اليوم لدينا مكين امين

لكل متوسل ثواب ولكل ذى شفاعة حق فاسئلك بمن جعلتهم اليك سببى
وقدمتهم امام طلبتى ان تعرفنى بركة يومى هذا وشهرى هذا وعامى هذا
اللهم فهم معولى فى شدتى ورخائى وعافيتى وبلائى ونومى ويقظتى
وظعنى واقامتى وعسرى ويسرى وصباحى ومسائى ومنقلبى ومثواى
اللهم فلا تخلنى بهم من نعمتك ولا تخيبنى بهم من نائلك ولا تقطع رجائى من
رحمتك ولا تفتنى باغلاق ابواب الارزاق وانسداد مسالكها وارتتاج
مذاهبها وافتح لى من لدنك فتحا يسيرا واجعل لى من كل ضنك مخرجا و
الى كل سعة منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم واجعل الليل والنهار
مختلفين علىّ برحمتك ومعافاتك ومنك وفضلك ولا تفقرنى الى احد
من خلقك برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شىء قدير وبكل شىء محيط
بعد از ان ميخوانى دعاى صباح حضرت سيد سجاد عليه السلام وان از دعاهاى
صحيفه كامله است الحمد لله الذى خلق الليل والنهار بقوته تا آخر دعا بدانكه
دعاها و ذكرها كه وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله عليهم در تعقيبات خصوصا
در تعقيب نماز صبح بسيار است جدا وانچه ما ذكر كرديم مختصر اخذ شده از روايات
متعدده ومجتمع نشده در روايت واحدى پس تر است كه اختصار كنى بر بعضى از
ان هرگاه وسعت نداشته باشد وقت تو از براى همه وهرگاه بپائى در نفس خود سستى
يا ماندگى پس قطع كن تعقيب را وتكليف مفرماى او را اتمام كردن آن با وجود بى ميلى
سوى ان واقبال بران زيرا كه توجه واقبال روح عبادت است ودعا بى اقبال مثل
جسد بى روح است وسنت است نشستن تو در مصلاى خود بعد از فراغ از نماز صبح تا اينكه
طلوع كند آفتاب هرچند مشغول تعقيبات نباشى پس تحقيق كه روايت شده است از حضرت

قال اجعلنى على
خزائن الارض انى
حفيظ عليم وكذلك
مكنا ليوسف فى الارض
يتبوأ منها حيث يشاء نصيب
برحمتنا من نشاء ولا نضيع اجر
المحسنين اگر كسى را وجع باشد
از سر چون در چشمى كه اطبا از
معالجت آن عاجز باشند بگير روز
پنجم از كانون الثانى پيش از طلوع شمس
آب باران و با كحل اصفهانى مخلوط سازد
و آيات را بنويسد در ... آبگينه صاف و
بزعفران و با آب كانون ... شويد و آن
كحل را با آب ممزوج سازد ونگه دارد تا
خشك شود ودر چشم كشد نور
بصرش بيفزايد وديگر درد نه
بيند و گاه باشد كه ... مشاهد
كند ايت قالوا تالله لقد
آثرك الله علينا وان كنا
لخاطئين قال لا تثريب عليكم
اليوم يغفر الله لكم وهو ارحم
الراحمين اذهبوا بقميصى
هذا

امیرالمؤمنین ع که فرمودند که هر که نماز کند پس بنشیند در مصلای خود تا طلوع آفتاب
خواهد بود از برای او پوششی از آتش و سزاوار است خواندن سوره یس بعد از تعقیب پس بدرستی
که خواننده آن در صباح همیشه محفوظ است و روزی داده شده است تا آنکه شام کند
این سوره را دافعه میگویند بجهت آنکه دفع میکند از خواننده خود هر شری را و قاضیه
نیز میگویند باعتبار آنکه بر می آورد از برای خواننده خود هر شری را و قاضیه نیز می
گویند باعتبار آنکه بر می آورد از برای خواننده خود هر حاجت را **باب دوم در فضل**
اول بدانکه وارد شده است قسمت روز بدوازده ساعت و نسبت هر ساعتی بیکی از
ائمه اثنی عشر علیهم السلام و تخصیص آن بدعائی که خوانده شود در آن و من ذکر میکنم
هر یک از آنها را با دعای آن در محل خود انشاء الله تعالی ساعت اول همین ساعتیست که کلام
ما در این باب در آنست یعنی میانه طلوع صبح تا طلوع آفتاب و این منسوبست بحضرت
امیرالمؤمنین ع و دعای او اینست اَللّٰهُمَّ رَبَّ الظَّلامِ وَ الْفَلَقِ وَ الْفَجْرِ وَ الشَّفَقِ
وَ اللَّيْلِ وَ مَا وَسَقَ وَ الْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ خَالِقَ الْاِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ اَظْهَرْتَ قُدْرَتَكَ
بِبَدِيعِ صَنْعَتِكَ وَ خَلَقْتَ عِبَادَكَ لِمَا كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَ هَدَيْتَهُمْ
بِكَرَمِ فَضْلِكَ اِلَى سُبُلِ طَاعَتِكَ وَ تَفَرَّدْتَ فِي مَلَكُوتِكَ بِعَظِيمِ السُّلْطَانِ
وَ تَوَدَّدْتَ اِلَى خَلْقِكَ بِقَدِيمِ الْاِحْسَانِ وَ تَعَرَّفْتَ اِلَى بَرِيَّتِكَ بِجَسِيمِ الْاِمْتِنَانِ
يَا مَنْ يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَاْنٍ اَسْاَلُكَ
اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْاَمِينُ عَلَى قَلْبِهِ
لِيَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَ بِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي
طَالِبٍ ع اِبْنِ عَمِّ الرَّسُولِ وَ بَعْلِ الْبَتُولِ الَّذِي فَرَضْتَ وِلَايَتَهُ عَلَى
الْخَلْقِ وَ كَانَ يَدُورُ حَيْثُ دَارَ الْحَقُّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتُ
وَسِيلَتِي وَ قَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي وَ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَ اَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَ تُطَهِّرَ

قَلْبِي وَ تَسْتُرَ عَيْبِي وَ تُبَلِّغَنِي مِنْ طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ اَمَلِي وَ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي
لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و جایز است اینکه این دعا را بگردانی از جمله
تعقیب و باید بوده باشد آخر آنچه بجا می آوری تو بعد از نماز سجده شکر پس
بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت ابی عبدالله علیه
السلام که فرمودند سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی تمام میکنی بآن نماز
خود را و راضی میکنی بآن پروردگار خود را و بشگفت می آیند ملائکه از تو بدرستیکه
که بنده هرگاه نماز کند بعد از آن سجده کند سجده شکر را میگشاید پروردگار حجاب
را میان بنده و میان ملائکه پس میفرماید ای ملائکه من نگاه کنید بسوی بنده من بجا آورد
است فرض مرا و تمام کرده است عهد مرا پس سجده کرده است برای من بجهة شکر
بر آنچه انعام کرده ام من بآن بر او ای ملائکه من چه چیز است برای او ملائکه عرض می
کنند رحمت تو ای پروردگار ما پس میفرماید خدای تعالی پس از آن دیگر چه چیز پس میگویند ملائکه
ای پروردگار ما کفایت مهم او و رسیدن به بهشت تو پس میفرماید خدای تعالی
پس از آن دیگر چه چیز پس باقی نمیماند چیزی از چیزها مگر آنکه می گویند آنرا ملائکه پس
میفرماید خدای تعالی ای ملائکه پس از آن دیگر چه چیز میگویند ملائکه ای پروردگار ما
نمیدانیم علمی دیگر از برای ما پس میفرماید خدای تعالی هر آینه شکر میکنم من او را
چنانچه او شکر کرد مرا و رو می آورم بسوی او بفضل خود و مینمایم باو رحمت
خود را و سنت است طول دادن این سجده ها پس بتحقیق که روایت کرده است در فقیه نیز که
حضرت کاظم ع بسجود میرفتند بعد از آن نماز صبح میکردند پس بر نمیداشتند سر را تا اینکه
بلند میشد روز و هرگاه یکی از دو سجده را میخواهی که بجا آوری بگذار جای سجده خود را بر زمین و میچسبانی سینه
شکم خود را و میخوانی آنچه روایت کرده است از رکانی ابن سنگ حسن که میگوید در سجده اول اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اُشْهِدُكَ وَ اُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ اَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ رَبِّي الْاِسْلَامُ

دینی ومحمدًا صلی الله علیه واله نبیی وعلیًا والحسن والحسین وعلیًا ومحمدًا وجعفرًا وموسی وعلیًا ومحمدًا وعلیًا والحسن ومحمد سلام الله علیهم ائمتی بهم اتولی ومن عدوهم اتبرء بعدازان میکوئی سه مرتبه اللهم انی انشدک دم المظلوم بعدازان میکوئی اللهم انی انشدک بایوائک علی نفسک لاولیائک لتظفرنهم بعدوک وعدوهم ان تصلی علی محمد وال محمد وعلی المستحفظین من ال محمد صلی الله علیه واله بعدازان می کوئی سه مرتبه اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر بعدازان می کذاری کونه راست خود را بر زمین ومیکوئی یا کهفی حین تعیینی المذاهب وتضیق علی الارض بما رحبت یا باری خلقی رحمة بی وکان عن خلقی غنیا صل علی محمد وال محمد وعلی المستحفظین من ال محمد صلی الله علیه واله بعدازان میکذاری کونه چپ خود را بر زمین ومیکوئی یا مذل کل جبار ویا معز کل ذلیل قد وعزتک بلغ بی مجهودی بعدازان میکوئی سه مرتبه یا حنان یا منان یا کاشف الکرب العظام بعدازان سجده دیم را بجا میاوری ومیکوئی در ان صد مرتبه شکرًا شکرًا بعدازان سؤال میکنی حاجت خود را و روایت شده از ان حضرت که میفرمودند در سجده شکر باواز حزین وحال انکه اشکهای او روان بود عصیتک رب بلسانی ولو شئت وعزتک لاخرستنی وعصیتک بسمعی ولو شئت وعزتک لاصممتنی وعصیتک بیدی ولو شئت وعزتک لکنعتنی وعصیتک برجلی ولو شئت وعزتک لجذمتنی وعصیتک بفرجی ولو شئت وعزتک لعقمتنی وعصیتک بجمیع جوارحی التی انعمت بها علی ولیس هذا جزاؤک منی بعدازان میکوئی العفو العفو هزار مرتبه بعد

ازان میچسبانی کونه راست خود را بر زمین ومیکوئی باواز حزین سه مرتبه بؤت الیک بذنبی عملت سوءً وظلمت نفسی فاغفرلی ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب غیرک یا مولای بعدازان میچسبانی کونه چپ خود را بر زمین ومی کوئی سه مرتبه ارحم من اساء واقترف واستکان واعترف ومیکوئی هرکاه برداری سر خود را از سجدها شکرا اللهم لک الحمد کما خلقتنی ولم اک شیئا مذکورا رب اعنّی علی اهوال الدنیا وبوائق الدهر ونکبات الزمان ومصیبات اللیالی والایام واکفنی شر ما یعمل الظالمون فی الارض وفی سفری فاصحبنی وفی اهلی فاخلفنی وفیما رزقتنی فبارک لی وفی نفسی لک فذللنی وفی اعین الناس فعظمنی والیک فحببنی وبذنوبی فلا تفضحنی وبعملی فلا تبسلنی وبسریرتی فلا تخزنی ومن شر الجن والانس فسلمنی ولمحاسن الاخلاق فوفقنی ومن مساوی الاخلاق فجنبنی الی من تکلنی یا رب المستضعفین وانت ربی الی عدو ملکته امری ام الی بعید فیتجهمنی فان لم تکن غضبت علی یا رب فلا ابالی غیر ان عافیتک اوسع لی واحب الی اعوذ بنور وجهک الذی اشرقت به السموات والارض وکشفت به الظلمة وصلح علیه امر الاولین والاخرین ان یحل علی غضبک وینزل بی سخطک لک الحمد حتی ترضی وبعد الرضا ولا حول ولا قوة الا بالله **فصل دوم** در انچه کرده میشود در روز پس بخوانی ابند عاراکه متعلق بحضرت امام حسن در ساعت دویم از طلوع افتاب تا برطرف شدن سرخی ان اللهم یا خالق السموات والارض ومالک البسط والقبض ومدبر الابرام والنقض ومن لا تخیب مضطر اذا دعاه ویکشف السوء یا مالک یا جبار یا واحد یا قهار یا عزیز یا غفار

یامن لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار یامن لا یمسک خشیة الانفاق
ولا یقتر خوف الاملاق یا کریم یا رزاق یا مبتدئا بالنعم قبل الاستحقاق
یامن ینزل الروح من امره علی من یشاء من عباده لینذر یوم التلاق کبرت
نعمتک علی وصغر فی جنبها شکری ودام غناک عنی وعظم
الیک فقری اسئلک یا عالم سری وجهری یامن لا یقدر سواه علی
کشف ضری ان تصلی علی محمد وال محمد رسولک المختار وحجتک علی
الابرار والفجار وعلی اهل بیته الطاهرین الاخیار واتوسل الیک بالا
انزع البطین علما وبالامام الزکی الحسن المقول سما فقد استشفعت
بهم الیک وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی ان تزیدنی من لدنک علما
وهب لی حکما وتجبر کسری وتشرح بالتقوی صدری وترحمنی اذا
انقطع من الدنیا اثری وتذکرنی اذا نسی ذکری برحمتک یا
ارحم الراحمین **فصل** و انچه سزاوار است کرده شود در اول روز تصدق است
بهرچه میسر شود و هرچند چیزی حقیر باشد و اینکه روایت کرده ثقة الاسلام در کافی از حضرت
صادق ع که فرمود پیغمبر ص که صبح گاه بدهید صدقه بدرستیکه بلا تجاوز نمی کند از
صاحب او و باو نمیرسد و نیز از انحضرت در همان کتاب مرویست که صبح گاه بدهید
صدقه و از روی شوق و محبت بدهید زیرا که نیست مؤمنی که تصدق کند بصدقه
که اراده کند بان انچه را نزد خداست مگر اینکه دفع کند خدا از او بسبب ان صدقه
شر انچه فرود می اید از اسمان بسوی زمین در ان روز مگر اینکه نگاه دارد او را
خدایتعالی از شر انچه فرود میاید در ان روز و از انچه کرده می شود در اول روز مسح
کردن بکلاب است در حدیثیست که هر که مسح کند روی خود را بکلاب نمیرسد او را در ان روز

یغشی الشمس [illegible] رفع السموات بغیر عمد ترونها ثم استوی
علی العرش و سخر الشمس و
القمر کل یجری لاجل مسمی
یدبر الامر یفصل الایات لعلکم
بلقاء ربکم توقنون وهو الذی
مد الارض وجعل فیها رواسی
وانهارا و سبلا ومن کل الثمرات
جعل فیها زوجین اثنین یغشی
اللیل النهار ان فی ذلک لایات
لقوم یتفکرون ایرایت را
بنویسد و بر شکم زن حامله بندد
بچه در شکم او بسلامت بماند ایت
الله یعلم ما تحمل کل انثی وما تغیض
الارحام وما تزداد وکل شیء
عنده بمقدار عالم الغیب والشهادة
الکبیر المتعال اگر در موضع
که خشک باشد روزادینه با اعتقاد
تمام غسل کند و بطرف صحرا رود و در
هر نوبت این ایت را بخواند و بتضرع
و زاری هرچه تمامتر البته باران با خیر
و برکت فرستد انجا که همه مردمان
بهره ور گردند

احتیاج و نه فقری و باید که مسح کرده شود روی و دستها و صلوات فرستاده شود بر پیغمبر صلعم
و از انچه غالبا در اول روز کرده میشود مندیل پیچیدن و پوشیدن جامها و موزه
و نعلین است اما مندیل سزاوار انست که گفته شود نزد ان اللهم سومنی بسیماء
الایمان و توجنی بتاج الکرامة وقلدنی حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان
من عنقی و مکروهست مندیل پیچیدن در حالیکه نشسته باشی و هرگاه مندیل بپیچی
پس تحنک کن بمندیل خود بدرستیکه تحنک سنت مؤکدات چنانچه روایت کرده
شیخ در تهذیب بسند حسن از حضرت صادق ع روایت کرده که فرمودند که هر که عمامه بپیچد
و نگرداند عمامه را زیر حنک خود پس برسد با و افتی که نباشد برای ان دوائی ملامت
نکند مگر نفس خود را و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق ع
که فرمودند بدرستیکه من تعجب می کنم از کسیکه شروع کند در حاجت خود و حال انکه او
با وضو باشد چگونه بر نمیاید حاجت او و بدرستی که من تعجب می کنم از کسیکه شروع کند
در حاجت خود و حال انکه گردانیده باشد عمامه را از زیر حنک خود چگونه بر نمیاید
حاجت او و احادیث در ترغیب تحنک بسیار است در همه اوقات خواه بوده باشد
در نماز یا غیر ان و مخصوص نیست استحباب ان بحال نماز مثل ردا و اما اداب در پوشیدن
جامها پس سزاوار کوتاه کردن جامه است پس بتحقیق که نقل شده در تفسیر کلام خدایتعالی
وثیابک فطهر که مراد اینست که جامه خود را کوتاه کن و سزاوار انست که نگذرد دامنها
از سرهای انگشتان و بکند جامه چرکین و فقد رس و بپوشد جامه پاکیزه و مپوش جامه
شهرت او بپوش جامه سفید بتحقیق روایت شده از حضرت صادق ع که مکروهست سیاهی مگر
در سه چیز موزه و عمامه و عبا و اما دعا نزد پوشیدن جامه چنانچه از حضرت صادق ع
منقول است اینست که بگوید اللهم اجعله ثوب یمن و برکة اللهم ارزقنی فیه شکر

وبشبه اما امام کاغذ برید بران
ان بنبید انزل من السماء ماء
ایات کلام
فسالت اودیة بقدرها فاحتمل
السیل زبدا رابیا ومما یوقدون
علیه فی النار ابتغاء حلیة او
متاع زبد مثله کذلک یضرب الله
الحق والباطل فاما الزبد فیذهب
جفاء واما ما ینفع الناس فیمکث
فی الارض کذلک یضرب الله الامثال
للذین استجابوا لربهم الحسنی الاینه
مرکرا ز حتی باشد که اطبا از معالجه
او عاجز باشند و یا از حرص و یراخت
رسیده باشد بستانند یک رطل
عسل خام و با نیم رطل اب گرم
بجوشانند چنانکه با قوام اید و این
ایت را در طشت مسین نویسد
و باب باران کانون نحو شوید و ان
اب را فرو شوید و ان اب را بانگ عسل
و عسل اضافت کند و در گلشامد
مقدار سر و قیر ازان در اشامد
و چون افتاب طلوع کند بابد که افتاد
ندید باشد

نعمتك وحسن عبادتك والعمل بطاعتك الحمد لله الذی رزقنی ما استر به عورتی
واتجمل به فی الناس واز حضرت امام محمد باقر مرویست که گفته شود نزد پوشیدن
جامه نو این دعا اللهم اجعله ثوب یمن وتقوی وبرکة اللهم ارزقنی فیه
حسن عبادتك وعملا بطاعتك واداء شکر نعمتك الحمد لله الذی
کسانی ما اواری به عورتی واتجمل به فی الناس وسزاوار است که پوشیده
نشود زیر جامه رو بقبله اما پوشیدن موزه و نعل پس باید که بوده باشد
در حالیکه نشسته باشد و می پوشد نعل پای راست را پیش از چپ و نزد کندن می کند
بعکس این در حالیکه ایستاده باشد و میگوید نزد پوشیدن هر یك از موزه و نعل
بسم الله وبالله اللهم صل علی محمد وآل محمد ووطئ قدمی فی الدنیا و
الآخرة وثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الأقدام ومیگوید نزد کندن آنها
بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی من الأذی اللهم ثبتهما علی
صراطك ولا تزلهما عن صراطك السوی و روایت شده از حضرت صادق که کراهت
پوشیدن موزه سرخ در سفر نه حضر و روایت شده از آنحضرت که هر که بپوشد نعل
زرد کهنه نمی کند آنرا تا آنکه بهم رساند مالیرا و در روایت دیگر باشد در سفر و در حضر
تا کهنه کند آنرا افضل واز آنچه عادت جاری شده در میان طلوع آفتاب و زوال اکل و
شربست و سزاوار است که پاره از آداب دعا آنها ذکر شود پس هرگاه چیزی خواهی بخوری
پس بنشین بر جانب چپ خود و منشین مربع زیرا که آن نشستنی که ناخوش میدارد
آنرا خدای تعالی و دشمن میدارد صاحب او را چنانچه روایت شده از حضرت امیر
المؤمنین واز حضرت صادق مرویست که هرگاه دست خود دراز کنی آنکه چیزی
بخوری بگو بسم الله والحمد لله رب العالمین پس مبارز خدای تعالی را پیش از آنکه
او را

برسد لقمه بدهن و روایت شده استحباب تسمیه بر هر رنگی و هر که فراموش کند تسمیه را بر
هر رنگی پس بگوید بسم الله علی اوله وآخره و سزاوار است که گفته شود نزد شروع
در اکل این دعا الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم ویجیر ولا یجار علیه ویستغنی
ویفتقر الیه اللهم لك الحمد علی ما رزقتنا من طعام وادام فی یسر وعافیة
من غیر کد منا ولا مشقة بسم الله خیر الأسماء بسم الله رب الأرض والسماء
بسم الله لا یضر مع اسمه شیء فی الأرض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم اللهم
اسعدنی فی مطعمی هذا بخیره واعذنی من شره وامتعنی بنفعه وسلمنی من ضره
و سزاوار است که بوده باشد اول آنچه بخوری هر روز ناشتا سیب و بکدانه موز سرخ
زیرا که روایت شده از حضرت پیغمبر که هر که در ناشتا دانه موز سرخ بخورد بیمار
نشود مگر بیماری که در آن بمیرد و بشود دستها خود را هر دو پیش از طعام و بعد از آن
هر چند بوده باشد چیز خوردن تو بیک دست و روایت شده از حضرت امیر المؤمنین
که دست شستن پیش از طعام زیاد می کند در عمر و جلا میدهد چشم را و ابتدا کن تو
اگر صاحب طعام باشی بشستن اول بعد از آن بشوید بعد از تو کسیکه بر طرف راست
تو باشد و در شستن دویم میشوئی آخر هم و ابتدا کند کسیکه بر طرف چپ تو باشد
و پاك مکن دست خود را با پارچه بعد از شستن اول و پاك کن از آن بعد از شستن
دوم بعد از آنکه مالیده باشی تری از آن بچشمهای خود و پاك مکن دست را بچیزی هرگاه
اثر طعام باشد تا آنکه بلیسی آنرا و بکرار کن حمد خدای تعالی را در اثنای اکل و ابتدا
کن باکل پیش از حاضران اگر بوده باشی صاحب طعام و فرا گیر دست خود را از آن بعد
از ایشان و سزاوار نیست چیز خوردن بدست چپ و نه آشامیدن بآن و نه چیز خوردن
بدو انگشت و هرگاه حاضر شود نان پس انتظار مکش حاضر شدن غیر آنرا از طعم و مکذار نان

در برکات سر میزبان را بکارد واتبدا کن بنمک وختم کن بان و در روایت ختم بسرکه نیز وارد شده
وسنت حاضر کردن سبزی تازه بر مائده ونخور گوشت در یکروز دو مرتبه ونخور در
هر سه روز ومکروه است ترک ان چهل روز وخالی مکن تمام گوشت استخوانرا بلکه بگذار
در ان بقیه پس بتحقیق که روایت شده است که از برای جن در ان بهره ایست واینکه هرکه بکند این
میرود از خانه او انچه بهتر از ان باشد وسنت طول دادن نشستن بر مائده را اگر
بوده باشی تو صاحب طعام پس بتحقیق که روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسندی
حسن از زراره که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمودند که
سه چیز است که هرگاه بیاموزد انها را شخصی خواهد بود انها زیادتی در عمر او و بقای
نعمت بر او پس گفتم من که چیست انها فرمودند که طول دادن در رکوع و سجود
در نماز و طول دادن نشستن بر طعام هرگاه چیزی بخورد بر مائده خود و بجا اوردن
احسان بسوی اهل ان و بگو بعد از فراغ از اکل انچه روایت شده از حضرت صادق علیه السلام
الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین وسقانا فی ظمائین وکسانا
فی عارین وهدانا فی ضالین وحملنا فی راجلین وآوانا فی ضاحین
واخدمنا فی عانین وفضلنا علی کثیر من العالمین واما انچه مشهور
شده است در این زمان از خواندن سوره فاتحه بعد از طعام پس اطلاع نیافتم من بر ان در
کتابهای حدیث وسزاوار است که بشویند حاضران دستهای خود را همه در یک طشت
و برندارند و بریزند تا پر شود وسنت خلال کردن ومکروه است ساختن از برگ
خرما و از نی و ریحان و مورد و انار وسزاوار است بیرون انداختن انچه بیرون اید از میان
دندانها بخلال وفرو بردن انچه بیرون اید بزبان وسزاوار است که بوده باشد انچه
میخوری تو موافق انچه خواهند انرا عیال تو نه انچه میخواهی انرا تو نه ایشان پس بتحقیق که

بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بایات الله فان الله سریع الحساب
منافع این ایت در محبت است پیاورد کوزه نو و بیست و یک نوبت بر
خواند و در ان اندک شکر در افکند و بخورد مطلوب دهد مرادش میسر
گردد بقدرت حق تعالی ایت زین للناس حب الشهوات من
النساء والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة
والانعام والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن الماب
هرکس تلاوت این ایت در عقب نمازها نافله کند در وقت کار در فراخ
روزی گردد و مرتبه بزرگی رسد واز اشراف الناس شود واکثر علم
مخفی بر وی کشف گردد مثل کیمیا و سیمیا و مانند ان چهل روز صایم
شود و مثل ترک حیوانی کند و افطار بچیزی حلال کند و هر روز هزار
نوبت بخواند در اخر روز مراد خود برسد

روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق که فرمودند که پیغمبر
صلی الله علیه واله که مؤمن میخورد بخواهش اهل خود ومنافق میخورد اهل او
بخواهش او واما اداب اشامیدن اب پس اینست که بگوئی نزد اشامیدن اب
الحمد لله منزل الماء من السماء ومصرف الامر کیف یشاء بسم الله
خیر الاسماء ومیگوئی بعد از اشامیدن ان الحمد لله الذی سقانی ماء عذبا
ولم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی الحمد لله الذی سقانی فارونی واعطانی
فارضانی وعافانی وکفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی
المعاد من حوض محمد صلی الله علیه واله وتسعده بمرافقته برحمتک
یا ارحم الراحمین وسنت است اشامیدن اب اهسته اهسته نه یکبار پس بتحقیق
که روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه واله که اشامیدن اب بیکدفعه عبا موث کباد است
وسزاوار است که بیاشامی اب را بدست خود و ببسم نفس وحمد کن خدای تعالی را بعد از هر نفسی
وسؤال کرده شده است از حضرت صادق از اشامیدن بیک نفس پس فرمودند که اگر انکه اب میدهد
تو بنده تو باشد پس بیاشام به سه نفس واگر ازاد باشد بیاشام بیک نفس و بتحقیق که
روایت شده است که هرکه بیاشامد اب پس باز گیرد انرا و حمد کند خدای تعالی را سه مرتبه
واجب میشود از برای او بهشت وبسیار مخور اب پس بتحقیق که روایت شده است از
حضرت صادق که پرهیز از بسیار خوردن اب پس بدرستیکه ان ماده هر دردی است
و روایت شده است که هرکه بیاشامد اب پس یاد کند حضرت امام حسین علیه السلام ولعن کند
کشنده او را مینویسد خدای تعالی از برای او صد هزار حسنه و ساقط میکند از او صد
هزار گناه و بلند میکند از برای او صد هزار درجه و بمنزله انست که ازاد کرده باشد
صد هزار بنده باب سیم در انچه کرده میشود میان زوال افتاب تا غروب بعد در این باب مقدمه است

برید قال اللهم تا اخر من تشاء بغیر حساب
اذ قالت امراة عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت
السمیع العلیم فلما وضعتها قالت رب انی وضعتها انثی والله اعلم
بما وضعت ولیس الذکر کالانثی وانی سمیتها مریم وانی اعیذها
بک وذریتها من الشیطان الرجیم فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها
نباتا حسنا وکفلها زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها
رزقا قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عند الله ان الله یرزق من
یشاء بغیر حساب هرکس را فرزندی نباشد و یا در وجود اید خطا کند
این ایت را بر لوح نقره در شرف شمس منقوش سازد و سه روز و سه شب
تیمم سازد و زنان که زن بیاورد حق تعالی فرزندی مقبول کرامت
کند اما نقاش باید که طاهر و صایم باشد این ایت اینست

وچند فصل است روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله که فرموده که در زوال آفتاب میشود کشوده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و مستجاب میشود دعا پس خوشا حال کسی را که بالا برده شود از برای او عمل صالح
و روایت کرده شده است نیز از پیغمبر صلی الله علیه واله که فرمود که آفتاب را نزد زوال
حلقه است که داخل میشود در آن پس هرگاه داخل شود در آن زایل میشود آفتاب پس تسبیح میکند
هر چیز که پائین عرش است بحمد پروردگار من عز وجل و آن ساعتیست که صلوات
میفرستد بر من در آن پروردگار جل جلاله و فرض کرده است بر من و بر امت من
در آن نماز و فرموده است اقم الصلوة لدلوک الشمس الی غسق اللیل یعنی بپا دار
نماز را از زوال آفتاب تا نصف شب و این ساعتیست که می آورند در آن جهنم را در روز
قیامت پس نیست مؤمنی موافق افتاده باشد آن ساعت را با اینکه بوده باشد آن
ساعت را در آن اینکه بوده باشد او سجده کننده یا رکوع کننده یا ایستاده مگر اینکه حرام
گرداند خدای تعالی بدن او را بر آتش و سزاوار است برخواستن بسوی نماز در اول
وقت آن خواه نماز واجب باشد یا سنت مگر آنچه استثنا شده پس بدرستیکه
فضل اول وقت بر آخر آن مثل فضل آخرت است بر دنیا چنانکه روایت شده از
حضرت صادق ع و روایت شده نیز از آن حضرت ع که اول وقت خشنودی خدای
تعالی است و آخر آن عفو خدا و ظاهر اینست که این فضیلت دریافت میشود بمشغول
شدن در اول وقت بمقدمات نماز مانند طهارت بی سستی و درنگ چنانکه گفته
شهید ره و موقوف نیست دریافتن آن بر داخل شدن در نماز در اول وقت و اما
آنچه در بعضی روایات مذکور شده که ظاهرش خلاف اینست چنانکه روایت
شده از ائمه ع که توقیر و تعظیم نکرده است نماز را که تاخیر کرده است طهارت را تا اینکه

داخل وقت شود پس نیافته ام من از برای او سندی که اعتماد باشد بر آن و بر تقدیر اندک
عمل بآنچه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت صادق ع
که هر که بشنود چیزی از ثواب بر چیزی پس بکند آنرا خواهد بود از برای او اجر آن و هرچند
نبوده باشد حدیث چنانکه رسیده است باو پس آن ضرر نمیکند ما را چون دلالت
نمیکند مگر بر اینکه در میان در آمدن طهارت میان اول وقت و سزاوار است
انتظار کشیدن نماز و مشرف شدن بسوی وقت آن چنانکه روایت شده که پیغمبر صلی الله
علیه واله انتظار میکشیدند وقت نماز را و میفرمودند ارحنا یا بلال یعنی داخل
کن بر ما راحت را ای بلال باعلام کردن بداخل شدن وقت چنانکه فرموده است قرة
عین من در نماز است و اول زوال شروع کردن سایه است در زیادتی بعد از کم شدن
یا حادث شدن آن بعد از برطرف شدن پس بدرستیکه هرچند زیاده میشود بلندی
آفتاب زیاد میشود کم شدن سایه تا اینکه هرگاه برسد آفتاب بآنچه نهایت بلندی است در آن روز میرسد
سایه بآنچه نهایت بلندی است در آن روز یا بالکلیه برطرف میشود و این نزد رسیدن آفتاب است
بدایره نصف النهار یعنی منتصف مابین مشرق و مغرب و معلوم است که در این وقت اوضاع
آفتاب نسبت بساکنان بعضی اقالیم میباشد در وقت زوال در طرف جنوب از سمت الراس
ایشان و نسبت ببعضی در طرف شمال و نسبت ببعضی مقابل سر ایشان می افتد پس در آن
دو موضع اول برطرف نمیشود سایه در منتصف روز بلکه میماند در این وقت در انتهای کوتاهی
آن بقیه از سایه کشیده بطرف شمال یا جنوب و در این دو حال شروع سایه در زیادتی اول
وقت زوال است و در موضع سیم برطرف میشود سایه بالکلیه و اول ظاهر شدن آن اول وقت
زوال است و سایه شاخص را پیش از زوال ظل میگویند و بعد از آن فیء میگویند چه فیء
بمعنی رجوع است و سایه بعد از زوال رجوع میکند بتدریج بمقداری که داشت پیش از آن

زوال و میکشد وقت فضیلت نماز ظهر از زوال تا اینکه بکردد فیء یعنی سایه که حادث میشود بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت نماز ظهر از زوال تا اینکه بکردد فیء یعنی سایه که حادث میشود بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت عصر تا اینکه بکردد فیء دو برابر شاخص و سنتست برای تو تاخیر کردن هر یک از فریضه ظهر و عصر از اول وقت آن بقدر اینکه بکذاری نافله انرا و کسی که نافله انرا نمیکذارد پس سزاوار نیست از برای او تاخیر از اول وقت فضیلت و مشهور اینست که وقت نافله ظهر و انرا صلوة اوابین میکویند از زوالست تا اینکه بکردد فیء و قدم یعنی بقدر هفت شاخص چه غالب اینست که قامت هر شخص بقدر هفت قدم است بقدم خودش و وقت نافله عصر و انرا تسبیح میکویند از فارغ شدن از ظهر تا اینکه بکردد فیء چهار قدم و بعضی از علمای ما بر آنند که میکشد وقت این نافلها بکشیدن وقت فضیلت فریضه ان ها پس نافله ظهر تا اینکه بکردد فیء مثل شاخص و نافله عصر تا اینکه بکردد دو برابر ان و این قول دور نیست و در روایت معتبره دلالت بر آن هست بلکه در بعضی احادیث واقع شده انچه دلالت میکند بر اوسع ظاهر ابر انچه زیاده ازین توسعه است چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق ع که فرموده نماز نافله بمنزله هدیه است هر کاه اورده شود ان قبول کرده میشود پس مقدم دار هر چه را خواهی و موخر دار هر چه را خواهی و لیکن نمیدانم کسی از علمای ما را که عمل کرده باشد بانچه مستفاد میشود از اطلاق این روایت از توسعه در تقدیم و تاخیر و کویا مراد بتقدیم اداست و بتاخیر قضا والله اعلم و مشهور میان علما قدس الله اسرارهم اینست که جایز نیست اعتماد بر ظن بداخل شدن وقت مکر با عدم قدرت بر تحصیل علم انتهی پس جایز نیست در ان اعتماد بر خبر یک عادل و نه بر اذان شهر هر چند موذن عادل باشد مکر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر اینست که جایز است

اعتماد بر اذان یک عادل اما خبر دادن دو عادل یا اذان ایشان پس ظاهر جواز اعتماد بر انست هر چند قادر باشد بر تحصیل علم زیرا که علم شرعی حاصل است بان و سزاوار است از برای کسی که اعتنا داشته باشد بشان نوافل و اهتمام بدریافتن فضیلت اول وقت اینکه اماده کرده باشد و در صحن خانه خود یا بر روی بام خود چوب راستی که نصب کرده شده باشد در مکان هموار و باید که از راستی نصب شده باشد که بهیچ طرف میل نکرده باشد بهفت حصه پس هر کاه برسد سایه انبهایت نقصان و ابتدا کند در زیاد یا در حادث شدن پس شروع کند در نافله ظهر اکر کسی است که توفیق داده باشد خدای تعالی او را برای بجا اوردن نوافل یاد دادای ظهر در اول وقت ان اکر محروم است از ان سعادت و تفحص کند فیء را پس هر کاه بکردد بقدر دو سبع شاخص یا مثل ان بنابر خلاف مشخص شود برای نافله کذاردن بیرون وقت نافله ظهر پس اکر در این وقت هنوز تمام نکرده باشد یک رکعت انرا ترک کند نافله را و مشغول شود بفریضه و اکر تمام کرده است یک رکعت انرا و تمامی رکعت بان میشود که فارغ شده باشد از ذکر سجده دویم و هر چند بر نداشته باشد سر را از ان پس مقدم دارد هفت رکعت باقی را بر فریضه و ظاهر تر انست که شش رکعت باقی در این هنکام اداست زیرا که هشت رکعت در حکم یک نماز است بعد از ان بکذارد نماز ظهر را و تفحص میکند سایه را بعد از ان پس اکر نرسیده باشد بچهار سبع شاخص یا دو برابر ان و بنابر انچه کذشت از خلاف پس شروع میکند در نافله عصر و اکر رسیده باشد پس معلوم میشود بیرون رفتن وقت ان و خواهد بود حال ان در ترک ان و مقدم داشتن بر فریضه مثل حال نافله ظهر چنانکه کذشت و انچه مذکور شد در غیر روز جمعه است و در جمعه زیاد میشود بر ان دو هشت رکعت چهار رکعت دیکر و میکذارد در ان بیست رکعت همه رکعت را پیش از زوال در حالیکه سه حصه کرده باشد انرا ثلث انرا که

شش رکعت باشد در وقت پهن شدن آفتاب و ثلث یکر در وقت بلند شدن آن و ثلث یکر در
وقت راست ایستادن آن و میگذارد باقی در رکعت را بعد از زوال

فصل

انچه بجا می اوری بعد از مشخص شدن زوال اینست که بخوانی انچه را روایت کرده است
رئیس محدثین در فقیه که حضرت باقر علیه السلام تعلیم کرده است او را محمد بن مسلم و
فرموده است باو محافظت کن بر این چنانکه محافظت میکنی بر چشمهای خود و آن اینست سُبحان
الله وَلا اِلٰه اِلّا الله وَالحمدُ لله الذی لم یتّخذ ولدا و لم یکن له شریکٌ فی
المُلک و لم یکن له ولیٌّ من الذلّ و کبّره تکبیرا بعد از ان بشتاب بسوی
وضو بعد از ان شروع میکنی در نافله زوال پس نیت میکنی دو رکعت اول را و میگوئی
هفت تکبیر را با دعاهای انها بر نحوی که گذشت ذکر ان در باب اول بعد از ان میگوئی اعوذ
بالله من الشیطان الرجیم و میخوانی بعد از فاتحه در رکعت اول سوره توحید و در رکعت
دوم سوره جحد چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن بعد از سلام
میدهی و میگوئی ان سه تکبیر را که بعد از نماز سنت است چنانکه گذشت و تسبیح فاطمه
بعد از ان میگوئی اللّهمّ انّی ضعیفٌ فقوّ فی رضاک ضعفی وخذ الی الخیر
بناصیتی واجعل الایمان منتهی املی و رضای و بارک لی فیما قسمت لی و بلّغنی
برحمتک کلّ الذی ارجو منک واجعل لی ودّا و سرورا للمؤمنین و عهدا عندک
بعد از ان میگذاری دو رکعت دیگر به همان نحو بغیر شش تکبیر که در اول نماز گفته میشود با دعاهای
انها بعد از ان دو رکعت دیگر مثل انها و میخوانی بعد از هر یک ازین دو رکعتها تعقیب و دعاهائی را
که مذکور شدند و بعد از انکه تمام کردی شش رکعت را با توابع ان برمیخیزی و اذان میگوئی از
برای ظهر و فاصله میکنی میان اذان و اقامت بدو رکعت بر همان منوال و این دو رکعت
هفتم و هشتم اند از نافله ظهر بعد از ان اقامه میگوئی و میگوئی بعد از اقامه اللّهمّ

ربّ هذه الدعوة التامّة والصلوة القائمة بلّغ محمّدا صلّی الله علیه و اله
الدرجة والوسیلة والفضل والفضیلة بالله استفتح و بالله استنجح و بمحمّد
صلّی الله علیه و اله اتوجّه اللّهمّ صلّ علی محمّد و اله واجعلنی عندک
وجیها فی الدنیا والاخرة ومن المقرّبین بعد از ان مشغول شو بنماز ظهر و رعایت
کن جمیع انچه رعایت کردی در نماز صبح از اعمال وابسته بکن قرائت را بغیر بسم الله
الرحمن الرحیم و میخوانی در رکعت اول سوره سبّح اسم ربّک الاعلی یا والشمس یا انچه
شبیه انها باشد در درازی چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب
از حضرت صادق بسند صحیح و برخیز بعد از تشهد اول گوینده انچه را میگفتی نزد
برخواستن برای رکعت دویم و بخوان حمد را با تسبیحات اربع را سه مرتبه اضافه
کنند با انها استغفاری بعد از ان تکبیر بگو برای رکوع بردارنده دستها را
چنانکه گذشت و رکوع بکن و سجود بکن بر نحوی که گذشت بعد از ان برخیز و بجا
اور رکعت دیگر بر همان نحو بعد از ان تشهد بخوان و سلام بده بعد از ان سه
تکبیر را که در تعقیب صبح مذکور شد میگوئی بعد از ان لا اله الا الله الها واحدا و نحن له
مسلمون تا اخر دعا چنانکه گذشت در تعقیب صبح بعد از ان تسبیح میکنی بتسبیح حضرت
فاطمه و میخوانی هرچه را خواهی از دعاهائی که پیش ذکر کردیم در تعقیب نماز صبح
غیر ذکرهائی که مخصوص بتعقیب صبح است و دعائی که متضمن ذکر دخول در
صباح است مثل ان سه دعای اخر بعد از ان میگوئی یا من اظهر الجمیل و
ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر یا کریم الصفح یا عظیم
المنّ یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا سامع کلّ نجوی
و یا منتهی کلّ شکوی یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا ربّاه یا ربّاه یا

ربّاه یا سیّداه یا سیّداه یا غایة رغبتاه یا ذا الجلال والاکرام
اسألك بحق محمّد وعلیّ وفاطمة والحسن والحسین وعلیّ ومحمّد و
جعفر وموسی وعلیّ ومحمّد وعلیّ والحسن ومحمّد صاحب الزمان
سلام الله علیهم ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تکشف کربی وتغفر
ذنبی وتنفّس همّی وتفرّج غمّی وتصلح شانی فی دینی ودنیای وان تدخلنی الجنّة
ولا تشوّه خلقی بالنار ولا تفعل بی ما انا اهله برحمتك یا ارحم الراحمین
بعد از ان میگوئی یا سامع کلّ صوت یا جامع کلّ فوت یا بارئ النفوس
بعد الموت یا باعث یا وارث یا سیّد السادات یا اله الالهة یا جبّار الجبابرة
یا ملك الدنیا والاخرة یا ربّ الارباب یا ملك الملوك یا بطّاش ذا البطش الشدید
یا مبدئ یا معید یا فعّالا لما یرید یا محصی عدد الانفاس ونقل الاقدام یا من
السرّ عنده علانیة اسألك بحق خیرتك من خلقك وبحقّهم الّذی اوجبت لهم
علی نفسك ان تصلّی علی محمّد واله وان تمنّ علی الساعة بفکاك رقبتی
من النار وان تنجز لولیّك وابن نبیّك الداعی الیك باذنك وامینك فی خلقك
وعینك فی عبادك وحجّتك علی خلقك علیه صلواتك وبرکاتك وعده
اللّهمّ ایّده بنصرك وتوّ اصحابه وصبّرهم واجعل لهم من لدنك سلطانا نصیرا و
عجّل فرجه ومکّنه من اعدائك واعداء رسولك یا ارحم الراحمین بعد از ان
میگوئی اللّهمّ ربّ السموات السبع وربّ الارضین السبع وما فیهنّ وما
بینهنّ وما تحتهنّ وربّ العرش العظیم وربّ جبرئیل ومیکائیل و
اسرافیل وربّ السبع المثانی والقران العظیم وربّ محمّد خاتم
النبیّین صلّ علی محمّد وآل محمّد واسألك باسمك الاعظم الّذی به تقوم

السموات والارض وبه تحیی الموتی وترزق الاحیاء وتفرّق بین المجتمع و
تجمع بین المتفرّق وبه احصیت عدد الاجال ووزن الجبال وکیل
البحار اسألك یا من هو کذلك ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تفعل
بی کذا وکذا بعد از ان سؤال میکنی حاجت خود را بعد از ان سجده
میکنی دو سجده شکر را و میگوئی در انها و بعد از انها انچه گذشت در نماز صبح
فصل و بعد از انکه فارغ شدی از انچه متعلق است بنماز ظهر برخیز بنافله
عصر و تکبیرة الاحرام میگوئی جهت دو رکعت اوّل پس از شش تکبیر دیگر زیرا که
سنّت نیست انها در هیچ نافله مگر در چهار نمای اوّل زوال و اوّل نافله مغرب
و وتیره و یکرکعت اخر وتر و میخوانی در نافله عصر انچه خواهی از سورها و بهتر اینست که
بخوانی در ان و در غیر ان سورهائی را که ترغیب واقع شده است در انها از ائمه هدی علیهم السلام
و اختیار میکنی از انها انچه بیرون نرود وقت بخواندن ان و بتحقیق روایت شده است از حضرت
باقر علیه السلام که هر که بخواند سوره صف را در نمازهای واجبی و سنّتی خود بدارد خدای تعالی
او را در یك صف با ملائکه خود و پیغمبران خود و هم از انحضرت است که هر که مداومت
کند بر خواندن سوره ق در نمازهای واجبی و سنّتی خود فراخ گرداند خدای تعالی
بر او روزی او را و بدهد باو نامه اعمال او را بدست راست او و حساب کند او را حساب
اندك و هم از انحضرت است که بسیار بکنید تلاوت سوره الحاقه را در نمازهای واجب و سنّت
زیرا که این از جمله ایمان بخدای تعالی و رسول او است و هرگز زایل نمیشود از خواننده
ان ایمان تا انکه بمیرد و بعد از فارغ شدن از دو رکعت اوّل میگوئی اللّهمّ انّه
لا اله الّا انت الحیّ القیّوم العلیّ العظیم الحلیم الکریم الخالق الرازق المحیی
الممیت البدیع لك الحمد ولك المنّ ولك الکرم ولك الجود ولك الامر

وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن
له کفوا احد و لم یتخذ صاحبة و لا ولدا صل علی محمد و آل محمد
وافعل بی کذا و کذا بعد ازان میگذاری دو رکعت دیگر و میگوئی بعد ازانها
اللهم رب السموات السبع تا آخر ان بعد ازان میگذاری دو رکعت دیگر و
میگوئی بعد ازانها اللهم انی ادعوک بما دعاک به عبدک یونس اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبت له و نجیته من الغم فانه دعاک و
هو عبدک و انا ادعوک و انا عبدک و سألک و هو عبدک و انا اسألک
و انا عبدک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستجیب لی کما استجبت له
و ادعوک بما دعاک به عبدک ایوب اذ مسه الضر فدعاک انی مسنی
الضر و انت ارحم الراحمین فاستجبت له و کشفت ما به من ضر و آتیته اهله
و مثلهم معهم فانه دعاک و هو عبدک و انا ادعوک و انا عبدک و
سألک و هو عبدک و انا اسألک و انا عبدک ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تفرج عنی کما فرجت عنه و ان تستجیب لی کما استجبت له و
ادعوک بما دعاک به عبدک یوسف اذ فرقت بینه و بین اهله و اذ هو فی السجن
فانه دعاک و هو عبدک و انا ادعوک و انا عبدک و انا اسألک و انا عبدک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفرج عنی کما فرجت عنه و ان تستجیب لی
کما استجبت له فصل علی محمد و آل محمد وافعل بی کذا و کذا و ذکر میکنی حاجت خود را
و بعد ازان میگذاری دو رکعت آخر را و میگوئی بعد ازان یا من اظهر الجمیل و
ستر القبیح تا آخر و بعد از فارغ شدن ازین اذان میگوئی برای نماز عصر و

حصول محبت و الفت میان زن و شوهر بنویسد این آیات را از اول سوره نسا بر قطعه حریر سفید در مشرب ادینه بهم یبت زن و شوهر و نام مادر هر دو در زیر هر دو نشانه درمیان ایشان صفا و محبت پدید آید و هر کرد میان ایشان فرق نمیشود شکست قران عظیم

سورة النساء آیات

بسم الله الرحمن الرحیم
یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء و اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیبا

اگر خواستگاری منکوحه کند و بدو ندهند یا کسی مانع باشد در شب جمعه بدار غیرت در خانه خود در دیوار این آیت را بر روق نویسد و در برابر قبله در دیوار استوار کند هفته دو نوبت با اخلاص بر خواند مرادش حاصل گردد آیت فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع تا آن

فاصله میکنی میان اذان و اقامه بسجده و دعا میکنی با آنچه گذشت در صبح و ظهر
بعد ازان مشغول شو بنماز عصر رعایت کنند جمیع آن آداب را که سابقا مذکور
شد و میخوانی در رکعت اول اذا جاء نصر الله و الفتح یا الهکم التکاثر و
مانند اینها را در کوتاهی چنانکه روایت کرده است از شیخ طایفه در تهذیب
از حضرت صادق ع بسند صحیح و بعد از فارغ شدن از نماز تعقیب میکنی با آنچه تعقیب
کردی بان در ظهر مگر آنچه مخصوص بظهر است میگوئی بعد ازان آنچه مخصوص
بعصر است و آن اینست استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم
ذو الجلال و الاکرام و اسئله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس
مسکین مستکین مستجیر لا یملک لنفسه ضرا و لا نفعا و لا موتا و لا حیوة و لا نشورا
اللهم انی اعوذ بک من نفس لا تشبع و من قلب لا یخشع و من علم لا ینفع و من
صلوة لا ترفع و من دعاء لا یسمع اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر و الفرج
بعد الکرب و الرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنک وحدک
لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک و سنت است استغفار بعد از نماز عصر
هفتاد مرتبه و قراءت سوره قدر ده مرتبه پس بتحقیق که روایت شده است از
حضرت صادق ع که فرموده که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه بیامرزد
خدای تعالی هفتصد گناه او را و از حضرت ابی جعفر ثانی ع که فرموده که هر که بخواند انا
انزلناه فی لیلة القدر ده مرتبه بعد از نماز عصر بگذرد از برای او بر مثل اعمال
خلایق در آن روز بعد ازان دو سجده شکر کن و بخوان در آنها و بعد ازانها از آنچه را
پیش گذشت و باید که بوده باشد آخر آنچه میخوانی اینکه بگوئی اللهم انی وجهت
وجهی الیک و اقبلت بدعائی علیک راجیا اجابتک طامعا فی مغفرتک

ذی ... مکین

برای اداء امانت و حاجت
نقیض الانعام و ما ملکت ایمانکم حاجت
و اجده او دعائی
بنویسد در ظرف چینی ... در خواب
تو هم دفینه باشد ... مراد خود
اثر اعلام کنند ... ان الله یأمرکم ان
تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم
بین الناس ان تحکموا بالعدل ان
الله نعما یعظکم به ان الله کان
سمیعا بصیرا این آیت را هر کی کار حاجت
طالب در دوان حاجت دشوار حاصل کردد
بنویسد و زاد ... طلوع شمس
در جامه دختر بکر ... کردن
در اوبیند و ... برکت قران
پادشاه کار او نیک کرد
آیت من یشفع شفاعة حسنة یکن
له نصیب منها و من یشفع شفاعة
سیئة یکن له کفل منها
و کان الله علی کل شیء مقیتا
و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها
او ردوها ان الله کان علی کل شیء
حسیبا الله لا اله الا هو لیجمعنکم
الی یوم القیمة

باب ستم در ذکر دعاهای ساعت بعجم

طاهرا معا مغفرتك طالبا ما اويت به على نفسك منتجزا وعدك اذ تقول ادعونى استجب لكم فصل على محمد وال محمد واقبل الى بوجهك وارحمنى واستجب دعائى **فصل** بتحقيق که گذشت که روز قسمت شده بدوازده ساعت و هر يك از آنها منسوبست بيكى از ائمه اثنى عشر صلوات الله عليهم و از براى هر يك از آنها دعائيست كه مخصوص بآنست و بتحقيق كه ما ذكر كرديم دعاهاى چهار ساعت را كه منسوبست بيكى از ائمه بچهار امام عليهم السلام و اما ساعت پنجم پس از زوال آفتابست تا گذشتن مقدار چهار ركعت و اين از حضرت باقر است و اين دعاى آنست و بهتر آنست كه بخوانى بعد از ركعت دويم از نافله زوال اللهم انت الله لا اله الا هو الحى القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم هو الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شئ عليم فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم يا غالبا غير مغلوب ويا شاهدا لا تغيب يا قريبا يا مجيب ذلكم الله ربى لا اله الا هو عليه توكلت واليه انيب اتذلل اليك تذلل الطالبين واخضع بين يديك خضوع الراغبين واسئلك سؤال الفقير المستكين وادعوك تضرعا وخفية انك لا تحب المعتدين وادعوك خوفا وطمعا ان رحمتك قريب من المحسنين واتوسل اليك بخيرتك وصفوتك من العالمين الذى جاء بالصدق وصدق المرسلين محمد عبدك ورسولك النذير المبين وبوليك وعبدك على بن ابى طالب امير المؤمنين وبالامام محمد بن على باقر علوم الاولين والاخرين والعالم بتاويل

دعاى ساعت ششم

الكتاب المستبين واسئلك بمكانهم عندك واقدمهم امامى وبين يدى حوائجى ان توزعنى شكر ما اوليتنى من نعمتك وتجعل لى فرجا ومخرجا من كل كرب وغم وترزقنى من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب وتيسر لى من فضلك ما تغنينى به عن كل مطلب واقذف فى قلبى رجاءك واقطع رجائى ممن سواك حتى لا ارجوا الا اياك انك تجيب الداعى اذا دعاك وتغيث الملهوف اذا ناداك وانت ارحم الراحمين واما ساعت ششم پس از گذشتن مقدار چهار ركعتست از زوال تا نماز ظهر و از حضرت صادق است و اين دعاى آنست و خوبست كه بخوانى اين را بعد از ركعت ششم از نافله زوال اللهم انت انزلت الغيث برحمتك وعلمت الغيب بمشيتك ودبرت الامور بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك واعجزت العقول عن علم كيفيتك وحجبت الابصار عن ادراك صفتك والاوهام عن حقيقة معرفتك واضطررت الافهام الى الاقرار بوحدانيتك يا من يرحم العبرة ويقيل العثرة لك العزة والقدرة لا يعزب عنك فى الارض ولا فى السماء مثقال ذرة اتوسل اليك بالنبى الامى محمد رسولك العربى المكى المدنى الهاشمى الذى اخرجتنا به من الظلمات الى النور وبامير المؤمنين على بن ابى طالب الذى شرحت بولايته الصدور وبالامام جعفر بن محمد الصادق فى الاخبار المؤتمن على مكنون الاسرار صلى الله عليه وعلى اهل بيته بالعشى والابكار اللهم انى اسئلك بهم واستشفع بمكانهم لديك واقدمهم امامى وبين يدى حوائجى ان تعطينى الفرج الهنى والمخرج الوحى والصنع القريب والامان من الفزع فى اليوم

العصیب وان تغفر لی موبقات الذنوب وتستر علی فاضحات العیوب
فانت الرب وانا المربوب وانا الطالب وانت المطلوب وانت الذی
تقذف بالحق وانت علام الغیوب یا اکرم الاکرمین ویا خیر الفاصلین
ویا احکم الحاکمین ویا ارحم الراحمین واما ساعت هفتم پس از نماز
ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر واین از حضرت
کاظم است واین دعا انست اللهم انت المرجو اذا اشتد الامر وانت
المدعو اذا مس الشر ومجیب الملهوف المضطر والمنجی من ظلمات البر والبحر
ومن له الخلق والامر والعالم بوساوس الصدور المطلع علی خفی السر یا
غایة کل نجوی ومنتهی کل شکوی یا من له الحمد فی الآخرة و
الاولی یا من خلق الارض والسموات العلی الرحمن علی العرش استوی له
ملء السموات وملء الارض وما بینهما وما تحت الثری وان تجهر
بالقول فانه یعلم السر واخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی اسئلک
بمحمد خاتم النبیین وخیرتک من خلقک والمؤتمن علی اداء رسالتک و
بامیر المؤمنین علی ابن ابی طالب الذی جعلت ولایته مفروضة مع
ولایتک ومحبته مقرونة برضاک ومحبتک وبالامام الکاظم موسی
ابن جعفر علیهما السلام الذی سئلک ان تفرغه لعبادتک وتخلیه
لطاعتک فاجبت دعوته ان تصلی علی محمد وآله صلوة تقضی بها عنی
واجب حقوقهم وترضی بها فی اداء فروضهم واتوسل الیک بهم و
استشفع بمنزلتهم وقد قدمتهم امامی وبین یدی حوائجی ان تجرینی
علی جمیل عوائدک وتمنحنی جزیل فوائدک وتاخذ بسمعی وبصری وعلانیتی

وسری وناصیتی وقلبی وعزیمتی وتلی الی ما تعیننی به علی هواک و
تقربنی من اسباب رضاک وتوجب لی نوافل فضلک وتستدیم لی
منائح طولک یا ارحم الراحمین فصل واما ساعت هشتم
پس از گذشتن چهار رکعت است پیش از عصر تا نماز عصر واین از حضرت
امام رضا واین دعا انست اللهم انت الکاشف للملمات والکافی
للمهمات والمفرج للکربات والسامع للاصوات والمخرج من الظلمات و
المجیب للدعوات والراحم للعبرات جبار الارض والسموات یا ولی یا مولی یا
علی یا اعلی یا کریم یا اکرم یا من له الاسم الاعظم یا من علم الانسان ما لم
یعلم فاطر السموات والارض وهو یطعم ولا یطعم اسئلک بمحمد المصطفی من
الخلق المبعوث بالحق وبامیر المؤمنین الذی اولیته فالفیته شاکرا
وابتلیته فوجدته صابرا وبالامام الرضا علی بن موسی الذی وفی
بعهدک ووثق بوعدک واعرض عن الدنیا وقد اقبلت الیه ورغب عن
زینتها وقد رغبت فیه ان تصلی علی محمد وآل محمد فقد توسلت بهم
الیک وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی ان تهدینی الی سبل مرضاتک
وتیسر لی اسباب طاعتک وتوفقنی لابتغاء الزلفة بموالات اولیائک
وادراک الحظوة من معادات اعدائک وتعیننی علی اداء فروضک و
استعمال سنتک وتوفقنی علی المحجة المؤدیة الی العتق من عذابک والفوز
برحمتک یا ارحم الراحمین واما ساعت نهم پس از نماز عصر است تا اینکه بگذرد
دو ساعت واین از حضرت جواد است واینکه دعا انست اللهم یا خالق الانوار ومقدر
اللیل والنهار تعلم ما تحمل کل انثی وما تغیض الارحام وکل شیء عنده بمقدار

اذا تفاقم امر طرح علیك واذا اغلقت الابواب فضلك واذا ضاقت الحاجات
فزع الی سعه طولك واذا انقطع الامل من الخلق اتصل بك واذا وقع الیاس
من الناس وقف الرجاء علیك اسئلك بحق النبی الاواب الذی انزلت
علیه الکتاب ونصرته علی الاحزاب وهدیتنا به الی دار المآب وبامیر
المؤمنین علی بن ابی طالب الکریم النصاب المتصدق بخاتمه فی
المحراب وبالامام الفاضل محمد بن علی علیه السلام الذی سئل فوفقته
لرد الجواب وامتحن فعضدته بالتوفیق والصواب صلی الله علیه وعلی اهل
بیته الاطهار ان تجعل موالاتی لهم عصمة من النار ونجحة الی دار القرار
فقد توسلت بهم الیك وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان
تعصمنی من التعرض لمواقف سخطك وتوفقنی لسلوك سبیل محبتك
ومرضاتك یا ارحم الراحمین واما ساعت دهم پس از دو ساعت است بعد
از نماز عصر است تا نزدیك زردی آفتاب و این از حضرت هادی است و این دعای
انست اللهم انت الولی الحمید الغفور الودود المبدئ المعید ذوا
العرش المجید والبطش الشدید فعال لما یرید یا من هو اقرب الی من حبل
الورید یا من هو علی کل شیء شهید یا من لا یتعاظمه غفران الذنوب ولا
یکبر علیه الصفح عن العیوب اسألك بجلالك وبنور وجهك الذی ملأ
ارکان عرشك وبقدرتك التی قدرت بها علی خلقك وبرحمتك التی وسعت
کل شیء وبقوتك التی ضعف لها کل قوی وبعزتك التی ذل لها کل عزیز
وبمشیتك التی ضعف فیها کل کبیر وبرسولك الذی رحمت به العباد و
هدیته به الی سبل الرشاد وبامیر المؤمنین علی بن ابی طالب اول من امن

برسولك وصدق والذی وفی بما عاهد علیه وتصدق وبالامام البر
علی بن محمد علیه السلام الذی کفیته حیلة الاعداء واریتهم عجیب الایة
اذ توسلوا به فی الدعاء ان تصلی علی محمد وال محمد فقد استشفعت بهم
الیك وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان تجعلنی من کفایتك
فی حرز حریز ومن کلائتك تحت عز عزیز وتوزعنی شکر الائك
ومنتك وتوفقنی للاعتراف بایادیك ونعمك یا ارحم الراحمین ساعت
یازدهم نزدیك زردی آفتاب است تا زردی آن و این از حضرت عسکری است علیه السلام
و این دعای انست اللهم انك منزل القرآن وخالق الانس والجان وجاعل الشمس
والقمر بحسبان المبتدئ بالطول والامتنان والمبتدئ للفضل والاحسان
وضامن الرزق لجمیع الحیوان لك المحامد والممادح ومنك العوائد والمنائح
والیك یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح وانت العالم بما تخفی الصدور
والجوانح اسئلك بمحمد صلی الله علیه واله رسولك الی الکافة وامینك
المبعوث بالرحمة والرافة وبامیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
المفترض طاعته علی القریب والبعید المؤید بنصرك فی کل موقف مشهود
وبالامام الحسن بن علی الذی طرح للسباع فخلصته من مرابضها وامتحن
بالدواب الصعاب فذللت له مراکبها ان تصلی علی محمد وال محمد فقد
توسلت بهم الیك وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان ترحمنی بالتوفیق
لترك معاصیك ما ابقیتنی وتعیننی علی التمسك بطاعتك ما
احییتنی وان تختم لی بالخیرات اذا توفیتنی وتفضل علی بالمیاسرة اذا
حاسبتنی وتهب لی العفو اذا کاشفتنی ولا تکلنی الی نفسی فاضل ولا

تحوجنی الی غیرک فاذل ولا تحملنی ما لا طاقة لی به فاضعف ولا تبتلینی بما
لا صبر لی علیه فاعجز واجرنی علی جمیل عوائدک عندی ولا تؤاخذنی
بسوء عملی ولا تسلط علی من لا یرحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین
واما ساعت دوازدهم از زرد شدن آفتابست تا غروب آن از حضرت خلف
حق وحجت بر خلق صاحب الزمان علیه السلام است دعای آن اینست اللهم یا
السقف المرفوع والمهاد الموضوع ورازق العاصی والمطیع الذی لیس له من
دونه ولی ولا شفیع اسئلک باسمائک التی اذا سمیت علی طوارق
العسر عادت یسرا واذا وضعت علی الجبال کانت هباء منثورا واذا رفعت
الی السماء تفتحت لها المغالق واذا اهبطت الی ظلمات الارض اتسعت
لها المضائق واذا دعیت بها الموتی انتشرت من اللحود واذا نودی بها
المعدومات خرجت الی الوجود واذا ذکرت علی القلوب وجلت خشوعا
واذا قرعت علی الاسماع فاضت العیون دموعا اسئلک بمحمد رسولک
المؤید بالمعجزات المبعوث بمحکم الآیات وبامیر المؤمنین علی بن ابی طالب
الذی اخترته لمواخاته ووصیته واصطفیته لمصافاته ومصاهرته
وبصاحب الزمان المهدی الذی تجمع علی طاعته الآراء المتفرقة و
تؤلف به بین الاهواء المختلفة وتستخلص به حقوق اولیائک وتنتقم
به من شرار اعدائک وتملاء به الارض عدلا واحسانا وتوسع علی العباد
بظهوره فضلا وامتنانا وتعید الحق الی مکانه عزیزا حمیدا وترجع الدین
علی یدیه غضا جدیدا ان تصلی علی محمد وال محمد فقد استشفعت بهم
الیک وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان توزعنی شکر نعمتک فی

التوفیق لمعرفته والهدایة الی طاعته وتزیدنی قوة فی التمسک بعصمته
والاقتداء بسنته والکون فی زمرته انک سمیع الدعاء برحمتک
یا ارحم الراحمین باب چهارم در آنچه کرده می شود در میان غروب آفتاب تا وقت
خواب اول وقت نماز مغرب بنابر مشهور برطرف شدن سرخی طرف مشرق است و میکشد
وقت فضیلت تا پنهان سرخی مغرب و وقت ادای آن تا اینکه باقی بماند تا نصف شب
بقدر گذاردن آن تا نماز عشا پس هرگاه تحقق کردی داخل شدن وقت را میگوئی ده
مرتبه آنچه را که روایت کرده صدوق در فقیه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
از دعای نوح پیغمبر تمام و آنچه را که روایت کرده کلینی در کافی و ذکر آنها گذشت در دعاهای
نزد طلوع صبح پس دست خود را بر سر خود بگذار و بکش بصورت خود و بگیر محاسن خود را
و بگو احطت علی نفسی واهلی ومالی وولدی من غائب وشاهد بالله الذی
لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم الحی القیوم لا تأخذه
سنة ولا نوم الی قوله وهو العلی العظیم بعد از آن سزاوار است پیشی گرفتن بسوی
نماز مغرب پس بدرستیکه مستفاد از روایات معتبره است که از برای هر نماز دو
وقتست مگر مغرب پس بدرستیکه گردانید از برای او یکوقت و متحقق میشود مغرب
بزایل شدن شفق از بالای سر و سزاوار است که ترک نشود اذان و اقامت نماز شام
و میان اذان و اقامه بنشیند چنانچه از حضرت صادق ع روایت شده که هر که بنشیند
میان اذان و اقامه خواهد بود مثل کسیکه بغلطد بخون خود در راه خدا و آنچه
گفته میشود در میان اذان و اقامه مغرب اینست اللهم انی اسئلک باقبال لیلک
و ادبار نهارک وحضور صلواتک واصوات دعائک وتسبیح ملائکتک
ان تصلی علی محمد وال محمد وان تتوب علی انک انت التواب الرحیم دبهر

از آن فاصله کردن سجده است بدانکه صفت سجدهٔ شکر آنست که سجده کند و جمیع اعضای خود را بزمین بچسباند بخلاف سجدهٔ نماز که می باید ساعد خود را از زمین جدا کند چنانچه در تعقیب گذشت و این سجدهٔ شکر در همه اوقات مطلوبست و تخصیص بعقب نماز و میان اذان و اقامه ندارد و تاکید دارد نزد تذکر نعم الهی و زیاد شود فضیلت او نزد نزول بلاء و این طریق نیت کند که شکر می کنم خدا را که این بلا را کفارهٔ معاصی من نمود یا مرا داخل در خواص بندگان خود کرد بنزول بلا نظر به البلاء للولاء و امثال اینها و از حضرت صادق مرویست که آنحضرت فرمود کسیکه خدای بزرگ خود را بر شکر نعمتی سجده کند در غیر نماز خدای تعالی از برای او ده حسنه می نویسد و از نامه اعمال او ده سیئه محو می کند و بلند میگرداند برای او ده درجه و از حضرت امام رضا مرویست که اقل آنچه در سجدهٔ شکر کافی است سه نوبت شکراً لله است و معنی شکراً لله آنست که خدا را شکر می کنم برای آنکه مرا توفیق داده است برای خدمت خود یا اداء فریضهٔ خود اگر بعد از عملی باشد یا مرا توفیق داده بشرف اسلام و ایمان و محبت اهل بیت و بغض اعداء ایشان یا صحت بدن و زیادتی مال و اولاد و امثال اینها پس بدرستیکه شکر موجب زیادتی توفیق و نعمت است چنانچه خدای تعالی می فرماید و لئن شکرتم لازیدنکم یعنی اگر شکر کنید مرا هر آینه من زیاد می گردانم از برای شما و دعاهای سجدهٔ شکر بسیار است مختصرترین اینها آنست که حضرت امیر در سجدهٔ شکر که بعد از نماز فریضه می کرد این دعا را می خواند وعظتنی فلم اتعظ و زجرتنی عن محارمک فلم انزجر و غمرتنی ایادیک فما شکرت عفوک عفوک یا کریم و از حضرت امام زین العابدین مرویست که صد نوبت بگوید الحمد لله شکراً و بعد از هر ده نوبت الحمد لله شکراً می گوید یکنوبت بگوید

شکراً للمجیب پس بگوید یا ذا المن الذی لا ینقطع ابداً و لا یحصیه غیره و یا ذا المعروف الذی لا ینفد ابداً یا کریم یا کریم پس تضرع کند و حاجت خود را مسئلت نماید و بگوید لک الحمد ان اطعتک و لک الحجة ان عصیتک لا صنع لی و لا لغیری فی احسان منک الیّ فی حال الحسنة و السیئة یا کریم یا کریم صلّ علی محمد و اهل بیته و صل بجمیع ما سئلتک و سئلک من فی مشارق الارض و مغاربها من المؤمنین و المؤمنات و ابدأ بهم و ثنّ بی برحمتک و بعد از آن جانب راست روی خود را بر زمین گذارد و بگوید اللهم لا تسلبنی ما انعمت به علیّ من ولایتک و ولایة محمد و آل محمد پس جانب چپ رو را بر زمین نهد و همین دعا را بخواند بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من الهم و الحزن و السقم و العدم و الصغار و الذل و الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و در هر نوبت دست راست خود را بر جانب چپ روی بکشد تا جانب راست روی و گفته اند که در هر نوبت دست خود را بر سینه خود بکشد و در دو سجدهٔ شکر که در عقب نماز شام بجا می آورد بگوید اسئلک بحق حبیبک محمد الا کفیتنی مؤنة الدنیا و الآخرة و کل هول دون الجنة پس جانب چپ رو را بر زمین گذارد و بگوید اسئلک بحق حبیبک محمد لما غفرت لی الکثیر من الذنوب و القلیل و قبلت من عملی الیسیر پس عود کن بسجده یعنی پیشانی بر زمین گذار و بگو اسئلک بحق محمد لما ادخلتنی الجنة و جعلتنی من سکانها و لما نجیتنی من سفعات النار برحمتک ابن ادریس در سرائر ذکر کرده که هرگاه می شود رسد دست خود را بر موضع سجده بکش و بر روی خود بکش از جانب چپ روی خود و بر پیشانی خود بکش و بر جانب راست روی فرود آور و گران هم را سه نوبت بعد

ازان افتتاح کن نماز را و رعایت کن اداب را که پیش ازاین کذشت و اختیار میکنی از
سورها در رکعت اول نصر یا تکاثر یا انچه مانند انها باشد در رکوع یا هی چنانچه
روایت کرده شیخ بسند صحیح و در رکعت دیم توحید و تعقیب میخوانی بعد از فراغ
تسبیح تکبیر معروف و تسبیح حضرت زهرا بعد ازان میکوئی انچه از حضرت صادق
روایت کرده در فقیه الحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ وَلَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ
پس تعقیب بخواند اکر خواهد زاید بران چنانچه صدوق در همان کتاب از حضرت صادق
روایت کرده که هر که نماز مغرب بکذارد پس ازان تعقیب کند و حرف نزند تا اینکه دو
رکعت نماز بکذارد نوشته میشود ان دو رکعت از برای او در علیین پس اکر
بکذارد چهار رکعت نوشته میشود انها برای او حج مقبولی و هرکاه فوت شود
وقت انها سزاوار است قضای انها مانند باقی نوافل زیرا که از ائمه علیهم السلم
در تفسیر قول خدای تعالی والذین علی صلوتهم دائمون که مراد اینست که مداومت
می کنند بر نماز سنت اکر فوت شود از ایشان در شب قضا میکنند از ادر روز
و اکر در روز فوت شود از ایشان قضا می کنند از ادر شب و سزاوار است نزد
شروع در انها اینکه افتتاح کنی رکعت اول را بان هفت تکبیر و با سه دعای انها که
کذشت و بخوانی دران بعد از حمد سوره توحید سه مرتبه و در رکعت دیم
سوره قدر و اکر اکتفا کنی بحمد مجزیست چنانچه در باقی نوافل شبانه روزیست
و سزاوار است طول دادن قرائت در جمیع انها و نوافل شب و میکوئی در سجده اخر
ازاین دو رکعت اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِیمِ وَاِسْمِكَ الْعَظِیمِ وَمُلْكِكَ
الْقَدِیمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِی ذَنْبِیَ الْعَظِیمَ اِنَّهُ لَا
یَغْفِرُ الْعَظِیمَ اِلَّا الْعَظِیمُ و هرکاه فارغ شدی از چهار رکعت مانعی نیست بکامل کردن

علم چون باربعین عمل کردد حق سبحانه و تعالی از فیض فضل نوری از غیب در دل او پدید اورد و بینی عجایب و غرایب اسرار الهی که بر اکثر خلایق محجوبست بر او منکشف کردد و از علم اندیشه و دانایی بالا برو باشد و بخطا کرده
الا در دل نشسته شود و عمل انرا تعلیم اعوذ بکردد نعوذ بالله ایت
وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا یَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِی ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ اِلَّا فِی کِتَابٍ مُبِینٍ اکر خواهد مراد و مقصود خویش در خواب مشاهده کند این ایت را بر کف دست نویسد از شب چهار دهم

از انچه در تعقیب صبح کذشت بعد از ان دو سجده شکر میکنی بانچه کذشت بعد از انکه
فارغ شدی بر میخیزی برای دو رکعت نماز غفیله پس میخوانی در رکعت اول
بعد از حمد وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی
فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ
وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ و در رکعت دیم بعد از حمد وَعِنْدَهُ
مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ
اِلَّا یَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِی ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ اِلَّا فِی كِتَابٍ
مُبِینٍ بعد از ان قنوت میخوانی و میکوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِمَفَاتِحِ
الْغَیْبِ الَّتِی لَا یَعْلَمُهَا اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ
بِی كَذَا وَكَذَا پس ازان میکوئی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتِی وَالْقَادِرُ عَلٰی
طَلِبَتِی تَعْلَمُ حَاجَتِی فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا
قَضَیْتَهَا لِی و سؤال میکنی حاجت خود را چنانچه روایت کرده هشام بن سالم
از حضرت ابی عبد الله علیه السلم که هر که نماز کند این دو رکعت را میان شام و خفتن
و دعا کند باین دعا و سؤال کند از حاجت خود را عطا کند او را انچه سؤال کرده
و وجه تسمیه این ساعت بساعت غفلت انست که شیطان پراکنده می کند لشکر
خود را در هر شب درین ساعت و بخود مشغول می شوند و از مردمان غفلت می کنند
چنانچه لشکر روز را پراکنده و معین میکند میان طلوع فجر و افتاب چنانچه این
مضمون را در فقیه از حضرت باقر روایت کرده و فرموده انحضرت که حضرت رسالت
فرموده که بسیار کنید ذکر خدا را در این دو ساعت و التجا کنید بخدا از شر شیطان و لشکر او
و اطفال نماشد کودکان خود را در این دو ساعت بدرستیکه این دو ساعت ساعت غفلت اند و

وظاهر انستکه مراد میان مغرب و وقت نماز عشاست یعنی میانه غروب آفتاب و برطرف شدن شفق است و هر که بکذارد این وقت وقت گذشته و از آنچه سنت است کردن آن در ساعت غفلت دو رکعت است که بخوانی بعد از حمد سوره قل هو الله احد در رکعت دویم واما در رکعت اول میخوانی بعد از حمد سی وسه مرتبه اذا زلزله پس بتحقیق روایت کرده شیخ طوسی از حضرت صادق که هر که بکذارد این را در هر شبی فراحمت کند با من در بهشت یعنی در درجه من باشد و نداند ثواب آنرا مگر خدای تعالی واول وقت نماز عشا فارغ شدن از مغربست بنا بر مذهب مشهور و وقت فضیلت آن باقیست تا ملک شب و وقت ادای آن تا مقدار گذاردن چهار رکعت پیش از نصف شب پس سزاوار انستکه مبادرت کند باذان و اقامه با دعاهای آنها چنانچه گذشت بعد از آن افتتاح کن بهفت تکبیر و دعاهای او و میخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره اعلی یا شمس یا آنچه مانند اینها باشد در درازی و در رکعت دویم سوره توحید پس قنوت می کنی و طول میدهی قنوت را و تعقیب را زیرا که وقت وسیعست با آنچه گذشت از قنوت و تعقیبات مشترکه میان صبح و شام پس میگوئی اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ وَلَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا عَافِيَتَكَ وَاَصْلِحْ لَنَا مَا اَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وبعد از آن میخوانی هر یک از سوره فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را ده مرتبه بعد

ازان میگوئی سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ ده مرتبه بعد از آن میگوئی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بعد از آن ده مرتبه میگوئی اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَمَتِّعْنِيْ بِالْعَافِيَةِ مَا اَبْقَيْتَنِيْ فِيْ سَمْعِيْ وَبَصَرِيْ وَجَمِيْعِ جَوَارِحِيْ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ اِلَيْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ بعد از آن میگوئی و آن از دعاهای طلب روزیست اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَيْسَ لِيْ عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِيْ وَاِنَّمَا اَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلٰى قَلْبِيْ فَاَجُوْلُ فِيْ طَلَبِهِ الْبُلْدَانَ وَاَنَا فِيْمَا اَطْلُبُ كَالْحَيْرَانِ لَا اَدْرِيْ اَفِيْ سَهْلٍ هُوَ اَمْ فِيْ جَبَلٍ اَمْ فِيْ اَرْضٍ اَمْ فِيْ سَمَاءٍ اَمْ فِيْ بَرٍّ اَمْ فِيْ بَحْرٍ وَعَلٰى يَدَيْ مَنْ وَمِنْ قِبَلِ مَنْ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَاَسْبَابَهُ بِيَدِكَ وَاَنْتَ الَّذِيْ تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ وَتُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِيْ وَاسِعًا وَمَطْلَبَهُ سَهْلًا وَمَاْخَذَهُ قَرِيْبًا وَلَا تُعَنِّنِيْ بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِيْ فِيْهِ رِزْقًا فَاِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِيْ وَاَنَا فَقِيْرٌ اِلٰى رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ عَلٰى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ اِنَّكَ ذُوْ فَضْلٍ عَظِيْمٍ واین دعاییست جهة طلب روزی بسیار خوبست بعد ازان سجده میکنی دو سجده شکر و میگوئی در سجده اول اَللّٰهُمَّ اَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ يَا اَحَدُ مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا اَحَدُ مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيْدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُوْدًا يَا مَنْ لَا يَزِيْدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُوْدًا صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ اَنْ تَفْعَلَ بِيْ كَذَا وَكَذَا بعد ازان میگذاری گونه راست خود را بر زمین و میخوانی این دعا را بعد ازان

کذاری کونه چپ خود را بر زمین و میخوانی این دعا را بعد از آن عود میکنی بسجود و میکذاری پیشانی خود را بر زمین و میخوانی این دعا را بعد از آن میکوئی این دعا را که رفع میشود بان سختیها یا سابغ النعم یا دافع النقم یا بارئ النسم یا مجلی الهمم یا مغشی الظلم یا کاشف الضر و الالم یا ذا الجود و الکرم یا سامع کل صوت یا مدرک کل فوت یا محیی العظام و هی رمیم و منشئها بعد الموت صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا یا ذا الجلال و الاکرام بعد از آن میکذاری دو رکعت وتیره را نشسته و جایز است کذاردن آنها ایستاده لکن نشستن افضل است از ایستادن و میکشد وقت این دو رکعت بکشیدن وقت عشا پس بعد از نصف شب قضا می شوند و افتتاح می کنی آنها را بهفت تکبیر با سه دعای مذکور و می خوانی در رکعت اول سوره ملک یا واقعه و در دویم سوره توحید و می خوانی بعد از فراغ هر دعائی را اگر خواهی باب پنجم در آنچه کرده می شود در میانه وقت خواب تا نصف شب اول آنچه بجا میآوری از آن زد اراده خواب طهارتست و اینکه روایت کرده صدوق در فقیه از حضرت صادق که هر که طهارت بگیرد بعد از آن جای گیرد در فراش خود شب بروز آورد در حال آنکه فراش او مانند مسجد او باشد و جایز است تیمم برای خوابیدن هر چند قادر باشد اینکه بر آب مانند تیمم از برای نماز جنازه و از اعمال سنتی نزد خوابیدن خواندن سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون است چنانچه بسند صحیح صدوق در فقیه روایت کرده و کلینی بسند صحیح از ابی سامر روایت کرده که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله که میفرمود هر که بخواند قل هو الله احد را صد مرتبه هنگامی که میرود بخوابگاه خود آمرزیده شود برای او آنچه قبل از آن کرده باشد بنجاه

الانهار و قالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق و نودوا ان تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم تعملون اگر خواهد که ادوح را مشاهده کند پا و دو زهره مرغ سیاه که در روز ذبح کرده باشد و معارنه عطارد و مشتری بسوزاند با توتیا و مخلوط کند و سه روز بر آن نکاه کند بعد از آن صباح و مساء هفتاد و نوبت بخواند و آن سرمه را در چشم کشد و یک ساعت چشم فرو گیرد و بعد از آن بگشاید ارواح را مشاهده کند اما باید که سر را فاش نکند و آن حضرت فرمود که این آیت است ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامره الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین

سال و روایت کرده در کافی نیز از آنحضرت که فرمود حضرت رسالت که هر که بخواند سوره الهکم التکاثر را نزد خواب نگاه داشته شود از فتنه قبر و سزاوار است آنکه بخوانی وقتیکه بخوابی بپهلو آنچه روایت کرده صدوق در فقیه از محمد بن مسلم که فرمود حضرت ابو جعفر که هر گاه بخوابد مرد بر دست راست خود پس باید که بگوید بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک و الجات ظهری الیک و توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا ملجا و لا منجا منک الا الیک آمنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح زهرا علیها السلام و در حدیث بدانکه مشهور استحباب تسبیح زهرا است در دو وقت یکی بعد از نماز و دیگری نزد خوابیدن و ظاهر روایتی که وارد شده است تقدیم سبحان الله است بر الحمد لله و ظاهر روایت صحیحی که وارد شده است در باب تسبیح زهرا علیها السلام مطلقا اقتضا میکند تاخیر از آن و سزاوار است که بوده باشد خوابیدن تو بر جانب راست پس بدرستیکه آن خواب مومنانست چنانچه در حدیث صحیح وارد شده و از آنچه خوانده می شود نزد بپهلو خوابیدن است که چون بخوابگاه خود میروی سه مرتبه بگو الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر در کافی بسند صحیح روایت کرده که هر که بگوید بدین طریق بیرون رود از گناهان مانند حالی که زائیده است او را مادر او و روایت شده است در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود هر که بخواند این آیه را نزد خوابیدن قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم

کشودن ... این آیات را ... در زمین کرد در بجهت زیتون نویسد و در زمین کشت یا شد و از درخت و زرع و کشت ... بلند سفید ... میوه ... از آنجا بکرد ... ملخ و کرم محفوظ ماند از آنجا بکرد ... و هو الذی یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته حتی اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد میت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من کل الثمرات کذلک نخرج الموتی لعلکم تذکرون و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه ... این آیت را ... چشم خواند صد و بیست ... نوبت با سوره تبارک ... و چون ... بخت بسته باشد ... کشاده گردد ... و لو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء ... اذا جاء نصر الله و الفتح ... این آیت را ... سبز نویسد و در کلاه ... چشم ...

اِلٰهٌ واحِدٌ فَمَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً وَلا يُشْرِكْ بِعِبادَةِ
رَبِّهِ اَحَداً بلند شود از برای او نوری بسوی مسجد الحرام در میان ان نور ملئکه
باشند که استغفار کنند از برای او و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت
صادق ع که فرمود نیست بنده که بخواند اخر کهف را وقتیکه میخوابد مگر اینکه بیدار شود
و این از اسرار عجیبه است و مجربه که نیست شکی دران و نیز در کتاب مذکور از حضرت صادق
بسند صحیح روایت کرده که فرمود هرگاه بترسی از جنابت پس بگو در رختخواب خود اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنَ الاِحْتِلامِ وَمِنْ شَرِّ الاَحْلامِ وَمِنْ اَنْ يَتَلاعَبَ بِیَ الشَّيْطانُ
فِی الْيَقْظَةِ وَالْمَنامِ و نیز روایت شده است در کتاب مذکور که هرگاه پیغمبر ص بخواب می
رفتند میفرمودند بِاسْمِكَ اللّٰهُمَّ اَحْيا وَبِاسْمِكَ اَمُوتُ و هرگاه بیدار میشدند
می فرمودند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی اَحْیانی بَعْدَ ما اَماتَنی وَاِلَیْهِ النُّشُورُ و روایت
شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق ع که فرمود هرگاه بشنوی اواز خروس
بگو سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لا اِلٰهَ
اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسی فَاغْفِرْ لی اِنَّهُ لا يَغْفِرُ
الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ و از انچه سزاوار است کردن ان نزد خواب سرمه کشیدنست
در حدیثست که سرمه کشیدن نزد خواب امانست از خوابیکه نازل شود در چشم
و روایت شده است که انحضرت میخواندند این دعا را نزد سرمه کشیدن اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ
النُّورَ فی بَصَری وَالْبَصیرَةَ فی دینی وَالْيَقينَ فی قَلْبی وَالاِخْلاصَ فی عَمَلی
وَالسَّلامَةَ فی نَفْسی وَالْعافِيَةَ فی دینی وَالسَّعَةَ فی رِزْقی وَالشُّكْرَ
لَكَ اَبَداً ما اَبْقَيْتَنی و روایت کرده کلینی در کافی از حضرت صادق ع که فرمود هرگاه

صلابت نماید ایت فَاَلْقی عَصاهُ
فَاِذا هِیَ ثُعْبانٌ مُبینٌ وَنَزَعَ يَدَهُ
فَاِذا هِیَ بَيْضاءُ لِلنّاظِرينَ این
ایت را بنویسد مفید است از برای
دفع وساوس و ازاله خوف بیهوده
دفعه در طلوع شمس یک یک فرو برد
و در عقبش بخورد اب ان بنابر این
شک و وسوسه و خوف و فکرهای
مختلف از دل وی زایل کردد و خرد و
حکمت و فیض در دلش نزول کند
وَاِمّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ
بِاللّٰهِ اِنَّهُ سَميعٌ عَليمٌ اِنَّ الَّذينَ اتَّقَوْا
اِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ تَذَكَّرُوا
فَاِذا هُمْ مُبْصِرُونَ منافع سوره انفال
بنیت توانگر سه نوبت بخواند حق
تعالی او را متمول کرداند و اگر در میان
جماعتی نزاع و مجادله باشد این ایت را
هفت نوبت بصدق برخواند بهیئت
ایشان صلح افتد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ
يَسْئَلُونَكَ عَنِ الاَنْفالِ قُلِ الاَنْفالُ
لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَصْلِحُوا ذاتَ

چند مرد چیزی را که ناخوش دارد در خواب خود پس بگردد از جای که بران خوابیده بوده
و بگوید اِنَّمَا النَّجْوی مِنَ الشَّيْطانِ لِيَحْزُنَ الَّذينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضارِّهِمْ شَيْئاً
اِلّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَی اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ بعد از ان بگوید عُذْتُ بِما عاذَتْ
بِهِ مَلائِكَةُ اللّٰهِ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِياؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبادُهُ الصّالِحُونَ
مِنْ شَرِّ ما رَاَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ باب ششم در انچه گذارده می شود در
میان نصف شب تا طلوع صبح بدانکه روایات بسیار وارد شده است از اصحاب
عصمت علیهم السلام در باب برخواستن شب و بیان فضیلت ان روایت کرده کلینی در کافی
بسند صحیح از حضرت صادق ع که فرمود شرف مؤمن برخواستن اوست در شب و عزت
او استغنای اوست از مردم و روایت کرده است نیز در کافی بسند حسن از عبد الله بن سنان
که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله ع که میفرمود سه چیز است که اینها فخر مؤمن و
زینت اوست در دنیا و اخرت نماز در اخر شب و مایوس بودن او از انچه در دست های
مردمست و یاری کردن او امام را از ال محمد صلی الله علیه و اله و روایت کرده است
نیز در کافی از انحضرت در قول خدای تعالی كانُوا قَليلاً ما يَهْجَعُونَ که فرمود بودند
ایشان که اقل شبها فوت میشد از ایشان که بر نمیخواستند و روایت کرده است در کافی نیز
که امد مردی بخدمت امیر المؤمنین ع پس گفت بدرستیکه من محروم از نماز شب پس فرمود
انحضرت ع که تو مردی که بتحقیق در بند کرده است ترا گناهان تو و روایت کرده است
شیخ در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق ع در قول خدای تعالی اِنَّ ناشِئَةَ اللَّيْلِ
هِیَ اَشَدُّ وَطْئاً وَاَقْوَمُ قيلاً که فرمود برخواستن اوست از رخت خواب که اراده ندارد
بان مگر خدا را و در همان کتاب از همان جناب نیز بسند صحیح روایت کرده که فرمود نیست مؤمنی
مگر اینکه بیدار شود در هر شب یکمرتبه یا دو مرتبه پس اگر چیزی خواهد بود ان بسیار گناه

وَاَطيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ اِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنينَ هر کس که دل سخت باشد
و موعظه قبول نکند پاره از جو یکی
به نیت او خمیر کند و سر قرص به برد
و چهل نوبت این ایت را بر وی خواند و بخورد
انکس دهد دلش رقیق کردد و پند
موعظه بجان و دل قبول کند اِنَّمَا
الْمُؤْمِنُونَ الَّذينَ اِذا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتْ
قُلُوبُهُمْ وَاِذا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آياتُهُ
زادَتْهُمْ ايماناً وَعَلی رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ
و اگر در دست ظالمی گرفتار شود و
چاره و خلاص از ان نداند این ایت را چند انکه
تواند تلاوت کند حق تعالی فرشتگان
رحمت را مدد او فرستد مؤلف این
کتاب احمد تمیمی گوید که نوبتی در مسافرت
بودم در خطر افتادم قریب هفده
کس رسیدند از قطاع طریق شمشیرها
برکشیده و انچه با من بوده از الات و
اجناس مجموع بردند و انگاه قصد کشتن
من کردند من متحیر شدم و هیچ تدبیری
ندانستم مصحفی داشتم حایل کردم

واگر نه مکشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول میکند در گوش او آیا نمی بیند احدی از شما که هرگاه برنمیخیزد و نبوده است این از او برمیخیزد و حال آنکه گران و مکدر و سنگین و کاهلست و روایتکرده نیز از عمرو بن یزید بسند صحیح از آنحضرت که فرمود بدرستیکه در شب هر آینه ساعتی هست که موافق نمی افتد از آن بنده مسلمانی که نماز کند و دعا کند خدا را در آن مگر اینکه مستجاب کند خدای تعالی برای او و گفتم اصلحک الله کدام ساعت است از شب فرمود که هرگاه بگذرد نصف شب تا ثلث باقی و فرمود در تفسیر آیه شریفه سیماهم فی وجوههم من اثر السجود که آن بیداری در نماز است و روایات از اصحاب عصمت علیهم السلام بسیار است فصل هرگاه بیدار شوی از خواب پس اول آنچه سزاوار است برای تو عمل آن اینست که سجده کنی از برای خدای تعالی پس بتحقیق که روایت شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه بیدار می شدند از خواب خود سجده می کردند بعد از آن بگو در حال سجود یا بعد از برداشتن سر از آن الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده و اعبده و در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایتکرده که فرمود هرگاه برخیزی در شب پس نگاه کن در اطراف آسمان و بگو اللهم انه لا یواری عنک لیل ساج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا ظلمات بعضها فوق بعض و لا بحر لجی تدلج بین یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و غارت النجوم و نامت العیون و انت الحی القیوم لا تاخذک سنة و لا نوم سبحان الله رب العالمین و اله المرسلین و الحمد لله رب العالمین بعد از آن بخوان پنج آیه از آخر آل عمران ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم

و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد و هرگاه نصف باشد پس بتحقیق که داخل شده است وقت نماز شب و گاهی تعبیر میکنند از نصف شب بزوال نیز و شناخته می شود زوال شب بشروع نمودن ستارها که طلوع نموده اند نزد مغرب بانحدار و فرود آمدن و نماز شب اطلاق میشود در احادیث گاهی بر هشت رکعت و گاهی بر یازده رکعت باضافه دو رکعت شفع و یکرکعت وتر و گاهی بر سیزده رکعت باضافه نافله دو رکعت صبح و این نماز شب از سنتهای مؤکد است روایت کرده است شیخ در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق ع که فرموده بود در وصیت رسول خدا ص بعلی علیه السلام ای علی وصیت میکنم ترا در باب نفس خودت بچند خصلت پس حفظ کن آنها را پس فرمودند خداوندا یاری کن او را و ذکر کردند پاره از خصلتها تا آنکه فرمودند و علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة الزوال و علیک بصلوة الزوال و علیک بصلوة الزوال و ظاهر اینست که آنحضرت صلی الله علیه و آله اراده کردند بنماز شب سیزده رکعت او بنماز زوال هشت رکعتی را که نافله زوال است چنانچه گفته اند بعضی از علمای ما پس هرگاه خواهی متوجه شوی بسوی عبادت و باشد ترا حاجتی بتخلی پس ابتدا کن بآن اول و چون خواهی داخل بیت الخلا شوی پس اگر بوده باشد نقش انگشتر تو با همراه تو هر جا که باشد نامی که احترامی داشته باشد پس داخل مکن آن را

با خود و همچنین درهمها سفید را که در کیسه نباشند بعد از آن پیش بگذار پای چپ را نزد اول داخل شدن اگر بوده باشد آن بنا و اگر قضای حاجت بکنی در فضای مثل صحرا و ساندان پس پیش بگذار پای چپ را در موضعی که می نشینی در آن و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و هرگاه قضاء حاجت بکنی در فضائی پس اختیار کن موضعی را که دیده نشود در آن بدن تو و باید بوده باشد اعتماد و سنگینی تو در وقت تخلی بر پای چپ تو و سزاوار است گشودن پای راست و طول مده نشستن را و حرف مزن مگر برای حاجتی که خوف فوت آن داشته باشی یا خواندن آیة الکرسی یا الحمد لله رب العالمین یا حکایت اذان یا ذکر خدای تعالی و بعد از آنکه فارغ شدی برخیز و بکش دست راست خود را بر شکم خود و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَمَاطَ عَنِّي الْاَذَى وَ هَنَّانِي طَعَامِي وَ شَرَابِي وَ عَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى و استبراء کن و هرگاه خواهی استنجا کنی بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا و بگو در حال استنجا مقعد اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ اَعِفَّهُ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ حَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ پس هرگاه بیرون آیی از خلا پس پیش بگذار پای راست و بگو نزد بیرون آمدن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ وَ اَبْقَى فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ وَ اَخْرَجَ عَنِّي اَذَاهُ يَا لَهَا نِعْمَةً لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا و چون بیرون آمدی مسواک کن و وضوی کامل بساز چنانچه در باب اول گذشت بعد از آن خود را خوشبو ساز پس تحقیق که روایت شده است از حضرت صادق ع که فرموده بود از برای پیغمبر صلی الله علیه و آله مشک دانی که هرگاه وضوی ساخت میگرفت از آن بدست خود و حال آنکه هنوز اعضاء وضوی آنحضرت تر بود و روایت شده است نیز از آنحضرت که فرموده دو رکعت که بگذاری از روی خوش افضل است از هفتاد رکعت که بگذاری از آن

بدون آن و بدانکه بوی خوش کردن سنتست از برای هر نمازی و هر دعائی و نیست مخصوص بنماز شب پس هرگاه وضو ساختی و بوی خوش کردی بنشین رو بقبله و بخوان دعای حضرت امام زین العابدین را که میخواندند از اول شب اِلٰهِي غَارَتْ نُجُومُ سَمَائِكَ وَ نَامَتْ عُيُونُ اَنَامِكَ وَ هَدَاَتْ اَصْوَاتُ عِبَادِكَ وَ اَنْعَامِكَ وَ غَلَّقَتِ الْمُلُوكُ عَلَيْهَا اَبْوَابَهَا وَ طَافَ عَلَيْهَا حُرَّاسُهَا وَ احْتَجَبُوا عَمَّنْ يَسْاَلُهُمْ حَاجَةً اَوْ يَنْتَجِعُ مِنْهُمْ فَائِدَةً وَ اَنْتَ اِلٰهِي حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَاْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ وَ لَا يَشْغَلُكَ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ اَبْوَابُ سَمَائِكَ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَاتٌ وَ خَزَائِنُكَ غَيْرُ مُغْلَقَاتٍ وَ اَبْوَابُ رَحْمَتِكَ غَيْرُ مَحْجُوبَاتٍ وَ فَوَائِدُكَ لِمَنْ سَاَلَكَ غَيْرُ مَحْظُورَاتٍ بَلْ هِيَ مَبْذُولَاتٌ اِلٰهِي اَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا تَرُدُّ سَائِلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ سَاَلَكَ وَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ اَحَدٍ مِنْهُمْ اَرَادَكَ لَا وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ وَ لَا تَخْتَزِلُ حَوَائِجَهُمْ دُونَكَ وَ لَا يَقْضِيهَا اَحَدٌ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ تَرَانِي وَ وُقُوفِي وَ ذُلَّ مَقَامِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَعْلَمُ سَرِيرَتِي وَ تَطَّلِعُ عَلَى مَا فِي قَلْبِي وَ مَا يَصْلُحُ بِهِ اَمْرُ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ اَهْوَالَ الْمُطَّلَعِ وَ الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ نَغَّصَنِي مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ اَغَصَّنِي بِرِيقِي وَ اَقْلَقَنِي عَنْ وِسَادِي وَ مَنَعَنِي رُقَادِي كَيْفَ يَنَامُ مَنْ يَخَافُ مَلَكَ الْمَوْتِ فِي طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ طَوَارِقِ النَّهَارِ بَلْ كَيْفَ يَنَامُ الْعَاقِلُ وَ مَلَكُ الْمَوْتِ لَا يَنَامُ لَا بِاللَّيْلِ وَ لَا بِالنَّهَارِ وَ يَطْلُبُ رُوحَهُ بِالْبَيَاتِ وَ فِي آنَاءِ السَّاعَاتِ و بسجود میرفتند آنحضرت ع بعد از این دعا و میچسبانیدند گونه مبارک خود را بخاک و میفرمودند اَسْاَلُكَ الرَّوْحَ وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عَنِّي حِينَ اَلْقَاكَ و میگذاردند پیش از نماز شب دو رکعت که میخواندند در رکعت اول

ان قل هو الله احد و در دویم قل یا ایها الکافرون و بعد از ان بلند میکردند دستهای
مبارک خود را بتکبیر و دعای کردند و تو هر گاه بگذاری این دو رکعت را پس خوبست که
بخوانی این دعا را که روایت کرده است صدوق ره در امالی از ابی الدرداء که حضرت امیر
المؤمنین ع میخواندند در دل شب الهی کم موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتک
وکم من جریرة تکرّمت عن کشفها بکرمک الهی ان طال فی عصیانک
عمری وعظم فی الصحف ذنبی فما انا مؤمّل غیر غفرانک ولا انا براج
غیر رضوانک الهی افکّر فی عفوک فتهون علیّ خطیئتی ثم اذکر العظیم
من اخذک فتعظم علیّ بلیّتی آه ان انا قرأت فی الصحف سیّئة انا ناسیها
وانت محصیها فتقول خذوه فیا له من مأخوذ لا تنجیه عشیرته ولا تنفعه
قبیلته آه من نار تنضج الاکباد والکلی آه من نار نزّاعة للشوی آه من غمرة
من لهبات لظی پس گریه کن بعد از این دعا و بکن هر دعائی که خواهی بعد
از ان برخیز بنماز شب و بتحقیق اجماع کرده اند علمای ما بر اینکه اول وقت ان نصف شب است
و اینکه هر چند نزدیک شود بصبح صادق خواهد بود افضل پس اگر طلوع کند
صبح و گذارده باشد چهار رکعت تمام کند باقی را سبک بحمد تنها بی سوره
بقصد ادا و مشهور انست که جایز است تقدیم ان بر نصف شب برای کسیکه عذری
داشته باشد لیکن قضای ان افضل است از تقدیم و هر گاه خواهی شروع کنی در
نماز شب پس سزاوار است که بگوئی اللهم انی توجّهت الیک بنبیّک نبیّ الرحمة
وآله واقدّمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا والاخرة
ومن المقرّبین اللهم ارحمنی بهم ولا تعذّبنی بهم واهدنی بهم ولا
تضلّنی بهم وارزقنی بهم ولا تحرمنی بهم واقض لی حوائج الدنیا والاخرة

بجهة غربت

عفی الله نفسکم عزیز علیه ما عنتّم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان
تولّوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکّلت وهو ربّ العرش العظیم هر کس
خواهد قدر و منزلت و حشمتش بیفزاید و مقبول
القول گردد و در دلها مطیع او گردند باید سه روز
از ماه شعبان صائم باشد سیزده هم و چهارده هم و
پانزده هم افطار بنان جوین کند و سبزی و نمک
ایضا و از نماز شام تا عشاء ثانی بقبله نشیند و
بتسبیح و تهلیل مشغول شود تا نماز خفتن و بعد
از ان نماز را ادا کند و تقابل کند هر بامداد
و این ایه را بنویسد و در زیر سر گذارد و بخوابد
کند چون نماز بامداد کند بیرون رود اثر
اجابت و قبولیت در دل مردمان پدید
آورد که هر چه کند سبب این ایه سوره یونس
بسم الله الرحمن الرحیم الر
تلک آیات الکتاب الحکیم اکان
للناس عجبا ان اوحینا الی رجل
منهم ان انذر الناس وبشّر الذین
آمنوا انّ لهم قدم صدق عند ربّهم قال
الکافرون انّ هذا لساحر مبین
انّ ربّکم الله الذی خلق

انک علی کل شیء قدیر وبکل شیء علیم بعد از ان ابتدا کن در رکعت اول بعد از تکبیر
با سه دعاهای انها و افضل اینست که بخوانی در ان بعد از حمد سی مرتبه توحید و در
رکعت دویم قل یا ایها الکافرون و در شش رکعت سورهای دراز مثل سوره انعام و
کهف و انبیا و یس و حم ها و انچه مانند اینها باشد در درازی و جایز است در نمازهای
سنتی خواندن سوره از روی مصحف هر چند از حفظ داشته باشد غیر ان سوره را اما
در نمازهای واجبی پس ان جایز نیست مگر انکه هیچ سوره را حفظ نداشته باشد و بعضی
گفته اند جایز است و ان ضعیف است و اگر تنگ باشد وقت تو از سورهای دراز کافیست
ترا حمد و قل هو الله احد در هر رکعتی و مرتراست اقتصار بر حمد تنها مانند باقی نوافل
و بدانکه بتحقیق اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه قنوت چنانچه سنتست در نمازهای واجب
سنتست در هر رکعت دویمی از نوافل و در کافی از حضرت صادق ع روایت کرده که در قنوت
او بگو اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنّا فی الدنیا والاخرة انک
علی کل شیء قدیر و سه تسبیح نیز در انکتاب از همان جناب در قنوت کافی دانسته علی
حسب الروایة و سنتست مانند خواندن قنوت هر چند در نوافل بوده باشد و سزاوار است
طول دادن ان خصوصا در نماز شب زیرا که وقت در ان وسعتی دارد و صدوق در فقیه
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که از شما دراز تر باشد قنوت او در دار
دنیا دراز تر است راحت او در روز قیامت و از دعاهای مختصر که لایق است که خوانده شود
در قنوت نوافل و فرایض الهی کیف ادعوک وقد عصیتک وکیف لا ادعوک و
قد عرفت حبّک فی قلبی وان کنت عاصیا مددت الیک یدا بالذنوب مملوّة
وعینا بالرّجاء ممدودة مولای انت عظیم العظماء وانا اسیر الاسراء انا الاسیر
بذنبی المرتهن بجرمی الهی لئن طالبتنی بذنبی لاطالبنّک بکرمک ولئن طالبتنی

بحرتی لا طالبنك بعفوك ولئن امرت بی الی النار لاخبرن اهلها انی کنت
اقول لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم ان الطاعة تسرك والمعصية لا
تضرك فهب لی ما یسرك واغفر لی ما لا یضرك یا ارحم الراحمین و از
و از دعاهای متوسط که سزاوار است خوانده شود نیز در قنوت دعای وسایل البکوی
مسایل است که از حضرت واد روایت شده اللهم ان الرجاء لسعة رحمتك انطقنی
باستقالتك والامل لاناتك ورفقك شجعنی علی طلب امانك وعفوك
ولی یا رب ذنوب قد واجهتها اوجه الانتقام وخطایا قد لاحظتها اعین
الاصطلام واوجبت لی بها علی عدلك الیم العذاب واستحققت باجترامها
مبیر العقاب وخفت تعویقها لاجابتی وردها ایای عن قضاء حاجتی بابطالها
لطلبتی وقطعها لاسباب رغبتی من اجل ما انقض ظهری من ثقلها وبهظنی
من الاستقلال بحملها ثم راجعت یا رب الی حلمك عن الخاطئین وعفوك
عن المذنبین ورحمتك للعاصین فاقبلت بثقتی متوکلا علیك طارحا
نفسی بین یدیك شاکیا بثی الیك سائلا ما لا استوجبه من تفریج
الهم ولا استحقه من تنفیس الغم مستقیلا ایاك واثقا مولای بك اللهم
فامنن علی بالفرج وتطول علی بسهولة المخرج وادللنی برافتك علی
سمت المنهج وازلقنی بقدرتك عن الطریق الاعوج وخلصنی من سجن الکرب
باقالتك واطلق اسری برحمتك وطل علی برضوانك وجد علی باحسانك و
اقلنی عثرتی وفرج کربتی وارحم عبرتی ولا تحجب دعوتی واشدد با
لاقالة ازری وقو بها ظهری واصلح بها امری واطل بها عمری وارحمنی
یوم حشری ووقت نشری انك جواد کریم رؤف رحیم و میخوانی در مناهر

دو رکعت از هشت رکعت این دعا را اللهم انی اسئلك ولم یسئل مثلك انت موضع
مسئلة السائلین ومنتهی رغبة الراغبین ادعوك ولم یدع مثلك و
ارغب الیك ولم یرغب الی مثلك انت مجیب دعوة المضطرین وارحم
الراحمین اسئلك بافضل المسائل وانجحها واعظمها یا الله یا رحمن یا رحیم
وباسمائك الحسنی وامثالك العلیا ونعمك التی لا تحصی وباکرم
اسمائك علیك واحبها الیك واقربها منك وسیلة واشرفها عندك
منزلة واجزلها لدیك ثوابا واسرعها فی الامور اجابة وباسمائك
وباسمك المکنون الاکبر الاعز الاجل الاکرم الذی تحبه وتهواه وترضی
به عمن دعاك واستجبت له دعاءه وحق علیك ان لا ترد سائلك وبکل
اسم دعاك به حملة عرشك وملائکتك وانبیائك ورسلك واهل
طاعتك من خلقك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعجل فرج ولیك
وابن ولیك وتعجل خزی اعدائه وان تفعل بی کذا وکذا بعد از آن تسبیح
می کنی تسبیح فاطمه زهرا را و میخوانی بعد از آن هر دعائی که خواهی پس سجده می کنی
دو سجده شکر و خوبست بخوانی در آنها این دعا را که منسوبست بامام زین العابدین
الهی وعزتك وجلالك وعظمتك لو انی منذ بدعت فطرتی من اول الدهر
عبدتك دوام خلود ربوبیتك بکل شعرة فی کل طرفة عین سرمد
الابد بحمد الخلائق وشکرهم اجمعین لکنت مقصرا فی بلوغ اداء
شکر خفی نعمة من نعمك علی ولو انی کربت معادن حدید الدنیا بانیابی
وحرثت ارضها باشفار عینی وبکیت من خشیتك مثل بحور السموات و
الارضین دما وصدیدا لکان ذلك قلیلا فی کثیر ما یجب من حقك علی

وَلَوْ اَنَّكَ اِلٰهی عَذَّبْتَنی بَعْدَ ذٰلِكَ بِعَذابِ الْخَلائِقِ اَجْمَعینَ وَعَظَّمْتَ لِلنّارِ خَلْقی وَجِسْمی وَمَلَأْتَ طَبَقاتِ جَهَنَّمَ مِنّی حَتّٰی لا یَكُونَ فِی النّارِ مُعَذَّبٌ غَیْری وَلا یَكُونَ لِجَهَنَّمَ حَطَبٌ سِوایَ لَكانَ ذٰلِكَ بِعَدْلِكَ عَلَیَّ قَلیلاً فی كَثیرِ ما اسْتَوْجَبْتُهُ مِنْ عُقُوبَتِكَ وهرگاه فارغ شدی از رکعت هشتم پس بخوان این دعا را یا اللّٰه یا اللّٰه ده مرتبه صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنی وَثَبِّتْنی عَلٰی دینِكَ وَدینِ نَبِیِّكَ وَلا تُزِغْ قَلْبی بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنی وَهَبْ لی مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ ومیگوئی نیز اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ الْخالِقُ الرّازِقُ الْمُحْیِی الْمُمیتُ الْبَدِیُٔ الْبَدیعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْاَمْرُ وَحْدَكَ لا شَریكَ لَكَ یا خالِقُ یا رازِقُ یا مُحْیی یا مُمیتُ یا بَدیعُ یا رَفیعُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَرْحَمَ ذُلّی بَیْنَ یَدَیْكَ وَتَضَرُّعی اِلَیْكَ وَوَحْشَتی مِنَ النّاسِ وَاُنْسی بِكَ بعد از آن میگوئی آنچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میخواند بعد از رکعت هشتم اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عاذَ بِكَ وَلَجَأَ اِلٰی عِزِّكَ وَاسْتَظَلَّ بِفَیْئِكَ وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ وَلَمْ یَثِقْ اِلّا بِكَ یا جَزیلَ الْعَطایا یا مُطْلِقَ الْاُساری یا مَنْ سَمّٰی نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهّاباً اَدْعُوكَ راغِباً وَراهِباً وَخَوْفاً وَطَمَعاً وَاِلْحاحاً وَاِلْحافاً وَتَضَرُّعاً وَتَمَلُّقاً وَقائِماً وَقاعِداً وَراكِعاً وَساجِداً وَراكِباً وَماشِیاً وَذاهِباً وَجائِیاً وَفی كُلِّ حالاتی وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَكَذا و یاد میکنی حاجات خود را بعد از آن سجده میکنی دو سجده شکر و میخوانی در آنها بعد از آنها آنچه را گذشت و بعد از آنکه فارغ شدی از هشت رکعت میخیزی برای دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر و افضل اوقات آنها میانه صبح

کاذب و صبح صادق است چنانچه گذشت در باب اول نزدیک صبح صادق و کاذب که وارد شده از آن حضرت امیر المؤمنین ع و بدانکه شایع میان السنه علمای متأخرین اطلاق وتر است بر رکعت سیم تنها نه بر مجموع سه رکعت و شایع در احادیث که وارد شده از اصحاب عصمت علیهم السلام عکس اینست چنانچه روایت کرده است این را شیخ در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق ع که پدرم حضرت باقر علیه السلام میخواندند در وتر قل هو الله احد در هر سه رکعت آن و چنانچه روایت کرده است نیز در تهذیب بسند موثق از آنحضرت که پیغمبر صلی الله علیه و آله میگذاردند هشت رکعت زوال و چهار رکعت نماز اول و هشت رکعت نماز بعد از آن و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از مغرب و چهار رکعت عشای آخر و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر و دو رکعت فجر و نماز صبح دو رکعت تا آخر حدیث و چنانکه روایت کرده است ابن بابویه صدوق بسند صحیح از حفص بن سالم خیاط که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که باکی نیست اینکه بگذارد مرد دو رکعت از وتر را بعد از آن برود و برآورد حاجت خود را باز برگردد پس بگذارد یک رکعت و هم چنین غیر اینها از احادیث و اما اطلاق وتر بر رکعت سیم تنها پس آن در احادیث بسیار کم است لکن بسیار است در عبارتهای متأخرین علمای ما قدس الله ارواحهم و اما قدمای ما پس اکثر ایشان تعبیر میکنند از آن بمفرده وتر چنانکه تعبیر کرده است شیخ طوسی در مصباح و غیر آن و از اینجا ظاهر میشود که کسیکه نذر کند نماز وتر را بیرون نمی آید از عهده بیقین مگر بگذاردن سه رکعت و ظاهر میشود که آنچه ذکر کرده است آن را شیخ جلیل ابو علی طبرسی در کتاب مجمع البیان از وجه نامیدن سوره فاتحه بسبع المثانی با اینکه مثنی میشود قرائت آن در هر نماز واجب و سنتی کلامی است در مقام خالی از قصور و اینجا اعتراض کرده اند بر او از انتقاض این کلام بنماز وتر وارد نیست و الله اعلم و میخوانی در هر

برکت مال و وسعت رزق

آنها اند ... متواتر نوبت این عمل کند خالق ما ... سبحانه و تعالی خانه ... خراب کند آیت ... كَشَجَرَةٍ خَبیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ ... این آیت را هر کس که مواظبت نماید بر تلاوت بعد از نماز صبح و قرائت ... حق تعالی در مال و رزق او برکت کند ... [illegible]

[illegible] تُسْقٰی مِنْ عَیْنٍ آنِیَةٍ ... اِنْ تُعَذِّبْهُمْ ... مَقامِعُ ... وَیُسْقٰی مِنْ ماءٍ صَدیدٍ یَتَجَرَّعُهُ وَلا یَكادُ یُسیغُهُ وَیَأْتیهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكانٍ وَما هُوَ بِمَیِّتٍ وَمِنْ وَرائِهِ عَذابٌ غَلیظٌ اگر کسی را ... [illegible]

بلی از دو رکعت شفع بعد از حمد سوره قل هو الله احد و اگر خواهی میخوانی قل اعوذ برب الفلق در رکعت اول و قل اعوذ برب الناس در دویم پس هر گاه سلام دادی بخوان این دعا را الهی تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون و قصدک فیه القاصدون و امل فضلک و معروفک الطالبون و لک فی هذا اللیل نفحات و جوائز و عطایا و مواهب تمن بها علی من تشاء من عبادک و تمنعها من لم تسبق له العنایة منک و ها انا ذا عبدک الفقیر الیک المؤمل فضلک و معروفک فان کنت یا مولای تفضلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک و عدت علیه بعائدة من عطفک فصل علی محمد و آله الطیبین الطاهرین الخیرین الفاضلین و جد علی بطولک و معروفک یا رب العالمین و صلی الله علی محمد خاتم النبیین و آله الطاهرین الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوک کما امرت فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد بعد از ان برخیز برای مفرده وتر و افتتاح کن در آن بهفت تکبیر با سه دعای آنها و میخوانی در آنها بعد از حمد قل هو الله احد سه مرتبه و معوذتین بعد از آن (بعد از سه مرتبه توحید) بلند میکنی دستهای خود را و قنوت میخوانی و حال اینکه گریه کنی یا خود را بگریه بداری بانچه روایت کرده است از رئیس المحدثین بسند صحیح در فقیه از احدهما یا حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق علیهما السلم که فرمودند بگو لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم اللهم انت الله نور السموات و الارض و انت الله جمال السموات و الارض و انت الله زین السموات و الارض و انت الله عماد السموات و الارض و انت الله

تا کی باشد باید که هفت نوبت روی بجانب آسمان کند و بخواند و در عقب گوید این آیه یا خفی الالطاف نجنی مما اخاف (الا انت فیه) حق تعالی او را کرامت فرماید از جمیع مخاوف و مهالک بقدرت خود و آیات و حفظناها من کل شیطان رجیم از برای برکت در کشت و زرع بستر بر لوح زیتون بنویسد و در آن کشت دفن کند آیت و الارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل شیء موزون و جعلنا لکم فیها معایش و من لستم له برازقین و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم این آیت را شبا دیم هزار نوبت بخوانند بجز غیب طایفه هر نیت که خواهد و بخواند دو بعد از آن که وضو و غسل کرده باشد و از برای حفظ بغایت نیکست و لقد آتیناک سبعا من المثانی و القرآن العظیم لا تمدن

(و انت الله غیاث المستغیثین و انت الله مغیث ...) قوام السموات و الارض و انت الله صریخ المستصرخین و انت الله المفرج عن المکروبین و انت الله المروح عن المغمومین و انت الله مجیب دعوة المضطرین و انت الله اله العالمین و انت الله الرحمن الرحیم و انت الله کاشف السوء و انت الله بک تنزل کل حاجة یا الله لا یرد غضبک الا حلمک و لا ینجی من عقابک الا رحمتک و لا ینجی منک الا التضرع الیک فهب لی من لدنک یا الهی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک بالقدرة التی بها احییت جمیع ما فی البلاد و بها تنشر میت العباد لا تهلکنی غما حتی تغفر لی و ترحمنی و تعرفنی الاستجابة فی دعائی و ارزقنی العافیة الی منتهی اجلی و اقلنی عثرتی و لا تشمت بی عدوی و لا تمکنه من رقبتی اللهم ان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی و ان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی و ان اهلکتنی فمن ذا الذی یحول بینک و بینی او یتعرض لک فی شیء من امری و قد علمت ان لیس فی حکمک ظلم و لا فی نقمتک عجلة و انما یعجل من یخاف الفوت و انما یحتاج الی الظلم الضعیف و قد تعالیت عن ذلک یا الهی فلا تجعلنی للبلاء غرضا و لا لنقمتک نصبا و مهلنی و نفسنی و اقلنی و لا تبتلنی ببلاء علی اثر بلاء فقد تری ضعفی و قلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی و استجیر بک من النار فاجرنی و اسئلک الجنة فلا تحرمنی بعد از آن دعا کن خدا را بانچه دوست داری و استغفار کن خدا را هفتاد مرتبه ابن بابویه در فقیه حدیث و سنتست که دعا کنی برای چهل کس از برادران خود یا زیاده پس میگوئی اللهم اغفر لفلان و فلان نام ایشان بعد از آن میگوئی استغفر الله ربی و اتوب الیه و سزاوارست که بشماری استغفار را بدست راست خود و راست نگاه داری دست چپ خود را چنانکه روایت کرده است از رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح و اگر زیاده بر هفتاد استغفار را بصد برسانی افضل خواهد بود

عنبیت تا الی ما تسقط به آید و اتحافیهم و لا تحرینهم و اخفض جناحک للمؤمنین و لی این آیت را بنویسید بر لوح قصر و در کوه و در موضع طاهر دفن کند و در حوالی ان عسل بود و در موضع خیر و برکت باشد که جهانیان بدو نخیزد ازو هر که از ان عسل بنوشد هیچ مرض بر او تعجب ملول نکرد و این آیات و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا و من الشجر و مما یعرشون ثم کلی من کل الثمرات فاسلکی سبل ربک ذللا یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس ان فی ذلک لآیة لقوم یتفکرون هر کس که این آیات را بعد از نماز شام مداومت نماید بعد از ان حق تعالی ابواب فتوح و فیض بر او بگشاید و کرامت فرماید و اموال دنیوی بجو و بحر او بسیار شود و اگر در دریا با خود دارد از امواج و مضرات حیوانات آبی محفوظ و محروس ماند بقدرت حق تعالی و آیات و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحما طریا و تستخرجوا منه حلیة تلبسونها و تری الفلک مواخر

بعد از آن میگوئی هفت مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لِجَمِيعِ
ظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَىٰ نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بعد از آن میگوئی رَبِّ أَسَأْتُ وَ
ظَلَمْتُ نَفْسِي وَبِئْسَ مَا صَنَعْتُ وَهٰذِهِ يَدَايَ يَا رَبِّ جَزَاءً بِمَا كَسَبَتْ وَهٰذِهِ رَقَبَتِي
خَاضِعَةٌ لِمَا أَتَيْتُ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِيَ الرِّضَا حَتَّىٰ تَرْضَىٰ
لَكَ الْعُتْبَىٰ لَا أَعُودُ بعد از آن میگوئی اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ سیصد مرتبه بعد از آن می
گوئی رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ و سنت است
طول دادن قنوت پس اضافه می کنی باین آنچه را پیش گذشت ذکر آن در هشت رکعت
پس اگر وسعت داشته باشد وقت پس اضافه کن باین دعائی که میخواند سید عابدین
چنانچه صدوق در کتاب امالی روایت کرده سَيِّدِي سَيِّدِي هٰذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا
إِلَيْكَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَيْنَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً وَحَقٌّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ
تَذَلُّلاً أَنْ تُجِيبَهُ بِالْكَرَمِ تَفَضُّلاً سَيِّدِي أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ
بُكَائِي أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي سَيِّدِي أَلِضَرْبِ الْمَقَامِعِ
خَلَقْتَ أَعْضَائِي أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي سَيِّدِي لَوْ أَنَّ عَبْداً اسْتَطَاعَ
الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ لٰكِنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَفُوتُكَ سَيِّدِي
لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ
فِي مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ سَيِّدِي مَا أَنَا
وَمَا خَطَرِي هَبْ لِي مِنْ فَضْلِكَ وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ
وَجْهِكَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي ارْحَمْنِي مَصْرُوعاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي
وَارْحَمْنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَارْحَمْنِي مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ
الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي وَارْحَمْ فِي ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتِي وَغُرْبَتِي وَ

نفسی / ممدودة

محافظت از جن

ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
هر کس [illegible] این آیه را
دارد طاعتش بر دلش شیرین گردد
و از آفات در پناه حق تعالی باشد آیه
إِنَّ اللهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ
چون بمقارنه عطارد باشد و عطارد این آیه را بنویسد
مستقیم السیر و در ادیم طاهر [illegible]
و بر بازو راست ببندد
[illegible] ماند و گردد و کارش نیکو گردد و عزّت
اولاد بسد سوره اسری
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلاً
مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي
بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ هر که [illegible]
فاسد زحمت دهد و از جنیان او برا
زحمت رسید باشد این آیت را بنویسد
و بر کردن بندد البته شفا یابد و اگر
رغبتش [illegible] کم بود شب آدینه در

و تهذّ بی واگر تنگ باشد وقت از طول دادن قنوت پس بهتر است اقتصار بآنچه خواهی
پس اگر وسعت داشته باشد از وقت و از دعاهای مختصر که خوبست قنوت بآن در وسعت و
وتنگی وقت در وتر و غیر آن این دعاست اللّٰهُمَّ إِنَّ كَثْرَةَ الذُّنُوبِ تَكُفُّ أَيْدِيَنَا
عَنِ انْبِسَاطِهَا إِلَيْكَ بِالسُّؤَالِ وَالْمُدَاوَمَةَ عَلَى الْمَعَاصِي تَمْنَعُنَا مِنَ التَّضَرُّعِ وَ
الْاِبْتِهَالِ وَالرَّجَاءَ يَحُثُّنَا عَلَىٰ سُؤَالِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ فَإِنْ لَمْ يَعْطِفِ السَّيِّدُ عَلَىٰ
عَبْدِهِ فَمِمَّنْ يَبْتَغِي النَّوَالَ فَلَا تَرُدَّ أَكُفَّنَا الْمُتَضَرِّعَةَ إِلَيْكَ إِلَّا بِبُلُوغِ الْآمَالِ
وَصَلَّى اللهُ عَلَىٰ أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ پس هرگاه فارغ
شدی از قنوت پس رکوع کن و میگوئی بعد از سر برداشتن از رکوع هٰذَا مَقَامُ مَنْ
حَسَنَاتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَسَيِّئَاتُهُ بِعَمَلِهِ وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَشُكْرُهُ قَلِيلٌ إِلٰهِي
طُمُوحُ الْآمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَمَعَاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ إِلَّا عَلَيْكَ
وَمَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ إِلَّا إِلَيْكَ فَإِلَيْكَ الرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ الْمُلْتَجَأُ يَا أَكْرَمَ
مَقْصُودٍ وَيَا أَجْوَدَ مَسْؤُولٍ هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ
أَحْمِلُهَا عَلَىٰ ظَهْرِي وَمَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ شَافِعاً سِوَىٰ مَعْرِفَتِي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ
رَجَاهُ الطَّالِبُونَ وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ وَأَمَّلَ مَا لَدَيْهِ الرَّاغِبُونَ يَا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ
بِمَعْرِفَتِهِ وَأَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ وَجَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلَىٰ عِبَادِهِ كِفَاءً لِتَأْدِيَةِ
حَقِّهِ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْ لِلْهُمُومِ عَلَىٰ عَقْلِي سَبِيلاً وَلَا لِلْبَاطِلِ
عَلَىٰ عَمَلِي دَلِيلاً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد از آن دو سجده می کنی و تشهد
می خوانی پس هرگاه سلام دادی تسبیح کن بتسبیح حضرت زهراء پس بخوان این دعا را که معروفست
بدعای حزین أُنَاجِيكَ يَا مَوْجُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدَائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَقَلَّ
حَيَائِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَيَّ الْأَهْوَالِ أَتَذَكَّرُ وَأَيَّهَا أَنْسَىٰ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفَىٰ

رفع تکاهل در نماز

این دم کرده نمان و وضو
خمر باشد بر خبر و [illegible]
ماند و دور گفته عمان [illegible]
این آیه را در ما آبگینه نویسد بزعفران و
کرد و بخورد و شوید بعد از آنکه نماز صبح
کرده باشد و از آن ابا شامد و عقب
شب چنین کند ان شاء الله در عبادت
و طاعت حریص گردد که یک نماز ازو
فوت نشود قُلِ ادْعُوا اللهَ أَوِ ادْعُوا
الرَّحْمٰنَ أَيّاً مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ
بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيلاً وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً هر که
خواهد که جای او خوش باشد و در
جمعیت باشد سوره الکهف را
بنویسد و در جمعه بر ظرفی پاک در
صباح بشفاعت زمزم [illegible]
بیاشامد وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ
جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ حِجَاباً مَسْتُوراً وَجَعَلْنَا

در رفع سحر

الشیاطین ... ولو الشمس ... اذا یلم ... ذکرت ربک فی القران وحده ولوا علی ادبارهم نفورا بر طرف ... ان ایات را با اسم اعظم بر ... بنویسد بمشک و زعفران و فرو شوید و محو بیاشامد اگر جمیع ساحران جمع کردند ابرای او سحر نتوانند کرد این ایات و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا هفت نوبت بر خواند در ... و بر مریض دمد شفا یابد بقدرت حق تعالی و ننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین هر کس که اهل نماز و عبادت باشد سوره الکهف را بخواند در ... هرگز ملول نشود و در ... نکرد بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا قیما لینذر باسا شدیدا من لدنه ویبشر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماکثین

باب ششم در تعقیبات نماز ظهر

کیف و ما بعد الموت اعظم و ادهی مولای یا مولای حتی متی و الی متی اقول لک العتبی مرة بعد اخری ثم لا تجد عندی صدقا و لا وفاء فیا غوثاه ثم وا غوثاه بک یا الله من هوی قد غلبنی و من عدو قد استکلب علی و من دنیا قد تزینت لی و من نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربی مولای یا مولای ان کنت رحمت مثلی فارحمنی و ان کنت قبلت مثلی فاقبلنی یا قابل السحرة اقبلنی یا من لم ازل اتعرف منه الحسنی یا من یغذینی بالنعم صباحا و مساء ارحمنی یوم اتیک فردا شاخصا الیک بصری مقلدا عملی قد تبرء جمیع الخلق منی نعم ابی و امی و من کان له کدی و سعیی فان لم ترحمنی فمن یرحمنی و من یونس فی القبر وحشتی و من ینطق لسانی اذا خلوت بعملی و سالتنی عما انت اعلم به منی فان قلت نعم فاین المهرب من عدلک و ان قلت لم افعل قلت الم اکن الشاهد علیک فعفوک عفوک یا مولای قبل ان تلبس الابدان سرابیل القطران و تغشی وجوههم النار عفوک عفوک یا مولای قبل ان تغل الایدی الی الاعناق یا ارحم الراحمین و خیر الغافرین بعد از ان سجده میکنی و میگوئی اللهم صل علی محمد و ال محمد و ارحم ذلی بین یدیک و تضرعی الیک و وحشتی من الناس و انسی بک یا کریم یا کائنا بعد کل شیء لا تفضحنی فانک بی عالم فلا تعذبنی فانک علی قادر اللهم انی اعوذ بک من کرب الموت و من سوء المرجع فی القبور و من الندامة یوم القیمة اسئلک عیشة هنیئة و میتة سویة و منقلبا کریما غیر مخزی و لا فاضح اللهم مغفرتک اوسع من ذنوبی و رحمتک ارجی عندی من عملی فصل علی محمد و ال محمد و اغفر لی یا حیا لا یموت و بعد از انکه فارغ شدی از مفرده و تر و انچه متعلق بانست

آرام بودن طفل و کشف مغیبات

فیه ایات ... آنکه کودکی شب نخسبد ... این ایه را بنویسد بر لبایکه ... در گهواره در لوح ... جوش و دعوان ... و عجایبشان منکشف ... و او نیز و تحسبهم ایقاظا و هم رقود و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید این ایات را بنویسد و لنوا فی کهفهم ثلثمائة سنین و ازدادوا تسعا این ایات را بنویسد در عقب وی نیز ... اربعین مواظبت نماید هر روز چهل نوبت و در مدت از منهیات و محرمات بر حذر باشد و بجای اوقات نماز کمتر خورد و بر ادای نمازها مداومت نماید چون اربعین تمام شود مغیبات بر دلش کشف شود و مرتبه ولایت رسد و از علم حظی وافر و نصیبی کامل او گردد فوجدا عبدا من عبادنا اتیناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علما اگر در موضعی نقره باشد بدانیت شب چهارشنبه غسل کند و جامه پاک در پوشد روی بقبله ... صد نوبت بر خواند

میخزی برای دو رکعت نافله صبح و می مانند انها را دساستین با اعتبار انکه پنهان کرده می شوند در نماز شب چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت رضا علیه السلم که بر کن با انها نماز شب را و ظاهر کشیدن وقت انها است طلوع سرخی چنانچه متضمن است بعضی روایات و چنانکه قایل شده اند جماعتی از علمای ما هر چند افضل اوقات انها میانه صبح کاذب و صادق است و میخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله پس هرگاه سلام دادی بخواب بر پهلوی راست رو بقبله بروشیکه میت را در لحد می گذارند و بگذار گونه راست خود را بر روی دست راست خود و بگو استمسکت بعروة الله الوثقی التی لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتین و اعوذ بالله من شر فسقة العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس حسبی الله ربی الله ربی الله امنت بالله و توکلت علی الله لا حول و لا قوة الا بالله و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا حسبی الله و نعم الوکیل اللهم من اصبح و له حاجة الی مخلوق فان حاجتی و رغبتی الیک وحدک لا شریک لک لک الحمد و الحمد لله رب الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله ناشر الارواح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله جاعل اللیل سکنا و الشمس و القمر حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم اللهم صل علی محمد و ال محمد و اجعل فی قلبی نورا و فی بصری نورا و علی لسانی نورا و من بین یدی نورا و من خلفی نورا و عن یمینی نورا و عن شمالی نورا و من فوقی نورا و من تحتی نورا و اعظم لی النور و اجعل لی نورا امشی به فی الناس و لا تحرمنی نورک یوم القیمة بعد

ازان بخوان آیة الکرسی و معوذتین و پنج آیه از آخر آل عمران ان فی خلق السموات و الارض
تا انک لا تخلف المیعاد بعد ازان می نشینی و تسبیح می کنی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام
بعد ازان می گوئی صد مرتبه سبحان ربی العظیم و بحمده استغفر الله ربی و اتوب
الیه بعد ازان میگوئی هفت مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی بعد ازان سجده می کنی دو سجده شکر و میگوئی در انها انچه برسد
بخواطر تو از دعاها که پیش گذشت و دعا کن در ان از برای برادران مؤمن پس میگوئی
اللهم رب الفجر و اللیالی العشر و الشفع و الوتر و اللیل اذا یسر و رب کل شیء
و اله کل شیء و خالق کل شیء و ملیک کل شیء صل علی محمد و آل محمد
و افعل بی و بفلان و فلان ما انت اهله و لا تفعل بنا ما نحن اهله فانک
اهل التقوی و اهل المغفرة **باب هفتم** در بیان بعضی از نمازهای مستحبه از ان
جمله نماز حضرت رسول است سید بن طاوس از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده
که از انحضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود چرا غافلید از نماز حضرت
رسول شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد و جعفر نماز انحضرت را نکرده باشد
راوی عرض کرد ان نماز را بمن تعلیم فرمائید فرمود دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت
یکمرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی پس در رکوع و بعد از سر
برداشتن و در سجده اول و در سر برداشتن و در سجده دویم و سر برداشتن هر یک
پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام می گوئی و چون فارغ
شوی در میان تو و خدا گناهی نماند مگر انکه امرزیده شده است و هر حاجتی که طلبی
روا است و بعد از نماز این دعا را بخوان لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله الها واحدا
و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین له الدین و لو

کره المشرکون لا اله الا الله وحده وحده و انجز وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب
وحده فله الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر اللهم انت نور
السموات و الارض و من فیهن فلک الحمد و انت قیام السموات و الارض و
من فیهن فلک الحمد و انت الحق و وعدک الحق و قولک الحق و انجازک حق و الجنة
حق و النار حق اللهم لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت و بک خاصمت
و الیک حاکمت یا رب یا رب یا رب اغفر لی ما قدمت و ما اخرت
و اسررت و اعلنت انت الهی لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد و اغفر
لی و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم مؤلف گوید که این نماز از نمازهای
مشهور ما بین عامه و خاصه است فریقین در کتب خود روایت کرده اند و بعضی اینرا از
نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایات اختصاص معلوم نمیشود و ظاهرا در سایر
ایام تو انکرد و از انجمله نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که ابن بابویه و عیاشی
و کلینی و شیخ و دیگران بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار روایت کرده اند از حضرت
صادق که هر که چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از فاتحه پنجاه مرتبه سوره
قل هو الله احد بخواند چون فارغ شود میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر انکه امرزیده گردد و
سید و شیخ از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین
بجا آورد از گناهان بیرون اید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او
براورده شود و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح انحضرت است سبحان من لا تبید
معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا
ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا یشارک احدا فی امره
سبحان من لا اله غیره پس این دعا بخواند یا من عفی عن السیئات و لم یجازها ارحم

عبدک یا الله یا الله نفسی انا عبدک یا سیداه انا عبدک بین یدیک یا سیداه
یا ربّاه بک یا الهی بکینونیّتک یا املاه یا رحماناه یا غیاثاه عبدک عبدک لاحیلة
له یا منتهی رغبتاه یا مجری الدم فی عروقی عبدک یا سیداه یا مالکاه ایا هو
ایا هو ایا هو یا رباه عبدک لاحیلة لی ولا غنا بی عن نفسی ولا استطیع لها
ضرّا ولا نفعا ولا اجد من اصانعه تقطعت اسباب الخدایع عنّی واضمحل کل
مظنون عنّی افردنی الدهر لک فقمت بین یدیک هذا المقام یا الهی بعلمک
هذا کان کله فکیف انت صانع بی ولیت شعری کیف تقول لدعائی
اتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فیا ویلی یا ویلی یا ویلی یا عولی یا عولی
یا عولی یا شقوتی یا شقوتی یا شقوتی یا ذلی یا ذلی یا ذلی الی من وممن
او عند من او کیف او ماذا او الی ایّ شیء الجاء ومن ارجو ومن یجود علی
بفضله حین ترفضنی یا واسع المغفرة وان قلت نعم کما الظن بک والرجا
لک فطوبی لی انا السعید وانا المسعود فطوبی وانا المرحوم یا مترحم یا
مترئف یا متعطف یا متجبر یا متملک یا مقسط لا عمل لی مع نجاح حاجتی
اسئلک باسمک الذی جعلته فی مکنون غیبک واستقر عندک فلا
یخرج منک الی شیء سواک اللهم به وبک وبه فانه اجل واشرف
اسمائک لا شیء لی غیر هذا ولا احد اعود علی منک یا کینون یا مکوّن یا من
عرّفنی نفسه یا من امرنی بطاعته یا من نهانی عن معصیته ویا مدعو یا
مسئول ویا مطلوبا الیه رفضت وصیتک التی اوصیتنی بها ولم اطعک
ولو اطعتک فیما امرتنی به لکفیتنی ما قمت الیک فیه وانا مع معصیتی لک
راج فلا تحل بینی وبین ما رجوت یا مترحما لی اعذنی من بین یدیّ ومن خلفی

ومن فوقی ومن تحتی ومن کل جهات الاحاطة بی اللهم بمحمد سیدی وبعلی ولیی
وبالائمة الراشدین علیهم السلام اجعل علینا صلواتک ورأفتک و
رحمتک واوسع علینا من رزقک واقض عنا الدین وجمیع حوائجنا یا الله
یا الله انک علی کل شیء قدیر پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این
دعا را بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند مگر آمرزیده شود و از آنجمله نماز حضرت
فاطمه زهرا است سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که
فرمود مادرم حضرت فاطمه دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم وی کرده بود در رکعت
اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه توحید
می خواند و چون سلام می گفت این دعا را میخواند سبحان ذی العز الشامخ المنیف
سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من
لبس البهجة والجمال سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان من یری اثر النمل
فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا ولا هکذا
غیره و سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح
مشهور حضرت فاطمه که بعد از هر نماز خوانده می شود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ ره در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده و گفته است
که چون تسبیح حضرت فاطمه را خواندی این دعا را بخوان یعنی دعائیکه پیش مذکور شد
پس گفته است که سزاوار است برای کسیکه این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود زانوها
و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و جمیع مساجد سجده را بخاک برساند که
جامه در میان مانع نشود و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و در سجده این
دعا بخواند یا من لیس غیره رب یدعی یا من لیس فوقه اله یخشی یا من لیس دونه

ملکٌ یُتقی یا من لیس له بوّاب یُؤتی یا من لیس له حاجب یُرشی یا من لیس له بوّاب
یغشی یا من لا یزداد علی کثرة السؤال الا کرماً وجوداً وعلی کثرة
الذنوب الا عفواً وصفحاً صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا پس
بجای افعل کذا وکذا حاجات خود را ذکر کند و از انجمله نماز جعفر طیار است شکی نیست
که این نماز از جمله متواترات است عامه وخاصه بسندهای بسیار روایت کرده اند و
مخالفان نیز این نماز را مستحب دانسته مگر نادری از ایشان لکن اغلبی از ایشان بواسطه
عداوت باطنی که با حضرت امیرالمؤمنین ع دارند و اقربای او ع این نماز را نسبت بعباس
عم پیغمبر ص میدهند و بعد از نمازهای نوافل شبانه روزی نافله بحسب صحیح سند و کثرت ثواب
باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلم منقولست که چون جعفر
طیار برادر امیرالمؤمنین ع از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر در دست
امیرالمؤمنین ع شده بود حضرت رسول ص بقدر یک تیر پرتاب باستقبال آن بزرگوار شتافت
چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بسوی او دوید حضرت
او را در بر کشید و دست در گردن او در آورد و بسیار با او سخن گفت پس بر ناقه عضبا سوار شد
و جعفر را ردیف خود ساخت چون ناقه براه افتاد فرمود ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش
بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی ترا عطیه گرانبهائی بدهم میخواهی تو را برگزینم مردمان گمان کردند
که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد
پس حضرت نماز تسبیح را تعلیم وی فرمود و حضرت صادق ع فرمود که صفتش اینست که چهار
رکعت است بدو تشهد بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخوانند
و در رکعت دویم بعد از حمد سوره والعادیات و در رکعت سیم بعد از حمد سوره
اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره قل هو الله و در هر رکعت

بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه بگوید و چون سر از رکوع بر میدارد ده
مرتبه و در سجده اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده
دویم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه در هر چهار
رکعت چنین کند که مجموع سیصد دفعه شود و هزار و دویست تسبیح بوده
باشد و بروایت معتبر حضرت رسول ص فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای
تو از دنیا و آنچه در او هست و اگر در هر جمعه بکنی یا هر ماهی یا در هر سالی یکمرتبه
هر گناهی که در میان دو نماز کردهٔ آمرزیده شود و بروایت معتبر دیگر فرمود اگر بقدر
کف دریاها و بعدد ریگ بیابانها گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و بجهة حوائج
مشروعه مجربست و التماس دعاها بکند در این نماز مستحبست کلینی بسند معتبر از حضرت
صادق ع روایت کرده است که در سجده نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو سبحان
من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا
ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن و
النعم سبحان ذی القدرة والکرم اللهم انی اسئلک بمعاقد العز
من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک واسمک الاعظم وکلماتک
التامة التی تمت صدقاً وعدلاً صل علی محمد واهل بیته پس حاجات
خود را ذکر کند و شیخ در مصباح این دعا را روایت کرده با این زیادتی سبحان
ذی القدرة والکرم سبحان ذی العزة والفضل سبحان ذی القوة
والطول اللهم انی اسئلک تا آخر دعا و ایضا شیخ و سید از مفضل بن
عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق ع را بجا آورد

پس این دعا را خواندند یا ربّ یا ربّ یا ربّ بقدر یکنفس و فا کند یا رباه
یا رباه یا رباه بقدر یکنفس یا ربّ یا ربّ یا ربّ بقدر یکنفس یا الله یا الله بقدر یکنفس
یا رحیم یا رحیم یا رحیم بقدر یک نفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه
پس این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَاَنْطِقُ بِالثَّناءِ عَلَيْكَ
وَاُمَجِّدُكَ وَلا غايَةَ لِمَدْحِكَ وَاُثْني عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غايَةَ ثَنائِكَ وَاَمَدَ
مَجْدِكَ وَاَنّى لِخَليقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَاَيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً
بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ عَوّاداً عَلَى الْمُذْنِبينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكّانُ اَرْضِكَ
عَنْ طاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَواداً بِكَرَمِكَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
الْمَنّانُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ پس حضرت فرمود ای مفضل هرگاه ترا حاجت
ضروری بهم رسد نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن
که بر آورده میشود بدانکه هرگاه تسبیح مذکور را کلاً یا بعضاً در بعضی
احوال مقرره فراموش نماید و در حال دیگر بخاطر آورد در آنحال از او قضا نماید
هرگاه او را کاری باشد و فرصت خواندن تسبیح نداشته باشد چهار رکعت را بدون
تسبیح بجا میآورد و بعد از نماز تسبیحات را در راهی که میرود بجا میآورد و در بعضی
از روایات مذکور است که افضل اوقات این نماز اول روز جمعه است و از حضرت رضا
منقولست که آنجناب در سفر خراسان از اول شب بجا میآوردند و از نافله شب
محسوب میداشتند و این روایت دال است بر اینکه بفضیلت آنوقت نیز داشته باشد
و از حضرت صادق مرویست که اگر خواهی حساب نما از نوافل شب و اگر خواهی حساب
نما از نوافل روز حساب میشود از برای تو از نماز جعفر یعنی هر دو اجر را داری و
در جواز اتیان بنماز واجب باین نحو محل تامل است و بعضی از علما بر جواز آن رفته اند

و آن خالی از قوت نیست چه ظاهر اطلاق حدیث صحیح دلالت بر آن دارد و در آن
نفلی که نماز باشد نیت بایدکرد و بعضی جواز ادای فریضه حاضره را بآن نحو نیز
احتمال داده اند **باب** در نمازهای ایام و لیالی و نماز هر روز و هر شب
و سال منقولست از پیغمبر ص که هر کس در شب شنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام
در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی سه بار و توحید یکبار بخواند و چون سلام دهد یکبار
آیة الکرسی بخواند حق تعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد و از آنجماعت خواهد بود
که پیغمبر ص شفیع او خواهد بود نماز روز شنبه از حضرت پیغمبر ص منقولست که هر که
روز شنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعت الحمد یکبار و سوره جحد سه بار
بخواند و چون سلام دهد یکبار آیة الکرسی بخواند خداوند عالم بعدد هر مرد یهود و زن
یهودیه عبادت یکساله از برای او بنویسد نماز شب یکشنبه از پیغمبر ص مرویست که هر که
در شب یکشنبه دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی و یکبار سوره
اعلی و یکبار توحید بخواند روز قیامت روی او مانند ماه شب چهارده درخشان
باشد و الله تعالی او را تا وقت مرگ بعقل او متمتع و بهره ور سازد نماز روز یکشنبه از پیغمبر
منقولست که کسی که روز یکشنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام در هر رکعت یکبار الحمد
و یکبار آیة آمن الرسول تا آخر سوره بخواند خدای تعالی بعدد هر مرد نصرانی و زن نصرانیه
عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسد نماز شب دوشنبه از آنحضرت مرویست کسیکه در
این شب چهار رکعت نماز کند بدو سلام و در هر رکعتی هفت بار الحمد و یکبار سوره قدر بخواند
و چون سلام دهد صد بار بگوید اللّهم صلّ علی محمد و آل محمد و صد بار بگوید اللّهم
صلّ علی جبرئیل خدای تعالی هفتاد هزار قصر باو عطا نماید که در هر قصری هفتاد
هزار خانه باشد و در هر خانه هفتاد هزار حجره و در هر حجره هفتاد هزار کنیز باشد

نماز روز دوشنبه نیز مثل نماز شب است و ثواب همان ثواب. نماز شب سه شنبه از حضرت پیغمبر روایت
کرکسیکه در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی و توحید
و آیه شهادت را هر کدام یکبار بخواند هر چیز یکه از خدای تعالی بخواهد باو میدهد نماز
روز سه شنبه از انحضرت مرویست که کسیکه در این روز بیست رکعت نماز کند بکه اول
بعد از نصف روز در هر رکعتی یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی و سه بار توحید بخواند
تا هفتاد روز بر او گناه ننویسند شب چهار شنبه از انحضرت مرویست که کسیکه
در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد و آیة الکرسی و توحید و قدر هر
کدام را یکبار بخواند خدای تعالی گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد روز چهار شنبه
از انحضرت مرویست که هر کس در این روز دوازده رکعت نماز بکند بشش سلام در هر
رکعتی الحمد یکبار و توحید و معوذتین هر کدام سه بار بخواند از پیش عرش خدای تعالی
منادی ندا کند که عمل را از سر گیر که خدای تعالی گناهان گذشته و آینده ترا آمرزید شب
پنجشنبه از انحضرت مرویست که هر کس در این شب بعد از نماز شام و خفتن دو رکعت
نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و آیة الکرسی و چهار قل هر کدام پنج بار بخواند و چون
سلام دهد پانزده بار استغفار کند و ثواب آنرا بوالدین خود بخشد حق ایشانرا ادا کرده
باشد نماز روز پنجشنبه مثل نماز شب دو شنبه است و هم چنین نماز شب جمعه و روز جمعه و نیز
از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که کسیکه شب جمعه دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد
و پانزده بار سوره اذا زلزلت بخواند حق تعالی او را از عذاب قبر و اهوال روز قیامت ایمن کرداند
و اما نماز هر روز از حضرت کاظم ع مرویست که هر کس هر روز نزد زوال چهار رکعت نماز
کند بدو سلام در هر رکعتی یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی بخواند خدای تعالی او را و
اهل و مال و دنیا و دین او را نگاه دارد و اما نماز هر ماه از حضرت جواد مرویست که هر گاه ماه نو

داخل شود در روز اول تمام دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت الحمد یکبار و سوره قدر سی بار
بخوان بعد از آن تصدق کن بچیز یکه ترا میسر شود تا آنکه سلامتی تمام آن ماه را خریده باشی و در
روایت دیگر وارد شده است که در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه توحید بخوان و در
رکعت دوم بعد الحمد سی مرتبه سوره قدر و اما نماز یکه در هر سال باید کرد دو رکعتست
و در این دو رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند و این نماز را در روز اول محرم
باید کرد و چون سلام دهد سه نوبت بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَبَدِیُّ الْقَدِیْمُ الْعَفُوُّ
الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ وَ هٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیْدَةٌ فَاَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ فِیْهَا مِنَ الشَّیْطَانِ
الرَّجِیْمِ وَ الْعَوْنَ عَلٰی هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوْءِ وَ الْاِشْتِغَالَ بِمَا یُقَرِّبُنِیْ اِلَیْكَ
یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْاِنْعَامِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ خدای تعالی ملکی
می فرستد که موکل او شود و شیطان از او دفع کند و او را یاری دهد و خدای تعالی
توفیق دهد او را در باقی مانده عمر و اما نماز هدیه میت دو رکعتست که در شب دفن
میت بجا میآورد در رکعت اول یک حمد و آیة الکرسی باید خواند و در رکعت دوم
یک حمد و ده نوبت سوره قدر باید خواند و چون سلام دهد بگوید اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰی قَبْرِ فلان و نام میت را ببرد و در روایت
دیگر وارد شده است که در رکعت اول بعد از حمد ده بار سوره توحید و در رکعت
دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره تکاثر بخواند و از جمله نمازها نماز فاقه است از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود که از کسیکه نماز فوت شود و نداند که چند
نماز فوت شده است و بعد از آن پشیمان شود از فوت کردن آن نمازها و
او را ممکن نشود که آنها را قضا کند باید که در شب دوشنبه پنجاه رکعت نماز کند هر دو
رکعت بیک سلام در هر یک رکعت الحمد یکمرتبه و یازده مرتبه توحید بخواند و چون

فارغ شود صد نوبت استغفار کند و صد نوبت تسبیح گوید و صد نوبت صلوات
بر پیغمبر و آل پیغمبر فرستد پس بدرستیکه هر که این نماز را بکند خدای تعالی
محاسبه او را نکند بنماز یکه از او فوت شده است و دیگر نمازهای مستحبه بسیار
است ذکر شد اهم از انها و انا نمازهای مشهور در اما کر خود ذکر میشود انشاء الله تعالی

باب هشتم در بیان نمازهای حوائج و نماز طلب مغفرت بجهة پدر و مادر و اما
نمازهای حوائج بسیار است بعضی از انها نماز یست که طبرسی از او در کتاب کنوز
النجاح ذکر کرده است و گفته است که از ناحیه مقدسه نوشته بیرون امد که ان
نوشته بود که کسی را اگر بخدای تعالی حاجتی باشد باید که در شب جمعه بعد از نصف
شب غسل کند و بمصلای خود امده دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد بخواند
و چون بایاک نعبد و ایاک نستعین برسد صد نوبت از انرا تکرار کند
و در نوبت صدم تا اخر الحمد را بخواند و بعد از ان یکبار سوره توحید بخواند بعد
از ان برکوع رود و سجده کند و در رکوع و سجود هر کدام هفت نوبت تسبیح بخواند
و رکعت دویم را مثل رکعت اول بجا اورد و بعد از اتمام نماز این دعا را بخواند اللّهم
ان اطعتک فالمحمدة لک و ان عصیتک فالحجة لک منک الروح و منک
الفرج سبحان من انعم و شکر سبحان من قدر و غفر اللّهم ان کنت
قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک و هو الایمان
بک لم اتخذ لک ولدا و لم ادع لک شریکا منا منک به علی لا منا منی
به علیک و قد عصیتک یا الهی علی غیر وجه المکابرة و لا الخروج
عن عبودیتک و لا الجحود لربوبیتک و لکن اطعت هوای و ازلنی الشیطان
فلک الحجة علی و البیان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم و ان تغفر لی و ترحمنی

فانک جواد کریم و چون بلفظ یا کریم برسد چندان مکرر کند که نفس
منقطع شود و بعد از ان بگوید یا امنا من کل شیء و کل شیء منک خائف حذر
اسئلک بامنک من کل شیء منک ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تعطینی امانا لنفسی و اهلی و ولدی و سائر ما انعمت به علی
حتی لا اخاف احدا و لا احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر
و حسبنا الله و نعم الوکیل یا کافی ابرهیم نمرود و یا کافی موسی فرعون
یا کافی محمد ام الاحزاب اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تکفینی شر فلان بن فلان بعد از ان بسجده رود و بسوی خدای تعالی تضرع
کند و حاجت خود را از خدای تعالی بخواهد پس بدرستیکه هر مرد مؤمن و زن
مؤمنه که این نماز را بکند و این دعا را بخواند خالصا مخلصا لله خدای تعالی
بفرماید درهای اسمان را بر او بسط دعای او بگشایند و هر حاجتی که دارد بر او روا فرماید
مگر انکه دعا در قطع رحم باشد که مستجاب نشود و از انجمله نماز یست که در کتاب
دفع الهموم و الاحزان از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست و از اینست که انحضرت
فرمود هر کرا حاجتی باشد میباید که سه روز روزه بگیرد که اخر ان سه روز جمعه باشد
و طهارت کند و چیزی تصدق کند خواه ان چیز کم باشد یا زیاد و چون نماز را تمام
کند بگوید اللهم انی اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله
الا هو عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم
لا تاخذه سنة و لا نوم الذی لا اله الا هو الذی ملات عظمته السموات
و الارض و اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو
الذی عنت له الوجوه و خشعت له الابصار و وجلت القلوب من خشیته

ان تصلی علی محمد وال محمد وان تقضی حاجتی فی کذا وکذا و بعد از ان فرمود که
این دعا را اسفیهان خود میاموزید که بان دعا می کنند در عل با مشروع و از ان جمله
نماز عقیله است که در نوافل یومیه گذشت و از انجمله نمازیست که از حضرت صادق ع
مرویست که فرمود هرگاه یکی از شما ها بیمار شود طبیب را بی طلبد چیزی باو می دهد
و هرگاه تو را حاجتی باشد بپادشاهی باشد بدربان رشوه می دهد و اگر یکی
از شما را امکر وهی برسد باید که بسوی خدای تعالی فزع کند و طهارت کند و چیزی
تصدق کند خواه کم و خواه بسیار بعد از ان داخل مسجد شود و دو رکعت نماز کند
و حمد و ثنای خدای تعالی را بجای اورد و بر محمد وال محمد صلوات فرستد بعد از ان بگوید
اللهم ان عافیتنی مما اخاف من کذا وکذا الله تعالی مطلب او را براورد و از انجمله نمازیست که
سید علی بن حسین بن حسان بن باقی قریشی ازاد در کتاب اختیار خود از حضرت صادق ع
روایت کرده است که انحضرت فرمود که کسی را اگر حاجتی باشد بخدای تعالی باید که روز جمعه
بعد از چاشت غسل کند و چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد بخواند و بیست
بار سوره قدر و چون سلام دهد صد بار بگوید اللهم صل علی محمد وال محمد و بعد
از ان دست خود را بسوی اسمان بردارد و صد بار بگوید یا الله و بعد از ان بدو
انگشت سبابه خود را حرکت دهد و ده بار بگوید یا الله و بعد از ان بمقدار
بگوید یا رب یا رب که نفس منقطع شود و بعد از ان دست خود را برابر روی خود بردارد
و ده بار بگوید یا الله و بعد از ان بگوید یا افضل من رجی و یا خیر من دعی
و یا اجود من اعطی و یا اکرم من سئل یا من لا یعجز علیه ما فعل یا من
حیث ما دعی اجاب اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک و باسمائک العظام
و بکل اسم لک عظیم و اسئلک بوجهک الکریم و بفضلک العظیم و اسئلک

باسمک الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت و اسئلک باسمک
العظیم الاعظم یا دیان یوم الدین محیی العظام وهی رمیم و اسئلک بانک انت
الله لا اله الا انت ان تصلی علی محمد وال محمد وان تیسر لی امری و لا تعسر
علی و تسهل لی مطلب رزقی من فضلک الواسع یا قاضی الحاجات یا قدیرا علی
ما لا یقدر علیه غیرک یا ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین و اما نماز طلب مغفرت
بجهة والدین که خداوند عالم در ایه شریفه ارشاد نموده مردم را بطلب مغفرت برای ایشان که
فرموده واخفض لهما جناح الذل من الرحمة و مراد از ذل در این مقام تواضع است
یعنی فرو خوابان برای ایشان بال تواضع را یعنی ایشان را در زیر بال خود گیر و نجود ضم کن
چنانکه ایشان ترا در حال صغر در زیر بال خود گرفته بودند و بعد از ان فرمود وقل
رب ارحمهما یعنی برای ایشان دعا کن برحمت و مغفرت در حال حیات و بعد از ممات
ایشان بواسطه جزاء تربیت ایشان مر ترا در حال کوچکی تو و از اینجا ظاهر میشود دعای
فرزند از برای والدین خود در حال ممات ایشان مستجاب و مسموع است و الا امر باو بی
فایده می بود و اینکه حق تعالی فرزند را وصیت کرده که از برای والدین دعای نیکو کند
و والدین را امر نکرده برای اولاد ها دعا کنند برای انست که والدین کمال شفقت بفرزندان
دارند و احتیاج بسفارش نیست پس سزاوار است از برای ایشان طلب مغفرت کردن
بانچه حضرت امام زین العابدین علیه السلام از برای والدین خود دعا می خواند چنانچه
در صحیفه کامله مذکور است اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و اهل بیته
الطاهرین تا اخر دعا و نماز کنی بانچه از پیغمبر صلی الله علیه و اله مرویست وان اینست که
فرمود کسیکه شب پنجشنبه میان شام و خفتن دو رکعت نماز کند در رکعتی یکبار الحمد
و پنج مرتبه ایة الکرسی و پنج مرتبه قلاقل یعنی قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و قل

اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و چون سلام دهد باید که هفتاد مرتبه استغفار کند و ثواب از ابو الدین بخشد پس بدرستی که حق و الدین را ادا کرده است و از جمله مطالب و حوائج دعائی است که در ادعیه السر مذکور است و از اینست که حق تعالی از جمله فرمود ای محمد ص کسیکه او را حاجتی باشد بسوی من یا بغیر من باید که در وسط شب در خلوت مرا بخواند در حالتی که با طهارت باشد و بگوید یا الله ما اجد احدا الا و انت رجاؤه و من ارجی خلقا لك انا و یا الله و لیس شیء من خلقك الا و هو بك واثق و من اوثق خلقك بك انا و یا الله و لیس احد من خلقك الا و هو لك فی حاجته معتمد و فی طلبته سائل و من اکثرهم سؤالا لك انا و من اشدهم اعتمادا لك لانی امسیت شدیدا ثقتی فی طلبتی الیك و هی کذا و کذا چون بلفظ کذا و کذا برسد حاجت خود را نام ببرد پس بدرستیکه هرگاه این دعا را بخواند پیش از آنکه از آن مکان برود حاجت او را روا کنم باید که نفس خود را باین خوش دارد و از جمله دعائیست که از حضرت امام رضا ع مرویست و این دعا از جمله ادعیه الوسائل الی المسائل است و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم جدیر من امرته بالدعاء ان یدعوك و من وعدته بالاجابة ان یرجوك و لی اللهم حاجة قد عجزت عنها حیلتی و کلت فیها طاقتی و ضعفت عن مرامها قدرتی و سولت لی نفسی الامارة بالسوء و عدوی الغرور الذی انا منه مبتلی ان ارغب فیها الی ضعیف مثلی و هو فی النکول شکلی حتی تدارکتنی رحمتك و بادرتنی بالتوفیق رافتك و رددت علی عقلی بتطولك و الهمتنی رشدی بتفضلك و احییت بالرجاء لك قلبی و ازلت خدعة عدوی عن لبی و صححت بالتامیل فکری و شرحت بالرجاء لاسعافك صدری و صورت لی الفوز ببلوغ ما رجوته و الوصول الی ما املته فوقفت اللهم رب بین یدیك

ذکر کرده که حضرت صادق ع ... که اسماء الله سیصد و [illegible] است خدای تعالی اسماء خود را چهار [illegible] کرده است تا آخر آن حدیث که ذکر کردیم از آن در فصل مذکور و نیز مروی شده است که خدای تعالی را هزار اسم است و در روایتی وارد است که خدای تعالی را چهار هزار اسم است و تخصیص این نود و نه اسم بذکر بواسطه اختصاص آنها است بمزید شرف بر باقی اسماء و یا بواسطه آنست که این اسماء اشهر و اظهر [illegible] است تخصیص داده شد بذکر

باب شصت و سیم در دعای جوشن کبیر

و آن مشتملست بر اسماء بسیار و انواع وضع کرده ایم بر ترتیب حروف ابجد در هر فصلی ده اسم مذکور است و نام این دعا را جوشن کبیر و بسیار رفیع الشان است و این دعا از حضرت امام زین العابدین ع مروی شده است و آنحضرت از پدر بزرگوار خود روایت کرده است و پدر او از جد او و جد او از پیغمبر صلی الله علیه

سائلا لك ضارعا الیك و اثقا بك متوکلا علیك فی قضاء حاجتی بایمن نجاح و اهدها سبیل الفلاح و اغذنی اللهم بکرمك من الخیبة و القنوط و الاناة و التثبیط بهنی اجابتك و سابغ موهبتك انك ملی ولی و علی عبادك بالمنائح الجزیلة وفی و انت علی کل شیء قدیر و بکل شیء محیط و بعبادك خبیر بصیر و از جمله دعائیست که از حضرت امام زین العابدین ع مرویست و این از جمله دعاهای صحیفه کامله است و آن اینست اللهم یا منتهی مطلب الحاجات و یا من عنده نیل الطلبات تا آخر دعا و از جمله دعائیست که خلف بن عبد الملك بن مسعود در کتاب مستغیثین ذکر کرده و گفته است که این دعا از برای هر مطلبی مجربست و از جبرئیل ع به پیغمبر تعلیم کرده و آن دعا اینست یا نور السموات و الارض و یا زین السموات و الارض و یا جمال السموات و الارض و یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام یا غوث المستغیثین و صریخ المستصرخین و منتهی رغبة الراغبین و منفس المکروبین و مفرج المغمومین و مجیب دعوة المضطرین و یا کاشف کل سوء و یا اله العالمین و اما ذکر رقاع استغاثات در امور مخوفه از آن جمله اینها چیزیست که از حضرت صادق ع مرویست و آن اینست که آنحضرت فرمود که هر کسیکه رزق او کم شده باشد و معیشت او تنگ باشد یا حاجتی مهم داشته باشد از امور دنیا و آخرت باید که در وقت طلوع آفتاب در رقعه سفیدی این دعا را که مذکور می شود بنویسد و در آب روان اندازد و باید که اسمهای ائمه معصومین در یك سطر باشد و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الملك الحق المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام الی محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و القائم سیدنا و مولانا صلوات الله علیهم اجمعین رب انی مسنی الضر و الخوف فاکشف ضری و امن

و آله روایت کرده است که آنحضرت در بعضی از جنگها بود و جوشن سنگینی بر بدن آنحضرت بود و آزار میکرد جبرئیل ع و بدن مبارك او را آزار میکرد پس نازل شد و گفت که خدای تعالی بر آنحضرت سلام میرساند و میگوید که این جوشن را از بدن خود بکن و این دعا را بخوان که این دعا امانست از برای تو و از برای امت تو پس کسیکه این دعا را در وقت بیرون آمدن از خانه بخواند یا با خود دارد الله تعالی او را در حفظ خود نگاه میدارد و او را ثواب بسیار میکند و توفیق میدهد خود را برو و حب خود را ... و او را بواسطه اعمال صالحه و مثل کسیست که چهار کتاب خدا را خوانده باشد و بعد دهر حرفی دو زن [illegible] ... تعالی باو میدهد و کسیکه هر بار این دعا را بخواند الله تعالی ... و ... میکرداند بهشت را از برای او و موکل میسازد ... و از معاصی ... خدای تعالی در مدح ... دعا ...

خونی بحق محمد و آل محمد و اسئلک بکل نبی و وصی و صدیق و شهید ان تصلی علی محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا سادتی بالشان الذی لکم عند الله فان لکم عند الله لشانا من الشان فقد مسنی الضر یا سادتی و الله ارحم الراحمین فافعل بی یا رب کذا کذا و بجای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند و بعد از آن رقعه را به پیچد و در بندقه از گل گذارد و در آب جاری یا ابچاه اندازد و بر دو و رقه این شکل را بنویسد و از انجمله رقعه ایست که از حضرت هادی مرویست و قصه او انست که بعضی بنده زادهای آنحضرت پیغام نمودند خدمت انجناب از بلاها و مصائب خود در وقتی که در حبس متوکل لعین ان پاکدین مبتلا بود و ان ملعون وعده قتل آن مظلوم را داده بود و جمیع اموال او را گرفته بود آنحضرت امر نمودند او را بنوشتن این کلمات الله در سر رقعه و مخفی نمودن او در سر مکان در شب خداوند او را نجات داد و اموال او باو رد شد و آن اینست

بسم الله الرحمن الرحیم الی الله الملک الدیان الرؤف المنان الاحد الصمد من عبده الذلیل البائس المسکین فلان بن فلان اللهم انت السلام و منک السلام و الیک یعود السلام تبارکت و تعالیت یا ذا الجلال و الاکرام صلوات الله علی محمد و آله و برکاته و دائم سلامه اما بعد فان من بحضرتنا من اهل الاموال و الجاه قد استعدوا من اموالهم و تقدموا بسعة جاههم فی مطالبهم و لم شؤنهم و تاخر المستضعفون المقلون عن تنجز حوائجهم لابواب الملوک و مطالبهم فیا من بیده نواصی العباد اجمعین و یا معز اولیائه بولایته للمؤمنین و مذل العتاة الجبارین انت ثقتی و رجائی و الیک مهربی و منجای و علیک توکلی و بک اعتصامی و عیاذی فان یا رب صعبه و تخر لی قلبه و

و ذد عنی ناقره و اکفنی بائقه فان مقادیر الامور بیدک و انت الفعال لما تشاء لک الحمد و الیک یصعد الحمد لا اله الا انت سبحانک و بحمدک تمحو ما تشاء و تثبت و عندک ام الکتاب و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و السلام علیهم و رحمة الله و برکاته و از انجمله استغاثه است بسوی حضرت صاحب الزمان و ان اینست که انچه مذکور میشود در رقعه نویسد و انرا بقبری از قبور ائمه علیهم السلم اندازد یا به بندد انرا و مهر کند و گل پاکی را بردارد و انرا در میان ان گل گذارد و در نهر ابی یا چاه عمیقی یا غدیر ابی اندازد که بجناب الزمان علیه السلام میرسد و آنحضرت بنفس خود متولی حاجت او میشود و آن رقعه اینست بسم الله الرحمن الرحیم کتبت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا و شکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عز و جل ثم بک من امر قد دهمنی و اشغل قلبی و اطال فکری و سلبنی بعض لبی و غیر خطیر نعم الله عندی اسلمنی عند تخیل وروده الخلیل و تبرء منی عند ترائی اقباله الی الحمیم و عجزت عن دفاعه حیلتی و خاننی فی تحمله صبری و قوتی فلجات فیه الیک و توکلت فی المسئلة لله جل ثناؤه علیه و علیک فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله رب العالمین و ولی التدبیر و مالک الامور واثقا بک فی المسارعة فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارک و تعالی ایاک باعطائی سؤلی و انت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی و تصدیق املی فیک فی امر کذا و کذا فیما لا طاقة لی بحمله و لا صبر لی علیه و ان کنت مستحقا له و لاضعافه بقبیح افعالی و تفریطی فی الواجبات التی لله عز و جل فاغثنی

یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف و قدم المسئلة لله عز و جل فی امری قبل حلول التلف و شماتة الاعداء فبک بسطت النعمة علی و اسئل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا و فتحا قریبا فیه بلوغ الامال و خیر المبادی و خواتیم الاعمال و الامن من المخاوف کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعال و هو حسبی و نعم الوکیل فی المبدء و المآل و بعد از انکه او را نوشت بسوی نهر یا غدیر رود و ببعضی از ابواب انحضرت توسل جوید مثل عثمن بن سعید عمری یا فرزند او محمد بن عثمن یا حسین بن روح یا علی بن محمد السمری که این جماعت ابواب انحضرت بوده اند پس یکی از ایشان را اواز کند و بگوید یا فلان بن فلان سلام علیک اشهد ان وفاتک فی سبیل الله و انک حی عند الله مرزوق و قد خاطبتک فی حیاتک التی لک عند الله عز و جل و هذه رقعتی و حاجتی الی مولینا صلی الله علیه فسلمها الیه فانت الثقة الامین و بعد از ان رقعه را در نهر یا چاه یا غدیر اندازد که حاجت او روا می شود ان شاء الله و از انجمله قصه کثیر دیه است باید که بنویسی الحمد و ایة الکرسی و ایة العرش یعنی یه سوره را و بعد از ان بنویس بسم الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل فلان بن فلان الی المولی الجلیل الذی لا اله الا هو الحی القیوم سلام علی ال یس محمد و علی و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد بن الحسن حججک یا رب العالمین اللهم انی اسئلک بانی اشهد انک انت الله الهی و اله الاولین و الاخرین لا اله غیرک و اتوجه الیک بحق هذه الاسماء التی اذا دعیت بها استجبت

و اذا سئلت اعطیت لما صلیت علیهم و هونت علی خروج روحی و کنت قبل ذلک غیاثا و مجیرا لمن اراد ان یفرط علی او ان یطغی پس دعا کن بانچه میخواهی و این نوشته را در میان بندقه گل یا بگذار و سوره یس را بر ان بخوان و بعد از ان انرا در چاه عمیقی یا نهری یا چشمه عمیقی بینداز که حاجت تو روا می شود ان شاء الله تعالی

باب ۱۰ در طلب اولاد و مال و روزی

اما اول نماز ابتنی است که مشهور است بصلوة الحبل و ان دو رکعت که از بعد از نماز جمعه باید کرد و بعد از نماز این دعا را باید خواند اللهم انی اسئلک بما سئلک به زکریا اذ قال رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین اللهم هب لی ذریة طیبة انک سمیع الدعاء اللهم باسمک استحللتها و فی امانتک اخذتها فان قضیت فی رحمها ولدا فاجعله غلاما مبارکا زکیا و لا تجعل للشیطان فیه نصیبا و احمد بن فهد در کتاب مهذب البارع ذکر کرده که حضرت امام زین العابدین ببعض اصحاب خود گفت که در طلب فرزند این دعا را هفتاد بار بخوان که رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و اجعل لی من لدنک ولیا یرثنی فی حیوتی و یستغفر لی بعد وفاتی و اجعله خلقا سویا و لا تجعل للشیطان فیه نصیبا اللهم انی استغفرک و اتوب الیک انک انت الغفور الرحیم پس بدرستیکه کسیکه این قول را بسیار بگوید خدای تعالی روزی میکند باو انچه را اراده کرده و دوست دارد از مال و فرزند و خیر دنیا و اخرت بواسطه انکه فرموده و استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا و در کتاب مکارم الاخلاق شیخ رضی الدین ابو علی طبرسی

از برای طلب فرزند از امام محمد باقر روایت کرده است که آنحضرت فرمود که از برای طلب فرزند در صبح و شام هفتاد بار باید گفت سُبحانَ الله و ده بار باید گفت اَستَغفِرُ الله و نه بار باید گفت سبحان الله و در بار دهم باید خواند وَاستَغفِروا رَبَّکُم اِنَّهُ کانَ غَفّاراً تا آخر آیه و ایضاً در همان کتاب مذکور است که مردی از کثرت دختر بخدمت حضرت صادق شکایت کرد آنحضرت فرمود هر گاه بازوجه خود اراده مواقعه کنی دست راست خود را بر طرف راست ناف او بگذار و هفت بار سوره قدر بخوان و چون زن اثر حمل در خود بیابد دست راست خود را بر جانب راست ناف او بگذار و هفت بار سوره قدر بخوان چون آنمرد این عمل را بجای آورد هفت پسر از برای او متولد شد و مردم بسبب این عمل را بجا آوردند و خدای تعالی بجمیع ایشان پسران ارزانی داشت و شیخ طبرسی در تفسیر جوامع ذکر کرده و در مجمع البیان در تفسیر سوره هود که حضرت امام حسن چون بر معویه وارد شد و چون بیرون میامدند حاجبی با آنحضرت عرض کرد که من صاحب مالم و برای من فرزندی نمیشود چیزی بمن بیاموز شاید که خدای تعالی فرزندی بمن عطا فرماید آنحضرت فرمود که بر تو باد که استغفار کنی پس آنمرد استغفار بسیار می کرد تا آنکه در هر روزی هفتصد بار استغفار می کرد تا آنکه خدای تعالی ده پسر باو عطا فرمود الحدیث و شیخ شهید در کتاب دروس ذکر کرده که مردی بخدمت امام موسی کاظم آمد از قلت ولد و کمی ولد شکایت کرد آنحضرت فرمود که استغفار کن و تخم مرغ اگر در آب بجوشد بخور یعنی تخم را در آتش برشته کن و بخور و در روایت دیگر وارد شده که خوردن گوشت و تخم باعث کثرت نسل میشود و دعای امام در صحیفه کامله بجهت اولاد معروفست اما دعایکه تعلق بطلب رزق دارد شیخ طوسی در کتاب متهجد ذکر کرده که مردی از فقر خود بخدمت حضرت صادق شکایت کرد پس آنحضرت او را

امر کرد که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و در روز جمعه بوقت چاشت بر بام بلندی یا بصحرا رود بطریقی که کسی او را نبیند و زیارت پیغمبر کند و در همان مکان دو رکعت نماز کند و بعد از آن بر زانو در آید و چنان کند که زانوهای او بر زمین برسد و دست راست خود را بر بالای دست چپ گذارد و روی بقبله کرده بگوید اَللّهُمَّ اَنتَ اَنتَ انقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنكَ وَخابَتِ الآمالُ اِلّا فيكَ يا ثِقَةَ مَن لا ثِقَةَ لَهُ غَيرُكَ وَاجعَل لي مِن اَمري فَرَجاً وَمَخرَجاً وَارزُقني مِن حَيثُ اَحتَسِبُ وَمِن حَيثُ لا اَحتَسِبُ پس سجده کند بر روی زمین و بگوید يا مُغيثُ اجعَل لي رِزقاً مِن فَضلِكَ چون این عمل را بجا آورد هنوز صبح شنبه ندمیده باشد که باو رزق تازه برسد انتهی محمد بن عثمان بن سعید عمری گوید که کسیکه طلب رزق کند اگر در مدینه نباشد و در یکی مشاهد مقدسه باشد در نزد سران امامیکه در بلد اوست زیارت پیغمبر کند و اگر در یکی از مشاهد نباشد پس بعضی از صلحا را که در بلد اوست زیارت کند و بعد از آن بصحرا رود و بجانب راست خود توجه کرده زیارت پیغمبر کند تا مطلب او حاصل شود و در کتاب دعاء طبرانی مذکور است که پیغمبر با اهل صفه فرمود در وقتیکه از فقر خود بآنحضرت شکایت کرده بودند که بگویند اَللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ وَرَبَّ العَرشِ العَظيمِ اِقضِ عَنّا الدَّينَ وَاَغنِنا مِنَ الفَقرِ و در کتاب ابن دنیا مذکور است که از برای طلب رزق بگوی لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَكبَرُ سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ كَثيراً اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ مِن فَضلِكَ وَرَحمَتِكَ فَاِنَّهُ لا يَملِكُهُما اَحَدٌ غَيرُكَ پس بدرستیکه این دعا باعث زیادتی رزق میشود و در همان ساعت نفقه بتو میرسد و در کتاب مصباح شیخ طوسی و مصباح ابن باقی مذکور است که از برای طلب رزق در سجده نماز واجب بگوی یا

خیر المسئولین یا خیر المعطین ارزقنی وارزق عیالی من فضلك فانك
ذو الفضل العظیم و در کتاب تفلیسی شیخ شهید ره مذکور است که کسیکه دو شبان
خفتن سوره واقعه را بخواند از فقر و فاقه ایمن شود و در کتاب علی بن بحب که باین
ساعی مشهور است مذکور است که کسیکه مداومت کند باین دعا اسباب روزی
بر او آسان شود و روزی او برای او میسر شود و آن دعا اینست اللهم یا سبب
من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب من غیر سبب
صل علی محمد و آل محمد و اغننی بحلالك عن حرامك و بفضلك عمن
سواك یا حی یا قیوم و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که کسیکه صبح کند و این
کلمات را بگوید ایمن است که روزی او فوت شود الحمد لله الذی عرفنی نفسه
و لم یترکنی عمیان القلب الحمد لله الذی جعلنی من امة محمد
الحمد لله الذی جعل رزقی فی یده و لم یجعله فی ایدی الناس الحمد لله
الذی ستر عورتی و لم یفضحنی بین الناس و از جمله ادعیه رزق دعای صحیفه
سجادیه است اللهم انك ابتلیتنا فی ارزاقنا بسوء الظن الدعاء و از انجمله در عقب
نماز صبح ده بار بگوید سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و در روایت دیگر ده بار بگوید سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله
و اسئله من فضله خدا تعالی فراخ می کرداند روزی او را و ایضا از برای ایمن
بودن از فقر در صبح و شام بگوید لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الحی
الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریك فی الملك و
لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و ابن بابویه در علل الشرایع ذکر کرده که هر که
نماز شب را ترك کند روزی بر او تنگ میشود و ایضا در روایتست که شخصی شکایت کرد از فقر و

تنگدستی خود به پیغمبر پس آنحضرت فرمود که هرگاه داخل خانه خود شوی سلام کن اگر
کسی در خانه باشد و اگر در خانه نباشد یکنوبت سوره توحید بخوان پس آنمرد این فعل
بجای آورد خدا تعالی او را صاحب روزی کرد بر او و بر همسایههای او و این روایت ابو علی طبرسی
در مجمع البیان ذکر کرده و سید ابن طاوس در کتاب اقبال از حضرت صادق ع روایت کرده است که آن حضرت
فرمود که نشستن مرد در عقب نماز فجر صبح و دعا خواندن او تا طلوع آفتاب انفعست در طلب
روزی از طلب در دریا **باب ۱۱** در ادعیه دیون و در دعیون روایت کرده
زمخشری در کتاب ربیع خود که حضرت پیغمبر ص فرمود که هیچ غمی نیست مگر غم دین و
هیچ دردی مگر درد چشم یعنی جمیع غمها در جنب غم قرض و جمیع دردها در جنب درد
چشم اصلا قدری و وجودی ندارد اما برای دفع دین پس از جمله ادعیه آن دعائیست
که در بلد عتیق السید مذکور است و آن اینست که خدا تعالی فرموده ای محمد هر که از امت تو
که او را هم دین فرو گیرد پس نازل شود بمن و بگوید یا مبتلی الفریقین اهل الفقر
و اهل الغنی و جازیهم بالصبر فی الذی ابتلیتهم به و یا مزین حب المال عند
عباده و ملهمهم لانفس الشح و السخاء و فاطر الخلق علی الفظاظة و اللین عنی
دین فلان بن فلان و قد فضحنی بینه علی به و اعیانی باب طلبته الا منك
یا خیر مطلوب الیه الحوائج الیه یا مفرج الاهاویل فرج همی و اهاولی
فی الذی لزمنی من دین فلان بتیسیرك لی من رزقك فاقضه یا قدیر و لا
تهتکنی بتاخیر ادائه و لا بتضییقه علی و یسر لی اداه فانی به مسترق فانك
رزقنی من سعتك التی لا تبید و لا تغیض ابدا پس هرگاه این دعا را بخواند صاحب
دینرا از او بر میگردانم و دین او را ادا میکنم و ایضا از جمله ادعیه دین دعای صحیفه
کامله است و ایضا از حضرت صادق ع مرویست که هیچ بیغمبری نیست مگر آنکه دراعلی

باب پانزدهم در دعا برای دین و رفع عیوب

خود دعوت مجاب گذاشته است و حضرت پیغمبر ص در میان مادر دعوت مجاب گذاشته است
یکی برای دفع شداید ما وران است یا مقیما لم یزل یا الطی و الراجای ماحی یا
قیوم صل علی محمد و آله و افعل بی کذا و کذا و دعاء دیگر بجهت حوایج ما قضا
دیون ما وران است یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء یا الله یا رب صل
علی محمد و آله و اقض عنی الدین و افعل بی کذا و کذا و ایضا کفعمی ره در کتاب بلد
الامین خود ذکر کرده از ائمه ع روایتی از برای قضاء دین که قرض دارد دو رکعت نماز
کند و بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند چون از نماز فارغ شود آیه کریمه قل اللهم
تا بغیر حساب بخواند پس بگوید یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما تعطی منهما من تشاء
صل علی محمد و آل محمد و اقض عنی دینی حضرت پیغمبر ص فرمود اگر کسی این
عمل را بجا آورد خدا تعالی دین او را ادا کند اگرچه قرض او مملو از طلا باشد که روی
زمین را پر کند و اگر مهموم یا مکروب باشد خداوند او را از آن کرب و هم خلاصی دهد
و ایضا مرویست از برای قضاء دین روز جمعه و در بعضی روایات در هر روز
این دعا را بخواند اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و اغننی بفضلک عمن
سواک و ایضا از برای قضاء دین در صبح ده بار و در شام ده بار بگوید توکلت علی
الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له ولی من الذل و
کبره تکبیرا و ایضا در کتاب نثر اللئالی علی بن فضل الله حسینی ره مذکور است
که مردی قرضی بر او بود بحضرت عیسی ع شکایت کرد پس حضرت عیسی ع باو گفت که
بگوی اللهم یا فارج الهم و منفس الغم و مذهب الاحزان و مجیب دعوة
المضطرین و رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما انت رحمانی و رحمن کل شیء
فارحمنی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک و تقضی بها عنی الدین فلو کان

علیک

باب [illegible] در ادعیه درد چشم

علیک ملؤ الارض ذهبا پس هرگاه این دعا را بخوانی اگر قرض تو باندازه طلا باشد
که روی زمین را پر کند که خدا تعالی بلطف خود ادا کند و ایضا در روایت وارد
شده است که کسی که بر او قرض باشد سوره مبارکه الحمد را بسیار بخواند و بسیار
استغفار کند و بسیار بگوید سبحان الله و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله
شیخ جلیل احمد بن فهد در کتاب عده روایت کرده از معاذ بن جبل که او گفت که
یکروز جمعه محبوس شدم از خدمت رسول الله ص و با او نتوانستم نماز کرد آنحضرت
فرمود ای معاذ چه چیز ترا منع کرد از نماز جمعه عرض کردم یا رسول الله ص یوحنا
یهودی از من چند اوقیه گندم طلب دارد و هر روز بر در خانه من نشسته بود و
مترصد من بود من ترسیدم اگر بیرون آیم مرا حبس کند پس از آنجهت نتوانستم بیاد
حاضر شوم آنحضرت فرمود ای معاذ می خواهی که خدا تعالی دین ترا ادا کند گفتم بلی یا
رسول الله ص پس آنحضرت فرمود که قل اللهم مالک الملک را بخوان پس بگوی که یا
رحمن الدنیا و الآخرة تا آخر چنانچه گذشت پس خدا تعالی دین ترا ادا می کند و اما
آنچه تعلق بدرد چشم دارد از آنجمله دعائی است که از محمد جعفی از حضرت صادق ع
روایت کرده و آن دعا در تعقیب نماز شام مذکور شده و ابن طاوس ره در مهج الدعوات
گفته است که در کتاب مجموع ابن عقبه یافتم که اسمعیل حضرمی کور شده بود در خواب
دید که شخصی باو گفت که بگوی یا قریب یا مجیب یا سمیع الدعاء یا لطیفا لما
یشاء رد علی نور بصری و چون این دعا را خواند نور چشم آن عود کرد
و گفت دیده ام بخط رضی الدین آوی ره که پیغمبر ص بکوری تعلیم کرد و نور
چشم او باو رد شد فرمود باو که دو رکعت نماز کن و بعد از آن بگوی
اللهم انی اسئلک و ادعوک و ارغب الیک و اتوجه الیک بنبیک

محمد

محمد نبی الرحمة یا محمد انی اتوجه بک الی الله ربک وربی لیرد بک علی
نور بصری پس چون آن مرد این عمل را بجای آورد در همان ساعت خدای تعالی
نور چشم او را باو رد کرد و در مجلد اول کتاب مجمل مذکور است که چشم شخصی
ضعیف شده بود در خواب دید که کوینده باو کفت که بکوی اعیذ نور
بصری بنور الله الذی لا یطفا و دست خود را بچشم خود بکش و در عقب آن
آیة الکرسی بخوان و چون آن شخص این عمل را بجای آورد چشم او صحت یافت و این
عمل بسیار مجربست و کفعمی ره کفته دیده ام من بخط شیخ رجب بن محمد حافظ در بعضی
از مصنفات او که کسیکه الشکور از اسماء الله چهل بار بر آب بخواند و چشمی را که درد
دارد بآن بشوید چشم او از درد شفا میابد باذن الله تعالی و از جمله چیزهائی
که تجربه کرده شده است از برای دفع درد چشم و درد جمیع اعضا توسل بحضرت
امام موسی کاظم ع است **باب ۱۲ در ادعیه الالام اعضا و کشودن بسته شده و**
تب دار هر کاه ترا علتی باشد دست خود را در عقب هر نماز واجبی هفت
نوبت بموضع سجده خود بکش و بان علت بمال و این دعا را بخوان یا من کبس
الارض علی الماء وسد الهواء بالسماء واختار لنفسه احسن الاسماء
صل علی محمد وال محمد وافعل بی کذا و کذا بجای کذا و کذا شفای خود را
بخواهد و از حضرت صادق ع مرویست که فرمود که کسیرا که علتی باشد باید که تا
چهل روز در هر صباح هر روز چهل بار بر آن علت این دعا را بخواند که بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین حسبنا الله ونعم الوکیل
تبارک الله احسن الخالقین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و ایضا در مصباح متهجد مذکور است که کسیکه از دردی طلب عافیت کند باید که

در سجده دوم از دو رکعت اول از نماز شب این دعا را بخواند یا علی یا عظیم یا
رحمن یا رحیم یا سمیع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد وال محمد و
اعطنی من خیر الدنیا والآخرة ما انت اهله واذهب عنی هذا الوجع و در وقت
کفتن هذا الوجع نام آن درد را ببرد و بعد از آن بکوید فانه قد غاظنی واحزننی و الحاح
کند در دعا که در آن زودی عافیت میابد انشاء الله تعالی و در کتاب مهج الدعوات از حضرت
صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که هرکاه ترا علتی باشد بعد از نماز شب
سجده کن و در حالت سجده بکو اللهم انی ادعوک دعاء العلیل الذلیل الفقیر ادعوک
دعاء من اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعف عمله من الخطیئة والبلاء دعاء
مکروب ان لم تدارکه هلک وان لم تستنقذه فلا حیلة له فلا تحط
بی یا سیدی ومولای مکرک ولا تثبت علی ولا تضطرنی الی الیأس من روحک
والقنوط من رحمتک وطول الصبر علی الاذی اللهم لا طاقة لی ببلائک و
لا غنی بی عن رحمتک وهذا ابن بنت نبیک وحبیبک صلواتک علیه
به اتوجه الیک فانک جعلته مفزعا للخائف واستودعته علم ما کان
وما هو کائن فاکشف ضری وخلصنی من هذه البلیة الی ما عودتنی من
عافیتک ورحمتک انقطع الرجاء الا منک یا الله یا الله یا الله و ابن ادریس
در کتاب سرائر ذکر کرده که مردی بحضرت صادق ع عرض کرد از سفیدی که در چشم
او بهم رسیده بود آنحضرت فرمود که بر تو باد که در حال سجده دعا کنی پس آن مرد
چنان کرد و از آن مرض شفا یافت باذن حق سبحانه و تعالی و از جمله دعاهای صحیفه
کامله است اللهم لک الحمد علی ما لم ازل انصرف فیه است که حضرت امام
زین العابدین ع هرکاه بیمار می شد یا از دردی یا بلائی آنحضرت دعا میخواند

خواندی در کتاب عدة الداعی از حضرت صادق روایت کرده است که آنحضرت فرمود که هرگاه
علتی داشته باشی باید که از زیر سقف بزیر آسمان روی و هر دو دست خود را بلند
کنی و بگوئی اللّهم انک عیّرت اقواماً فی کتابک فقلت قل ادعوا الذین
زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضرّ عنکم و لا تحویلا فیا من لا یملک
کشف ضرّی و لا تحویله عنی احدٌ غیره صلّ علی محمّد و آل محمّد و اکشف
ضرّی و تحویله عنی احدٌ غیره صلّ علی محمّد و آل محمّد و اکشف ضرّی
و حوّله الی من یدعو معک الهاً آخر فانّی اشهد ان لا اله غیرک و ایضاً در
عده مذکور است که حضرت صادق به داود رقی دعا ئیکه او بیمار بود نوشت
که ای داود یک صاع گندم بجز و بر پشت بخواب و آن گندم را بر روی سینه خود بریز
هر روش که ریخته شود و بگوید اللّهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک
به المضطرّ کشفت ما به من ضرّ و مکّنت له فی الارض و جعلته خلیفتک
ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و علی اهل بیته ان تعافینی من علّتی و بعد
از آن راست بنشین و آن گندم را از حوالی خود جمع کن و باز این دعا را بخوان
و بعد از آن یک مد یک مد قسمت کن و بهر مسکینی یک مد بده و در وقت دادن
باز این دعا را بخوان داود گوید چنین کردم گویا از بند گشوده شدم و دیگران
نیز تجربه رسانیده اند و در عده از آنحضرت نقل کرده است که هرگاه درد داشته
باشی دست خود را بر موضع آن درد بگذار و سه بار بگوی الله الله الله ربّی
حقّاً لا اشرک به شیئاً اللّهم انت لها و لکلّ عظیمة ففرّجها عنّی در عده
از آنحضرت روایت کرده است که فرمود برای جمیع دردها بگوی بسم الله و بالله
کم من نعمة لله فی عرق ساکن و غیر ساکن علی عبد شاکر و غیر شاکر

و عقب نماز واجبی محاسن خود را بدست راست خود بگیر و سه بار بگوی اللّهم
فرّج عنّی کربتی و عجّل عافیتی و اکشف ضرّی پس فرمود و احرص ان یکون
ذلک مع دموع و بکاء و تضرّع و جهد کن که این دعا را با گریه و اشک چشم بخوان و ابن
در کتاب عده روایت کرده است که آنحضرت فرمود هرگاه ترا دردی باشد دست
خود را بر آن درد بگذار و بگوی بسم الله پس دست خود را بر موضع درد بمال و
هفت بار بگوی اعوذ بعزّة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله
و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله
من شرّ ما احذر و من شرّ ما اخاف علی نفسی و در کتاب عده روایت کرده که
هرگاه فرزند بیمار شود باید که مادر او بر پشت بام رود و مقنعه از سر خود بردارد
چنانچه موی او نمایان شود بطرف آسمان و سجده کند و بگوید اللّهم ربّ
انت اعطیتنیه و انت وهبته لی اللّهم فاجعل هبتک الیوم جدیدة
انّک قادرٌ مقتدر و هنوز سر از سجده بر نداشته باشد که فرزند او شفا یابد
و شهید در کتاب دروس گفته است که درد کسیکه مشتد شود چهل نوبت سوره
الحمد بر قدح آب بخواند و از آن آب بر مریض بپاشد و مقداری گندم نزد مریض بگذارد
و او بدست خود بسائل دهد و امر کند سائل را که او را دعا کند که از آن مرض شفا
یابد و نیز در بعض مصنفات خود فرموده هرگاه شخصی بازوی راست بیمار را بگیرد
و هفت بار الحمد بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند اللّهم ازل عنه العلل و
الداء و اعده الی الصحّة و الشفاء و امدده بحسن الوقایة و ردّه الی حسن
العافیة و اجعل ما ناله فی مرضه هذا مادّة لحیوته و کفّارة لسیّئاته اللّهم
صلّ علی محمّد و آل محمّد و اگر فایده ندهد هفتاد مرتبه الحمد بخواند و در دروس فرموده که

دعا کردن در حال سجود را ثابل میکرداند علتها را لوهم چنین دست را بر موضع سجده مالید و بران علت کشیدن از اله مرض میکند و از حضرت صادق ع مرویست که یکی از مومنان هر کاه علتی به اشر باشد و از روی اخلاص بکوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ و دست بران علت بکشد خدا یتعالی او را شفا دهد و از حضرت امام رضا ع مرویست که فرمود از برای دفع جمیع امراض یا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْزِلْ عَلَى وَجَعِي الشِّفَاءَ و از حضرت پیغمبر ص مرویست که فرمود که هیچ بنده این کلمات را بر مریضی نخواند مکر انکه خدا یتعالی او را شفا دهد مکر انکه خدا یتعالی او را شفا دهد مکر انکه مرک او مقدر شده باشد وان کلمات اینست اَسْأَلُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ و در کتاب مجتبی مذکور است که برای بیمار این دعا باید خواند اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الْمَرَضَ مِنَ الْكَثِيرِ الَّذِي تَعْفُو عَنْهُ وَتُبَرِّئُ مِنْهُ اُسْكُنْ أَيُّهَا الْوَجَعُ وَارْتَحِلِ السَّاعَةَ مِنْ هٰذَا الْعَبْدِ الضَّعِيفِ سَكَّنْتُكَ وَرَحَّلْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ پس اکر عافیت یافت بیکار نبها والا مکر بخواند تا شفا یابد و در این مقام چند دعای متفرقه است از برای دفع علل اعضا متفرقه که منقول از کتاب طب الائمه و غیر انست علامه قدّه در کتاب تحریر خود ذکر کرده که هشام بن ابرهیم بحضرت امام رضا از بیماری خود شکایت کرده و از اینکه او را ولدی نمی شد انحضرت ع او را امر کرد که آواز خود را بلند کند در اذان که در منزل خود میکوید پس هشام آواز خود در اذان بلند کرد و سقم و مرض او برطرف شد و اولاد او بسیار شد

محمد بن راشد کوید که من و عیال من همیشه ناخوش بودیم چون این خبر از هشام شنیدم بان عمل کردم از من و عیال من مرض و بیماری زایل شد از حضرت امام محمد باقر ع در درد سر مرویست که دست خود را بر موضعی که درد میکند بکذار و هفت بار بکوی اَعُوذُ بِاللّٰهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ از برای درد کوش نیز همین عمل کن که شفا میابد انشاء الله از حضرت امام حسن عسکری ع مرویست از برای درد سر بر قدح آب بخوان أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ و از آن آب بیاشام که شفا میابی انشاء الله از برای درد شقیقه از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که فرمود دست خود را بر طرفی از سر که درد دارد بکذار و سه بار بکوی یَا ظَاهِرًا مَوْجُودًا وَيَا بَاطِنًا غَيْرَ مَفْقُودٍ اُرْدُدْ عَلَى عَبْدِكَ الضَّعِيفِ أَيَادِيكَ الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَأَذْهِبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ أَذًى إِنَّكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ و نیز از انحضرت مرویست که از برای کری کوش دست خود را بکذار بان کوشی که نمیشنود و بکوی لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ تا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ از برای درد دهن از حضرت صادق ع مرویست که دست خود را بر موضع درد بکذار و بکوی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ الْمُقَدَّسِ الْمُبَارَكِ الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ أَسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجِدُ فِي فَمِي وَفِي رَأْسِي وَ

فی سمعی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی یدی و فی رجلی و فی جوارحی
کلها شفا یابد انشاء الله و از برای درد دندان از حضرت صادق ع مرویست که دست
خود را بر موضع درد بگذار الحمد و توحید و آیهٔ کریمهٔ و تری الجبال تحسبها جامدة
و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون تا آخر
آیه بخوان که شفا یابد و از برای درد دندان از امیر المؤمنین ع مرویست که دست
خود را بر موضع سجود خود بکش پس دست خود را بر بند آنکه درد میکند بمال
در آن وقت این دعا را بخوان بسم الله و الشافی الله و لا حول و لا قوة
الا بالله و از برای درد شکم از حضرت پیغمبر ص مرویست که فرمود هرگاه
شکم کسی درد کند قدری عسل را در آب گرم داخل کند و بیاشامد و هفت بار
سوره فاتحة الکتاب بخواند شفا یابد انشاء الله تعالی و ایضا از حضرت امیر المؤمنین ع
مرویست که آب گرم را بیاشام و بگوی که یا الله یا الله یا الله یا الله یا
رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله الالهة یا ملک الملوک یا سید
السادة اشفنی بشفائک من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک
اتقلب فی قبضتک و از برای درد پهلو از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام مرویست که فرمود هرگاه از نماز فارغ شوی
دست خود را بر موضع سجده بگذار و آیه افحسبتم انما خلقناکم
عبثا و انکم الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک الحق لا اله الا
هو رب العرش الکریم و من یدع مع الله الها آخر لا برهان
له به فانما حسابه عند ربه تا آخر سوره بخوان و از برای درد ناف از حضرت
انه لا یفلح الکافرون و قل رب صادق ع مرویست که فرمود دست را بر موضع درد

بگذارد

بگذار و سه بار بگو و انه لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه
تنزیل من حکیم حمید و از برای درد مثانه از آنحضرت علیه السلام مرویست که فرمود
سه مرتبه آیه الم تعلم ان الله علی کل شیء قدیر الم تعلم ان الله له ملک
السموات و الارض و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر تا آخر آیه بخوان
و چون بیدار شود همین آیه را بخواند و از برای درد پشت از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که دست خود را بر موضع درد بگذار و آیه کریمه و ما کان لنفس ان تموت الا باذن
الله کتابا مؤجلا و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الآخرة
نؤته منها و سنجزی الشاکرین تا آخر آیه بخواند و هفت بار سوره قدر را
بخوان و از برای درد دندانها از آنحضرت مرویست که فرمود هرگاه ران تو درد کند
آب گرم در طشتی کند و در آن طشت بنشین و دست خود را بر آن درد بگذار و آیه
او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا
من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون تا آخر آیه بخوان و این آیه در باب درد سر گذشت
و از برای درد زانوها از آنحضرت مرویست که فرمود بعد از نماز بگوی یا اجود من
اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی و عافنی
من وجعی و از برای درد فرج از حضرت صادق ع مرویست که دست چپ خود را بر آن
موضع گذارد و سه بار بگوید بسم الله و بالله بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن
فله اجره عند ربه و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون و بعد از آن بگوید اللهم
انی اسلمت وجهی الیک و فوضت امری الیک لا ملجأ و لا منجی منک الا الیک
و از برای درد ساق پاها از آنحضرت مرویست که فرمود هفت بار بر موضع درد آیه
و اتل ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل لکلماته و لن تجد من دونه ملتحدا

تا اخر ایه بخوان و از برای دفع بواسیر از حضرت علی علیه السلم مرویست که فرمود دعای یا جواد

یا ماجد یا رحیم یا قریب یا نجیب یا باری یا راحم صل علی محمد و اله واردد

علی نعمتک واکفنی امر وجعی بر بواسیر بخوان و از برای درد پاها از حضرت باقر

مرویست که فرمود که بر موضع عراقیب که جمع عرقوب است و ان پس پاشنه است و برای بعضی

از برای درد پا اول سوره فتح را تا عزیزا حکیما بخوان و از برای درد زیر قدم از حضرت امام

حسین علیه السلم مرویست که دست خود را بر موضع درد بگذار و بگو بسم الله وبالله

وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات

بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون و از برای ورم از حضرت صادق ع مرویست که

فرمود که اگر ورم در بدن باشد باید که وضو بسازد از برای نماز واجبی و قبل از نماز و بعد

از نماز ورم خود را تعویذ کند باخر سوره حشر یعنی از لو انزلنا تا اخر سوره بخواند و از

برای عرق النساکه ان عبارتست از دردی که از ورک تا ران کشیده است از برای دفع

ان از امیر المؤمنین علیه السلم مرویست که فرمود دست خود را بران موضع بگذار و بگو بسم

الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله اعوذ بسم الله العظیم من شر کل عرق نعار و من شر حر

النار و از برای دفع سل از حضرت صادق ع مرویست که فرمود که صاحب سل بسیار

بگوید یا الله یا الله یا رب الارباب ویا سید السادات ویا اله الالهة ویا ملک

الملوک ویا جبار السموات والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک

وابن عبدک اتقلب فی قبضتک وناصیتی بیدک از برای خنازیر که ان

عبارتست از اورام صلبه مستدیره که در عروق و زیر بغل و اصل ران حاصل

می شود و ثعالبی گفته است که خنازیر غده چند است که در گردن بهم میرسد از برای

دفع خنازیر حضرت امام رضا ع فرمود بگوی یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی که

انشاء الله تعالی دفع می شود از برای برص از حضرت صادق ع مرویست که صاحب برص وضو کرده و دو رکعت

نماز بگذارد و بعد از نماز بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات یا معطی

الخیرات اعطنی خیر الدنیا والاخرة وقنی شر الدنیا والاخرة واذهب عنی ما اجد

فقد غاظنی واحزننی و از برای خون که از جای ابداز برای دنبلها و جراحتها از حضرت

صادق ع منقولست که فرمود که کسیکه غالب باشد بر او یکی از اینها در وقتیکه بجانب

خواب برود بگوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته التامات التی لا یجاوزهن

بر ولا فاجر من شر کل ذی شر و از برای بادیکه عارض اطفال گردد حضرت صادق ع

فرمود که هفت الحمد را بمشک و زعفران بنویسند و از ان باب بشویند و ان اب را بکام

ان طفل بدهند که شفا می یابد انشاء الله تعالی و از برای صرع از حضرت امام رضا ع مرویست که

فرمود که قدحی را اب کنند و سوره الحمد و معوذتین بخوانند و بران قدح بدمند و از

ان اب بر سر و روی مصروع بریزند و از برای صرع منقولست از علی بن ابیطالب علیه السلم

که بر کسیکه صرع دارد این دعا را بخوان عزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها

علی بن ابیطالب ع و رسول الله ص علی جن وادی الصفراء فاجابوا واطاعوا لما

واطعت واخرجت عن فلان بن فلانه از برای قولنج از حضرت صادق ع مرویست که برای

صاحب قولنج بنویس فاتحه و توحید و معوذتین را و بعد از ان این دعا را بنویس اعوذ

بوجه الله العظیم وبعزته التی لا ترام وبقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا

الوجع ومن شر ما فیه و بعد از ان از اب بشوی و ان اب را صاحب قولنج

بیاشامد از برای تخمه و امتلاء مرویست از حضرت کاظم ع که فرمود کسی را که

تخمه باشد سه نوبت این ایت را بر اب بخوانند یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر

او لم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من

الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وبعدازان براهبا شامد ودست خود را بر شکم خود بکشد شفا می یابد انشاءالله تعالی برای ثالیل وان جمع ثولولست وثولول مانند بلبه‌ایست که در عضو بهم میاید از برای دفع ان از حضرت امام رضا منقولست که فرمود بگیر از برای هر ثولولی که بر بدن نست هفت دانه جو و بر سر هر جوئی اذا وقعت را تا هباء منبثا وایه ویسئلونك عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا را بخوان وبعد ازان ان دانهای جو را بر لته بگذار و بران لته سنگی به بندد و در چاه انداز و بعضی گفته اند بهتر است که این عمل یاد ریحت الشعاع بجا اورد واز برای وسوسه از حضرت صادق منقولست که فرمود دست خود را بر سینه خود بکش وبگوی بسم الله وبالله محمد رسول الله صلی الله علیه واله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما احذر وهمین دعا را اگر سه بار بخوانی بعد ازانکه دست خود را بر شکم خود بکشی حقتعالی وسوسه را ز ورا از تو زایل کرده اند وحضرت خضر را دعائی هست که کسیکه انرا بخواند چهل سال وسوسه او زایل شود وان دعا در ادعیه انبیا مذکوراست شیخ رجب الدین در کتاب خود گفته که هر که بسیار بگوید یا غیور وسوسه او زایل شود از برای دشواری وضع حمل در پاره کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرات عمران رب انی نذرت لك ما فی بطنی محررا وان کاغذ را بران راست ان زن به بندند وچون زایدان کاغذ را از او جدا کنند وایضا برای عسر ولادت از حضرت صادق مرویست که بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم مریم ولدت عیسی هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم

یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخا فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا وصلی الله علی محمد وال محمد وسلم تسلیما را بنویسند و بران زن بندند که اسان می زاید انشاءالله تعالی ودر بعضی از کتابهای اصحاب امامیه مذکوراست که از برای عسر ولادت اول سوره انشقاق اذا السماء انشقت تا والقت ما فیها وتخلت را بنویسید پس بسم الله وبالله ان مع العسر یسرا هفت نوبت واول سوره حج را تا عذاب شدید بنویسد وبعد ازان از بران چپ زن بندند که اسان می زاید انشاءالله تعالی ودر کتاب حیوة الحیوان مذکوراست که برای عسر ولادت ان چیز را بنویسید که از حضرت عیسی مرویست شده وان اینست یا خالق النفس من النفس ومخرج النفس من النفس ومخلص النفس من النفس خلصها وبعد ازان بران چپ زن باید بست که اسان زاید ودر همان کتاب گفته است که برای عسر ولادت این را بنویسید که بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلك الا القوم الفاسقون واز برای حل مربوط یعنی گشادن کسیکه او را بسته باشند ونتواند باز وجه خود مقاربت کند شیخ ابو العباس احمد بن فهد در کتاب عدة الداعی ذکر کرده است که اول سوره فتح را تا مستقیما وسوره اذا جاء نصر الله وایه ومن ایاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ان فی ذلك لایات لقوم یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ

باب دوازدهم

فی الصور فجمعناهم جمعا کذلک حلّت فلان بن فلان عن فلانه بنت فلانه یعنی نام شوهر و مادر او و نام زن و مادر او را بنویسید و بعد از آن لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم را بنویسند و بر مربوط بندند گشاده می شود باذن الله تعالی و نیز از برای حل مربوط در کتاب جابریه مذکور است که اول سوره فتحا انا نصرا عزیزا و ابه و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و ترکنا بعضهم یموج فی بعض و نفخ فی الصور فجمعناهم جمعا و ایه و ضرب لنا مثلا و نسی خلقه قال من یحی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم و بعد از آن بنویسد حتی اذا رکبا فی السفینه خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها را سه نوبت بنویسید و بعد از آن اللهم انی اسئلک بحق المکنون بین الکاف و النون و بحق محمد و آله الطاهرین ان تحل ذکر فلان ابن فلان عن فلانه بنت فلانه بکهیعص بحمعسق بقل هو الله احد و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما بالف لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بنویسید و بر مربوط بندد که انشاء الله تعالی گشوده شود و در بعضی از کتب اصحاب دیده ام که بر دو برگ زیتون بنویسند یکی را از انهار امرد فرو برد دیگری را زن اگر مرد فرو می برد بر او بنویسید والسماء بنیناها باید و انا لموسعون و بر برگی که زن فرو میبرد بنویسید و الارض فرشناها فنعم الماهدون از برای تب شهید ره در کتاب دروس ذکر کرده است که پیغمبر صلعم از برای دفع تب این دعا را تعلیم کرد بعلی اللهم ارحم جلدی الرقیق و عظمی الدقیق و اعوذ بک من فورة الحریق

یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله فلا تاکلی اللحم و لا تشربی الدم و لا تفوری من الفم و انتقلی الی من یزعم ان مع الله الها آخر فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله پس چون امیر المؤمنین این کلمات را گفت در همان ساعت شفا یافت در کتاب روضه کلینی از حضرت صادق عم مرویست که وقتی حضرت پیغمبر صم تب کرد جبرئیل نزد او آمد و آنحضرت را باین دعا تعویذ کرد که بسم الله ارقیک یا محمد بسم الله اشفیک و بسم الله اداویک من کل داء یعنیک بسم الله و الله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم و نیز در کتاب روضه کلینی مذکور است که ائمه علیهم السلام تب را باب سرد دوا میکردند باین روش که چند جامه را باب سرد تر میکردند یکی را بر جسد خود می گرفتند و دیگری در اب بود پس هرگاه اینکه بر جسد بود خشک می شد از آنکه تر بود می پوشیدند و یافت شده است بخط حضرت امام رضا عم که از برای تب بر سه پاره کاغذ باید نوشت بر پاره اول این را بنویسید بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک انت الاعلی و بر قطعه دویم بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف نجوت من القوم الظالمین و بر قطعه سیم بسم الله الرحمن الرحیم الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین و بعد از آن بر هر قطعه سه بار سوره توحید بخوانند و صاحب تب در سر روز هر روز یکی را فرو برد و در کتاب طب الائمه مذکور است که ائمه فرموده اند که حبه از برای تب اختیار نکرده مکر دو دم شکر را که باب سرد شربتی کرد و بیاشامد و بیاشامید و از حضرت امام رضا عم مرویست که کسیکه تب غب دارد مقداری از عسل را با شونیز ممزوج کند و بیاشامد سه انگشت از آن بلیسد و در وقت خواب نیز سه بار بلیسد شفا

یابد و در کتاب جوائح از حضرت امام حسن عسکری روایت کرده است که با نارکونی برد او
و سلّم آ را ابو سعید و بر صاحب تب به بندند شفا یابد باب سیزدهم در ادعیهٔ زندانی
و برد کم شده و غایب از آن جمله ابن طاوس در مهج الدعوات خود گفته که از جمله ادعیهٔ
مستجابه اینست که باید بگوید زندانی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعافِیَةَ وَالْمُعافاةَ
فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ و از آن جمله دعائیست که حضرت صاحب الزمان او را تعلیم کرد که برد
محبوس و بخواند تا از آن خلاص شد و آن اینست اَللّٰهُمَّ اِلٰهی عَظُمَ الْبَلاءُ وَبَرِحَ الْخَفاءُ
وَانْكَشَفَ الْغِطاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ وَضاقَتِ الْاَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّماءُ وَاَنْتَ
الْمُسْتَعانُ وَاِلَیْكَ الْمُشْتَكیٰ وَعَلَیْكَ الْمُعَوَّلُ فِی الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اُولِی الْاَمْرِ الَّذینَ فَرَضْتَ عَلَیْنا طاعَتَهُمْ وَعَرَّفْتَنا بِذٰلِكَ
مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً قَریباً كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ یا مُحَمَّدُ
یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ اِكْفِیانی فَاِنَّكُما كافِیانِ وَانْصُرانی فَاِنَّكُما ناصِرانِ یا مَوْلانا
یا صاحِبَ الزَّمانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ اَدْرِكْنی اَدْرِكْنی اَدْرِكْنی السّاعَةَ
السّاعَةَ السّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطّاهِرینَ در کتاب المستغیثین مذکور است که این دعا امر بوطی از شافعی
شنید که یا مَنْ لا تَراهُ الْعُیُونُ وَلا تُخالِطُهُ الظُّنُونُ وَلا تَصِفُهُ الْواصِفُونَ
وَلا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ اِجْعَلْ لی مِنْ اَمْری فَرَجاً وَمَخْرَجاً یا غِیاثَ
الْمُسْتَغیثینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و مکرر کرد از آسه بار پس بلطف خدای تعالی
خلاصی یافت از ریسمانی که او را بسته بودند بعضی از راویان حدیث گفته‌اند که
واقع شده بودم و این دعا را خواندم و نجات یافتم و در کتاب المستغیثین مذکور است
که مردی را از زندان می‌بردند در راه زندان بدیواری رسید که بر دیوار نوشته بود

که یا وَلِیّی فی نِعْمَتی وَیا صاحِبی فی وَحْدَتی وَیا عُدَّتی فی كُرْبَتی پس چون این دعا
مکرر خواند او را رها کردند و چون برگشت و باز بدیوار رسید هیچ چیز بر آن
دیوار نوشته نیافت و نیز در آن کتاب مذکور است که مردی را ده سال بود که حبس کرده
بودند پس در خواب دید کسی را که این دعا را باو تعلیم کرد تَحَصَّنْتُ بِالْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ
وَرَمَیْتُ كُلَّ مَنْ اَرادَنی بِسُوءٍ بِلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ وَاَصْبَحْتُ
فی جِوارِ اللّٰهِ الَّذی لا یُرامُ وَلا یُسْتَباحُ وَحِمَی اللّٰهِ الْكَریمِ وَذِمَّتِهِ الَّتی لا تُخْفَرُ
وَاسْتَمْسَكْتُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقیٰ وَتَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ رَبّی وَرَبِّ السَّماواتِ وَ
الْاَرْضِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَاتَّخَذْتُهُ وَلِیّاً ما شاءَ اللّٰهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ حَسْبِیَ اللّٰهُ وَنِعْمَ
الْوَكیلُ و چون این دعا را خواند خدای تعالی او را از بند خلاصی دهد و نیز
در آن کتاب مذکور است که بنو اسیه شخصی را در بند کرده بودند حضرت عیسی را
در خواب دید که این کلمات را باو تعلیم کرد که لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبینُ پس چون
این دعا را خواند در بقیهٔ همان روز شفا یافت از بند خلاص شد و در مهج الدعوات
مذکور است که مردی در شام مدت مدیدی در حبس بود و بسیار بر او تنگ گرفته
بودند پس حضرت فاطمه را در خواب دید که این دعا را تعلیم او کرد که اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ
الْعَرْشِ وَمَنْ عَلاهُ وَبِحَقِّ الْوَحْیِ وَمَنْ اَوْحاهُ وَبِحَقِّ النَّبِیِّ وَمَنْ نَبّاهُ وَبِحَقِّ الْبَیْتِ
وَمَنْ بَناهُ یا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَیا جامِعَ كُلِّ فَوْتٍ یا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاٰتِنا وَجَمیعَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ فی مَشارِقِ الْاَرْضِ وَ
مَغارِبِها فَرَجاً مِنْ عِنْدِكَ عاجِلاً بِشَهادَةِ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَعَلیٰ ذُرِّیَّتِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ وَسَلَّمَ تَسْلیماً
چون این دعا را خواند از آن بند خلاصی یافت و در کتاب متهجد از حضرت کاظم

مرویست که فرمود شب چهارشنبه پیغمبر را در خواب دیدم که گفت ای موسی محبوس تو مظلومی سه نوبت این کلمه را تکرار نمود و فرمود ای موسی فردا روزه بدار و تابع او ساز روز پنجشنبه و جمعه را و در شب جمعه میان شام و خفتن دوازده رکعت نماز کن بشش سلام در هر رکعت الحمد یکبار و دوازده بار سوره توحید بخوان و چون چهار رکعت نماز بگذاری سجده کن و در سجده بگوی اَللّٰهُمَّ یا سابِقَ الْفَوْتِ وَ یا سامِعَ الصَّوْتِ وَ یا مُحْیِیَ الْعِظامِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ هِیَ رَمِیمٌ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الْاَعْظَمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ عَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِینَ الطّاهِرِینَ وَ تُعَجِّلَ لِیَ الْفَرَجَ مِمّا اَنَا فِیهِ پس این عمل را بجای آوردم و آنچه می بینی بفعل آمد یعنی خلاصی از زندان و اکرام نمودن هرون و این فقره آخر کلام شیخ طوسی است در تهذیب و در کتب بعضی از اصحاب امامیه مذکور است هرگاه محبوسی هر روز هفت مرتبه این کلمات را بخواند خدای تعالی او را نجات دهد و آن کلمات این است یا مَنْ کَفانِی مِنْ خَلْقِهِ جَمِیعاً وَ لَمْ یَکْفِنِی مِنْ خَلْقِهِ اَحَدٌ سِواهُ یا اَحَدَ مَنْ لا اَحَدَ لَهُ اِنْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنْکَ یا اَللّٰهُ فَاَغِثْنِی یا غِیاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ و اما ادعیه که تعلق بگم شده و گریخته دارد از آن جمله حِرزیست که از حضرت علی مرویست که فرمود هرگاه از کسی شخصی بگریزد این آیه کریمه را بخواند که اَوْ کَظُلُماتٍ فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ یَغْشاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحابٌ ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ اِذا اَخْرَجَ یَدَهُ لَمْ یَکَدْ یَراها وَ مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ برمیگردد انشاء اللّٰه تعالی



و در کتاب لفظ الفوائد دیده ام چیزی که گریخته را حیران میکند باین روش دایره دو بنویسد در دایره اول این را بنویسد کَرَّ وَ عَلَی الثَّلاثَةِ الَّذِینَ خُلِّفُوا و نام گریخته را و در دایره دوم

بنویسد که اِنّا جَعَلْنا فِی اَعْناقِهِمْ اَغْلالاً فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ و بعد از آن سر بار در میان دایره بنویسد اِنَّهُ عَلیٰ رَجْعِهِ لَقادِرٌ کَذٰلِکَ یَرْجِعُ فلان بن فلان الی الموضع الّذی خرج مِنْهُ و بعد از آن یک سطر طولی بنویسد وَ هُوَ عَلیٰ جَمْعِهِمْ اِذا یَشاءُ قَدِیرٌ و اگر چیزی از آثار مطلوب با او باشد بهتر است و در اسم آن شخص سوزنی فرو کند و حنظل بان سوزن بگذارند و از پای او بزرگتر آن گریخته حیران شود و نمی تواند بجائی رفت و در کتاب خواص القرآن مذکور است که اگر از کسی چیزی گم شود یا کسی از او بگریزد باید که در چاشت روز جمعه هشت رکعت نماز کند و چون سلام بدهد هفت بار سوره والضحی بخواند و بگوید یا صانِعَ الْعَجائِبِ یا رادَّ کُلِّ غائِبٍ یا جامِعَ کُلِّ شَتاتٍ یا مَنْ مَقالِیدُ الْاُمُورِ بِیَدِهِ اِجْمَعْ عَلَیَّ کَذا فَاِنَّهُ لا جامِعَ اِلّا اَنْتَ و در کتاب حیوة الحیوان مذکور است که هرگاه چیزی از تو گم شود و خواهی که خدای تعالی میان تو و آنچیز جمع کند یا انسانی از تو گریخته باشد و خواهی که خدای تعالی میان تو و او جمع کند بگوی که یا جامِعَ النّاسِ لِیَوْمٍ لا رَیْبَ فِیهِ اِنَّ اللّٰهَ لا یُخْلِفُ الْمِیعادَ اِجْمَعْ بَیْنِی وَ بَیْنَ کَذا پس خدای تعالی جمع میکند میان تو و آنچیز که میخواهی و از حضرت علی علیه السلام مرویست که هرگاه از کسی ضاله گم شود باید دو رکعت نماز کند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس را بخواند بعد از نماز بگوید اَللّٰهُمَّ یا رادَّ الضّالَّةِ رُدَّ عَلَیَّ ضالَّتِی و در کتاب طریق النجاة مذکور است که بجهة رد ضاله سوره عبس را باید خواند و کفعمی گفته که دیده ام بخط شیخ شهید که برای رد گم شده و گریخته خواندن این دو بیت را نادِ عَلِیّاً مَظْهَرَ الْعَجائِبِ تَجِدْهُ عَوْناً لَکَ فِی النَّوائِبِ کُلُّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَیَنْجَلِی بِوِلایَتِکَ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ و در کتاب اذکار نوری از حضرت ... روایت کرده که آنحضرت فرمود که هرگاه در صحرای دابه یکی از شما بگریزد صاحبان

چهارپا اندکند و بکوید یا عِبادَ اللهِ احبسُوا یا عِبادَ اللهِ احبسُوا و مکرر این کلمه را بکوید کران دابه محبوس شود و نتواند بجائی رفت و بعد از ان نوری گفته که بعضی از شیوخ ما برای ما حکایت کرد که استر او کریخته بود و این حدیث را می دانست پس این ندارا کرد الله تعالی ان استر را حبس کرد از برای او و در بعضی از تصانیف شیخ رجب بن محمد بن رجب حافظ رہ مذکور است که هرگاه کسی اسم الشهید الحق را بر چهار کوشه کاغذ بنویسد و نام کم شده یا غایب را در میان ان ورقه بنویسد و نصف شب از زیر سقف بزیر اسمان اید و نظر در ان ورقه کند و هفتاد بار این دو اسم را بخواند خبر ان کم شده یا غایب برسد و نیز شیخ رجب رہ ذکر کرده است که کسیکه نصف شب در رو وا یا ی خانه خود بایستد و هفتاد بار بکوید یا مُعِیدُ و بعد از ان بکوید یا معید رُدَّ عَلَیَّ فلان بن فلان در همان هفته خبر ان غایب یا ان غایب خودش باو میرسد فسبحان الذی اودع اسراره اسمائه یعنی منزه میدانم خدایرا که اسرار خود را در اسماء خود بامانت کذاشته

باب چهاردهم در ذکر ایات حرس و استکفا و ایات حفظ و شفا و دروش احجاب از افات سنکرها و ایاتی که در انها فوائد متفرقه است اما ایات حرس پس در انها دو روایت است روایت اولی ابو العباس احمد بن فهد رہ در عدة الداعی خود از پیغمبر ص روایت کرده که پیغمبر ص فرمود کسیکه ان ایات را بخواند در نفس خود و مال خود اصلا مکروهی نمی بیند و شیطان نزدیک او نمی اید و قران را فراموش نمی کند و ان ایات از اول سوره بقره است بِسمِ اللهِ الرحمن الرحیم الم ذلک الکتاب تا هم المفلحون و ایة الکرسی است و ایه لِلّهِ ما فی السموات وما فی الارض و ان تُبدُوا ما فی انفُسِکُم تا اخر سوره فانصرنا علی القوم الکافرین و روایت دیم نیز از انحضرت ص روایت شده است و در ان ایات که مروی شده است سی و سه ایه است از اینقرار نود و نه درد و ان سوره الحمد است ۲ تا المفلحون و ایة

الکرسی است تا خالدون و از ایه لله ما فی السموات تا اخر سوره البقره و ایه سخره است از سوره اعراف قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا اخر سوره اسرا و اول سوره والصافات تا انا خلقناهم من طین لازب و از سوره الرحمن یا معشر الجن و الانس تا فلا تنتصران و اخر سوره حشر لو انزلنا هذا القران تا اخر سوره و از سوره جن و انه تعالی تا شططا له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امر الله و در سوره یس از جعلنا من بین ایدیهم تا اغشیناهم فهم لا یبصرون و در سوره بقره ختم الله علی قلوبهم تا و لهم عذاب عظیم الله الشافی الکافی المعافی بالکفی لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و از حضرت پیغمبر ص مرویست که فرمود من کلمه را میدانم که هیچ مکروبی ان را نمی کوید مکر انکه خدای تعالی کرب و اندوه او را زایل میکرداند و دعا نمی کند با و هیچ مسلمانی مکر انکه دعای او مستجاب میشود و ان دعاء برادر من یونس است که خدای تعالی از او حکایت کرده است در کلام خود لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و ابن روایت را در حیوة الحیوان ذکر نموده دمیری شافعی و صاحب کتاب دلائل ذکر کرده است از ابو الحسن محمد بن علی شریف علوی رہ که کفت بمن هم و غم سختی رسیده بود تا انکه سبب مرض من شده بود جد خود رسول الله را در خواب دیدم که بمن فرمود ای محمد چیست ترا عرض کردم از امور دنیا هم و غمی مرا فرو کرفته است و مال و جاه من رفته و با این حال عیال من بسیار شده است و در میان این حال ترسی از سلطان نیز بمن رسیده است و این ترس از ان چیزهای دیگر اعظم است پس حضرت پیغمبر ص فرمود ایا ترا تعلیم کنم چیزی از غرایم قران که خدای تعالی رد کند بتو مال و جاه تو را و سبب ان سلطان را از تو دفع کند و برطرف کند هم و غم ترا و باصلاح اورد کار عیال ترا من کفتم بلی یا رسول الله ان حضرت فرمود این شش ایه را بخوان هرگاه اراده کنی هر وقت هر سختی بخوان که خدای تعالی از ان سختی ترا بیرون برد

بر دوام دنیا واخرت ترا کفایت می کند هیچ یهودی نمیخواند این ایات را مگر انکه حق تعالی اهم اورا
برطرف می کند و هیچ مجوسی نمیخواند انرا مگر انکه خلاص می شود از حبس ابو الحسن میگوید
چون بیدار شدم واین ایات را خواندم بعد از نماز خود ناگاه رسول سلطان امد که سلطان
ترا میخواهد چون نزد سلطان امدم گفت تو در خواب مرا ترسانیدی کمان میبرم که
نفرین کرده باشی بر من بخدا قسم که از من بتو خوفی نرسد پس انچه از من گرفته بود بمن رد
کرد واز مال خود زیاده کرد بران وبالجمله برکت این ایات بهر چیز بود در رسیدم ونا امید
شده بایات استکفا یعنی تلاوت ان کفایت می کند محبوس وخائف وقرض دار ومهموم
وان شش ایه است با جوابهای انها ایه اول الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله
وانا الیه راجعون جواب ان اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة
واولئک هم المهتدون ایه دویم الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم
فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل جواب ان فانقلبوا
بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل
عظیم ایه سیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی
الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین جواب ان فاستجبنا
له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین ایه چهارم وایوب اذ نادی ربه انی
مسنی الضر وانت ارحم الراحمین جواب ان فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر
واتیناه اهله ومثلهم معهم رحمة من عندنا وذکری للعالمین ایه پنجم
وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد وجواب ان فوقیه الله سیئات ما
مکروا وحاق بال فرعون سوء العذاب ایه ششم والذین اذا فعلوا فاحشة او
ظلموا انفسهم ذکروا الله واستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله ولم

یا من عن اراده علیم جهر درد
انحوانها اللهم انی اسئلک باسمک
یا مسبب یا مرغب یا مقلب یا معقب
یا مرتب یا مخوف یا محذر یا مذکر
یا منور فصل نود وهشتم یا من علمه
سابق یا من وعده صادق یا من
لطفه ظاهر یا من امره غالب یا من
کتابه محکم یا من قضاؤه کائن یا من
قرانه مجید یا من ملکه قدیم یا من فضله
عمیم یا من عرشه عظیم جهر درد
یا هکا یا من لا یشغله سمع عن سمع یا
من لا یمنعه فعل عن فعل یا من لا یلهیه
قول عن قول یا من لا یغلطه سؤال عن
سؤال یا من لا یحجبه شیء عن شیء یا من
لا یبرمه الحاح الملحین یا من هو غایة
مراد المریدین یا من هو منتهی همم
العارفین یا من هو منتهی طلب
الطالبین یا من لا یخفی علیه ذرة فی
العالمین جهت مال ودولت یا من
یا حلیما لا یعجل یا جوادا لا یبخل یا صادقا
لا یخلف یا وهابا لا یمل یا قاهرا لا یغلب
یا عظیما لا یوصف یا عدلا

یصروا علی ما فعلوا وهم یعلمون جواب ان اولئک جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات
تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم اجر العاملین واز حضرت صادق
مرویست که فرمود عجب دارم از کسیکه بترسد از چهار چیز چون پناه نمی برد بچهار چیز
عجب دارم از کسیکه او را خوفی باشد از کسی چون پناه نمی برد باین قول حق تعالی
حسبنا الله ونعم الوکیل بواسطه انکه خدای تعالی بعد از ان فرموده است که
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء وعجب دارم از کسیکه غمناک باشد
چون پناه نمی برد بسوی این کلام خدای تعالی که لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین چه بعد از ان فرموده فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی
المؤمنین وعجب دارم از کسیکه مردم با او مکر کنند چون پناه نمی برد بسوی این کلام
خدا که فرموده است افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد بواسطه انکه حق
تعالی در عقب ان فرموده است که فوقاه الله سیئات ما مکروا وعجب دارم از کسی
که دنیا را خواهد چون پناه نمی برد باین کلام خدا که لا حول ولا قوة الا بالله بواسطه
انکه خدای تعالی در عقب ان می فرماید ان ترن انا اقل منک مالا وولدا فعسی ربی
ان یؤتین خیرا من جنتک واما ایات شفا از انجمله این ایات عظیم الشان است کسیکه
اینها را بشوید بعد از نوشتن وبیاشامد یا با خود نگاه دارد شفا یابد وان ایات اینست
ویشف صدور قوم مؤمنین وشفاء لما فی الصدور یخرج من بطونها
شراب مختلف الوانه فیه شفاء ورحمة للمؤمنین واذا مرضت فهو یشفین
قل هو للذین امنوا هدی وشفاء ذلک تخفیف من ربکم ورحمة الان
خفف الله عنکم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم وارادوا
به کیدا فجعلناهم الاخسرین الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله

جوشن
لا یحیف یا غیاث ... یا من
لا ینقص یا کبیر یا اله الا انت
یا حافظ لا یغفل سبحانک یا لا اله
الا انت الغوث الغوث خلصنا من
النار یا رب در بیان شرح دعای جوشن صغیر
مرویست که هر که این دعا را بخواند در
هر وقت بوده باشد حق تعالی او را عطا
فرماید ثواب بیشمار وبهر حرفی از ان
دو حور بیه با او دهند وبعد در هر حرفی
از زبور وتوریة وانجیل وفرقان
حق تعالی او را ثواب کرامت فرماید و
مانند ثواب موسی وعیسی وابرهیم
داشته باشد وهر که در اول ماه مبارک
رمضان این دعا را بنیت خالص
بخواند خداوند عالم ثواب شب
قدر عطا فرماید وبیافریند خدا
در هر اسمانی ودر زمین ودر بیت
المقدس ودر مشرق ودر مغرب
هفتاد هزار ملک را که هر ملکی
از انها را بیست هزار سر بوده باشد
ودر هر سری بیست هزار دهن بوده
باشد که بر هر دهنی بیست هزار زبان
بوده باشد که

ساکناً وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم بالف لا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم واما ایات حفظ کسی انها را بخواند یا با خود دارد در حفظ
ونکهبانی خدای تعالی است وان ایات اینست ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم
فالله خیر حافظاً وهو ارحم الراحمین له معقبات من بین یدیه ومن خلفه
یحفظونه من امر الله ان ربی علی کل شیء حفیظ انا نحن نزلنا الذکر
وانا له لحافظون وحفظناها من کل شیطان رجیم وحفظاً من کل شیطان
مارد ان کل نفس لما علیها حافظ ان بطش ربک لشدید انه هو یبدئ
ویعید وهو الغفور الودود ذو العرش المجید فعال لما یرید هل اتیک
حدیث الجنود فرعون وثمود بل الذین کفروا فی تکذیب والله من
ورائهم محیط بل هو قران مجید فی لوح محفوظ واما ایاتی که سبب حفظ قران
وعلوم دینیه می شود وما دو مقام ذکر میکنیم مقام اول در دعا وغیر انست که باعث
حفظ میشود ومقام دوم در عقاقیر وادویه است که مورث حفظ می شود پس میکوئیم
که شیخ طوسی ره در کتاب متهجد خود ذکر کرده است کسیکه خواهد حفظ قران کند
باید که در شب جمعه چهار رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد وسوره یس بخواند و
در رکعت دویم الحمد وسوره دخان بخواند ودر رکعت سیم الحمد والم سجده که از اسجده
لقمان می کویند بخواند ودر رکعت چهارم الحمد وسوره ملک بخواند وچون سلام
دهد حمد وثنای الهی بجای اورد وصلوات بر محمد وال او بفرستد وبرای مؤمنان
استغفار کند وبکوید اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابداً ما ابقیتنی وارحمنی
من ان اتکلف ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم
بدیع السموات والارض ذا الجلال والاکرام والعزة التی لا ترام اسئلک

بیشمار در هی ... که با الستهٔ مختلفه تسبیح وتقدیس خدا کنند وثواب انرا بخواننده این دعا دهند ودر نزد مبعوث شدن از قبر حاضر شوند در نزد او وهفتاد هزار فرشته با علمهای نور وهفتاد هزار غلمان وهفتاد هزار ناقه که شکم انها از لؤلؤ و پشت انها از زبرجد سبز باشد وپاهای انها از یاقوت سرخ باشد ودر پشت هر ناقه قبه از نور باشد که در هر قبه چهار صد در باشد ودر هر دری چهار صد سریر باشد ودر هر سریری فرشی از سندس واستبرق وبر هر فرشی چهار صد حور نشسته باشند که کیسوهای انها از قر باشد وبر سر هر کنیزی تاج سرخ از طلا باشد وتسبیح وتنزیه خدا نمایند وثواب او را بقاری این دعا دهند وهفتاد هزار ملک دیکر که با هر ملکی کاسه از لؤلؤ سفید باشد که در انها چهار ...

یا الله یا رحمن بجلالک وبنور وجهک ان تلزم قلبی حفظ کتابک کما علمتنی
وارزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیک عنی واسئلک ان تنور بکتابک
بصری وتطلق به لسانی وتفرج به قلبی وتشرح به صدری وتستعمل
به بدنی وتقوینی علی ذلک وتعیننی علیه فانه لا یعین علی الخیر غیرک ولا یوفق
له الا انت واز حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله روایت باسناد صحیح که فرمود کسیکه خواهد
حفظ قران وعلم کند باید که این دعا را بزعفران وعسل سفید بنویسد وباب باران
بشوید بشرط انکه ان اب باران پیش از انکه بزمین برسد فرا کرفته باشد وبناشتا
بیاشامد سه روز متوالی که این فعل را بجا اورد هر چیز که خواهد حفظ کند ان شاء الله
وان دعا اینست اللهم انی اسئلک فانت مسئول لم یسئل مثلک اسئلک
بحق محمد نبیک ورسولک وابرهیم خلیلک وصفیک وموسی کلیمک
ونجیک وعیسی کلمتک وروحک واسئلک بصحف ابرهیم وتوریة
وانجیل وزبور داود وقران محمد صلی الله علیه وعلیهم اجمعین واسئلک
بکل وحی اوحیته وبکل حق قضیته وبکل قضاء قضیته وبکل
سائل اعطیته واسئلک باسمک الذی اذا دعاک به انبیاؤک واصفیاؤک
واحباؤک استجبت واسئلک بکل اسم انزلته فی کل کتاب من کتبک
واسئلک باسمک الذی اثبت به ارزاق العباد واسئلک بالاسم الذی
استقل به عرشک واسئلک باسمک الذی وضعته علی الارضین
فاستقرت واسئلک بالاسم الذی دعوت به السموات فاستقلت
واسئلک باسمک الذی وضعته علی اللیل فاظلم واسئلک باسمک الذی
وضعته علی الجبال فارست واسئلک بالاسم الواحد الاحد الفرد الصمد

... ذی انکار شده باشد ودر هر طبقی ... باشد که نوشته باشد لا اله الا الله ... باشد که شراب طهور در زیر انها ... باشد که انبیا همه ... استغفار ... ایند عا را خوانده است ... نموده است این هم ملائک وحور وغلمان وکنیزها از پس وپیش بیایند تا که او وارد زیر عرش باز دارند ... وقت منادی ندا کند ای بنده خدا داخل بهشت شو پس جبرئیل عرض کرد که هر که این دعا را پیغمبر خدا عرض کرد که هر که ... در ماه مبارک رمضان یکمرتبه بخواند خدا جسد او را بر اتش جهنم حرام کرداند وهر که سه مرتبه در این ماه بخواند خدا ... بهشت بر او واجب کردد وخدا ملکی را بر او موکل کرداند که او را از معاصی حفظ نماید ودرهای بهشت را بر روی او بکشایند ودرهای جهنم را بر روی او بسته کردانند ودر ... دامان حق تعالی ... بوده باشد وجبرئیل عرض کرد که این دعا را بغیر ...

الوتر العزیز الذی ملأ الارکان کلها الطهر الطاهر المطهر یا الله یا رحمن یا رحیم یا مهیمن یا قدوس یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام ان تصلی علی محمد و آل محمد و ترزقنی حفظ القرآن العزیز و العلم و الحکمة برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم ارحمنی و اکفنی یا کافی کل شیء بقدرتک علی کل شیء اکفنی کل شیء و اصرف عنی کل ذی شر بشر برحمتک یا ارحم الراحمین و ابن فهد در عدهٔ خود ذکر کرده است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود یا علی هرگاه خواهی که هر چیز را اگر شنوی حفظ کنی بگوی سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکته سبحان من لا یاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل فی قلبی نورا و بصرا و فهما و علما انک علی کل شیء قدیر در کتاب تحصیل ذکر نموده که مردی پیغمبر را در خواب دید و گفت یا رسول الله چیزی بمن بیاموز که خدای تعالی بسبب آن دل مرا زنده کرداند آنحضرت فرمود بگو یا حی یا قیوم لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلبی اللهم صل علی محمد و آل محمد پس آنمرد سه روز این دعا را خواند خدای تعالی دل او را زنده گردانید در کتاب دعوات در شرح چهل اسم ادریسی مذکور است که کسیکه چهل روز هر روز بیست و هفت بار پیش از صبح بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت شیئا علمه و لا یؤده برکت خالص فهم او زیاد می شود و چیزی را که حفظ کرده فراموش نمی کند و کفعمی از شیخ شهاب الدین سهروردی باین طریق نقل نموده که هر که قلیل الحفظ باشد و بعید الذهن هر روز بعد از نماز صبح قبل از آنکه با کسی حرف بزند بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت شیئا الا علمه و لا یؤده حفظ او بسیار می شود و فراموشی او کم می شود و از ابو العباس بونی منقولست که کسیکه کثیر النسیان باشد سزاوار آنست که در نماز سنت صبح مداومت

کند بر قرائت آیه کریمه ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا تا آخر سوره البقره و بعد از آن بگوید اللهم لا تنسنی ما اقرء فی یومی هذا فانک قلت سنقرئک فلا تنسی پس بدرستیکه هر چیز بخواند در آن روز فراموش نکند و در کتاب جمع الشتات از حضرت صادق ع روایت کرده که آنحضرت فرمود هرگاه خواهی از ما حدیثی نقل کنی پس اگر خبث را شیطان از تو فراموش نماید دست خود را بر پیشانی خود بگذار و بگوی صلی الله علی محمد و آله اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و الآمر به ذکرنی ما انسانیه الشیطان پس بدرستیکه خدای تعالی از یاد تو میاورد و در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که کسی را اگر سهو بر او غالب باشد در نماز باید در وقت دخول بر بیت الخلا بگوید بسم الله و بالله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم و در رساله نفلیه شهید علیه الرحمه مذکور است که سنت مرکسی را که کثیر السهو است نماز را خفیف بجای آورد و در وقتی که شروع بنماز می کند ران چپ خود را با انگشت مسبحه دست راست بزند و در آن حال بگوید بسم الله و بالله توکلت علی الله و اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و چند چیز که انها را تاثیر در نسیان محفوظ است و در نظم سخاوی مذکور است خواندن الواح قبور است و سیب ترش و گشنیز تر و رفتن در میان قطار شتر و حجامت پس سر خود را اندوه بر دنیا در آب ایستاده بول کردن و خوردن نیم خورده موش

باب سیزدهم

در ذکر ادویه ایست که مورث حفظ می شود از آنجمله انچیزیست که ابن مسعود از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است و آن ده درهم قرنفل و ده درهم دانه سپند و ده درهم کندر سفید و ده درهم شکر سفید است که مجموع را بسایند و بیکدیگر مخلوط نمایند مگر دانه سپند را که باید بدستمال بند و یا ادویه نسایند و هر روز در وقت صبح یکدرهم و در وقت

خواب یکدرهم از ان بخورند برای حفظ و قطع بول و بلغم و تقویت پشت و کرم معده
و این روایت را بعینها در کتاب لفظ الفواید دیده ام و نیز در کتاب لفظ الفواید مذکور
که کسیکه خواهد حفظ او بسیار شود روزی یکمثقال زنجبیل مربی بخورد و در همان
کتاب گفته است که چیزی که تجربه شده است از برای حفظ اینست که بیست درهم
مویز سرخ منزوع العجم یعنی دانه او را از ان بیرون اورند و یکمثقال سعد کوفی
و دو درهم لبان الذکر و نیم درم زعفران بگیرد و مجموع انها را بکوبد و با آب باران
خمیر سازد تا انکه باقی ماند در قوام معجون و هر روز ناشتا یکدرهم از ان بخورد و
نیز گفته است که کسی که مداومت کند بر خوردن مویز ناشتا فهم و ذهن و حفظ و نفس
بلغم روزی او می شود و در کتاب طریق النجات مذکور است که سه چیز است که
بلغم را می برد و حفظ را زیادی می کند و ان سه چیز روزه و مسواک و قراءة قران است
و در بعضی اخبار وارد شده است که خوردن گوشتی که در پهلوی گردنست و خوردن
حلوا و عدس و نان سرد و قرائت ایة الکرسی حافظه را قوی می گرداند و از جمله ادویه
حفظ انچیزیست که از ابو بصیر روایت شده است که گفت بحضرت صادق ع عرض کردم که
چگونه قدرت یابیم بر این علمی که شما تفریع کرده اید برای ما یعنی چون علم بفروع دین
بهم رسانیم و از احفظ کنیم انحضرت فرمود که ده درهم قرنفل و ده درهم کندر ذکر
بگیرد و خوب بکوبد و هر روز ناشتا قدری از ان بخورد و ایضا از برای کسیکه
بعید الذهن و قلیل الحفظ باشد بگیرد قدری از سناء مکی و قدری از سعد هندی
و فلفل سفید و کندر ذکر و زعفران خالص و قدر اجزاء همه مساوی باشد و مجموع را
بکوبد و بعسل بیامیزد و در هفت روز متوالی هر روز یکمثقال از ان بخورد
و اگر چهارده روز از ان بخورد انشاء الله حفظ ترسیده می شود بر او که بوده باشد سا

یعنی مردم او را ساحر گویند و بعضی از ان ادویه دوائیست که یافت شده است بخط
شیخ احمد بن فهد رحمة الله علیه و تجربه بصحت ان شاهد است و ان کندر و سعد
و شکر طبرزد است باید که اجزاء جمیع متساوی باشد و مجموع را نرم بکوبد و سفوف
سازد و هر روز ناشتا پنج درهم از ان بخورد تا سه روز و قطع کند تا پنج روز و در
کتاب لفظ الفواید بعینه این دوا مذکور است و در کیفیت احتجاب بحصیات بچند نوع است
از انجمله انچیزیست که ذکر کرده است از اصحاب کتاب مستوجب المحامد و ان اینست
که هرگاه بترسی از مکانی پس فراگیر پنج عدد سنگریزه و بپاش از ان در حول خود و هفت
عدد سنگریزه فراگیر و نزد سر خود دفن کن که ایمن میشوی انشاء الله تعالی و باز در کتاب مذکور
ذکر شده است که هرگاه در صحرا در وقت خواب بترسی پنج عدد سنگریزه فراگیر و نزد
سر خود دفن کن و پنج سنگریزه دیگر فراگیر باسماء انبیا اولو العزم باین روش که اول را
که برمیداری بگو نوح ع دویم را که برمیداری بگو ابرهیم ع و سیم را که برمیداری بگو موسی
و ع که برمیداری بگو عیسی ع و پنجم را که برمیداری بگو محمد صلی الله علیه واله و بعد
از ان یکی از این پنج ریزه را بجانب قبله انداز و در وقت انداختن ان بگوی قوله دویم را
بجانب مشرق انداز و بگو الحق و سیم را بجانب شمال انداز و بگوی وله و چهارم را بجانب
مغرب انداز و بگوی الملک و پنجم را بان سنگریزه که دفن کرده بودی بگذار و بگو
قفوا ولا تبرحوا و ضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة و ظاهره من قبله
العذاب و بعد از ان چهل سنگریزه دیگر بردار و در حول خود دفن کن و بخواب
که این حجاب بزرگیست و از انجمله صفت اخفا یعنی از چشم دشمن فتح محنت را بگو
پس فراگیر بدست چپ سنگریزه چند بعدد حروف مجزومه یعنی حروفیکه جزم
دارد که ان سه است و بعدد حروف منصوبه یعنی حروفی که فتحه دارد که ان چهل است

سنکریزه بدست راست کیری پس یک سنکریزه از دست راست خود از منصوبات بینداز
و در وقت انداختن آن بکوی أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا
لَا تُرْجَعُونَ و بعد از آن سنکریزه دیم را از دست چپ بینداز و در آنوقت بکو
يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
فَانْفُذُوا الآیه و بر سنکریزه سیم که از منصوبات از دست راست بعقب خود بینداز
و بکو صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا یر سنکریزه چهارم از منصوبات که در دست راست بسوی
پیش روی خود بینداز و بکوی وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا و بعد از آن ایخر از مجزومات که در دست چپ مانده است در
عمامه خود بکذار و برو که جماعتی از اعدا کفعمی در بلد الامین خود ذکر کرده که در
بعضی اسفار خود از حلب با من جماعتی از مکاریان و تاجران بودند و با ایشان بار
بسیاری بود و از خراج کیران می ترسیدند که ضرری بایشان رسد پس من بعضی اصحاب
خود کفتم که هفت سنکریزه بده بمن پس سنکریزه ها را کرفتم و صنعت اخفا را بجا
آوردم جمیع قافله بسلامت رفتند از خراج کیران و ایشان اصلا متعرض ما نشدند
بلطف الله تعالی و ایضا هرکاه خوف داشته باشی باید در جنکی واقع شوی هفت سنک
ریزه فرا کیر و در اندرون چپ خود آنها را بشمار و سنکریزه اول را از جانب راست خود
بینداز و دیم را از جانب چپ خود بینداز و سیم را از بالای سر خود بر پشت سر انداز
و در جمیع آنها که اندازی بکو قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ که لشکر دشمن شکسته شود
و اکر شکست نخورند لا محاله از آن میان بسلامت نجات خواهی یافت و از انجمله اینکه
هرکاه در راه ترسی پنج سنکریزه را فرا کیر اول را بنام خدای تعالی دیم را باسم جبرئیل ع
و سم را باسم موسی ع و م را باسم محمد ص و ۵ را باسم ابرهیم ع و آن سنکریزه ها را با خود نکاه دار

که ایمن میشوی از آفات انشاء الله تعالی و اما آیاتی که متضمن فواید متفرقه است از انجمله اینچه پیست
که صاحب کتاب نزهة الادباء از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت
فرمود هرکاه بدرنده برسی در روی او آیة الکرسی بخوان و بکوی عَزَمْتُ عَلَيْكَ
بِعَزِيمَةِ اللّٰهِ وَبِعَزِيمَةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ وَعَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَعَزِيمَةِ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَلَّا تَنَحَّيْتَ عَنْ طَرِيقِنَا وَلَمْ
تُؤْذِنَا أَنْ سَبُع بر میکردد انشاء الله تعالی و نیز در کتاب نزهة الادباء مذکور است که هرکاه
بخوابکاه خود روی بکوی أَيَّتُهَا الْأَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِي لَا يُبَالُونَ بِغَلَقٍ وَلَا بَابٍ
عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِأُمِّ الْكِتَابِ أَلَّا تُؤْذُونِي وَأَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَؤُوبَ
الصُّبْحُ بِمَا آبَ تا ایمن شوی از آزار کیك و در مجمع البیان طبرسی از حضرت پیغمبر
روایت کرده از برای ایمن شدن از کیك هفت نوبت این آیه را بخوان وَمَا لَنَا أَلَّا
نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُتَوَكِّلُونَ بخوان بر قدح آبی و بعد از آن بکوی إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللّٰهِ فَكُفُّوا شَرَّكُمْ
وَأَذَاكُمْ عَنَّا و آن بر ابر حول خود بپاش و در کتاب طریق النجاة مذکور است که نزد
ملاقات سك درنده بکوی أَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ صاحب معجم اهل الادب و صاحب عده
ذکر کرده اند که هشام بن نساب کلبی بخدمت حضرت صادق ع آمد آنحضرت فرمود با او
که تو آن کسی که قرآن تفسیر می کنی هشام کفت بلی آنحضرت فرمود خبر ده مرا از قول خدای
تعالی که فرموده است وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
حِجَابًا مَسْتُورًا کدام آیه قرآنست که هرکاه پیغمبر ص می خواند می کردید حجاب میان او و کفار
هشام کفت نمیدانم تعلیم کن از این یا ابن رسول الله فرمود سر آیه بود از سوره کهف و من

اظلم ممن ذکر بایات ربه فاعرض عنها ونسی ما قدمت یداه تا اذا ابدا و از سوره کهف
اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئک هم
الغافلون و از سوره جاثیه افرایت من اتخذ الهه هویه تا افلا تذکرون
و بجهة ارام کردن ذابه ایه کذشته افغیر دین الله یبغون را در کوش او بخواند باب سادس
در دعای بد کردن بر دشمن شیخ ابو جعفر بن بابویه ره در کتاب عیون اخبار الرضا ع
روایت کرده است که مردی بخدمت حضرت صادق ع امد و شکایت کرد از مردی
که با و ظلمی کرد انحضرت فرمود چرا دعای مظلوم را که پیغمبر ص تعلیم کرد او را بامت نمی
خوانی چه هیچ مظلومی ان دعا را بر ظالم خود نخواند مگر انکه نصرت یافت بر او و
کفایت کرد خدای تعالی او را وان دعا اینست اللهم طمه بالبلاء طما وغمه
بالبلاء غما وارمه بیوم لا معاد له وساعة لا مرد لها واتح حریمه وصل
علی محمد وال محمد واهل بیته علیه وعلیهم السلام واکفنی امره وقنی
شره واصرف عنی کیده واخرج قلبه وسد فاه عنی وخشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما
قال اخسئوا فیها ولا تکلمون صه صه صه صه صه صه صه شیخ کمال الدین
دمیری در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده است که کسی در مدت ده روز هزار بار سوره فیل را
بخواند و کسی را که میخواهد در خاطر بکذراند و در روز دهم در اب جاری بنشیند و بکوید
اللهم انت الحاضر المحیط بمکنونات السرائر اللهم عز الظالم وقل الناصر
وانت المطلع العالم اللهم ان فلانا ظلمنی واذانی ولا یشهد بذلک
غیرک اللهم انک مالکه فاهلکه اللهم سربله سربال الهوان و
قمصه بقمیص الردی پس ده بار بکوید اللهم اقصفه پس بکوید فاخذهم الله

بذنوبهم وما کان لهم من الله من واق در همان روز دشمن او هلاک میشود یونس بن عمار میگوید
شکایت کردم بحضرت صادق ع از مردی که مرا ازار و اذیت میکرد انحضرت فرمود که نفرین
کن او را پس بر او نفرین کردم فایده نکرد بان حضرت دو مرتبه عرض کردم فرمود این روش
نیست نفرین کردن از کناهان توبه کن و روزه بکیر و نماز کن و چیزی تصدق کن و
چون اخر شب شود وضو کامل بساز و دو رکعت نماز کن و سجده کن و در سجده بکوی اللهم
ان فلان بن فلان یعنی نام دشمن و پدر او را ببر و بعد از ان بکوی اذانی اسقم
جسده واقطع اثره وانقص اجله واجعل له ذلک فی عامی هذا یونس میکوید
چون این را عمل اوردم اندک زمانی نشد که ان دشمن من هلاک شد و شیخ طوسی در
کتاب متهجد خود ذکر کرده است که کسیکه او را دشمنی باشد که او را اذیت کند باید که در سجده
دویم از دو رکعت نماز نافله شب بکوید اللهم ان فلان بن فلان سهرنی ونوه بی و
عرضنی للمکاره اللهم فاصرفه عنی بسقم عاجل یشغله عنی اللهم وقرب اجله
واقطع اثره وعجل یا رب ذلک الساعة الساعة و زمخشری در کتاب ربیع الابرار
خود ذکر کرده است که کسی شکایت بحضرت امام حسن ع کرد از مردی که با او ستم میکرد حضرت
فرمود که هرگاه دو رکعت نماز از نافله مغرب بکذاری سجده کن و بکوی یا شدید المحال یا
عزیز اذللت بعزتک جمیع من خلقت فصل علی محمد وال محمد واکفنی مؤنة
فلان بمن شئت پس چون امر را بان عمل اورد در همان وقت صدای گریه و زاری
از خانه ظالم او برخواست واین روایت را احمد بن داود نعمانی نیز در کتاب دفع الهموم
والاحزان ذکر کرده است و شیخ مفید ره این روایت را باین عبارت ذکر کرده است که یا
ذا القوة القویة ویا ذا المحال الشدید ویا ذا العزة التی کل خلقک لها ذلیل
اکفنی هذه الطاغیة وانتقم لی منه دعائی که حضرت صادق ع بر داود بن علی بن عبد الله

بن عباس در وقت سحر در سجده کرد بواسطه آنکه معلی بن خنیس را که خادم انحضرت بود داود
بود و یکساعت زیاده از وقت دعا نکذشت که داود مرد و آواز کریه از خانه او برخاست
وان دعا اینست یا ذا القوة القویة و القدم الازلیة و یا ذا المحال الشدید و
النصر العتید و یا ذا القوة التی کل خلقک لها ذلیل خذ داود بن علی بعزة
اخذ عزیز مقتدر و انجاه مفاجات ملک منتصر و شیخ مفید نیز در ارشاد
خود این دعا را ذکر کرده و کفعمی در کتاب بلد الامین و درع الحصین میکوید که کسی
که در شب ماریک سجده کند بر خاک و هزار بار بکوید المذل و بعد از ان بکوید یا مذل
الجبارین و مبیر الظالمین ان فلانا اذلنی فخذ لی حقی منه در همان وقت خدای تعالی
دشمن او را می کیرد و کسیکه در سجده پنجاه و پنج بار بکوید اللهم امنی من فلان بن
فلان ایمن میشود از دشمن انشاء الله تعالی و اکر کسی را دشمنی باشد که قادر بر دفع او نباشد
از ارد هزار سبذ قه بسازد و بر هر یک یا قوی را بخواند و بیندازد از برای طیور شر
دشمن او کفایت شود ایضا دران کتاب کفته کسیکه در تحت الشعاع در اخر شب بکوید
یا قاهر یا قهار یا ذا البطش الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه و بعد از ان بر دشمن
نفرین کند خدای تعالی ان دشمن را بقهر خود بکیرد ابن طاوس در کتاب اقبال خود کفته
کسیکه از ظالم خود ترسد در اول روز از ذی الحجة الحرام بکوید حسبی حسبی حسبی من
سؤالی علمک بحالی شر دشمن او کفایت می شود انشاء الله تعالی و نعمانی در کتاب دفع الهموم
والاحزان از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که انحضرت فرمود بر کسیکه ظلم
کرده باشند و ظالم ان بر نکردد از ان ظلم باید که ان مظلوم ابی بر خود بریزد و وضو کاملی
بسازد و دو رکعت نماز کند و بعد از ان بکوید اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی
واعتدی علی و نصب لی و امضنی و ارمضنی و اذلنی و اخلقنی اللهم فکله

الی نفسه و هد رکنه و عجل جائحته و اسلبه نعمتک عنده و اقطع رزقه
و ابتر عمره و امح اثره و سلط علیه عدوه و خذه فی مامنه کما ظلمنی و اعتدی
علی و نصب لی و امض و ارمض و اذل و اخلق اللهم انی استعیذ بک علی
فلان بن فلان فاعذنی فانک اشد باسا و اشد تنکیلا پس بد رستیکه مهلت
داده نمیشود که سه بار این عمل را بجا اورد بعینه فی الحال ان ظالم هلاک می شود و کفعمی
نماز استعدا یعنی نماز یکه برای هلاک عدو می باید کرد از حضرت صادق ع روایت
کرده که فرمود از برای دفع عدو دو رکعت نماز کن و رکوع و سجود را دران دراز
کن و بعد از سلام روی خود را بر زمین کذار و بکوی یا رباه یا رباه چندانکه نفس تو
منقطع کردد پس بکوی یا من اهلک عادا الاولی و ثمود فما ابقی و قوم نوح من
قبل انهم کانوا هم اظلم و اطغی و المؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی ان فلان
بن فلان ظالم فیما ارتکبنی به فاجعل علیه منک وعدا و لا تجعل لی فی حلمک نصیبا
یا اقرب الاقربین و ایضا از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که هر کسیکه ستم شده باشد
باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز کند و رکوع و سجود او را دراز کند و چون سلام
دهد هزار بار بکوید اللهم انی مغلوب فانتصر پس بد رستیکه دران زود نصرت
یابد بر دشمن و ابن طاوس در کتاب دروع ذکر کرده است که کسیکه خواهد که حق
تعالی دشمن او را کفایت کند باید که صبر کند تا شب اول ماه و چون شب اول ماه شود
نکاه بماه کند و دست خود را بکشد بسوی خانه دشمن و سه بار کوید ایود احدکم
ان تکون له جنة من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من کل
الثمرات و اصابه الکبر و له ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار
فاحترقت و سه بار بکوید اللهم طمه بالبلاء طما و غمه بالبلاء غما و ارمه بحجارة من

سجيلٍ وَطيراً ابابيلٍ يا عليُّ يا عظيمُ ودرهر بار اشارت كند بجانب دشمن كه شر او كفايت
شود انشاء الله تعالى در اول ماه اين عمل را بجا آورد اكر در ماه اول نفع كرد بهما والا در ماه
دويم اين عمل را بجا آورد واكر نفع نكند در ماه سيم نفع مى كند انشاء الله تعالى وشيخ سهروردى در
كتاب دعوات خود ذكر كرده است كه كسيكه خواهد دشمن او را خدا تعالى هلاك كند
سه روز روزه بدارد وهر روز پانصد مرتبه بكويد يا جبّار المذلّل كلّ شيءٍ بقهر
عزيزٍ سلطانه ودر نسخه ديكر هفتصد كو راست كه اين اسم را مدت يكماه هر روز سيصد
مرتبه بخواند خداوند عالم پيش از تمام شدن ماه دشمن او را تمام كند وكسيكه از ظالمى ترسد
قبل از ملاقات او هزار مرتبه اين اسم را بكويد از شر او ايمن ميشود وابن طاوس در مهج خود
ذكر كرده كه حضرت هادى متوكل را هلاك نمود بدعاى سيفى كه او را دعاى يمنى نيز
كويند وما انشاء الله در ابواب دعاهاى معروف ذكر خواهيم كرد او را با دو قصه او

باب هفدهم

در حجابها وعوذها وهياكل اما حجابها را ابن طاوس در مهج خود بتفصيل ذكر كرده وان حجابها
حجبهاست كه پيغمبر وائمه عليهم السلام بانها احتجاب ميكردند از كسيكه اراده مى كرد با ايشان
اذيتى برساند وما دو حجاب او را در اين مختصر بر سبيل نمونه ذكر ميكنيم يكى از اول ويكى
از اخر حجاب خاتم انبياء كه از انحضرت روايت شده وَجَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ اَكِنَّةً
اَنْ يَفْقَهُوهُ وَفى آذانِهِمْ وَقْراً وَاِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِى الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا
عَلى اَدْبارِهِمْ نُفُوراً اَللّهُمَّ بِما وارَتِ الْحُجُبُ مِنْ جَلالِكَ وَجَمالِكَ وَبِما اَطافَ
بِهِ الْعَرْشُ مِنْ بَهاءِ كَمالِكَ وَبِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَبِما تُحيطُ بِهِ قُدْرَتُكَ
مِنْ مَلَكُوتِ سُلْطانِكَ اَللّهُمَّ لا رادَّ لِاَمْرِهِ وَلا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ اِضْرِبْ بَيْنى وَبَيْنَ
اَعْدائى بِسِتْرِكَ الَّذى لا تُمَزِّقُهُ عَواصِفُ الرِّياحِ وَلا تَقْطَعُهُ بَواتِرُ
الصِّفاحِ وَلا تَنْفُذُ فيهِ عَوامِلُ الرِّماحِ وَحُلْ يا شَديدَ الْبَطْشِ بَيْنى وَبَيْنَ

مَنْ يَرْميني بِبَوائِقِهِ وَبَيْنَ مَنْ تَسْري اِلَيَّ طَوارِقُهُ وَفَرِّجْ عَنّى كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ
يا فارِجَ هَمِّ يَعْقُوبَ فَرِّجْ هَمّى يا كاشِفَ ضُرِّ اَيُّوبَ اِكْشِفْ ضُرّى
وَاغْلِبْ لى مَنْ غالَبَنى يا غالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ وَرَدَّ اللّهُ الَّذينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ
لَمْ يَنالُوا خَيْراً وَكَفَى اللّهُ الْمُؤْمِنينَ الْقِتالَ وَكانَ اللّهُ قَوِيّاً عَزيزاً فَاَيَّدْنَا
الَّذينَ آمَنُوا عَلى عَدُوِّهِمْ فَاَصْبَحُوا ظاهِرينَ حجاب اخر از حضرت صاحب الامر عليه السلام
و ان اينست اَللّهُمَّ احْجُبْنى عَنْ عُيُونِ اَعْدائى وَاجْمَعْ بَيْنى وَبَيْنَ اَوْلِيائى وَاَنْجِزْ
لى ما وَعَدْتَنى وَاحْفَظْنى فى غَيْبَتى اِلى اَنْ تَأْذَنَ لى فى ظُهُورى وَاَحْيِ بى
ما دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسُنَنِكَ وَعَجِّلْ فَرَجى وَسَهِّلْ مَخْرَجى وَاجْعَلْ لى
مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً وَافْتَحْ لى فَتْحاً مُبيناً وَاهْدِنى صِراطاً مُسْتَقيماً
وَقِنى شَرَّ ما اُحاذِرُهُ مِنَ الْمُسْلِمينَ وَاحْجُبْنى عَنْ اَعْيُنِ الْباغِضينَ النّاصِبينَ
الْعَداوَةَ لِاَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَلا يَصِلْ مِنْهُمْ اِلى اَحَدٍ بِسُوءٍ فَاِذا اَذِنْتَ
فى ظُهُورى فَاَيِّدْنى بِجُنُودِكَ وَاجْعَلْ مَنْ يَتْبَعُنى لِنُصْرَةِ دينِكَ مُؤَيَّدينَ
وَفى سَبيلِكَ مُجاهِدينَ وَعَلى مَنْ اَرادَنى وَاَرادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورينَ وَ
وَفِّقْنى لِاِقامَةِ حُدُودِكَ وَانْصُرْنى عَلى مَنْ تَعَدّى مَحْدُودَكَ وَانْصُرِ الْحَقَّ وَ
اَزْهِقِ الْباطِلَ اِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً وَاَوْرِدْ عَلَىَّ مِنْ شيعَتى وَاَنْصارى مَنْ
تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ وَيُشَدُّ بِهِمُ الْاَزْرُ وَاجْعَلْهُمْ فى حِرْزِكَ وَاَمْنِكَ وَكَنَفِكَ
وَحِفْظِكَ وَعِياذِكَ وَسِتْرِكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ واما عوذها
بسيار است وعددانها محصور نيست بعضى از انها در تعقيبات كذشت ودر دفع
خواب وعوذه سفر نيز در باب خود انشاء الله خواهد امد واما عوذها در اين مقام غالبا
بجهة چشم بد است زيرا كه شكى نيست كه چشم بد را تاثير است چنانچه از حضرت پيغمبر مرويست كه

فرمود چشم بد حق است و اثر می کند و چشم بد داخل شتر و گاو و غیر آنها میشود در کتاب غرر مذکور
شده که مرد چشم زننده نظرش بمرد سواره افتاد گفت چه خوب سواریست مقارن
این گفتن آن مرد از اسب افتاد و هر دو مردند و از اصمعی منقولست که نزد ما دو مرد
چشم زننده بودند یکی از آن دو مرد را عبور افتاد بر حوضی که از سنگ تراشیده بودند
گفت بخدا قسم مثل این چیزی ندیده ام فی الحال آن حوض دو پاره شد پس آهن آب کرده
در شکاف آن ریختند بار دیگر بر او گذشت گفت گویا این حوض نشکسته است فی الحال
آن حوض دو پاره شد و هر پاره بجائی پرید چشم زننده دیگر عقب دیواری صدای بولی را
شنیدند پیدا است صدای شر است می دوشند گفت چه شیر بسیاری میدهد این گاو با و گفتند
پسر تو است که بول میکند گفت آه که پشت او منقطع شد والله که بعد از این بول نخواهد
کرد در همانساعت و این مطلب از واضحاتست و در حدیث وارد شده است که چشم کشنده است
پس از هر چشم کشنده استعانت بخدا جوئید و در کتاب زبدة البیان مذکور است که یعقوب
ترسید بر پسران خود از چشم بد بواسطه آنکه صاحب جمال بودند لهذا گفت ای پسران
من از یکدر داخل مصر مشوید بلکه از ابواب متفرقه داخل شوید که شما را چشم نکنند و در
بنی اسد مردی بود چشم زن که سه روز گرسنگی میخورد و بعد از آن بهر چیزی که بر
گذشت و میگفت مثل این چیزی ندیده ام آن چیز هلاک می شد آن مرد را چیزی بسیار
دادند که حضرت پیغمبر را چشم کند خدای تعالی آنحضرت را نگاه داشت و این وان یکاد
الذین کفروا لیزلقونک تا آخر را فرستاد و معنی لیزلقونک اینست که میخواهند
ترا بچشم هلاک کنند لهذا بجهة رفع چشم بد چند تعویذ ذکر میشود از انجمله عوذه ایست
که شیخ طبرسی در مجمع البیان ذکر کرده است که پیغمبر صلعم حضرت حسنین علیهما السلام بان تعویذ
فرمود از چشم بد و حضرت موسی علیه السلام دو پسر هرون را بان تعویذ فرموده است و ان عوذه

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است و آن اینست که اعیذ نفسی و ذریتی و اهل
بیتی بکلمات الله التامة من شر کل شیطان و هامة و من کل عین لامة
و عبد الکریم سمعانی در کتاب خود ذکر کرده که جبرئیل بر پیغمبر صلعم نازل شد آن
حضرت را غمناک دید از سبب آن پرسید آنحضرت فرمود که حسنین چشم بدی رسیده
جبرئیل گفت یا محمد صلعم اصابة چشم حق است ایشانرا باین عوذه تعویذ کن اللهم یا ذا
السلطان العظیم والمن القدیم ذا الوجه الکریم ذا الکلمات التامات و
الدعوات المستجابات عاف الحسن والحسین من انفس الجن و اعین الانس و طبرسی
در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود
اصابه عین حق است و ایمن مباش از چشم بد بر نفس خود و از چشم خود نیز ایمن مباش
بر غیر خود پس هرگاه از چشم بد ترسی سه بار بگوی ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی
العظیم و شیخ طبرسی در جوامع خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر گاه
چیزی را به بینی که خوش آید ترا بگوی الله الله ما شاء الله لا قوة الا بالله که ضرری بان
چیز نمیرسد و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر گاه یکی از شما بهیئت خوبی آراسته
شود و رخت خوب بپوشد در وقتی که از خانه خود بیرون میاید سوره قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را بخواند هیچ چیز باو ضرر نرساند باذن الله تعالی
و در کتاب زبدة البیان مذکور است که جبرئیل علیه السلام باین افسون کرد پیغمبر را از برای اصابه
عین بسم الله ارقیک من کل عین حاسد و در جوامع الجامع از حسن نقل کرده که
او گفت دوای اصابه عین خواندن این وان یکاد است و کفعمی گفته که بخط مؤید الدین
ابن علقمی وزیر مسطور است که تعویذ چشم بد این است که بسم الله العظیم الشان القوی
السلطان القوی الارکان حبس حابس و حجر یابس و شهاب قابس و لیل دامس و ماء

قادرٍ فی عین العاین وفی احب الخلق الیه وفی کبده وکلیتیه فارجع البصر هل
تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا وهو حسیر
ایضا بر تخم نوشته بر میان دو پای انسان و در میان دو چشم حیوان نظر رسیده بر زمین
زند این تعویذ را شفا یابد و ایضا بر تخم مرغ نوشته و بمقابله بر میان پیشانی بشکند
که دفع شود ببر النبوة استتر به انبیاء الله من سطوات الفراعنة جبرئیل عن یمینی و
میکائیل عن یساری و اسرافیل عن ورائی و محمد صلی الله علیه و آله امامی و الله
مطلع علی یمنعک منی و یمنع الشیطان عنی اللهم لا یغلب جهله اناتک ان یستفزنی
و یستخفنی اللهم الیک الجات اللهم الیک الجات جهة نظر بندی بنویسد بر تخم
مرغ و بر صاحب نظر کذارد و دست از تخم بردارد و در وقت دست برداشتن از تخم تا نشکند
این اسم را هفت مرتبه بخواند بسم الله علی الاسم العاین و حروفی که بر تخم باید نوشت اینست
جاعب محبعت جعجعت ابعمعت ابعلعب اعجع عجاعاع اجعت جعاحعا جفا
عیاح ناجع جباع تامج اعجت عجبا ایضا بجهة چشم زخم مجرب است بنویس بر تخم مرغ و
در میان چهار پای جوان نکاه داشته و اکر انسان باشد در میان دو چشم او و بکوید
بسم الله و بالله و علی اسم العاین و بخوانید ازد و بر تخم این را باید نوشت حاعب
فجعجعت تعخعب افلفت کذلک عین العاین اما عوذه که از حشرات الارض
نکاه میدارد در کتاب طب الائمه مذکور است اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
و بالله محمد رسول الله اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء
من شر کل هامة تدب باللیل و النهار ان ربی علی صراط مستقیم و در کتاب
توسل الی الدنیا مذکور است که کسیکه از هوام و از عقارب بترسد هر صباح و
شام کوید و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا و لنصبرن علی ما اذیتمونا

قد جلیته الهی و ثقل بالحدید ... من ضنک الدنیا و لا من دونها ینظر الی نفسه حسرة ... ضرا و لا نفعا و انا خلو من ذلک کله بجودک و کرمک فلا اله الا انت سبحانک من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لنعمائک من العابدین و لنعمائک من الشاکرین و ارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین مولای و سیدی و کم من عبد امسی و اصبح قد اشتاق الی الدنیا للرغبة فیها الی ان خاطر بنفسه و ماله حرصا منه علیها قد رکب الفلک و کسرت به فهو فی آفاق البحار و ظلمها ینظر الی نفسه حسرة لا یقدر لها علی ضر و لا نفع و انا خلو من ذلک کله بجودک و کرمک فلا اله الا انت سبحانک من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لک من

و علی الله فلیتوکل المتوکلون در مسند احمد بن حنبل مذکور است که پیغمبر بدیکه او را
عقرب کزیده بود کفت که در وقت شام اکر میکفتی اعوذ بکلمات الله التامات
من شر ما خلق بتو ضرر نمیرسانید در کتاب حیوة الحیوان مذکور است که سه بار می بایستی
خواند و در فواید قطبی مذکور است که در وقت غیبوبة آفتاب این کلمات را بکوید و
در کتاب حیوة الحیوان مذکور است که کسیکه در وقت شام و در وقت صبح بکوید بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم چیزی باو
ضرر نرساند یا انکه بکوید در هر شب سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی
المحسنین انه من عبادنا المؤمنین در آن شب مار و عقرب باو ضرر نرساند و در مکارم
الاخلاق از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده که آنحضرت فرمود کسیکه این عوذه را در
شام بخواند من ضامن اویم که تا صباح عقرب و حشرات الارض باو ضرر نرساند و آن
عوذه این است که اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر
ما ذرء و برء و من شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
تتمه که در روایت وارد شده است که پیغمبر را در اثنای نماز عقربی کزید چون از نماز
فارغ شد نعل خود را برداشت و آن عقرب را بقتل آورد و بعد از آن فرمود آب نمک
حاضر کردند و بر کزیده عقرب مالید و سوره توحید و معوذتین را خواند بدانکه آن
خواص سها آنست که کسیکه او را در شب به بیند در آن شب ایمن می شود از عقرب و سها
ستاره کوچکی است که در میان بنات النعش کبری میباشد و شیخ ابو علی سینا در باب سها
این دو بیت را کفته فمن رای عشیة نجم السها لم تدن منه عقرب بسمها کلا
و لا یدنو الیه سارق فی سفر و لا بسوء طارق یعنی کسیکه در وقت شام ستاره
سها را به بیند عقرب بنزد یک او نمی آید و مس او نمیکند و از دزد ایمن میشود در سفر

العابدین و لنعمائک من الشاکرین و ارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین مولای و سیدی و کم من عبد امسی و اصبح قد استمر علیه القضاء و احدق به البلاء و الکفار و الاعداء و اخذته الرماح و السیوف و السهام و جدل صریعا قد شربت الارض من دمه و اکلت السباع و الطیر من لحمه و انا خلو من ذلک کله بجودک و کرمک بلا استحقاق منی یا لا اله الا انت سبحانک من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لنعمائک من الذاکرین الشاکرین و لآلائک من الذاکرین و ارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین و عزتک یا کریم لاطلبن مما لدیک و لالحن علیک و لامدن یدی نحو ما الیک ... جرمها الیک تمیز اعوذ یا رب ... و من الود ...

وکسیکه شب بر او اید بدی باو نتواند رسانید و بعضی از خواص حروفیکه مذکور می شود اینست
که کسیکه طاهر باشد و روی بقبله اینحروف را در کاغذی سفید پنج بار بنویسد
و باب بشوید و ابی را که این حروف باین شسته است بکسی دهد که عقرب او را
گزیده است شفا می یابد و این حروف مبارکه اینست محو درمعو درهو هوف
مطوف م کام و بعضی از اهل علم فواید این ابیات را که در این حروف گفته اند محو درهو مع هو مطوف
و میم و کلم والجمیع بلا نقط و واوتها طمس کذا المیم اطمس وهاتها والظاء مبضه
الوسط وکلم فلا تطمس للمیم واحتفظ من الزیغ فیها لا تعلمها لسقط فذلك
للملسوع فیها شفاؤه اذا کتبت فی طرس مبیض النمط علی طهر مستقبل القبلة التی نحج
الیها العرب والعجم والنبط وتغسل بالماء القراح وتشرب الرسول فیبرء ان کتبها بلا غلط
کاتبها فیما روینا ثلثه واثنین استادی اخفاتها اشترط ماحصل این ابیات این است
که این حروف مجموع بی نقطه می باید نوشت و میان واو و میم را در نوشتن ناپدید باید
کرد و میان جمیع هاو طا را گشاده بگذارند و باطهارت روی بقبله در کاغذ
سفیدی بنویسند و باب خالص بشویند و بخورد عقرب و مار گزیده دهند و در
نوشتن باید که غلط نکنند و استاد من گفته است که انرا از مردم مخفی دارید و بهر کس
میاموزید و در بسیاری از کتب علمای امامیه دیده ام که اگر کسی در جمعه اخر ماه
رمضان این شکل را بنویسد و برای هر دردی که باشد انرا بشوید و اب انرا بصاحب
درد بدهد که بخورد شفا یابد باذن الله تعالی و ان شکل اینست که بسم الله الرحمن
الرحیم لا اله الا الله لا الا الا الا الا الا یا الله محیط به علمك لسع س ل ه و ن و بالحق انزلناه وبالحق
نزل وما ارسلناك الا رحمة للعالمین باتراب اباتراب اباتراب وسلطان نقبا
علاء الملك الماضی این شکل را باین ترتیب نقل کرده از خط امیر المؤمنین و از خط او

نقل کرده است حسام الدین منجم بلخی و از خط او نقل کرده است شمس الدین بدخشی و از خط او
نقل کرده حکیم فاضل مجد الدین خاطی و از خط او نقل کرده است شمس الدین محمد بخاری
و از خط او کفعمی می گوید که من نقل کردم و از او شنیدم باین طریق و لا ۸ ۱۱۱ ۱ م
بهلا والله و در کتب بعضی از امامیه دیده ام بواسطه بادی که در بدن بهم رسد
بواسطه قولنج این شکل را در کف دست چپ نویسند که نفع عظیم دارد و ان شکل این است
۰۰۰۰۰ ... ععععوه لا و بعضی از علما این شکل را باین طریق از ائمه علیهم السلام
نقل نموده اند خمس هاءات وخط فوق خط وصلیب فوقه اربع نقط وهمزات اذا
اذا اعددتها وهی سبع لم تجد فیها غلط ثم واو ثم هاء بعدها ثم صاد ثم میم فی الوسط
ثم فی اخرها ان هندی بعت حرف شکله شکل المقط تلك اسماء عظیم قدرها
فاحتفظ فیها وایاك والغلط تشفی الاسقام والداء التی عجزت عنها الاطبا النبط
فیها یدفع عن حاملها کل سحر وبلاء وسخط یعنی این شکل را باید باین طریق نوشت
که اول باید پنج ها باین طریق نوشت ۰۰۰۰ و بعد از ان خطی بالای خط بکشند باین صورت
= و بعد از ان صلیبی بکشند و در دور ان چهار نقطه بگذارند باین قسم و بعد از ان
۷ همزه بنویسند چنین ععععععع بعد از ان یک واو و یک ها بنویسند چنین وه
بعد از ان صادی بنویسند در وسط ان میم چنین صرم و در اخر ان صلیبی دیگر بنویسند
بشکل مقراض لا و اینها که مذکور شدند اسماء بزرگ خدای تعالی میباشند پس خوب حفظ
کن اینها را و غلط در نوشتن مکن که هر دردی که اطباء حاذق از معالجه او عاجز شوند شفا
میدهند و از حامل خود دفع میکند هر سحر و بلا و غضب را و در اینجا چند فایده است از
انجمله در کتاب العین المبصره کفعمی مذکور است که هرگاه کسی را عقرب گزیده باشد کو
کوسفند را می باید سوخت تا خاکستر شود و ان خاکستر را باب زده بخورد او میباید داد که

بیاشامد و بان خاکستر محل گزیده شده را ضماد باید کرد نزد شفا می یابد انشاء الله تعالی و هم چنین
هرگاه ان عقرب را بکوبند و موضع گزیده شده را بان ضماد نمایند یا انموضع را بسمند آب
یا مگس یا دانه سپند یا انجیر خام یا بارد حلبه و سرکه یا ببره بستایی یا به پیاز ضماد نمایند
نفع دهد و کسیکه ترهن خورده باشد و عقرب باو وا بگزد در همان روز یا در همان شب
بمیرد و کسیکه در زیر جامه خود جوز بر بندد عقرب باو ضرر نرساند و در کتاب
مقالات مذکور است که هرگاه خرق کرمی بانجا بندند یا باتش نزدیک سازند نفع می دهد
و هم چنین اگر بقرم را بان موضع گذارند یا انموضع را بفلفل و زیت طلا کنند یا پارهٔ از
نمک سائیده را کف کند و در کتاب عجایب المخلوقات مذکور است که کسیکه چیزی از درخت
درخت زیتون را بر موضع گزیده شده عقرب به بندد در همان ساعت درد او ساکن شود
و در قرابادین مذکور است که کسیکه قلی دیگر زنان را ساید و با سر بموضع گزیده شده
ضماد نماید درد ان ساکن شود و در لفظ الفوائد مذکور است که هرگاه کسی را عقرب
بگزد ربع یکدرهم از نشادر بکه در زیت حل کرده باشند بیاشامد از ان درد خلاص
یابد و مفید گفته است که اب نشادر را هرگاه بیاشامند از گزیدن مار و عقرب نفع دهد
و هم چنین هرگاه دو مثقال حب ترنجار و هم چنین هرگاه دو مثقال حب ترنجار بخورد
نفع دهد و اگر سیر را بسوزانند و بر موضع گزیدن مار بندند درد ان ساکن شود
ابو علی سینا گفته است که در نشادر طبیعتی هست که افعیها و حشرات الارض را می کشد
و یکمثقال اب نشادر و یک مثقال سرگین گاو را بیاشامد مسمومی را که اهل او از
حیاتش نا امید شده باشند از مرگ خلاص می کند و در کتاب تذکرهٔ مفید مذکور است
که هرگاه سبوس گندم را با سرکه بر لسعهٔ مار ضماد کنند یا خاکستر با کرا با سرکه یا برگ درخت
امرود با کندنا یا قطران را با نمک امیخته بر ان ضماد کنند نفع دهد و هم چنین جوز را رد کندم

و هم چنین جوز دو تخم مرغ که زردی ان و سفیدی بیکدیگر امیخته باشند و نمک بران
بپاشند و گرم بخورند و جوز دو کنجد و ترب نفع می کند و کسیکه خاتم فیروزج در دست
کرده باشد از گزیدن مار و عقرب ایمن می شود و عصارهٔ اس درخت سبز را هرگاه در
پارچه کتان نازکی گذارند و موضعی را که رتیلا گزیده است بان ضماد نمایند نفع دهد
و هم چنین حب اس و برگ ان نیز این نفع دهد و هم چنین پشکل گوسفند را بسوزانند و با سرکه
خمیر کنند و بران موضع ضماد کنند و گزیدن زنبور و زردنظ و زنبور عسل سرگین گاو را
که ضماد کنند نفع دهد یا مگس را بان موضع بمالند یا زیره را بانموضع طلا کنند یا سر درخت
خرما را ضماد کنند یا بخورند یا نمک و سرکه را بان ضماد کنند یا عسل و کافور را ضماد کنند
یا پشکل بز را بدانجا مالند نفع کند و کندنا را بکوبند و بران موضع مالند نیز نفع کند و اگر
کسی موضع گزیده شده زنبور را از سوزن بشکافد و خوب بمکد و بعد از ان گل و سرکه
یا کافور و سرکه بران بمالد نفع دهد **باب ۱۸** در ایمن بودن از سحر و شیاطین و سلاطین
سرکش و دفع خوف خائفان اما برای امن از سحر بگوید قَالَ لَهُم مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنتُم
مُلْقُونَ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا
يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ وَقَدِمْنَا
إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ
فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ
مَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ
تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ
سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ و در مصباح الائمه مذکور است بجهة دفع سحر چون
از نماز شب فارغ شود نزدیک بوقت سحر هفت بار بگوید بسم الله و بالله سنشد

عضدك بأخيك ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما باياتنا انتما ومن
اتبعكما الغالبون در ادعیه سر هند کور اگر خدای تعالی فرموده ای محمد سحر همیشه بوده است
وان ضرر نمی کند مگر باذن من پس کسیکه خواهد از سحر بعافیت باشد باید بگوید اللهم
رب موسی وخاصة كلامه وهازم من كاده بسحره بعصاه ومعيدها بعد العود
ثعبانا وملقفها افك اهل الافك ومفسد عمل الساحرين ومبطل كيد
اهل الفساد من كادني بسحر او بضر عامدا او غير عامد اعلمه او لا اعلمه
او اخافه او لا اخافه فاقطع من اسباب السموات عمله حتى ترجعه عني غير نافذ
ولا ضار لي ولا شامت اني ادرء بعظمتك في نحور الاعداء فكن لي منهم
مدافعا احسن مدافعة واتمها يا كريم پس بدرستی که هر که این دعا را خواند
ضرر نمیرساند باو سحر ساحر جنی وانسی و اما ادعیه که برای دفع شیاطین وارد شده است
از انجمله حرز ابی دجانه است و کمال الدین دمیری از او در کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده است
ملخص او انستکه ابو دجانه گفت شکایت کردم بر پیغمبر صلی الله علیه و آله که شبی مرا هول انداخت و
بیمناک نمود و او صدائی بود مثل صدای آسیا باز بود عسل و مثل برق مید رخشید
و سایه سیاهی داشت کاهی بلند می شد و کاهی دراز می شد در صحن سرای من پس بر
خواستم و بسوی او رفتم چون دست بسوی او کردم پوست او مثل پوست خارپشت
بود و مثل شراره آتش بجانب من انداخت پس انحضرت فرمود که او عامر خانه تست پس آن
حضرت بحضرت امیر المؤمنین ع امر فرمود که آن دعا را بنویسد و بمن دهد پس آن دعا را
آوردم و در زیر سر خود گذاشتم چون بیدار شدم صدای نوحه کننده را شنیدم که
می گفت ای ابو دجانه ما را بجز خود بند کردی دیگر بخانه تو و بموضعی که این کتاب
در اوست نمی ایم و آن حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب محمد رسول الله رب

العالمین

یا مالك یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا بارئ یا مصور یا مفید یا مدبر یا شدید یا مبدئ یا معید یا مبید یا ودود یا محمود یا معبود یا بعید یا قریب یا مجیب یا رقیب یا حسیب یا بدیع یا رفیع یا منیع یا سمیع یا علیم یا حلیم یا کریم یا حکیم یا قدیم یا علی یا عظیم یا حنان یا منان یا دیان یا مستعان یا جلیل یا جمیل یا وکیل یا کفیل یا مقیل یا منیل یا نبیل یا دلیل یا هادی یا بادی یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا قائم یا دائم یا عالم یا حاکم یا قاضی یا عادل یا فاصل یا واصل یا طاهر یا مطهر یا قادر یا مقتدر یا کبیر یا متکبر یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا من لم یکن له صاحبة ولا کان معه وزیر ولا اتخذ معه مشیر ولا احتاج الی ظهیر ولا کان معه من اله غیره لا اله الا انت فتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا

رب العالمين الى من طرق الدار من العمار والزوار الا من طارقا يطرق بخير اما بعد
فان لنا ولكم في الحق سعة فان تك عاشقا مولعا او فاجرا مقتحما هذا
كتاب الله ينطق علينا وعليكم بالحق انا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون
ورسلنا يكتبون ما تمكرون اتركوا صاحب كتابي هذا وانطلقوا الى
عبدة الاوثان والى من يزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا هو كل شيء
هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون حم لا ينصرون حمعسق
تفرقت اعداء الله وبلغت حجة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم و ایضا از انحضرت صلی الله علیه
و آله روایت شده که فرمود برای امن از شر جن و انس بگوی بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الله عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ما شاء الله
كان وما لم يشأ لم يكن اشهد ان الله على كل شيء قدير وان الله قد
احاط بكل شيء علما اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل دابة
انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم و ابن فهد در عده گفته که هر که
در وقت خواب این آیه را بخواند ایمن میشود از شر جن و شیاطین ان ربكم الله
الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي
الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره
الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين و در ادعیه قدسیه مذکور است
که ای محمد ص کسیکه از جن و شیطان ترسد در وقتیکه ترس بر او مستولی شود بگوید
يا الله الا له الاكبر القاهر بقدرته جميع عباده والمطاع لعظمته عند
كل خليقته والممضي مشيته لسابق قدره انت تكلأ ما خلقت بالليل و

فتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا یا فتاح یا مناح یا نفاح یا علی یا عالم یا فتاح یا مرتاح یا مفرج یا ناصر یا منتصر یا مدرك یا مهلك یا منتقم یا مغیث یا وارث یا اول یا طالب یا غالب یا من لا یفوته هارب یا تواب یا اواب یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب یا من حیث ما دعی اجاب یا طهور یا شکور یا عفو یا غفور یا نور النور یا مدبر الامور یا لطیف یا خبیر یا مجیر یا منیر یا مستجیر یا بصیر یا ظهیر یا کبیر یا وتر یا فرد یا ابد یا سند یا صمد یا کافی یا وافی یا معافی یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل یا متفضل یا متکرم یا متفرد یا من علا فقهر یا من بطن فخبر یا من ملك فقدر یا من عصی فغفر یا من لا تحویه الفکر ولا یدرکه بصر ولا یخفی علیه اثر یا رازق البشر یا مقدر کل قدر یا عالی المکان یا شدید الارکان یا مبدل الزمان یا قابل القربان

النهار ولا يمتنع من اردت به سوء بشئ دونك من ذلك السوء ولا يحول احد دونك بين احد وبين ما تريد به من الخير كل ما يرى وكل ما لا يرى فى قبضتك وجعلت قبايل الجن والشياطين يرونا ولا نراهم وانا لكيدهم خائف فامنى من شرهم وباسهم بحق سلطانك العزيز يا عزيز و بدرستيكه هرگاه اين دعارا بخواند هرگز بكرد او از جن وشياطين باو نرسد ابن طاوس از عبد الله بن مسعود در مهج خود ذكر كرده كه حضرت پيغمبر ع قرآت قران مى كرد كه عفريتى از اجنه روى باو اورد و شعله از اتش در دست داشت مقارن اين حال جبرئيل برانحضرت نازل شد واين عوذه را باو تعليم كرد وانحضرت چون اين عوذه را خواند ان عفريت بروافتاد وشعله اتشى كه در دست او بود خاموش شد وان عوذه اينست اعوذ بنور وجه الله وكلماته التامات التى لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرء فى الارض وما يخرج منها ومن شر ما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر فتن الليل والنهار ومن شر طوارق الليل والنهار الا طارقا يطرق بخير يا رحمن واما ادعيه كه از براى ايمن بودن از سلاطين جور كننده وارد شده ازان جمله روايتى است كه ابن طاوس در مهج خود ذكر كرده كه حضرت صادق ع عرض كردند كه وقتى كه بر منصور وارد شدى بچه چيز خودرا ازاو نگاه داشتى فرمود بخدا يتعالى وبخواندن انا انزلناه و بعد ازان هفت مرتبه گفتم يا الله و بعد ازان گفتم انى استشفع اليك بمحمد واله صلى الله عليه وان تغلبه لى و بعد ازان فرمود كه كسى كه مبتلا شود بسلطان جاير مثل انكه من كرديدم بكند واكرما نمى خوانديم سوره قدر و دعاى مذكور شد وشعر خود را ارمنكرديم بخواندن ان هراسبه مردم اشنا را ميبودند اما اين سوره حصانيست از براى ابدان وازانجمله روايتى است كه وارد شده است كه صلى

يا ذا الحق ... يا من هو كل يوم فى شان يا من لا يشغله شان عن شان يا من هو بكل مكان يا سامع الاصوات يا مجيب الدعوات يا منجح الطلبات يا قاضى الحاجات يا منزل البركات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا كاشف الكربات يا ولى الحسنات يا رافع الدرجات يا مؤتى السؤلات يا محيى الاموات يا جامع الشتات يا مطلع على النيات يا راد ما قد فات يا من لا تشتبه عليه الاصوات يا من لا تضجره المسئلات ولا تغشاه الظلمات يا نور الارض والسموات يا سابغ النعم يا دافع النقم يا بارئ النسم يا جامع الامم يا شافى السقم يا خالق النور والظلم يا ذا الجود والكرم يا من لا يطأ عرشه قدم يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا ظهر

ساعده ساعدى از حضرت پيغمبر ص درخواست كه شفاعت كند او را بنجاشى انحضرت فرمود كه ما معاشر پيغمبران بغير خداى تعالى بكسى شفاعت نميكنيم وليكن چون داخل شوى براو بگو اللهم انت اعلى منه شانا واقوى سلطانا ورجائى لك اكثر من خوفى منه واملى فيك اكثر من رجائى له فاكفنى امره وقنى شره واجعل بينى وبينه حجابا من كفايتك وحاجزا من كلائتك لا ينوى بى سوء ولا يطمع فى عدوانا انك سميع مجيب كه خداى تعالى شر او را كفايت مى كند وازان جمله روايتى كه ابن فهد در عده خود از حضرت كاظم ع روايت كرده است كه ان حضرت فرمود از شر جميع مردم اجتناب بجوى به بسم الله الرحمن الرحيم وبقل هو الله احد تا اخر سوره واين دعا را بخوان از جانب راست وجانب چپ خود واز پيش روى واز عقب سر خود واز بالاى سر واز زير قدم خود وچون بر سلطان جور كننده داخل شوى در وقتى كه بسوى او نظر كنى سه بار اين سوره را بخوان ودست چپ خود را عقد كن ودست راست را عقد كن تا از نزد او بيرون ائى وبعضى ديگر روايتى است كه از حضرت صادق روايت شده است كه كسى كه داخل شود بر سلطانى كه از او ترسد وقتى كه در برابر او ايد بگويد كهيعص هر حرفى را كه بخواند يك انگشت خود را از دست راست عقد كند وبعد ازان بگويد حمعسق ودر وقت خواندن هر حرفى ازان يك انگشت خود را از دست چپ عقد كند و بعد ازان بگويد وعنت الوجوه للحى القيوم وقد خاب من حمل ظلما وبعد ازان انگشتها را در روى ان سلطان بگشايد كه خداى تعالى شر او را كفايت كند ونيز دميرى در كتاب حيوة الحيوان ذكر كرده نزديك باين عمل كه هرگاه داخل شود انسانى بر كسيكه از او ترسد بايد چون در برابر او ايد بگويد كهيعص حمعسق و بعدد حروف اين كلمه ده انگشت را عقد كند بعدد هر حرفى يك انگشت را عقد كند وابتدا بانگشت ابهام

دست راست را بر پیشانی ... و ابهام دست چپ ختم کند و در نفس خود سوره فیل را بخواند و هر گاه به ترمیم برسد ده بار این لفظ را مکرر بگوید و در هر بار یک انگشت را از انگشتها ببندد بگشاید و این عمل مجرب و عجیب است و در کتاب طب الائمه علیهم السلام از حضرت کاظم علیه السلام مرویست که کسیکه خواهد داخل شود بر سلطانی که از او ترسد هر گاه نظر او باو افتد بگوید یَا مَنْ یُضَامُ وَلَا یُرَامُ وَبِهِ تَوَاصَلَتِ الْأَرْحَامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاکْفِنِی شَرَّهُ بِحَوْلِكَ و در کتاب دفع الهموم والاحزان مذکور است که هر گاه از سلطان یا غیر او بترسی در برابر روی او بگوی حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ و باز در همان کتاب مذکور است که از جمله چیزهائی که تجربه کرده شده است اینست که در روی کسیکه از او می ترسی بگوی حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ أَطْفَأْتُ غَضَبَكَ یَا فُلَانُ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ و باز در همان کتاب مذکور است که در روی کسیکه از او اندیشه داری بگوی کَتَبَ اللّٰهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِی إِنَّ اللّٰهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ اصلاً بتو ضرری نتواند رسانید و در همان کتاب مذکور است که در روی آنکسی که از او می ترسی بگوی وَیُنَجِّی اللّٰهُ الَّذِینَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا یَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ که ایمن می شوی از او انشاء الله تعالی و در مهج الدعوات مذکور است که بواسطه ایمن بودن از سلطان و از بلاء او بواسطه غلبه کردن بر اعداء او نزد ترسیدن از فقر و تنگی سینه این دعا را باید خواند یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَکَارِهِ که در صحیفه سجادیه مذکور است که از دعاهای آنحضرت بود که هر گاه مهمی عارض می شد یا بلیه نازل می شد این دعا را می خواند و باز در مهج مذکور است که چون منصور اراده قتل حضرت صادق ع کرد ابرهیم جبله را امر کرد که آنحضرت را حاضر سازد نزد او ابرهیم گوید چون آنحضرت را داخل ساختم بمجلس منصور آنحضرت تکلم بکلامی کرد که از آن

عهیدی

نفهمیدم فی الفور منصور را مثل آتشی دیدم که بر او آبی بریزند خاموش شد پس آنحضرت را نزد خود خواند و بر سریر خود نشاند و گفت یا اباعبدالله بر من گران آمد زاری که در آمدی کشیدی تا حاضر ساختم که از اهل تو بتو شکایت کنم که قطع رحم من کرده اند و عاصی شده اند در من اگر غیر از من کسی والی بود اطاعت او می کردند آن حضرت فرمود باید بسلف صالح خود اقتدا کنی بدرستیکه ایوب مبتلا شد و صبر کرد و بر یوسف ظلم کردند عفو کرد و سلیمان را عطا کردند شکر کرد و تو از سنخ ایشانی باید مثل ایشان باشی منصور گفت بدرستیکه من صبر کردم و عفو کردم و شکر کردم بعد از آن گفت یا اباعبدالله بیان حدیثی را که من از تو شنیده بودم در باب صله ارحام حضرت فرمود بلی حدیث کرد پدرم از پدرش از جدم از پیغمبر ص که فرمود رحمی را دیدم که بعرش چسبیده بود و بخدای تعالی شکایت کرد از قاطع خود من گفتم که ای جبرئیل میان ایشان چه قدر راه صله است جبرئیل گفت هفت پشت در میانست منصور گفت این نیست آن حدیث حضرت فرمود بلی حدیث کرد مرا پدرم از جدم که پیغمبر ص فرمود مردیکه صله رحم می کرد و بمردم نیکی میکرد بحال مرگ افتاد و در همسایگی او مردی بود که قطع رحم میکرد خدای تعالی بملك الموت گفت که از عمر این قاطع رحم سی سال باقی مانده است آن سی را باین مرده که صله رحم بجای آورد منصور گفت که راست گفتی و امر کرد بغلام خود که بوی خوش بیار چون بوی خوش آوردند منصور بدست خود بآنحضرت پاشید و بعد از آن چهار هزار دینار بآنحضرت داد و فرمود که اسبی باورند و چون اسب را آوردند منصور گفت پیش آرید تا آنکه آن اسب را نزدیك تخت آوردند و حضرت صادق ع سوار شد ابرهیم گوید من پیش آنحضرت دویدم و گفتم ای سید من منصور بمسیب بن زبیر شمشیری داده بود و امر کرده بود که ترا بقتل آورد چون داخل

مجلس او شدی دیدم لبهای خود را حرکت دادی چیزی که من از ان فهمیدم انچه خبر بود
انحضرت فرمود که این جای ان نیست که از ایشان کنم پس شب بخدمت او رفتم
فرمود که چون وارد او شدم خواندم حرز را که در انشب که لشکر کفار بر پیغمبر
هجوم کردند وان اوقات بدترین روزی بود بر پیغمبر پس چون بعضی از شب گذشت
انحضرت بیرون امد حضرت امیر المؤمنین را دید فرمود یا علی چکار امده عرض
کرد نگهبانی مسلمانان هنوز کلام ایشان تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و گفت
ای محمد خدای تعالی سفر ماید که من موقف علی را دیدم و هدیه کردم باو از مکنون
علم خود این دعا را اگر خوانده ان ایمن شود از شیطان و سلطان و از غرق و حرق
و هدم و درنده و دزد و ان دعا اینست اللّهمّ احرسنا بعینک التی
لا تنام واکنفنا برکنک الذی لا یرام واعزنا بسلطانک الذی لا یضام
وارحمنا بقدرتک علینا و لا تهلکنا فانت الرجاء رب کم من نعمة انعمت
بها علیّ قلّ لک عندها شکری وکم من بلیة ابتلیتنی بها
قلّ لک عندها صبری فیا من قلّ عند نعمته شکری فلم یحرمنی ویا من
قلّ عند بلیته صبری فلم یخذلنی یا ذا المعروف الذی لا ینقضی ابدا ویا ذا
النعماء التی لا تحصی عددا اسئلک ان تصلی علی محمد وآله الطاهرین
وادرء فی نحور الاعداء والجبارین اللّهمّ اعنی علی دینی بدنیای وعلی آخرتی
بتقوای واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من
لا تنقصه المغفرة ولا تضره المعصیة اسئلک فرجا عاجلا وصبرا جمیلا
ورزقا واسعا والعافیة من جمیع البلایا والشکر علی العافیة یا ارحم الراحمین
پس حضرت صادق ع فرمود بخدا قسم منصور مکر ز اراده قتل من کرده و من این دعا را

یا رحمن یا رحیم یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا ذا الجلال والاکرام یا ذا الجلال والاکرام یا ذا الجلال والاکرام به به به به به به به به اسئلک بکل اسم سمیت به نفسک او انزلته فی شیء من کتبک او استأثرت به فی علم الغیب عندک و بمعاقد العز من عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و بما لو ان ما فی الارض من شجرة اقلام والبحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم و اسئلک باسمائک الحسنی التی نعتها فی کتابک فقلت ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها وقلت ادعونی استجب لکم وقلت واذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان وقلت یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو

خواندم و نجات یافتم عباس بن عبد العظیم گوید من هر شب که ان خود را این دعا میخواندم
می کردم یکشب فراموش کردم و بعد از ان بیادم امد پس دکان را باز نکردم چون
صبح شد زودی امدم بدکان مردی را دیدم در انجا گفتم چه می خواهی گفت امده بودم
از این جا چیزی بدزدم وقتی خواستم بیرون روم میان من و در دکان حصاری از
شد از اهن و نتوانستم بیرون رفت و نیز در مهج مذکور است که حضرت کاظم ع در وقتیکه
هرون الرشید قصد قتل او کرد این دو دعا را خواند و خدای تعالی او را از شر رشید نجات
داد دعای اول اینست اللّهمّ انک حفظت الغلامین لصلاح ابویهما فاحفظنی
لصلاح ابائی و دعای دوم اینست اللّهمّ انک تکفی من کل احد ولا یکفی
منک احد فاکفنیه بما شئت وکیف شئت وانی شئت و اصفهانی در بحصار
خود ذکر کرده از قیس بن ربیع که یکروز منصور یکی از سرداران لشکر خود را طلبید
و گفت با هزار کس برو بمدینه و بریز بخانه جعفر بن محمد و سر او و سر پسر او موسی را
بیاور و بیدان شخص در همان ساعت بیرون رفت چون بمدینه رسید حضرت صادق ع
خبردار شد و امر فرمود که دو ناقه اوردند و هر دو را بر در خانه خود بست و اولاد خود را
طلبید و جمیع ایشان را امر کرد دور محراب نشستند و این دعا را با ایشان خواند که او را
دعای احتجاب گویند پس انشخص با لشکر هجوم کرد بر در خانه انحضرت چون دو ناقه را
دیدند سر هر دو را بریدند و در توبره گذاشتند و چون پیش منصور امدند سرها را از
توبره بیرون اوردند دیدند دو سر ناقه است منصور گفت این چیست ان شخص گفت که
چون هجوم کردم بر خانه جعفر بن محمد سر من گردید چون نگاه کردم دو شخص را دیدم ایستاده اند
خیال کردم که جعفر و پسر او موسی است سر هر دو را برداشتم منصور گفت انچه دیدی بپوشان
و اگر نه ترا میکشم و حدیث را بکسی نگفتم تا انکه او مرد دعای احتجاب بسم الله الرحمن الرحیم

حرز جواد ع ... العفو الرحیم ... یا علی و ذو العلی و انا آنت ... یا سید و انا عبد یا ربّ و انا مربوب یا مولای ... و انا ... اجابتنی یا مولای کما امرتنی و قد دعوتک یا کریم ... الی آنت اهله یا کریم و صلی الله علی محمد و آله رب العالمین اجمعین پس حضرت فرمود که بعد از این حاجت خود را مذکور سازد میشود

امام محمد تقی دعائیست مشهور
باید روز بند امام محمد تقی ع باید بر ورق
پوست اهو تمام نویسند و او را از نقش لباس
بساز ند و دران او را بعد از نقش
دعای یا مشهور از السموات ... نقش
کنند از اول تا اخر و دعا مر بوط را
پیچیده در لوله کنند و در بازوی
راست بند ند در دو قبیکه تر در عقب
بنا شد و در حین بستن باید اول
چهار رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد
از فاتحه هر یک از ایة الکرسی و شهد الله
و سوره والشمس و توحید و واللیل هفت
بار بخواند و این را ببندد از همه آفات
محفوظ ماند و اگر

وَاِذَا قَرَاْتَ الْقُرْاٰنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُوْرًا
وَجَعَلْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَفْقَهُوْهُ وَفِيْ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِذَا ذَكَرْتَ
رَبَّكَ فِي الْقُرْاٰنِ وَحْدَهٗ وَلَّوْا عَلٰى اَدْبَارِهِمْ نُفُوْرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِالْاِسْمِ
الَّذِيْ بِهٖ تُحْيِيْ وَتُمِيْتُ وَتَرْزُقُ وَتُعْطِيْ وَتَمْنَعُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ مَنْ
اَرَادَنَا بِسُوْءٍ مِنْ جَمِيْعِ خَلْقِكَ فَاَعْمِ عَنَّا عَيْنَهٗ وَاَصْمِمْ عَنَّا سَمْعَهٗ
وَاَشْغِلْ عَنَّا قَلْبَهٗ وَاَغْلِلْ عَنَّا يَدَهٗ وَاَصْرِفْ عَنَّا كَيْدَهٗ وَخُذْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهٖ وَعَنْ يَمِيْنِهٖ وَعَنْ شِمَالِهٖ وَمِنْ فَوْقِهٖ وَمِنْ تَحْتِهٖ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْاِكْرَامِ **باب** بیست و دوم در بیان چیزیکه ایمن میکرداند خائف را از مخاویف بسیاست و در عدد
محصور نیست و در ابواب گذشته عوذها بسیار مفید است در این باب می‌کشاید
افواه حافظان دعا را از ثغور نجاح و شاد میکرداند دلهای دعا کنندگان بانهار بسیار
صالح و در این مقام بعضی از آنها را ذکر میکنیم از انجمله ذکر کرده است شیخ طبرسی ره در
کتاب کنوز النجاح صفت بنا کردن مدینه حفظ را در حول خود از ائمه صادقین ع
که میباید پشت خود را به کعبه کنی ایستاده یا در سجده و در حالتیکه با طهارت باشی بگوئی
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَحْتَجِبُ بِنُوْرِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ الْجَلِيْلِ الْقَدِيْمِ الرَّفِيْعِ الْعَظِيْمِ الْعَلِيِّ
الرَّحِيْمِ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَبِاُوْلِي الْعَزْمِ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ وَبِبَيْتِكَ
الْمَعْمُوْرِ وَالسَّبْعِ الْمَثَانِيْ وَالْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ وَبِكُلِّ مَنْ يُكْرَمُ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ
اَجْمَعِيْنَ وَلِاَنْفُسِ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَلِاَنْفُسِنَا وَاَدْيَانِنَا
وَلِجَمِيْعِ مَا مَلَكْتَنَا وَتَفَضَّلْتَ بِهٖ عَلَيْنَا مِنْ شُرُوْرِ جَمِيْعِ مَا قَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ
وَخَلَقْتَ وَمِنْ شُرُوْرِ جَمِيْعِ مَا تَقْضِيْ وَتُقَدِّرُ وَتَخْلُقُ مَا اَحْيَيْتَنَا وَبَعْدَ وَفَاتِنَا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ
يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ و بعد از آن سه بار بگوید كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا و بعد از آن
بگوید مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ فَوْقِنَا و بعد از آن باز سوره توحید بخواند و سه بار بگوید
كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا و بعد از آن بگوید عَنْ اَيْمَانِهِمْ وَعَنْ اَيْمَانِنَا و باز سوره توحید
بخواند و سه بار بگوید كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا و بعد از آن بگوید مِنْ خَلْفِهِمْ وَمِنْ خَلْفِنَا
و باز سوره توحید بخواند و سه بار بگوید كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا و بعد از آن بگوید عَنْ
اَمَامِهِمْ وَعَنْ اَمَامِنَا و بعد از آن بگوید عَنْ حَوَالَيْهِمْ وَعَنْ حَوَالَيْنَا عِصْمَةً وَحِصْنًا
وَحِرْزًا لَهُمْ وَلَنَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَضُرٍّ وَمَكْرُوْهٍ وَمَخُوْفٍ وَمَحْذُوْرٍ وَشِفَاءً مَا عِشْنَا
وَبَعْدَ مَمَاتِنَا بِقُدْرَةِ رَبِّنَا اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَلِكُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظٌ وَصَلَّى
اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ و اگر در هر مرتبه سوره توحید و كذلك ربنا را
سه مرتبه بخواند بهتر است دعای دیگر که خواننده خود را از مخاوف و ترسها ایمن می
کرداند دعائی است که ایضا شیخ طبرسی در کنوز النجاح ذکر کرده است و از ادعای
کفایة البلا نام کرده اند و آن اینست اَللّٰهُمَّ بِكَ اُسَاوِرُ وَبِكَ اُحَاوِلُ وَبِكَ
اَصُوْلُ وَبِكَ اَنْتَصِرُ وَبِكَ اَمُوْتُ وَبِكَ اَحْيَا اَسْلَمْتُ نَفْسِيْ اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ
اَمْرِيْ اِلَيْكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِيْ وَرَزَقْتَنِيْ
وَسَتَرْتَنِيْ وَمِنْ بَيْنِ الْعِبَادِ بِلُطْفِكَ خَوَّلْتَنِيْ اِذَا هَوَيْتُ رَدَدْتَنِيْ
وَاِذَا عَثَرْتُ اَقَلْتَنِيْ وَاِذَا مَرِضْتُ شَفَيْتَنِيْ وَاِذَا دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِيْ سَيِّدِيْ اِرْضَ
عَنِّيْ فَقَدْ اَرْضَيْتَنِيْ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ و در ادعیه قدسی مذکور است
که ای محمد بکسیکه ترسی برسد و خواهد که من نعمت خود را بر او تمام کنم و کرامت خود را
با و مبارک کردانم و او را از دزد خود وجیه و با عزت کردانم باید که بگوید یا خَاشِيَ الْعِزِّ

قلوب اهل التقوی و یا متولیهم بحسن سرائرهم و یا مؤمنهم بحسن تعبدهم اسئلك بكل ما قد ابرمته احصاء من كل شیء قد اتقنته علما ان تستجیب لی بتثبیت قلبی علی الطمانینة و الایمان و ان تولینی من قبولك ما تبلغنی به شدة فی طاعتك حتی لا ابالی احدا سواك و لا اخاف شیئا من دونك یا رحیم

پس بدرستی که هرگاه این دعا را خواند از ایمن میگرداند از ترسها از چیزیکه در شبان روز حادث می شود در دین و نفس او و در عدة الداعی از حضرت کاظم ع مروی شده است که هرگاه کسی از روی یقین طلب کفایت کند بصد آیه از قرآن کفایت می کند خدای تعالی شر هر دم را از او از مشرق تا مغرب و از انجمله روایتی است که از حضرت ابو الحسن ع روایت شده است که هرگاه از امری ترسی صد آیه از هر جا قرآن که خواهی بخوان و بعد از آن سه بار بگوی اللهم ادفع عنی البلاء پس بدرستیکه خدای تعالی تو را ایمن میگرداند از ترسها و نیز روایتست از حضرت صادق ع که فرمود که هرگاه واقع شوی در ورطه هفت بار بگوی بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس بدرستیکه خدای تعالی تو را ایمن میگرداند از مخاوف و ایضا از حضرت کاظم ع روایت شده است که احتجاب کن از کل مردم بخواندن سوره توحید باین طریق که این سوره را اولا بجانب راست و از جانب چپ و از پیش روی و از پس سر و از بالای سر و از زیر قدم خود و در کتاب مفاتح الغیب مذکور است که کسیکه لفظ بسم الله را بر در دیگر بیرون خانه او نوشته باشد ایمن می شود از هلاك اگرچه کافر باشد و ذکر کرده است که فرعون از خدای تعالی با آنکه دعوای ربوبیت می کرد زود وی او را هلاك نکرد بواسطه بر در بیرون خانه خود بسم الله نوشته بود چون حضرت موسی سرعت هلاك او را از خدا طلب نمود خدای تعالی وحی فرستاد بسوی موسی که تو کفر او را نگاه می کنی و من بانچه بر در خانه خود نوشته است نگاه می کنم

و در امالی شیخ طوسی ره از حضرت صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که اگر جن و انس جمع شوند و خواهند که بمن ضرر رسانند چون من این کلمات را گفته باشم اصلا باکی از ایشان ندارم و آن کلمات اینست بسم الله و بالله و من الله و الی الله و فی سبیل الله اللهم الیك اسلمت نفسی و الیك وجهت وجهی و الیك فوضت امری فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی و من تحتی و ادفع عنی بحولك و قوتك فانه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

و در مهج از حضرت باقر ع روایت کرده که ما اهل بیت را هرگاه وقتی امری اندوهناك سازد ما وقتی از شر سلطان یا امری بیم بهم رسانیم و علاجی نباشد این دعا میخوانیم یا كائنا قبل كل شیء و یا مكون كل شیء و یا باقیا بعد كل شیء صل علی محمد و اهل بیته و افعل بی كذا و كذا و ایضا تعویذ معروف بحرز جواد ع روایت باسناد خود از مشایخ خود روایت کرده بجهت محافظت از جمیع مخاویف او دعت نفسی و اهلی و مالی و ولدی و من معی و ما معی فی ارض محمد سقفها و علی بابها و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة المنتظر حیطانها و الملئکة حراسها و الله محیط بها و حفیظها و الله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ

و در نسخه دیگر بسند علاحده چنین است او دعت نفسی و اهلی و مالی و ولدی فی ارض الله سقفها و محمد حیطانها و علی بابها و الحسن و الحسین و الائمة المعصومون و الملئکة حراسها تا آخر و ایضا از حضرت صادق ع مرویست که هرگاه مصیبتی و شیئی با اندوهی نازل شود بر کسی باید که هر دو زانو و هر دو ساق خود را برهنه کند بسبب با سینه بر زمین بچسباند و سجده کند و در حالت سجده حاجت خود را از خدا بخواهد که حاجت او

روایتی یا اثبات در بعضی از کتب مرویست از بعضی ائمه علیهم السلام اینکه هرکه این شکل را کسی بنویسد

بتربت حضرت سید الشهداء علیه السلام وبشوید بگلاب و بیاشامد مرض او برود یعنی شفا

یابد انه شفاء وانه شفاء والله شفاء وانه مکتوب بین کتفی النبی صلی الله علیه واله

یعنی قسم بخدا که این شکل شفا دهنده است ونوشته شده بود میان دو کتف پیغمبر و او نیست

سمـ ـوع ‎ السمـ ـولوع ‎ شیخ بهاء در کشکول خود فرموده هرگاه

سمـ ـوع ‎ بسمـ ـولوع ‎ اراده کنی در شهری یا قریه یا بی حساب کن

توجه حیث شئت فانک منصور ‎ اسم خود ومادر خود وان شهر وان قریه را

هههههه ٭ ءءءءءءء ووصح ‎ وچهار چهار بیندازید پس اگر یک عدد

در انمکان تعب میکشی و اگر دو عدد بماند در انجا متوسط الحال خواهی بود و اگر سه عدد

بماند در انمکان در رزقت زیاد میشود و مطمئن می شوی و اگر بماند چهار عدد سعادت تو در ان

مکانست هرگاه خواهی کسی را دوست خود کردانی باید که اسم او را ملاحظه نمائی چند حرفست و در

ازای هر حرفی از اسم او یک اسم از اسماء الله که اولش همان حرف باشد پیدا کرده در روز پنجشنبه

یا چهارشنبه در مربعی بنظم طبیعی ثبت کنی و با خود داری و اسماء را هر روز بعدد اسم خود مواظب

الله	حبیب	مقیم	دیان	کفعمی
مقیم	دیان	الله	حبیب	ذکر
دیان	مقیم	حبیب	الله	نموده
حبیب	الله	دیان	مقیم	بجهته

نمای در خواندن که بسیار مجربست ملا احمد نامی را اگر

خواهی دوست خود کنی این چهار اسم که الله حبیب

مقیم دیان باشد مناسب چهار حرف او است مثل این شکل

استخلاص از حضرت امیر المؤمنین ع دو رکعت نماز میگذاری و طول میدهی رکوع و

سجود او را و چون سلام دادی بگو اللهم انی مغلوب فانتصر هزار مرتبه حق سبحانه و تعالی

تعجیل در یاری تو میکند مرویست بجهت شفای مریض میباید بازوی مریض را گرفته ده مرتبه

و هر مرتبه هفت نوبت الحمد بخواند بعد از ان یکمرتبه این دعا را بخواند که هفتاد مرتبه سوره حمد

بجهت طول عمر و زیادتی ثروت

الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون این ایه بجهت

قلوب از سوره حج مجربست الم تر ان الله سخر لکم ما فی الارض والفلک التی

تجری فی البحر بامره و یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه ان الله

لرءوف رحیم ۷۸۸ یا من سخر من فی السموات والارض سخر لی لین وحرق و حرک

قلب و فؤاد و جمیع جوارح عبد فلان بن فلان بحق انه لحب الخیر لشدید ملک

و علیک مودة عظیمة بینکم فی حیوة الدنیا شیخ بهاء الدین روایت کرده از شیخ

علی که هرکه هر روز هفت نوبت این دعا را مداومت نماید بهینا از جمیع کاینات

شود و اگر بروی بزرگی هفتاد بار بخواند و بدجد مهمات او ساخته شود و اگر بروی دوستی

بخواند ان دوست هرگز نرنجد و اگر بر دشمنی خواند دوست گردد یا رجی یا مرجی لکل

امر قرحا مرویست که هرکه صد ایه از قران بخواند از هر جا که خواهد بعد از ان هفت مرتبه

بگوید یا الله و دعا کند حاجتش براورده شود بجهت طول عمر بعضی از علما نقل نموده اند بعد

از نماز صبح سه مرتبه و بعد از نماز مغرب نیز سه مرتبه این کلمات را بخواند سبحان الله ملاء

المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش و سعة الکرسی و از بعضی از

اجله رسیده که هرکه در ماه رجب هر روز دوازده مرتبه این ایه را بخواند البته صاحب

ثروت گردد و این امر را علما معتبر تجربه کرده اند مثل میر محمد باقر داماد و دراین نیز جمعی تجربه

کرده اند و صاحب ثروت شده اند الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی

العزیز روایتست که هرکه را مهم عظیمی پیش اید و بران قادر نباشد این نامها را بر سر پاره

کاغذ بنویسد و هر روز یکی را در اب روان اندازد ماند زمانی مشکل وی باسانی بر اید

دوم الام قطوم بجهة دفع اعداء ابتمر له دعا علوی مصریست بسم الله الرحمن الرحیم

یا من کفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء یا من کفی شر اعدائی کیف شئت و ما شئت

اسمین طاق و مطابق باشد یا سه برابر درست باید مثال طالب هادی ۲۰ مطلوب مهدی ۵۹ جمع العددین ۷۹
طرح ۳ نتیمه ۲۶ وما با واسطه لوحی که باسم محمد و علی نوشته سه کردیم درست آمد
عدد محمد و علی و واسطه ۲۲۲ و هرگاه این ۲۲۲ را ۳ مرتبه اخذ کنیم ۶۶۶ است و این لوح هم
که بی واسطه باسم هادی و مهدی است ۷۵ که ۳ مرتبه حساب کنیم ۲۳۷ میشود موافق و نو لوح

۲۳۷				۶۶۶		
۳ ۷۸	۸ ۸۳	۱ ۷۶		۳ ۲۲۱	۸ ۲۲۶	۱ ۲۱۹
۲ ۷۷	۹ ۴ هادی مهدی	۶ ۸۱		۲ ۲۲	۴ ۲۲۴ محمد	۶ ۲۲۴
۷ ۸۲	۷۵	۵ ۸۰		۷ ۲۲۵	۲۸۱	۲۲۳

ایه مبارک من یشاء قسم

وهر دو لوح عدد ستنا طریق قرائت و ورد نمودن الله لطیف بعباده یرزق
وهو القوی العزیز اینکه دو رکعت نماز حاجت در ساعت سعد بهر قسم
که خواهد بکند و بعد از فراغ از نماز صد مرتبه صلوات فرستد و هفتاد مرتبه
استغفر الله ربی واتوب الیه گفته شروع در خواندن آیه مبارکه نماید باین طریق که
یکصد و بیست و پنج هزار مرتبه که عدد زکوة است باید خواند باین شرط که عددی نزد
خود باید معین نمود که هر روز همان عدد معین باید تلاوت نمود تا مجموع عدد زکوة
خوانده شود و در بین قرائت سخن باید گفت تا مالک ورد مزبور تواند شد و در خواندن
عدد مزبور هر روزه باید مثلث آیه را بطریقیکه نموده شد ذوالکتابه رقم نموده و در برابر خود
داشت تا مالک واقعی شود و بعد از آنکه مالک ورد شد هر روز بعد از صد مرتبه صلوات
و هفتاد مرتبه استغفار آیه را بعدد ایام سال که سیصد و شصت مرتبه یا بهر عددیکه مقدور شود
ورد نشود باید در ضمن مثلث بنویسد خواند و وقت قرائت تغییر ندهد اگر امری رو
دهد که در آنوقت ترک شود وقت دیگر بنیت قضا باید قرائت کرد که هر امور قاریه
دفعة مقتضی است خصوصا دفع و رفع دشمن هر چند نداند چه شخص است و مثلث از آیه باید
تا چهل یوم هر روزی شصت عدد در یکمجلس قلمی و بآب روان انداخت بغایت شرط نیست که قرائت

بعهد که مختار است در خود صرف کردن یا بفقرا دادن و مکرر بتجربه رسیده
این مثلث در باب آن باید انداخت این مثلث را در حین قرائت در نظر باید داشت و هر دو را

برفتار باید نوشت
بجهة تجربه و تفرقه اعداء
از اعمال بعض یا اخراج

۲ ۶۶ الله	۹ ۱۲۹ لطیف	۴ ۸ ۶ ۵ نعما		۶ ۹۴	۱۸۹	۸ ۹۶
۷ ۱۱۱	۵ ۹۳	۳ ۷۵		۷ ۹۵	۵ ۹۳	۴ ۹۱
۶ ۱۰۲	۱ ۵۷	۱۲۰ ۸ ۰		۲ ۹۰	۹ ۹۷	۴ ۹۲

[illegible] ۲۷۹ [illegible]

ارجائی انی از آیات
بعض یا تفریق بابها در مثلث بکیرند و ثلث اسم منظور را و بنویسند این مثلث را
مثلا اسم منظور را گرفتیم ده شد در خانه اول نویسند و او را مضاعف کرده در
خانه دویم نوشته و عدد این بعض را نیز ثلث بگیرند و ثلث اسم منظور را که در خانه اول نوشته از
ثلث عدد این وضع کنند و آنچه ماند در خانه سیم گذارند و ثلث این را در خانه چهارم گذارند
و خانه دویم و سیم را جمع کرده در خانه پنجم نویسند و برابر آنچه در خانه سیم نوشته در خانه ششم
نویسد و خانه یکم و ششم را جمع کرده در خانه هفتم نویسد
و خانه چهارم را مضاعف کرده در خانه هشتم نویسند و بعد
ازان در پشت مثلث بنویسد اصطفی تومار بحروف مقطعه
و مطلب را نیز بحروف مقطعه در ضمن مثلث بنویسد در ساعت
بدبخور کند و در مکان منظور پنهان کند و اگر العیاذ بالله
نحوست بعامل اثر کند بیرون او زند و بعد از اتمام لوح عامل باید
بحمام رفته و غسل کند و هفتاد و دو مرتبه نادعلی را بابسم خواند و
ریزد و بر سر ریزد و بیرون آید که نحوست با و کارگر نمی کند و هرگاه

ثلث صحیح اسم منظور ۸ ۴	وخانه چهارم مضاعف در هشتم	ثلث عدد خانه ۳ ۵۱۳ اسم منظور از ثلث ۴۱۹
وضعف الخ در خانه سیم رقم شده در خانه ششم نویسد ۳۸	ثلث آیه صحیحا اینست که باید در خانه چهارم نوشته شود ۵۱۳	عدد خانه اول را مضاعف کردیم این ۱۸۸
۵ وخانه دیم و سیم را جمع در خانه پنجم نوشت ۶۰۷	۱۵	۷ وخانه یکم و ششم را جمع و در خانه هفتم رقم نمود ۹۳۲

اسمی باشد که ثلث نداشته باشد از اسماء حسنی اسمی که دلالت بر مطلب کند مثل ممیت و غیران داخل کند
که ثلث توان گرفت المثال اسم شخص منظور علیقلی بیک عدد آن ۲۸۲ ثلث صحیح ۹۴ و عدد این نجم
لعنة الله والذین آمنوا اشد حبا ۱۴۹۳ و چون ثلث صحیح نداشت اسم مبارک ولی را که ۴۶ است اضافه کردیم این شد

بجهة قضای حوائج کلی شب جمعه را نیت روزه کند و بعد از طلوع ۶۰ مرتبه بکوید ما شاء
الله لا حول و لا قوة الا بالله از دستخط مولینا مجلسی اول نوشته شد ختم آیه شریفه الله
لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز را دو روز اول ماه شروع کند
و در ظرف مدت شانزده روز هر روز بعدد حروف غیر مکرره که در این است بترتیب در
وقت معین بخواند و در بین قرائت حرف نزند و در محل وقف که ما بین کلمه من یشاء و کلمه و هو القوی
باشد مطلب را بخاطر آورد که باجابت رسد انشاء الله تعالی و حروف غیر مکرره اینست ا ل ه ط ی
ف ب ع د ر ز ق م ن ش و از برای نجات از هر بلیه در یک مجلس ۱۰۰ هزار مرتبه
صلوات بفرستد و هر هزار مرتبه را بروح یکی از ائمه اثنی عشر بترتیب قربت کند و هزار مرتبه
دیگر را بکر و نکاهدارد تا وصول مطلب پس او را قربت کند بروح حضرت صاحب الزمان ع
که مجربست هر کاه کسی در مخمصه کرفتار شود یکصد مرتبه بخواند نجات یابد با وجود اجازه
الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا توکلت علی الحی الذی لا یموت مرویست که
هر که سوره یوسف را بکلاب بنویسد بسر روز در منزل خود نکهدارد و بعد از آن بیرون
برد و در دیوار بیرون خانه دفن کند او را تقرب عظیم نزد سلطان عصر حاصل شود و اگر
سوره مزبوره را نوشته و باب پاک بشوید و آب از ابیاشامد خدا وند عالم اسباب کرید
رزق او را از هر جهت هر کاه حاجتی داشته مصحف سی جزو تمام را بر سر کذارد محکم بخو بکیرد
و بهمه میت دو رکعت نماز بکذارد باینطریق که در هر رکعت سوره فاتحه یکبار و سوره توحید سی بار
و توکلت علی الله هزار بار بعد از آن سلام کفته و بکوید بار خود اسیری بر در تقصیری امد اسئلک
و صد مرتبه بکو عاجزی بر در پادشاهی امد اسئلک یا رب و صد مرتبه حاجتمندی بر در
حاجت دهنده امده اسئلک یا رب و صد مرتبه بکو یا رب یا رب مرا قبول کن بعد از آن
ورقهای مصحف را از اول تا آخر بکرداند و هر ورقی که کشاید بسم الله الرحمن الرحیم یکمرتبه بکوید که

علاوه ما رحم الذی ابلغ بفضله ... نا انه عزیز حکیم عدد ... عدد را مرو الفتیت علیه ... از سوره ص ... از سوره العمران ... ایضا از سوره ... ایضا ... فان کنتم ... و الله غفور رحیم ... ایضا البقره و من الناس ... الله ... الانفال ... ایضا سوره ... نا انه عزیز حکیم ... ایضا از سوره ... عدد ... و هو الغفور الودود ... سوره النساء ... علیهما ...

بعدد او راق بسمله کفته شود بعد از آن بزاری و تضرع تمام حاجت خود را بخواهد که بشیدن روا
عزیزش دارد که از تحفهاست ختم آیه و من یتق الله انستکه در ساعت سعد شروع نماید
باینطریق که بعدد حروف غیر مکرر آیه مذکور را هر روز به ترتیب بخواند از برای مطالب
مشروعه مجربست حروف غیر مکرر او و م ن ی ت ق ا ل ه ج ع خ ر ز
ح ث س ب ک ف غ ش د مدت بیست و سه می شود بترتیب بخواند
که آثار عظیمه مشاهده خواهد کرد و ایضا بجهة بر آمدن حاجات هزار یکمرتبه بدون
تکلم آیه مزبوره را انا کل شیء قدر را بخواند ابو الحسن شاذلی کفته هر که بنویسد این دو بیت عجیب را
و سر غریب که اینست عینان عینان لم یکتبهما قلم و فی کل عین من العینین عینان نونان
نونان لم یکتبهما قلم و فی کل نون من النونین نونان بر کاغذی و بکذارد در کیسه
خرجی خود یا در محل کندم و جو و امثال اینها حق تعالی ظاهر کند برکت و زیادتی در او بشرط
آنکه بیرون بیاورد از کیسه و نشمرد پول کیسه را نقصان نکشد و در نسخه دیکر اینکونه مرویست
عینان عینان لم تکحل جفونهما فی کل عین من العینین نونان نونان نونان لم یحظهما
قلم فی کل نون من النونین عینان بجهة مطالب عظیمه سوره مبارکه فاتحه را بخواند
البته بر آورده شود طریق این چنانست که با اعتقاد درست غسل کند و دو رکعت نماز بکذارد در
هر رکعت بعد از فاتحه سه بار آیة الکرسی و دو مرتبه اذا زلزلت الارض و چهار بار قل
یا ایها الکافرون و سی مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه تبت یدا ابی لهب چون فارغ شود
هفتاد مرتبه صلوات بفرستد و از خیر و بر هر مطلبی که دارد بخواهد بعد از آن هفتصد
مرتبه سوره مبارکه فاتحه را بخواند و بهر صد مرتبه را که تمام کند یکبار این دعا را بخواند
اللهم اجعلنی من الحامدین بحرمة سورة الفاتحة و کثر لی ما یلیق بهما من خواص
الشریفة و المواهب الهنیئة و اهدنا بهدایة الفاتحة و عافنا بعنایة الفاتحة

... الفاتحة ... درجات ... اللهم ... الفاتحة ... نعم الفاتحة ... و تحقق رسولات ... لا تنسیاء ... اقضی حاجتی ... اللهم ... بارع الدعوات ... و آله اجمعین از حضرت امام زین العابدین علیه السلام ... کار دشوار ... شب ... ره ما ...

قل هو الله احد خواند و چون از نماز فارغ شد دستهای مبارک بسوی آسمان بر داشته و ابتهال خواند

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك باسمائك التي اذا دعيت بها على

مغالق ابواب السماء للفتح انفتحت واذا دعيت بها على مضائق الارضين

للفرج انفرجت فاسئلك باسمائك التي اذا دعيت بها على القبور

للنشور انتشرت صل على محمد وال محمد واقلبني بقضاء حاجتي و حضرت

امام زین العابدین ع فرمود که چون این نماز بگذاری هنوز از جای خود حرکت نکنی که حاجت

روا شود بجهة تفریق فستان خاک چهار راه و خاک سر راه نمک هندی نوشادر کافور

موی سگ تخم جاروب خاک چهل و یکقبر والا هفت قبر از پائین پا بر داشته همگی را صلایه

نموده داخل نمایند بغیر تخم جاروب که صلایه نکرده داخل نمایند و بعدد اسم مطلوب

ابه را بخوانند الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم الایه بحق الم تر كيف الى اخر سوره

و بخاک دمیده و خاک را در خانه شخص منظور پاشیده و عدد ابجد را با سوره و اسمین را با مادر

حساب نموده باهم جمع کنند و بدستور مثلث هندسی برده و در خانه شخص منظور دفن نماید

فایده



در روز شنبه ساعت اول یا هشتم که از زحل است و رفتار مثلث این است

در دانستن طالع مولود هر کس که باشد اسم مشهور او را عدد بگیرد

و اسم مادر او را نیز علیحده عدد بگیرد و از هر یک ۱۲ ۱۲ طرح کند

انچه باقی ماند از حمل گرفته بهر برجی که منتهی شود ضبط

نماید هر یک را علیحده بعد از آن برجین را جدا جدا عدد بگیرد و جمع نماید و از جمیع دوازده دوازده

طرح کند انچه باقی ماند از حمل گرفته بهر برجی که برسد ما قبل آن برج را طالع شخص خواهد بود

از افکار خواجه نصیر طوسی است ره فایده اگر کسی را احوال پریشان باشد و نداند چه کند

چون نماز خفتن بگذارد بلا فاصله روی در قبله او زده سوره مبارکه واللیل والضحی

ایضا بتجربه رسیده که هر کس کلمه طیبه لا اله الا الله نوشته با خود دارد و محمد رسول الله را بمنافق

با خود دارد بزودی ملاقات بینهما واقع شود بجهة هلاک ظالم و دفع شداید باید دعا

باید مداومت نمود یا قاصم الاكاسرة و قاتل الجبابرة اصبحت مذللا مقهورا فرق

بيني و بين اولادي و عيالي فيا رادا يوسف على يعقوب و يا رادا الرحمة على

ايوب فرج عني الساعة الساعة فانك حليم ذو اناة و لا صبر لي على حلمك

و اناتك فرج عني و كل مؤمن و مؤمنة و لا تكلني الى نفسي طرفة عين فانه لا حول و

لا قوة الا بالله العلي العظيم از روی خط مرحوم ملا محمد تقی مجلسی ره نوشته مجلسی دوم ملا محمد باقر

در کتاب روح الارواح از حضرت رسالت صلی الله علیه با سانید صحیح نقل نموده که انجاب در

شداید و محن بجهة تسلط بر اعداء می خوانده اند و این دعا بمقدار در دفع شداید تجربه نموده ام

سریع الاجابه است اللهم اليك اشكو ضعف قوتي و قلة حيلتي و هواني على الناس

انت ارحم الراحمين انت رب المستضعفين و انت ربي الى من تكلني الى بعيد

يتجهمني او الى عدو ملكته امري ان لم تكن على غضب فلا ابالي و لكن عافيتك

اوسع لي اعوذ بنور وجهك الذي اشرقت له الظلمات و صلح عليه امر

الدنيا و الاخرة من ان ينزل بي غضبك او يحل علي سخطك لك العتبى حتى و لا

حول و لا قوة الا بك دعای قاموس القدرة سیفی است قاطع و تریاقی است نافع هر که

نود و نه مرتبه بخواند بشرط رخصت و اجازه همه او را اطاعت کنند و تواضع نمایند

و از قول او تمرد نکنند و تسخیر جن و انس و کسر شوکت متکبران و قتل عدو و تسخیر کسان

و طاغیان او را میسر شود بسم الله الرحمن الرحيم الهي قد تلاطمت امواج قدرتك

فظهرت في كل مقدور اثار قدرتك عجيبة غريبة الهي بحق سر هذه الاسرار

و بحق كرملك الخفي و بحق سرك الاعظم ان تقضي حاجتي بكن فيكون و

واوردن غايب بيك مجلس دو تيت و بيكار بكويد در خواب پايد دى بوى نمايد وازغايب اتكار اخبار نمايد ازموده و مجربست الم تعلم ان الله يعلم ما في السموات والارض ان ذلك في كتاب ان ذلك على الله يسير اما براى كفايت مهمات وبازامدن ازغربت بوطن وحصول مرادات كلى وجزوى ورسيدن بمطلوبات خويش ودفع دشمنان قوى وخصمان بزرك ونصرت برعدو اين كلمات را سيصد و سى و هفت نوبت بخواند وكفى بالله وليا وكفى بالله نصيرا وكفى بالله حسيبا وكفى بالله عليما وكفى بالله وكيلا وكفى بالله شهيدا براى الفت دلها و وسعت رزق وطلب جاه ومنصب بزركى ومحبت سلاطين وعقد السنة اعدا بكهزار و يكبار بخواند الله لطيف بعباده يرزق من يشاء وهو القوى العزيز براى جاه و رفعت و قبول عامه واستجابت دعا و تسخير خلايق واسانى كارها اين اوراد را بخواند سه هزار و سيصد و سى سه نوبت عدد كبير عدد وسط شش صد و شش عدد صغير شصت و شش نوبت يس والقران الحكيم ص والقران ذى الذكر ق والقران المجيد ن والقلم وما يسطرون اين ورد هفت خاصيت دارد عزت و رفعت فراخى روزى وحشمت و محبت و قوة و قدرت عدد كبير ٤٠٤ مرتبه حسبى الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم براى كفايت مهمات وحاجات ودفع خصمان اين كلمه را هفتصد و هفتاد بار بخواند كهيعص و اكر تواند كلمه حمعسق را بدو ضم كند بعد از فريضه صبح يكصد مرتبه بخواند كه انشاء الله تعالى فتوحات عظيم خواهد شد يا على المرتضى انظر الى قد اتيت خائفا بما لديك يا ولى نجنى مما اخاف يا على يا على يا على بسند بسيار معتبر در كتاب بشارات و در كتاب جنة حصن حصين مذكوراست از براى دفع اعداء در شب چهار شنبه كه ماه در نقصان بوده باشد غسل كند و دو ركعت نماز بكذارد در ركعت اول بعد از حمد سى و نه مرتبه سوره الم تر كيف فعل ربك در

كه از بزركان علماء اماميه يافتيم كه نوشته بودند كه بطرق متعدده بما رسيده كه هركاه احدى دشمنى بوده باشد كه از شر او خائف و هراسان باشد اين نماز را بجو بكه مذكور شد كذارد كه بسيار مجربست ختم سوره مباركه فاتحة الكتاب بجهة حفظ نفس و دفع اعادى بعد از نماز عشاء ابتداء بقرائت نموده هجده مرتبه بخواند و بعد از فرايض صبح و ظهر و عصر بيست و شش مرتبه و بعد از فريضه مغرب بيست و هشت مرتبه بخواند كه در شبانه روزى يكصد مرتبه خوانده شود انكه حاجت خود را طلب نمايد كه مستجابست ايه مباركه اية الكرسى بجهت فتح الرجال بيست و يكنوبت بخواند و بران دمد و بشخص بستند دهد بجورد و بجهت ظفر يافتن بر اعادى بيست بكر وز هر روز ده مرتبه بخواند و بجهة ترقى دنيوى از غره ماه شروع كند تا چهاردهم بعدد ايام ماه بخواند و اكر كسى را مهم صعبى پيش امد در جاى پاكى نشيند و صد نوبت بخواند و در اثناء قرائت با كسى سخن نكويد مهم وى كفايت شود طريقه ختم بسم الله الرحمن الرحيم هفتصد و هشتاد و شش مرتبه در يك مجلس بخواند و بعد از ختم يكصد و سى و دو نوبت صلوات بفرستد بهر مقصود كه خواهد روا شود بجهة حرز از جميع بلاها اين دو ايه مباركه را بطريق ذو الكتابه در مربع دور و برده در هنكام مقارنه سعدين بمشك و زعفران و درباز وى راست به بندد الله لطيف بعباده يرزق من يشاء وهو القوى العزيز كلا ان كتاب الابرار لفى عليين وما ادريك ما عليون كتاب مرقوم يشهده المقربون وعدد ايات را در مربع بيست بنويسد باين

١٩٥	٢٩١	٤١٩	٢٧٢
٧٣	٤١٨	٣٩٢	١٩٤
٣٨٩	١٩٣	٢٧٤	٤٢١
٤٢٠	٢٧٥	١٩٢	٣٩٠

١٢٥٠	٤٨٩	٨٥٩	٧٥٣
٧٥٤	٨٥٨	٤٩٥	١٢٤٩
٤٨٧	١٢٤٨	٧٥٥	٨١١
٨١	٧٥٦	١٢٤٧	٤٨٨

نقل است از شیخ بهائی وقتی که قمر در برج ثور باشد بنویسد باین روش که در خانه اول عدد عدد مدعا را با اسم شخص و مادرش نویسید و در خانه چهاردهم عدد آیة الکرسی را بنویسید و در خانه یازدهم عدد اذا جاء نصر الله و در خانه هشتم عدد ابر ربی انی مغلوب فانتصر بنویسید و بطریق ذو الکتابه تمام کند و آیات و سوره را بعدد صغیر خواند و لوح را در تاج نگهدارد که بجهت هر مطلبی مجرب است بدین منوال عدد مدعا و اسم شخص و مادرش مثلا ۱۰۴۶ عدد آیة الکرسی عدد اذا جاء با بسمله ۶۹۱۰ و عدد انی مغلوب فانتصر ۲۱۴۲ باین شکل

۱۰۴۶	۱۴۰۰۹	۶۹۱۰	۲۱۴۲
۶۹۱۱	۲۱۴۱	۱۴۰۴۷	۱۴۰۶۸
۲۱۴۰	۶۹۰۸	۱۴۰۷۱	۱۰۴۱
۱۴۰۷۰	۱۰۴۹	۲۱۵۹	۶۹۰۹

در شرح نقل شیخ صدوق از ابن بابویه بسند صحیح روایت نموده که با یکی از استادان خود چند روزی متعاقب ملاقات واقع شد هر روز میدیدم او را که بعد از نماز صبح بلافاصله قبل از آنکه با کسی تکلم نماید سوره مبارکه قل یا ایها الکافرون و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را بهمین ترتیب میخواند و بعد از آن این دعا را میخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا مالک الرقاب و یا هازم الاحزاب و یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب سبب لنا سببا لا نستطیع له طلبا بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله علی ولی الله بعد از آن شروع بتسبیح حضرت فاطمه میبود از سبب او سؤال کردم رساند بحضرت امام حسن عسکری ع بچند واسطه که راوی میگوید سؤال کردم بجهة پریشانی احوال و بسیاری دشمن و علیل بودن پس حضرت امام فرمود که هر مطلبی که داشته باشی این ورد را باین ترتیب که مذکور شد بعد از آن این دعا را بخوان و چون بفقره سبب لنا برسی هر مطلبی که داری در خاطر خود بگذران که البته باجابت مقرونست و این سریست از اسرار الهی که از جد ما بما رسیده است چون تو از محبان مائی تو تعلیم کردیم و این دعای حضرت امیر المؤمنین منسوب است هر کس و بقلم در خانه خود بگذارد

چون این عمل را تمام کند و آن نقش قطعا بمقصود رسد اما دو مربع ابجدی السطور دیگر بکشد یکی مضیر دیگر مظهر رقم کشد و با خود دارد و این مربع دیگر را در وقت قرائت پیش خود بنهاده نظر کند که عطلبد

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله
۱۸۹	۲۰۲	۱۹۹	۱۹۶
۲۰۰	۱۹۵	۱۹۰	۲۰۱
۱۹۴	۱۹۷		۱۹۱
۲۰۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۸

و بعضی از عارفین گفته اند که بسم الله بمنزله لفظ کن است و اول مراتب علم و اوست از همه اعلی از جمیع علوم و مشتمل است بر لطایف و دقایق قرآن و از برای او مربعیست عظیم القدر و بهترین طریق در وضع مربع او اینست که باین اسماء بنویسند من ذکر بسم الله الرحمن الرحیم ۷۸۶ علی طلسم شاء و هو ناطر هذا المربع ابطله لوقته فافهم ذلک و هذه صفته و صنعه فافهم ذلک

بسم ۲۰۲	الله ۶۶	الرحمن ۳۲۹	الرحیم ۲۸۹
منتقم حلیم ۶۸۸	قیوم عطوف ۳۳۱	اول حسیب ۶۵	واحد سید ۱۰۳
احد مجیب ۶۸	جواد ملك ۱۰۴	مانع قوی ۲۸۷	واحد قدیر ۳۲۷
صمد صادق ۳۲۸	مؤمن علیم ۲۸۶	هو عزیز ۱۵	هادی وافی ۶۷

این مثلث را بجهة حفظ از آلات حرب و جمیع بلیات نوشته با خود دارد

اما از خانه خاک ابتدا کند و اگر بجهت احترام و عزت خواهد از خانه آب ابتدا کند امان نماید اهل تعلیم نشود منقول از بابا طاهر منقولست از خط شیخ بهائی و الد بواسطه یکنفر از علما بجهة دفع وبا و طاعون از خود و هر که دوست تو باشد و از جمیع مؤمنین اللهم یا عالم السر و النجوی و یا کاشف الضر و البلوی و یا رب الارض و السماء و یا مدبر الضوء و الدجی ثبت قلبی علی ما تحب و ترضی و اصرف عنا الوباء و الطاعون بحق حبیبک المصطفی و ولیک المرتضی و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی اعفنا من الوباء و البلاء انک سمیع الدعاء یا ذا الجلال و الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین

۲۲	۹۹	۴۴
۷۷	۵۵	۳۳
۶۶	۱۱	۸۸

وفق ۶۶۵ اعداد لا اله الا الله

بجهت وبا و طاعون

باب بجهة وسعت رزق و غلبه بر خصم پیدا نمودن گم شده

بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص یا رب رضینا پس باب یارش نیشابور رد و بپاشامد هفت روز
بجهة وسعت رزق از سوره بقره ایه واذ قلتم یا موسی لن نؤمن لک حتی نری الله
جهرة تا من طیبات ما رزقنا کم نقش کند در خاتمی از نقره و در دست خود بر بند در رزق
او میلو وسعت می یابد و نیکو میشود معیشت او بجهت بر امدن مطالب از سوره نوح ع
ایه فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا تا انهارا نقش کند در خاتم از نقره مطالب
بر اورده می شود بجهت استجابت دعا ایه ولقد نادینا نوح فلنعم المجیبون در کف دست
راست بنویسد پس دو رکعت نماز بگذارد در اخر شب پس دست خود را بلند کند و بگوید یا رب
بحق هذا اجب دعائی انک سمیع الدعاء بجهة غلبه بر خصمان بنویسد سوره نصر
تا اخر سوره بر پارچه سبز در ساعت عطارد و مسعود بودن ماه بگذارد بر سر خود غالب
می شود بر هر که با او مخاصمت کند بجهة جلب معاش و زیادتی رزق و وصول حیز این
ایه را زیاد بخواند و بنویسد در پوست اهو بر عفران و گلاب بباز وی خود به بندد این
ایه را از سوره طلاق لینفق ذو سعة من سعته الی قوله تعالی بعد عسر یسرا بجهة پیدا نمودن
گم شده و دزد دیده و غایب بخواهی بصفحی نقش کن ایه یا بنی انها ان تک مثقال حبة در خواب
من خردل تا خبیرا در صفحه و بگذارد زیر سر خود شب جمعه در اول ماه بعد از نماز فریضه
و نافله و بگو سبحان من لا یخفی علیه خافیة سبحان الذی یظهر قدرته سبحان
الذی بیده القلوب والافواه بامره و مکرر می کنی این دعا را تا خواب بر دیس در
خواب خبر تو میدهند بجهة خواب دیدن جناب مقدس نبوی صلی الله علیه واله پانصد
نوبت این دعا را بخواند یا نور النور و یا مدبر النور بلغ عنی روح محمد و ارواح
ال محمد تحیة و سلاما بجهة وسعت رزق در یکشب در یک مجلس اسماء مقدسه را هزار بار
بخواند مجرب یا قوی یا غنی یا ملی یا وفی و بروایتی یا قوی یا غنی یا ولی یا ملی نقد

بجهة بر امدن حاجات و حصول مطالب

طه و عنکبوت و زمر دان واقعه است ختم اخواب بر این ترتیب در بر امدن حاجات نفعی عظیم دارد
روز جمعه از اول سوره فاتحه تا اخر مائده روز شنبه از سوره انعام تا اخر سوره روز یکشنبه از سوره
از سوره یونس تا اخر سوره مریم روز دوشنبه از سوره طه تا اخر سوره قصص روز سه شنبه
از سوره عنکبوت تا اخر سوره ص روز چهارشنبه از سوره زمر تا اخر سوره رحمن روز
پنجشنبه از سوره واقعه تا اخر قران و هر روز بعد از ورد این دعا بخواند اللهم لک الشکر
والیک المشتکی و بک المستعان وانت المستغاث وعلیک التکلان ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین بجهة محبت
بی نظیر است باید این دو لوح را پهلوی هم بکشند و در وسط اول نام طالب در دوم مطلوب را
بنویسید و پنج ایه که مذکور میشود بخواند و بخور کند و در زیر سنگ گران نهد و در وقت
بخور دوم مرتبه ایات را بخواند و اگر مقصود نشود پانزده مرتبه ایات را بخواند و اگر نشود نه
بار بخواند مجربست و در وقت گذاردن زیر سنگ بالای هم گذارد چنانچه لوح طالب بالای
لوح مطلوب افتد و صحبت شود و ایات خمسه اینست اول کماء انزلناه من السماء فاختلط به
نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح دوم هو الله الذی لا اله الا هو عالم
الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم سیم یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر
کاظمین ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع چهارم علمت نفس ما احضرت فلا
اقسم بالخنس الجوار الکنس واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس پنجم ص والقران
ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة وشقاق و بخور عمل سندروس و کهربا باید کرد

ب ۱	والقت ۵	د ۲	و	علیک	ح
محبة	طالب	علیک	والقت	مطلوب	متی
و ۳	متی	ح ۴	ب	محبة	د

این مثلث بجهة وسعت معیشت در شرف قمر یا شرف زهره بنویسد با خود دارد

الله ۲	والطف ۱۲۹	بعباده ۴۸
۱۱	۹۳ ۵	۷۵ ۳
۵۲	۵۷	۱۲۵

اگر مطلب تو حاصل شود باید که انگشتان دست خود را باین اسامی مبارک عقد کنی یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم و انگشتان دست چپ را بر یا سمیع یا بصیر یا حلیم یا ودود یا مستغاث عقد کنی و بعد از آن دست راست را بر کهیعص حل کنی و دست چپ را به حمعسق البته آن مطلب حاصل شود از جهت تسخیر شخصی بعد از نماز صبح چهارده بار رو بشمس بخواند و ملاحظه نماید که عمل خلاف شرع انور باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا مجری الشمس و یا مسخر الفیل یا فالق البحر علی بنی اسرائیل اللهم سخر فلانا لی کما ارید فانک تفعل ما ترید وانک علی کل شیء قدیر بجهة کفایت مهمات بعد از نماز صبح دعای یا من تحل به عقد المکاره را بخواند وچون بر ما قد تهیظنی جمله رسد سجده رفته مطلب خود را بخضوع وخشوع ذکر نموده باخدای خود راز گوید پس سر بردارد و دعا را اتمام بخواند و در وافتح لی یا رب یا رب بقدر گنجایش نفس بگوید و بعد از اتمام الباسط الجواد را هشتصد و نوزده بار بخواند و اگر نتواند یکصد وچهل وهشت مرتبه بخواند و بکسی اظهار نکند البته آن مهم کفایت شود بجهت حصول مطلوب خطوط لوح را باید از قوله الحق وله الملک بکشد و بر دور لوح یا عینائیل و یا شمکائیل با حروف کهیعص و حمعسق بنویسد وانچه مطلب باشد در خانه حلب المطالب بنویسد نظر سعد عمل کند و موافق کوکب بخور بسوزاند و عدد اسم باسط که هفتاد و دو است با عدد طالب و مطلوب منظور است ضرب کند واسم باسط را بقدر حاصل ضرب در مدت سه روز و اگر نتواند نه روز باین دستور اجب یا آبا داجه بحق الباسط المقتحل

قول یا عینائیل

۳ ۱۸	۴۸	۱۶
۲ ۱۲	۴ ۲۴	۳۶
۷ ۴۲		۵ ۳۰

اگر کسی خواهد که دشمنی را مقهور کند چون مریخ در برج مریخ باشد یا مقابله باشد عقرب با عقرب این شکل را بر کشد و در مسجد خراب رفته رو بقبله کرده این ۱۰۹۶ این اسما را

عقد اهلاک ظالم

بخواند که آنکس مقهور شود اما زنهار که بهر کس نکند تا مستحق نشود فورا تاثیر کند

۹۵۸ ۲	۹۶۵ ۹	۵۶ ۶
۹۶۳ ۷	یا قهار اقهر بالقهر ۵	۵۵ ۳
۹۶۴ ۴	۱ ۹۵۷	۸ ۹۶۰

مصریه حکمای مصر در مثلث خاصیت که عدد اسم هر چیز که باشد از خیر و شر گرفته وان مطلب را در قطب نویسند بعد خواندن اسم مشغول شوند و مقصود خود حاصل کنند مثال یا مفتح فتح باب خیر جهة فتوحات عدد گرفتند و در مثلث بر بند و عبارت را در قطب نویسد باید که قمر در برج ثابت باشد و یا ناظر زهره و اگر کار مشکلی پیش اید این شکل را بنگارند ۱۸۶۰ نوبت این عبارت را بخوانند البته آسان گردد و مقصود حاصل شود شکل اینست ۱۸۵۵

۶ ۱۸۶۰	۱ ۱۸۵۶	۸ ۱۸۵۸
۷ ۱۸۶۲	یا مفتح فتح باب ۵	۵۵
۲ ۱۸۵۷	۹ ۱۸۶۳	۵۲۱

و اگر کسی را از شغل و عمل منفعتی پیدا نشود تا اینکه کار شو بسته باشد چون قمر در سرطان باشد و ناظر بمشتری این شکل را انگارد و در یک مجلس یا میسر بسر هذا العسر را هزار و ششصد و پنجاه و هشت نوبت بخواند البته کار او گشادی بهم رسد از روی حفظ شیخ نوشته شد این شکل و طریقه او انست که پیش از طلوع آفتاب برهنه بیند در چوب درخت دار رو بمشرق به بندد و در آفتاب نگاه دارد تا آفتاب باشد

۲ ۱۶۵۵	۷ ۱۶۶۰	۶ ۱۶۵۹
۹ ۱۶۶۲	۵ یا میسر بسر هذا العسر ۱۶۵۸	۱ ۱۶۵۴
۴ ۱۶۵۷	۳ ۱۶۵۶	۸ ۱۶۶۱

وچون غروب شود در حجره رود که ستاره نبیند وصد وچهل وچهار نوبت یا باسط بخواند و بخور بسوزاند و وسعت عظیم پیدا شود اما وقتی این عمل بکند که خرجی هیچ نداشته باشد و اگر روز پنجشنبه عمل نماید بهتر است و اگر تاخیر شود یکصد وچهل وچهار مرتبه یا باسط بخواند طریق ختم سوره انعام در یک مجلس هفت نفر باید حاضر شوند و شروع در خواندن سوره مبارکه نمایند چون بمیان در لفظ جلاله رسند هر یک که زودتر رسیده باشند ساکت شوند تا هفت نفر همگی برسند و بعد از آن صاحب اجازه دعای یا منتهی مطلب الحاجات را که در صحیفه کامله است بخواند و همه امین بگویند یا اصل دعا را بخوانند و مطلب را بخواهند و همه یکمرتبه از جلاله دوم شروع نموده تا اخر سوره که تمام شود و بعد از اتمام دعای اخر صحیفه که دعای یا فارج الهموم است بخوانند که مطلب حاصل است ان شاء الله و بقدر مقدور تصدق بر فقرا نمایند در حدیث معتبر بسیار از حضرت امام جعفر صادق منقول است که هر گاه ترا حاجتی رو دهد پناه ببر بجناب اقدس الهی و دو رکعت نماز بکن و هدیه کن از برای حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله باین نحو که اول غسل کن و دو رکعت نماز بکن و در اول نماز هفت تکبیر افتتاح با دعاها که در

جمع باسط ۷۲ ولی هون باسط ۷۲

۵۱	۴۴	۴۹
۴۶	۴۸	۵۰
۴۷	۵۲	۴۵

۱۴۴

نماز
دعای حاجت بخوان
بخوان و بعد سلام بگو اللهم انت السلام ومنک السلام والیک یرجع السلام اللهم صل علی محمد و آل محمد و بلغ ارواح الائمة الطاهرین و اوصیائهم السلام وحیهم السلام و اردد علی منهم السلام والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته اللهم ان هاتین الرکعتین هدیة منی الی رسول الله صلی الله علیه و آله و اثبنی علیهما ما املت و رجوت فیک و فی رسولک یا ولی المؤمنین پس بسجده برو و چهل مرتبه بگو یا حی یا قیوم یا حی لا یموت یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین پس جانب راست و چپ خود را بگذار و در هر یک چهل مرتبه این دعا را بخوان

پس سر از مهر بردارد و دستها را بلند کن و باز چهل مرتبه بگوید پس استغفار کرده خود بگذارد
و انگشت شهادت دست راست را به جانب راست و چپ حرکت بده و باز چهل مرتبه بگو
پس ریش خود را بدست چپ خود بگیر و گریه کن و اگر گریه ات نیاید خود را بگریه بدار
و بگو یا محمد یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اشکو الی الله و الیک حاجتی و اشکو
الی اهل بیتک الراشدین حاجتی و بکم اتوجه الی الله فی حاجتی پس بسجده برو و بگو
یا الله یا الله انقدر که نفس قطع شود پس بگو صل علی محمد و آل محمد و حاجت خود را
طلب پس حضرت امام جعفر صادق ع فرمودند من ضامنم بر خدا که از جای خود حرکت نکند مگر
انکه حاجتش براورده شود و مفضل بن عبد العزیز از حضرت جعفر بن محمد الصادق ع روایت
کرده بجهة پریشانی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر پس چون چاشت روز جمعه
شود زیارت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از بالای بام خانه ات یا در بیابانی
که احدی ترا نه بیند در انجا پس دو رکعت نماز بجا آور و برو و زانو در او زانوهای خود را
بجانب آسمان در حالتی که رو بقبله کرده باشی و دست راست خود را بر بالای دست
چپ خود گذارده باشی و بگو اللهم انت انقطع الرجاء الا منک یا ثقة
من لا ثقة له لا ثقة لی غیرک اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث
احتسب و من حیث لا احتسب پس بسجده برو و بر روی زمین و بگو یا مغیث اجعل
لی رزقا واسعا من فضلک العظیم اگر چنین کنی طالع نشود روز شنبه برای تو مگر با
روزی تازه بدانکه حرف کبیر و متعال خواص بسیار دارد خصوصا در تسخیر سلاطین و
یافتن مناصب عالیه در لوح ۹ در ۹ باید رقم نمود که موفق باشد در شرف مریخ بجهة اطلاع
بر امور مستقبل این ده اسم را در لوح ۱۰ در ۱۰ نقش و در زیر سر گذارد و اسمار ا قرائت
کند تا بخواب رود بهر مطلب که قصد کرده باشد در واقعه به بیند و ده اسم اینست سلام

باید که بگذارد اول غسل کند و بعد از آن جامهای پاک در پوشد و بخانه خلوت رود و صد نوبت
صلوات فرستد و دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از تکبیر تحریمه و این آیه صد مرتبه بسم
الله الرحمن الرحیم فانظر الی آثار رحمة الله کیف یحیی الارض بعد موتها ان ذلک لمحیی
الموتی و هو علی کل شیء قدیر و بعد از نماز صد مرتبه این دعا را بخواند یا منور
الاشجار بانواع النور نور قلوبنا بنور معرفتک یا عزیز یا غفار برحمتک یا ارحم
الراحمین دعا بجهت دفع تگرگ و ملخ و آفات سماوی و ارضی از هر موضع زراعت که خواهد بنویسد بنگمای
بر چهار پاره کاغذ و در چهار کوزه آب نرسیده نهد و سرها از گل محکم کرده در چهار طرف مزرعه
پنهان کند یا آنکه کاغذها را در موم گرفته از چهار طرف مزرعه بیاویزد بالله
تا از جمیع آفات محفوظ مانند و شرط است که قمر در سنبله باشد یا در ابو...
بسم الله الرحمن الرحیم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و الحسن و الحسین
و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد علیهم السلام
و بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق آیة الکرسی و آمن الرسول که ببندم
بلای ملخ و سن و تگرگ و دزد و آفات سماوی و ارضی از مزرعه فلان بن فلان
بچهار حد معین فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون
فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون الم تر ان الله یزجی سحابا ثم یؤلف بینه ثم یجعله رکاما فتری
الودق یخرج من خلاله و ینزل من السماء من جبال فیها من برد فیصیب به من یشاء و یصرفه عن من یشاء
یکاد سنا برقه یذهب بالابصار سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و
الحمد لله رب العالمین سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین و عنت
الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما اللهم ادفع البرد و ضرر الجراد
و جمیع الآفات عن هذا الموضع بحق اسمک الاعظم الاعظم و بحرمة محمد و آله الطیبین
علیهم السلام و بحق جمیع انبیائک المرسلین و بحرمة ملائکتک المقربین یا اله العالمین

تکسیر آنرا بر خاتم نقره در مربع نقش کند که از چهار دانک نقره طلا و یک دانک باشد و خاتم را در
انکشت کند و عزیز دارند و محافظت کنند از زن و کودک و ادم دنی و در ایام
و اوقات دعوت کاهی نظر در ان کنند خصوصا در وقت خواندن و شرط دیکر انست که
در خلوت خوانده شود و کاهی بخور بسوزانند و در بین خواندن سخن نکویند و ثنا
بخوانند و صفی اسمین را در دل بکذرانند که بمعنی زنده و پاینده باشد اکر شرایط عمل
اید حکم خاتم سلیمان دارد و فواید خاتم و اسمین با عدد بسیار است از انجمله برای تسخیر قلوب
خلایق و سلاطین و جلب جاه و عزت و رزق و اکر بر سر بیمار رود بیمار شفا یابد از خواجه
نصیر الملة والدین مرویست که هر کس قرض دار باشد و از ادای ان عاجز باشد در کنار جوی اب
این مربع را بنویسد و با ب روان دهد و قدرت حق تعالی را ملاحظه کند که از موده است و اکر کسی
در بند حاکم باشد همین مربع را نوشته در بغل او کذارند نجات یابد و هم چنین بیمار را و زنی
که دیر زاید و چهار خانه وسط را دیکر عدد نباید نوشت و همین اصل فقرات دعا را باید نوشت

٩٦٢	١٠٢١	٥١١	٤٨٢
٥١٢	بعينك احرسني	اللتى لا تنام	١٠٢٠
٤٨٠	بركنك والكنفى ٥٩	الذي لا يرام ١٠٧٣	٩٦٤
١٢٢	٩٦٥	٤٧٩	٥١٠

بخط شیخ شهید و در کتاب فرج بعد از شده قاضی تنوخی نیز مذکور است که این صورت از و ما اعجب هذا الجزلانی

وجدته فی عدة کتب باسانید و غیر اسانید علی اختلاف فی الالفاظ والمعنی قریب و انا اذکر
اصحها عندی یعنی چه عجب چیزیست انکه من یافتم انرا در چندین کتاب در بعضی با سانید
و در بعضی بغیر اسانید با اختلاف الفاظ اما معنی هم نزدیکست بیکدیکر و از انجمله انچه
نزد من اصح است و ان اینست که در کتاب محمد بن جریر طبری که انرا کتاب اداب حمیده نام کرده است
یافتم و انرا نقل کردم بحذف اسنادی از حارث بن روح که از نقل کرده از پدر خود که او از انحضرت که

عالم همه خفته اند و درها بسته یا رب تو در بسته بما بکشائی این رباعی شیخ را نیز
بجهة توانکری و غنا بعدد اسم خود مکرر بخواند یا رب بعنایتم توانکر کردان
از نور یقین دلم منور کردان اسباب من شیفته سرکردان لی منت مخلوق میسر
کردان افسون مورچه باید که سه عدد مورچه را بکیرد و بر یکی بخواند سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و بر دیم بخواند لا اله الا الله ایمانا و صدقا و بر سیم
خواند لا اله الا الله ابدا حقا و در سوراخ موران سر دهد این سه مور را انقدر
خدا همه مور از ان بکشد و بر طرف شوند باب بدانکه بمقتضای و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها
ابداع کلی در بعضی از انها جاری می شود بخصوص بیست و هشت اسم از انها که هر اسمی
از انها ابداع ثانی از برای کلی میشود و کاهی هم جاری می شود این اسم در جهتها کلیه بحکم
جزئی و ان اسماء اینست البدیع الباعث الباطن الاخر الظاهر الحکیم المحیط الشکور و غنی الدهر
والمقتدر والرب والعلیم والقاهر والنور والمصور والمحیی والمبین والقابض
والحی والممیت والعزیز والرزاق والمذل والقوی واللطیف والجامع و رفیع
الدرجات و از برای هر یک از این بیست و هشت اسم تجلیاتی هست در عالم معنی که تجلی
ذات باریست باین اسم در معنای ان مثلا در عقل اول که صادر اولست باسم بدیعست در
مرتبه الف از بیست و هشت حرف هجائیه چون در نزد علماء حفر الف اول مخترعات
که از اختراع اول باشد که اول فعل باشد که در بعضی از احادیث اختراع و ابداع و مشیته
و اراده کفته شده که اختراع اول از اختراع اول او را استقص اول و عنصر اول کویند
که سایر موجودات از او ناشی شده و در ظل اعداد عددیست که وجود سایر اعداد بسته
بوجود اوست چنانچه در اختراع از او وجود یافته که او حبیبی است مبدع از اختراع و
مخترع به و در نفس کلیه تجلی باسم باعث است در مرتبه با چون باء مخرج شده است از اختراع

باب ۲۲ در قاعدهٔ کلیه در اسماء حسنی

۱۸۰

اب و در هیولی تجلی میکند باسم اخر در مرتبه بال و دال دیم صمد عالمست ما ابداع دیم کرالف است
از مخترع دیم کرباء بود چون بانسبت الف دیم مخترع است پس با مخترع نشود چون دو با
بود ضرب دو در دو چهار می شود و دال مرتبه چهارم ترا بیت پس اختراع اول الف است
واختراع دیم باست و انخراع اول از انخلاع اول جیم است و ابداع دیم از اخراج دیم دال است
واختراع همان ابداع است و از مصطلحات است نزاع در اصطلاح مکن پس ابداع دو قسم
شد یکی ابداع اول در وجود مطلق و یکی ابداع در وجود مقید که ابداع حروف
باشد و از برای هر موجودی بقدر قابلیت و استعداد او ابداع خاصی است در عالم
فیض و هکذا تا اخر اسماء حسنی تجلی است در مرتبه یکی از حروف هجائیه و اختلاف افراد
این جنس باختلاف نظورات این اسم در ظهور و تفاوت این قابلیات این افراد است
و از برای این اسماء حسنی خواصی هست که بر وجهی که مقرر شده تصرف در اشیاء می کند
و او را ابداعات اسماء حسنی کویند از انجمله انست که بکیرے بقدر حروف اسم خود مثلا
اسمی را از اسماء حسنی که در اول ان اسم حرفی از حروف اسم بود در او باشد و بعدد اعداد
او یا بعدد حروف هجائیه او یا بعدد حروف اسم اعداد او را بکیرے و مکررات را بیندازی
پس از ان بحرف ندا او را بخوانی و حاجت خود را بخوانی مثلا اکر اسم تو محمد باشد می کیرے
اسم مجید و حمید و معطی و دلیل را و میخوانی بعدد اعداد او مثلا مجید ۵۷ است و حلیم و معطی
۸۸ است ۱۲۹ است و دلیل ۷۴ است مجموع ۳۰۴ می شود و اکر بعدد بسط هجائی باشد باین طریق
م ح م د ج ی م ی ا دال | ح ا | ل ا م | ی ا | م ی م | م ی م ع ی ن ط ا ی ا دال
لام ی ا لام که مجموع ۱۶۴ می شود و اکر بحذف مکرر باشد ۹ می شود یا باعداد حفری
انها باشد ۱۹۵ امیشود یا باعداد اسماء خفری باشد ۲ باشد و اکر بعدد حروف اعداد انها
باشد س ب ع خ م س و ن ث م ا ن ی ة ث م ا ن و ن م ا ة ث س ع ة ع ش ر و ن ا ر ب

در شرائط معموله در اسماء حسنی

۱۸۱

و دیکری محسنی یا بکی حاره و دیکری بارده و هکذا پس اختیار میکنی از میان اسماء حسنی اسمی را
که بعد یا میان خود و حاجت باشد که هر دو موافق باشند و او را بکیر با اینکه جمع کنی
میان ان اسم و میان خود و میان حاجت خود در شکلی و او را ترکیب کن بکلماتی و باین طریق
بخوان چه عجمی باشد یا عربی اما معنی داشته و ملاحظه کن معنی اسم را و حاجت خود را
تا امر تمام شود از انجمله انست که میکیری از اسماء اسمی را که موافق عدد اسم خود باشد یا بجمل
کبیر اسمی را میکیرے یا دو اسم یا بیشتر تا وقتیکه عدد حاصل شود مثلا محمد ۹۲ است میکیری
حی و هاب و لی جواد که ۹۲ است پس از ان ۹۲ مرتبه فاتحة الکتاب میخوانی و ۹۲ سوره الم
نشرح و اسماء حسنی را میخوانی الحی الوهاب الولی الجواد ۹۲ مرتبه پس از ان میکوئی یا حی
یا وهاب یا ولی یا جواد صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا بجای لفظ کذا حاجت را
بخواند و در حال ذکر متذکر باشد که حی را که میکوید حیوة در هر چیز را ملاحظه کند و از
جواد و وهاب عطیه از برای هر چیز را و از ولی قیام بهر چیز را و حاجت خود را قبل
در قلب خود قبل از ذکر بکذراند و هم چنین در حال ذکر و پیش از دعا یاد کن خدا را چون خدا
ترا میخواند که دعا ترا مستجاب کند وعده داده او را تصدیق کن در وعده اش که بلی خداوند
دعای مرا مستجاب می کند فاذکرونی اذکرکم ادعونی استجب لکم و اعلم ان القاصد الیه قریب
المسافة و اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا
لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون یعنی مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم بخوانید مرا تا اجابت کنم
شما را و بدان بدرستیکه هر که قصد کرد او را راه بسیار کم و مسافت او بسیار نزدیک است و چون
سؤال کنند از تو بندکان من از اینکه خداوند نزدیک است کر او را اهسته بخوانیم یا دور است که
او را بلند بخوانیم بکو با ایشان که من نزدیکم بشما از دل کردن شما جواب میدهم دعوه و خواهش
دعا کننده و خواننده خود را هر کاه مرا بخوانند پس باید البته قبول کند طلب حاجت را یعنی باید اطاعت نماید

کسیکه بترسد از غرق شدن و مربع او ۱۲ در ۱۲ است مراد با تکبیر کبیر است که اسم رباعی ۲ اسم
پس مثال شد ۸ در ۱۲ انه اکثر ۱۲ در دوازده باشد مثال
وکسیکه مداومت کند بر ذکر او حاصل
می شود از برای او در باطن نور و سر
الهی که از وصف بیرون باشد الا اینکه
این تجلی نور و سر الهی بحسب اقبال اوست
واگر مربع در مربع او را کسی با خود دارد
از برای او کرامتی و قبولی از خدا و خلق

ه	ل	ل	ا	ه	ل	ل	ا
ل	ا	ه	ل	ل	ا	ه	ل
ل	ه	ل	ا	ه	ل	ا	ل
ل	ا	ه	ل	ا	ل	ل	ه
ه	ل	ا	ل	ل	ه	ل	ا
ا	ل	ل	ه	ل	ا	ل	ه
ل	ه	ل	ا	ل	ه	ا	ل
ل	ا	ل	ه	ا	ل	ه	ل
ل	ه	ا	ل	ه	ل	ا	ل
ا	ل	ه	ل	ا	ل	ل	ه
ه	ل	ا	ل	ل	ه	ل	ا
ا	ل	ل	ه	ل	ا	ه	ل

حاصل شود
و این است صورت مربع او
و عدد او بسیط کبیر
و شش میشود دوم از اسماء

۱۶	۱۹	۲۲	۹
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰
۱۱	۲۴	۱۷	۱۴
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳

الرحمن است هر که مداومت کند بر او عقب هر نمازی و صد دفعه بگوید محل الطاف
الهی میشود در جمیع افعال و اقوال خود و کارهای او پسندیده حضرت حق میشود و همچنین
اگر بنویسد و با خود دارد باین طریق و عدد کبیر او باعتبار لفظ ۲۹۹ می شود سیم الرحیم است
هر که او را ذکر خود قرار دهد از خدا سؤال نکند مگر اینکه
خداوند با و عطا فرماید و هر که بنویسد مربع او را و با خود دارد

۳۸	۶۸	۸۰	۷۴
۸۳	۷۱	۷۶	۶۹
۷۲	۸۲	۷۰	۷۵
۶۷	۷۸	۷۳	۸۱

خداوند او را از آفات ایمن کرداند
و اعمال را بر او سهل و آسان کرداند و این صورت اوست
و عدد کبیر او ۲۵۸ و وسط سی و سه صغیر شش یعنی صاحب رحم

۳۴	۶۷	۷۰	۵
۲۴	۲۱	۱۸	۶۸
۲۲	۲۳	۳۸	۶۲
۲۹	۱۶	۱۹	۲۱

مختص بمؤمنان است چنانچه فرموده و کان بالمؤمنین رحیما چهارم الملک است و معنی او
پادشاه صاحب مملکت تام الملکوت السموات والارض دیم مالک و صاحب تصرف که
کل الفش بجهت تخفیف افتاده هر که او را در روز جمعه پیش از طلوع آفتاب صد مرتبه بخواند
خداوند مطالب او را ادا کند و حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که بنویسد و با خود دارد
دولت و عزت و جاه او را زیاد شود عدد کبیر ۹۱ و وسط ۱۹ مربع صغیر بیست
پنجم القدوس بسیار بسیار منزه از معایب و قبایح و پاک از شبهه
انداد و اولاد و غیرها و تقدیس ما از برای خدا بمعنی نسبت دادن

۴۵	۳۶	۴۷	۴۲
۵۰	۳۹	۴۴	۳۲
۴۰	۴۹	۳۸	۴۳
۳۵	۴۶	۴۱	۴۸

ما است او را بپاکی و برائت از ما لا یلیق چنانچه ملائکه گفتند نحن نسبح بحمدک و نقدس لک
هر که هر روز وقت زوال صد مرتبه بخواند از شر نفس و وسواس شیطان کفایت شود او را
و هر که بنویسد روز جمعه بر پارچه نانی سبوح قدوس رب الملائکة والروح و بخورد باطن
او صفا یابد مثل ملائکه و هر که نقش کند مربع او را و نگاه دارد با خود آثار انبساط و نشاط
و صفا در خود بیابد و رد کبیر ش ۱۷۵ و وسط صغیر ۲۳ هر که یاحتی یا قیوم را نقش کند ذکر او در دهن
مردم بماند و همراه داشتن او موجب ایمنی از آفات است و مربع او اینست

۳۲	۳۵	۳۹	۲۵
۳۸	۳۶	۳۱	۳۶
۲۲	۴۱	۲۳	۳۰
۲۴	۲۹	۲۸	۴۰

ششم السلام است دو معنی دارد اول سالم بودن از هر نقصی که
خلایق را عارض میشود از انتقال و زوال و مرض و قوت و فنا
بمعنی سالم مصدر دیگر مبالغه مثل زید عدل دیم بمعنی مسلم یعنی سلامتی دهنده بخلایق زیرا که
سلامتی از قبل او ناشی میشود و دار السلام یعنی خانه خدائی که مسمی بسلام است هر که مداومت کند
و رد او را روزی می شود باو راحت و سلامت در ظاهر و باطن
دین او برای شفای بیمار مجرب است صد بار بخواند شفا یابد البته
و رد ش بعدد کبیر ۱۳۰ و وسط ۱۴ صغیر ش ۹ مربعش بجهة محافظت اینست

۳۲	۳۵	۳۹	۲۵
۳۸	۳۶	۳۱	۲۶
۴۲	۴۱	۳۳	۳۰
۳۴	۲۹	۲۸	۴۰

بجهت اطلاع بر ضمایر و دولت و سلطنت

ایشان ۸ امین عما که در مؤمن گفته شد در اصل مؤمن بوده قلب شده همزه او بها از ادات قرب مخرج هرکه با طهارت جمیع بدن او را بخواند باطن او اشراق می شود و بر ضمایر ناس مطلع می شود

٣٨	٣۶	٣٩	٣٣
۴٢	٣٠	٢٧	٣٧
٣١	۴١	٣٨	٢۶
٣۵	۴٩	۴٩	۴٠

عدد کبیرش یکصد و چهل و پنج وسط ۱۹ اصغر ۱۳ مربعش بجهت حفظ این نهم العزیز است یعنی غالب و عزیز عاجز کرمانعی نباشد و برای آن اراده نماید و عزنی فی الخطاب ای غلبنی و پادشاهان از اعزه گویند از راه غلبه که بر رعیت دارند هر که این ذکر را روزی چهل بار بخواند اگر فقیر باشد غنی شود عدد کبیرش ۹۴ وسطش سیزده صغیر ۶ و هم چنین است هر که مربع او را با خود دارد دهم الجبار است ۲ معنی دارد اول تدارک

٣۵	٣٨	۴١	٣٢
۴۴	٢٨	٣۴	٣٩
٢٩	۴٣	۴٠	٣٣
٣٧	٣۶	٣٠	۴١

فقر بندگان بغنا و دستگیری شکستگان بدفع ستم از ایشان و بر این معنی است جبیره که در موضع زخم و شکست اعضا و ضوء می شود دوم برپا دارنده خلق خود بر انچه فرماید و انچه تقدیر کند خواه راضی باشند و خواه نباشند و بر این معنی است حدیث لا جبر و لا تفویض هر که هر روز بیست و یک بار بخواند از ظلم ایمن گردد و برای هر درد الم نافع است و هر که مداومت کند جباره جن و انس مطیع او شوند و هر که هر روز بعدد کبیر او که ۲۰۶ است بخواند و مربع او را با خود دارد جمیع عالم را ذلیل خود نماید و ورد وسطش بیست و صغیرش

۵١	۶۴	٩٢	٩۶
۴۴	۵٧	۵	۴٧
۵٨	۵۵	۴۴	۴٩
۴۵	۴٨	۵١	۵۴

یازدهم المتکبر دو معنی دارد اول بزرگواری که بزرگی اختصاص تمام دارد تمام بذات اقدس او دارد و غیر او را نشاید که خود را شریک و مستحق او داند زیرا که موصوف باین صفت کسی باشد که محتاج هیچ کس نباشد و هر موجودی محتاج بوی باشد و این معنی در غیر او نتوان یافت و بنا بر این اسم شریف از اسما خاصه است و کسیکه خود را موصوف باین صفت داند مشرک است چه خود را با خدا شریک دانسته در صفتی که مر غیر خدا را نباشد این که در حدیث آمده لا یدخل الجنة من کان فی قلبه مثقال ذرة من خردل

متکبر و کبری ... کفر کند ... صفات است ... متکبران ... ابتدا است ... عبادت ... و اندازه ... صورت ما خود ...

هر که با خود دارد

١۵٨	١٧٣	١۶٨	۴۶
١۶٧	١۶۴	۵٠	١٧٠
۶۵	۴۴	١٧١	١٣
۴٠	١۵۶	١٢٢	١٢٩

دوازدهم الخالق ... و اندازه ... حضرت علی ...

استحکام عقد و فرزند و وسعت روزی و برامدن حاجات

می نمود جهة راحت در قبر هفته صد مرتبه بگوید بجهت استحکام عقد اعمدا و منش خوب و نکو او پنجهزار و صد و ده مرتبه اجابتش در دعاها بخیر سرعت و هر چه بخواهد و اراده کند تحقیق از برای او ظاهر میشود عدد کبیرش ۷۳ وسط ۷۴ صغیر ۱۳ مربعش این

١٧۵	١٩١	١٨٩	١٨
١٧۴	١٨١	١٨٨	١٨٨
١٨٢	١٨٣	١٧٨	١٧٧
١٠٩	١٢٢	١٧٩	١٨۶

دوازدهم الباری است بمعنی خالق است الباری النسم هو الذی خلق الخلق و در حالت اضافه باید بهمزه خوانده شود چون تو بوا الی بارئکم و بدون اضافه گاهی بیا و گاهی بهمزه خوانده شود هر که هر روز صد مرتبه بخواند انس و رحمت در قبر او نازل شود و هر که بنویسد و با خود دارد مظفر و منصور شود مداومت بجهت نتاج حیوانات و فرزند فایده عظیم دارد و بعضی بر آنند که حسد نزد دفتر بازه بماند عدد ۲۱۳

مربع المصور

٨٣	٨٧	٩٠	٧۶
٨٩	٧٧	٨٢	٨٨
٧٨	٩٢	٨۵	٨١
٨۶	٨	٧٩	٩١

چهاردهم المصور است یعنی صورت بندی کننده همه شکلها بدون مثال و نمونه و اندازه و عکس هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء هر کسیکه در حین مقاربت مکرر بگوید طفلی که از او بهم رسد خوش شکل و وجیه گردد هر زنیکه آبستن نشود هفت روز بخواند بعدد کبیر او که ۱۳۳ حامله شود وسطش ۳۶ صغیرش ۶ است و مربع او را با خود نگاه دارد

مربع البدر

۵۶	۴۶	۵٨	۵٣
۴١	۵٠	۵۵	۴٧
۵١	۶٠	۶	۵۴
۴۵	٩٧	۵٢	۵۵

پانزدهم الغفار است مبالغه در پوشانیدن است و بر این معنی است مغفر که بر سر میگذارند و اسنادش بحق تعالی پوشیدن آثار گناهان است یا ذیل رحمت خود جهة زوال وسواس صد او متش ماثر است چون خواهد امری مخفی بماند و بروز نکند سه روز هر روزی هفتاد بار بر دانه ریگ بخواند و در چاه اندازد و غفار ابلغ از غفور است عدد کبیرش ۱۲۸۱ هر که بعد از نماز جمعه صد مرتبه یا بعددش بخواند و بگوید یا غفار اغفر لی ذنوبی بیامرزد خداوند عالم او را و دارنده مربع او سالم باشد از جمیع ضرر رساننده ها

٣٢	٣٢۴	٣٢۶	٣١٢
٣٢۵	٣١٣	٣١٩	٣٢۴
٣١۴	٣٢٨	٣٢١	٣١٨
٣٢٢	٣١٧	٣١۵	٣٢٧

هفدهم الوهاب است مبالغه در هبه و بخشش است هر که ذکر او را بسیار بگوید عزا

و با الانابد ... شاید ... گرفتکو ... کند از احدی ... و از خدا ... و ان گربه ... و سطش ... نکند بان خیر را مگر انکه عطا شود بلو دفع حروف و عدد رقم او چهار ده اشاره بشفع است با فاضه جواد اما عدد لفظ او ۱۹ است اشاره بوتر است

ب	ا	ه	و
٧	۴	٢	١
٣٠	۴	۴	٣
۶	۵	٣	۴

عدد لفظ او

ب	ا	ه	و
و	ه	ا	ب
ا	ب	و	ه
۶	و	ب	ا

۱۷ هجدهم الرزاق است روزی دهنده و متکفل روزی هر ذی روح از برای دفع ضعیف و قوی کوکل

وبزرك موس وکافر وغیر ذلك مراد برزق جمیع اشیائی است که ازان منتفع توان شد از
پوشاك وخوراك واشامیدن وزن ومسکن وتنفس وغیر ذلك از منفعات وهرکه
مداومت کند بر او اسان وسهل میشود بر او رزق عدد کبیرش ۳۰ وسطش ۳ صغیرش ۳ هرکه او را
نقش کند در مربعی وحال انکه قمر در شرف باشد و ۳ درجه ثور باشد خداوند بر او اسان
کرداند کرداند رزق را وهمچنین هرکاه او را نقش کند بر خاتمی و زیادی کوئی او را در
در شب نیمه شعبان وصورت او چهار صد وهشتاد ونه است در لفظ

ر	رز	ا	ق
۹۹	۲	۱۳	۲۱
۱۲	۱۹۸	۱۲	۳
۴	۱۰۱	۱۹۹	۱۱

نوزدهم الفتاح است یعنی دارد اول حکم نماینده وقضا کننده ربنا
افتح بیننا ای احکم بیننا دیم کشایش دهنده کارها بعد از نماز صبح هر دو دست بسینه کرفته
هفتاد بار یا فتاح بکوید حق تعالی حجاب را از دل او بر دارد و از برای همه کار مداومت او
مفید است وهرکسی مضطر شود بحاجتی وذکر کند او را بعدد کبیرش که ۴۸۹ باشد بعد از
انکه دو رکعت نماز کرده که در هر رکعت تبارك الذی بیده الملك را بخواند وبعد از سلام این اسم را
بخواند بعد از تکبیر تکبیر کبیر پس از ان سوال نکند از خدا حاجتی مکر انکه خدا با او عطا
کند وباید تکبیر او روز پنجشنبه نزد طلوع افتاب باشد بار دوازده

ف	تت	ا	ح
۷	۲	۷۹۹	۸۱
۷۹۸	۷۸	۱۰	۳
٠۴	۹	۷۹	۷۹۸

در نقره بیستم العلیم است یعنی دانای بنفسه که میداند سرائر
وضمایر خلق را وپنهان نیست از وی مثقال وذره دانستن است
اشیا را قبل از احداث اشیا بعلم ذاتی حصولی که زیاد وکم نمیشود چون علم بندکان که بمرور
ودهور بهم رسد بعد از نبودن وزیاد وکم کردد واین دلیل است بر انکه ذات او نیز نعماء
با ذات بندکان نیست ونتوان کفت که او عالم بعلم است زیرا اکر قدم علم لازم میاید هرکه بسیار بکوید
ذکر او را خداوند او را مطلع کرداند از دقایق امور وخفیات اسرار هرکه بر صحیفه رزیق
معقول نقش کند در شرف عطارد که ۱۵ سنبله باشد خداوند او را ناطق کند بحکمت و

لطایف معارف را تعلیم او کند و
او را فضلت باین طریق بخشد حفظ

۲۰	۹۰	۴۰
غ	بم	ل
بع	۱۰	۱۰

وهرکه نقش کند مربع او را
در نقره ومشتری در شرف خود
باشد که ۱۵ سرطان باشد یا مشتری
در خانه خود باشد در حوت یا
قوس باشد خداوند او را فهم در
علوم شریعت عطا کند وبسیار
مناسبت ذکر این اسم برای کسی که
نامش علی باشد ابجد ولو او

ع	ل	ی	م
۳۹	۱۹	۲۹	۷۱
۲۸	۶۸	۴۲	۱۲
۱۳	۴۱	۳۹	۲۷

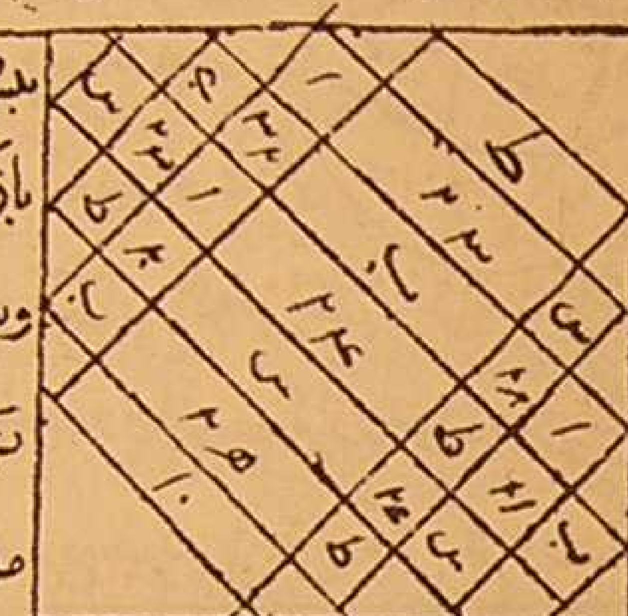
بیست ویکم الباسط یعنی پهن کننده
فضل واحسان ورزق بر همه افریدکان
لا سیما اغنیا هرکه او را نقش کند
بر انکشتری در ساعت زهره در
روز جمعه مابین طلوع فجر تا طلوع شمس
وان انکشتر را در دست کند فرح و
سرور وخوشحالی او زیاد شود و
هم وغم او زایل شود وهرکه او در
بر ببند دوست دارد وهرکه مدد

دفتر با کریخته تا بین خدای

ا	ع	ی	د
۵	۹	۷۱	۳۱
۶۸	۳۸	۶	۲۱
۱۱	۷	۳۷	۶۹

[illegible]

کند یا باسط را خداوند بسط دهد روزی ظاهر وباطن او را وزنده بدارد دل او را بنور علم
واین ذکر اسرافیل صاحب صور است ورد کبیرش ۷۲ وسطش وصغیرش تربیتی دارد جلیل که در
او مثلثی عددی باشد واکر وقت نقش انکشتر یا خواندن او زهره در شرف خود باشد اکمل است



بیست ودوم القابض ماخوذ از قبض است بچند معنی اول
بازکرفتن زیرا که حق تعالی روزی وسیر از فقرا باز کرد
وبعوض ان ثواب دهد یا روح را از صاحبان روح باز کرد
دیم تنك در مقابل باسط والله یقبض ویبسط سیم بمعنی
ملك وبر این معنی است قول حق تعالی والارض جمیعا قبضته
هرکه مداومت کند بر این ذکر هیبت وجلال وغالب شود واحدی تاب مجالست او را نداشته
باشد هرکه در صفحه رصاصی سیاه نقش کند وزحل در شرف خودش باشد که ۲۱ میزان باشد
یا در خانه خودش باشد که جدی یا دلو باشد وبخواند او را بعدد کبیر او ۹۰۳ است وبکوید
اللهم اقبض علی فلان قلبه وسره در همان وقت دعایش مستجاب شود هرکه این اسم را با
اسم حفیظ چهل روز بر چهل لقمه نان بنویسد وبخورد ایمن شود از مرض جوع مادامی که زنده است
وخواندن او وجه باقی ماندن مال در دست فایده عظیمی دارد مربع او

۲۹۸	۲۰۵	۳۰۰	ق
۲۳	۲۰۱	۲۹۹	۱
۲۰۲	۲۹۷	۲۰۴	ب
ق	ا	ب	ص

بیست وسیم المعید است یعنی رجوع دهنده وبر کرداننده ارواح
با جسادنا مثلا هرکس این اسم را بخواند بعدد کبیر او که ۱۲ است خداوند
باصلاح بیاورد جمیع مفاسد او را وبر کرداند با او هرچه از دستش
رفته است وهرکاه مربع او را بنویسد طالع یکی از بروج منقلبه که حمل وسرطان ومیزان
وجدی باشد واین اسم اکر با معید باشد تمام شب بخواند بجهت کریخته یا مسافر وان مربع چهار در
چهار را بروی باد بیاویزد پیش از خواندن ان کریخته یا ان مسافر بر کردد با همان مکانیکه از ان مکان

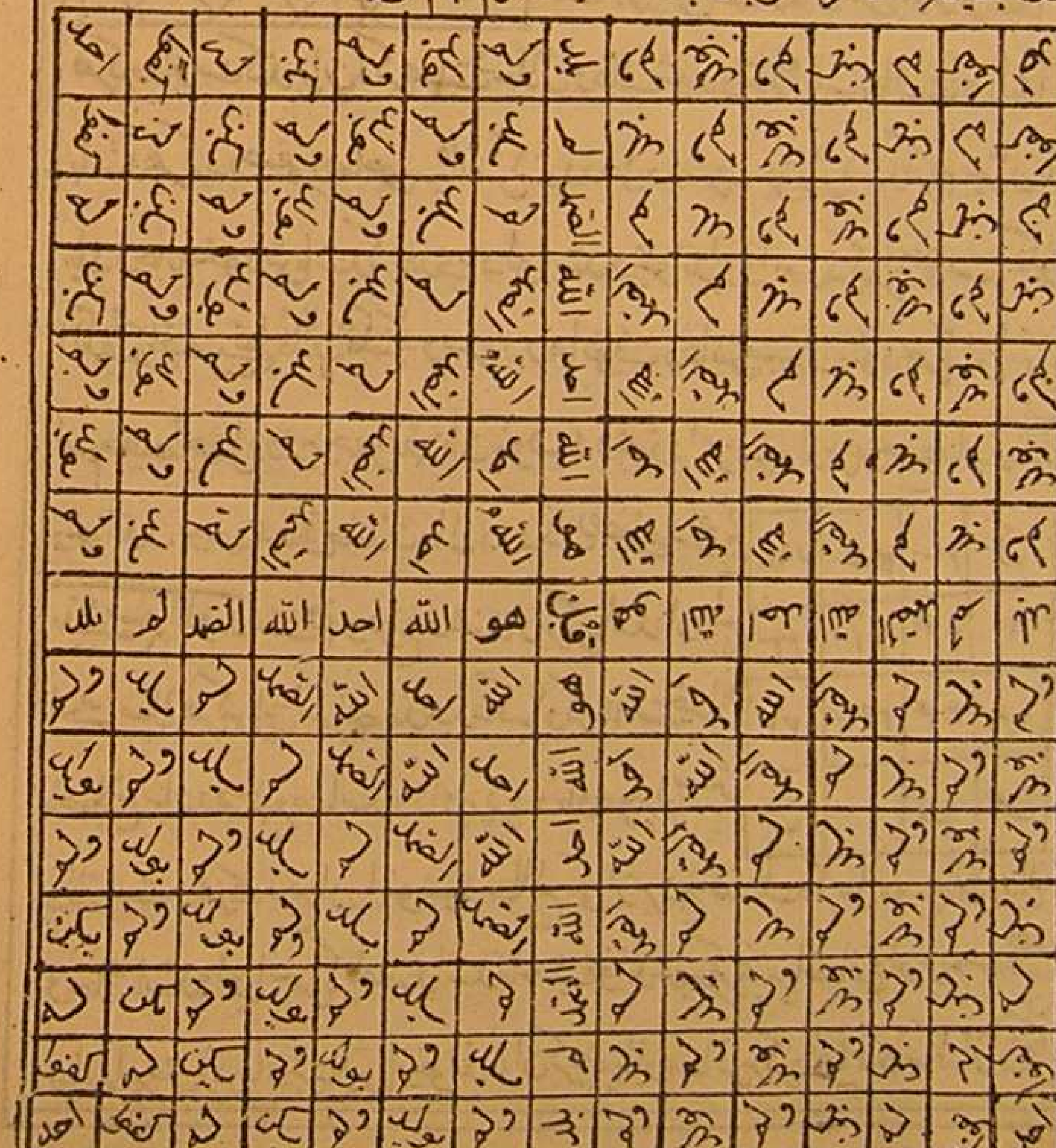
شرح وخواص احد

وازاو مرتبه ارتفاع ازاسرار دلیل جلیل
بالتکرار ابیه مع انوار صفا وبیرابست مصغی ممیز ببا
ناقیه وانوار بردن از اثبات وبعضی از اکثر اعظم متکلمان ونصیب
نکاه دار نده از اثبات شود زیرا که از اعظم رضع وزینت
ورثه باید نوشت دانم ه تا بتواند ضعف اورا دفع در شرف مربع
درنوشتن بهتر بود از اوقات دضع او در شرف صاحب وصعود
که روبیت دصفتم جدی باشد صاحب وسکان واقوال
که مظهر است درجمیع حکمات درشرف زحل
مهنطر است زیرا اهل ندارعت دردوزها دوزیش را
بولیسند ازبرای اهل ندارد ودرد روزها درفع درشرف زحل
که بیت ونیم میزانست درد روزها دوزیش را
دلیاعت ازبرای علماء واحکام شرع درشرف ناصر
انجاز کند وانزبرای امرا واولیکان باشد ودرد روزها درفع وساعت
که آفتاب سلطان باشد وازبرای امرا واولیکان مرضی بیشتر دارای
چهارم روز وانزد روزها دوزسرنیکی که نوع عم حکماء واو برای
انجاز کند وانزد روزها درشرف شمس که ساعت اول وبرای
سلاطین وصاحبان وزیر زنانست بکشند ساعت اول وبرای
دوازدهم وزنهار دوزنده واطفال ونسا که درجزو شرف زهره
زنان واطفال که در برج حوت باشد صدرود
وبرج حوت است وروز
اوروز

درسیه که عدد حروف او ست میشود نود وسه وهرکاه بکذاری اورا در مثلث که نقش شود
درصفحه از رصاص هنکامیکه زحل در شرف خود باشد که ۲۱ میزان باشد ایمن میشود حامل



او از معاندین وغالب میشود بر جمیع مخالفین خود وهرکاه این صورت را
نقش کنی بر انکشتر حدید وقتی که قمر در یکی از بروج ثابته باشد
که ثور واسد وعقرب ودلو باشد ودر انکشت کند در قوت باه وکثرت
جماع بی عدیل شود وعدد او بعدد سوره توحید است زیرا که معنی احد بر نفی است که هیچ نفی
دراو نیست واز برای سوره توحید مربعی هست پانزده در پانزده هرکه اورا بنویسد بر پوست آهو
در شب نیمه شعبان عطا کرده شود جاه وبلندی در دنیا وهمه مردم چشم کسی با او نخورد مکر آنکه او را دوست دارد



دوم جمعه ساعت اول وبرای وزراء واهل حساب در شرف عطارد که ۱۵ سنبله است دوم روز
دوشنبه ساعت هفتم از روز بیست وپنجم صمد است عدد کبیر او ۱۳۴ وسطش هفده صغیر ۸
وصمد چون در غیر خدا استعمال شود بمعنی صاحب پر بود بنسبت وامام در خدا بمعنی اطلاق شود
او که بمعنی سید وبزرگ دائم بمعنی قصد کرده شده در حوائج ونوازل وپناه در همه امور
ماخوذ از صمدت هذا الامر ای قصدته سیم معنای انی که با ذات همه اشیا است در
عدم جسمیت وجوهریت وغیر ذلک در حین نزول بلا واحتیاج وبرهم خوردگی کارها
خواندن آن بتجربت رسیده هرکه صاحب حال صادق باشد وبسیار ذکر یا صمد کند حوائج خلق
بر میکردد بسوی او وختم کامل او در خلوت چهل روز با روزه روز وبیداری شب
که اصلا افطار نکند در این چهل روز ونخوابد در این چهل شب وبسیار بکوید این اسم را
مستغنی میشود بدولت تمام واو راست مربع جلیلی که این صورت است

هو	الامام	احد	جلیل
۷۴	۱۲	۳۸	۱۰
۳۵	۹	۷۵	۱۵
۱۴	۷۶	۸	۳۶

وهرکه نقش کند صمد را در صفحه رصاص ودر کردن بیاویزد ایمن میشود
از احتلام مادامیکه در کردن او باشد وهرکه بنویسد صاد صمد را
نود مرتبه وبر عصابه بیاویزد وببندد بر سر آن سر نبندد اکسیکه صداع دارد بری
میشود واکر بنویسد الصمد را وبروغن زیت بشوید وکزیده شده بدهد بیاشامد از الم
زهر ایمن کردد بیست وششم سمیع است بمعنی اول شنونده سخنان سر وجهر که یکسان باشد نزد او
نطق وسکوت خلق وقبول کننده واجابت کننده دعای اعیان چنانچه سمع الله لمن حمده
واین اخص از معنی اول است سیم دانای بمسموعات از اصوات وحروف وترکیب کلمات
خواه بمنصه ظهور آید یا نیاید چهارم عالم بهر معلوم اعم از اصوات وکلمات وغیرها هرکس این ذکر را
در آخر هر دعای بخواند دعایش مستجاب شود وهرکه نقش کند بر انکشتر نقره هنکامیکه قمر در شرف
خود باشد که سیم ثور است وبسیار ذکر کند مسموع القول شود نزد همه مردم برای خطاب وعظ این ذکر

خواص اسماء الحسنی

صلاحیت دارد که تاثیری در بند
انها پیدا شود این است مربع او

س	م	ی	ع
۷۱	۹	۴۱	۵۹
۳۸	۵۸	۷۳	۱۲
۱۱	۷۳	۵۷	۳۹

وهرکه نقش کند اورا در مثلث
صاحب فیض وبلند مرتبه نزد خلق
شود وسخن اورا عوام وخواص
قبول میکنند وبر دشمنان غالب
شود وباید ما بین طریق نوشته شود

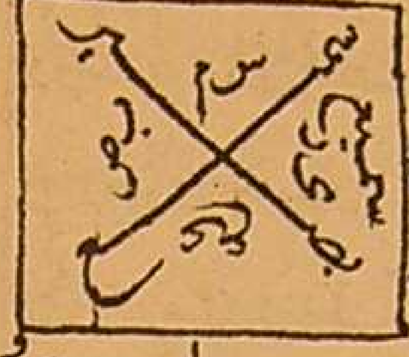
رن	دس	طن
س	بس	حن
اس	وس	جس

ع	ظ	او
ای	زی	طد
طل	اع	ی

بیست وهفتم البصیر است بسیار مطلع
بر همه چیز دیده می تواند شد بدون
آلت بصر بیننده چیز از نظر مخفی است
از جهة دفع رمد وشبکوری
وسایر امراض چشم ودفع فساد
قلب مداومت نماید بوی که در
سمیع وبصیر هر ذکر جلیل القدری
هستند هرکس اورا در روز صالحی
نقش کند وببندد بر بصر وی
در ساعت آفاقه شود بعد از آنکه
این اسم را هفتصد مرتبه بخواند وهرکه

باب ۲۳ برای درد گوش و باقی ماندن اسم و وسعت روزی

نقش کند بر انگشتری طلا و آفتاب در شرف خود باشد و انگشتر را در دست کند لغات جن را بشنود و ارواح مطیع او شوند باین طریق وضع کند او را در خاتم و هر که بنویسد بر کاغذ قرمزی و بگذارد در گوش خود خداوند عالم بگشاید سامعه او را و روزی او کند فهم و حافظه و هر گاه باین طریق بنویسد و ببندد ارزد در روغن گل و بمالد بگوش عافیت یابد باذن خدای تعالی و اینست صورت



وورد کبیر صد بیست و سی و دو وسط صد سی و دو صغیر بیست صح

ب	ص	ی	ر	س	م	ی	ع
ی	ر	س	ع	ن	ص	م	ب
ی	ی	ع	م	ص	ر	ب	س
ص	س	ر	ی	ی	ب	ع	م
ر	ع	م	ص	م	ی	س	ی
ع	ی	م	ب	ب	س	ص	ر
م	ب	ص	س	ر	ع	ی	ی
س	ی	م	م	ع	ی	ر	ص

مبنی و هشتم المقتدر است هر که بنویسد مقتدر را و بیاویزد بر کشتی از هلاک شدن ایمن شود و هر که چهل مرتبه او را بگوید از هر بلائی ایمن شود و محض او را اگر بر کردن اسب بندد پیشی گیرد بر سایر اسبان و باین طریق باید وضع کرد

مبنی و نهم الحی القیوم یعنی زنده بذات خود که محتاج نیست بجائی که بان زنده گی کند و راه نیابد باو موت و فنا و وردکبیر ش و وسط و صغیر و قیوم یعنی دایم القایم که امور خلایق از قبض و بسط و رتق و فتق باو است چنانچه اگر یک لحظه واگذارد همه آسمانها و زمینها و من فیهما برهم خورد چنانچه موسی بعرض رسانید که خدایا خواب داری فرمان رسید که دو شیشه را پر آب کن و شب در کف نگهدار چنان که خواب بر وی مستولی شد شیشه برهم خورد و شکست هر که حی و قیوم نقش نگین کند ذکر او میان مردم بماند بشرط آنکه روز جمعه وقت طلوع آفتاب رو بقبله با طهارت و ذکر نقش و روزی او را وسیع کند و علم او را باقی بدارد هر چند کم باشد و هر که ترکیب کند و فوق او را اکر صد و هفتاد

م	ق	ت	ر	ر
د	ر	م	ق	ت
ق	ت	د	ر	م
ر	م	ق	ت	د
ت	د	ر	م	ق

(حاشیه)

ح	ی	ق	ی	و	م
م	ن	و	ح	ی	ی
ی	م	ی	و	ق	ح
ی	و	ی	م	ح	ق
د	ح	م	ق	ی	ی
ن	ی	ح	ی	م	و

و هر گاه وضع کنی او را در مربع بنجگانه و در وسط او لفظ جلاله بگذاری در زهره در شرف خود باشد

ح	ق	ی	و	م
۵	۱۴	۱۹	۳۹	۴۲
۴۸	۱۷	الله	۴۱	۲
۴۹	۲۰	۱۵	۴۳	۴۷
۱	۳۴	۲۴	۲۵	۳۳

خداوند عالم میرساند ذوق و دل داسان می کند مشکل او را و منور می کند قلب او را و نیکو می کند خلق او را و بنظر احدی عاقد باو مگر آنکه او را دوست دارد و اگر بیشی گیرد بکار صعبی مخلوط بماند خود و مال و عیال و از خدا سؤال نکند چیزی مگر آنکه خداوند باو عطا نماید و هر که قدر او را ببیند خداوند عالم بی نیاز

ح	ق	ی	و	ا
ح	و	ی	ط	
۵	۱۴	۱۹	۳۹	۲
ی	ط	ح	ق	
۴۲	۱۷	هو الله	۴۷	۴۷
ط	ی	ق	ح	
۴۱	۲۰	۱۵	۴۳	۹۷
ی	ح	ط	ی	
۱	۲۳	۲۴	۲۵	۳۲

بکردانند باین اسم او را از غیر خدای تعالی و این است تکسیر از برای این اسم هست که از تکسیر آنها بعد از تداخل تکسیر حروف کلمات مسطوره پیدا شود که این کلمات موازی کلمات معجمات است که اگر اضافه شود این تکسیر با آن صورت ظهر الفعل علی اتمه و کذا سایر الاسماء هر چه خواهی جمع می کنی میان خواص حروف در ضروب و اقسام تکسیر چون تکسیر امتزاج طبایع حروفست بعضی ببعضی و جمع می کنی میان خواص اعداد در ترتیب طبایع ایضا که خدا داد. ان طبایع اگر آن اثر جامع طبیعت است مثل اینکه از حی اراده حیات هر چیزی شود و از قیوم قیومیت از برای هر چیزی اگر عنان مطالب بسته شود مرکب مراد مرد بمراد و بهدف رساند فلتنقبض العنان فللمبدر ان ازان و تعیها اذن واعیه طریق تکسیر بنا بر آنچه علمای این فن نوشته اند اینست که حی و قیوم را تکسیر کنی بدین صورت الف لام حای ال ف لام ی ا واو م یم و اگر مکررات اسقاط کنی از حی شش حرف میماند الف م ح ی و اگر مکررات القیوم را بیندازی هفت حرف میماند ال ف م قی و مو از ضرب هفت در شش حاصل می شود چهل و دو حرف و اینست صورت جدول

	ی	ح	م	ف	ل	ا
ا	ا	ل	ف	م	ح	ی
ل	ل	ظ	ت	ر	م	ص
ف	ف	ث	ت	د	م	ض
م	م	ر	د	خ	ک	ث
ق	ق	غ	ع	ع	ض	ی
ی	ی	ش	ص	ت	ف	ق
و	و	ف	ف	م	ح	س

پس درست ملاحظه کن و تدبر کن تا خط و بهره وافری ببری از آنچه علماء ربانیون و حکماء روحانیین فهمیده اند و معنی تداخل تکسیر اسقاط مکررات است که بعد از اسقاط آنها آ حرف باقی میماند ا ت ح ک ل م و ی خ ف ط ش ص ض غ ف ق و از این حروف بیست و نه حرف بیرون آید هر حرفی اسمی از اسماء الله الحسنی الحی الخفی الخلاق الرحیم الرؤف

(حاشیه)

السلام
الکافی النافذ المحیط
الشکور النصور الفضل الغفار التقی
الغفار الکریم الحکیم الغافر الغافر المالک
الفتاح القیوم القوی الکافی المالک الملک معدود حروف
الملک الوکیل الوالی الغنی امدادکلمات عوارض
معجم است و مراد از بیرون و اغیر مصحفا است تخریج
کلمات معجم است و هذا اصل بارزاید بدیع
از اسماء ابن عدد است القدیر یعنی مطلق
و بنا بر دیع تمام القاک القدیر ابن جا وضع
ذکر شد و غرض از ذکر شرح دران جا ضبط جمیع
او باقی باز است و نظام مرشد انرا با لسم او را وفق
هم وارد است هر که نقش کند بر لوح از نقره و به
که شد در شرف باشد سلطان ملک او دل بالید باو
در بلای خانه سلطان بدر ارکان دولت بلکشی
در مدت حیات او ترتیل ید دران است مشغول شود
بدانکه دوام ما قبلی بحق و دری ونیکو نام انتسلیم
علیه است بهم و معقل اتصال ازو اما و
حصن بجی بطلب فکر امکان نباشد
مع کی امکان باشد
ابنا اعمام و

برای حصول مطالب و رفع خوف و الم

صورت لوح منقوش

م	ل	ك	ق	د	ی	ر
د	ی	ر	م	ل	ك	ق
ل	ك	ق	د	ی	ر	م
ی	ر	م	ل	ك	ق	د
ك	ق	د	ی	ر	م	ل
ر	م	ل	ك	ق	د	ی
ق	د	ی	ر	م	ل	ك

قادر در وقت وضو بسیار گوید بر خصم غالب شوند
سی و یکم المتعالی یعنی صاحب سلطنت بر همه اشیاء و منزه
از صفات مخلوقین از تجسم و تجزیه و حلول و غیرها و بلندی
دارنده و عالی از آنکه وساوس شیطان و جهال در راه
بلندی او خوض توانند کرد و مثل و مانندی برای وی تمام
توانند تعالی عما یقول الظالمون علوا کبیرا بهترین
اسماست از برای همه مطالب خصوصا در طلب نعمت و شان هر که بسیار بگوید احدی برابر او بلندی نتواند
نمود و صالح است این اسم از برای کسیکه محاکمه یا مخاصمه داشته باشد و هر کسی که مربع او را در رصاص
نقش کند وقتی که زحل در شرفش باشد یا در خانه اش و ذکر کند این اسم را بعدد خود بر قاهر شود بر
هر که مقاومت کند با او و این اسم از اسماء جلیله است مربع صغال

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۱۴	۹۷	۱۰۵	۹۳	۱۰۱
۱۰۸	۹۱	۱۱۴	۱۱۲	۹۶
۳	۱۱۰	۹۸	ع۱۰	۹۴
ع۹	۱۰۹	۹۲	۱۰۰	۱۰۳

سی و دوم الحفیظ فعیل بمعنی فاعل یعنی حافظ و نگاه دارنده
اشیاء از چیزیکه مستلزم فنای او باشد تا وقتیکه مقرر
گرداند و حفظ باین معنی که بر خلق اطلاق کنند اسناد آن
بجناب اقدس الهی داده میشود چه حفظ بندگان نگاه داشتن چیزیست به خاطر و ورد کبیر او ۹۹ وسط
اسمی است سریع الاجابه از برای کسیکه بترسد در سفر در منازل خوف همیشه بخواند و همچنین در هر
جای مخوف و بیمناک خداوند نگاه دارد باو بدی نرسد و هر که نقش کند
در انگشتر نقره و بگرداند عدد شرا و فق بکسیر او حروف دور نگین
در باطن خاتم اگر بخواند در محل جانوران درنده نرسد باو آسیبی
دیگر و هم بنویسد بعدد او یا حفیظ احفظنی باین صورت بر طرف نعل
و از برای او مربع دیگر است که باید وضع او بطریق سر و تداخل باشد

ح	ف	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف
ظ	ی	ف	ح
ف	ح	ظ	ی

یا حفیظ احفظنی

۲۴۲	۲۵۵	۲۹۲	۲۲۹
۲۳	۲۲۸	۲۲۸	۲۴
۲۴۷	۲۵	۲۳۷	۲۲۲
۳۵	۲۴۵	۲۴۶	۲۶۱

کرد وضع کوی او را در شرف شمرد
باخود نگاه میدارد نگاه میدارد
نگاه دارنده خود را از هر بدی و آفت

ح	ف	ی	ظ
۱۰۹	۹	۸۱	۷
۷۸	۶	۹۱	۱۰۲
۱۱	۹۳	۵	۷۹

سی و سیم النور یعنی منور است
یعنی روشنی دهنده و مقصد مجرد
در مقام اسم فاعل برای مزید مبالغه
و الا او سبحانه را نور حقیقه نتوان
گفت چه نور کیفیتی است که باصره
ادراک میکند و گفته اند یعنی
نور کننده نور است مسمی بفعل
خود شده عدد کبیرش ۲۵۶ و
وسط اسم صغیر گویند این اسم را با
اسم هادی وقتی که سیر باشد بگوید
باین قسم اهدنی یا هادی و اخبرنی
یا خبیر و بین لی یا مبین هزار
بار بگوید باعث نور دل شود ظاهر
و باطن مجربست و اگر مداومت کند
بر این اسم خداوند دل او را نورانی
کرداند و او را بجا آورد
... کرده و صفای باطن هم رساند
و مربع جلیل القدر که در شرف

برای مهربانی و وسعت روزی و عزت

۴۶	۷۷	۷۵	۴۴
۷۱	۶۵	۶۱	۶۵
۶۳	۶۷	۶۹	۵۷
۷۲	۵۳	۴۱	۷۰

شمس بنویسند با غیر دوام ملک سود باسم نافع آن مربع او بدین
صورت در او است چون غیر او ملک ظاهر او اینست مربع او
سی و چهارم الرؤف یعنی مهربان و بسیار گفتن این اسم سختی را از دل
زایل میکند هر کس بسیار یا حلیم یا رؤف یا منان گوید و تر بظالمی ورد برای وی ذلیل شود
ورد کبیر او ۲۸۷ وسط سیوم صغیره و هر که جمع کند میان مربع
حرفی او و مربع عددی او در یکمربع هنگامیکه در شرف خود
باشد محبوب نزد جمیع خلق شود و این صورت آنست



سی و پنجم الکریم هر که نقش کند مربع چهار در چهار او را
وقتی که قمر در شرفش باشد بر انگشتر نقره و در دست کند
خداوند در روزی او وسعت دهد و هر که نقش کند روز
جمعه در ساعت زهره بر نگین زمرد و انگشتر نماید و صد و هشتاد
و نه مرتبه بخواند و انگشتر را در دست کند با زصد مرتبه
بخواند و از خانه اش بیرون رود البته بیابد کسی را که با او چیزی و هر که جمع کند میان اعداد او حروف و بهمین طریق
در یکمربع اسرع و اقرب بود و اثر است کریم بمعنی عزیز است و طویل الاحسان برای گرامی بودن مدامت
نماید سی و ششم ذو الطول است هر که هفت ذی الطول بنویسد در هفت ساعتی از روز هفتم
ماه بهر نیت که بخواهد بخواند با طهارت خداوند از برای او آسان گرداند رسیدن بمقصود دیگر
و هر کس مسبع حرفی او را بنویسد بر پوست ماکی
با زعفران و بعد در روز جمعه ساعت اول او
یا دیم ملحق کند با مسبع حرفی مسبع عددی
هموم و غموم او رفع شود و برای الفت و دوستی

ذا	۱۸او	۱۳۶	۱۳۵	۴۵ل	۳۲د	۳ل
۴۹	۱۰و	۷ل	۲۷ذ	۵و	۱۱ه	۳۲ل
۴۱د	۱۲	۱۹ل	۲۹و	۴۲و	۱۴ل	۲۴ذ
۳۳و	۴۳ل	۱۱ذ	۲۸و	۳۸و	۴ل	۵ا
۱۲۵	۴۲ل	۳ط	۲و	۳ل	۴۷د	۸و
۱۷ال	۳۴	۴۴	۱۱۲	۲ل۲	۳۹ط	۷و
ول	۱۰ط	۴۰	۴۴ل	۱۱	۱۳و	۱۲۵۸

سی و هفتم ...
هر که بسیار ذکر او کند ...
... و ورد کبیر او ۲۷ و صغیر الغنی ...
باین صورت

۲۵۷	۲۷۱	۲۶۸	۲۶۴
۲۶۹	۲۹۳	۲۵۸	۱۱۵
۴۲	۲۲۶	۹۷۳	۱۵۹
۲۷۲	۲۶	۲۶۱	۱۶۷

سی و هشتم ... عدد او ۱۱۱۱
المغنی ... و مغنی ...
...

بعد از او و بعد بخواند اللهم یسر علیّ فی الیسر الذی یسرته علی کثیر من عبادک و مواظبت نماید بر این طریق هر روز خداوند بفرستد بر او کسیکه او را تعلیم حکمت نماید یا در خواب یا در بیداری و هر که مربع او را نقش کند بر انگشتری در ساعت زهره در میزان باشد و آن انگشتر را در دست کند هر که او را ببیند دوست دارد او را و هر که هر روز بخواند هزار و صد و یازده مرتبه یا مغنی تا یازده روز که عدد او است با حرف ندا خداوند حق او را بی‌نیاز کند و هر بدی از او بر دارد از خدا چیزی طلب نکند از اسباب مگر آنکه خداوند باو عطا نماید هر که مواظبت نماید بر این ذکر مستجاب الدعوة شود

ی	ن	غ	م
۴۱	۹۹۹	۵۱	۹
۵۲	۱۳	۳۸	۹۹۸
۹۷	۳۹	۱۱	۵۳

سی و نهم و چهلم الودود و الحبیب است ماخوذ از ود بمعنی دوستی است یعنی دوست دارنده بندگان صالح خود و دوستی او سبحانه راضی بودن از ایشان و قبول اعمال صالحه ایشان است و حبیب بمعنی محبوب یعنی بسیار دوست داشته شده هر که قرار بدهد اسم ودود و حبیب را در مثلثی که در مرکز او جواد باشد در باطن مربع بود و شش و نود و سوال باشد از حبیب و ودود چشم احدی بر صاحب او نمی افتد مگر آنکه او را دوست بدارد و هر گاه میخواهد وضع کند این شکل جلیل القدر را باید در ساعت اول از روز جمعه باشد و زهره در شرف خود باشد پس از آن مواظبت کند بر ذکر این دو اسم تا چیزهای عجیب و غریب ملاحظه کند و ابن



چهل و یکم لطیف است یعنی رفق و نیکوئی کننده ماخوذ از لطف بمعنی مکرمت چنانچه گویند فلانی لطف بفلانی دارد و بمعنی آفریننده خلق کوچک چون ذره که در نظر نیاید و تسویه اعضاء در آن مانند خلق عظیم جثه خلاصی از شدت و هم بخواند و اگر مجموع آیه الله لطیف بعباده را تا آخر بخواند فایده اثر بیشتر است

شرح خواص اسماء الحسنی

عدد کبیر ... مرکب ... بطن الکف ... و سلطنت ... جمیع امور ... وسعت ... بخواند در ... جمیع ... و سبب ... باو میدهد ... و دعا ... و هر که ... معلق است ... عوض ... حبیب ... دارد ... صورت او را ... و هر که وضع کند او را

ف	ی	لط
۲	۴۳	۸۴
۴۷	۷۶	۶

مربعی که خاتم او از نقره باشد بوضع الداخل هنگامیکه ماه در شرف خود باشد و در دست کند صاحب کرب می‌یابد خلاصی لطف و عنایت هر چند کرب او از شدت مرض یا مقهور بودن از سلطان باشد و هر که زیاد ذکر کند او را خلاص می‌شود از هر مکروهی و این صورت

ف	ی	ط	ل
۳۱	۸	۱۱	۷۹
۱۲۱	۸۲	۲۸	۷
۶	۲۹	۸۱	۳

و هر که بنویسد در جائی و



و از آب و عسل او را بشوید و بخورد از مرض شفا می یابد و هر که جمع کند میان مربع عددی و حرفی و این طریق بسر بعز است در اجابت چهل و دوم الواسع است یعنی فراوانی دهنده بر اسباب معیشت بندگان و دفع فقر کننده از ایشان و بمعنی مغنی و غنا است زیرا که غنا را وسعه گویند فلان یعطی عن سعته ای من غنی و بمعنی جد و اهتمام کننده در مقدور خود چنانچه گویند انفق علی قدر وسعک و این مبالغه عظیم است در بخشش او سبحانه چه توانائی عنی متناهی هر که این ذکر را بسیار بگوید خداوند وسعت رزق باو عطا فرماید و علم او را زیاد کند و اجل او را تا آنچه اندازه در مربع او همان صفت دارد

ع	س	ا	و
۵	۲	۵۹	۷۱
۵۸	۶۸	۸	۳
۴	۷	۹۶	۹۷

چهل و سیم الشهید یعنی شاهد و مطلع بر همه اشیاء که هیچ چیز از وی مخفی نمانده و بمعنی علیم و عالم است چنانچه شهد الله بمعنی علم الله است و هر که چیزی از او گم شده و غایب بر چهار گوشه کاغذ شهید الحق بنویسد و نام گمشده یا غایب را در وسط کاغذ بنویسد و نصف شب در زیر آسمان آید و نظر در آن کند و هفتاد بار این دو اسم را بگوید البته پیدا شود و در کبیر شش ۱۹۰ عدد وسط ۴ صغیر ۴ و هر که طالب شهادت است و همچنین مشاهده است باید زیاد بگوید این ذکر را

کهیعص	طه	یس	حم
۴۱	۴۹	۱۵	۱۹۴
۱۲	۱۹۳	۴۲	۷۲
۱۳	۴۳	۱۹۲	۱۳

چهل و چهارم نعم المولی و نعم النصیر هر که بسیار بگوید این ذکر را ظفر میبابد بر دشمنان در جمیع حرکات و سکنات و از خدا چیزی نخواهد مگر آنکه باو عطا کند چهل و پنجم و ششم القوی و المتین است یعنی قادر بر هر که قدرت بر چیزی یافت قادر بر آنست چه او سبحانه جامع جمیع افراد قدرت است هر که بنویسد این دو اسم را بر لوحی از آهن هنگامیکه مریخ در شرف خود باشد پادشاهان مطیع او شوند



در کلاه صورت نقش

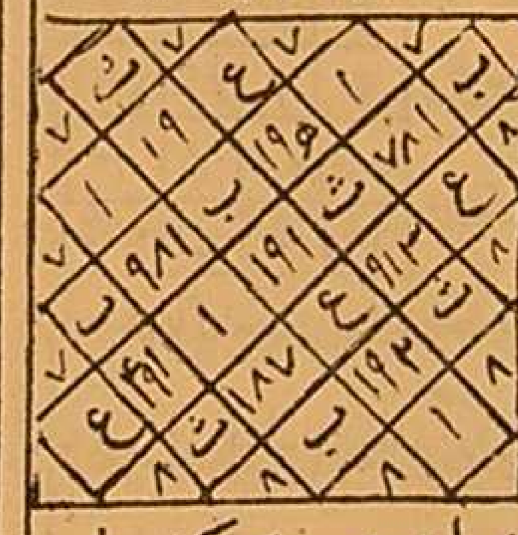
شرح خواص اسماء الحسنی

و هر که ... بنویسد ... هنگامیکه مریخ در شرف خود ... دشمنان ... باشد در جنگ ... غالب می شود ... و هر که بنویسد ... دو شرف خود باشد ... و در یکشنبه ... چهل و هفتم الولی ... و با جمیع ... هم مخلوقات و ملوکات ... بر کرد ... طول عمر ... نیکان ... و هر که ... عمر ... کند ... و او ... بیند ... نیاز ... ابرار

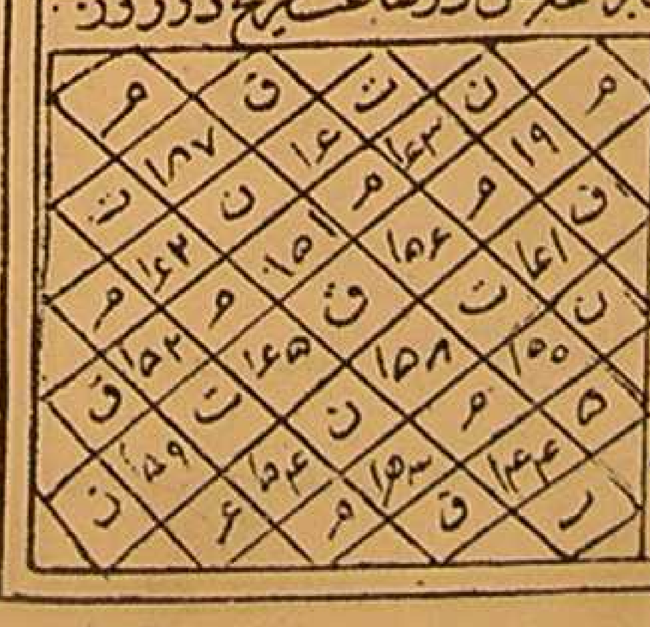
برای غلبه بر خصم و توفیق بر طاعات

و	ا	ر	ث
۵۱	۱۹۹	۲	۵
۳	۸	۲۹۸	۱۹۸
۱۹۷	۲۹۹	۷	۴

وارباب وراثت نیز باید بسیار بگویند و او وارث بعیت با بیطریق
چهل و هشتم الباعث یعنی برانگیزنده خلایق بعد از فوت
در قبر برای سؤال و در آخرت برای جزا و فصل قضا و باقی
بودن در دار بقا و برانگیزاننده پیغمبران برای نمودن راه هدی هر که در وقت
خواب صد بار یا باعث بگوید و دست خود بر سینه بکشد خداوند دل او را زنده کرداند
بنور معرفت این ذکر صلاحیت دارد از برای کسیکه ضعیف شده باشد عزم او در کار خود
و هر که بسیار بخواند استیلاء حیوة و صحت بدن و حفظ قوی از برای او پیدا می شود هر گاه
اراده خواندن کند جامهای نظیف بپوشد عود و مثل و قرنفل دود کند با خلاء
معده و طهارت بخواند تا حالتی پیدا شود که خداوند مدد کند و برانگیزاند تا با فعال
طاعت و ورد کبیرش ۵۷ و سطش ۵۴ صغیرش ۴۶ مربع حرفی و عددی او



چهل و نهم المنتقم است انتقام کشنده از ظالمان هر که بسیار
بگوید و بر ظالمی نفرین کند همان ساعت نفرین بگیرد و این یکی
از اذکار قهریه است که ذکر حضرت عزرائیل است و مربع جلیلی
دارد که قرار سید هند در مربع عددی که احاطه بر مربع حرفی باشد مخصوص وقت کندن او
و فتح است که مربع در شرفش باشد مظلومی اگر با خود داشته باشد ان مربع ابعد از انکه ذکر
کند او را فی الحال بارش سید هند و هر که نقش کند بر صفحه آهن در ساعت مریخ در روز سه‌شنبه
در ساعت چهارم و هفتصد و سی مرتبه بخواند در حالی
که بروی شکل بنظر جلال بر ان نظر کند نفرین کند بر ظالم
همان ساعت نفرین بگیرد و اینست صورت شکل
پنجاهم التواب یعنی بازگشت کننده برحمت خود



در معنی هدایت و توفیق و بنیاز از خلق

رسول	علوی	ولی	منجی
واف	مبین	الوکیل	ضبط
صاحب	عدل	مبری	محمود
کافی	مانع	منجد	کهف

تا المهیمن پنجاه و یکم الوکیل متولی و متوجه و قایم بحفظ بندکان
و معتمد و ملجا زیرا که توکل بمعنی التجا و اعتماد نیز آمده و مروی است
که حد توکل آنست که با وجود خدا از غیر خدا نترسد و کفیل روزی
بندکان و قایم بمصالح بندکان چنانچه گویند حسبنا الله و نعم
الوکیل ای نعم الکفیل برای ایمنی از دشمن و غرق و حرق و حفظ بدن بسیار نافع است و
هر که مداومت بر او کند خداوند او را بینیاز می‌کند و دل او را منور بنور ایمان می‌کند و مربع
سخ در نیخ دارد هر که نقش کند او را بر حجر از رخام و عقرب طالع باشد و بگذارد در خانه
نماند عقربی و ماری و نه چیزی از حشرات ارض مگر آنکه
گریزند و ورد کبیرش شصت و وسط ۱۲ صغیر ۳ مربع اینست

۱	۱۴	۲۴	۲	۱۸
۲۶	۸	۱۶	۴	۱۲
۱۹	۲	ه	۲۴	۶
۱۳	۲۲	۹	۱۷	۵
۷	۴	۳	۱۱	۲۶

پنجاه و دویم الهادی دلالت کننده و ارشاد نماینده بمراد خود
بعقول و الهام و دلایل و اعلام و بنای معنی از بر دو نوع است
اول هدایتی که او را بالذات بدون توقف بچیزی بر خدا واجبست و لازم عدالت و
مناط تمامیت حجت است بر خلق و مبادی آن چهار چیز است اول افاضه قوت عقل و قوای آن
از قوای ظاهری و باطنی دویم نصب ادله تمیز دهنده میان حق و باطل سیم تعلیم بندکان بان دلایل
بانزال کتب و ارسال رسل چهارم کشف اسرار دقایق از دلها که مفهم کند و این نوع ارا ارائة
طریق گویند دویم هدایتی که موقوفست بر قابلیت هر کسی و بر خدا لازم نیست افاضه آن بلکه
تفضلی است بهر که خواهد کند و بنای آن بر سه وجه است اول هدایت عام و آن راه یافتن
جمیع مخلوقات است بجلب نفع و دفع مضار دویم هدایت خاص که مختص مؤمنان و عبارت
از راه بردن ایشان بدرجات جنان سیم هدایت اخص که از اخاص الخاص گویند و آن مخصوص
حضرت خاتم النبیین است و آن نیز بر سه نوع است هدایت از خود بسوی حق هدایت بحق و در حق

خبرت گویند مدا و قتی که بچهٔ امور بسیار اطلاع شد خوب چه در جواو چه در بیداری زود دارد ۸۱۲ وسطش ۱۳۴ صغیرهٔ ۸ و هر که مربع او را بکشد در وقتی که عطارد در شرفش باشد اطلاع بسیار علوم حاصل

خ	ب	ی	د
۲۱	۹۰	۳	۵۹۹
۴	۴۰۳	۱۹۸	۸
۷	۱۹۵	۱۴	۵

پنجاه و چهارم ذو الجلال و الاکرام است هر که نقش کند بر صندوقی یا در خانه در ساعت مشتری روز پنجشنبه پنج ساعتی آن صندوق و خانه محفوظ ماند از دزد و هر که خواهد امری از امور را بسیار بخواند که عجایب بسیار خواهد دید پنجاه و پنجم المذل هر که نقش کند او را در ساعت اول روز یکشنبه و بخواند بعد دخودش بهر نیتی که دارد یا بجهة ظالمی یا حاسدی و با خود داشته باشد این نقش او را ذلیل کند

م	ذ	ل ل
۴۹۸	۱۴	۴۰۱
۴۲	۳۹	۴۹۹

پنجاه و پنجم الحکیم یعنی محکم کار و گذارنده هر چیز بموقع خود معنی احکام در اینجا شدت تدبیر و حسن تصویر و تقدیر است بنهجی که فعل قبیح از وی صادر نشود و کسی را مجال اعتراض بروی باشد هر کس بنویسد وفق او را در پوست آهو روز یکشنبه و در ساعت اول روز بگوید آن اسم را هر روز هفتاد و هشت مرتبه خداوند حکمت را تعلیم او کند و در دل او ببندد از حکمت را هر گاه بحضور قلب بخواند و اینست مربع او

ح	ک	ی	م
۳۹	۱۱	۱۹	۹
۱۸	۴	۴۲	۱۲
۱۳	۴۱	۷	۱۷

هر که اسم با سطر او بکشد در مربع نه در نه بحروف و نقش کند در هر خانه از او با سطر او در پوست پاکی با مشک محلول بگلاب و زعفران در نه ساعتی روز یکشنبه و با خود دارد ایمن شود از تعب راه رفتنی و از الم گرسنگی و از قهر جبارین و خداوند پاک گرداند باطن او را از اخلاق پست و ادناس بشریت و هم چنین است در جمیع اسمائیکه ذکر نکردیم و آنچه ذکر شد بعضی از خواص و اعمال بود باقی در محل خود ذکر شده باب ۳۴ در بیان اشارات به بسط و تکسیر و مزج و وضع است اما بسط اقسامی دارد بسط حرفی بسط عددی بسط تضاربی بسط ترقی و اخیر بر سه قسمت ترفع حرفی

ونیز نوع عددی و نوع طبیعی و بسط طبیعی ... و بسط حروف مثال و بسط عددی ... در مثل مریم ع ا م ... دال ... بعضی ابیات ... از زبر و بینات مثل ... کاهما ... از زبر و بینات ... هشت و چهل و چهار ... ششم ان ... اعداد ... می شود ادب ع و ن ... ۱۳ امایاره ما اعداد حروف ... ۱۳ ... بانصد و دو ... میکنند ... واما بسط تضاربی ... حروف ... واستنطاق ... اسم دیگر با اسماء ... باید ... طالب ... حروف ... اسم ...

از مستنطقه از حاصل ضرب بسط ترفعی با لابودی هر حرفی است از حروف مطلوب از حروف خودش تا بالا و از ان مرتبه بالا می گیری مثل با لا بردن میم محمد تا صد تا انوقت تا رامی گیری تا و حا را می بری بعشرات پس میگیری فا و میم دیگر را و هم چنین تا و میم دیگر را میگیری و دال را بالا می بری تا عشرات پس مقصود حاصل میشود و بسط ترفعی حرفی گرفتن حرفی است که پهلوی حرف مطلوب است از حروف ابجدیه مثلا محمد بسط کبری از برای میم نون و از برای حا طا و از برای دال ها و ترفعی طبیعی است که از برای حرف ترابی کبری حرف مائی و از برای مائی دیاحی و از برای دیاحی ناری و حرف ناری را بحال خود گذاری مثلا محمد میم اوناری و حا ترابی با دال میم را بحال خود میگذاری و بدل میکنی حا را بزاء و دال را بجیم ممزوج و بسط طبیعی عبارتست از بودن هر حرفی از حروف نار طالب حرف ریاحی که در درجه اوست و حروف ریاحی طالب حروف مائی طالب ترابی و این ترتیب نظر بملاحظه حروف ندارد در درجه اینها و بدون ملاحظه طبیعی گویند و اگر ملاحظه درجات حروف شود از اعزبی گویند و چند قسم دیگر از اقسام بسط هست مثل بسط تراخی و بسط تجامع و بسط تقوی و بسط تکسیر و گاهی استعمال میشود بسط ابدالی بقول مطلق در تغییر احوال و تبدیل اینها مثل علویه بسفلیه و بعکس و نورانیه بظلمانیه و بعکس و متصله بمنفصله و بعکس و روحانیت در جسمیت که نورانیه باشد و ظلمانیه بجوفیه و نهاریه بلیلیه بعکس در هر دو و نهایات ان از برای کواکب نهاری است زحل مشتری و شمس و عطارد اگر مشرقی باشد و لیلیه است که از برای کواکب لیلی است زهره و مریخ و قمر و عطارد و اگر مغربی باشد تفصیل در این جا بسیار است اما تکسیر از برای او مراتبی هست غایت از او مزج کردن حروف طالب و حاجت و مطلوب منه هست تا اینکه کلماتی حاصل شود که معنی هر کلمه ان رابطه باشد بنا طالب و مطلوب و از حاجتی که مستلزم است از برای فعل

فاعل و این تکسیر ... دارد صغیر و اوسط و کبیر ... صغیر این طریقست که حروف اسم را ... متفرق ... اول را اول سطر ... ثانی می نهی ... اول سطر ... ثانی است و همچنان تا ... و تکسیر متوسط ... دهم از حروف ... ان سطر ثانی ... کرمعنی ... بعد ... حروف ان اسم را در سطر اول ... و دو ... حروف ... از سطر ... الف ... خود ... ثانی ترتیب ... سطر بیتم ... دارد و همچنان تا تمام ... بسم ... دو کر زوج ...

سال زوج

م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی
ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل

ص	ع	ی	ه	ک
ی	ه	ک	ص	ع
ک	ص	ع	ی	ه
ع	ی	ه	ک	ص
ه	ک	ص	ع	ی

سی فرض خامس شد و در زوج سی فرض بدین صورت مثال پس معنی تکسیر است که حروف اسم را منفصل سازد ازهم در سطر اول پس اگر ثلاثی است نقل بی کنی حرف اول را السطر ثانی و حرف سیم اول را انتقال می کنی در دویم سطر ثانی سیم از سیم و هکذا و اگر بخواهی قرار بده سیم از اول را در اول ثانی و ثالث در ثانی از ثانی و اول از اول را در ثالث از ثالث و هکذا

مثال اول

ی	و	ن
ق	ی	و
و	ق	ی
و	ی	ق
ی	ق	و
ف	و	ی

ی	و	ن
و	ی	ق
ق	ی	و
ی	ف	و
ق	و	ی
و	ق	ی

پس از اسم ثلاثی شش اسم می شود و اگر رباعی باشد بیست و چهار اسم و اگر خماسی باشد صد و بیست اسم و هکذا و ضابطه اینست که ضرب کنی عدد حروف اسم را در عدد صور حاصله از اسمی که کمتر از اوست بیک حرف پس حاصل میشود از ثنائی دو صورت و از ثلاثی شش صورت که حاصل ضرب سه در دو و از رباعی حاصل ضرب چهار در شش و از خماسی حاصل ضرب پنج در بیست و چهار و اما خواص اینها با اسرار انها مذکور است در کتب قوم من اراد ها طلبها

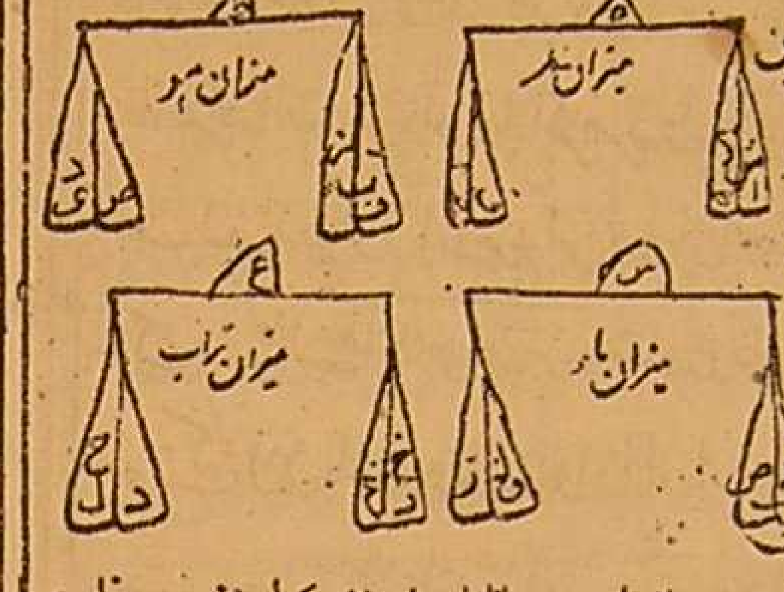
باب ۲۵ در بیان تفسیر حروف مقطعه در اوائل سور و معنی حروف هجائیه ابجدیه از الف تا یا بدانکه حروف مقطعه در اوائل سورها حروف نورانیه است بنا بر اصطلاح علماء جفر و این چهارده حرفست در مجموعه صراط علی حق نمسکه و اینها حروف نورانیه سعیده اند و ما بقی اینها ظلمانیه و منحوسه و در این مجموعه از هر نوع از حروف صنفی در او هست از حروف مهموسه صاد است و حاء و سین و کاف و ها و از مهموسه ده حرف است و از مجهوره نصف آن لوران مرطیع و کذا حروف شدیده و ملقله و مذلقه و سایر صفات مذکوره در کتب تجوید و این

فرق میان اند و الف لینیه و دیگر آنکه ها مجاز الف متحرکه است و متحرکه مجاز لینیه است و مراد مجاز طریق تولد حرفست و الف لینیه در قال و قیل که لینیه ثانیه از بیت و نه حرفست اعلی از اینها مظاهر اینها است و واو و باء اگر هر دو لینیه باشند ملحق باشند در اشتراک مخرج و امتزاج الف لینیه بواو و یاء و مزج این دو با این جهه این است الف امتناع حرکت بمی کند زیرا اگر حرکت بسیاست بدانکه حروف بر سه قسمند ملفوظی و مکتوبی و مسرودی پس اول از انها اسم تک ثلاثی باشد و ثالث او اول او باشد مثل میم و نون و واو و دیمی ثلاثی است مختلف و مبنت معطوفة الاعجاز مثل اولی و ستی حرفی است که اسم او دو حرفی باشد پس اول میم و نون و حروف اول در اول سوره و دوم در اخر سوره اشاره است بسوی اول و اخر سوره اول سوره بقره و صفراء و سوره دیم سوره نون و اشاره شده است باین دو سوره بسوی حامل عالم علوی و حامل عالم سفلی یعنی عالم غیب و شهود و مجموع این دو اشاره است که هر چیزی از فیض اوست بجهه اینکه این دو حرف صاد و نون دو دریای زیر عرش است که کشد با حضرت نزدیک شو بصاد او مداد نم است و دو حرفست تا نام برده شود ابتداء خلق بدان و بمصداق و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون و قسم دیم که مکتوبی باشد هفت است الف لام صاد کاف عین سین قاف و باین هفت اشاره بطواف اسبوع شده بجهه کمال صنع و مصنوع و ان یازده حرفست بعدد حروف فاتحه بعد حذف مکررات و اشعارات بمتضمن بودن سر و ظاهر شدن صفت کمال در عوالم ثلثه که هر یک از آن هفت حرفست که عبارت از جبروت و ملکوت و ملکست که مدار اصول نجابها است و منتهی با نها آو بهر یک از این هفت نسبتی یکی از سیارات است و روز یکی از هفته و قسم سیم که مسرود است بحسب را حاء طاها و اشاره بهما چنانچه و او اول اسماء و اظهر اشارات واخفاء اوست زیرا که بعد از حذف اشاره بجز مسمی چیزی نمی ماند و بودن او اول اسماء از این جهه که اثبات ثابت کذا از صحو مو هو و اخر ش مدلول ها است از جهه وقوع انها بر ها و اشاره ما ها

المنازل الناریه	المنازل الهوائیه	المنازل المائیه	المنازل الترابیه
السطح ا	الهقعه ب	الشرج ج	الثریا د
البطین ه	الهنعه و	الطرف ز	الدبران ح
الجبهه ط	الذراع ی	القلب ک	العوائ ل
الزبره م	العقرب ن	الشوله س	السماک ع
الطرفه ف	الزبانات ص	فرغ مقدم ق	الذراع ع
النعائم ش	الاکلیل ت	مؤخر ث	بلع خ
البلده ذ	الاخبیه ض	رشاد	السعود غ

واجمالست واسم ازاو ازطریق ظاهر جلیل است وازجهت باطن موجد و دال اسم باطن
او موجد او دال اسم ازاو دایمست وهکذا اما اخر حروف وازاین قبیل روایتی در توحید عیون
هست ازحضرت رضا علیه السلام که فرمودند اول چیزی که خداوند خلق فرمود که شناخته شود
باو کتابت برای خلق حروف معجم بود و بدرستیکه هرگاه کسی را بسر او عصا زنند و
معیوب شود حکم در او اینست که حروف معجم را براو عرضه دارند و دیه را عطا کنند
نقد دیگه فصیح نمی تواند عطا کنند ان حروف فرا و بتحقیق حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از
جدش امیر المؤمنین ع در باب ت ث که فرمود الف آلاء الله است و باء بهجة الله وتاء
تمامیه امر است بقائم آل محمد وثاء ثواب مؤمنین است براعمال حسنه ابهاج ح خ
جیم جمال خدا و جلال او وحاء حلم خدا از مذنبین خاء خمول ذکر اهل معاصی نزد خدا دال
دین خدا ذال ذی الجلال است زد روف ودرجیم از زلازل روز قیامتست سین سناء الله
شین شاء الله وماشاء الله واراد ما اراد الله وما تشاؤن الا ان یشاء الله ص از صادق
الوعد است در حمل ناس بر صراط وحبس ظالمین نزد مرصاد وض ضلالت وگمراهی کسی است که مخالفت

از کفه یسری از میزان هوا و طاء در ثانیه از کفه یسری در میزان نار وحاء در اولی از کفه یسری



از میزان تراب واینست صفت موازین
واما مقدار هر حرفی در وزن طبیعت
اوست که درد وست از طبایع اربعه بدن
واین شکل متضمن اینست پس سبز از او
عبارت از مطلوب نیست زیرا چون
شناختی مقدار را ممکن است بتوانی تقدیر و اندازه معالجات اعمال و کامل نمودن ناقص
ومعالجه مرضای انسان وصحان ونباتات وهر عقار طبیعت او برنظم حروف اسم وسیت بعربی باین طریق

بیانه لجابرین حسابان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سر دقیقه
۱۰ درج	۱۰۰۰۰۰	المراتب	ا	ب	ج	د	۱۰	ی	ه ر	بر درجه
۱۰ دقایق	۱۰۰۰۰	الدرج	ه	و	ز	ح	۲۶	کو	۱۸/.....	بر دقیقه
۱۰ ثوانی	۱۰۰۰	الدقایق	ط	ی	ک	ل	۶۰	سط	۴۲۱.....	بر ثانیه
۱۰ ثوالث	۱۰۰۰	الثوانی	م	ن	س	ع	۲۲۰	دل	۲۷۰۰۰	بر ثالثه
۱۰ روابع	۱۰۰	الثوالث	ف	ص	ق	[illegible]	۴۷۰	نع	۹۰۰	بر رابعه
۱۰ خوامس	۱۰	الروابع	ش	ت	ث	خ	۱۸۰	غض	۳۰	بر خامسه
۵	۱	الخوامس	ذ	ض	ظ	غ	۲۴۰	غغغت	۱۰	

وچون بخواهی حروف منازل قمر را مشخص و معین بکنی پس باید که بشناسی حروف نورانیه و
آنچه مختص بانها وسنت از منازل بجهت حروف نورانیه که ان حروف روحیه است و حروف
ظلمانیه ان حروف جسمانیه است بر این شکل مقابل متکفل است بر ترتیب شمار قمر و یونان و
فلکیین در حروف معده بجهت آنکه ان حروف معده جاری شده است بر او نظام سلسله روحانیه

لا اله الا الله و او کلمه اخلاص است هیچ بنده نیست که از روی اخلاص این کلمه را بگوید مگر
آنکه بهشت برای او واجب می‌شود و باء ید الله فوق خلقه که روزی دهنده خلق است
سبحانه و تعالی عما یشرکون روایت شده در توحید و خصال از حضرت امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلام که فرمودند سؤال کرد عثمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله از تفسیر
ابجد حضرت فرمودند بگیرید تفسیر ابجد را که در او همه اعجوبها است وای از عالمی که نداند
تفسیر ابجد را عرض کردند یا رسول الله تفسیر ابجد چیست فرمودند الف پس آلاء خداست
و حرفی است از اسماء خدا و اما با پس بهجت خداست و اما جیم پس عبارت از جنت خدا
و جمال خدا و جلال خدا و اما دال پس دین خدا و اما هوز پس ها هاویه است وای بر کسیکه
میل کند باتش و اما واو پس وای از برای اهل آتش و اما زا زاویه است در آتش پس پناه
باید برد بخدا از شر آن زاویه و اما حطی پس حا حطوط الخطایا است از خطایا باستغفار در شب قدر
و آنچه انحطاط می‌کند و فرود می‌آورد جبرئیل از ملئکه تا طلوع فجر و اما طاء طوبی لهم و حسن
مآب و طوبی درختی است که خداوند او را بدست قدرت کشته است و از روح خود در او
دمیده و شاخهای او دیده می‌شود از پشت باروی بهشت بحلی و حلل میروید و میوهای
او آویخته بر در دهان اهل بهشت و اما یا ید الله فوق خلقه سبحان الله عما یشرکون و اما
کلمن پس کاف کلام خدا لا تبدیل لکلمات الله و لن تجد من دونه ملتحدا و اما لام پس الحام
اهل بهشت میان خودشان اهل بهشت در زیارت و تحیت و سلام و تلاوم اهل آتش در میان
انهاست و اما میم ملک بی زوال خداست دوام بی فناء خدا و اما میم ملک بی زوال خداست
نون ن و القلم و ما یسطرون پس قلم قلمی است از نور و کتابی است از نور در لوح محفوظ یشهده
المقربون و کفی بالله شهیدا و اما سعفص یعنی صاع بصاع و قص بقص یعنی جزاء بجزاء کما تدین
تدان ان الله لا یرید ظلما للعباد و اما قرشت یعنی یقرشهم یحشرهم و نشرهم الی یوم القیمة و یقضی

سایر حروف مگر حروف اولیکه الف باشد که او بسیط است در فعل خود بالنسبه بما دون خود
و اما بالنسبه بما فوق خود مرکب است از نقطه وجودا و لفظا و نقشا پس الف اعم حروفست و اعلی
و اعظم و اکرم و اخص آنها است تذییل احسن اوراد و اکمل اذکار و اعلای اعمال در طریق
تزکیه نفس و وصول بطریق حق که در کتب اصحاب مذکور و در کتب ادعیه و اخلاق و شریعت
مسطور است و اهل بیت عصمت علیهم السلام احسن اوراد را ذکر کرده اند و اکمل اذکار ابراد
کرده اند و اعلای اعمال را بیان و روشن نموده اند روشن‌ترین راه‌ها از کتب نفس نشانه که
معصومین سلام الله علیهم اجمعین بجا آوردند و بیان امر فرمودند و باو رسیدند وفقنا الله
لما تعملوا بدانکه عدد را چهار عنصری باشد چنانچه گذشت و بعد از تشخیص عناصر چهار
مرتبه می‌باید اول مرتبه خودش دویم توالی یعنی از یک تا چهار بشمارند ۱۰ می‌شود سیم ضرب
در نفس است چهارم ضرب کل واحد در نفس مثال وهاب مرتبه اول یعنی مرتبه خودش
۱۴ مرتبه دویم توالی یعنی از یک تا چهارده را می‌شمارند ۱۰۵ می‌شود مرتبه سیم ضرب در
نفس ۱۴ را در ۱۴ ضرب کنند ۱۹۶ می‌شود و مرتبه چهارم ضرب کل واحد در نفس یعنی
یک در یک و دو در دو ۴ می‌شود و سه در سه ۹ می‌شود و ۴ در ۴ شانزده می‌شود و همچنین
تا چهارده باید ملاحظه نمود که چند می‌شود مثلا اسم وهاب بطریق جمل ۱۴ می‌شود در
چهارده ضرب کنند ۱۹۶ می‌شود ۱۴ برو اضافه نمایند ۲۱۰ می‌شود تضعیف نمایند ۴۲۰
می‌شود پس معلوم گردید که مجموع عدد توالی چهارده یکصد و پنج است والله اعلم هرگاه
اراده کنی که مهربانی میانه گرگ و گوسفند یا زجر و منع بعضی از حیوانات موذی مثل مار
و عقرب و کفتار و همچنین جمیع حیوانات موذی را پس بنویسی اسم حیوان و اسم سبع و زجر
و بسط کن حروف او را بحروف مقطعه تا اینکه بسط منتهی شود پس اخذ کن از هر گوشه از گوشهای
آن لوح چهار حرف از وسط دو حرف اخذ کن اگر حروف بسط جفت باشد و یک حرف اخذ کن اگر حروف

از رطوبت و حرف با از مرتبه بیوست پس طبع اول حار و یابس است بجهت آنکه حرف حا که بارد در ... طب
بود یکی بود و حروف حرارت چهار و حرف یبوست یکی پس برودت را اعتبار نکردیم لهذا
بجهت عدد مجموع حروف اصطفشد که حار و یابس است گرفتیم ۱۱۳ شد و او را استنطاق
کردیم غفله شد لفظ ایل بر سر آن در آوردیم غفلهائیل شد و بخور این عمل فلفل
و عود است و تصرف در این عمل اینست که لوحی از مس سرخ بگیرد و در یکروی لوح جدول
تکسیر ذئب و محبت و غنم را نقش کند و در روی دیگر صورت گرگ و گوسفند که هر دو رو
بگردن هم کرده باشند و در دهان گرگ لجام بوده باشد و بر سر گرگ اسم ملک غفلهائیل
نقش کند و بر سر گوسفند عدد ۱۱۳ را بلوح موفق دارند و هر دو صورت داخل دا...
باشد که آن دایره احاطه بایشان کرده باشد و اینها را در طالع حمل نقش کنند که مریخ
در آن برج باشد و در اطراف دایره بنویسد حروفی که از زاویها و وسط اخراج کردیم
بعد از آن لوح را دفن کند در چراگاه گوسفندان پس در میان ایشان والفت هم رسد که ما فوق آن
متصور نشود و همچنین است عمل در سایر انواع حیوانات و صورت جدول بسط این

بجهت مهر یا ...
... باشد اختیار ... که طالع حمل
غالب باشد از مثلثات آتشی بجهت دوست
بُرج مناسب باشد حکم بجهت دشمنان
اسد و قوس باشد که دانستن دشمنان
بانستن ... و دزدان و بجهت حصول ...
اسد آنکه ... و دزدان و ... کردن ...
قاسد بجهت حصول دوستی و حصول جاه
باید شاهان و بزرگان و حصول ... کردن ...
... و قوس بجهت دوستی ...
و دزد ... و قصاص ...
... جدول ... که ... علی المثال

م	ح	م	د	م	ح	ب	ت	ف	ا	ط	م	ه
ه	م	م	ح	ط	م	ا	د	ف	م	ت	ح	ب
ب	ه	ح	م	ت	م	ا	ح	ف	ط	د	م	ا
ا	ب	م	ه	د	ح	ط	م	ف	ت	ح	م	م
م	ا	م	ب	ح	م	ت	ه	ف	د	م	ح	ط
ط	م	ح	ا	م	م	د	ب	ف	ح	ه	م	ت
ف	ط	م	م	ه	ح	ح	ا	ف	م	ب	م	د
د	ت	م	ط	ب	م	م	م	ف	ه	م	ح	ح
ح	ه	ح	ت	ا	م	ه	ط	ف	ب	م	م	م
ه	ح	ه	د	م	ح	ب	ت	ف	ا	ط	م	ه

جدول ذئب و محب و غنم

ماد	هو	عما	زاب	ذ	ی	ب	م	ح	ب	ة	غ	ن	م
ا	ب	ج	د	م	ذ	ن	ی	غ	ب	ة	م	ب	ح
ه	و	ز	ح	ح	م	ب	ذ	م	ن	ة	ی	ب	غ
ط	ی	ك	ز	ع	ح	ب	م	ی	ب	ة	ذ	ن	م
م	ن	س	ع	م	ع	ن	خ	ذ	ب	ة	م	ب	ی
ف	ص	ق	ر	ی	م	ب	غ	م	ن	ة	ح	ب	ذ
ش	ت	ث	خ	ذ	ی	ب	م	ح	ب	ة	غ	ن	م
ذ	ط	ض	غ										

و صا...

وصلحا و سادات و حصول مال و اسباب دنیوی و اگر حروف هوائی غالب باشد اختیار
می‌کنیم مثلثه هوائی را که در وقت عمل طالع باشد که سرطان و میزان و دلو باشد که
یکی از این سه برج باید طالع باشد و اگر نار غالب باشد این عمل را بر روی صفحه مس باید نقش
کرد و در زمین گرم مثل اجاق و تنور باید دفن باید کرد و اگر هوا غالب باشد باید
در پوست آهو یا اسب باید نقش بود و در هوا باید آویخت و اگر آبی غالب باشد بر روی
کاغذ سفید باید نوشت و بشمع پیچیده و بموم می‌باید باشد ایضا جدول عناصر بجهت استنطاق غا...

و شیخ بو علی سینا
در کنوز المعزمین
خود آورده در
مؤامره اعمال که چون
خواهیم عمل تحبب و صداقت
کنیم آغاز شبها و
روزهای زهره و مشتری
و ساعات ایشان کنیم از آن زهره

[illegible]	حاد	رب	ابجد	له	کو	کمن	دوکی	۶
[illegible]	ب	کن	کر حفظ	ب				۱
[illegible]	ا	ب	ج	د	۱۰	ی	حوا	[illegible]
[illegible]	ه	و	ز	ح	۲۶	ول	عی	[illegible]
[illegible]	ط	ی	ك	ل	۹۰	طس	د	[illegible]
[illegible]	م	ن	س	ع	۲۲۰	كر	ور	[illegible]
[illegible]	ف	ص	ق	ر	۴۷۱	غت	حز	[illegible]
[illegible]	ش	ت	ث	خ	۱۸۰۰	ضغ	عن	[illegible]
[illegible]	ذ	ض	ظ	غ	۳۴۰۰	غغت	عغ	۶۰

روز آدینه و شب سه شنبه اما عمل در اول ساعت و ساعت هشتم کند که تاثیر زهره
در آن ساعت با قمر اند و از آن مشتری روز پنجشنبه و روز دوشنبه چنان کند که در زهره کند
و باید که قمر متصرف باشد از سعدین یا تثلیث یا مقارنه و مشتری متوجه باشد بمقارنه
یا تسدیس یا تثلیث زهره تا عمل بر وفق مراد باشد اما چون از برای عداوت باشد آغاز
روزها و شبهای مریخ و زحل و ساعات ایشان باید کرد مریخ روز سه شنبه و شب چهارشنبه
اول ساعت و ساعت هشتم از روز یا شب و باید قمر متصرف باشد از مقابله یا تربیع برج جوزا ...

دو شنبه دخل و از آن ... از روز ساعت دهم ... ساعت پنجشنبه اول ... و ب...

اختیار ...
بکار ... در دو باشد ...
... مطلوب حاصل گردد
... منسوبست دهاقین و ...
اما ... برجیس منسوبست ...
و ... و ارباب قلاع و اصحاب ...
... و ... ان و ... و ... و ... و ...
قدیم ... و ... و ... و ... و ...
... اسیاه و ... علما و قضاه و ... شریف
... منسوبست ... و ... و ...
مدارس و اصحاب ... و ... و ...
... وزرای کابر ... و ...
... منسوبست امرا ... و ...
و ... و صلاح و دزدان و ... و ...
شوکت و ... منسوبست ... و ...
و ... منسوبست ... و ... و ...
و ... و ... و ... و ...
زنان و ... منسوبست وزرا و ...
و ... عطارد ... و ...
دیوان و ... و ... و ...
... [illegible]

نقاشان و خطاطان و خیاطان باشد و آنچه بقمر منسوبست عوام الناس و پیکان و جاسوسان و صیادان
در ضدیت کواکب آفتاب ضد زحل است زحل ضد قمر است قمر ضد مریخ است مشتری ضد
زحل عطارد ضد زحل اما دوستی کواکب با یکدیگر آفتاب و مریخ دوستند و عطارد با مشتری
بهر کواکب که اتصال کند طبیعت آن کوکب گیرد و مصادقات کواکب عجیب جواهر و طبیعت
و انفعال باشد بر نسبت با ما و مرکز زمینی و اگر شرح مصاوات و انفعال کواکب باز گوئیم از غرض
و فایده باز مانیم اما دخنه کواکب بخور زحل زعفران و مرد ما و کندر و میعه بخور مشتری
میعه و سندروس و عود و صنوبر و صمغ و حب الغار بخور مریخ کندر و صبر و افیون
و دار فلفل و سندروس بخور آفتاب عود و زعفران و میعه و لبان و کل انار بخور زهره
عود زعفران و مشک و قسط و شکر و لادن و قشر الخشخاش بخور عطارد داشنه و زهره
کرمانی و قشر اللوز و مصطکی بخور قمر حب اللبان و اذخر و طلق و حب الخروب این جمله
بطریق مساوات جمع آرند و بکوبند وقت حاجت بخور کواکب بکار برند که بشخص مطلوب
منسوب باشد که مفید باشد الفصل فی حروف ابجد ۲۸ گذشت در سابق قسمت حروف بچهار
قسم قسمی را حار گرفتیم و قسمی را یابس و قسمی را رطب و قسمی را بارد پس دو حرف از قسم حار بر گرفتیم
اول بزحل دادیم و دوم بمشتری و دو حرف دیگر از قسم یابس بر گرفتیم اول بزحل دادیم و دوم
بمشتری و دو حرف دیگر از قسم رطب بر گرفتیم اول بزحل دادیم دوم بمشتری و دو حرف از
بارد گرفتیم اول بزحل دادیم ثانی بمشتری حاصل آمد حروف زحل ا ج ه ب و حروف مشتری
و ز ر د باز آغاز حروف مریخ و آفتاب کردیم پس دو حرف از حار گرفتیم اول بمریخ دادیم دوم بآفتاب
علی الترتیب الذی ذکرنا حاصل آمد حروف مریخ ی ا ش خ و حروف آفتاب ل س ث ظ
باز آغاز کردیم بحروف زهره و عطارد کما ذکرنا حاصل آمد حروف زهره م ف ذ غ و حروف
عطارد ن ط ص ض و از این حروف چهار ماند بقمر دادیم ع ح ط ق بعون الله و حسن توفیقه

در بیان تاثیر حروف در اجسام ... و نفوس ... عنصری از اجسام ... او را طبیعت و اصلیت ... اربعه خالی باشد ... و دو مفعول ... یبوست لازم ... فنا کند ... دراو برودت ... لیکن اسم ... منسوبست ... معرب و معجم ... بعضی اسما ...

با بعض اول حروف از نام ط و مط و از حروف کوکب منسوب بستانیم و مرکب کنیم بدین قیاس حروف
اسما ترکیب کنیم و معرب و معجم کنیم و این چنین باشد که هر حرف که حار باشد فتح کنیم و آنچه یابس
باشد ضم کنیم و آنچه رطب باشد کسر و آنچه بارد باشد جزم چون این حروف اسما را معرب و
معجم کرده باشیم فنون عمل مط باشد بخور این کوکب که با این شخص مط منسوبست بوقت حاجت
در آتش اندازد تا مط حاصل آید مثال خواستیم که حروف محمود و فاطمه و حروف زهره که
بشخص مط منسوبست معرب و معجم کنیم حروف بدین شکل مرقوم کردیم م ح م و د و فاطمه
و م ف ذ غ پس حروف اول از اسم طالب و اسم مطلوب و حروف کوکب بستدیم و ترکیب کردیم
چنین شدم ف م باز حروف دوم از اسماء مذکوره بستدیم چنین شد ح ا ف باز حروف
ثالث از اسماء طالب و مط و حروف کوکب گرفتیم چنین شدم ط ذ باز حروف رابع از اسما
مذکوره گرفتیم چنین شد و م غ هم چنین حروف پنجم از اسم محمود و فاطمه و کوکب گرفتیم
چنین شد د ه م آه پس بگیر عود و مشک و قسط و زعفران و لادن و قشر الخشخاش که بخور
زهره است جمله را متساوی جمع کند و در هاون بکوبد و بخور در آتش اندازد بگروز
باد و روز یا سه روز این عمل کند تا مطلوب حاصل آید و چون اختیار این عمل کند در خانه خالی
رود و جامه پاک پوشد و روزه باشد و کسی مزاحم وی نشود تا عمل تمام شود بی تشویش
و چون عمل طالب و مطلوب هر کدام که تمام شود که از حروف بگذرد و زیادت شود باز اول
حرف را از سر بر تا همه بدان منوال شود و چون ترکیب اسماء کرده باشد ترکیب را اینک
بر هفت رقعه نویسد و هفت فتیله سازد شب اول دو بسوزاند شب دیم دو شب
سه بسوزد و در وقت سوختن بخور بسوزاند و فتیله را در موم گیرد و بر اجر نو نهد و عطارد
کواکب هفتاد بار بخواند و بعضی صد بار گفته اند و در میان خطاب ترکیب حروف بخواند
و ترکیب اسماء در وقتیکه شمع بر افروزد صد و هشتاد بار اسامی ترکیب تا آخر شمع سوختن

در خطاب زهره

بخواند و چون در آتش ... کند چون ... کاشتر ... دود خطاب زهره ... دو دیبرون ... آید
ایها السید المبارک الرضیه العشاقیه
الطبقه القطعه الحسنه الطبقه الضاحکه
صاحب المتیر و الترجیه و التودد و
الفضه و التصب و الطرب و اللهو
و السماع الذی ... العیدان و الدفوف
و الشانع الفاهمه الطالبه المتعلقه بالسلب
و الغالبه المنجب ... الملاوم المنج
العالیه ... کذا و کذا فاذا ... حاجت عمل ... و
صعوبت عمل ... کواکب
... مطلوب ... الملت

ا	ح	و	و	د
ف	ا	ط	م	ه
ح	ف	د	ع	و

ومقصحطرو
معدهمع

ما ابتدا زهره کار ... بعضی از حکما ... بعضی ابر ... اعمالش ... بعضی ... بعضی از ...

در قواعد اعداد و آنکه رسیده از حضرت امیر ع

بدانکه قول حکما و علما و صلحا آنکه این قاعده علم اعداد از حضرت امیر المؤمنین است که اعداد
سه درسه که موافق اسم آدمست از حروف کهیعص و حمعسق استنباط شده چنانچه
الف از حرف یا گرفته اندی در عدد دهست و انتهای وفق ۳ در ۳ نه بود چون نه
از حرف کم کردیم الف ماند و ب از کاف بعد از اسقاط دو ۹ و جیم از قاف که در رتبه
سیم از احاد و عشرات و مات است و لام در مرتبه سیم از عشرات بعد از طرح سه ۹ ازسی
جیم میماند و دال از میم و هم بحال خود در مرتبه پنجم واقعست و واو از شین و ظا از عین و
ح هم بحال خود در مرتبه هشتم و طا از ص بعد از اسقاط نه استخراج شده و بدانکه این
نه عدد منسوبست به نه کوکب هفت از این هفت کوکب و یکی از راس و یکی از ذنب
و هم چنین هر هفت منسوبست بهفت روز که ایام هفته است چنانکه الف از یکشنبه است
تا اخر که شنبه است و باقی بر یکشنبه افزائیم که منسوب بر اوست و یکی بر شنبه که منسوب بدانست
هر گاه کسی خواهد که عملی کند از خیر یا شر باید که نظر کند بدان روز و عدد آن روز را مقدم
دارد و بباید دانست که مفردات این وفق تعلق بشر دارد و مزوجات تعلق بخیر و حضرت
امیر المؤمنین ع پنج ایه از کلام علام اختیار نموده اند یکی اول آن کاف و اخر آن حا است
و در سوره کهف است کماءٍ انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما
تذروه الریاح دیم اول آن ها و اخر میم هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده
هو الرحمن الرحیم سیم اول آن یا است و اخرش عین است یوم الازفة اذ القلوب لدی
الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع چهارم اول او عین است و اخر او سین
علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس و اللیل اذا عسعس و الصبح اذا تنفس
پنجم اول آن صاد است و اخر آن قاف ص و القران ذی الذکر بل الذین هم فی عزة و شقاق بدانکه
هر عملی از اعمال خیر یا شر ایتی از کلام الله منسوبست بان عمل و اسمی چند از اسماء الله که در ان محل

در فائده

و اسامی هفت ملک که موکل اند بر ایام هفته اند و در عمل کردن بکار اند
و بودی که اعمالی عمل کنند هر روز مناسب آن عمل
نوشت که موکلان علوی و سفلی و حروف روز ما ایت و اثر عظیم
ایام و نام کواکب و حروف ایشان نوشته میشود که در اعمال بکار اید
نموده میشود که یوم السبت نام ملک علوی صفیائیل و نام ملک سفلی میمون
السبحانه و اسم کوکب زحل و حروفش
[illegible]

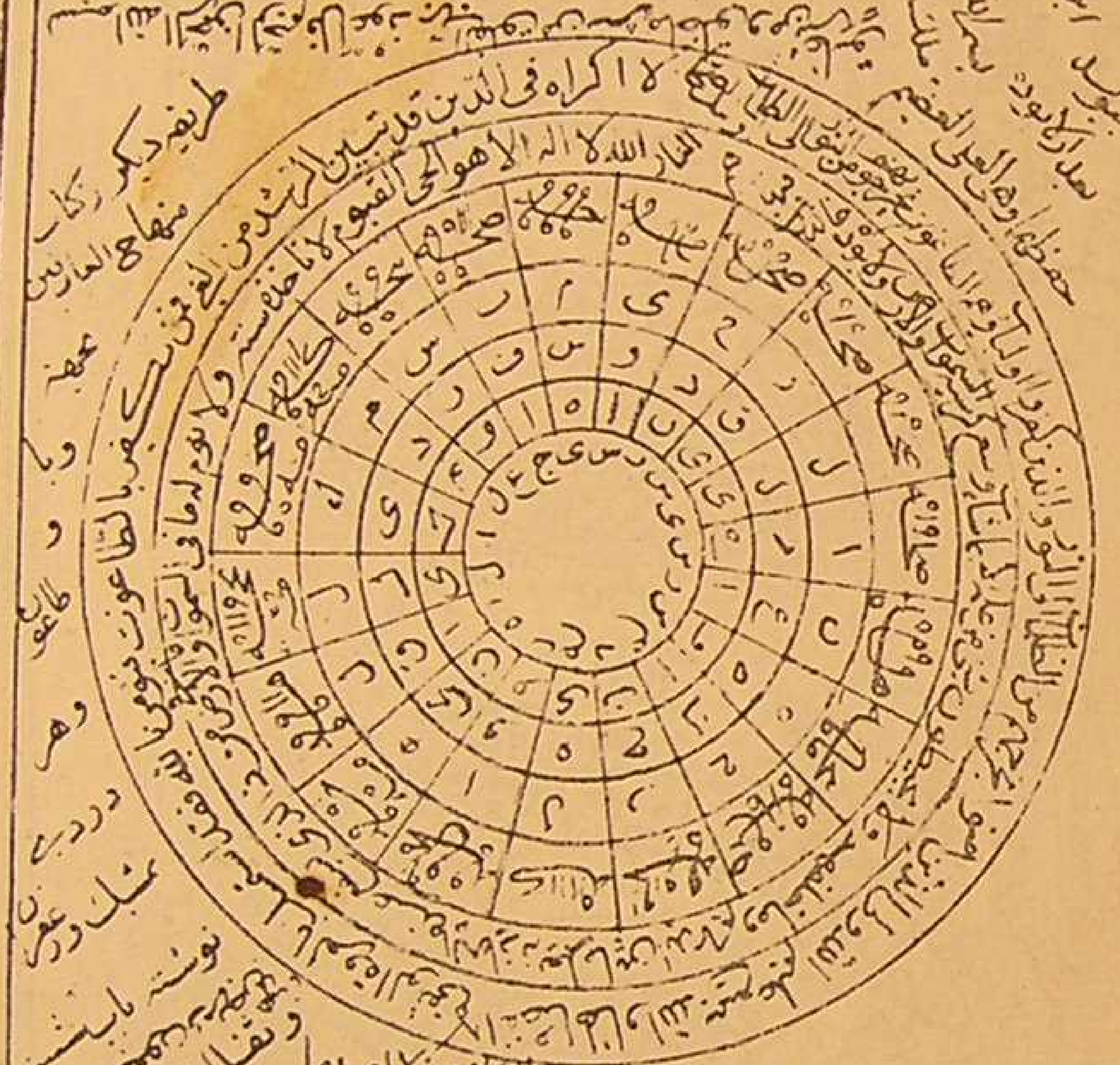
روز یکشنبه
یوم الاحد نام
ملک علوی روبائیل و ملک
سفلی ابی عبد الله المذهب و
کوکب شمس و حروفش [illegible]
[illegible]

یوم الاثنین نام
ملک علوی جبرئیل و نام ملک
سفلی ابی عبد الله الحارث و کوکب
قمر و حروفش [illegible] محمد
یوم الثلثا نام ملک
علوی سمسائیل و نام ملک سفلی
الاحمر کوکب مریخ و حروفش [illegible]
[illegible]

طریق نوشتن جنه تر و دیگر

بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون و لا انتم عابدون
ما اعبد و لا انا عابد ما عبدتم و لا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم و لی دین

٥٩	٤٨٩	٤٩٣	٥١٣
٤٩٥	٤٨٧	٤٨١	٥٣
٥٧	[illegible]	٥٠٥	٤٩٧
٥١٥		[illegible]	



طریقه دیگر

بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما
تعبدون و لا انتم عابدون ما اعبد و لا انا عابد ما عبدتم
و لا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم و لی دین

٥٩	٤٨٩	٤٩٣	٥١٣
٤٩٥	٥١١	٤٨٧	٥٣
٥٧	٤٧٩	٥٠٥	٤٩٧
٥١٥	٤٩١	٥١٧	

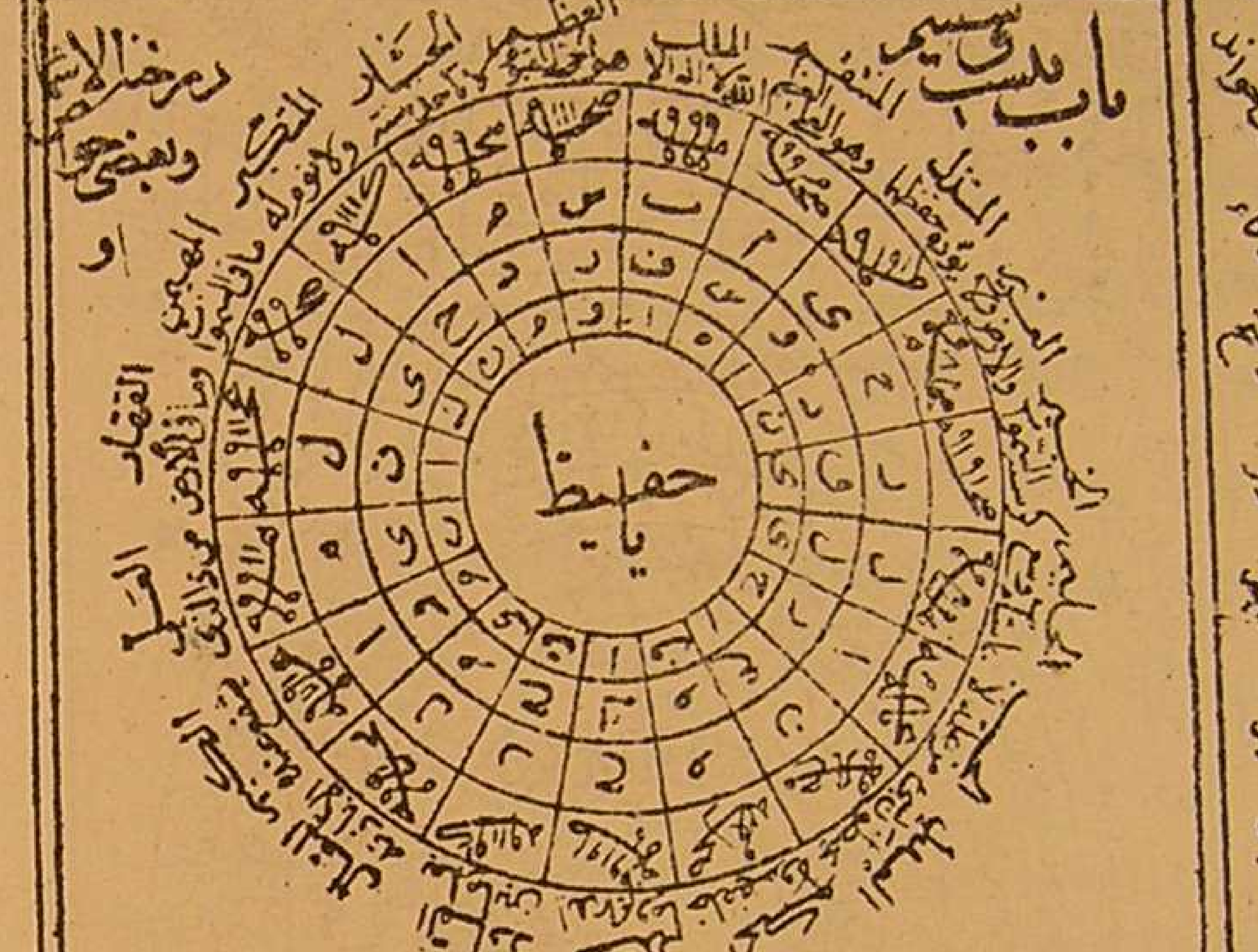
در کواکب حلمه بایام

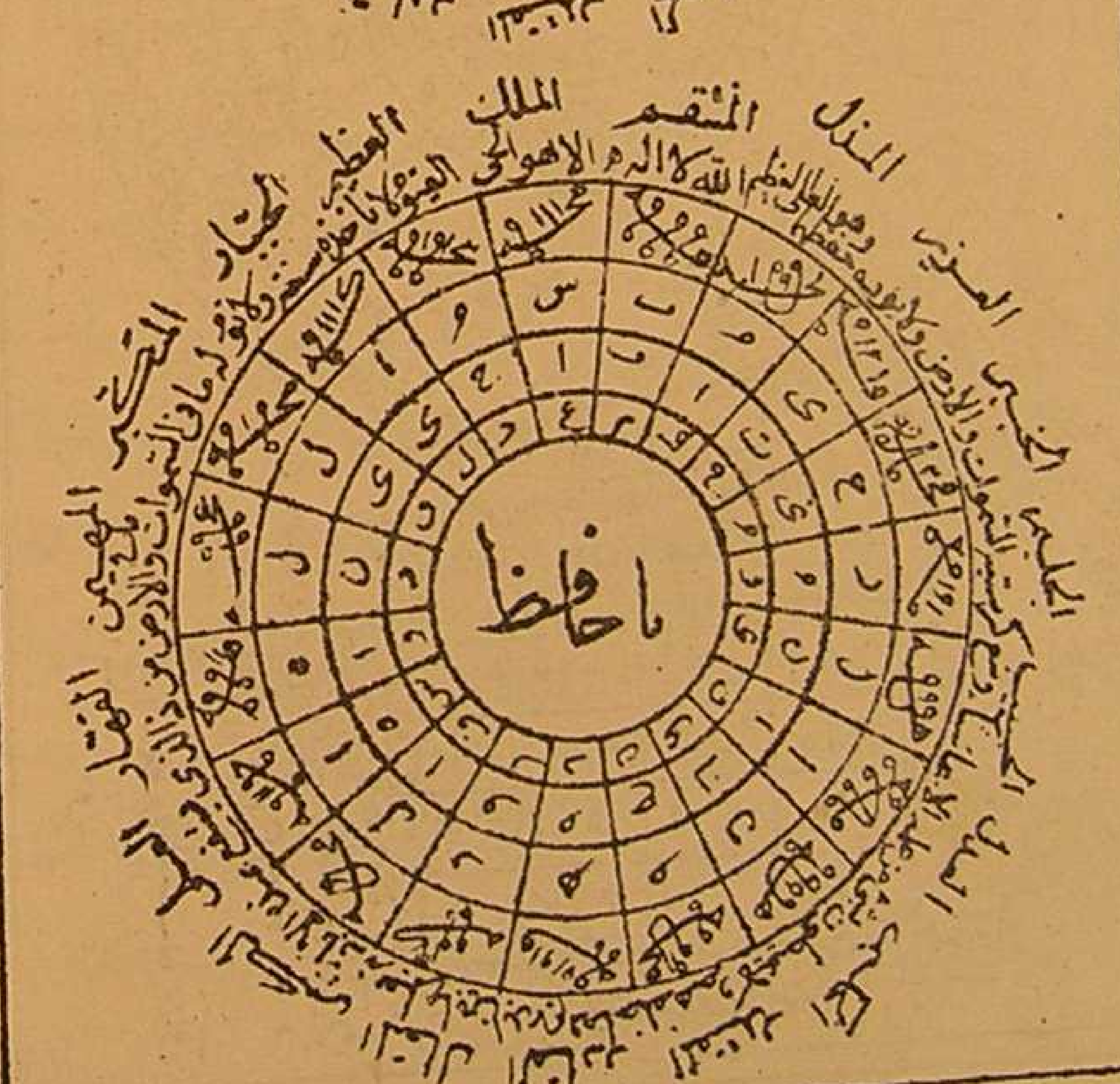
یوم الاربعا نام
نام ملک علوی میکائیل و
ملک زمین دو بعه و برقان
برقان و کوکب عطارد و حروفش
[illegible]

یوم الخمیس نام ملک علوی
عبائیل و ملک سفلی السید
سمهورش و کوکب مشتری
و حروفش [illegible]

یوم الجمعه نام
ملک علوی عیائیل و ملک
سفلی السید عبد الرحمن و لقبش
ابیض و کوکب زهره و حروفش
[illegible]
مهای ملوک در زهره و حروفش
که بغیر از این نامها و ایات
و نامهای ملائکه هیچ عملی اثر
و مزوجات اثر و صحت ندارد
مثلا از مزوجات یعنی حروف [illegible]
که از برای محبت و عزت نزد خلایق
و تقرب نزد سلاطین و راندن
حاجات [illegible] نوع عمل

باب بدست ی سیم

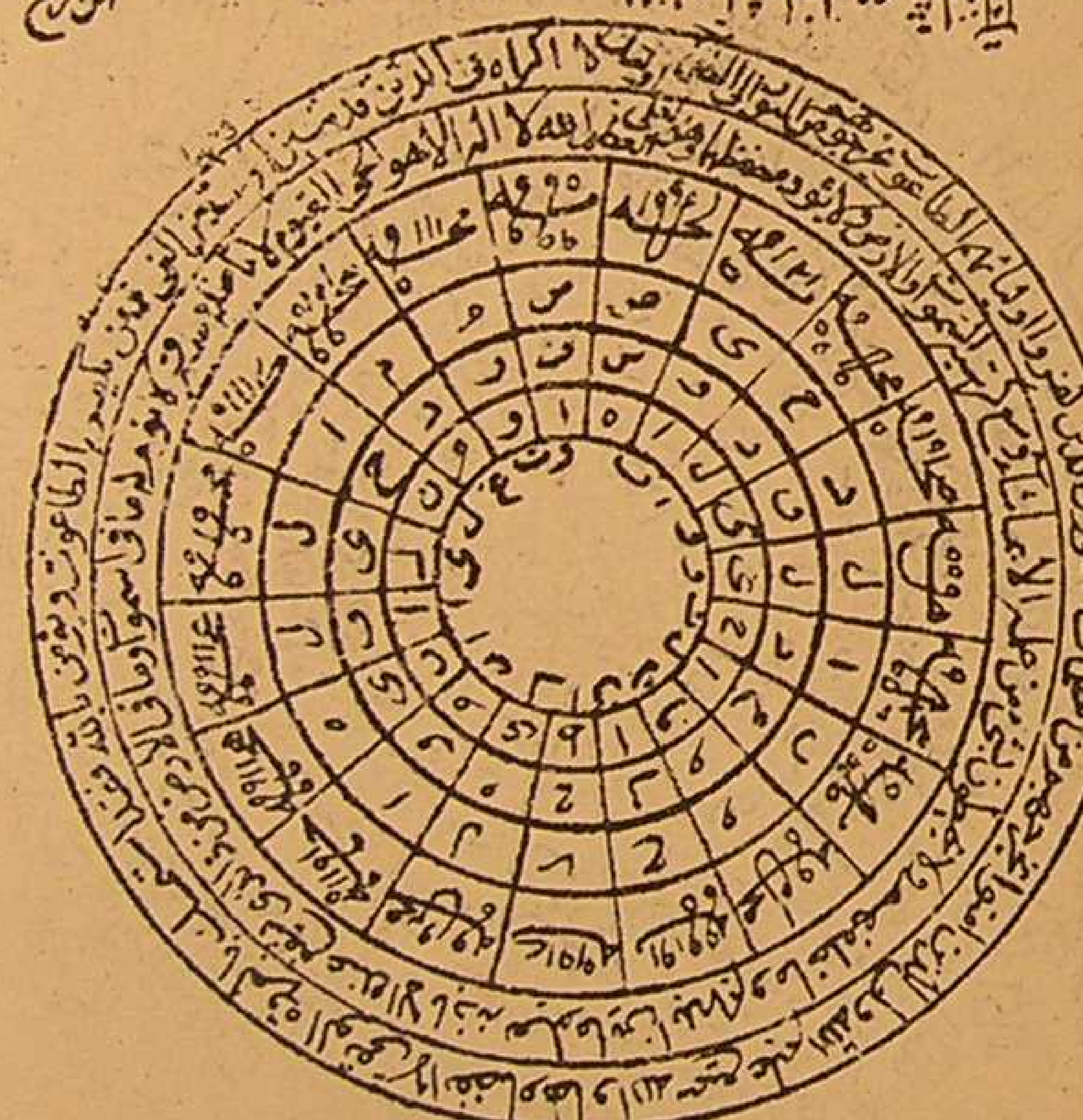




طریق دیگر ختم الاسماء

بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین

٥٠٩	٤٨٩	٤٩٣	[illegible]
٤٩٥	٥١١	٤٨٧	٥٠٣
٥٠٧	٤٩٩	٥٠٥	٤٩٧
٥١٤	٤٩١	٥١٧	



طریقه ختم از ختم الاسماء است که بتصحیح شده مرات کثیره از برای طلب امر کرد

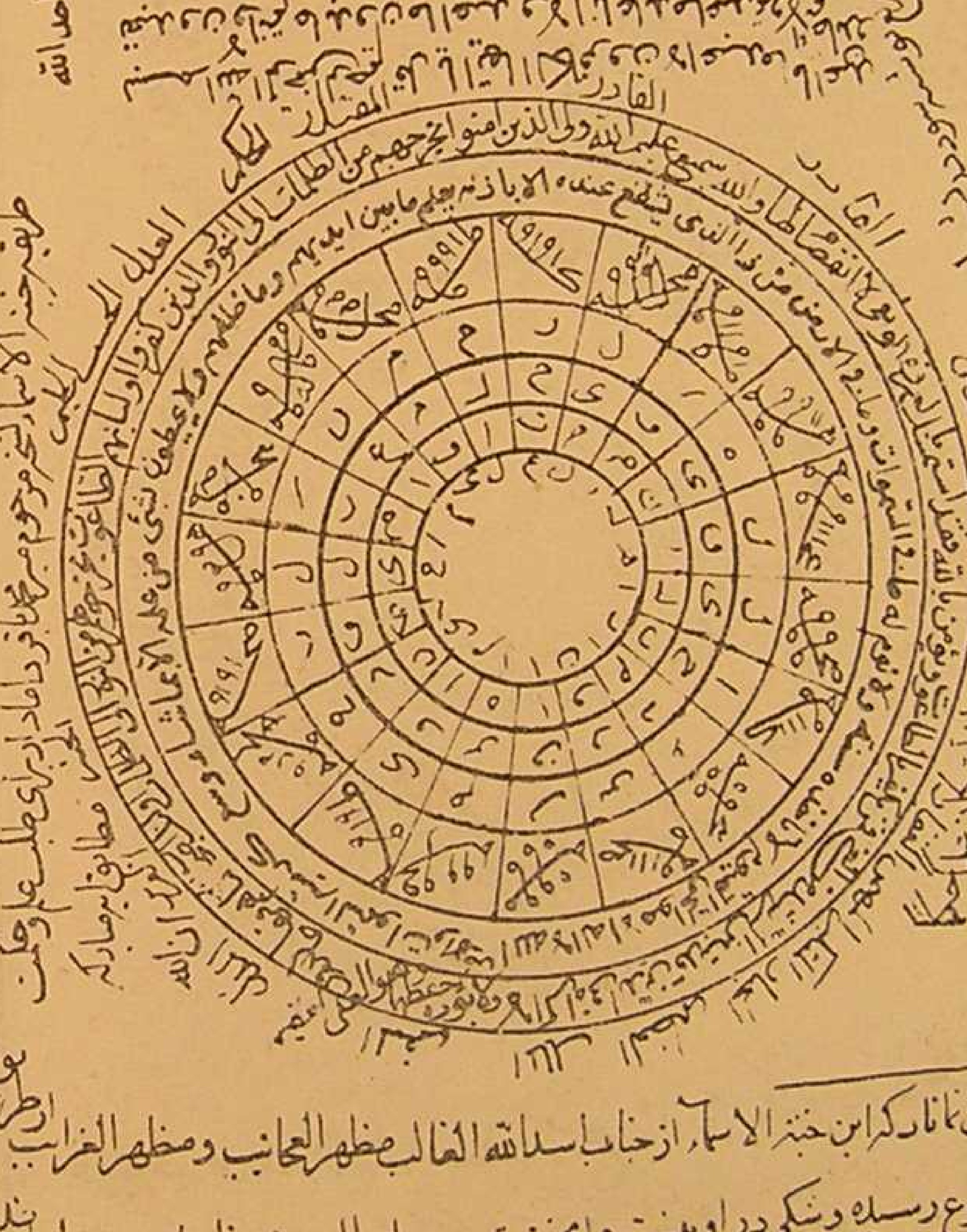
مطابق اسم مبارک غافر الذنب قابل التوب

طریق دیگر در خبء

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد

٥١٣	٤٩٣	٤٨٩	٥٩
٥٣	٤٨٧	٥١١	٤٩٩
٤٩٧	٥٥	٤٩٩	٥٧
	٥٥	٤٩١	٥١٥

بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

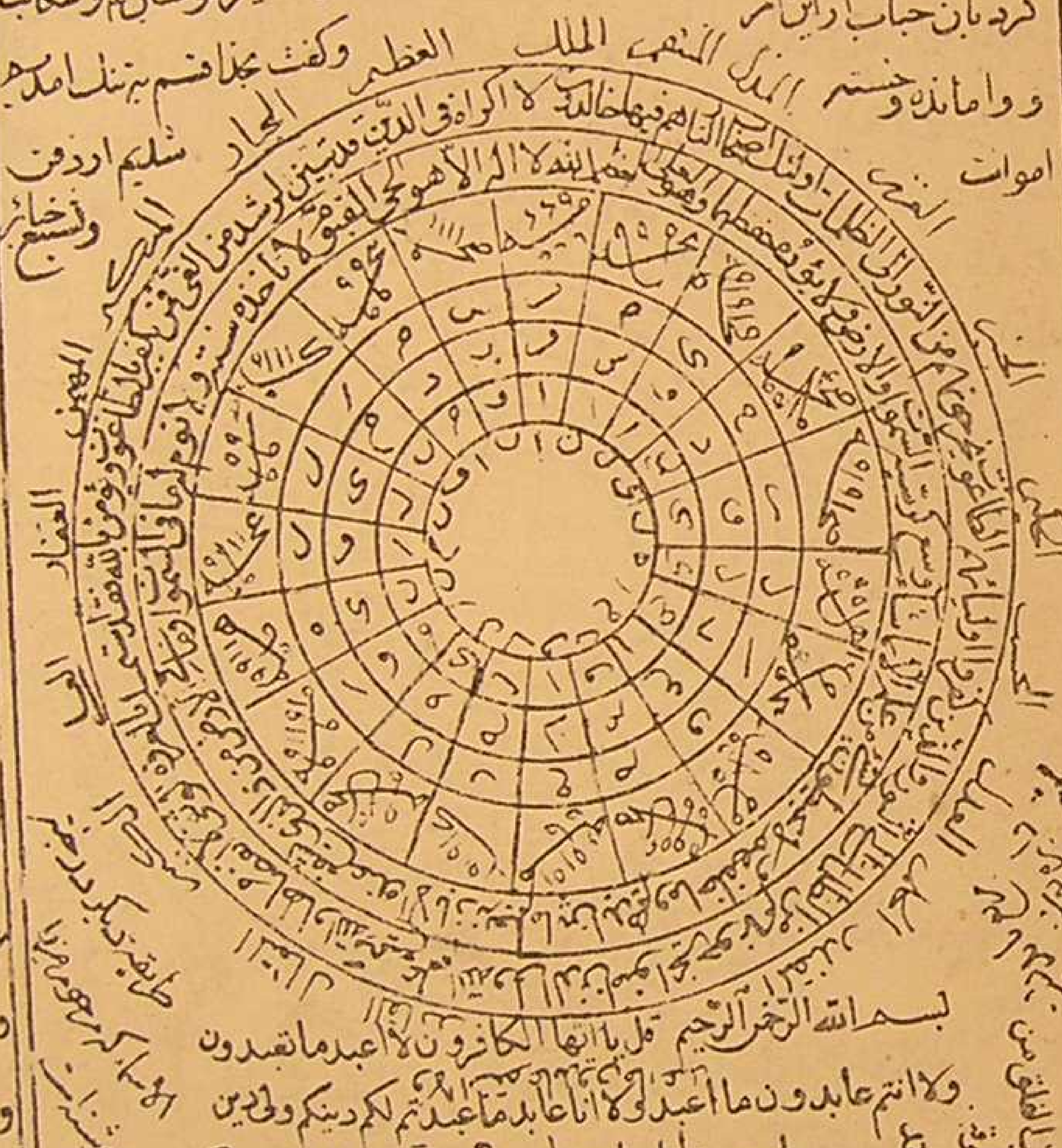


مخفی نماناد که این خبء الاسماء از جناب اسد الله الغالب مظهر العجائب ومظهر الغرائب اطراف شیوع رسیده وشکی در او نیست وآنحضرت در وبا وطاعون عظیمی این خبء را داد که در کوفه وبصره بهمرسیده بود بقسمی که غالب خوانهای این دو شهر واطراف انها

عن ترقیقه... وهذا من الزیادة فی فصل بقراط لان الفلسفة ملک ... اعلم ایها الملک یا اسکندر ان علم الفراسة ... مختصرة وعقد کافیا یغنیک بحسن طبعک وکرم جوهرک عن کثیر ان شاء الله تعالی قد علمت یا اسکندر ان الرحم للجنین فتنة القدر للطبخ فالبیاض مع الزرقة والشقرة الشدیدة دلیل علی قلة النضج واذا انضاف الی نقص الخلقة دلیل نقص الطبع فتحفظ من کل ازرق اشقر او جزانه غرضی خلقه للحقد والخیانة والفتور یا اسکندر فتحفظ من کل ناقص الخلقة وصاحب العاهة فتحفظ من عدوک یا اسکندر واعدل الخلقة الموافقة توسط القامة وسواد الشعر والعینین وغورهما وتدویر الوجه والبیاض المشرب بحمرة او السمرة المعتدلة مع تام الخلقة واعتدال القامة وتوسط الرأس فی الصغر والکبر وقلة الکلام الا عند الحاجة وذلک والتوسط فی جهارة الصوت ودقته والمیل الی النحافة من غیر افراط ومیل تباعد

طریق دیگر در خبء الاسماء

انها خالی مانده بود وکفنه شده که بقسمی شد که علم دفن موتی وزیادتی اموات دفن نشده وهو نیز وطیور مردگان را طعمه خود می‌نمودند وشخصی بود در کوفه از بزرگان اهل کوفه که او را ابا المنذر می‌نامیدند آمد خدمت حضرت امیر المؤمنین وشکایت کرد بآن جناب از این امر وامانده وخسته وگفت که بجان فسم بیت اندام اموات



بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم لکم دینکم ولی دین

ما حفظ یا حافظ

٣١٥	٤٩٣	٤٨٩	٥٥
٥٢	٤٨٧	٤٨٧	٤٥٥
٤٩٧	٥٥	٥٥	٥٧
	٥١٧	٥١٧	٥١٥

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس

در علم قیافه

والصفرة وانا مقسم لک الدلائل علی انفرادها تعرفها انت بصحة نظرک القول فی الشعر الشعر اللین یدل علی الجبن وبرد الدماغ وقلة الفطنة والشعر الخشن یدل علی الشجاعة وصحة الدماغ وکثرة الشعر علی الکتفین یدل علی وحشة الطبع وقلة الفهم وحب الجود والشقرة فی الشعر دلیل علی الحمق وکثرة الغضب والتسلط والشعر الاسود یدل علی الاناة وحب العدل والتوسط علی هذین یدل علی اعتدال الطبع القول فی العین من عظمت عیناه وجحظتا فهو حسود وقح کسلان غیر مامون لا سیما اذا کانتا زرقاوین ومن عیناه متوسطتین الی الحول والکحل والسواد فهو یقظان فهم محب لله ومن کانت عیناه ذاهبتین فی طول الیدین فهو خبیث ومن اشبهت عیناه عیون البهائم فی الجمود وبعد الملاحظة فهو جاهل غلیظ الطبع ومن تحرکت عیناه بسرعة وحدة فهو لص محتال مترقب

طریق دیگر در رجعه

جارها و غزالی گفته عبدالله ابن طاعون در زمان والی بودن اعجاب بود و سلطنت آنحضرت
با در دنیا شیخین بود لکن در بعضی از تواریخ هست که در زمان عمر بن الخطاب طاعون عظیمی شد
علی ای حال ابو المنذر عرض کرد که نسبت تو برادر رسول خدائی و وارث علم اوئی چه شود ما
رحم فرمائید و ما را دعائی بیاموزید که رفع شود یا تخفیف یابد این بلا از مسلمانان
آنحضرت فرمود دعای بسیار از حضرت رسول وارد شده در این نوع اقدام



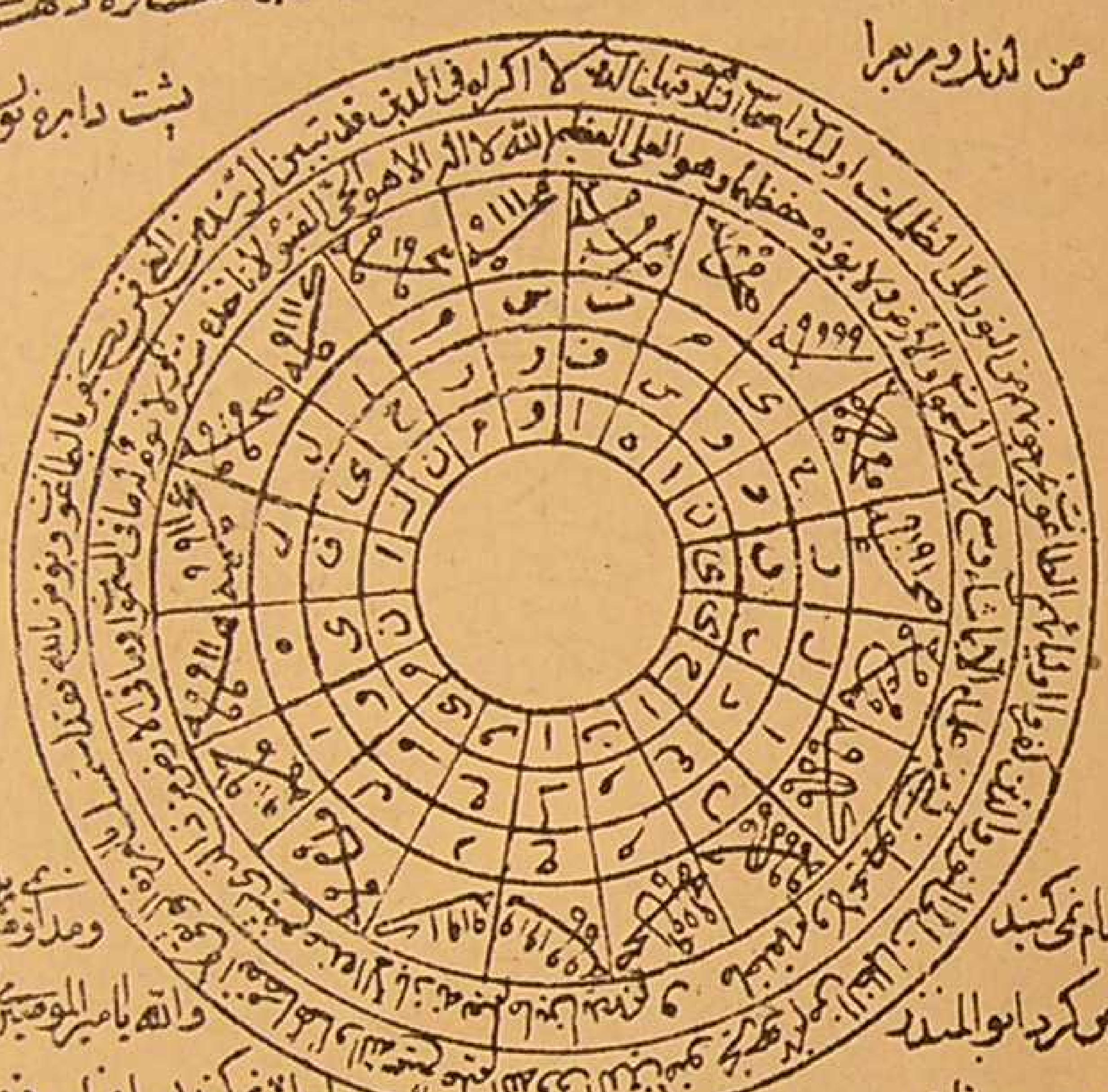
بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق
ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر
حاسد اذا حسد

٥٥	٤٨٩	٤٩٣	٥١٣
٤٩٥	٥١١	٤٨٧	٥٢
٥٧	٤٩٩	٥٥	١٤٩٧
٥١٥	٤٩١	٥١٧	

فی علم ... العیون الزرق ... العین ... الحاجب الکثیر الشعر یدل علی ... فهو ... جاء فی القول فی

در طریق دیگر در خبر الاسباب

نسخه هفتم از خبر الاسما. از میرزا حسین طباطبائی از جهه طلسما ولا ذهب لی
من لدنه مرهرا
پشت دایره نویسد



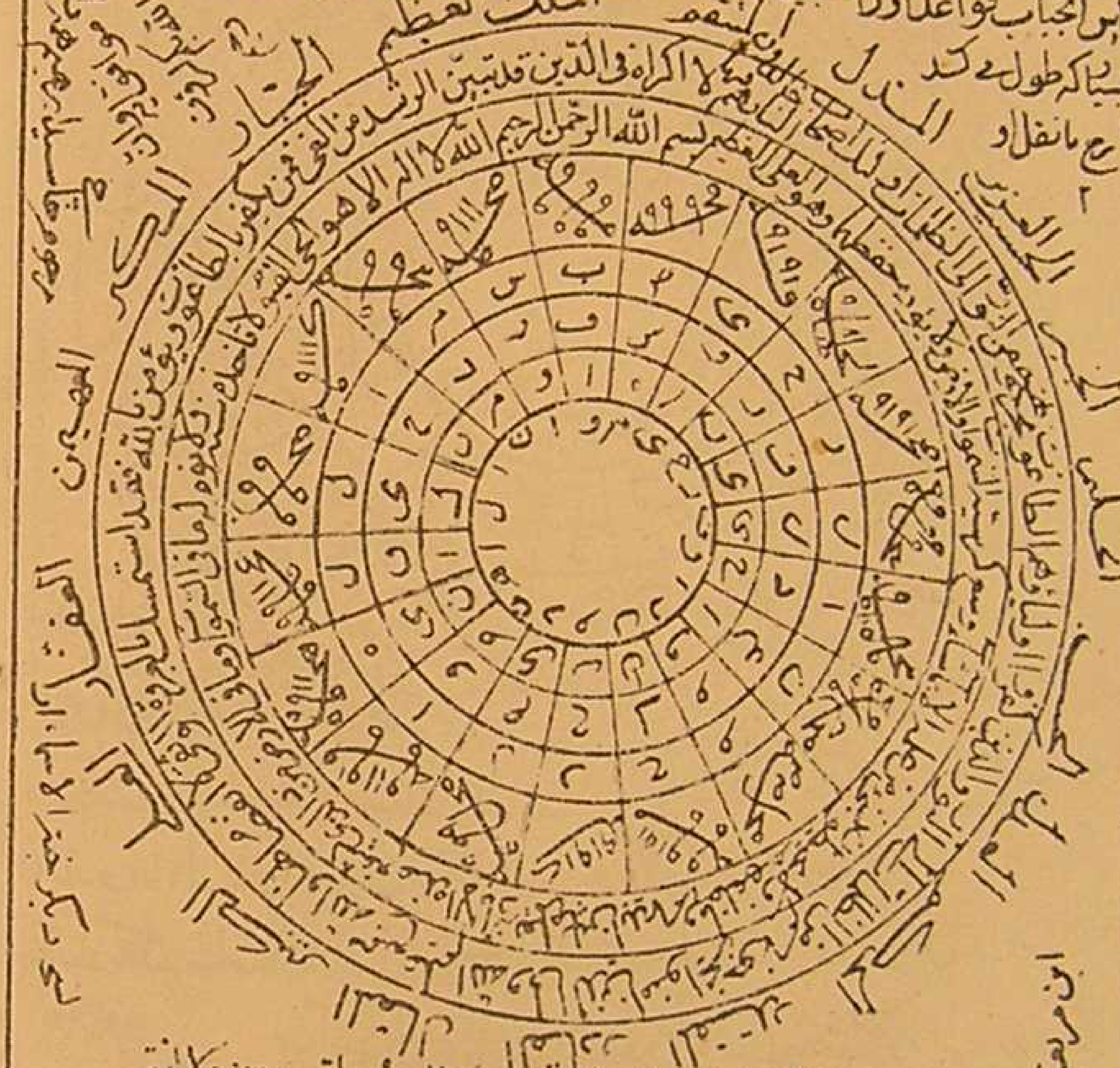
اقدام نمی کنند
عرض کرد ابو المنذر والله یا امیر المؤمنین
در عقب هر نماز و هر وقت از اوقات استجابت دعا و از هم کند این اعجاب فرمود
انا لله وانا الیه راجعون اما استهزاء بدعای کنند یا از نکدرتیات ایشانست عرض
بلکه از نکدرتیات ایشانست پس اعجاب قدری سرمبارک خود را بزمین انداخت و بلند کرد
و فرمود
بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد
ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین

٥٩	٤٨٩	٤١٣	٥١٣
٢٩٥	٥١١	٤٨٧	٥٣
٥٧	٢٩٩	٥٥	٤٩٧
٥١٥	٤٩١	٥١٧	

القول ... والضعیفین ومن کان ... فهو غضوب ... والثانی تدل علی العقل والتدبیر ... الصدق ... فهو غضوب ... البدن ومن ...

دفع سوداء ابا المندر ما را محزون بودی بسبب مقطوع بودن اسباب در مرض اطفال و ضعفا و از مرض سوال
بودی اسم اعظم الهی را واز داب و دیدن مادر سائل نسبت و حال آنکه سوال بودی از
امر بزرگی ذبراسم اعظم الهی را سزاوار نیست ظاهر بودن بجهال پس تر ا تعلیم میکنم بشرط اخفاء و
ابن انجاب قواعد او را بحسب نظم نظام الاثر و کیفیت وضع و حروف او را در استعمال
بسیار کرطول میکند

الملک العظیم



بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم
عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین

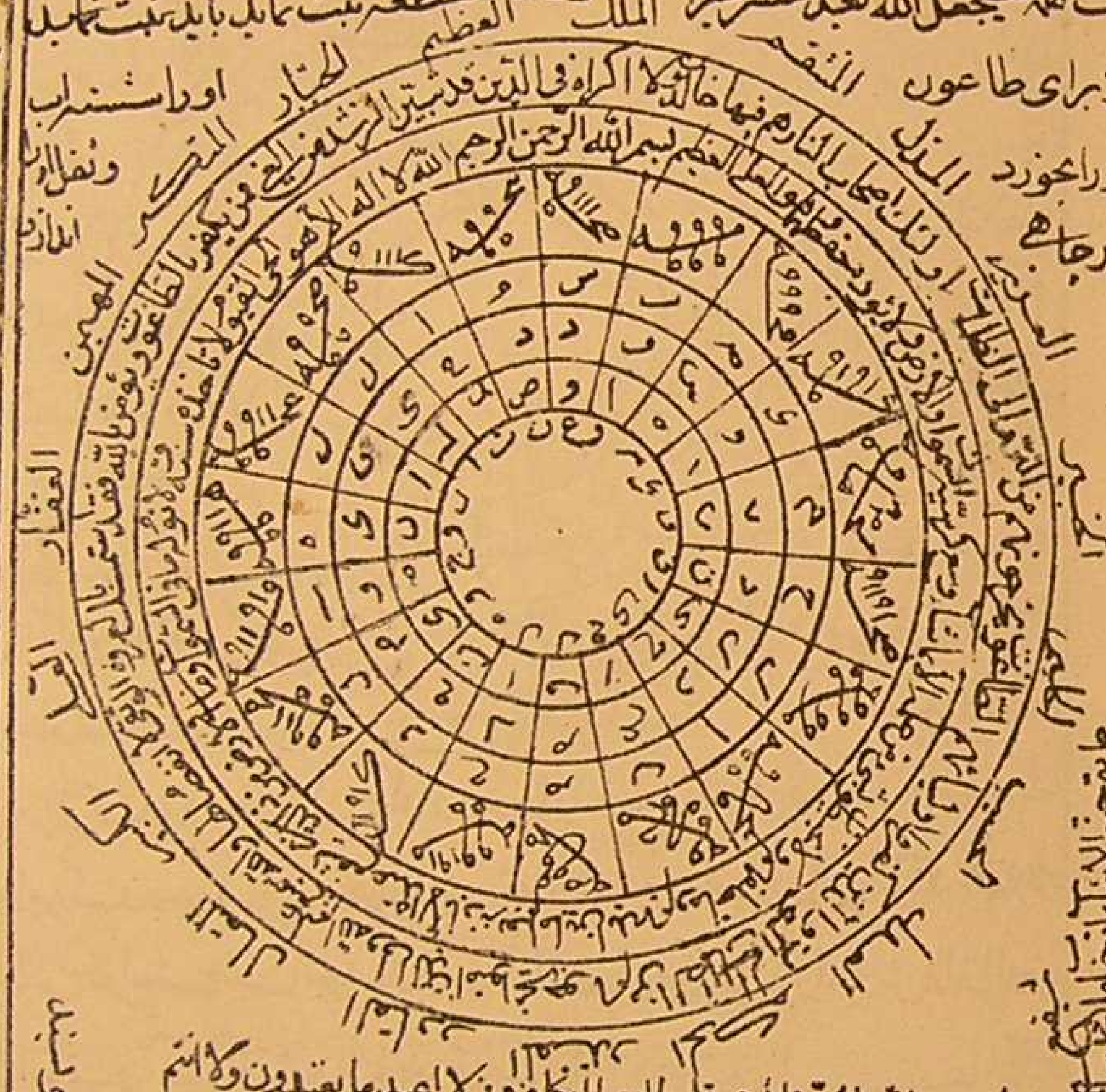
٥٩	٤٨٩	٤٩٣	٥١٣
٤٩٩	٥١١	٤٨٧	٥٣
٥٧	٤٩٩	٥٠	٤٩٦
٥١٥	٤٩١	٥١٧	

بدنه در علم قیافه : ومن قوی
وهو صلف منداو خداع ومن قول
تام العقل مدبر اصیح العقیدة القول
فی الغنی ومن کان غنص رقیقا فهو
صباح احمق جبان ومن کان غنقه
قصیرا فهو مکار خبیثا القول فی البطن
ومن کان کثیر البطن فهو جاهل معجب
محب النکاح ولطافة البدن وضیق
الصدر یدلان علی جودة العقل
وحسن الرای القول فی الظهر
والاکتاف وعریض الظهر والاکتاف
یدلان علی الشجاعة مع خفة العقل
وانحناء الظهر یدل علی شکاسة الخلق
وتراقا الصدر واستواء الظهر علامة
محمودة وبروز الکفین تدل علی سوء
النیة وقبح المذهب القول فی الذراعین
والکف وانا طالت الذراعین حتی
یبلغ الکف الی الرکبة یدل علی الشجاعة
والکرم وانا قصرت الذراعین فضلا
یحب للشر جبان والکف الطویل
مع الاصابع الطویلة تدل علی
التمهد فی الصناعات واحکام الاعمال
تدل علی الریاسة

دفع هود در جمله از آن اسماء از جهت مرض طاعون دایره بکشد و در اول و حروف معجمه را ثبت
نماید و در تحت آن بسم الله را که نوزده حرفست نقل حروف اول در تحت آن اسماء صفات
که فرد حی قیوم حکم عدل قدوس بوده باشد که عدد حروف اینها نیز نوزده حرفست و در
تحت همه سیجعل الله بعد عسر یسرا بحروف مقطعه ثبت نماید باید ثبت نماید

الملک العظیم

از برای طاعون



بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم
عابدون ما اعبد ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم لکم دینکم ولی دین

٥٩	٤٨٩	٤٩٣	٥١٣
٤٩٩	٥١١	٤٨٧	٥٢
٥٧	٤٩٩	٥٠	٤٩٧
٥	٤٩١	٥٧	

در قیافه

وغلظ الاصابع وقصرها یدل
علی الجهل والحمق القول فی القدم
والخو القدم اللحیمة الغلیظة وجه الجود
والقدم الصغیرة اللینة تدل علی الفجور
ودقة العقب تدل علی الفجور ودقة
العقب تدل علی الجبن وغلظه تدل
علی الشجاعة وغلظ الساقین مع العروق
یدل علی الشجاعة الخفة والبلة وکثرة
اللحم فی الورک تدل علی ضعف القوة
والاسترخاء ومن کانت خطاه واسعة
بطیئة فهو منجح فی جمیع اموره واعماله
مفکر فی عواقبه ومن کان خطاه
قصیرة سریعة عجولة فهو شکس عول
غیر محکم فی الامور مستعجل القول
فی الرجل واعتدال الرجل المعتدل
تدل علی الفهم الجیدة الطبع ان یکون
لحم لبنا رطبا متوسطا بین الدقة و
الغلاظة ویکون بین الطویل والقصیر
ابیض مائلا الی الحمرة اسیل الوجه
طویل الشعر بین السبط والجعد والاصهب
الشعر متوسط کبیر العینین الی
الغرور منقبل

الراس فی العظم ... شامل الاکتاف ... وصوته
... استواء ... القلب ولا ... وزر ... ورقة
اللحم فی الصلب ... الاعتدال فی غلظه ...
ضعفه مع الاعتدال ... الاصابع مائل الی
تبط الکف طویل الاصابع والمزاج ...
الربعة قلیل الضحک و ... وبلزمه
یخالط نظو سرور وفرح ... الحکم بدلیل
یا اسکندران لا ... کلها وقتی
واحد ... اجمع ... الی الاقوی
جامع ... متضادة ...
نصب الشاء الله تعالی

اندازند که اب ان نقل بیرون بیاید و نیز فرموده‌اند که از برای مرضی مسلمانی ثم فلتسا از برای
هر دردی والمی بنویسی اسم ان مرض را بزبان بابقلب کذارند که در سر روز شفا یابد
و از جهة وضع کردن اطفال ... العظیم و مصروع بنویس و بشوی و بخور و بیاویز
برسر مجنون و صاحب ... ب و از برای هر دردی
جون مرض معقول ... از ابیاسامد و نقل
از ادجاه کفتن ... اندازد و بابد
باشد ... دزد و قطاع
طریق ... مطالب حق
... نوشت و زعفران
... سفید و حنا
... بسوزاند و بدود
... اسم مبارک را بنویسد
اسماء مبارک ... دایره ثبت شد و در پشت



دایره مربعی بکشد و درخانه اول ۱۲۰۰ کذارد بر رفتار نظم طبیعی با ماجر دو دو و بعد و دران
ان دایره کشد و چهار قل را بر چهار طرف مربع نویسد و در میان دایره ایاتیکه بجهة هر مطلب
از مطالب استخراج شده است بنویسد ایات مناسب از جهة توبه وامرزش غافر الذنب
قابل التوب و انی لغفار لمن تاب وامن و بجهة قبول شدن دعا ادعونی
استجب ایضا فادعوه مخلصین له الدین برای طلب علم و حکمت ان الله کان علیما حکیما
ایضا و یعلمهم الکتاب و الحکمة بجهة فتح و غلبه بر اعداء انا فتحنا لک فتحا مبینا ایضا
و ینصرک الله نصرا عزیزا ایضا بنوید بنصره من یشاء الله و من علینا نصر المؤمنین ایضا
انصرنی بما کذبون جهة جاه و عظمت و قبول نزد سلاطین و عنت الوجوه للحی القیوم
جهة محبت وان الله بکم لرؤف رحیم جهة خلاص از دشمنان نجنی من القوم الظالمین ایضا و نجنا

باب بیست و هفتم در بیان استخارات و طریق انها و اداب سفر از جمله انها استخاره ذات الرقاعست
از حضرت صادق ع مرویست که فرموده هرگاه اراده امری کنی در سر رقعه بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان فلانه افعل و بنویس
و در سر رقعه دیکر همین را بکر بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم
لفلان بن فلانه لا تفعل بعد از ان هر شش رقعه را در زیر مصلای خود بکذارد
و دو رکعت نماز کن و چون از نماز فارغ شوی سجده کن و صد نوبت بکوی استخیر الله
برحمته خیرة فی عافیة و بعد از ان بنشین و بکوی اللهم خر لی و اختر لی فی
جمیع اموری فی یسر منک و عافیة و بعد از ان رقعه ها را بهم زن و یکی یکی بیرون
اور پس اگر سه رقعه متوالی افعل بیرون اید ان کار را بکن و اگر سه رقعه متوالی لا
تفعل بیرون امد ان کار را مکن و اگر یکی افعل بیرون اید و دیگری لا تفعل سه رقعه
دیگر بیرون ار تا پنج رقعه شود پس با کثر ان نظر کن اگر افعل است ان کار را بکن
و اگر لا تفعل است مکن و احتیاج نیست به بیرون اوردن رقعه ششم و از ان جمله
استخاره ایست که اسحق بن عمار از حضرت صادق ع روایت کرده است که گفت با نحضرت
عرض کردم که بسیار می شود که اراده امری می کنم بعضی از مردم می گویند و را بکن و بعضی
از مردم می گویند از امکن انحضرت فرمود هرگاه چنین باشد دو رکعت نماز کن و صد و
یک نوبت بگو استخیر الله و بعد از ان بهر امر یکه عزم تو قرار گیرد بکن که خیر تو در ان است
انشاء الله تعالی اما باید که استخاره تو در عافیت باشد یعنی بگوی که استخیر الله برحمته خیرة
فی عافیة زیرا که بسا باشد خیر مردی در قطع ید او و موت ولد او و ذهاب مال
او باشد پس فی عافیة که بگوید از این بلایا سالم میماند و بعضی دیگر از انها استخاره
که از ائمه علیهم السلم مرویست و ان انست که مستخیر حاجت خود را قصد کند و در کلمه لا حول

در مناجات حضرت امیر المؤمنین
باب ۲۷
در مناجات نثر و نظم اما
نثر این بسیار وارد است بطریق اختصار
احصا بیرون نیست ... و ما ذکر یکی بعضی
از مناجات ... نجات است و
رنیز اگر مناجات ... باخلاص
و خلوص ... از شداید نجات ... تفرع
جون فتح رسد ... امیر المؤمنین
از انجمله مناجات حضرت عسکری
که روایت کرده است حضرت ... ال
الهی اللهم صل علی محمد و
محمد و ارحمنی اذا انقطع من الدنیا
اثری و امتحی من المخلوقین ذکری و
صرت فی المنسیین کمن قد نسی
... و ... جلدی و ...
عظمی ... الهی
... الهی
...
ودرفضل

ودر رقعه دیگر نعم بنویسد و آن دو رقعه را در میان دو گلوله از گل بگذارد وان دو گلوله را در زیر دامن خود گذارد و دو رکعت نماز کند و بعد از ان این دعا را بخواند اللهم انی اشاورک فی امری هذا وانت خیر مستشار ومشیر فاشر علی بما فیه صلاح وحسن عاقبة و بعد از ان یکی را بیرون آورد و اگر نعم بیرون آید ان کار را بکن و اگر لا بیرون آید مکن واز انجمله استخاره ایست که علی بن اسباط با انحضرت مشورت کرد که از راه بیابان بمصر رود یا از راه دریا پس انحضرت با و گفت که در وقت غیر نماز بمسجد پیغمبر رود و دو رکعت نماز کند و صد نوبت بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة انچه بدل تو می افتد بان عمل کن واز انجمله استخاره ایست که ابن فهد در عده خود ذکر کرده است وان این است که با بعضی از برادران مؤمن خود مشورت کن واز خدای تعالی سوال کن که خیر ترا بر زبان او جاری سازد بعد از ان عمل کن بانچه او میگوید و نیز از انجمله استخاره ایست که ابن فهد در موجز خود ذکر کرده که بگشاید مصحف را و نظر کند بانچه در اول است و بان عمل کند واز انجمله استخاره ایست که شیخ طوسی ره در مصباح خود از ائمه علیهم السلام روایت کرده که هر بنده که هفتاد بار این دعای استخاره را بخواند خدا تعالی خیر را در دل او می اندازد وان اینست که یا ابصر الناظرین ویا اسمع السامعین ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الراحمین ویا احکم الحاکمین صل علی محمد واهل بیته وخر لی کذا وکذا واز انجمله استخاره ایست که علامه اعلی الله مقامه در مصباح خود ذکر کرده از حضرت صاحب الامر روایت کرده و طریق ان اینست که ده نوبت الحمد بخواند و بعد از ان ده نوبت قدر بخواند پس سه بار بگوید اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور واستشیرک لحسن ظنی بک فی المامول والمحذور اللهم ان کان الامر الفلانی و نام ان امر را ببرد و بعد از ان بگوید مما قد نیطت

بالبرکة اعجازه وبوادیه وحفت بالکرامة ایامه ولیالیه فخر لی اللهم فیه خیرة ترد شموسه ذلولا وتقعض ایامه سرورا اللهم اما امر فاتمر واما نهی فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة و بعد از ان قطعه از تسبیح را بگیرد و حاجت خود را در خاطر بگذراند و بعد از ان عدد ان قطعه را ملاحظه کند اگر فرد است ان کار را بکند و اگر زوج است ترک کند ابن بابویه علیه الرحمه در کتاب فقیه از حضرت صادق ع روایت کرده که انحضرت فرمود هر گاه کسی را حاجت خفیفی یا چیز سهلی باشد هفت مرتبه استخاره کند و اگر امر عظیمی باشد صد بار استخاره کند و نیز از انحضرت مرویست که کسیکه یکبار استخاره کند و راضی باشد بان خدای تعالی خیر را برای او اختیار میکند و ابن باقی در مصباح خود گفته است که سزاوار انست که کسیکه استخاره می کند در دست او خاتم عقیقی باشد که بران محمد و علی نقش باشد و بعد از ان از دست راست یکی از ان دو رقعه را بر دارد که انچه خیر دنیا و اخرتست بدست او اید و ابن طاوس در کتاب فتح الابواب ذکر کرده که می باید کسیکه استخاره می کند در ان نماز متادب باشد باداب مسکینی که از کسی سوالی کند و در سجود دل خود را متوجه جناب کبریای الهی کند و در سجده بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة و وقتی که سر از سجده بر دارد نیز این قول را بگوید و در اثنای اخذ رقاع و در اثنای استخاره حرف نزند مگر بدعا، سوم زیرا که حرف زدن در ان اثنا ارقلة ادبست و مخالف حدیثست زیرا که حضرت جواد ع بعلی بن اسباط گفت که در اثنای استخاره حرف مزن تا وقت تمام شدن صد نوبت و هر گاه استخاره مخالف مطلب تو باشد ازرده مباش بلکه شکر کن که خدای تعالی ترا اهل ان دانسته است که با و مشورت کنی و شیخ مفید در رساله عربیه گفته است که سزاوار نیست که استخاره کند در چیزی که خدای

تعالی از آن نهی کرده است و در اداء امر واجب نیز استخاره نباید کرد بلکه استخاره در امر مباح و ترک نافله بواسطه اتیان بنافله دیگر که جمع میان هر دو ممکن نباشد مثل حج و جهاد سنتی یا بواسطه زیارت مشهدی دون مشهد دیگر و بواسطه صله برادری دون برادر دیگر توان کرد و نماز استخاره دو رکعتست بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند و قنوت بخواند و چون سلام بدهد حمد و ثنای خدای تعالی بجا آورد و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ بِعِلْمِکَ وَ قُدْرَتِکَ وَ اَسْتَخیرُکَ بِعِزَّتِکَ وَ اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ فَاِنَّکَ تَقْدِرُ وَ لا اَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ وَ لا اَعْلَمُ وَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ هٰذَا الْاَمْرُ الَّذی عَرَضَ لی خَیْراً فی دینی وَ دُنْیایَ وَ آخِرَتی فَیَسِّرْهُ لی وَ بارِکْ لی فیهِ وَ اَعِنّی عَلَیْهِ وَ اِنْ کانَ شَرّاً لی فَاصْرِفْهُ عَنّی وَ اقْضِ لِیَ الْخَیْرَ حَیْثُ کانَ وَ رَضِّنی بِهِ حَتّی لا اُحِبَّ تَعْجیلَ ما اَخَّرْتَ وَ لا تَاْخیرَ ما عَجَّلْتَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ و شیخ طوسی ره در امالی خود ذکر کرده است از علی بن ابی طالب ع که آنحضرت فرمود که چون پیغمبر ص مرا بیمن والی ساخت از جمله وصایای آنحضرت بمن این بود که فرمود یا علی کسیکه استخاره کند حیران و زیانکار و هلاک نمی شود و کسی که در امری مشورت کند پشیمان نمی شود و ادعیه استخاره بسیار است و بهترین آنها دعائی که در ادعیه سر مذکور است و آن اینست که خدای تعالی فرمود ای محمد ص کسی را که در امری پیش آید و خواهد که امری را اختیار کند که نزد من بهتر است باید که در وقتی که اراده آن امر دارد بگوید اَللّٰهُمَّ اخْتَرْ لی بِعِلْمِکَ وَ وَفِّقْنی بِعِلْمِکَ لِرِضاکَ وَ مَحَبَّتِکَ اَللّٰهُمَّ اخْتَرْ لی بِقُدْرَتِکَ وَ جَنِّبْنی بِعِزَّتِکَ مَقْتَکَ وَ سَخَطَکَ اَللّٰهُمَّ فَاخْتَرْ لی فیما اُریدُ مِنْ هٰذَیْنِ الْاَمْرَیْنِ و آن دو امر را نام ببرد و بعد از آن بگوید

اَحَبَّهُما اِلَیْکَ وَ اَرْضاهُما لَکَ وَ اَقْرَبَهُما مِنْکَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالْقُدْرَةِ الَّتی زَوَیْتَ بِها عِلْمَ الْاَشْیاءِ عَنْ جَمیعِ خَلْقِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَغْلِبْ بِالی وَ هَوایَ وَ سَریرَتی وَ عَلانِیَتی بِاَخْذِکَ وَ اسْفَعْ بِناصِیَتی اِلی ما تَراهُ لَکَ رِضیً وَ لی صَلاحاً فیما اَسْتَخیرُکَ حَتّی تُلْزِمَنی مِنْ ذٰلِکَ اَمْراً اَرْضی فیهِ بِحُکْمِکَ وَ اَتَّکِلُ فیهِ عَلی قَضائِکَ وَ اَکْتَفی فیهِ بِقُدْرَتِکَ وَ لا تَقْلِبْنی وَ هَوایَ بِهَوایَ لَکَ مُخالِفٌ وَ لا ما اُریدُ لِما تُریدُ مُجانِبٌ اَغْلِبْ بِقُدْرَتِکَ الَّتی تَقْضی بِها ما اَحْبَبْتَ عَلی ما اَحْبَبْتُ بِهَوایَ هَوایَ وَ یَسِّرْنی لِلْیُسْری الَّتی تَرْضی بِها عَنْ صاحِبِها وَ لا تَخْذُلْنی بَعْدَ تَفْویضی اِلَیْکَ اَمْری بِرَحْمَتِکَ الَّتی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ اَللّٰهُمَّ اَوْقِعْ خِیَرَتَکَ فی قَلْبی وَ افْتَحْ قَلْبی لِلُزُومِها یا کَریمُ آمینَ پس بدرستیکه هرگاه این دعا را بخواند اختیار می کنم برای او منافع آن امر را در دنیا و آخرت و اما ادعیه سفر و آنچه تعلق بآن دارد شیخ مفید ره در کتاب مزار خود گفته که هرگاه اراده سفر کنی از برای زیارت یا غیر آن باید که اختیار کنی روز خوبی را و می باید از روزها روز شنبه یا سه شنبه یا پنجشنبه باشد اما روز شنبه پس در روایت واقع شده است از حضرت صادق ع که فرمود کسیکه اراده سفر کند باید که در روز شنبه سفر کند از جای خود چرا که روز شنبه سنگی از جای خود حرکت کند حق تعالی آنسنگ را بمکان خود برمیگرداند و اما روز سه شنبه پس مرویست از حضرت صادق ع که فرمود سفر کنید در روز سه شنبه و حوائج خود را طلب کنید در آن روز پس بدرستیکه روز سه شنبه روزیست که خدای تعالی آهن را از برای داود نرم کرد در آن روز و اما روز پنجشنبه پس از آنحضرت مرویست که فرمود که حضرت پیغمبر ص با جماعت خود در روز پنجشنبه بغزا میرفت و ظفر می یافت پس کسیکه اراده سفر کند باید در روز

پنجشنبه سفر کند و در این مقام چند فایده متفرقه است که ماخوذ است از کتب معتبره از انجمله از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در روز دوشنبه سفر مکنید و در ان روز طلب حاجت مکنید و جماعتی در روز دوشنبه اراده سفر کردند حضرت صادق علیه السلام بایشان گفت که گویا شما طلب میکنید برکت روز شنبه را کدام روز است شوم‌تر از روز دوشنبه چه در این روز پیغمبر ما صلی الله علیه واله وفات یافت و وحی الهی منقطع شد از ما در این روز بیرون مروید بلکه روز شنبه بیرون روید و این حدیث را ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه و سید عمید الدین در شرح قواعد ذکر کرده اند و شیخ مفید ره در کتاب مزار خود گفته است که پرهیز کنید از سفر کردن در روز دوشنبه زیرا که دوشنبه روزیست که پیغمبر ص در ان روز وفات یافت و در ان روز وحی منقطع شد و امر اهل بیت از ایشان در ان روز بریده شد و حضرت امام حسین ع در ان روز شهید شد و ان روز نحسی است و پرهیز کنید از سفر کردن در روز چهارشنبه زیرا که ارکان اتش جهنم روز چهارشنبه خلق شده است و اسمان طاغیه را خدای تعالی در روز چهارشنبه هلاک ساخت و شیخ مفید ره در مزار خود نهی کرده است از سفر کردن در روز چهارشنبه و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت ابو الحسن ثانی روایت کرده است که کسیکه روز چهارشنبه ماه یا چهارشنبه اخر سال سفر کند بقصد رد قول اهل طیره یعنی بقصد رد قول جمعی که فال بد میزنند از روز سفر کند خدا تعالی نگاه میدارد او را از هر افتی و نجات میدهد او را از هر عاهتی و نیز ابن بابویه در کتاب علل الشرایع گفته است که روز چهارشنبه روز شومی است که مردم او را شوم می دانند در همین کتاب گفته مردی از حضرت امیر المؤمنین ع پرسید از روز چهارشنبه که مردم انرا تفال بد میگیرند و بر مردم ثقیل است کدام روز چهارشنبه است انحضرت فرمود که ان

چهارشنبه اخر ماه است و در این چهارشنبه بود که قابیل برادر خود را کشت و در این روز بود که ابرهیم را باتش انداختند و در این روز بود خدای تعالی فرعون را غرق کرد و در این روز بود خدای تعالی باد را بر قوم عاد فرستاد و در این روز بود که خدای تعالی روز کفره را مثل شب تاریک گردانید و نمرود را هلاک کرد و در این روز فرعون اراده قتل موسی کرد و در این روز امر کرد بقتل پسرانیکه از مادر متولد شدند و در این روز بود که سقف بر سر ایشان خراب شد و در این روز بیت المقدس خراب شد و در این روز مسجد سلیمان در اصطخر فارس سوخت و در این روز یحیی کشته شد و در این روز قوم فرعون بعذاب الهی گرفتار شدند و در این روز قارون بزمین فرو رفت و در این روز ایوب مبتلا بموت اولاد و ذهاب اموال مبتلا شدند و در این روز یوسف داخل زندان شد و در این روز بود که صیحه ایشانرا گرفت و در این روز ناقه صالح را پی کردند و در این روز بود که خدا تعالی بر کفره سنگ بارید و در این روز بود که سر مبارک حضرت پیغمبر ص شکسته شد و دندان رباعیه انحضرت شکست و در این روز عمالقه تابوت را اخذ کردند و در مجمع البیان طبرسی مذکور است که ایام عجوز یکه خدای تعالی در ان ایام قوم عاد را در ان ایام هلاک کرد از صبح روز شنبه بود تا غروب افتاب چهارشنبه دیگر و در کتاب حدیقه ناظره کفعمی مذکور است که روز چهارشنبه سوم و چهارشنبه اخر ماه شوم‌تر است و از ابن عباس منقولست که چهارشنبه اخر ماه روز نحسی است و در مجمع البیان در تفسیر قول خدای تعالی که فرموده است یوم نحس مستمر مذکور است که مراد انست که روز دایم الشومی که مستمر شده بر کفره هفت شب و هشت روز بود تا انکه ایشان هلاک شدند از چهارشنبه تا چهارشنبه است و بعضی گفته اند که مستمر صفت نحس است یعنی عذاب و نحس ایشان مستمر بود در دنیا تا انکه متصل شد بعذاب اخرت و از حضرت

باب ۲۷ در ایام نحس سفر و امور مخصوص سفر

امام محمد باقر ع مرویست که فرمود روز نحس مستمر روز چهارشنبه آخر ماه است و پرهیز کن در
سفر کردن در روز جمعه پیش از نماز جمعه از حضرت امام رضا ع مرویست کسیکه روز جمعه
پیش از نماز سفر کند ایمن نیست از انکه خدای تعالی حفظ نکند او را در سفر و در اهل او
عوض بخیر نگذارد و از فضل خود او را روزی نکند و در روز سیم ماه بسفر بیرون
مرو که روز شومی است چه در این روز لباس ادم و حوا را سلب کردند و در روز چهارم
ماه نیز سفر مکن که بیم ان هست بر کسیکه در این روز سفر کند بلا نازل شود و در
روز پنجم و سیزدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم نیز از سفر کردن پرهیز کن و در روز
بیست و پنجم ماه نیز سفر مکن که در این روز بود که خدای تعالی اهل مصر را با فرعون غرق کرد
پس اگر در یکی از این روزها سفر ضروری پیش اید که مضطر شوی بسفر کردن از خدای
تعالی طلب خیر و سوال سلامتی و عافیت کن و چیزی تصدق کن و اسم خدا را برده بیرون
رو و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده است که در ابتدای سفر
هرگاه یکی از این شش چیز بهر راه مسافر اید ان سفر شوم است اول کلاغی از جانب راست او
بیرون اید و فریاد کند دوم سگی که دنب خود را نثر کند یعنی موی دنب خود را منتشر
سازد چنانچه در حال غضب کند سیم گرگی که بر روی دنب خود نشسته باشد و دنب
خود را گاهی بردارد و گاهی بخواباند و در روی مسافر فریاد کند چهارم اهوئی که از جانب
راست او اید و بجانب چپ او رود پنجم جغدیکه فریاد کند ششم زنیکه موی سیاه و سفید
بهم داشته باشد و فرج خود را بزمین ملصق ساخته باشد و گویا مراد از زنیکه
القاء فرج خود بر زمین کرده است کنایه باشد از زن فاحشه دیگر از ان چیزهائی که
از برای مسافر شوم است آنستکه بهر راه او ماده خرگوشی بریده دم بیاید و هرگاه یکی از این
مذکورات بهر راه مسافر اید و در نفس او بیم رسد باید که بگوید اعتصمت بک

یا رب بما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک تا انکه در حفظ خدای تعالی باشد و از
حضرت پیغمبر ص مرویست که بدترین مردم کسی است که تنها سفر رود و بخشش و یاری
خود را از مردم منع کند و یاری خود را از مردم منع کند و غلام خود را بزند و در وصیت
پیغمبر ص بعلی ع مذکور است که فرمود یا علی تنها بسفر مرو که شیطان با آدم تنها رفیق است
و از دو کس شیطان دورتر است و نیز فرمود که یا علی هرگاه کسی تنها سفر کند غاویست
یعنی گمراه است و دو کس نیز غاویند و سه کس داخل در جماعتند و آنحضرت فرمود
دوسترین صحابه بمن چهار کسند و هرگاه قومی زیاده بر هفت کس شد زیاده نمی‌شود
مگر صدا و گفتگوی ایشان و حضرت کاظم نگاه کرد بسفره که حلقه‌های ان از روی بود فرمود
این حلقه‌ها را بردارید از ان و بجای ان حلقه‌های اهن بگذارید که حشرات الارض چون
مار و گزدم و مور نزد ان نمی‌اید از جمله اداب سفر انستکه چیزهائیکه ضروری
سفر است با خود برداری حتی مقراض حضرت پیغمبر ص فرمود از شرف و بزرگی مرد است
که توشه سفر خود را خوب کند و حضرت امام زین العابدین علیه السلام هرگاه بسفر حج
میرفت از بهترین زاد با خود می‌برد مثل بادام و شکر و سویق شیرین و ترش و از حضرت
صادق ع مرویست که فرمود در وصیت لقمان مر پسر خود را مذکور است که گفت ای پسر
من هرگاه سفر کنی باید با شمشیر و موزه و عمامه و ریسمان و ظرف ابی و خیاط و
درفش سفر کنی و ادویه که ترا و رفقاء ترا نفع دهد با خود برداری و با اصحاب
خود موافقت کن مگر در معصیت خدای تعالی و هرگاه رفقاء تو از تو چیزی طلبند بگوی
نعم یعنی اری و لا مگوی زیرا که کلمه لا جهل و لوم و واماندگیست و هرگاه راه گم
کنید و حیران شوید هم انجا فرود ائید و هرگاه در مقصد خود شک کنید بایستید
و با یکدیگر مشورت کنید و هرگاه یک کس را ببینید از او راه مپرسید و طلب راهنمائی

از او مکیند زیرا که شخص واحد در بیابان جاسوس دزدان یا شیطانی است که می‌خواهد
شما را حیران کند و از دو کس نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی از ایشان بدانید و به بینید چه
عاقل هرگاه چیزی را دید بچشم می‌شناسد و کسیکه حاضر است می‌بیند چیزی را که غایب
نمی‌بیند و هرگاه وقت نماز بیاید تاخیر مکن نماز را نماز خود را بگذار و استراحت کن
و نماز را با جماعت بگذار اگرچه بر سر نیزه باشی و از حضرت صادق ع مرویست که هرگاه
راه را گم کنی باواز بلند بگوی یا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم الله و در روایت
واقع شده است که صالح به بیابان موکل است و بدریا حمزه موکلست و مرویست که هرگاه
راه گم کنید بجانب راست روید و از سعد ابن الرجا منقولست که گفت شبی در راه
مکه از یاران خود دور شدم سرگردان و حیران بودم که ناگاه از عقب خود آوازی
شنیدم از آن آواز ترسیدم گوش دادم کسی قرآن میخواند چون نزدیک من رسید گفت
گمان می‌برم که راه را گم کرده گفتم بلی گفت میخواهی ترا چیزی تعلیم کنم که هرگاه راه را گم کنی چون
بخوانی راه را بیابی و اگر بترسی چون او را بخوانی ترس تو برطرف شود و هرگاه بخواب
شوی اگر بخوانی بخواب روی گفتم بلی گفت بگوی بسم الله ذی الشان عظیم
البرهان شدید السلطان کل یوم هو فی شان اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم ما شاء الله کان و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم راوی گوید
چون این دعا را خواندم ناگاه دیدم که یاران بمن نزدیک شدند چون ایشان را
طلب کردم یافتم و ابو بلال نیز از اهل خود گم شده بود پس چون این دعا را خواند
اهل خود را یافت این روایت را مسعودی نیز در کتاب ادعیه ذکر کرده و هرگاه بیرون
روی سفر باید که وضو بسازی و عمامه بر سر گذاری و تحت الحنک به بندی و چیزی
تصدق کنی و عصای از درخت بادام تلخ برداری و این آیه را بخوانی ولما توجه تلقاء

مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما ورد ماء مدین وجد
علیه امة من الناس یسقون و وجد من دونهم امرأتین تذودان قال ما
خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء و ابونا شیخ کبیر فسقی
لهما ثم تولی الی الظل فقال رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر
فجاءته احدیهما تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوک لیجزیک
اجر ما سقیت لنا فلما جاءه و قص علیه القصص قال لا تخف نجوت
من القوم الظالمین قالت احدیهما یا ابت استاجره ان خیر من استاجرت
القوی الامین قال انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین
علی ان تاجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندک و ما ارید
ان اشق علیک ستجدنی ان شاء الله من الصالحین قال ذلک بینی
و بینک ایما الاجلین قضیت فلا عدوان علی و الله علی ما نقول وکیل
از حضرت پیغمبر ص منقولست که فرمود کسی که سفر رود و عصای از درخت بادام تلخ با خود دارد
و این آیات را بخواند که ولما توجه تلقاء مدین تا آخر الآیات خدای تعالی او را ایمن میسازد
از هر درنده و ضرر رساننده و از هر دزد عدوان کننده و از هر حیوان صاحب زهر
تا بمنزل خود برگردد و آن عصا را بگذارد و هفتاد و هفت ملک با او مرافقت می
کنند و استغفار می‌کنند از برای او تا بمنزل خود عود کند و از حضرت صادق ع منقولست
که فرمود من ضامنم بی شوم از برای کسیکه از خانه خود با اراده سفر بیرون رود در حالتی که
عمامه با حنک بر سر بسته باشد که مال او را دزد نبرد و بآتش نسوزد و بآب غرق نشود
و در روایت وارد شده است که کسی که با وضو از خانه بیرون رود حاجت او روا
می‌شود و صدقه دفع بلای مبرم و دفع مرگ بد می‌کند و از حضرت صادق ع مرویست که

صدقه شب غضب بحمار افرو می نشاند و بهترین صدقه انست که کسی بدی رحم کاشح بکند یعنی دی رحمی که دشمنی با تو دارد و پنهان پیکند از اچنانچه ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال ذکر کرده و باید که در وقت خروج بسفر خاتم عقیق در دست کند و در اول شب سفر نکند بلکه بگذارد بعضی از شب بگذرد در میان راه بواسطه استراحت نزول نکند و در میان رودخانها نزول نکند ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده که انحضرت فرمود خاتم عقیق بدست کنید که مبارکست بر شما و ایمن می شوید از بلا و شخصی شکایت کرد بخدمت حضرت پیغمبر از قطاع الطریق انحضرت فرمود که خاتم عقیق بدست کن که ان نگاه میدارد صاحب خود را از هر بدی و از حضرت صادق مرویست که فرمود انگشتر عقیق حرز است در سفر و مرویست که مردی بر حضرت صادق گذشت و مردم حاکم با او بودند چون تدری گذشت انحضرت انگشتر عقیق فرمود در عقب او بردند بواسطه انگشتر عقیق از والی باو مکروهی نرسید و در اول شب سفر کردن منهی است زیرا که حشرات الارض و درنده ها در اول شب در روی زمین پهن میشوند و ادلاج مامور به است یعنی سفر کردن در وسط شب زیرا که حضرت پیغمبر فرمود که بر شما باد که بعضی از شب بگذرد سفر کنید زیرا که دران وقت نوردیده می شود از زمین ان چیز بکه در روز نوردیده نمیشود باب ۲ در ادعیه مسافر و از پیغمبر و ائمه مرویست که هرگاه اراده بیرون رفتن کنی اهل خود را جمع کن و دو رکعت نماز کن و بعد از ان بگو اللهم انی استودعك الساعة نفسی و اهلی و دینی و ذریتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمة عملی اللهم احفظ الشاهد منا و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارك اللهم لا تسلبنا نعمتك

در مناجات

وطالبات اللیالی وباقیاتها الهی افضل ما جوناه من نور هدایتك درجات ترقی بها الی ما عرفتنا من رحمتك الهی کیف نفرح بصحبة الدنیا صدورنا وکیف تلتئم فی غمراتها امورنا وکیف یخلص لنا فیها سرورنا وکیف یملکنا باللهو واللعب غرورنا وقد دعتنا باقتراب الاجال قبورنا الهی کیف نبتهج فی دار حفرت لنا فیها حفائر مصرعها وفتلت بایدی المنایا حبائل غدرها وجرعتنا مکرهین جرع مرارتها ودلتنا النفس علی انقطاع عیشها ولولا ما اصغت الیه هذه النفوس من رقائق لذتها وافتتانها بالفانیات من فواحش زینتها الهی فالیك نلتجی من مکائد خدعتها وبك نستعین علی عبور قنطرتها وبك نستفطم الجوارح عن اخلاف شهوتها وبك نستکشف جلابیب حیرتها وبك تقوم من القلوب استصعاب جماحها الهی

ولا تغیر ما بنا من نعمتك و عافیتك و فضلك پس هرگاه اسدعار ابخواند خدا تعالی مطلب او را مید هد بعد از ان بگوی یا مولای انقطع الرجاء الا منك و خابت الامال الا فیك اسئلك الهی بحق من حقه واجب علیك ممن جعلت له الحق عندك ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و بعد از ان دعای سحر را بخوان پس سه بار بگوی محمد رسول الله امامی و علی ورائی و فاطمة فوق راسی و الحسن عن یمینی و الحسین عن یساری و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة علیهم السلام حولی الهی ما خلقت خلقا خیرا منهم فاجعل صلوتی بهم مقبولة و دعوتی بهم مستجابة و حوائجی بهم مقضیة و ذنوبی بهم مغفورة و آفاتی بهم مدفوعة و اعدائی بهم مقهورة و ارزاقی بهم مبسوطة اللهم صل علی محمد و آل محمد پس کلمات فرج را بخوان این دعای سفر دعای جلیل القدر و عظیم الشان است قدر او را بدان زیرا که بواسطه ان ایمن میکرداند خدای تعالی مسافر را چنانچه شیخ حسین در کتاب عهده ذکر کرده است از حضرت کاظم مرویست که کسیکه تنها بسفر رود باید که بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و اد غیبتی پس بگو حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی اسئلك خیر اموری کلها و اعوذ بك من خزی الدنیا و عذاب الآخرة پس بگوی اعوذ بما عاذت به ملائکة الله من شر هذا الیوم الجدید الذی اذا غابت شمسه لم تعد من شر نفسی و من شر غیری و من شر الشیاطین و من شر من نصب لاولیاء الله و من شر الجن و الانس و من شر السباع و الهوام و من شر رکوب المحارم کلها اجیر نفسی بالله من کل سوء از حضرت امام محمد باقر مرویست

در مناجات

کیف یتمتع من فیها من طوارق الکدور وبوائق ... وقد اصیب ... سهم المنایا الهی ما تنعم ... من الغفلة عن الدار ... فما للنعم من مرافقة الابرار الهی ما نصرنا فرقة الاخوان والقرابات ان قربتنا منك یا ذا العطیات الهی ما تحجت من ماء الرجاء مجاری لهواتنا ان لم تعم طیر الاشائم بحیاض رغباتنا الهی ان عذبتنی فعبد خلقته لما اردته فعذبته وان رحمتنی فعبد وجدته مسیئا فانجیته الهی لا سبیل لی الی الاحتراس من الذنب الا بعصمتك ولا وصول الی عمل الخیرات الا بمشیتك فکیف لی بافادة ما اسلفتنی فیه مشیتك وکیف لی بالاحتراس من الذنب ما لم تدرکنی فیه عصمتك الهی انت دللتنی علی سؤال الجنة قبل معرفتها فاقبلت النفس بعد العرفان علی مسئلتها افتدل علی خیرك

که کسیکه از خانه خود بیرون رود در وقت بیرون رفتن بگوید استعاذه را خدای تعالی او را امر زند و مهم او را کفایت می کند و توبه او را قبول می کند و او را از بدیها مانع می شود و از شر نگاه میدارد چنانچه ابن فهد در عده روایت کرده از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه در وقت بیرون رفتن از خانه خود ده بار سوره توحید بخواند همیشه در حفظ و نگهبانی خدای تعالی است تا وقتی که بخانه خود برگردد و از حضرت صادق ع مرویست که پیغمبر هرگاه مسافر را وداع می کرد دست او را میگرفت و میگفت أَحْسَنَ اللهُ لَكَ الصَّحَابَةَ وَأَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَسَهَّلَ لَكَ الْحُزُونَةَ وَقَرَّبَ لَكَ الْبَعِيدَ وَكَفَاكَ الْمُهِمَّ وَحَفِظَ لَكَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ بِكُلِّ خَيْرٍ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللهِ أَسْتَوْدِعُ اللهَ نَفْسَكَ سِرْ عَلَى بَرَكَةِ اللهِ وَسُنَّةِ اللهِ و کسیکه از حج می آید بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ يَسَّرَ سَبِيلَكَ وَهَدَى دَلِيلَكَ وَقَدْ أَقْدَمَكَ بِحَالِ عَافِيَةٍ وَقَدْ قَضَى الْحَجَّ وَأَعَانَ عَلَى السَّفَرِ يَقْبَلُ اللهُ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَجَعَلَهَا حَجَّةً مَبْرُورَةً وَلِذُنُوبِكَ طَهُوراً این روایت را شهید ذکر نموده و هرگاه پای خود را بواسطه بیرون رفتن بسفر بر در خانه بگذاری بگو بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ پس بر در خانه بایست و روی خود را بطرفی کن که بآن طرف متوجه می شوی و فاتحه و آیة الکرسی بخوان از پیش روی و از جانب راست و از جانب چپ خود و بعد از آن بگوی اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِي بَلِّغْنَا بَلَاغاً حَسَناً جَمِيلاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و هرگاه سوار شوی بگو الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَمَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ و در حال سیر و رفتن بگوی

اللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَأَحْسِنْ مَسِيرَنَا وَأَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا وَأَكْثِرْ مِنَ التَّحْمِيدِ وَالتَّكْبِيرِ وَالْاسْتِغْفَارِ و بسیار تحمید و تکبیر الهی بگوی و استغفار بسیار بکن و هرگاه بر بلندی بالا روی یا بجوی ای برسی بگو لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَكَ الشَّرَفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ و هرگاه بر پلی برسی در وقتی که قدم بر آن پل مینهی بگوی بِسْمِ اللهِ اللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ و هرگاه مشرف شوی بر دهی یا شهری که خواهی داخل در آن شوی بگو اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقَلَّتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَتْ وَرَبَّ الْبِحَارِ وَمَا جَرَتْ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا اللّٰهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا كَانَ فِيهَا مِنْ يُسْرٍ وَأَعِنِّي عَلَى حَاجَتِي يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ وَيَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً و هرگاه از درنده یا جانور مثل مار و عقرب و امثال آن بترسی دعائی که در ادعیه السر وارد است بخوان و آن این است که خدای تعالی فرموده ای محمد هر که بترسد از درنده یا صاحب زهری باید که در آن مکانی که می ترسد این دعا را بخواند يَا ذَارِئَ مَا فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا بِعِلْمِكَ بِكَوْنِ مَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَأْتَ وَلَكَ السُّلْطَانُ الْقَاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ دُونَكَ يَا عَزِيزُ يَا مَنِيعُ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَضُرُّ مِنْ سَبُعٍ أَوْ هَامَّةٍ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ ادْرَأْهَا عَنِّي وَاحْجُزْهَا وَلَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ وَعَافِنِي يَا رَحِيمُ مِنْ شَرِّهَا وَبَأْسِهَا يَا اللهُ ذَا الْعِلْمِ الْعَظِيمِ حُطْنِي وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ مِنْ مَخَاوِفِي يَا كَرِيمُ پس بدرستیکه هرگاه این دعا را بخواند ضرر نمیرساند باو چیزی از جنبندهای زمین خواه آن جنبنده دیده شود یا نشود و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه ذکر کرده است

کر کسیکه در وقت فرود آمدن در منزل بگوید رَبِّ اَنْزِلْنِی مُنْزَلاً مُبَارَکًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ خیر آن مکان روزی او می شود و شر آن مکان از او دفع میشود و بعد از آن دو رکعت نماز کند و هرگاه خواهی از آنجا کوچ کنی دو رکعت نماز کن و خدای تعالی را بواسطه حفظ و نگهبانی خود بخوان و آن منزل و اهل او را وداع کن زیرا که هر موضعی را اهل است از ملائکه و باین روش وداع کن اَلسَّلاَمُ عَلَی مَلاَئِکَةِ اللّٰهِ الْحَافِظِینَ اَلسَّلاَمُ عَلَیْنَا وَعَلَی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِینَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ و از جمله ادعیه سرایت کرای محمدیه کسیکه غایب باشد و دوست دارد که باقضاء حوائج بر سلامت او را بمنزل او رسانم باید که در غربت این دعا را بخواند یَا جَامِعَ بَیْنَ اَهْلِ الْجَنَّةِ مَعًا عَلَی تَآلُفٍ مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ تَوَاصُلٍ فِی الْمَحَبَّةِ وَیَا جَامِعَ بَیْنَ طَاعَتِهِ وَبَیْنَ مَنْ خَلَقَهُ لَهَا وَیَا مُفَرِّجَ عَنْ کُلِّ مَحْزُونٍ وَیَا مُوئِلَ کُلِّ غَرِیبٍ وَیَا رَاحِمِی فِی غُرْبَتِی بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْکَلاَئَةِ وَالْمَعُونَةِ وَیَا مُفَرِّجَ مَا بِی مِنَ الضِّیقِ وَالْحُزْنِ بِالْجَمْعِ بَیْنِی وَبَیْنَ اَحِبَّتِی وَیَا مُؤَلِّفَ بَیْنَ الْاَحِبَّاءِ لاَ تَفْجَعْنِی بِانْقِطَاعِ اَوْبَةِ اَهْلِی وَوُلْدِی عَنِّی وَلاَ تَفْجَعْ اَهْلِی بِانْقِطَاعِ اَوْبَتِی عَنْهُمْ بِکُلِّ مَسَائِلِکَ اَدْعُوکَ فَاسْتَجِبْ لِی بِذَلِکَ دُعَائِی اِیَّاکَ فَارْحَمْنِی یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ پس بدرستیکه کسیکه این دعا را بخواند من در غربت انیس او می شوم و اهل او را حفظ می کنم و او را بسلامت با قضای حاجت او بمنزل او میرسانم در روایت وارد شده است که هرگاه ترسی تو از دشمن یا از دزد در بیابان یا در دریا این دعا را بخوان یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا مَنْ هُوَ هُوَ یَا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ اِلاَّ هُوَ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا حَیًّا حِینَ لاَ یَمُوتُ لاَ اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ یَا لاَ اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرَارِ الْهُدَاةِ الطَّاهِرِینَ وَکُنْ لِفُلاَنِ بْنِ فُلاَنٍ دِرْعًا حَصِینًا و

حَصِینًا مَنِیعًا یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ و در کتاب بلد الامین کفعمی مذکور است که اسم الحفیظ را اگر کسی بعدد آن که نهصد و نود و هشت بخواند اگرچه در محل درندها بوده باشد ضرری نرسد و آن امانست از غرق شدن و بسیار سریع الاجابه است از برای جمعیکه در سفرها می ترسند و ذاکر این اسم از آفات محفوظ است انشاء الله تعالی و در کتاب طریق النجاة مذکور است که هرگاه اراده سفر کنی مقداری از خاک بلد خود را با خود برداری و هرگاه متغیر شود بر تو آبی از آن خاک اندکی در آن آب بریز و بیاشام که موافق مزاج و مراد تو می شود و چیزی از تربت امام حسین ع نیز با خود بردار که خدای تعالی ترا بسبب آن نگاه میدارد از مخاوف بر و بحر زیرا که جمعی از معتمدان مرا خبر کردند که جمعی در دریا بودند که باد سختی وزید چنانچه جمیع آنها ترسیدند که غرق شوند شخصی از ایشان اندکی از تربت امام حسین ع انداخت فی الحال باذن الله تعالی موج دریا ساکن شد و کفعمی گوید که قریب بیست دریا با تاجر بکشتی نشستم با جماعتی ناگاه دریا هیجان آمد چنانچه گمان کردیم غرق خواهیم شد و با من چیزی از تربت حسینی بود از آن بدریا انداختم باذن الله تعالی موج و هیجان او ساکن شد و کشتی از ما دور تر با بدکی اتفاق افتاد که غرق شد با هر چیزیکه در آن بود غیر از دو مرد که بیک تخته پاره نجات یافتند

باب ۹ در بیان زیارات و انهار از کتب متعدده و مظان معتبره جمع کردیم و ابتدا می کنیم ما بزیارت سید بشر و شفیع روز محشر فرستاده شده بدین ابیض و کتاب انور بسوی اسود و احمر حضرت محمد خاتم النبیین و سید المرسلین بدانکه سنت مؤکد زیارت پیغمبر است از برای حاج و غیر حاج و هرگاه مردم ترک کنند زیارت آنحضرت را امام جبر کند ایشان را بر آن زیرا که آنحضرت فرموده است کسیکه در مکه بیاید بجهت حج یا عمره و مرا زیارت نکند بر من جفا کرده است بمن و من نیز روز قیامت بر او جفا می کنم و کسیکه زیارت

من اید واجب شو از برای او شفاعت من و کسیکه شفاعت من برای او واجب شود واجب
شود برای او بهشت و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه بعد از مرگ من قبر مرا زیارت کند
مثل انست که در زمان حیات من بسوی من مهاجرت کرده است و اگر قدرت بر آمدن نداشته
باشد سلام بفرستد بسوی من که سلام شما بمن میرسد و نیز آنحضرت صلعم بجناب امام حسین ع
فرمود که کسی که زیارت من کند در زندگی یا مرده گی یا زیارت پدر تو کند یا برادر ترا
زیارت کند یا ترا زیارت کند واجبست که در روز قیامت او را زیارت کنم تا او را از گناهان
پاک کنم این روایت شیخ شهید در دروس ذکر کرده است و سنتست غسل کردن برای زیارت
و سنتست این دعا را که از حضرت صادق ع روایت شده در غسل زیارت بخواند و آن اینست
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُوراً وَطَهُوراً وَرَحْمَةً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ
وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَسَهِّلْ بِهِ أَمْرِي
و چون اراده کنی دخول در روضه آنحضرت یا در روضه یکی از مشاهد ائمه علیهم السلام
باید اذن دخول بطلبی و بگوئی اَللّٰهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ
حُرْمَةَ صَاحِبِ هٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ
رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرَوْنَ مَقَامِي وَ
يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ
بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَأَسْتَأْذِنُ
رَسُولَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَسْتَأْذِنُ ثَانِياً خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ
عَلَيَّ طَاعَتُهُ و چون به الامام المفروض طاعته برسد اسم آن امام را که زیارت او را

من المناجات

وأغضبك بها وأرضيك وجعلت لي من نفسي داعية الى الشهوات و اسكنتني دارا قد ملئت من الآفات ثم قلت لي انزجر فبك انزجر وبك اعتصم وبك استجير وبك احترز و استوفقك لما يرضيك واسئلك يا مولاي فان سؤالي لا يحفيك الهي ادعوك دعاء ملح لا يمل دعاء مولاه وانضرع اليك تضرع من قد اقر على نفسه بالحجة في دعوة الهي لو عرفت اعتذارا من الذنب في التنصل ابلغ من الاعتراف به لاتيته فهب لي ذنبي بالاعتراف ولا تردني بالخيبة عند الانصراف الهي سعت نفسي اليك لنفسي تستوهبها وفتحت افواه نحو نظرة منك لا تستوجبها فهب لي ما سألت وجد علي بما طلبت فانك اكرم الاكرمين بتحقيق امل الآملين الهي قد اصبت من الذنوب ما قد عرفت واسرفت على نفسي بما قد علمت فاجعلني عبدا اما طائعا فاكرمته واما عاصيا

می بری و اسم پدر او را ذکر کن و بعد از آن بگو وَالْمَلَائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ
الْمُبَارَكَةِ ثَالِثاً أَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللهِ أَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللهِ أَأَدْخُلُ يَا
مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هٰذَا الْمَشْهَدِ فَأْذَنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ
مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذٰلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لَهُ و بعد
از اتمام دعاء عتبه مبارکه را ببوس و داخل شو و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ
اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي
وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ پس بایست نزد سر مبارک پیغمبر ص و روی
بقبله کن و بگوی آنچه را که شیخ طوسی در کتاب متهجد خود ذکر کرده است و آن اینست
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ
رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً
حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ
الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَغَ اللهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ
مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ
صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيبِكَ
وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ
الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ
الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ

وجنته الهي كأني بنفسي قد اضجعت في حفرتها وانصرف عنها المشيعون من جيرتها وبكى الغريب عليها لغربتها وجاد بالدموع عليها المشفقون من عشيرتها وناداها من شفير القبر ذو مودتها ورحمها المعادي لها في الحيوة عند صرعتها ولم يخف على الناظرين اليها عند ذلك ضر فاقتها ولا على من رآها قد توسدت الثرى عجز حيلتها فقلت ملائكتي فريد نأى عنه الاقربون ووحيد جفاه الاهلون نزل بي قريبا واصبح في اللحد غريبا وقد كان لي في دار الدنيا داعيا ولنظري اليه في هذا اليوم راجيا فتحسن عند ذلك ضيافتي وتكون ارحم بي من اهلي وقرابتي الهي لو طبقت ذنوبي ما بين السماء الى الارض وخرقت النجوم وبلغت اسفل الثرى ما ردني اليأس عن توقع غفرانك ولا صرفني القنوط عن ابتغاء رضوانك الهي عودتك

فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما والی اتیتک مستغفرا تائبا من ذنوبی وانی اتوجه بک الی الله ربی وربک لیغفر ذنوبی واگر حاجتی باشد قبر آنحضرت را در عقب خود بگیر و رو بقبله کن و هر دو دست خود را بردار و حاجت خود را بخواه که روا می شود ان شاء الله تعالی زیارت دیگر آنحضرت که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است السلام علیک یا رسول الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا حجة الله اشهد انک قد نصحت لامتک وجاهدت فی سبیل الله وعبدته مخلصا حتی اتیک الیقین فجزاک الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد وآل محمد افضل ما صلیت علی ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید مجید ونکو اسأل الله الذی اجتباک واختارک وهدی بک ان یصلی علیک ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما زیارت دیگر آنحضرت السلام علی رسول الله وامین الله علی وحیه وعزائم امره الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل والمهیمن علی ذلک کله ورحمة الله وبرکاته السلام علی صاحب السکینة السلام علی المدفون بالمدینة السلام علی المنصور المؤید السلام علی ابی القاسم محمد ورحمة الله وبرکاته ودر وداع آنحضرت بگو اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة نبیک فان توفیتنی قبل ذلک فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد علیه فی حیاتی ان لا اله الا انت وان محمدا عبدک ورسولک وانک قد اخترته من خلقک ثم اخترت من اهل بیته الائمة الطاهرین الذین اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهیرا فاحشرنا معهم وفی زمرتهم وتحت لوائهم ولا تفرق

بیننا وبینهم فی الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین و سنتست زیارت حضرت ابرهیم ولد پیغمبر و زیارت عبدالله بن جعفر و زیارت فاطمه بنت اسد مادر حضرت امیر المؤمنین و زیارت کسانیکه در بقیع مدفونند از صحابه و تابعین چنانچه شیخ شهید ره در دروس ذکر کرده و زیارت حمزه و شهداء احد لااقل بگوید السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار انتم لنا فرط وانا بکم لاحقون بدانکه اختلاف واقع شده است در قبر حضرت فاطمه بعضی گفته اند که آنحضرت در روضه مدفون است یعنی میان قبر پیغمبر و منبر او و بعضی گفته اند که در حجره خود مدفون است و بعضی گفته اند که در بقیع مدفون است واکثر اصحاب امامیه برانند که در روضه آنحضرت را زیارت کند و اگر کسی در هر سه موضع آنحضرت را زیارت کند احوط است چنانچه شیخ طبرسی در مختصر مصباح ذکر کرده است و از حضرت صدیقه کبری حضرت زهرا مرویست که پدرم مرا خبر داد که کسیکه بر تو و بر او سلام کند بهشت از برای او واجب شود پرسیدند از آنحضرت که در حیات شما است این سلام فرمود بلی در حیات ما و بعد از وفات ما و بهتر انست که باین طریق آنحضرت را زیارت کند السلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک یا بنت خلیل الله السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک یا بنت خیر خلق الله السلام علیک ایتها المعصومة المظلومة السلام علیک ایتها المحدثة العلیمة اشهد الله ورسوله وملائکته انی راض عمن رضیت عنه ساخط علی من سخطت علیه متبرئ عمن تبرأت منه موال لمن والیت ومعاد لمن عادیت مبغض لمن ابغضت محب لمن احببت وکفی بالله شهیدا وحسیبا وجازیا ومثیبا پس صلوات بفرست بر پیغمبر

در زیارت ائمه علیهم السلام اما زیارت ائمه اربعه که در بقیع مدفونند از حضرت امام حسن
عسکری ع مرویست که کسیکه زیارت کند امام محمد باقر و امام جعفر صادق ع را چشمهای
او بدرد نمی آید و بیماری باو نمیرسد و نمی میرد در حالتیکه مبتلا بمرضی باشد و حضرت
صادق ع می فرماید کسیکه زیارت کند مرا البته گناهان او امرزیده می شود و فقیر نمی میرد
و از حضرت امام رضا ع مرویست که هر امامی را در گردن شیعه و اولیای او عهدیست و از تمامی
وفای بعهد او و حسن ادای آن زیارت قبر اوست پس کسیکه زیارت قبر ایشان کند بواسطه
رغبت در زیارت ایشان و تصدیق انچیزیکه رغبت دارند در ان ائمه ایشان در روز قیامت
شفعای ایشان خواهند بود پس سزاوار انست که بخصوص بزیارت این چهار بزرگوار بروند
و این روایت را شهید در دروس ذکر کرده پس هرگاه خواهی زیارت کنی حضرت امام حسن ع
و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام را باید که غسل زیارت
کنی و بعد از ان قبر ایشان را در پیش روی خود گیری و بگوی السَّلامُ عَلَیکُم یا خُزّانَ
عِلمِ اللهِ وَحَفَظَةَ سِرِّهِ وَتَراجِمَةَ وَحیِهِ أَتَیتُکُم یا بَنی رَسُولِ اللهِ عارِفاً
بِحَقِّکُم مُستَبصِراً بِشَأنِکُم مُعادِیاً لِأَعدائِکُم مُوالِیاً لِأَولِیائِکُم بِأَبی أَنتُم
وَأُمّی صَلَّی اللهُ عَلی أَرواحِکُم وَأَبدانِکُم اللّهُمَّ إِنّی أَتَوَلّی آخِرَهُم کَما
تَوَلَّیتُ أَوَّلَهُم وَأَبرَأُ مِن کُلِّ وَلیجَةٍ دُونَهُم آمَنتُ بِاللهِ وَکَفَرتُ بِالجِبتِ وَ
الطّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالعُزّی وَکُلِّ نِدٍّ یُدعی مِن دُونِ اللهِ و وداع ایشان علیهم
السلام السَّلامُ عَلَیکُم أَئِمَّةَ الهُدی وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ أَستَودِعُکُمُ اللهَ
وَأَقرَأُ عَلَیکُمُ السَّلامَ آمَنّا بِاللهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئتُم بِهِ وَدَلَلتُم عَلَیهِ اللّهُمَّ
فَاکتُبنا مَعَ الشّاهِدینَ وَلا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن زِیارَتِهِم وَالسَّلامُ عَلَیهِم وَ
رَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ باب ۴ در زیارت حضرت امیر المؤمنین ع از حضرت صادق ع مرویست

که کسیکه زیارت علی بن ابی طالب پیاده برود خداوند عالم بهر گامی که بر میدارد ثواب
یک حج و یک عمره از برای او می نویسد و اگر پیاده برگردد خدای تعالی بهر گامی دو حج و
دو عمره از برای او می نویسد و ابن صیاد از حضرت صادق ع روایت کرده که کسیکه زیارت
کند علی بن ابی طالب را در حالتیکه عارف باشد بحق او خدای تعالی بهر گامی یک حج مقبول
و یک عمره مبروره از برای او می نویسد بخدا قسم که آتش نمی خورد قدمیرا که در زیارت
امیر المؤمنین ع گرد آلود شود خواه پیاده بزیارت رفته باشد خواه سواره بعد از ان
انحضرت ع فرمود که ای ابن صیاد این حدیث را باب طلا بنویس و حضرت امام رضا ع
بمحمد بن ابی نصر بزنطی گفت که روز غدیر حاضر شو نزد علی ع که خدای تعالی در این روز
می امرزد از برای هر مؤمن و مؤمنه و هر مسلم و مسلمه گناهان شصت ساله او را و آزاد
می کند در این روز از آتش دوزخ ضعف انچیزیرا که در ماه رمضان و شب قدر و شب
فطر آزاد می کند و تصدق بیک درهم در این روز برابر هزار درهم است بر اخوان
عارفین خود در روزهای دیگر این روایت را شیخ شهید در دروس خود ذکر کرده
و می گوئی در زیارت حضرت امیر المؤمنین ع روز غدیر بعد از اذن دخول و استقبال
قبر و گردانیدن قبله در میان دو کتف السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللهِ وَأَمینِ اللهِ عَلی وَحیِهِ
وَعَزائِمِ أَمرِهِ وَالخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالفاتِحِ لِمَا استُقبِلَ وَالمُهَیمِنِ عَلی ذلِکَ کُلِّهِ وَرَحمَةُ
اللهِ وَبَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلی أَمیرِ المُؤمِنینَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ وَصِیِّ رَسُولِ اللهِ صَلَّی
اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَخَلیفَتِهِ وَالقائِمِ بِالأَمرِ مِن بَعدِهِ سَیِّدِ الوَصِیّینَ وَرَحمَةُ
اللهِ وَبَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلی فاطِمَةَ بِنتِ رَسُولِ اللهِ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمینَ السَّلامُ
عَلَی الحَسَنِ وَالحُسَینِ سَیِّدَی شَبابِ أَهلِ الجَنَّةِ أَجمَعینَ السَّلامُ عَلَی الأَئِمَّةِ
الرّاشِدینَ السَّلامُ عَلَی الأَنبِیاءِ المُرسَلینَ السَّلامُ عَلَی المَلائِکَةِ المُقَرَّبینَ

السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة
الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا صفوة الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا عمود الدين السلام عليك
يا وصي رسول الله السلام عليك يا سيد الوصيين السلام عليك
يا حجة الله على الخلق اجمعين السلام عليك ايها النبأ العظيم الذي
هم فيه مختلفون وعنه مسئولون السلام عليك ايها الصديق
الاكبر السلام عليك ايها الفاروق الاعظم السلام عليك يا
خليل الله وموضع سره وعيبة علمه وخازن وحيه بابي انت وامي
يا مولاي يا امير المؤمنين يا حجة الخصام بابي انت وامي يا مولاي يا باب
المقام اشهد انك حبيب الله وخاصته وخالصته واشهد انك
عمود الدين ووارث علم الاولين والآخرين صاحب الميسم والصراط المستقيم
واشهد انك قد بلغت عن رسول الله ما حملت ورعيت ما استحفظت
وحفظت ما استودعت وحللت حلال الله وحرمت حرام
الله واقمت احكام الله ولم تتعد حدود الله وعبدت الله مخلصا حتى اتيك
اليقين اشهد انك اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف و
نهيت عن المنكر واتبعت الرسول وتلوت الكتاب حق تلاوته
وجاهدت في الله حق جهاده ونصحت لله ولرسوله وجدت بنفسك
صابرا محتسبا وعن دين الله مجاهدا ولرسول الله موقيا ولما عند الله
طالبا وفيما وعد راغبا ومضيت للذي كنت عليه شهيدا وشاهدا و
مشهودا فجزاك الله عن رسوله وعن الاسلام واهله افضل الجزاء لعن الله

وستره على فاضحات الجرائر ولا تخلني في مشهد القيامة من برد عفوك ومغفرتك ولا تعرني من جميل صفحك وسترك الهي ظلل على ذنوبي غمام رحمتك وارسل على عيوبي سحاب رأفتك الهي هل يرجع العبد الآبق الا الى مولاه ام هل يجيره من سخطه احد سواه الهي ان كان الندم على الذنب توبة فاني وعزتك من النادمين و ان كان الاستغفار من الخطيئة حطة فاني لك من المستغفرين لك العتبى حتى ترضى الهي بقدرتك علي تب علي وبحلمك عني اعف عني وبعلمك بي ارفق بي الهي انت الذي فتحت لعبادك بابا الى عفوك سميته التوبة فقلت توبوا الى الله توبة نصوحا فما عذر من اغفل دخول الباب بعد فتحه الهي ان كان قبح الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك الهي ما انا باول من عصاك فتبت عليه وتعرض لمعروفك فجدت عليه يا مجيب

من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله من افترى عليك وغصبك ولعن الله
من قتلك ولعن الله من تابع على قتلك ولعن الله من بلغه ذلك فرضي به
انا الى الله منهم براء لعن الله امة خالفتك وامة جحدت ولايتك وامة
تظاهرت عليك وامة قتلتك وامة حادت عنك وامة خذلتك
الحمد لله الذي جعل النار مثويهم وبئس الورد المورود اللهم العن قتلة
انبيائك واوصياء انبيائك بجميع لعناتك واصلهم حر نارك اللهم
العن الجوابيت والطواغيت والفراعنة واللات والعزى وكل ند
يدعى من دونك وكل ملحد مفتر اللهم العنهم واشياعهم واتباعهم واوليائهم
واعوانهم ومحبيهم لعنا كثيرا لا انقطاع له ولا اجل اللهم اني ابرء اليك
من جميع اعدائك واسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل لي
لسان صدق في اوليائك وتحبب الي مشاهدهم حتى تلحقني بهم وتجعلني
لهم تبعا في الدنيا والآخرة يا ارحم الراحمين وبعد از ان برو بالای سر
حضرت برو وبگوی سلام الله وسلام ملائكته المقربين والمسلمين لك
بقلوبهم والناطقين بفضلك والشاهدين لك على انك صادق صديق
السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته صلى الله عليك وعلى
روحك وبدنك واشهد انك طهر طاهر مطهر من طهر طاهر مطهر واشهد
لك يا ولي الله وولي رسوله بالبلاغ والاداء واشهد انك جنب الله و
انك باب الله وانك وجه الله الذي يؤتى منه وانك سبيل الله وانك
عبد الله واخو رسوله اتيتك وافدا لعظيم حالك ومنزلتك عند الله وعند
رسوله صلى الله عليه وآله اتيتك متقربا الى الله بزيارتك على خلاص نفسي

وبعظيم الخطايا ... الى الفضل العظيم يا كاشف الضر يا عظيم البر يا عليما بما في السر يا جميل الستر استشفعت بجودك وكرمك اليك وتوسلت بجنابك وترحمك لديك فاستجب دعائي ولا تخيب فيك رجائي وتقبل توبتي وكفر خطيئتي بمنك ورحمتك يا ارحم الراحمين الثانية مناجات الشاكين بسم الله الرحمن الرحيم الهي اليك اشكو نفسا بالسوء امارة والى الخطيئة مبادرة وبمعاصيك مولعة ولسخطك متعرضة تسلك بي مسالك المهالك وتجعلني عندك اهون هالك كثيرة العلل طويلة الامل ان مسها الشر تجزع وان مسها الخير تمنع ميالة الى اللعب واللهو مملوة بالغفلة والسهو تسرع بي الى الحوبة وتسوفني بالتوبة الهي اشكو اليك عدوا يضلني وشيطانا يغويني قد ملأ بالوسواس صدري واحاطت هواجسه بقلبي يعاضد لي الهوى ويزين لي حب الدنيا ويحول بيني وبين الطاعة والزلفى

إلهي أشكو
قلباً قاسياً مع الوسواس
متقلباً وبالرين والطبع متلبساً
وعيناً عن البكاء من خوفك
جامدة وإلى ما تسرها طامحة
إلهي لا حول لي ولا قوة إلا بقدرتك
ولا نجاة لي من مكاره الدنيا إلا
بعصمتك فأسألك ببلاغة حكمتك
ونفاذ مشيتك أن لا تجعلني لغير
جودك متعرضاً ولا تصيّرني للفتن
غرضاً وكن لي على الأعداء ناصراً
وعلى المخازي والعيوب ساتراً ومن
البلايا واقياً وعن المعاصي عاصماً
برأفتك ورحمتك يا أرحم الراحمين

مناجاة الخائفين بسم الله
الرحمن الرحيم إلهي أتراك بعد الإيمان
بك تعذبني أم بعد حبي إياك تبعدني
أم مع رجائي لرحمتك وصفحك
تحرمني أم مع استجارتي بعفوك
تسلمني حاشا لوجهك الكريم
أن تخيبني ليت شعري أللشقاء
ولدتني أمي أم للعناء ربتني
فليتها لم تلدني

معوذاً من نارٍ استحقها مثلي بما جنيته على نفسي أتيتك انقطاعاً إليك
وإلى ولدك الخلف من بعدك على الحق فقلبي لكم مسلم وأمري
لكم متبع ونصرتي لكم معدّة أنا عبد الله ومولاك في طاعتك
الوافد إليك ألتمس بذلك كمال المنزلة عند الله تعالى وأنت يا مولاي
ممن أمرني الله بصلته وحثني على برّه ودلّني على فضله وهداني لحبه
ورغّبني في الوفادة إليه وألهمني طلب الحوائج عنده أنتم أهل بيت يسعد
من تولاكم ولا يخسر من يهواكم ولا يخيب من أتاكم ولا يسعد من
عاداكم ولا أجد أحداً أفزع إليه خيراً لي منكم أنتم أهل بيت الرحمة
ودعائم الدين وأركان الأرض والشجرة الطيبة اللهم لا تخيب توجهي إليك
برسولك وآل رسولك واستشفاعي بهم إليك اللهم أنت مننت علي بزيارة
مولاي أمير المؤمنين وولايته ومعرفته فاجعلني ممن ينصره وينتصر به ومن
علي بنصرك لدينك في الدنيا والآخرة اللهم إني أحيى على ما حيي عليه مولاي
علي بن أبي طالب وأموت على ما مات عليه علي بن أبي طالب صلوات الله عليه
وآله الطاهرين بعد از ان ضريح مبارك آنحضرت ابوس و جانب راست روی خود را
بر ضريح بگذار و بعد از ان جانب چپ خود را بر ضريح بگذار و بعد از ان نزد سر مبارك
آنحضرت دو ركعت نماز زيارت بجای آور و در ركعت اول الحمد و سوره الرحمن بخوان و در ركعت
دويم الحمد و سوره يس بخوان و بعد از سلام تسبيح حضرت فاطمه ع بجای آور و دعا را بخوان
كه بعد ازين ما بعد از زيارت عاشورا ذكر خواهيم كرد انشاء الله تعالى و بعد از ان سجده شكر
كن و بگوی اللهم إليك توجهت وبك اعتصمت اللهم أنت ثقتي ورجائي
فاكفني ما أهمني وما لا يهمني وما أنت أعلم به مني عزّ جارك وجلّ ثناؤك

وآله الغرّ اللهم صل على محمد وآل محمد وقرّب فرجهم و بعد از ان جانب راست
روی خود را بر زمين گذار و سه بار بگوی اللهم ارحم ذلي بين يديك وتضرعي
إليك ووحشتي من العالم وأنسي بك يا كريم و بعد از ان جانب راست روی خود را
بر زمين گذار و سه بار بگوی لا إله إلا أنت ربي حقاً حقاً سجدت لك يا رب
تعبداً ورقاً اللهم إن عملي ضعيف فضاعفه لي يا كريم و باز پيشانی خود را
بر زمين گذار و صد بار بگوی شكراً شكراً بعد از ان زيارت حضرت آدم عليه السلام
و نوح بخوان زيرا كه احاديث صحيحه است كه در انجا مدفونند چنانچه شيخ مفيد در كتاب مزار
مفضل بن عمر جعفي روايت كرده كه فرمود ای مفضل هرگاه زيارت بكنی حضرت امير
المؤمنين ع را بدانكه زيارت استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب ع را
كرده من گفتم يا ابن رسول الله آدم در سرانديب فرود آمد در مطلع شمس و گمان
مردم است كه استخوانهای او در بيت الحرام است چون استخوانهای او بكوفه آمد آن
حضرت فرمود وقتی كه نوح در كشتی بود وحی باو نازل شد كه هفت نوبت خانه
كعبه را طواف كن حضرت نوح طواف خانه كعبه بجای آورد و فرود آمد در آب تا زانوهای
او و تابوتی كه استخوانهای آدم بود با خود برداشت در كشتی تا آنكه وارد شد در نجف
كوفه و آن تابوت را در غری دفن نمود و غری قطعه ایست از كوهی كه موسی بر آن كوه با
خدای تعالی تكلم كرد و عيسی بر آن كوه خدای تعالی را تقديس كرد در ان كوه خدای تعالی
حضرت ابرهيم را خلعت خلت در ان كوه پوشانيد و حضرت محمد ص را در ان كوه
حبيب خود گردانيد و آن كوه را مسكن پيغمبران گردانيد و در زيارت حضرت آدم
بگوی السلام عليك يا صفي الله السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك
يا نبي الله السلام عليك يا أمين الله السلام عليك يا خليفة الله في أرضه

ولم تربني وليتني
علمت أمن أهل السعادة جعلتني
وبقربك وجوارك خصصتني فتقر
بذلك عيني وتطمئن له نفسي إلهي
هل تسود وجوهاً خرت ساجدة
لعظمتك أو تخرس ألسنة نطقت
بالثناء على مجدك وجلالتك
أو تطبع على قلوب انطوت على
محبتك أو تصم أسماعاً تلذذت
بسماع ذكرك في إرادتك أو تغل
أكفاً رفعتها الآمال إليك رجاء
رأفتك أو تعاقب أبداناً عملت
بطاعتك حتى نحلت في مجاهدتك
أو تعذب أرجلاً سعت في
عبادتك إلهي لا تغلق على موحديك
أبواب رحمتك ولا تحجب مشتاقيك
عن النظر إلى جميل رؤيتك إلهي
نفس أعززتها بتوحيدك كيف
تذلها بمهانة هجرانك وضمير
انعقد على مودتك كيف تحرقه
بحرارة نيرانك إلهي أجرني من
أليم غضبك

السلام عليك يا ابا البشر صلوات الله وسلامه عليك وعلى روحك وبدنك
وعلى الطاهرين من ولدك وذريتك صلوة لا يحصيها الا هو ورحمة الله
وبركاته وبعد از آن زيارت كن نوح را ودر زيارت او بگوى السلام عليك
يا نبي الله السلام عليك يا صفي الله السلام عليك يا نجي الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا شيخ المرسلين السلام عليك يا
امين الله في ارضه صلوات الله وسلامه عليك وعلى روحك وبدنك
وعلى الطاهرين من ولدك ورحمة الله وبركاته وبعد از آن براى هر كدام دو ركعت
نماز زيارت بجاى آور وبعد از هر دو ركعت دعا را بخوان كه ما ذكر خواهيم كرد در
عقب زيارت عاشورا وبعد از آن بپايين پاى امير المؤمنين ع برو وبخوان السلام
عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته انت اول مظلوم واول
مغصوب حقه صبرت واحتسبت حتى اتيك اليقين اشهد انك لقيت
الله وانت شهيد عذب الله قاتلك بانواع العذاب جئتك زائرا عارفا
بحقك مستبصرا بشانك معاديا لاعدائك القى على ذلك ربي ان شاء الله
ولي ذنوب كثيرة فاشفع لي عند ربك فان لك عند ربك مقاما معلوما وجاها واسعا
وشفاعة وقد قال الله تعالى ولا يشفعون الا لمن ارتضى وهم من خشيته
مشفقون صلى الله عليك وعلى روحك وبدنك وعلى الائمة من ذريتك
صلوة لا يحصيها الا هو وعليكم افضل الصلوة والسلام ورحمة
الله وبركاته وهرگاه اراده وداع آنحضرت كنى نزد قبر آنحضرت بايست وبگو السلام
عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته استودعك الله واسترعيك
واقرأ عليك السلام آمنا بالله وبالرسل وبما جاءت به ودلت عليه اللهم

وعظيم مخالك يا حنان يا منان
يا رحيم يا رحمن يا جبار يا قهار يا
ستار نجني برحمتك من عذاب النار
وفضيحة العار اذا امتاز الاخيار
من الاشرار وحالت الاحوال
وهالت الاهوال وقرب المحسنون
وبعد المسيئون ووفيت كل
نفس ما كسبت وهم لا يظلمون

مناجات الراجين الى الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم
يا من اذا سئله عبد اعطاه واذا
امل ما عنده بلغه مناه واذا
اقبل عليه قربه وادناه واذا
جاهره بالعصيان ستر على ذنبه
وغطاه واذا توكل عليه احسبه
وكفاه الهي من الذي نزل بك
ملتمسا قراك فما قريته ومن ذا
الذي اناخ ببابك مرتجيا نداك
فما اوليته ايحسن ان ارجع عن
بابك بالخيبة مصروفا ولست
اعرف سواك مولى بالاحسان
موصوفا كيف

فكتبنا مع الشاهدين اللهم اني اشهد في مماتي على ما شهدت عليه في حياتي
ان الائمة علي بن ابي طالب والحسن والحسين الى آخرهم واشهد ان من قتلكم
وحاربكم مشركون ومن رد عليكم في اسفل درك الجحيم اشهد ان من
حاربكم لنا اعداء ونحن منهم براء وانهم حزب الشيطان وعلى من قتلكم
لعنة الله والملائكة والناس اجمعين ومن شرك فيه ومن سره قتلكم
اللهم اني اسئلك بعد الصلوة والتسليم ان تصلي على محمد وعلي وفاطمة
والحسن والحسين الى آخرهم ولا تجعل هذا آخر العهد من زيارته فان
جعلته فاحشرني مع هؤلاء الائمة المسمين اللهم وذلل قلوبنا لهم بالطاعة
والمناصحة والمحبة وحسن الموازرة والتسليم

باب ۳۲ در آداب دهه اول محرم و زيارت عاشورا

بدانكه مستحب است
كه در دهه اول محرم تعزيه داشتن وبا حزن واندوه بودن زيرا كه در اين روزها
اخبار موحشه متصل باهل عصمت ميرسيد ومحزون ومغموم بودند ولازم دوستى
محزون بودن است در روزهاى حزن ايشان علاوه از اعظم شعائر اسلام است ومستحب است
روزه داشتن ده روز اول محرم ودر روز دهم از مفطرات تا عصر امساك كند وبعد از
عصر باندكى از تربت امام حسين ع ودر اين روز حزن واندوه آل محمد وشيعه ايشان
زياده بر زياد شد وسنت است كه در اين روز از چيزهاى دنيوى ولعب دورى شود وبرپا داشتن مصائب
كه از آنجمله منبر ونوحه وگريه بر حسين است وامر كند هر كه در خانه اوست بگريه كردن بر
آنحضرت ودر خانه خود مصيبت برپا دارد وتعزيت بگويند يكديگر را باينكه بگويند
عظم الله اجورنا واجوركم بمصابنا بالحسين عليه السلام وجعلنا
واياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد
عليهم السلام واگر توانى در آن روز از خانه بيرون مرو كه آن روز نحسى است كه

ارجو
غيرك والخير كله
بيدك وكيف اؤمل سواك
والخلق والامر لك اأقطع رجائي منك
وقد اوليتني ما لم اسئله من فضلك
ام تفقرني الى مثلي وانا اعتصم
بحبلك يا من سعد برحمته القاصدون
ولم يشق بنقمته المستغفرون
كيف انساك ولم تزل ذاكري
وكيف الهو عنك وانت مراقبي الهي
بذيل كرمك اعلقت يدي
ولنيل عطاياك بسطت املي فاخلصني
بخالصة توحيدك واجعلني
من صفوة عبيدك يا من كل
هارب اليه يلتجي وكل طالب
اياه يرتجي يا خير مرجو ويا اكرم
مدعو ويا من لا يرد سائله ولا
يخيب آمله يا من بابه مفتوح
لداعيه وحجابه مرفوع لراجيه
اسئلك بكرمك ان تمن علي
من عطائك بما تقر به عيني ومن
رجائك بما تطمئن به نفسي ومن
اليقين بما تهون

در ان روز حاجت هیچ مؤمنی بر اورده نمیشود و اگر براورده شود از برای او مبارک نیست و ذخیره مکن از برای خود چیزی که هر که در این روز ذخیره کند از برای او مبارک نیست انچه را که ذخیره کرده است چون بنی امیه از برای برکت اذوقه سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره می کرده اند لهذا از حضرت امام رضا منقولست که هر که سعی در حوائج خود را ترک کند در روز عاشورا حق تعالی حوائج دنیا و اخرت او را براورد و هر که روز عاشورا را روز مصیبت و اندوه او باشد حق تعالی روز قیامت روز فرح و سرور و شادی او کرداند و دیده اش در بهشت بما روشن شود و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در ان روز چیزی ذخیره کند خدا انچه را برا و مبارک نکرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر سعد علیهم اللعنه محشور شود و فرمود ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام میدانستند و منافقان این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و اتش در خیمهای ما زدند و اموال ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله را در باب ما رعایت نکردند بدرستیکه مصیبت امام حسین صلوات الله علیه دیدهای ما را مجروح کردانید و اب دیده های ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل کردانید و واقعه کرب و بلا کرب و بلا برای ما مهیا کردانید تا روز قیامت پس باید بر مصیبت انحضرت کریه کنندکان بکریند بدرستیکه کریه بر انحضرت کناهان بزرک را بر طرف میکند پس فرمود پدرم امام رضا چون ماه محرم می شد کسی انحضرت را خندان نمی دید و اثر حزن و اندوه بر ان حضرت ظاهر می شد در مجموع ده روز اول ماه و چون روز دهم می شد روز مصیبت و اندوه و کریه او بود و در حدیث دیکر فرمود که چون جدم شهید شد اسمان خون و خاک

در مناجات اهل شوق

...عن نصرته ... عشوات العمى برحمتك يا ارحم الراحمين مناجاة ۲ الراغبين بسم الله الرحمن الرحيم الهى ان كان قل زادى فى المسير اليك فلقد حسن ظنى بالتوكل عليك وان كان جرمى قد اخافنى من عقوبتك فان رجائى قد اشعرنى بالامن من نقمتك وان كان ذنبى قد عرضنى لعقابك فقد اذننى حسن ثقتى بثوابك وان انامتنى الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتنى المعرفة بكرمك والائك وان اوحش ما بينى وبينك فرط العصيان والطغيان فقد انسنى بشر الغفران والرضوان اسئلك بسبحات وجهك وبانوار قدسك وابتهل اليك بعواطف رحمتك ولطائف برك ان تحقق ظنى بما اؤمله من جزيل اكرامك وجميل انعامك فى القربى منك والزلفى لديك والتمتع بالنظر اليك وها انا

سرخ بارید اکر بر انحضرت انقدر کریه کنی که اب از دیده تو جاری شود حق تعالی جمیع کناهان کوچک و بزرک ترا بیامرزد پس فرمود اکر خواهی که چون بمیری هیچ کناه بر تو نباشد زیارت کن امام حسین ع را و اکر خواهی در غرفهای بهشت با حضرت رسول و ال او باشی لعنت کن قاتلان حسین ع را و اکر خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت مصیبت انحضرت را یاد می اوری بکو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ایکاشکی بودم با ایشان پس رستکاری می یافتم رستکاری بزرک و اکر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش و از حضرت صادق ع منقولست که کسیکه زیارت امام حسین ع در روز عاشورا بکند در حالتی که بحق او عارف باشد یعنی امام مفترض الطاعه او را داند مثل انستکه خدای تعالی را در عرش او زیارت کرده باشد و از برای او بهشت واجب شده باشد و از انحضرت مرویست که کسیکه نزد قبر امام حسین ع در شب عاشورا روز کند روز قیامت ملاقات خواهد کرد با خدای تعالی در حالتیکه بخون خود غلطیده باشد مثل کسیکه با انحضرت در عرصه کربلا کشته شده و از انحضرت مرویست که کسی که در روز عاشورا زیارت امام حسین ع را بکند و کریان باشد تا وقت عصر با خدای تعالی ملاقات خواهد کرد با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه و ثواب هر حج و عمره و غزوه او مثل ثواب حج و عمره و غزوه که با پیغمبر و ائمه بجای اورده باشد و در روز عاشورا علقمه فرمود ای علقمه هر کاه بکنی ان دو رکعت را بعد از انکه اشاره کرده باشی بجانب ان حضرت بسلام و کفته باشی بعد از اشاره و نماز انقول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بدعائی که ملائکه می خوانند در وقتیکه زیارت انحضرت میکنند و می نویسد خدا برای تو بازیارت هزار هزار حسنه و محو می کند از تو هزار هزار کناه و بلند

مناجات ...

متعرض لنفحات روحك وعطفك ومنتجع غيث جودك ولطفك فار من سخطك الى رضاك هارب منك اليك راج احسن ما لديك معول على مواهبك مفتقر الى رعايتك الهى ما بدأت به من فضلك فتممه وما وهبت لى من كرمك فلا تسلبه وما سترته على بحلمك فلا تهتكه وما علمته من قبيح فعلى فاغفره الهى استشفعت بك اليك واستجرت بك منك اتيتك طامعا فى احسانك راغبا فى امتنانك مستسقيا وابل طولك مستمطرا غمام فضلك طالبا مرضاتك قاصدا جنابك واردا شريعة رفدك ملتمسا سنى الخيرات من عندك وافدا الى حضرة جمالك مريدا وجهك طارقا بابك مستكينا لعظمتك وجلالك فافعل بى ما انت اهله من المغفرة والرحمة ولا تفعل بى ما انا اهله من العذاب

باب ٣٢ زیارت حضرت سید الشهداء

می کند ازبرای نود و هشت هزار درجه و خواهی بود از انها که شهید باشند با حسین بن علی تا انکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشناسند تو را مگر از انها که شهید شده باشند و نوشته شود ازبرای ثواب هر پیغمبری و رسولی
اما زیارت عاشورا از نزدیک یا دور پس کسیکه اراده این زیارت کند و از انحضرت دور باشد پس بصحرا رود یا بر پشت بام بلندی رود و سلام اشاره بجانب انحضرت کند و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلان انحضرت و دو رکعت نماز زیارت بکند و صد بار تکبیر بگوید و بعد از ان اشاره کند بجانب انحضرت و بگوید السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ و

مناجات الشاکرین برحمتک یا ارحم الراحمین والنقمة
الهی اذهلنی عن اقامة شکرک تتابع طولک واعجزنی عن احصاء ثنائک فیض فضلک وشغلنی عن ذکر محامدک ترادف عوائدک واعیانی عن نشر عوارفک توالی ایادیک وهذا مقام من اعترف بسبوغ النعماء وقابلها بالتقصیر وشهد علی نفسه بالاهمال والتضییع وانت الرؤف الرحیم البر الکریم الذی لا یخیب قاصدیه ولا یطرد عن فنائه آملیه بساحتک تحط رحال الراجین وبعرصتک تقف آمال المسترفدین فلا تقابل آمالنا بالتخییب والایاس ولا تلبسنا سربال القنوط والابلاس الهی تصاغر عند تعاظم آلائک شکری وتضائل فی جنب اکرامک ایای ثنائی ونشری جللتنی نعمک من انوار الایمان حللا وضربت علی لطائف برک من العز کللا وقلدتنی مننک

وَرَهْطاً نَافَقَتْ لِقِتَالِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُوَالاتِكَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوَالاتِكُمْ وَمُوَالاةِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ

قتل الحسین بگو بعد از آن یوم عاشورا باشد واگر در غیر

زیارت مناجات

منک قلائد لا تحل وطوقتنی اطواقا لا تفل فآلائک جمة ضعف لسانی عن احصائها ونعماؤک کثیرة قصر فهمی عن ادراکها فضلا عن استقصائها فکیف لی بتحصیل الشکر وشکری ایاک یفتقر الی شکر فکلما قلت لک الحمد وجب علی لذلک ان اقول لک الحمد الهی فکما غذیتنا بلطفک وربیتنا بصنعک فتمم علینا سوابغ النعم وادفع عنا مکاره النقم وآتنا من حظوظ الدارین ارفعها واجلها عاجلا وآجلا ولک الحمد علی حسن بلائک وسبوغ نعمائک حمدا یوافق رضاک ویمتری العظیم من برک ونداک یا عظیم یا کریم برحمتک یا ارحم الراحمین

مناجات المطیعین لله بسم الله الرحمن الرحیم الهی الهمنا طاعتک وجنبنا معاصیک ویسر لنا بلوغ ما نتمنی

عَلى لِسانِكَ وَلِسانِ نَبِيِّكَ فى كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فيهِ نَبِيُّكَ اَللّهُمَّ اَلْعَنْ اَبا سُفْيانَ وَمُعوِيَةَ ابْنَ اَبى سُفْيانَ وَيَزيدَ بْنَ مُعوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ اَبَدَ الْاٰبِدينَ وَهذا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ الُ زِيادٍ وَالُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلامُ اَللّهُمَّ فَضاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذابَ اَللّهُمَّ اِنّى اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ فى هذَا الْيَوْمِ وَفى مَوْقِفى هذا وَفى اَيّامِ حَياتى بِالْبَرائَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوالاتِ لِنَبِيِّكَ وَالِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ پس بهزار تکبیر دو رکعت نماز زیارت بکنی و بعد از آن صد بار بگو اَللّهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَاخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلى ذلِكَ اَللّهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَةَ الَّتى جاهَدَتِ الْحُسَيْنَ ع وَشايَعَتْ وَبايَعَتْ عَلى قَتْلِهِ اَللّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً و بعد از آن صد بار بگوید اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللّهِ وَعَلَى الْاَرْواحِ الَّتى حَلَّتْ بِفِنائِكَ عَلَيْكَ مِنّى سَلامُ اللّهِ اَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ وَلا جَعَلَهُ اللّهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنّى لِزِيارَتِكُمْ اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلى اَوْلادِ الْحُسَيْنِ وَعَلى اَصْحابِ الْحُسَيْنِ بعد از آن بگوید اَللّهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّى وَابْدَأْ بِهِ اَوَّلاً ثُمَّ الثّانِىَ ثُمَّ الثّالِثَ وَالرّابِعَ اَللّهُمَّ الْعَنْ يَزيدَ بْنَ مُعوِيَةَ خامِساً وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّهِ بْنَ زِيادٍ وَابْنَ مَرْجانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَالَ زِيادٍ وَالَ مَرْوانَ اِلى يَوْمِ الْقِيمَةِ و بعد از آن سجده کند و در سجده بگوید اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشّاكِرينَ لَكَ عَلى مُصابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّهِ عَلى عَظيمِ رَزِيَّتى اَللّهُمَّ ارْزُقْنى شَفاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لى قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحابِ الْحُسَيْنِ الَّذينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ و ایضاً دو رکعت نماز زیارت بکند و بعد

مِن ابْتِغاءِ رِضْوانِكَ وَاَحْلِلْنا بُحْبُوحَةَ جِنانِكَ وَاقْشَعْ عَنْ بَصائِرِنا سَحابَ الْاِرْتِيابِ وَاكْشِفْ عَنْ قُلُوبِنا اَغْشِيَةَ الْمِرْيَةِ وَالْحِجابِ وَاَزْهِقِ الْباطِلَ عَنْ ضَمائِرِنا وَاَثْبِتِ الْحَقَّ فى سَرائِرِنا فَاِنَّ الشُّكُوكَ وَالظُّنُونَ لَواقِحُ الْفِتَنِ وَمُكَدِّرَةٌ لِصَفْوِ الْمَنائِحِ وَالْمِنَنِ اَللّهُمَّ احْمِلْنا فى سُفُنِ نَجاتِكَ وَمَتِّعْنا بِلَذيذِ مُناجاتِكَ وَاَوْرِدْنا حِياضَ حُبِّكَ وَاَذِقْنا حَلاوَةَ وُدِّكَ وَقُرْبِكَ وَاجْعَلْ جِهادَنا فيكَ وَهَمَّنا فى طاعَتِكَ وَاَخْلِصْ نِيّاتِنا فى مُعامَلَتِكَ فَاِنّا بِكَ وَلَكَ وَلا وَسيلَةَ لَنا اِلَيْكَ اِلّا بِكَ اِلهى اجْعَلْنى مِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْاَخْيارِ وَاَلْحِقْنى بِالصّالِحينَ الْاَبْرارِ السّابِقينَ اِلَى الْمَكْرُماتِ الْمُسارِعينَ اِلَى الْخَيْراتِ الْعامِلينَ لِلْباقِياتِ الصّالِحاتِ السّاعينَ اِلى رَفيعِ الدَّرَجاتِ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَبِالْاِجابَةِ جَديرٌ

از نماز بگوید اَللّهُمَّ اِنّى لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ لِاَنَّهُ لا تَجُوزُ الصَّلوةُ وَالرُّكُوعُ اِلّا لَكَ لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَاَبْلِغْهُمْ عَنّى اَفْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ اَللّهُمَّ وَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنّى اِلى سَيِّدى وَمَوْلاىَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ اَبى طالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلامُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْهُما مِنّى وَاَجْزِنى عَلَيْهِما اَفْضَلَ اَمَلى وَرَجائى فيكَ وَفى وَلِيِّكَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ و بعد بگوید دعائی را که از حضرت صادق ع مرویست يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ يا كاشِفَ كُرَبِ الْمَكْرُوبينَ وَيا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ وَيا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ وَيا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ وَيا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلى وَبِالْاُفُقِ الْمُبينِ وَيا مَنْ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى وَيا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَما تُخْفِى الصُّدُورُ وَيا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ خافِيَةٌ وَيا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْواتُ وَيا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الْحاجاتُ وَيا مَنْ لا يُبْرِمُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّينَ يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ وَيا جامِعَ كُلِّ شَمْلٍ وَيا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فى شَأْنٍ يا قاضِيَ الْحاجاتِ يا مُنَفِّسَ الْكُرُباتِ يا مُعْطِيَ السُّؤُلاتِ يا وَلِيَّ الرَّغَباتِ يا كافِيَ الْمُهِمّاتِ يا مَنْ يَكْفى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفى مِنْهُ شَيْءٌ فِى السَّمواتِ وَالْاَرْضِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالتِّسْعَةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ فَاِنّى بِهِمْ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فى مَقامى هذا وَبِهِمْ اَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ اَتَشَفَّعُ اِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ اَسْئَلُكَ وَاُقْسِمُ وَاَعْزِمُ عَلَيْكَ وَبِالشَّأْنِ الَّذى لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ الَّذى لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذى فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ وَبِهِ اَبَنْتَهُمْ وَاَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعالَمينَ

دون العالمین عندهم و به خصصتهم و باسمک الذی جعلته

بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

مناجات المریدین بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

سُبْحانَكَ ما اَضْيَقَ الطُّرُقَ عَلى مَنْ لَمْ تَكُنْ دَليلَهُ وَما اَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبيلَهُ اِلهى فَاسْلُكْ بِنا سُبُلَ الْوُصُولِ اِلَيْكَ وَسَيِّرْنا فى اَقْرَبِ الطُّرُقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعيدَ وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسيرَ الشَّديدَ وَاَلْحِقْنا بِعِبادِكَ الَّذينَ هُمْ بِالْبِدارِ اِلَيْكَ يُسارِعُونَ وَبابَكَ عَلَى الدَّوامِ يَطْرُقُونَ وَاِيّاكَ فِى اللَّيْلِ وَالنَّهارِ يَعْبُدُونَ وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ الَّذينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشارِبَ وَبَلَّغْتَهُمُ الرَّغائِبَ وَاَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطالِبَ وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَآرِبَ وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صافى شِرْبِكَ فَبِكَ اِلى لَذيذِ مُناجاتِكَ وَصَلُوا وَمِنْكَ اَقْصى مَقاصِدِهِمْ حَصَّلُوا فَيا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ

باب دعاء علقمه

حتى فاق فضلهم فضل العالمين جميعا اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تكشف عني غمي وهمي وكربي وتكفيني المهم من اموري وتقضي
عني ديني وتجيرني من الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسئلة الى
المخلوقين وتكفيني هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة من
اخاف حزونته وشر من اخاف شره ومكر من اخاف مكره وبغي من اخاف
بغيه وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وكيد من اخاف
كيده ومقدرة من اخاف بلاء مقدرته علي وترد عني كيد الكيدة
ومكر المكرة اللهم من ارادني فارده ومن كادني فكده واصرف عني
كيده ومكره وبأسه وامانيه وامنعه عني كيف شئت وانى شئت
اللهم اشغله عني بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم
لا تعافيه وذل لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل نصب
عينيه وادخل عليه الفقر في منزله والعلة والسقم في بدنه حتى
تشغله عني بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذكري كما انسيته ذكرك
وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه
وادخل عليه في جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل ذلك شغلا شاغلا
له عني وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك فانك الكافي
لا كافي سواك ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار
لا جار سواك خاب من كان جاره سواك ومغيثه سواك ومفزعه الى سواك
ومهربه وملجاؤه الى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي
ومفزعي ومهربي وملجاي ومنجاي فبك استفتح وبك استنجح وبمحمد وآل

وبالعطف عليهم عائد مفضل وبالغافلين
عن ذكره رحيم رؤوف وبجذبهم الى بابه ودود
عطوف اسئلك ان تجعلني من اوفرهم
منك حظا واعلاهم عندك منزلا
واجزلهم من ودك قسما وافضلهم
في معرفتك نصيبا فقد انقطعت
اليك همتي وانصرفت نحوك رغبتي
فانت لا غيرك مرادي ولك لا غيرك
مرادي ولك لا سواك سهري و
سهادي ولقاؤك قرة عيني و
وصلك منى نفسي واليك شوقي
وفي محبتك ولهي والى هواك
صبابتي ورضاك بغيتي ورؤيتك
حاجتي وجوارك طلبي وقربك
غاية سؤلي وفي مناجاتك روحي
وراحتي وعندك دواء علتي و
شفاء غلتي وبرد لوعتي وكشف
كربتي فكن انيسي في وحشتي
ومقيل عثرتي وغافر زلتي وقابل
توبتي ومجيب دعوتي وولي عصمتي
ومغني فاقتي ولا تقطعني عنك و
لا تبعدني منك يا

دعاء علقمه

محمد اتوجه اليك واتوسل واتشفع فاسئلك يا الله يا الله يا الله فلك الحمد
ولك الشكر واليك المشتكى وانت المستعان فاسئلك يا الله يا الله يا الله بحق
محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي
في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك همه وغمه وكربه وكفيته هول
عدوه فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج عني كما فرجت عنه واكفني
كما كفيته هول ما اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف
همه بلا مؤنة على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما
اهمني همه من امر آخرتي ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله عليكما
مني سلام الله ابدا ما بقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد من زيارتكما
ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم احيني حيوة محمد وذريته وامتني
مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة
عين في الدنيا والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله قصدتكما بقلبي
زائرا ومتوسلا الى الله ربي وربكما ومتوجها اليه بكما ومستشفعا
بكما الى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فان لكما عند الله المقام المحمود
والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما منتظرا لتنجز
الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما لي الى الله في ذلك فلا اخيب
ولا يكون منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون منقلبي منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا
بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله انقلبت على ما شاء الله ولا حول ولا
قوة الا بالله مفوضا امري الى الله ملجئا ظهري الى الله متوكلا على الله واقول
حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما

نعيمي وجنتي
ويا دنياي وآخرتي مناجات
المحبين بسم الله الرحمن الرحيم
الهي من ذا الذي ذاق حلاوة
محبتك فرام منك بدلا ومن ذا الذي
انس بقربك فابتغى عنك حولا الهي
فاجعلنا ممن اصطفيته لقربك
وولايتك واخلصته لودك و
محبتك وشوقته الى لقائك و
رضيته بقضائك ومنحته بالنظر
الى وجهك وحبوته برضاك و
اعذته من هجرك وقلاك وبوأته
مقعد الصدق في جوارك و
خصصته بمعرفتك واهلته
لعبادتك وهيمت قلبه لارادتك
واجتبيته لمشاهدتك واخليت
وجهه لك وفرغت فؤاده لحبك
ورغبته فيما عندك والهمته
ذكرك واوزعته شكرك وشغلته
بطاعتك وصيرته من صالحي بريتك
واخترته لمناجاتك وقطعت عنه
كل شيء يقطعه عنك اللهم
اجعلنا ممن دابهم

زیارت وارث

برای او لازم میشود و آزاد شود از آتش و شفاعتش قبول شود در حق هر کسی که او شفاعت کند مگر ناصبی که دشمن ما اهلبیت باشد و نیز حضرت قسم یاد کرد باین روش که مذکور شد قسم خورده است بنفس خود و ملائکه را برآن شاهد گرفته است ای صفوان هرگاه حاجتی داشته باشی امام حسین را باین زیارت زیارت کن در هر جا که باشی و بعد این دعا را بخوان و حاجت خود را طلب کن روا میشود زیارت دیگر که مشتمل است بر زیارت شهداء و متضمن تعزیه حضرت رسالت و ائمه هدی و مناسبست که در این روز خوانده شود و اگر در اخر روز خوانده شود انسب است اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُوسیٰ کَلیمِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عیسیٰ رُوحِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَلِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ الْحَسَنِ الشَّهیدِ سِبْطِ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ الْبَشیرِ النَّذیرِ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللّهِ وَابْنَ خِیَرَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْاِمامُ الْهادِی الزَّکِیُّ وَعَلیٰ اَرْواحٍ حَلَّتْ بِفِنائِکَ وَاَقامَتْ فی جِوارِکَ وَوَفَدَتْ مَعَ زُوّارِکَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ مِنّی ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِکَ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّ الْمُصابُ فِی الْمُؤْمِنینَ وَالْمُسْلِمینَ وَفی اَهْلِ السَّمٰواتِ اَجْمَعینَ وَفی سُکّانِ الْاَرَضینَ فَاِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ وَصَلَواتُ اللّهِ

باب پنجم دعای علقمه

شاءَ رَبّی کانَ وَما لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ اَسْتَوْدِعُکُمُ اللّهَ وَلا جَعَلَهُ اللّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی اِلَیْکُما اِنْصَرَفْتُ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَمَوْلایَ وَاَنْتَ یا اَبا عَبْدِ اللّهِ وَسَلامی عَلَیْکُما مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ واصِلٌ ذٰلِکَ اِلَیْکُما غَیْرُ مَحْجُوبٍ عَنْکُما سَلامی اِنْ شاءَ اللّهُ وَاَسْئَلُهُ بِحَقِّکُما اَنْ یَشاءَ ذٰلِکَ وَیَفْعَلَ فَاِنَّهُ حَمیدٌ مَجیدٌ اِنْقَلَبْتُ یا سَیِّدَیَّ عَنْکُما تائِباً حامِداً لِلّهِ شاکِراً راجِیاً لِلْاِجابَةِ غَیْرَ آیِسٍ وَلا قانِطٍ آئِباً عائِداً راجِعاً اِلیٰ زِیارَتِکُما غَیْرَ راغِبٍ عَنْکُما وَلا عَنْ زِیارَتِکُما بَلْ راجِعٌ عائِدٌ اِنْ شاءَ اللّهُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ یا سادَتی رَغِبْتُ اِلَیْکُما وَاِلیٰ زِیارَتِکُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ فیکُما وَفی زِیارَتِکُما اَهْلُ الدُّنْیا فَلا خَیَّبَنِیَ اللّهُ ما رَجَوْتُ وَما اَمَّلْتُ فی زِیارَتِکُما اِنَّهُ قَریبٌ مُجیبٌ صفوان بن مهران جمال گوید که حضرت صادق ع بمن گفت که ای صفوان این زیارت را تعاهد شو و این دعا را بعد از این زیارت بخوان پس بدرستی که من ضامنم از جانب الله از برای هر کس که این زیارت را بکند از نزدیک یا از دور و این دعا را بخواند که زیارت او مقبول و سعی او مشکور باشد و سلام او بحجاب بما برسد و حاجات او روا شود از جانب خدا هر حاجتی که باشد ای صفوان این زیارت را با این ضمان از پدرم و پدرم از پدرش علی بن الحسین که آنحضرت با این ضمان از پدر بزرگوار خود و او از برادر خود حضرت امام حسن ع و او از پدر بزرگوار خود مضمون با این ضمان و آنحضرت از حضرت رسالت و آنجناب از جبرئیل و جبرئیل از حضرت جلیل بدرستیکه خدای تعالی قسم خورده بنفس خود که کسیکه امام حسین ع را باین روش زیارت کند و این دعا را بخواند از دور یا از نزدیک زیارت او مقبولست و هر چه سؤال کند بعطا و جناب او از درگاه من بر نگردد بلکه با چشم روشن و حاجت براورده بر گردد و بهشت

وبرکاته وتحیاته علیک وعلی آبائک الطیبین المنتجبین وعلی ذراریهم الهداة
المهدیین السلام علیک یا مولای وعلیهم وعلی روحک وعلی ارواحهم
وعلی تربتک وعلی تربتهم اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا
وریحانا السلام علیک یا مولای یا اباعبدالله یابن خاتم النبیین ویابن
سید الوصیین ویابن سیدة نساء العالمین السلام علیک یا شهید
وابن الشهید یا اباالشهداء اللهم بلغه عنی فی هذه الساعة وفی هذا
الیوم وفی هذا الوقت وفی کل وقت تحیة وسلاما سلام الله علیک
ورحمة الله وبرکاته یابن سید العالمین وعلی المستشهدین معک
سلاما متصلا ما اتصل اللیل والنهار السلام علی الحسین بن علی
الشهید السلام علی علی بن الحسین الشهید السلام علی العباس بن امیر
المؤمنین الشهید السلام علی الشهداء من ولد امیر المؤمنین الشهید
السلام علی الشهداء من ولد جعفر وعقیل السلام علی کل مستشهد
معهم من المؤمنین اللهم صل علی محمد وآل محمد وبلغهم عنی تحیة
کثیرة وسلاما السلام علیک یا رسول الله احسن الله لک العزاء فی ولدک
الحسین السلام علیک یا فاطمة احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین
السلام علیک یا امیر المؤمنین احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین
السلام علیک یا ابامحمد الحسن احسن الله لک العزاء فی اخیک الحسین
یا مولای یا اباعبدالله انا ضیف الله وضیفک وجار الله وجارک ولکل
ضیف وجار قری وقرای فی هذا الوقت ان تسئل الله سبحانه وتعالی
ان یرزقنی فکاک رقبتی من النار انه سمیع الدعاء قریب مجیب زیارت دیگر

ولا تبتلنی بالخیبة والحرمان ... یا سمیع الدعاء ... آمین ... ما ...
مناجات المفتقرین
بسم الله الرحمن الرحیم
الهی کسری لا یجبره الا لطفک وحنانک وفقری لا یغنیه الا عطفک واحسانک وروعتی لا یسکنها الا امانک وذلتی لا یعزها الا سلطانک وامنیتی لا یبلغنیها الا فضلک وخلتی لا یسدها الا طولک وحاجتی الی غیرک لا یقضیها غیرک وکربی لا یفرجه سوی رحمتک وضری لا یکشفه غیر رأفتک وغلتی لا یبردها الا وصلک ولوعتی لا یطفئها الا لقاؤک وشوقی الیک لا یبله الا النظر الی وجهک وقراری لا یقر دون دنوی منک ولهفتی لا یردها الا روحک وسقمی لا یشفیه الا طبک وغمی لا یزیله الا قربک وجرحی

که در همه اوقات وارد شده بدون تبدیل لفظ السلام علیک یا وارث آدم
صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث
ابرهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا
وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا
وارث امیر المؤمنین ولی الله السلام علیک یابن محمد المصطفی السلام
علیک یابن علی المرتضی السلام علیک یابن فاطمة الزهراء السلام
علیک یابن خدیجة الکبری السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر
الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف
ونهیت عن المنکر واطعت الله ورسوله حتی اتیک الیقین فلعن الله
امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت
به یا مولای یا اباعبدالله اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة
والارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک من مدلهمات
ثیابها واشهد انک من دعائم الدین وارکان المؤمنین واشهد انک الامام
البر التقی الرضی الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة من ولدک
کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا و
اشهد الله وملائکته وانبیائه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم
موقن بشرایع دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم
متبع صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی
اجسامکم وعلی شاهدکم وعلی غائبکم وعلی ظاهرکم وعلی
باطنکم پس دو رکعت نماز زیارت کند واگر این نماز را پیش از زیارت بکند نیز خوبست

... ترده الهی ... قلبی لا یخطو الی
صفحتک وسوابق ... صدری
عفوک ... الامر ... یا منتهی
امنیة الآملین ویا غایة سؤل
السائلین ویا اقصی طلبة
الطالبین ویا اعلی رغبة
الراغبین ویا ولی الصالحین
ویا امان الخائفین ویا مجیب
دعوة المضطرین ویا ذخر
المعدمین ویا کنز البائسین
ویا غیاث المستغیثین ویا
قاضی حوائج الفقراء والمساکین
ویا اکرم الاکرمین ویا ارحم
الراحمین لک تخضعی وسؤالی
والیک تضرعی وابتهالی اسئلک
ان تنیلنی من روح رضوانک
وتدیم علی نعم امتنانک وها
انا بباب کرمک واقف ولنفحات
برک متعرض وبحبلک الشدید
معتصم وبعروتک الوثقی متمسک
الهی ارحم عبدک الذلیل ذا
اللسان

پس قصد زیارت علی بن الحسین بکند و بگوید السَّلامُ عَلَیْكَ یا بْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا بْنَ نَبِیِّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكَ یا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ السَّلامُ عَلَیْكَ یا بْنَ الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ السَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الشَّهیدُ وَابْنُ الشَّهیدِ السَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِیَتْ بِهِ پس قصد زیارت سایر شهدا بکند و بگوید السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَوْلِیاءَ اللهِ وَاَحِبّائَهُ السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَصْفِیاءَ اللهِ وَاَوِدّائَهُ السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَنْصارَ دینِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَنْصارَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَنْصارَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَنْصارَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَنْصارَ اَبی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّكِیِّ النّاصِحِ السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَنْصارَ اَبی عَبْدِ اللهِ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتی فیها دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظیماً فَیا لَیْتَنی كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ مَعَكُمْ و در روایت عبد الله بن سنان از حضرت صادق ع است که فرمود بهتر این کار که در این روز بکنی آن است که جامهای پاکیزه بپوشی و بندها را بکشائی و آستینها را تا مرفق بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابان یا بجائیکه کسی ترا نبیند یا خانهٔ خالی از برای تقیه از سینه دو وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری بالخضوع و خشوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ احزاب بخوانی و در رکعت دوم اذا جاءك المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که دانی بخوان پس بگردان رو خود را بجانب روضهٔ مقدس

آنحضرت و بخاطر آورد شهادت امام مظلوم و اولاد و اقارب آنحضرت را و سلام کنی بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که بهر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته میشود و هزار گناه از تو محو میشود و هزار درجه برای تو در بهشت بلند میباشد و بهتر آنست که هزار مرتبه بگوید اَللّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ وَاَصْحابِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ پس فرمود از موضعی که ایستاده چند گام پیش رو و بگوی اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ رِضاً بِقَضائِهِ وَتَسْلیماً لِاَمْرِهِ و اگر هفت مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع احوال باید محزون و گریان و غمناك باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی اَللّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذینَ شاقُّوا رَسُولَكَ وَحارَبُوا اَوْلِیائَكَ وَعَبَدُوا غَیْرَكَ وَاسْتَحَلُّوا مَحارِمَكَ وَالْعَنِ الْقادَةَ وَالْاَتْباعَ وَمَنْ كانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَاَوْضَعَ مَعَهُمْ اَوْ رَضِیَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثیراً اَللّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَواتِكَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ اَیْدِی الْمُنافِقینَ الْمُضِلّینَ وَالْكَفَرَةِ الْجاحِدینَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً یَسیراً وَاَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً وَفَرَجاً قَریباً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلی عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطاناً نَصیراً راوی میگوید عرض کردم ای سید من چه میفرمائید در روزهٔ این روز فرمود روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و یك روز تمام روزه مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیك ساعت بشربتی از آب زیرا که در این وقت جنگ برطرف شد از آل رسول ص و در زمین سی نفر از اهل بیت رسول و از موالیان ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت ایشان حضرت رسالت بود و اگر آنحضرت در دنیا می بود میبایست که آنحضرت را از برای ایشان تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد و در این مقام

باب سیم در آداب روز عاشورا

باب ۱۳ اشاره بمطالبی [حند که متعلق است بتعزیه] چون احادیث بسیار در مذمت روزه این روز وارد شده بهتر است که ترک روزه این روز کند و امساک کند بهمین طریق که در روایت وارد شده مگر آنکه در خصوص این روز روزه واجبی داشته باشد که نذر یا مثل آن واجب شده باشد که این روز را روزه بگیرد اما هرگاه ابتداء نذر روزه عاشورا کند بعنوان روز عاشورا چنانچه بنی امیه برای برکت و شماتت بر قتل آنحضرت روزه می داشتند شکی نیست در بطلان این نذر و چنین روزه از جهات چند که در روایت وارد شده ترک لذائذ در این روز چنانچه بعضی از علما فتوی داده اند بترک لذات لکن این در صورتی است که مجال خود باشد اما هرگاه مؤمنی او را دعوت براغذیه لذیذه کند بهتر اجابت او کند یا فضیلتی از فضایل اهل عصمت ذکر شود که لذت یابد بلکه شاد شود نباید مضایقه نکند زیرا که اینهم طریقی است برای تمسک بعروة الوثقی الهی و بهجت برای اخلاص و بندگی و مقتضی است از برای حصول موقت لا زم جبل الله الممدود بینه و بین خلقه ع اما تعزیه و استحباب اندوه و گریه ثابت است در اعیاد و زمانیکه ایام سرور اهل بیت بود مثل نهم ربیع الاول و غدیر و نظیر آن زیرا که مطلوب در این ایام شادی و مسرت است و مطلوب حزن و الم بهمعنا است زیرا که حزن و سرور متضادان می باشند و مطلوبیت هردو از شخص واحد بی وجه است پس مسئله نظیر اجتماع امر و نهی می باشد و چون مطلوبیت مسرت در ایام مخصوصه خاص است سزاوار می باشد تخصیص ادله استحباب اندوه بغیر این مقام و حق در مقام همانست که در مسئله سابقه ذکر شد اما بنا بر امکان اجتماع مسرت و اندوه از جهتین مثل اجتماع خوف و امن از جهتین بی اشکال است و بر فرض تسلیم عدم امکان اجتماع امر استحبابی و نهی تنزیهی در او کلام است زیرا که عمده دلیل بر عدم جواز اجتماع تکلیف ما لا یطاق است و در این مقام بی وجه است بجهة جواز

در بعضی مطالب متعلقه بتعزیه

ترک و نظیر او در شرع بسیار وارد شده مثل نماز در از منه و امکنه مکروهه علاوه بر اینها دلیل بر استحباب اندوه بر سید الشهداء در این جا مثل قطعی است و استحباب شادی در این ایام مخصوصه ظنی است و ادله قطعیه بر تسامح مقدم است بر سایر ادله ظنیه علی احتمال و محل تحقیق این مطلب اینجا نیست کیف کان حکم بعدم استحباب تعزیه و گریه در این ایام چنانچه از بعضی مسموع شده بعید است خصوصا نظر بانچه وارد شده از حضرت سید سجاد فای رجال الات منکم یسرون بعد قتله ام ایة عین تحبس دمعها فظن اتهالها و قول حضرت صاحب الامر در زیارت مشهوره فلاندبنک صباحا و مساء فلابکین لک بدل الدموع دماء و قول منادی که از آسمان ندا کرد در وقت شهادت آنحضرت الیوم نزل البلاء علی هذه الامة فلا یرون فرحا حتی یقوم قائمکم و یشفی صدورکم الی غیر ذلک دهم بعضی از علمای اعلام استنکار ذکر اخبار ضعیفه در مقام ذکر تعزیه و ذکر مناقب و فضائل ائمه از معجزات مجوز است بجهة تسامح در ادله سنن بجهة آنچه وارد شده بطرق معتبره و صحیحه که کسیکه برسد به او ثوابی بر عملی و از اینجا آورد بجهة طلب آن ثواب باو بدهند آن ثوابرا اگرچه در واقع چنانچه باو رسیده نباشد و این سخن بنظر قاصر درست نیست زیرا که اگر شک شود که تعزیه یا ذکر منقبت مثلا مستحب و دلیل ضعیفی بر استحباب آن اقامه شود مقتضای جواز تسامح حکم باستحباب آن می شود و کلام در اینمقام نیست بلکه کلام در اینست که این منقبت غیر معلوم ضعیف منقبت و در صاحب منقبت ثابت تا ذکر شود و ثواب بران عاید گردد یا نه و این کیفیت مصیبت واقع شده تا مذکور شود یا نه پس این مقام اثبات موضوع است نه حکم و اینمقام علت نه حکم و تسامح و تحقیق در مقام آنست که اخبار ضعیفه و صحیحه یکسانند و مقام عمل نیست بلکه مقام اعتقاد است و علم معتبر است پس اخبار صحیحه غیر بنا بر علمیه

مناجات ذاکرین

باب ٣٣ در آداب ایام تعزیه

ماداميكه علم از آن مستفاد نمی‌شود اعتقاد نمیشود كرد زيرا كه تعبد بچيزی اگر اعتقاد
وقوع نتوان كرد ممكن نيست استحباب تعبديه اين دخلی بان ندارد لكن نقل اخبار ظنيه در اين
باب مضر نيست بلكه موجب ثواب ميباشد از جهت ثبوت استحباب ذكر مناقب اهلبيت و استحباب
اقامه عزا و گريانيدن و گريستن و ذكر وقايع ايشان و شبهه نيست كه بعد از ذكر اين
حكايات و اخبار در اين مشهور و صادق ميباشد كه ذكر فضيلتنا اهل بيت كرده و
گريانيده و همين قدر كافيست در حصول مطلوب بلی اگر مظنه ممكن بخبر باشد در
جواز نقل بدون نسبت براوی محل شبهه عظيم می باشد بلكه باشك نيز خالی از شبهه
نيست بنابر اين نقل از علما بلكه از كتب تاريخ و غيرها ضرور ندارد مادامی كه اعتماد
بر آن باشد و اما ار كذب و وضع بر آن لايح نباشد بلكه در اين مقامات اگر اكتفا
باشد باخبار صحيحه بلكه مطلق خبر معتبر چيزی بدست نمی‌آيد و لهذا اجله علما اقتصار
باخبار معتبره نمی كنند بلكه كلمات علما و مورخين را نيز نقل ميكنند با وجود اينها چيز
چند از جهال در تعزيه خانها مسموع ميشود كه بگوش نخورده باشد بكسی نشان كه همين سخن
تازه مذكور شود خوب نيست و از سوء عاقبتش بمنزه نيست كه حضرت ميفرمايد و عكو من
بس باشد كسيكه بر من دروغ گويد جايگاه خود را در آتش مييابد و نقل بمعنی اگرچه جايز
است لكن با شرايط مقرره معهوده كه مبادا چيزی را كم و زياد كرده اند چه جا آنكه اخبار
بی ماخذ را نقل كنند با آنكه شاخ و برگ بر آن افزايند و اوضاع از ايشان زنند بی اسم
مثل سائر متعارفات ايشان ميباشد مانند تغنی و سائر قبايح هم جايز است احتراز
بر همين عمل موافق شرع انور در صورتی كه خلاف قواعد نباشد زيرا كه اجر شد بر
صلواة و صوم و حج و زيارت مستلزم تجويز اين نيز ميباشد لكن اگر اجرت را معين نكرده با
بر اجرت المثل تسلطی ندارد و اگر اسعمل را اجرتی باشد بحسب عادت از حضرت صادق روايت

در مسائل متعلقه بایام تعزیه

شده كه فرمود كه لا باس بكسب النائحة اذا قالت صدقا باكی نيست بكسب زن نوحه گر اگر راست گو باشد
و فرمود در روايت ديگر كه بايد شرط نكند از اينكه اگر فلان قدر دادی گريه ميكنم و بايد قبول كند
آنچه باو ميدهند و بدانكه گريستن و جزع نمودن و مهموم و مغموم بودن و آه كشيدن و اظهار
حزن و كآبه نمودن نفس تعزيه و ماتم داريست از آداب آن و بعضی از علما از آداب
شمرده اند و سزاوار است زياد نمودن تباكی و گريه بخود بستن بانكه مانند گريه كننده
صدا را ظاهر كند و سر را بزير اندازد و اظهار اندوه نمايد اگرچه گريه نكند و اين امريست
آسان و سبب بی سعادتيست حضور در مجلس تعزيه و ترك گريه و تباكی و استحباب اين امور
بجهت اخبار كثيره است از خانواده عصمت عليهم السلام و ترك زينت و جامه پوشيدن جامه نظيف
از نجاست و گشودن سينه‌ها خصوصا بند گريبان كه داخل در اظهار ماتم داريست و كشف
ذراعين و ساقين چنانچه از روايت عبدالله بن سنان مستفاد ميشود اگرچه اين روايت در
بيان آداب زيارتست لكن بعد از ذكر اين آداب ميفرمايد بهيئة اصحاب المصائب و برهنه
كردن سر و پا را نيز بعضی از علما ذكر كرده اند و بعيد نيست استحبابش بجهت دخول آن
در عموم اظهار اندوه و مصيبت و هيئت اصحاب مصيبت با آنكه راه رفتن با پای برهنه
در زيارات وارد شده و ظاهر از آن اظهار تذلل و تخشع است و اينمقام نيز مقام آنست
پنجم و ششم و هفتم و هشتم ترك خضاب و حنا و شانه كردن و سرمه كشيدنست چنانچه بعضی از
علما ذكر كرده اند بجهت اخبار كثيره و سزاوار است ترك روغن مالی بجهت كلام حضرت صادق
ما اختضبت منا امرأة و لا ادهنت و لا اكتحلت و لا رحلت حتی اتانا راس عبيدالله
بلكه در روايتست كه دود از خانه بنی هاشم بلند نشد پنج سال و از اين روايت مستفاد می شود
كه سزاوار است ترك طبخ و اطعمه لذيذه يا مطلق تجنبی مگر مثل نان كه ضروره مقتضی است
و اما آنچه متعارف است ميان مردم از تزيين مجالس بلكه تزيين خود بلباسهای فاخره در ايام محرم

محبتك واتمم لنا انوار معرفتك وأذقنا حلاوة عفوك ولذة مغفرتك وأقرر أعيننا يوم لقائك برؤيتك وأخرج حب الدنيا من قلوبنا كما فعلت بالصالحين من صفوتك والابرار من خاصتك برحمتك يا ارحم الراحمين ويا اكرم الاكرمين

ايضاً مناجات سيد سجاد

بسم الله الرحمن الرحيم الهي الامان الامان يوم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون الهي الامان الامان عند سكرات الموت وعند مفارقة الروح وعند معاينة الموت الهي الامان الامان عند هول المطلع وعند الوقوف بين يديك الهي الامان الامان عند هول القيمة وشدائدها الهي الامان الامان يوم يكون الناس كالفراش المبثوث الهي الامان الامان يوم تقوم الساعة لرب العالمين الهي الامان الامان

باب ۳۲ در مسائل مهمه متعلقه بتعزیه

مثل اکثر افعال ایشان منافی طریقه اهل شرع شده بلی اگر مقصود از تزیین بعضی از مکان اجتماع خلق بوده باشد بجهة تعزیه شاید ضرر نداشته باشد لکن کسی که بجهة زینت بمجلس میرود نه بجهة تعزیت و اما استحباب پوشیدن لباس سیاه بغیر از عمامه و عبا و چکمه نصوص دلالت بر کراهت آن می کند و لکن از آنجا که مستلزم است از اظهار مصائب ائمه خالی از اجر نیست اگر چه این مسئله خالی از اشکال نیست مگر آنکه منع شود شمول ادله ناهیه صورة مزبوره را اما خراشیدن رو و طپانچه بررو زدن و بریدن موی در غیر اینمقام حرامست چنانچه شیخ در مبسوط ادعای اجماع بران می کند و اخبار نیز در منع از این امور وارد شده مثل روایة خالد بن سدیر از حضرت صادق ع که فرمود لا شیء فی لطم الخدود الا الاستغفار و در جواز دریدن جامه خلافست ابن ادریس مطلقا حرام دانسته دیگران بجهة پدر و مادر و برادر استثنا کرده اند نظر بفعل عسکری نسبت به پدر بزرگوارش و نقل فاطمیات بر حسین ع و خالد بن سدیر از حضرت صادق ع روایت کرده که فرمود باکی نیست بدریدن گریبان زیرا که حضرت موسی علیه السلم گریبان جامه را درید پس فرمود پدر بر پسر و شوهر بر زن شق ثوب باید بکند و مؤید آنچه مذکور شد می باشد از اینکه جناب سید الشهدا ع مکرر وصیت میفرمود که چون من کشته شوم طپانچه بررو نزنید و ویل و ثبور مگوئید بلکه در اخبار منع دست بزانو زدن نیز رسیده چنانچه موسی بن بکر از حضرت موسی بن جعفر ع روایت کرده است که دست بزانو زدن نزد مصیبت اجر را می برد لکن شمول این ادله محل کلام است بلکه ظاهر عدم شمولست پس عموما و تاکیدات بر اظهار اندوه بر مصیبت و جزع و فزع غیر ذلک خالی از معارض نمی باشد فلمثله یقل شق القلوب فضلا عن شق الجیوب شکافتن دلها در مصیبت او کم است چه جای دریدن جامه و سنگ بر سینه زدن بر این

يوم لا تملك نفس لنفس شيئا والامر يومئذ لله الهي الامان الامان يوم تبيض وجوه وتسود وجوه الهي الامان الامان يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته وبنيه لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه الهي الامان الامان يوم ينظر المرء ما قدمت يداه ويقول الكافر يا ليتني كنت ترابا الهي الامان الامان في يوم كان مقداره خمسين الف سنة الهي الامان الامان يوم يود المجرم لو يفتدي من عذاب يومئذ ببنيه وصاحبته واخيه وفصيلته التي تؤويه الهي الامان الامان يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة قلوب يومئذ واجفة ابصارها خاشعة الهي الامان الامان يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين ويقولون حجرا محجورا الهي الامان الامان يوم يعض الظالم على

مصیبت و چه دست بزانو زدن و در حدیث وارد است که زنان بنی هاشم بعد از شهادت امام حسین ع جامه های پوست پوشیدند و از گرما و سرما هیچ پروا نمی کردند و شب و روز قرار نمی گرفتند بلکه دایم در ندبه و گریه بودند و در فکر طعام و آشامیدن نبودند سید الساجدین بجهة ایشان طعام مهیا می فرمود و انقدر گریه کردند که اشک از دیده های ایشان خشک شد آیا پیدا است که دست بزانو نمیزدند و واویلا نمی گفتند و طپانچه بر روی نمی زدند با آنکه نوحه عرب با لطام شده بود و تقریر امام کافی است در حکم بجوازش با آنچه وارد شده از فعل فاطمیات بلی در بریدن مو و خراشیدن رو اشکالست پس تیغ بر پیشانی زدن یا بازو را مجروح کردن چنانچه بعضی از عوام الناس را دیده‌ام خالی از اشکال نیست و اما اعضا را زنجیر زدن و در هوا قفل زدن و امثال ذلک از فعل او باش ناس شده با اینها مصیبت داری نیست بلکه آنکه در لباس مصیبت زده گان باشد با سوزش قلب و از گونه ها رویش اشک جاری باشد و آه سوزناک از سینه اش بر آید آری از آنجا که شیطان در هر جا دست و پا نیست و هر عمل خیر را باطل و ضایع می نماید چنانچه ارکان اسلام مثل صلوة و زکوة و غیر ذلک را چنان خراب کرده که از صد نفر یک نفر بقواعد مقرره شرعیه از ابجل منیا ورد بحیثی که مصداق حدیث نبوی صلی الله علیه و آله که زود باشد بیاید زمانی که لا یبقی من الایمان الا اسمه و من الاسلام الا رسمه این امر عظیم که منافع آن لا تحصی و فوائد غیر متناهی است نیز در آن چنان تصرف کرده اند که از اضایع کرده اند کم کم مجالس تعزیه است که برپا شود الا آنکه انواع معاصی بران مترتب می شود مانند ریا و غنا و کذب و افترا و نظر بر اجانب و امردان اسم از تعزیه می گذارند و بغیر از تعزیه همه چیز را مشتمل می باشد و از اقام شعائر اسلام می دانند و حال آنکه بغیر از تضییع احکام اسلام چیزی دیگر نیست و بجز نقلهای دروغ و اطوار نامناسب چیزی دیگر در آن پیدا نمی شود و وسیله اطفال و جهال بر منابر بالا میروند و حال آنکه اعاظم علما و کملین را شرم میاید که بر منابر بالا روند و بجای شعر نوحه

باب ۳۴ در مسائل متفرقه و ثواب زیارت اربعین

او ممکن شوند مانند بکر از ایشان صنعت گرفته اند و ایام عاشورا و صفر را ایام تجارت خود کرده اند و چنان اشخاص متوجه چنین شغل عظیم می باشند و افعال چند از ایشان صادر میشود که شخص را ناخوش میاید که او را تعزیه خوان بگویند با آنکه خدمت گذاری سید الشهداء و ذکر تعزیه او فخر عظیم می باشد باری اگر مردم بجهة ریا می کنند تو بجهة خدا بکن و اگر مردم از او وسیله دنیا قرار داده اند تو از او وسیله آخرت گردان و اگر مردم در ضمن آن معصیت کنند تو از خالص از معصیت گردان نه اینکه از اثر اینها ؟ در حدیث است که شخصی عرض کرد خدمت حضرت صادق ع که خوشم نمیاید رفتن بزیارت قبر امام حسین ع زیرا که همه کس میروند و زنان و اطفال هم میروند بجهة سفر حضرت سر بیاد از زیر انداخت زمانی پس سر برداشت و فرمود که اگر مردم بجهة سفر میروند تو بجهة خدا برو و از اثر امکن

باب در زیارت اربعین یعنی در زیارت بیستم صفر که چهلم از مقتل حضرت سید الشهداء می باشد و این روایت که جابر بن عبد الله انصاری که مصاحب حضرت پیغمبر ص بود از مدینه بکربلا آمد بواسطه زیارت قبر امام حسین ع و از مردم اول کسیکه آنحضرت را زیارت کرد او بود و از حضرت امام حسن عسکری ع مرویست که علامت مؤمن پنج است اول پنجاه و یکرکعت نماز دویم زیارت اربعین سیم خاتم بدست راست کردن چهارم تعفیر جبین یعنی بجهة شکر کردن بعد از نماز پنجم بسم الله الرحمن الرحیم را بلند خواندن و در این روز بود که حرم امام حسین ع از شام بمدینه رجوع کردند و از حضرت صادق ع مرویست که ایام زیارت امام حسین ع را از اجال ایشان نمی نویسند و کسیکه یکسال برو بگذرد و بزیارت قبر امام حسین ع حاضر نشود یکسال از عمر او ناقص میشود پس اگر بگوئی تو که یکی سی سال پیش از اجل خود می میرد راست است و این بواسطه آنستکه ترک کرده است زیارت امام حسین ع را پس ترک مکنید این زیارت را که خدای تعالی دراز می کند عمرهای شما را و زیاد می کند

یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا الهی الامان الامان یوما یجعل الولدان شیبا السماء منفطر به کان وعده مفعولا الهی الامان الامان یوما یجعل الولدان شیبا السماء منفطر به کان وعده مفعولا الهی الامان الامان یوم نقول لجهنم هل امتلأت وتقول هل من مزید الهی الامان الامان یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا ولا هم ینصرون الهی الامان الامان یوم تجد کل نفس ما کسبت وهم لا یظلمون الهی الامان الامان یوم لا تجزی نفس عن نفس شیئا ولا یقبل منها شفاعة ولا یؤخذ منها عدل ولا هم ینصرون الهی الامان الامان یوم تذهل کل مرضعة عما ارضعت وتضع کل ذات حمل حملها وتری الناس سکاری وما هم بسکاری ولکن عذاب الله شدید

در زیارت اربعین

در روزیهای شما بسبب این زیارت و هرکه ترک کنید زیارت او را کم میکند عمرها و روزیهای شما را پس ترک مکنید زیارت امام حسین ع را بدرستیکه او شاهد شماست نزد خدا و نزد رسول خدا و نزد علی و فاطمه ع و روایت کرده صفوان بن مهران از حضرت صادق ع که فرمود بای صفوان زیارت کن حضرت امام حسین ع در این روز باین زیارت یعنی روز اربعین نزد ارتفاع شمس و بگو السَّلامُ عَلی وَلِیِّ اللهِ وَحَبِیبِهِ السَّلامُ عَلی خَلِیلِ اللهِ وَنَجِیبِهِ السَّلامُ عَلی صَفِیِّ اللهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ السَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِیدِ السَّلامُ عَلی اَسِیرِ الْکُرُباتِ وَقَتِیلِ الْعَبَراتِ اَللّهُمَّ اِنِّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ وَلِیِّکَ وَصَفِیُّکَ وَابْنُ صَفِیِّکَ الْفائِزُ بِکَرامَتِکَ اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَیْتَهُ بِطِیبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السّادَةِ وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ وَاَعْطَیْتَهُ مَوارِیثَ الْاَنْبِیاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلی خَلْقِکَ مِنَ الْاَوْصِیاءِ فَاَعْذَرَ فِی الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبادَکَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْیا وَباعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنی وَشَری آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْکَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّی فِی هَواهُ وَاَسْخَطَکَ وَاَسْخَطَ نَبِیَّکَ وَاَطاعَ مِنْ عِبادِکَ اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبِینَ لِلنّارِ فَجاهَدَهُمْ فِیکَ صابِراً مُحْتَسِباً حَتّی سُفِکَ فِی طاعَتِکَ دَمُهُ وَاسْتُبِیحَ حَرِیمُهُ اَللّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِیلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً اَلِیماً اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ سَیِّدِ الْاَوْصِیاءِ اَشْهَدُ اَنَّکَ اَمِینُ اللهِ وَابْنُ اَمِینِهِ عِشْتَ سَعِیداً وَمَضَیْتَ حَمِیداً وَمُتَّ فَقِیداً مَظْلُوماً شَهِیداً وَاَشْهَدُ اَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَکَ وَمُهْلِکٌ مَنْ خَذَلَکَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَکَ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللهِ

الهی الامان الامان یوم [illegible] الهی الامان الامان یوم [illegible] الهی الامان الامان یوم لا یجزی والد عن ولده ولا مولود هو جاز عن والده شیئا ان وعد الله حق الهی الامان الامان یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم الهی الامان الامان بحق الانبیاء والمرسلین وبحق محمد وآله الطیبین الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین

مناجات دیگر مرویست از امام حسین

لبیک لبیک انت مولاه فارحم عبیدا الیک ملجاه یا ذا المعالی علیک معتمدی طوبی لمن کنت انت مولاه طوبی لمن کان نادما ارقا یشکو الی ذا الجلال بلواه وما به علة ولا سقم اکثر من حبه لمولاه اذا اشتکی بثه وغصته اجابه الله ثم لباه

مناجات جناب امیر علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

یا سامع الدعاء ویا رافع السماء ویا واسع العطاء

درجات منظومه

وجاهدت فی سبیله حتی اتیک الیقین فلعن الله من قتلک ولعن الله من ظلمک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به اللهم انی اشهدک انی ولیّ لمن والاه وعدوّ لمن عاداه بابی انت وامّی یابن رسول الله اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک المدلهمات من ثیابها واشهد انک من دعائم الدین وارکان المسلمین ومعقل المؤمنین واشهد انک الامام البرّ التقی الرضی الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة من ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع ونصرتی لکم معدّة حتی یاذن الله لکم فمعکم معکم لا مع عدوّکم صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم واجسادکم وشاهدکم وغائبکم وظاهرکم وباطنکم آمین ربّ العالمین و دو رکعت نماز می کنی

و هر دعا که می خواهی بکنی و بر میکردی و سید بن طاوس گفته که من برای این زیارت وداعی یافته ام که مخصوص است باین زیارت باید که بایستی پیش روی ضریح و بگوئی السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک یابن علی المرتضی وصیّ رسول الله السلام علیک یابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام علیک یا وارث حسن الزکی السلام علیک یا حجة الله فی ارضه وشاهده علی خلقه السلام علیک یا اباعبدالله الشهید السلام علیک یا مولای وابن مولای اشهد انک قد اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وجاهدت فی سبیل الله حتی اتیک الیقین واشهد

علی بیّنة من ربّک اتیتک و اگر از دور زیارت کند بگوید توجهت الیک یا مولای زائرا و وافدا راغبا مقرّا لک بالذنوب هاربا الیک من الخطایا لتشفع لی عند ربّک یابن رسول الله صلی الله علیک حیّا ومیّتا فانّ لک عند الله مقاما معلوما وشفاعة مقبولة لعن الله من ظلمک ولعن الله من حرمک وغصب حقّک ولعن الله من قتلک ولعن الله من خذلک ولعن الله من دعوته فلم یجبک ولم یعنک ولعن الله من منعک من حرم الله وحرم رسوله وحرم ابیک واخیک ولعن الله من منعک من شرب الماء الفرات لعنا کثیرا یتبع بعضها بعضا اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون وسیعلم الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارته وارزقنیه ابدا ما بقیت وحییت یا ربّ وان متّ فاحشرنی فی زمرته یا ارحم الراحمین و اگر زیارت آخر روز عاشورا در این روز بجوا[ب] مناسبت مشهور است که سبب تاکید زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت امام زین العابدین با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام بکربلای معلا وارد شدند و سرهای مقدس شهدا را ببدنهای ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند که اهل بیت در این روز وارد مدینه طیبه شدند این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته اند شاید حضرت امام زین العابدین باعجاز وطی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام و سرها را ببدنها ملحق کرده باشند و این ممکنست اما روایتی در این باب بنظر نرسیده بلکه با بعضی از روایات منافات دارد و وجه دیگر از احادیث ظاهر می شود همانست که سابق اشاره شد ...

باب ۳۴ ثواب زیارت حضرت امام حسین ع

ومشرف شدن جابر بن عبدالله انصاری چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس امر عظیم را
گذاشت می تواند بود که بسبب مزید فضل زیارت انحضرت شده باشد و شاید
وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد چون فرموده اند در این روز زیارت
کنند باید کرد و تفحص از سببش ضرور نیست و بعد از ان علی بن الحسین ع را زیارت کن
و بعد از ان شهدا و حضرت عباس ع را زیارت کن بطریقیکه در زیارت وارث گذشت
و هم چنین در هر وقت که حضرت امام حسین ع را زیارت می کنی انها را نیز در هر جا
زیارت انحضرت سنت است بواسطه روایتی که از حضرت صادق ع وارد شده است که
هر کو امام حسین ع را زیارت کند او راست ثواب صد هزار شهید از شهدا بدر و نیز
هر روز انحضرت سنت است بواسطه روایتی که از حضرت صادق ع مرویست که ان
حضرت گفت مر سدیر حکیم را اگر یا سدیر زیارت می کنی حضرت امام حسین را در
هر روز سدیر گفت نه انحضرت فرمود که چه جفای کرده اید انحضرت را ایا در هر ماه
زیارت انحضرت را می کنی سدیر گفت نه فرمود ایا در هر سالی زیارت انحضرت را
می کنی سدیر گفت گاهی می شود در سالی زیارت انحضرت را می کنیم انحضرت فرمود چه
جفا می کنید با امام حسین ع ایا نمیدانی که خدا را هزار هزار ملک است که مجموع انها
پراکنده موی و غبار الوده اند و بر انحضرت زیارت می کنند و ایشان را و هنی و سستی
بهم نمیرسد چیست ترا ای سدیر که هر روز انحضرت را زیارت نمی کنی سدیر گفت جانم
فدای تو باد میان من و انحضرت فرسخ بسیار واقعست انحضرت فرمود که هر روز
بر بالای بام خود رو و بجانب راست و چپ خود التفات کن و بعد از ان سر خود را بلند
کن بسوی اسمان بعد از ان میل بجانب قبر انحضرت کن و بگوی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ
اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه زیارت کند

ثواب زیارت حضرت سید الشهدا

حضرت امام حسین ع را در اول ماه رجب خدای تعالی البته او را بیامرزد و نیز از انحضرت مرویست
که خدای تعالی بقبر امام حسین ع چهار هزار ملک موکل کرده است که مجموع ایشان
پراکنده موی و گرد الود و گریانند بر ان حضرت تا روز قیامت پس کسیکه انحضرت را
در حالتی عارف باشد بحق او زیارت کند ان ملائکه مشایعت می کنند او را بسلامت تا انکه او را
بمامن خود رسانند و اگر بیمار شود هر صبح و شام او را عیادت می کنند تا روز قیامت
و نیز از انحضرت مرویست که فرمود اگر یکی در تمام عمر خود حج کند و زیارت حضرت امام
حسین ع را نکند حقی از حقوق رسول الله ص را ترک کرده خواهد بود زیرا که زیارت
حضرت امام حسین ع واجبست بر هر مسلمانی مترجم گوید که مراد از وجوب شدت تاکید
در استحبابست یعنی مردم باید چنانچه واجبات را ترک نمی کنند زیارت انجناب را نیز ترک نکنند
و با او معامله واجبات کنند و از امام محمد باقر ع مرویست که فرمود که امر کنید شیعیان ما را از برای
امام حسین ع که زیارت او زیاد میکرداند رزق و عمر را و دفع می کند بلا را و زیارت او واجبست
بر هر مومنی که اقرار بامامت او دارد و از حضرت صادق ع مرویست که بر توانگران لازمست
که در هر سال دو نوبت بزیارت قبر سید الشهدا بیایند و بر فقرا لازمست که سالی
یکبار بیایند و نیز از انحضرت مرویست که کسیکه از منزل خود بیرون رود بقصد زیارت
امام حسین ع اگر پیاده است بواسطه هر گامی یک حسنه می نویسند و یک سیئه از او
محو می گردانند و اگر سواره است از برای او بهر گامی که مرکوب او می گذارد یک حسنه می نویسند
و یک سیئه از نامه عمل او محو می کنند و چون بجائر انحضرت رسد او را از جمله مفلحان
نویسند و چون مناسک زیارت را بجا آورد او را از جمله فائزین نویسند و هر گاه اراده
انصراف کند ملکی نزد او میاید و می گوید که من رسول پروردگار توام بسوی تو و خدای تو
ترا سلام میرساند و میفرماید که عمل خود را از سر گیر که گناهان گذشته ترا امرزیدم و

باب ۳۵ ثواب زیارات ایام رجب

زیارت حضرت امام حسین ع در شب اول رجب و روز اول رجب و در روز نصف رجب و
باید که غسل زیارت کنی و بعد از اغتسال برد قبر آنحضرت روی بقبله بایستی و بر پیغمبر ص
و فاطمه و ائمه علیهم السّلام سلام فرستی و بعد از آن بدعائی که مذکور شد اذن دخول
کنی و داخل شوی و بایستی بر ضریح آنحضرت و روی خود را بروی آنحضرت کنی و
قبله را در میان هر دو شانه خود بگردانی و در زیارت هر امامی باین طریق باید عمل
کرد هرگاه از نزدیک زیارت کنی و بعد از آن صد نوبت تکبیر بگوی پس زیارت
اینجا بر بعد از آن ضریح مبارک آنحضرت را ببوس و علی بن الحسین ع و سایر شهدا را
زیارت کن بر طریقی که گذشت و سنّتست زیارت حضرت پیغمبر ص و ائمه علیهم السلام در روز
اول رجب و بیست و هفتم رجب و در غیر مشاهد مشرفه ایشان اما زیارت پیغمبر ص و حضرت
زهرا و حضرت مرتضی و ائمه اربعه در بقیع قبل از این مذکور شد و اما زیارت حضرت
کاظم ع و حضرت جواد ع پس بتحقیق از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که فرمود کسی که
زیارت کند قبر پدر مرا ببغداد داخل بهشت میشود و از حضرت پیغمبر ص مرویست که
فرمود که ای اهل بیت من خدای تعالی گردانیده دلهای نجیبان خلق خود را و دلهای بر
گزیده گان بندگان خود را مایل بسوی شما که بواسطه شما متحمّل آزار و زحمت میشوند و
زیارت میکنند شما را و تقرب میجویند بسوی خدا و رسول ص او بمحبت شما پس این جماعت
مخصوص شدند بشفاعت من و وارد میشوند در حوض کوثر من و مر ایشانراست در بهشت
چیزی چند که هیچ چشمی ندیده است و هیچ گوشی نشنیده است و بر خاطر هیچ بشری
خطور نکرده است اما جمعی از ارذل ناس ایشانرا سرزنش میکنند بزیارت شما همچنانکه سرزنش میکنند زن زانیه را بگناه این جماعت بریدند از من و شفاعت من ایشانرا
در نمی یابد و بر حوض کوثر وارد نمی شوند بر من این روایت را شیخ شهید ره ذکر کرده است

ثواب زیارات حضرات ائمه

اما هرگاه اراده کنی زیارت حضرت کاظم ع از نزدیک پس طلب اذن کن بآن دعائی که گذشت
پس هرگاه داخل شدی بایست نزد قبر حضرت کاظم ع در حالتی که غسل زیارت کرده باشی
و روی خود را بآن حضرت بکن و بگوی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا حُجَّةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللهِ فی ظُلُماتِ الْاَرْضِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ
اللهِ ما حُمِّلْتَ وَحَفِظْتَ مَا اسْتُودِعْتَ وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللهِ وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللهِ
وَاَقَمْتَ حُدُودَ اللهِ وَتَلَوْتَ کِتابَ اللهِ وَصَبَرْتَ عَلَی الْاَذیٰ فی جَنْبِ اللهِ مُحْتَسِباً
حَتّیٰ اَتاکَ الْیَقینُ وَاَبْرَءُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکَ مِنْ اَعْدائِکَ مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَی
الَّذی اَنْتَ عَلَیْهِ عارِفاً بِفَضْلِکَ غَیْرَ عَنْ خالَفَکَ فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ بعد از آن
تربت مبارک آنحضرت را ببوس و جانب راست روی خود را و جانب چپ روی خود را
بر تربت گذار و بعد از آن بگرد بجانب سر مبارک آنحضرت و بگوی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا حُجَّةَ اللهِ فی اَرْضِهِ وَسَمائِهِ و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت آنحضرت بگذار
و بعد از آن دعائی که بعد از زیارت عاشورا ذکر شد بخوان بعد از آن زیارت حضرت
جواد کن بهمین زیارت که مذکور شد و ترتیب عمل در این زیارت بطریقی است که
در زیارت حضرت کاظم ذکر شد پس وداع ایشان بگوی بنحوی که در وداع ائمه
بقیع ذکر شد اما ثواب زیارت حضرت امام رضا ع احادیث در باب زیارت آنحضرت
در بسیاری بجائی رسیده است که نمی توان شمرد و ما بعضی از آن ذکر میکنیم از آن جمله
حدیثی است که از پیغمبر ص مرویست که آنحضرت فرمود که زود باشد که پاره از بدن من
در خراسان مدفون شود پس کسیکه او را زیارت کند در غربت او مثل آنست که هفتاد نوبت
حج کرده باشد و هیچ مؤمنی زیارت نکند او را مگر آنکه خدای تعالی واجب کرداند
برای او بهشت را و حرام گرداند بدن او را بر آتش دوزخ و از حضرت امام رضا ع مرویست که

باب ۳۲ ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

فرمود دزد باشد مرا بقتل رساند بدترین خلق خدا بزهر و بعد از آن دفن کنند مرا در خانه تنگی در
بلاد غربت آگاه باشید که کسی که مرا در غربت من زیارت کند خدای تعالی می نویسد از
برای او ثواب صد هزار شهید و صد هزار مجاهد و صد هزار حاج و معتمر و صد هزار
صدیق و او را محشور می سازد در زمره ما و او را در درجات علا رفیق ما گرداند و نیز از
انحضرت مرویست که فرمود کسیکه زیارت کند مرا و حال آنکه عارف باشد بانچه برای من خدای
تعالی واجب گردانیده است برای او از حق من و طاعت من پس من و پدران من در روز قیامت
او را شفاعت کنیم و کسیکه ما او را شفاعت کنیم اگرچه گناه جن و انس بر او باشد نجات می
یابد و نیز از انحضرت مرویست که کسی که مرا زیارت کند بر دوری خانه من در روز قیامت در سه
موضع می آیم که او را از اهوال قیامت در سه موضع می آیم که او را از اهوال قیامت خلاص
گردانم یکی وقتی که کاغذها در جانب چپ و راست در پرواز باشد دیگر در نزد صراط سوم در
نزد میزان و از حضرت بخط مبارک نوشت بسوی بزنطی که بشیعه من برسان این حدیث را
که زیارت من نزد خدای تعالی برابر است با هزار حج و هزار عمره مقبوله از حضرت جواد
پرسیدند یا ابن رسول الله زیارت انحضرت برابر هزار حج است فرمود بلی بخدا قسم که برابر
هزار هزار حج است از برای کسیکه انحضرت را زیارت کند در حالتی که بحق او عارف باشد
و نیز از حضرت جواد مرویست که فرمود کسیکه زیارت قبر پدر مرا در طوس بکند خدای
تعالی گناهان آینده و گذشته او را می آمرزد و چون روز قیامت شود منبری از برای او
میگذارند در برابر منبر پیغمبر تا آنکه خدای تعالی از حساب بندهای خود فارغ شود و
از حضرت جواد پرسیدند که زیارت حضرت امام رضا افضل است یا زیارت امام
حسین انحضرت فرمود زیارت حضرت امام رضا افضل است زیرا که قبر امام حسین را
اکثر مردم زیارت کنند و امام رضا را زیارت نمی کنند مگر خواص شیعه و از حضرت کاظم

ثواب زیارت حضرت امام رضا

مرویست که فرمود کسیکه فرزند من علی را زیارت کند نزد خدای تعالی مثل هفتاد حج مبرور است
یحیی مازنی گفت یا ابن رسول الله برابر هفتاد حج است و از حضرت صادق مرویست که یکی
از نبیرهای من در زمین خراسان مقتول خواهد شد در شهری که او را طوس گویند پس کسیکه
در آن زمین او را زیارت کند در حالتی که بحق او عارف باشد من دست او را گرفته داخل
بهشت گردانم اگرچه از اهل کبایر باشد پرسیدند یا ابن رسول الله عرفان حق او کدام است
فرمود بداند که او امام مفترض الطاعه می باشد و غریب و شهید است پس کسیکه او را زیارت
کند در حالتیکه عارف باشد بحق او ثواب هفتاد هزار شهید حق تعالی باو عطا کند از شهدائی
که در خدمت پیغمبر شهید شده باشند و از حضرت امیر المؤمنین مرویست که شخصی
از فرزندان من شهید شود بزهر که اسم او اسم من باشد و اسم پدر او اسم موسی کسیکه
او را زیارت کند در غربت او خدای تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد اگرچه بعدد
نجوم و قطرهای باران و برگ درختان و کف دریا باشد و پیغمبر فرمود که خدای تعالی
بچهارده هزار سال پیش از خلق دنیا چهار بقعه را پاک آفرید مکه و مدینه و زمین کربلا
و سناباد طوس را اما آداب زیارت رضا پس اول غسل زیارت کن و بعد از آن اذن دخول
طلب و بعد از آن بگوی اللّهمّ صلّ على عليّ بن موسى الرضا المرتضى الامام التقيّ النقيّ
وحجّتك على من فوق الارض ومن تحت الثرى الصدّيق الشهيد صلواةً كثيرةً
ناميةً زاكيةً مباركةً متواصلةً مترادفةً متواليةً متواترةً كافضل ما صلّيت
على احدٍ من اوليائك و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بگذار و در وداع انحضرت
بگوی السّلام عليك يا وليّ الله ورحمة الله وبركاته اللّهمّ لا تجعله آخر العهد
من زيارتي من زيارة برحمتك وحجّتك على خلقك واجمعني واياه في جنّتك و
احشرني معه وفي حزبه مع الشهداء واحشرني معه وفي حزبه مع الشهداء

باب هشتم ثواب زیارت عسکریین

والصالحین وحسن اولئك رفیقا واستودع الله واسترعیك واقرء علیك
السلام امنا بالله وبالرسول وبما جئت به ودللت علیه اللهم فاکتبنا
مع الشاهدین باب ۳۸ در زیارت عسکریین شیخ شهید در دروس از حضرت امام حسن عسکری ع
روایت کرده که فرمود قبر من در سر من رای امانست از برای خائفان و در روایت آمده است
که کسیکه زیارت کند امام مفترض الطاعه را بعد از وفات او و نزد او چهار رکعت
نماز کند خدای تعالی از برای او حج و عمره بنویسد و این روایت را استرابادی در منسك
خود ذکر کرده و از حضرت امام رضا مرویست که فرمود هر امامی را در گردن اولیا
و شیعه او عهدیست و از تمامی وفا بعهد زیارت قبور ایشانست پس کسیکه زیارت
کند ایشانرا بواسطه رغبت در زیارت ایشان و تصدیق بانچه رغبت دارند در ان
ائمه روز قیامت شفعای ایشان خواهند بود اما آداب زیارت عسکریین اول باید
که از برای زیارت غسل کنی و جامه پاك بپوشی و دعای اذنیکه در زیارت پیغمبر ص
گذشت بخوانی و چون داخل شوی بروضه مطهر ایشان روی خود را بایشان کنی
و قبله را در پس پشت خود اندازی صد بار تکبیر بگوئی و بعد از ان بگوئی السلام
علیکما یا ولیی الله السلام علیکما یا حجتی الله السلام علیکما یا نوری الله
فی ظلمات الارض السلام علیکما یا امینی الله اتیتکما زائرا لکما عارفا بحقکما
مؤمنا بما امنتما به کافرا بما کفرتما به محققا لما حققتما مبطلا لما ابطلتما
اسئل الله ربی وربکما ان یجعل حظی من زیارتکما الصلوة علی محمد واله
وان یرزقنی شفاعتکما ولا یفرق بینی وبینکما ولا یسلبنی حبکما
وحب ابائکما الصالحین ولا یجعله اخر العهد من زیارتکما ویحشرنی
ویجمع بینی وبینکما فی الجنة بعد از ان هر یك از این دو قبر را ببوس و جسد

و غسل کند ... و حق تعالی در قرآن مجید اشاره بان قصه نموده است در انجا که فرموده الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم مفسرین گفته اند که پیغمبر ... حزقیل بوده و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود در این روز جبرئیل بحضرت رسول بوحی نازل شد یعنی روز نوروز موافق مبعث بوده که بیست و هفتم ماه مبارك رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابرهیم نیز در این روز بتهای کافرانرا شکست و اول اشاره است بانکه ... و شیعه روایت کرده اند بطرق بسیار که حضرت رسالت حضرت امیر المؤمنین را با خود بمسجد الحرام اورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش انحضرت بالا رفت و بتهای کافرانرا بزیر افکند و شکست پس مراد اینست که در شب این

زیارت حضرت صاحب الامر ع

از ان جانب راست و جانب چپ روی خود را بر قبر بگذار و بعد از ان سر خود را بردار و بگوی
اللهم ارزقنی حبهم وتوفنی علی ملتهم اللهم العن ظالمی ال محمد حقهم
وانتقم منهم اللهم العن الاولین منهم والاخرین وضاعف علیهم العذاب
الالیم انك علی کل شیء قدیر اللهم عجل فرج ولیك وابن ولیك واجعل
فرجنا مع فرجهم یا ارحم الراحمین پس برای هر امامی دو رکعت نماز بگذار و بعد
از ان بخوان دعائی که در روز عاشورا مذکور شد و بعد از ان وداع کن ایشانرا بوداعی
که در زیارت ائمه بقیع مذکور شد باب ۳۹ در زیارت حضرت صاحب الامر سنت مؤکداست در
هر مکانی و در هر زمانی و سنتست دعا کردن بتعجیل فرج انحضرت در سرداب در سر من
رای سنت مؤکد است چنانچه شهید در دروس ذکر کرده است و ما انها را ذکر کرده ایم
در این کتاب در بابی که مخصوص بماه شعبانست اما غیر مخصوص که منسوب بان حضرت است
اما هرگاه زیارت انحضرت خواهی بکنی از نزدیك باید که غسل زیارت کنی و بر در سرداب
ایستاده اذن دخول طلبی و بعد از ان صد بار تکبیر بگوئی و بعد از ان بگوئی السلام
علیك یا خلیفة الله وخلیفة ابائه المهدیین السلام علیك یا وصی الاوصیاء
الماضین السلام علیك یا حافظ اسرار رب العالمین السلام علیك یا وارث علوم
النبیین السلام علیك یا بقیة الله من الصفوة المنتجبین السلام علیك یا ابن
الانوار الزاهرة السلام علیك یا ابن العترة الطاهرة السلام علیك یا معدن العلوم
النبویة والاسرار الربانیة السلام علیك یا باب الله الذی لا یؤتی الا منه السلام
علیك یا سبیل الله الذی من سلك غیره هلك السلام علیك یا ناظر شجرة طوبی
وسدرة المنتهی السلام علیك یا نور الله الذی لا یطفی السلام علیك یا حجة الله
فی ارضه وسمائه السلام علیك سلام من عرفك بما عرفك الله به ونعتك

ببعض

لا یطفأ

روز بود فرمود که در این روز حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با ... امیر المؤمنین ... مؤمنانست یعنی روز غدیر ... و بروایت دیگر بعد از کشته شدن عثمان ... بانحضرت بیعت کردند و در این روز ... و بر ... ظفر یافت ... و در این روز قائم آل محمد ظاهر شود و در این روز ... ظفر خواهد یافت بر دجال ... و در ... کناسه کوفه ... و هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما ... انتظار میکشیم

[illegible]

باب ٣ زیارت حضرت صاحب الامر

ببعض نعوته التی انت اهلها وفوقها اشهد انک الحجة علی من مضی ومن بقی
فان حزبک هم الغالبون واولیاءک هم الفائزون واعداءک هم الخاسرون
وانک خازن کل علم وفاتق کل رتق ومحقق کل حق ومبطل کل باطل
رضیتک یا مولای اماما وهادیا وولیا ومرشدا لا ابغی بک بدلا ولا
اتخذ من دونک ولیا اشهد انک الحق الثابت الذی لا عیب فیه وان
وعد الله فیک حق لا ارتاب لطول الغیبة وبعد الامد ولا اتحیر مع من
جهلک وجهل بک بل منتظر متوقع لایامک انت الشافع
الذی لا ینازع والولی الذی لا یدافع ذخرک الله لنصرة الدین واعزاز المؤمنین
والانتقام من الجاحدین المارقین واشهد ان بولایتک تقبل الاعمال
وتزکی الافعال وتضاعف الحسنات وتمحی السیئات فمن جاء بولایتک
واعترف بامامتک قبلت اعماله وصدقت اقواله وتضاعفت حسناته
ومحیت سیئاته ومن عدل عن ولایتک وجهل معرفتک واستبدل
بک غیرک اکبه الله علی منخره فی النار ولم یقبل الله له عملا ولم
یقم له یوم القیمة وزنا اشهد الله واشهد ملائکته واشهدک
یا مولای ان مقالی لهذا ظاهره کباطنه وسره کعلانیته وانت
الشاهد علی ذلک وهو عهدی الیک ومیثاقی لدیک اذ انت
نظام الدین ویعسوب المتقین وعز الموحدین وبذلک امرنی رب
العالمین فلو تطاولت الدهور وتمادت الاعصار لم ازدد فیک الا
یقینا ولک الا حبا وعلیک الا توکلا واعتمادا ولظهورک الا توقعا
وانتظارا وترقبا لجهادی بین یدیک فابذل نفسی ومالی وولدی واهلی

در آداب [illegible] عمل

زیراکه امروز همان روز
شیعیان ما استتار ورز ایشان
حفظ کردند و حرمت ایشان رعایت
کردند و شما عربان از ضایع
کردید پس حضرت فرمود که عمل
که چون روز نوروز شود غسل
بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را
بپوش و بهترین بوهای خود را
خوشبو کن و در آن روزه بدار پس چون
از نماز پیشین و پسین و نافلهای آن
فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار
و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره
انا انزلناه بخوان و در رکعت دویم
ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون
و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه
سوره قل هو الله احد و در رکعت
چهارم بعد از حمد سوره قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
هر یک ده مرتبه بخوان و بعد از نماز
سجده شکر برو و این دعا را بخوان
اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء
المرضیین

زیارت حضرت صاحب الامر

وولدی واهلی وجمیع ما خولنی ربی بین یدیک والتصرف بین امرک ونهیک
یا مولای فان ادرکت ایامک الزاهرة واعلامک الباهرة فها انا
ذا عبدک متصرف بین امرک ونهیک ارجو به الشهادة بین
یدیک وبولایتک السعادة والفوز لدیک وان ادرکنی الموت قبل
ظهورک فانی اتوسل بک وبآبائک الطاهرین الی الله واسئله ان یصلی
علی محمد وآل محمد وان یجعل لی کرة فی ظهورک ورجعة فی ایامک
لابلغ من طاعتک مرادی واشفی من اعدائک فؤادی مولای وقفت
فی زیارتک موقف الخاطئین النادمین الخائفین من عقاب رب
العالمین وقد اتکلت علی شفاعتک ورجوت بموالاتک وشفاعتک
محو ذنوبی وستر عیوبی ومغفرة ذنوبی وزللی فکن لولیک یا مولای
عند تحقیق امله واسئل الله غفران زلله فقد تعلق بحبلک وتمسک
بولایتک وتبرء من اعدائک اللهم صل علی محمد وآل محمد واظهر
کلمته واعل دعوته وانصره علی عدوه وعدوک یا رب العالمین اللهم
صل علی محمد وآل محمد واظهر کلمتک التامة ومغیبک الذی
فی ارضک الخائف المترقب اللهم انصره نصرا عزیزا وافتح له فتحا یسیرا
اللهم واعز به الدین بعد الخمول واطلع به الحق بعد الافول واجل به
الظلمة واکشف به الغمة اللهم وآمن به البلاد واهد به العباد
اللهم املأ به الارض قسطا وعدلا کما ملئت جورا وظلما انک سمیع
مجیب اللهم علیک یا ولی الله ائذن لولیک فی الدخول الی حرمک
صلوات الله علیک وعلی آبائک الطاهرین ورحمة الله وبرکاته وق

وصل علی جمیع انبیائک
ورسلک بافضل صلواتک
وبارک علیهم بافضل برکاتک اللهم
صل علی ازواجهم واجسادهم و
بارک علی محمد وآل محمد وبارک
لنا فی یومنا هذا الذی فضلته
وکرمته وشرفته وعظمت خطره
اللهم بارک لی فیما اعطیتنی به
حتی لا اشکر احدا غیرک ووسع
علی فی رزقی یا ذا الجلال والاکرام
اللهم ما غاب عنی فلا یغیبن عنی
عونک وحفظک وما فقدت من
شیء فلا تفقدنی عونک علیه حتی
لا اتکلف ما لا احتاج الیه یا ذا
الجلال والاکرام چون چنین کنی
پنجاه ساله تو امرزیده شود و
بگو یا ذا الجلال والاکرام و در سفر
کتب مشهوره روایت کرده اند که
در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند
و بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه
گفته اند یا محول الحول والاحوال
حول حالنا الی احسن الحال

نزول سرداب بکو السلام علی الحق الجدید والعالم الذی علمه لا یبید السلام علی
محیی المؤمنین و مبیر الکافرین السلام علی مهدی الامم وجامع الکلم
السلام علی خلف السلف و صاحب الشرف السلام علی حجة المعبود وکلمة المحمود
السلام علی معز الاولیاء ومذل الاعداء السلام علی وارث الانبیاء و
خاتم الاوصیاء السلام علی القائم المنتظر والغائب المشتهر السلام علی السیف
الشاهر والقمر الزاهر والنور الباهر السلام علی شمس الظلام وبدر
التمام السلام علی ربیع الانام ونضرة الایام وفطرة الانام السلام علی صاحب
الصمصام وفلاق الهام السلام علی الدین المأثور والکتاب المسطور السلام
علی بقیة الله فی بلاده وحجته علی عباده المنتهی الیه مواریث الانبیاء والیه
موجودة آثار الاصفیاء المؤتمن علی السر والولی للامر السلام علی المهدی الذی
وعد الله به الامم ان یجمع به الکلم ویلم به الشعث ویملأ به
الارض قسطا وعدلا ویمکن له وینجز له ما وعد المؤمنین اشهد یا مولای
انک والائمة من آبائک ائمتی وموالی فی حیوة الدنیا ویوم یقوم
الاشهاد اسئلک یا مولای ان تسأل الله تبارک وتعالی فی اصلاح شأنی
وقضاء حوائجی وغفران ذنوبی والاخذ بیدی فی دینی ودنیای وآخرتی
ولاخوانی المؤمنین والمؤمنات انه غفور رحیم وبعد از آن دوازده رکعت
نماز کنی بشش سلام و در هر رکعتی الحمد و توحید بخوانی و در عقب هر دو رکعت
تسبیح حضرت فاطمه زهرا ع بخوانی و بعد از آن این نماز ها را هدیه کنی بآن حضرت
و بعد از آن آنحضرت را وداع کنی بآنچه ذکر در وداع گذشت **باب** در زیارت حضرت امام
حسین ع در نصف شعبان در روز و شب آن سنت است از حضرت صادق ع مرویست که

یا مدبر اللیل والنهار یا محول الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال بعضی روایت کرده اند که این دعا را نیز در روز نوروز و دیگر ایام سال بخوانند اللهم هذه سنة جدیدة وانت ملک قدیم اسئلک خیرها وخیر ما فیها و اعوذ بک من شرها وشر ما فیها واستکفیک مؤنتها وشغلها یا ذا الجلال والاکرام و اگرچه منعی در دعا نیست اما ان دعای اول را خواندن هرچند نمازش کرده نشود چون سند معتبر دارد بهتر است **باب** در اعمال ماههای رومیست سید جلیل علی ابن طاوس روایت کرده که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند حضرت رسالت پناه داخل شد و برایشان سلام کرد پس ایشان جواب گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دعائیکه جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشد

کسیکه سه سال متوالی در نصف شعبان امام حسین ع را زیارت کند البته گناهان او آمرزیده
می شود و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه دوست دارد که صد و بیست و چهار هزار پیغمبر
با او مصافحه کنند باید که امام حسین ع در نصف شعبان زیارت کند زیرا که ارواح
جمیع پیغمبران در نصف شعبان زیارت کنند آنحضرت را از خدای تعالی رخصت زیارت
آنحضرت میگیرند و نیز از آنحضرت مرویست که چون نصف شعبان شود منادی از افق
اعلی ندا کند که زائران امام حسین ع را و گوید ای زائران امام حسین ع برگردید بدرحالتیکه
گناهان شما آمرزیده است و ثواب شما بر خدای شما و بر محمد است که پیغمبر شماست و
نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه زیارت کند امام حسین ع در نصف شعبان و در شب عید
فطر و در شب عرفه در یکسال خدای تعالی می نویسد برای او هزار حج مبرور و هزار عمره
مقبول و روا می کرده حاجات او هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرت و از امام محمد باقر ع
مرویست کسیکه زیارت کند امام حسین ع در نصف شعبان گناهان او آمرزیده می شود
و تا سال دیگر گناه بر او نمی نویسند و اگر در سال دیگر نیز زیارت کند گناهان او آمرزیده
شود و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه از روی خشوع و احتساب و استغفار
زیارت قبر آنحضرت کند در یکی از سه شب از ماه رمضان در شب اول رمضان که
زیارت کند فرو میریزد گناهان او چنانچه فرو میریزد برگهای خشکیده درختان از باد تند
و بیرون میرود از گناهان مثل روزیکه از مادر متولد شده است و با این غفران ذنوب
اجر کسی باو میدهند که بیست حج و یکعمره در آن سال بجا آورده باشد و دو ملک ندا می کنند
که ندای ایشان را همه صاحب روحی غیر از جن و انس می شنوند یکی از آن دو ملک میگویند
که ای بنده خدا از گناهان پاک شدی عمل را از سر گیر و دیگری می گوید ای بنده خدا بشارت
باد ترا بمغفرت و فضل از جانب الله تعالی و از جابر جعفی مرویست که گفت حضرت صادق ع

پس حضرت امیر المؤمنین ع و دیگران شوال و سلمان فارسی و دیگران حضرت رسول کردند که اندوه اینست حضرت خطاب نمود بحضرت امیر المؤمنین ع و ما بین یاران و فرمود که بدهم نیسان را و بیاب بای الکرسی و فرمود که سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی میکیرید و سوره قل اعوذ برب قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه میخوانی و بروایت دیگر سوره انا انزلناه را نیز هفتاد مرتبه میخوانی و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میگوئی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و در آب باران بدمی و هفت روز بامداد و پیشین از آن آب می آشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد میکنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بر دارد از کسیکه این آب را بیاشامد هر دردی را که در بدن او باشد و عافیت بخشد او را و بیرون کند درد و بیماری از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح محفوظ ...

باب ثواب زیارت امام حسین ع

که ای جابر بدرستیکه هرگاه مردی از شما مهیا شود از برای زیارت حسین ع اهل آسمانها او
ملاقات می کنند و چون از منزل خود بیرون رود سواره یا پیاده خدای تعالی چهل هزار
ملک را موکل میسازد که بر او صلوات میفرستند تا وقتیکه برابر قبر امام حسین ع اید
پس هرگاه برسد در روضه انحضرت بایستی بگوی یا وارث آدم صفوة الله تا آخر پس برو بسوی
قبر او که بواسطه هر قدم که بر میداری و میگذاری ثواب کسی داری که در راه خدای
تعالی بخون خود غلطیده باشد بعد از آنکه سلام دادی قبر مبارک را بدست خود
استلام کن و بگوی السلام علیک یا حجة الله پس قصد کن بنماز خود پس بدرستیکه خدای
تعالی و ملائکه او بر تو صلوات می فرستند تا آنکه فارغ شوی از نماز و از برای هر رکعت
نمازی که نزد انحضرت میگذاری ثواب هزار هزار حج و ثواب هزار هزار عمره و ثواب آزادی
هزار هزار بنده و ثواب هزار هزار جهاد در راه خدا که با پیغمبر مرسل همراه باشی
از برای تو خواهد بود و چون از نزد قبر او برخیزی منادی ترا ندا کند که اگر تو قول
او را بشنوی تمام عمر خود را نزد قبر انحضرت صرف کنی و آن ملک در ندای خود این
قول را میگوید که خوشحال تو ای بنده خدا بدرستیکه غنیمت گرفتی و سالم شدی
و گناهان تو آمرزیده شد پس عمل خود را از سر گیر پس اگر زایر او بمیرد در آن سال یا
در آن روز متولی قبض روح او نمی شود مگر خدای تعالی و اگر زنده بماند ملائکه با او
موافقت و همراهی می کنند و بر او صلوات می فرستند و تسبیح می گویند تا آنکه
بمنزل خود برسد و چون بمنزل برسد ملائکه گویند ای پروردگار ما بنده تو به
خانه خود رسید ما بکجا رویم از جانب خدا ندا اید که در خانه بنده من بایستید و
تسبیح و تقدیس کنید و ثواب او را داخل حسنات او کنید تا وقت موت او و هرگاه
او را موت رسد در غسل و کفن و نماز او حاضر شوند و بعد از فوت او ملائکه

ثواب زیارت حضرت امام حسین

گویند پروردگار ما این بنده تو فوت شده ما بکجا رویم از جانب خدا ندا اید
که نزد قبر او بایستید و تسبیح و تهلیل و تقدیس کنید و از برای او حسنات بنویسید تا روز
قیامت و از هرون خارجه مرویست که حضرت صادق ع فرمود مرا که یا هرون چند حج کرده
عرض کردم هفده حج کرده ام و هفده عمره بجا آورده ام انحضرت فرمود اگر بیست حج و بیست عمره
تمام کرده بودی مثل کسی بودی که زیارت امام حسین ع کرده بود و نیز از انحضرت ع مرویست
که کسیکه امام حسین ع را زیارت کند نه از روی تکبر و نه از روی ریا و سمعه گناهان
او محو میشود مثل جامه چرکی که از آب پاک شود و اصلا در تنش چرکی با او نماند و از برای
هر گامی که بر میدارد یک حج در نامه اعمال او نویسند و هر گامی که بر دارد یک عمره در نامه عمل
او نویسند و نیز از انحضرت ع مرویست که کسیکه بمیرد و زیارت قبر امام حسین ع نکرده باشد
آنکس ناقص الایمان و ناقص الدین است اگر داخل بهشت شود درجه او ادون از مؤمنان
خواهد بود و نیز از انحضرت ع مرویست که کسی که قادر باشد بر زیارت سید الشهدا و ترک
آن نماید عقوق ورزیده است و با ما اهل بیت پیغمبر رسول خدا عقوق ورزیده است و استخفاف بحق او کرده
و کسیکه زیارت انحضرت کند خدای تعالی حوایج او را روا می کند و مهمات دنیای او را
کفایت میکند و زیارت انحضرت جلب رزق میکند و آنچه در این زیارت نفقه کرده است
خدای تعالی عوض خیر باو میدهد و گناهان پنجاه ساله زایر را محو می گرداند و بخانه خود رجوع
می کند در حالتیکه اصلا بار او گناهی نباشد اگر در آن سفر بمیرد ملائکه او را غسل می دهند
و از برای او دری از بهشت می گشایند که روح او داخل بهشت می شود تا روز حشر و اگر از آن سفر
بسلامت باز آید میگشایند در برای او که رزق او از آن نازل میشود و از برای او هر درهمی که صرف
کرده است ده هزار درهم باو میدهند و فرمود کسیکه در سه شب زیارت حضرت امام حسین ع
بکند گناهان گذشته و آینده او امرزیده شود و آن سه شب شب عید رمضان و شب عید قربان و شب نصف

باب ۴۰ زیارت حضرت سید الشهداء نصف شعبان

شعبانست و هم چنین سنتست زیارت حضرت صاحب الزمان در نصف شعبان همان زیارتیکه مذکور شد زیرا که آنحضرت در شب نصف شعبان متولد شد پس بایدکه در شب نصف شعبان و روز نصف شعبان حضرت سید الشهداء را باین نحو زیارت کنی که اول غسل زیارت کند و اذن دخول طلبد و صد بار تکبیر گوید و بعد از این زیارتیکه از حضرت صادق مرویست بخواند و آن اینست که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّکِیُّ اُوْدِعُکَ شَهَادَةً مِنِّی لَکَ تُقَرِّبُنِی اِلَیْکَ فِی یَوْمِ شَفَاعَتِکَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجَاءِ حَیَاتِکَ حَیِیَتْ قُلُوبُ شِیعَتِکَ وَبِضِیَاءِ نُورِکَ اهْتَدَی الطَّالِبُونَ اِلَیْکَ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ نُورُ اللّٰهِ الَّذِی لَمْ یُطْفَأْ اَبَداً وَاَنَّکَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذِی لَمْ یُهْلَکْ اَبَداً وَاَشْهَدُ اَنَّ هٰذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُکَ وَهٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُکَ وَهٰذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِکَ لَا ذَلِیلٌ وَاللّٰهِ مُعِزُّکَ وَلَا مَغْلُوبٌ وَاللّٰهِ نَاصِرُکَ هٰذِهِ شَهَادَةٌ لِی عِنْدَکَ اِلَی یَوْمِ قَبْضِ رُوحِی بِحَضْرَتِکَ وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ بعد از آن زیارتی را بخواند که از حضرت هادی مرویست و آن اینست اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ فِی اَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَی خَلْقِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضَی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَیْتَ الزَّکٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَجَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ حَتّٰی اَتٰیکَ الْیَقِینُ فَصَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ حَیّاً وَمَیِّتاً بعد از آن جانب راست روی خود را بر قبر گذارد و بگوید اَشْهَدُ اَنَّکَ عَلٰی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّکَ جِئْتُکَ مُقِرّاً بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِی عِنْدَ رَبِّکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ بعد از آن بر ائمه علیهم السلام درود فرستد و نام یکیک را ببرد و بعد از آن بگوید اَشْهَدُ اَنَّکُمْ حُجَّةُ اللّٰهِ فَاکْتُبْ

از نور در روشنی مملو گردد و دردها از دل دور سازد و حکمت بر زبان جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باد عطا کند او را کرامتها ... با حدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بر دارد و از عداوت و دشمنی و بد گوئی مردم خلاص یابد و موجب شفای او گردد مؤلف گوید که این روایت مشهور و بعید الله پسر عمر منتهی میشود و باین سبب سندش ضعیفست و فقیر بخط شهید دیدم که این روایت از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده بود با همین خواص و سوره ها اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است که میخواند برابر بینی فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل

اداب زیارت حضرت امام حسین در شب فطر

لِی یَا مَوْلَایَ عِنْدَکَ عَهْداً وَمِیثَاقاً وَعَهْداً اِنِّی اَتَیْتُکَ اُجَدِّدُ الْمِیثَاقَ فَاشْهَدْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ اِنَّکَ اَنْتَ الشَّاهِدُ بعد از آن آنحضرت را زیارت کند بزیارتیکه در اول رجب گذشت بعد از آن زیارت کند علی بن الحسین و شهدا و حضرت عباس را بزیارتیکه بعد از این مذکور میشود در زیارت عرفه بعد از آن نزد سر آنحضرت آید و دو رکعت نماز کند و بعد از نماز دعائی را بخواند که در زیارت عاشورا گذشت

اداب زیارت حضرت امام حسین در شب فطر و روز آن اول غسل زیارت کند و طلب اذن دخول کند اگر زیارت از نزدیک باشد و بعد از آن بگوید اَللّٰهُ اَکْبَرُ کَبِیراً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیراً وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بُکْرَةً وَاَصِیلاً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْاَحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِی مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِی زِیَارَةَ مَوْلَایَ بِاِحْسَانِهِ وَلَمْ یَجْعَلْنِی عَنْ زِیَارَتِهِ مَمْنُوعاً وَلَا عَنْ ذِمَّتِهِ مَدْفُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ و بعد از آن داخل شود و در برابر قبر بایستد بگریه و خشوع و خضوع و بگوید اینچنین زیرا که از حضرت صادق مرویست و آن اینست اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اِبْرٰهِیمَ خَلِیلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسٰی نَجِیِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِیسٰی رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللّٰهِ سَیِّدِ رُسُلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عَلِیٍّ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَخَیْرِ الْوَصِیِّینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اَخِیکَ الْحَسَنِ الزَّکِیِّ اِبْنِ اَمِیرِ الرَّضِیِّ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الصِّدِّیقُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْوَصِیُّ الْبَارُّ التَّقِیُّ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِکَ وَاَنَاخَتْ بِرَحْلِکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْمَلٰئِکَةِ الْحَافِّینَ بِکَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَیْتَ الزَّکٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصاً حَتّٰی اَتٰیکَ الْیَقِینُ

باب ۴۱ در زیارت آنحضرت شب فطر

السلام علیک ورحمة الله وبرکاته و بعد از ان بجوی قبر مبارک رود و قبر را استلام کند و بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا حجة الله ورحمة الله وبرکاته و بعد از ان بگوید الخبر را که از حضرت صادق ع مرویست و ان اینست که السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک یابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا سید شباب اهل الجنة ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا من رضاه رضی الرحمن وسخطه سخط الرحمن السلام علیک یا امین الله وحجة الله وباب الله والدلیل علی الله والداعی الی الله اشهد انک قد حللت حلال الله وحرمت حرام الله واقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر ودعوت الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة اشهد انک ومن قتل معک شهداء احیاء عند ربکم ترزقون اشهد ان قاتلک فی النار وادین الله عز وجل بالبرائة ممن قتلک وممن قاتلک وشایع علی قتلک وممن جمع علیک وممن سمع صوتک فلم یعنک یا لیتنی کنت معک فافوز فوزا عظیما پس تکیه کند بر قبر و قبر را ببوسد و بگوید السلام علیک یا ولی الله وحبیبه تا آخر آن که در ماه صفر گذشت بعد از دو رکعت نماز زیارت کند و بعد از ان دعائی را بخواند که در عقب نماز زیارت عاشورا گذشت و بعد از ان زیارت علی بن الحسین ع و شهدا و حضرت عباس کند تا آخر زیارت که در زیارت عرفه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی

باب ۴۲ در زیارت آنحضرت روز عرفه و شب

او از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه روز عرفه بنزد قبر حضرت امام حسین ع آید حق تعالی او را در روز قیامت برانگیزاند ثلج القلب یعنی در حالتیکه دل او مطمئن و منشرح

نباشد

باشد و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه روز عرفه بزیارت آنحضرت آید در حالتی که عارف باشد بحق او خدای تعالی از برای او هزار حج و هزار عمره مقبوله مبروره و هزار جهاد که در خدمت پیغمبر مرسل و امام عادل کرده باشد مینویسد و نیز از آنحضرت مرویست که کسی که روز عرفه زیارت امام حسین ع کند خدای تعالی می نویسد برای او هزار حج که با قائم آل محمد بجای آورده باشد و هزار عمره که با پیغمبر ص کرده باشد و هزار حمل در راه خدا و خدای تعالی او را بنده صدیق خودی نامیده و میفرماید که این بنده من ایمان آورده است بوعده من و ملائکه میگویند که این بنده صدیق است که خدای تعالی از بالای عرش خود او را تزکیه کرده است و او را در زمین کروبی نام کرده است یعنی سید گردانیده است و نیز از آنحضرت مرویست که خدای تعالی پیش از انکه نظر کند باهل عرفات نظر می کند بزوار امام حسین ع بعض از اصحاب پرسیدند که این چراست که خدای تعالی قبل از نظر بانها بزوار امام حسین می کند آنحضرت فرمود که بواسطه آنکه در اهل عرفات اولاد زنا داخل هستند و نیز از آن حضرت مرویست که بدرستی که خدای تعالی تجلی می کند برای زوار امام حسین ع قبل از اهل عرفات پس برمیاورد حوائج ایشان را و بعد از ان در حق اهل عرفات این افعال را بجا میاورد و نیز از آنحضرت مرویست که در روز عرفه خدای تعالی نظر میکند بسوی زوار امام حسین ع و میفرماید که رجوع کنید بمنازل خود در حالتی که گناهان گذشته شما آمرزیده است و از روز انصراف تا نود روز دیگر هیچ بلا از شما گناه نمی نویسد و آنحضرت ع بر رفاعه گفت که اگر من مکروه نمی داشتم که مردم ترک حج کنند هر اینه حدیثی نقل می کردم که هرگز کسی ترک زیارت حسین ع نمی کرد بعد از ان ساکت شد در زمان طویلی و بعد از ان فرمود که پدر من مرا خبر داده است که کسیکه برود از منزل خود بزیارت قبر حسین ع در حالتی که بحق او عارف باشد و متکبر نباشد مصاحب او می شوند هزار ملک از جانب راست او و هزار ملک

باب ثواب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام شب و روز عرفه

ازجانب چپ او و خدای تعالی می‌نویسد از برای او ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد که به همراهی
نبی یا وصی نبی کرده باشد و این احادیث و اخبار که ذکر کردیم خلاصه‌ انچیزیست که در کتاب
مصباح کبیر شیخ ابو جعفر طوسی است و از بشیر دهقان مرویست که خدمت حضرت صادق علیه السلام
عرض کردم که بسیار می‌شود که از من حج فوت می‌شود و روز عرفه نزد قبر امام حسین علیه السلام می‌باشم
کذرانم در حالتی که بحق او عارفم انحضرت فرمود که ثواب آن نزد خدای تعالی حساب کن
ای بشیر هر مومنی که بیاید بقبر امام حسین علیه السلام در حالتی که عارف بحق او باشد در غیر روز
عید خدای تعالی از برای او بیست حج و بیست عمره مقبوله مبروره و بیست غزوه که با نبی مرسل
و امام عادل همراه باشد می‌نویسد و کسیکه در روز عرفه بزیارت قبر انحضرت حاضر
شود خدای تعالی از برای او صد حج و صد عمره و صد غزوه که با نبی مرسل و امام عادل
همراه باشد می‌نویسد و کسیکه در روز عرفه بزیارت قبر انحضرت حاضر شود و عارف
بحق او باشد خدای تعالی از برای او هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه که با نبی
مرسل و امام عادل همراه باشد می‌نویسد و چون انحضرت این را فرمود من کفتم که پس
چونست مثل این موقف انحضرت مثل غضبناک برمن نکاه کرد و کفت بدرستی که
هرکاه مومنی از فرات غسل کند و بعد از ان متوجه زیارت امام حسین علیه السلام شود در روز
عرفه خدای تعالی از برای هر کامی که برمیدارد یک حج که با مناسک صحیح کرده باشد از
برای او می‌نویسد و اما اداب زیارت شب عرفه و روز عرفه و زیارت شب عید قربان و روز
عید قربان اول غسل زیارت کن و بعد از ان اذن دخول طلب کن اکر زیارت از نزدیک
باشد و بعد از ان بکو اَللهُ اَکْبَرُ کَبیراً وَالْحَمْدُ لِلّهِ کَثیراً وَسُبْحانَ اللهِ
بُکْرَةً وَاَصیلاً وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی هَدانا لِهذا وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا
اَنْ هَدانَا اللهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ و بعد از ان سلام و درود بفرست

چند فصلست فصل اول در بیان اداب و احکام حال احتضار و در وداع شدن میت باید که چون در
بیمار اثار موت ظاهر شود متوجه احوال کردد و از کناهان توبه و بر کناهان نادم و پشیمان کردد و عازم کردد که
اکر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نکردد پس وصیت کند بحقوق
خدا و خلق انچه بر ذمه اش باشد
ادا کند و بدیکران نکذارد پس بقدر
ثلث مال خود وصیت کند که
بخویشان بیرون و فقرا و مساکین
و سایر وجوه بر صرف نماید پس
ابراء ذمه از برادران مومن بطلبد
و هر کرا غیبت کرده باشد یا ازیت
رسانیده باشد اکر حاضر باشد
از ایشان التماس نماید او را عفو کنند
و اکر غایب باشد از حاضران التماس
نماید از او عفو نماید و ایشان را از او
راضی کردانند و از برای ایشان
استغفار نماید پس امور اطفال
و عیال خود را

زیارت شب و روز عرفه و شب و روز عید قربان

بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام و بعد از ان بکوی سَلامُ اللهِ وَسَلامُ مَلائِکَتِهِ وَاَنْبِیائِهِ وَرُسُلِهِ
وَالصّالِحینَ مِنْ عِبادِهِ وَجَمیعِ خَلْقِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ
اَهْلِ بَیْتِهِ وَعَلَیْکَ یا مَوْلایَ الشَّهیدُ الْمَظْلُومُ لَعَنَ اللهُ قاتِلَکَ وَخاذِلَکَ
بَرِئْتُ اِلَی اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُمْ وَمِنْ اَفْعالِهِمْ وَمِمَّنْ شایَعَ عَلی ذلِکَ وَرَضِیَ بِهِ
وَاَشْهَدُ اَنَّهُمْ کُفّارٌ مُشْرِکُونَ وَاللهُ وَرَسُولُهُ مِنْهُمْ بُراءٌ و بعد از ان
بکو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ عَبْدُکَ
وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ الْمُوالی لِوَلِیِّکَ الْمُعادی لِعَدُوِّکَ اسْتَجارَ بِمَشْهَدِکَ
وَتَقَرَّبَ اِلَیْکَ بِقَصْدِکَ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی هَدانی لِوِلایَتِکَ وَخَصَّنی
بِزِیارَتِکَ وَسَهَّلَ لی قَصْدَکَ و بعد از ان بجانب سر انحضرت بایست و بکوی اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ تا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ چنانچه کذشت در زیارت
مطلقه این مطلب پس تکیه کن بر قبر انحضرت و بکوی بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ بِاَبی
اَنْتَ وَاُمّی یا اَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصیبَةُ بِکَ عَلَیْنا
وَعَلی جَمیعِ اَهْلِ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَهَیَّاَتْ
لِقِتالِکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ قَصَدْتُ حَرَمَکَ وَاَتَیْتُ مَشْهَدَکَ اَسْئَلُ اللهَ بِالشَّاْنِ
الَّذی لَکَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذی لَکَ لَدَیْهِ اَنْ یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ بِمَنِّهِ وَرَحْمَتِهِ و بعد از ان نزد سر ان
حضرت علیه السلام دو رکعت نماز زیارت بجای اور و بعد از نماز دعایی اکر در عقب زیارت
عاشورا مذکور شد بخوان و بعد از ان زیارت علی بن الحسین علیه السلام را بزبانی که در عقب
همان زیارت کذشت بخوان و اصح انستکه این علی بن الحسین اکبرست و او در زیر پای پدر خود
مدفونست پس از ان نزد سر انحضرت دو رکعت نماز بکذار و بعد از ان شهدا را زیارت کن

بعد از ان توکل بخدا کند و وصی
امینی بکذارد و قیم و تعیین
از برای اولاد صغار خود نماید حاضر سازد
باید پیش کفن خود را حاضر سازد
و سهادتین و اقرار با ئمه و ادعیه
که وارد شده است که سنت است کفن
که وارد شده بنویسد و باید که تربت
کفن نوشته شود بفرماید که تربت
حضرت امام حسین علیه السلام بران بنویسند
اکر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد
اما مومن را سنتست که پیوسته
کفن او با شما باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که کفنش با او باشد
در خانه اش او را از غافلان ننویسند
و هرکاه نظرش بران افتد از برای او
حسنه نوشته شود و باید که در ان
وقت امید وار برحمت حق تعالی
و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی
بوده باشد و بسند معتبر از حضرت
رسالت پناه منقولست که حضرت
فرمود که هر که در وقت مرک وصیت
نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص
مروت و مردی اوست کفتند یا
رسول الله چکونه

و در زيارت ايشان بگوى آنچه در همانجا گذشت و در وداع ايشان بگوى السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي اِيّاهُمْ وَاَشْرِكْني مَعَهُمْ في صالِحِ ما اَعْطَيْتَهُمْ عَلى نَصْرِهِمْ اِبْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتَكَ عَلى خَلْقِكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنا وَاِيّاهُمْ في جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ اُولئِكَ رَفيقاً وَاَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ وَاَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلامَ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ اللّٰهُمَّ وَاحْشُرْني مَعَهُمْ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ و باز عود کند بجانب سر حضرت امام حسين ع بعد از آنکه نماز زيارت شهدا بکنی بر قبر آنحضرت تکيه کن و بيوس شيخ طبرسی در متهجد خود گويد چون منتهی شود باين مکان کسيکه زيارت کند امام حسين ع باين زيارت خدای تعالی می نويسد از برای او بهر گامی صد هزار حسنه و محو می کند از او صد هزار سيئه و بلند می گرداند برای او صد هزار درجه و روا می کند برای صد هزار حاجت که سهلترين آنها دوری از آتش دوزخ باشد و مثل کسی باشد که با امام حسين ع شهيد شده باشد حتی آنکه در درجات شهداء با ايشان شريک باشد و هر گاه اراده وداع آنحضرت ع کنی بگوی السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمينَ اللهِ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ فَاِنْ اَمْضِ فَلا عَنْ مَلالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللهُ الصّابِرينَ لا جَعَلَهُ اللهُ يا مَوْلايَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكَ وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ اِلى مَشْهَدِكَ وَالْمَقامَ في حَرَمِكَ وَاَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ پس بيرون رو از روضه مبارکه و پشت خود را بآنحضرت مکن و در حال بيرون آمدن بسيار بگوی اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ تا آنکه غايب شوی از قبر آنحضرت و در زيارت حضرت عباس بگو السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ

تلقين محتضر

و وصيت کند که موجود نزد يک و نادار شود و مرضی نزد او جمع شوند بگويد اللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحيمَ اِنّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنّي اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فيها وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَما وَعَدَ اللهُ فيها مِنَ النَّعيمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكاحِ حَقٌّ وَاَنَّ النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدّينَ كَما وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلامَ كَما شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَما قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَما اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبينُ وَاِنّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ في دارِ الدُّنْيا اَنّي رَضيتُ بِكَ رَبّاً وَبِالْاِسْلامِ ديناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيّاً وَبِعَلِيٍّ اِماماً وَبِالْقُرْآنِ كِتاباً وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ

الصّالِحُ الْمُطيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِاَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَعَلى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلى ما مَضى عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ الْمُجاهِدُونَ في سَبيلِ اللهِ الْمُناصِحُونَ لَهُ في جِهادِ الْاَعْداءِ الْمُبالِغُونَ في نُصْرَةِ الْاَوْلِياءِ فَجَزاكَ اللهُ اَفْضَلَ الْجَزاءِ وَاَوْفَرَ جَزاءِ اَحَدٍ مِمَّنْ وَفى بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ اُولئِكَ رَفيقاً و بعد از آن دو رکعت نماز زيارت بکن و بعد نماز زيارت حضرت عباس و ساير شهداء و بعد نماز زيارت علی بن الحسين دعای بخوان که بعد از نماز زيارت عاشورا مذکور شد و حر بن يزيد و هانی بن عروه و مسلم بن عقيل را نيز زيارت کن باين زيارتی که حضرت عباس را نمودی و وداع کن ايشان را بوداع حضرت عباس و آن وداع اينست اَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَاَسْتَرْعيكَ وَاَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ آمَنّا بِاللهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتابِهِ وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللهِ اللّٰهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ اللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي قَبْرَ ابْنِ اَخي رَسُولِكَ الْعَبّاسِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلامُ وَارْزُقْني زِيارَتَهُ اَبَداً ما اَبْقَيْتَني وَاحْشُرْني مَعَهُ وَمَعَ آبائِهِ فِي الْجِنانِ وَعَرِّفْ بَيْني وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَاَوْلِيائِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَفَّني عَلَى الْاِيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ وَالْوِلايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ وَوُلْدِهِ الْاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِهِمْ فَاِنّي رَضيتُ بِذلِكَ يا رَبِّ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ زيارت مخصوصه بهما هذه بعد از آنکه غسل کرده باشی و جامه های پاک پوشيده باشی و اذن دخول خوانده باشی داخل حرم شو و بايست نزد ضريح مقدس رو بقبله و بگو السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الصِّدّيقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ

تلقين محتضر

بيک عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ اَئِمَّتي اللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتي عِنْدَ شِدَّتي وَرَجائي عِنْدَ كُرْبَتي وَعُدَّتي عِنْدَ الْاُمُورِ الَّتي تَنْزِلُ بي وَاَنْتَ وَلِيّي في نِعْمَتي وَاِلٰهي وَاِلٰهُ آبائي صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَكِلْني اِلى نَفْسي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَداً وَآنِسْ في قَبْري وَحْشَتي وَاجْعَلْ لي عِنْدَكَ عَهْداً يَوْمَ اَلْقاكَ پس حضرت رسول فرمود که اين عهد و پيمانيست با خدا در روز يکه ميخواهد وصيت کند و وصيت واجب و لازم است بر هر مسلمانی و صحيفه اعتقاد است چنانکه خدا فرموده لا يَمْلِكُونَ الشَّفاعَةَ اِلّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْداً و در ميانکفن او بگذارند و چون آثار احتضار ظاهر گرديد اين دعا مکرر بخواند اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثيرَ مِنْ مَعاصيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ مِنْ طاعَتِكَ تا جان کندن بر او آسان گردد و بايد که اولاد و خويشان و برادران مؤمن

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذٰى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ وَالَّذِينَ خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلٰى لِسَانِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرٰى لَعَنَ اللهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْاَلِيمَ اَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي اَنْتَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

پس خود را بضریح بچسبان و ببوس ضریح را و چنین بگوی

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ فِي اَرْضِهِ وَسَمَائِهِ صَلَّى اللهُ عَلٰى رُوحِكَ الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

پس برو نزد قبر علی بن الحسین شهید و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْاَلِيمَ پس زیارت کن شهدا رضوان الله علیهم و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الصِّدِّيقُونَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْاَذٰى فِي جَنْبِهِ وَنَصَحْتُمْ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ حَتّٰى اَتٰيكُمُ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ فَجَزَاكُمُ اللهُ عَنِ الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهِ اَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ وَجَمَعَ اللهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ پس برو نزد قبر حضرت عباس بن علی و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَاَلْحَقَهُمْ بِدَرْكِ الْجَحِيمِ در بیان زیارت جامعه که شیخ مفید علیه الرحمة از ادر مزار خود ذکر کرده و گفته که کافی است از در جمیع مشاهد ائمه که بگوئی اَلسَّلَامُ عَلٰى اَوْلِيَاءِ اللهِ وَاَصْفِيَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى اُمَنَاءِ اللهِ وَاَحِبَّائِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى اَنْصَارِ اللهِ وَخُلَفَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللهِ اَلسَّلَامُ

عَلٰى مَسَاكِنِ ذِكْرِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى عِبَادِ اللهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ اَلسَّلَامُ عَلٰى مَظَاهِرِ اَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَدِلَّاءِ عَلَى اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقِرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللهَ وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللهَ وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ وَمَنْ تَخَلّٰى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّٰى مِنَ اللهِ اُشْهِدُ اللهَ اَنِّي حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَسِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ مُؤْمِنٌ بِمَا اٰمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا اَبْطَلْتُمْ بِهِ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ مُفَوِّضٌ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ لَعَنَ اللهُ عَدُوَّكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْاَلِيمَ وَاَبْرَاُ اِلَى اللهِ مِنْهُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ از حضرت صادقع مرویست که هرگاه یکی از شما دور باشد بما پس در منزل خود بر ما سلام کند و بسوی قبور ما ایما کند پس این سلام بما میرسد پس سلام ائمه از دور برای غیر قادر در ثواب نزدیک است دارد اما از دور که سلام کنی بگوی اَتَيْتُكَ زَائِرًا بلکه بگوی قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي زَائِرًا اِذْ عَجَزْتُ عَنِ الْحُضُورِ بِمَشْهَدِكَ وَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ سَلَامِي لِعِلْمِي بِاَنَّهُ يَبْلُغُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ و از حضرت کاظمع مرویست که هرگاه بیائی تو بمکه و بسک خود را بجا آوری و بعد از نماز بگوئی اِنَّ هٰذَا الطَّوَافَ وَهَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ عَنْ اَبِي وَاُمِّي وَزَوْجَتِي وَوَلَدِي وَخَاصَّتِي وَعَنْ جَمِيعِ اَهْلِ بَلَدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَعَنْ اِخْوَانِي وَاَخَوَاتِي فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ اَبْيَضِهِمْ وَاَسْوَدِهِمْ و هرگاه چنین کردی هر کس که بگوئی بنیابت تو نماز و طواف کرده ام راست گفته خواهی بود و هم چنین کن در زیارت معصوم و ائمه علیهم السلام چنانچه شیخ مفید در کتاب مزار خود

باب ۴ در ثواب زیارت قبور مؤمنین

ذکر کرده است خاتمه و در آن دو مقصد است مقصد اول آنکه سنت است زیارت برگزیدهای اصحاب
رسول الله خصوصا زیارت جعفر طیار در موته و زیارت سلمان و حذیفه در مداین
و زیارت انبیاء در اماکن قبور ایشان خصوصا زیارت حضرت ابرهیم و اسحق و
یعقوب و مشهد معروف ایشان و زیارت قبور شهدا و صلحاء مؤمنین زیرا که از
حضرت کاظم مرویست کسیکه قادر نباشد بر آنکه ما را زیارت کند پس باید که زیارت کند
برادران صالح خود را که خدای تعالی برای او ثواب زیارت ما را می نویسد و کسیکه قدرت
ندارد که صله کند ما را باید که صله کند برادران صالح خود را که از برای او ثواب صله
ما را می نویسند و سنت است هدیه کردن ثواب اعمال و قربات خصوصا تلاوت قران
از برای اموات خصوصا علما و خویشان بتخصیص پدر و مادر و سنت مؤکد است زیارت
برادران دینی میتا و حیا اما مرده ایشان از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که
هر که داخل قبرستان شود و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ مِنْ اَهْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یَا اَهْلَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
کَیْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ وَاحْشُرْنَا فِیْ زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ
اللّٰهِ حق تعالی ثواب پنجاه سال عبادت در نامه عمل او بنویسد و گناه پنجاه ساله از او و از
پدر و مادرش محو نماید اما احیا از حضرت صادق مرویست که کسیکه زیارت کند برادر
دینی خود را خدای تعالی موکل میسازد با و هفتاد هزار ملک را که ندا کنند او را که آگاه باش
که خوش شدی و خوش شد از برای تو بهشت و سنت است مر زایر را که زایر خود را استقبال کند
و دست در گردن او کند و با او مصافحه کند و هر یک از زایر و مزور موضع سجده
یکدیگر را ببوسند و اگر دست یکدیگر را هم ببوسند جایز است خصوصا علما و سادات و از حضرت

در احکام احتضار

داخل بهشت شو و احوط آنست که
در اینحال پای او را بجانب قبله
بگردانند تا ملائکه رحمت با درو
او در آیند در این وقت حایض و جنب
نزد او نباشند که ملائکه از ایشان
نفرت میکنند و اگر بغیر از ایشان کسی
نباشد جایز است که برای ضرورت
پرستاری او نمایند و چون نزدیک
شود که جانش برآید بیرون روند
و در احادیث معتبر وارد شده است
که اگر جان کندن بر او دشوار باشد
او را ببرند در جائیکه همیشه نماز
میکرده است یا بخوابانند او را بر
روی جانمازی که همیشه نماز
می کرده است زیرا که اگر امید شفا هست
و الا جانش باسانی برمیآید و از
حضرت امام رضا منقولست که زنهار
در حال احتضار دست بر او مگذارید
و اگر دست و پا را حرکت دهد مانع
مشوید چنانچه جاهلان میکنند
و نزد او قران بخوانند و یاد خدا
بکنند و صلوات

ثواب زیارت احیاء مؤمنین و فضیلت مصافحه با ایشان

صادق مرویست که هرگاه دو مؤمن باهم ملاقات کنند و با یکدیگر مصافحه کنند خدا ایشان
در میان دو انگشت ایشان صد رحمت میفرستند نود و نه رحمت شامل آنست که محبت او
مر صاحب خود را بیشتر است و یک رحمت میفرستد بآنکسیکه محبت او کمتر است و هرگاه دست
در گردن یکدیگر کنند هر دو غرق رحمت الهی میشوند و هرگاه یکدیگر را تقبیل کنند
و باین تقبیل اراده نکنند مگر رضای الهی را خدای تعالی با ملائکه از جانب او گوید
که خدای ایشان امرزیدگناهان شما را و چون بنشینند و با یکدیگر حرف گویند ملائکه حفظه
بعضی بعضی گویند بیائید تا از ایشان دور شویم شاید ایشانرا با یکدیگر سری باشد
که خدا ستر او را پوشیده باشد و این روایت در کتاب قضاء حوائج شیخ علی بن طاهر
صوری مذکور است و در باب مصافحه اخبار بسیار وارد شده است و آنها را کلینی ره
در کتاب کافی ذکر کرده و چون زیارت کند کسی را بر حکم او باشد هر جا او گوید فرود
آید و او را تکلیف احتشام نفرماید و مزور باید از برای او آنچه حاضر باشد از طعام
و آشامیدنی و میوه ها و بوی خوش بیاورد و کمتر آنچه بیاورد آبست و از برای زایر دو ضو
بیاورد و دو رکعت نماز کند و بحدیث باهم الفت گیرند و در رفتن او را وداع کند در
ضیافت اخوی بسیار هست مرویست از حضرت پیغمبر که فرمود مهمان که بجانب می آید رزق خود
را با خود می آورد و هرگاه مهمان طعام جمعی را بخورد خدا همه ایشانرا میامرزد و نیز از آنحضرت
مرویست که کسیکه ایمان دارد بخدا و روز قیامت باید که مهمان را اکرام کند و نیکی
کرده میشود بمهمان در دو شب اول و شب سیم نیز از جمله اهل خانه است هر چه میخورند
او نیز میخورد و همین فقره است از خدمت فرمودن مهمان و هرگاه مهمان فرود آید
اعانت او باید کرد و بر راحله او اعانت کردن لازم نیست و از برای مهمان باید زاد
و نفقه خوب مهیا کند مقصد دویم در تربت امام حسین است و آنچه با و تعلق دارد سنت است با خود

کلمات فرج

بر دنبال ... و ال او و بعض ... پسندیده ...
حضرت ... تا ... از حضرت ... در کتاب ...
... بجهت ...
کلمات فرج ... حضرت امام ...
... کلمات فرج را ...
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ
رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا فِیْهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ
وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
کلمات فرج ... امیر المؤمنین ... منقولست که ... بیمار ...
حضرت ...

باب ... در آداب شفا جستن به تربت امام حسین ع

داشتن سبحه از خاک امام حسین ع کرسی و ستر انه باشد و سنتست شفا جستن به تربت آنحضرت که او حریم قبر او باشد و حریم قبر او پنج فرسخست از چهار جانب و بعضی گفته‌اند از هر جانبی یکفرسخ است یا از هر جانبی بیست و پنج ذرع یا بیست ذرع و مجموع اینها محمولست بر ترتیب در فضیلت یعنی اگر از بعد بیست ذرع بردارند فضلست از بعد بیست و پنج ذرع و اگر از بعد بیست و پنج ذرع بردارند افضلست از بعد یکفرسخ و اگر از بعد یکفرسخ بردارند افضل است از بعد پنج فرسخ و بعضی گفته‌اند افضل انست که از قبر آنحضرت ما هفتاد ذرع تربت را بردارند و چون تربت بر داری از او ببوس و بر چشمهای خود بگذار و زیاده از نخود تجاوز مکن و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الطَّیِّبَةِ وَبِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذی قَبَضَها وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذی خَزَنَها وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذی حَلَّ فیها اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَهُ شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظاً مِنْ کُلِّ سُوءٍ پس هرگاه این دعا را بخواند آن تربت را بر پارچه پاکی بربندد و سوره قدر را بر آن بخواند پس بدرستی دعائی را که گذشت از برای اخذ تربت از برای طلب ذنست دران و قرائت سوره قدر ختم انست و هرگاه اراده خوردن آن کنی از برای شفا بگو اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَکَةِ الطّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذی اُنْزِلَ فیهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذی سَکَنَ فیهِ وَرَبَّ الْمَلٰئِکَةِ الْمُوَکَّلینَ بِهِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الطّینَ لی اَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ کَذا وَکَذا و بعد از آن بجرعه آب در عقب آن بخورد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً وَعِلْماً نافِعاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَکَةِ وَرَبَّ الْوَصِیِّ الَّذی وارَتْهُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الطّینَ شِفاءً مِنْ کُلِّ

(حاشیه:) رسول الله کلمات را تلقین شخصی کرد و چون او خواند حضرت فرمود که الحمد لله خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق ع منقولست که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطان در دم مردن جمعی از شیاطین را موکل گرداند بر او که او را باشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمیتوانند بر او دست یافت پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت پناه و ائمه طاهرین ع یک یک تا از سخن گفتن باز ماند و ایضا سنتست که از برای آسانی جان کندن این دعا را تلقین کند یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسیرَ وَیَعْفُوا عَنِ الْکَثیرِ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسیرَ وَاعْفُ عَنِّی الْکَثیرَ اِنَّکَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ الرَّحیمُ و بروایت دیگر اِنَّکَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ و چون روح مفارقت کند سنتست که

داءٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَعِزّاً مِنْ کُلِّ ذُلٍّ وَعافِیَةً مِنْ کُلِّ سُوءٍ وَغِنیً مِنْ کُلِّ فَقْرٍ و این روایت از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه تربت آنحضرت را بی دعا بخورد نفع نخواهد بخشید **باب ...** در ذکر ثواب سورهای قرآن و ذکر چیزی از خواص آنها و خواص آیات آنها و ذکر دعائی که حضرت امام زین العابدین ع بعد از ختم قرآن میخواند اما ثواب قرائت این سورها پس ذکر میکنیم ما بعضی از آن چیزها که ذکر کرده است انرا ابو علی فضل بن حسن بن فضل طبرسی ره در کتاب مجمع البیان **الفاتحة** از حضرت پیغمبر ص مرویست که کسیکه فاتحه را بخواند چنانست که دو ثلث قرآن را خوانده است و مثل انست که تصدق کرده است بر هر مؤمن و مؤمنه و نیز آنحضرت فرمود که قسم بآنکه نفس من در دست اوست که خدای تعالی در توریه و انجیل و زبور فرو نفرستاده مثل فاتحه را و ام القرآنست و سبع المثانیست و این سوره قسمت کرده شده است میان خدای تعالی و میان بنده او و مر بنده او راست آنچه از خدا سؤال کند و این فاتحه فاضل‌ترین سورهای قرآنست و این سوره شفا است از هر دردی مگر مرگ که چاره پذیر نیست و از پیغمبر ص منقولست که فرمود که خدای تعالی باین سوره بر من منت نهاده است و او را بازاء قرآن قرار داده است و فرموده وَلَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانی وَالْقُرْآنَ الْعَظیمَ و این سوره اشرف کنجهای عرش است و بدرستی که خدای تعالی مخصوص و مشرف ساخته این سوره پیغمبر را باین سوره و شریک نگردانید هیچیک از انبیا خود را در آن مگر سلیمان بن داود ع که از این سوره بسمله را باو ارزانی داشت آگاه باشید کسیکه این سوره را بخواند در حالتیکه اعتقاد بموالات پیغمبر ص داشته باشد و مطیع امر این سوره باشد و ایمان بظاهر و باطن او داشته باشد خدای تعالی بعدد هر حرفی از او عطا میکند باو حسنه که هر حسنه از او افضل است از دنیا و آنچه در اوست از اصناف اموال و خیرات و کسیکه گوش اندازد بقاری که این سوره را میخواند از برای او ثلث

(حاشیه:) ... دهانش را بهم ... کنار زند و جنازه اش را به بیند و چشمهایش را بهم آورند و دو دستهایش را بپهلویش بکشند و او را بجانب قبله بخوابانند و ساقهایش را کشیده کنند و قرآن نزد او بخوانند یا جامه بپوشانند و رویش بر دارند مگر تا بعد رجع شدن مومنان اگر اشتباهی در موت و اگر مشتبه باشد تا یقین بشود مردنش بنهادارند و از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار انستکه برادران مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و مثبت شود از برای ایشان هم ثواب بر ایشان و در حدیث حسن از حضرت ص منقولست که چون مؤمن را بقبر میگذارند او را ندا میکنند که اول عطائیکه تو را دادیم بهشت است و اول عطائیکه دادیم آنهارا که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که میدهند مؤمن در قبر انستکه می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در

باب ۴۲ ثواب سوره البقره وآل عمران ونسا

ثلث ثواب قاری او البقره از پیغمبر صلعم روایت کرده هر که اینسوره را بخواند صلوات اورحمت خدا تعم بر او نازل میشود و ثواب کسی دارد که در راه خدا تعم یکسال مرابطه کرده باشد و کسیکه تر مود اشته باشد هرگاه اینسوره بخواند ترس او بر طرف شود و فرمود ای ای امر کن مسلمانان اگر اینسوره را یاد گیرند زیرا که یاد کردن آن برکتست و ترک آن حسرت و بطله یعنی سحره استطاعت اینسوره ندارند و از انحضرت مرویست که فرموده هر چیزی سنامی دارد و سنام قران سوره بقره است و کسیکه اینسوره را روز در خانه بخواند شیطان سه روز داخل آن خانه نمیشود و کسیکه شب در خانه خود بخواند شیطان سه شب داخل آن خانه نشود و از انحضرت پرسیدند که کدام یک از سور قران افضل انحضرت فرمود آیة الکرسی و انحضرت امیر ساخت بر قبیله بعث کوچک سال تر زا ایشان بواسطه آنکه سوره بقره را در حفظ داشت آل عمران از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر که اینسوره بخواند خدا تعم بعدد هر آیه از اینسوره امانی میدهد او را از جسر جهنم و کسیکه این سوره را بخواند در روز جمعه خدای تعالی و ملائکه او بر او صلوات میفرستند تا آفتاب غایب شود و از انحضرت مرویست که فرمود که سوره بقره و آل عمران را بیاموزید که این دو سوره در روز قیامت بر صاحب خود سایه اندازند مثل دو ابر یا سایبان یا دو صف مرغ که بر سر کسی سایه کنند سوره نساء مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که کسیکه اینسوره بخواند چنانست که تصدق کرده باشد بر هر کسیکه تو ریث میراث کرده باشد و ثواب کسی دارد که بنده را خریده باشد آزاد کرده باشد قاری اینسوره بری میشود از شرک و در مشیت خدا تعم از آن جماعتی خواهد بود که خدای تعم از ایشان در گذشته و ایشان را عفو کرده است و از حضرت علی ع مرویست کسیکه اینسوره را در هر روز جمعه بخواند از ضغطه قبر ایمن گردد مائده از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که کسیکه اینسوره را بخواند بعدد هر یهودی و نصرانی

ثواب سوره انعام وانفال واعراف

در دنیاست ده حسنه باو میدهند و ده سیئه از او محو می کنند و ده درجه او را بلند می کردانند و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که فرمود کسیکه این سوره را در هر روز پنجشنبه بخواند ایمان خود را بظلم نپوشد و هرگز شرک بخدای نیاورد انعام از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود که این سوره جمله واحده نازل شده است و در وقت نزول آن هفتاد هزار ملک بر او صلوات می فرستند هر روز و شب بعدد هر آیه از این سوره و مثل این حدیث از حضرت امام رضا ع نیز مروی شده است و در روایت دیگر از حضرت امام رضا ع نیز مروی شده است که فرمود که این ملائکه تسبیح می کنند از برای او تا روز قیامت و باز از پیغمبر ص مرویست که فرمود کسیکه از اول این سوره بخواند تا تکسبون خدای تعالی موکل میسازد باو چهل هزار ملک و اکر می نویسند از برای او مثل اعمال خود را تا روز قیامت و در کتاب الافراد و الغرایب مذکور است که کسیکه در وقت صبح این سه آیه را بخواند چهل ملک نازل می شوند بر او و اعمال ایشان برای او نوشته میشود و در کتاب سبط مذکور است که کسیکه در وقت صبح این سه آیه را بخواند خدای تعالی هفتاد هزار ملک برای او موکل می کند که او را نگاه دارند و مثل اعمال ایشان از برای او می نویسند تا قیامت سوره الاعراف از حضرت پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند خداوند عالم میان او و شیطان پرده بیافریند که مانع باشد از شیطان و حضرت آدم ع شفیع او خواهد بود و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه این سوره را در هر ماه بخواند در روز قیامت از آن جماعتی خواهد بود که بر ایشان خوف و حزنی نیست و اگر در هر جمعه یکبار بخواند روز قیامت او را حساب نکند سوره الانفال از حضرت پیغمبر ص مرویست که کسیکه سوره انفال و برائت را بخواند من شفیع او و خواهم بود در روز قیامت شهادت می دهم که او بریست از نفاق و خدای تعالی می دهد باو از اجر و ثواب بعدد هر مرد منافق و زن منافقه که در دار دنیا اند ده حسنه و محو می کند از او ده

باب ۳۴ ثواب سورهٔ برائة و هود و یوسف

و بلند میکرداند ده درجه و عرش و حاملان عرش در ایام حیات او درود و ثنا بر او و صلوات
فرستند و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه سوره انفال و برائة بخواند در هر ماهی
هرگز نفاق باو راه نیابد و از شیعه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باشد و در روز قیامت با
شیعیان آنحضرت از مایدهای بهشت بخورد تا آنکه خدای تعالی از حساب فارغ شود سوره برائة
فضل او در سوره انفال گذشت از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که در اول برائة بسمله
نازل نشده است زیرا که بسمله از برای امانست و این سوره از برای رفع امان نازل شده است
سوره یونس از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند بعدد هر کس که
تصدیق کرده است بنبوت یونس را و تکذیب او کرده است و بعدد هر کسیکه با فرعون
غرق شده است ده حسنه باو دهند و از حضرت صادق ع مرویست که هر کس که در هر ماه
این سوره را بخواند از جاهلان نخواهد بود و روز قیامت از مقربان خواهد بود سوره
هود از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر کس این سوره را بخواند بعدد هر کس که تصدیق کرده
نوح را و بعدد هر کسیکه تکذیب او کرده و بعدد هر کسیکه هود و صالح و شعیب و لوط
و ابرهیم و موسی را تصدیق کرده اند ده حسنه باو دهند و در روز قیامت از جمله سعدا
خواهد بود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست کسیکه در هر جمعه این سوره را بخواند
در روز قیامت از جمله انبیا محشور می شود و در زمرهٔ ایشان مبعوث میشود و حساب
بر ایشان آسان میشود و گناه او در قیامت ظاهر نمیشود سوره یوسف از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله مرویست که این سوره را یاد دهید به بندگان خود زیرا که هر که این سوره را به بندگان
خود یاد دهد خدای تعالی سکرات موت را بر او آسان کند و باو قوتی کرامت کند که هیچ مسلمان
حسد نبرد و از حضرت صادق ع مرویست که هر کس در هر روز یا در هر شب این سوره را
بخواند در روز قیامت مبعوث شود در حالتی که جمال او مثل جمال حضرت یوسف باشد و فزع

احکام جنازه

منقولست که در حال برداشتن جنازه این دعا بخوانید بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر للمؤمنین و المؤمنات و منقولست که حضرت امام زین العابدین هر وقت جنازه را می دید می گفت الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را تند بردن مکروه است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و در شب خوبست و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن

باب ۷۱ در غسل دادن میت

بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن نمودن و نماز کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائیست یعنی بر همه واجبست و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقبند

ثواب سورهٔ رعد و ابرهیم و حجر و نحل و بنی اسرائیل

روز قیامت باو نرسد و از برگزیدگان بندهٔ صالح خدا باشد سوره رعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله
مرویست کسیکه این سوره را بخواند بعدد هر ابری که گذشته است و بعدد هر ابری که خواهد
آمد تا روز قیامت او را اجری و ثوابی خواهد بود و از جمله جماعتی خواهد بود که وفا
کرده باشد بعهد خدای تعالی و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست کسیکه بسیار این
سوره را بخواند هرگز صاعقه باو نرسد و بی حساب داخل بهشت شود و شفاعت کند جمیع
آنکسانیرا که می شناسد از اهل بیت و اقربای خود و اخوان خود سوره ابرهیم از پیغمبر ص مرویست کسیکه
این سوره را بخواند بعدد هر کسیکه بت پرستید و هر کسیکه بت نپرستید خدای تعالی ده حسنه
باو دهد و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه سوره ابرهیم را و سوره حجر را در دو رکعت
نماز در روز جمعه بخواند فقر و جنون و بلا بر او راه نیابد سوره حجر از پیغمبر صلی الله علیه و آله
مرویست کسیکه این سوره را بخواند بعدد مهاجرین و انصار و بعدد جماعتی که استهزا کننده گان
پیغمبر ص بودند ده حسنه باو دهند و حدیث حضرت صادق ع در خواندن این سوره و
سوره ابرهیم در دو رکعت جمعه در باب خود مذکور شد سوره نحل از پیغمبر ص مرویست
کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی در دنیا نعمتی که باو داده است در آخرت حساب نطلبد
و اگر در آن روز و در آن شب بمیرد ثواب کسی دارد که در وقت مردن وصیت را خوب بجا آورده
باشد و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست کسیکه در هر ماه این سوره را بخواند هفتاد نوع
از بلا از او دفع می شود که سهلترین آنها جنون و جذام و برص است و جای او در جنات عدن
یعنی در وسط بهشت است سوره بنی اسرائیل از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند و نزد
ذکر والدین رقت قلب بهم رساند خدای تعالی دو قنطار از اجر باو کرامت میکند و از حضرت صادق ع
مرویست کسیکه در هر شب جمعه این سوره را بخواند نمیرد تا آنکه خدمت صاحب الامر کند و از اصحاب
آنحضرت باشد سوره الکهف از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند داخل بهشت میشود و

مشغول بود و شهید نیز و امثال آنکه ... و بعضی از علما گفته اند که میت را که اولی بنماز و غسل او کیست معنی تعلق بوارث میت است و او اولی است از دیگری که متوجه احکام او شود و اگر زنی باشد شوهر او اولی است و از دیگران و اگر میت زن باشد شوهر اولی است از دیگران و اگر اولی باشد که بغیر ورثه خود غسل دهد آنست که بغیر ورثه و سایر احکام میت و غسل و نماز و سایر احکام شیعه اثنی عشری و غسل میت واجبست برای میت شیعه اثنی عشری و درستی و سایر فرق غیر اثنی عشری و ظاهر و اجب باشد مگر خلافست و شهید که در جهاد در حال تقیه و شهید که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند بلکه نماز میکنند و با جامههائی که پوشیده است دفن میکنند و بعضی گفته اند که در جهاد خفی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آنست که اگر از میت عضوی یافته شود که در آن استخوان باشد میشویند و کفن میکنند و دفن میکنند و بعضی کفن را

و کیکه

باب ثواب سوره کهف و مریم و طه

وکسیکه روز جمعه این سوره را بخواند کناهان او را تا جمعه دیکر و سه روز دیکر خدای تعالی
می امرزد و نوری باو ارزانی میدارد که باسمان میرسد و او را از فتنه دجال نکاه میدارد
و چون این سوره نازل شد هفتاد هزار ملک همراه او کردند و بزرکی این سوره ما بین
اسمان و زمین را پر کرده بود و از حضرت صادق ع مرویست که هر کسیکه هر شب جمعه این سوره را
بخواند نمیرد مکر شهید و خدای تعالی او را از زمره شهدا بر انکیزاند و در موقف شهدا
بایستد سوره مریم از پیغمبر ص مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی بعدد هر کسیکه
تصدیق زکریا و تکذیب او و یحیی و مریم و عیسی و موسی و هرون و ابرهیم و اسحق و یعقوب
و اسمعیل را کرده است ده حسنه باو کرامت کند و بعدد هر کسیکه برای خدا که غیر از او خدائی نیست
ولد کمان کرده است حسنه می دهد و از حضرت پیغمبر ص مرویست که ده ایه از اول کهف حفظ
کند چون ادراک دجال کند دجال باو ضرر نتواند رسانید وکسیکه خواتیم این سوره را حفظ
کند در روز قیامت خدای تعالی نوری باو کرامت کند وکسیکه این سوره را روز جمعه بخواند از فتنه
دجال و از فتنه که در دنیاست نکاه داشته شود تا شش روز وکسیکه از اخر این سوره وکسی که
از اخر این سوره از قل لو کان البحر تا اخر سوره بخواند وقتی که بجامه خواب رود در جامه خواب
او نوری بهم رسد که درخشان باشد تا کعبه و در میان ان نور ملکی چند باشند که بر او
صلوات فرستند تا وقتی که از جامه خواب برخیزد و اکر این سوره را در مکه بخواند نور او
درخشان شود تا بیت المعمور و در میان ان نور ملائکه باشند که بر او صلوات فرستند
تا بیدار شود و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره از دنیا نرود
تا که باو برسد چیزیکه اعانت او کند در نفس و مال و و لد او و در اخرت از اصحاب عیسی باشد و در
اخرت ملک سلیمان بن داود باو ارزانی دارند سوره طه از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را
بخواند ثواب مهاجرین و انصار باو داده می شود و اهل بهشت از قران کریم غیر از سوره یس و طه

در اینجا واجب دانسته اند و اکر طفل باشد که دل در ان باشد علماء هم می باید کرد و احوط انستکه اکر سینه را تنها بیابند باز چنین کنند و هم چنین اکر جمیع استخوانهای میت را بیابند و عضوی که بی استخوان باشد مشهور انستکه در لته می پیچند و دفن میکنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه از شکم ساقط شود هر کاه که چهار ماه زیاده داشته باشد غسل می دهند و کفن میکنند و هر کاه چهار ماه نداشته باشد مشهور انستکه در لته می پیچند و دفن میکنند و در روایتی در لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل و کفن نه چهار ماه و احوط است و اکر عضو استخوان داری را از زنده ببرند باشد احوط انستکه غسل و کفن و دفن بکنند اکرچه اظهر عدم وجوبست و اکر طفلی در شکم

در ثواب سوره انبیاء و حج و نور و مومن

نخواهند خواند این دو سوره را خداوند عالم دو هزار سال قبل از خلقت ادم ع تلاوت کرده است
و از حضرت صادق ع مرویست که فرمود ترک مکنید قرائت این سوره را که خدای تعالی دوست
میدارد این سوره و قاری این سوره را و کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره روز
قیامت کتاب او را بدست راست او دهند و انچه در اسلام کرده است از او حساب نطلبند
و چندان ثواب باو دهند که راضی شود سوره انبیا از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را
بخواند خدای تعالی حساب او را اسان میکند و هر پیغمبری که در قران مذکور است بر او سلام کند
و با او مصافحه کند و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه این سوره را بواسطه دوستی انبیا
خواند از رفقای ایشان محسوب خواهد بود در بهشت و در دنیا در نظر مردم با هیبت خواهد
بود سوره الحج از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را در هر سه روز یکبار بخواند هنوز سال
تمام نشده باشد که حج بیت الله الحرام نصیب او شود و اکر در ان سفر بمیرد داخل بهشت شود
سورة المؤمن از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند ملائکه او را بشارت
دهند بروح و ریحان جنت که چشم او روشن شود نزد نزول ملک الموت و از حضرت ازو
مرویست کسیکه در هر جمعه این سوره را بخواند خاتمه عمر او بسعادت و منزل او در فردوس
اعلی با انبیا و مرسلین باشد سوره نور از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند داده
می شود از اجر بعدد هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که کذشته اند و خواهند امد ده حسنه
و نیز از انحضرت ع مرویست که فرمود زنان خود را در غرفها منشانید و سوره یوسف بایشان
میاموزید بلکه سوره نور تعلیم کنید ایشان را سورة الفرقان از حضرت پیغمبر ص مرویست
کسیکه این سوره را بخواند در روز قیامت مبعوث شود در حالتیکه ایمان او درده باشد
بروز قیامت و باینکه خدای تعالی مرده را زنده میکرداند و بجنا داخل بهشت شود و از
حضرت کاظم ع مرویست کسیکه هر شب این سوره را بخواند خدای تعالی هرکز او را عذاب و حساب نکند

در شکم مادر مرده باشد اکر ... زنده باشد و مادر زنده ... بیرون نمی اورند و نتوانند درست بیرون بیاورند پاره پاره میکنند و بیرون میاورند و اکر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را میشکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می اورند و بعضی انستکه شکم را بدوزند و واجب است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا در چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی که هر یک دیکری را غسل میتوانند داد و احوط انستکه از زیر جامه غسل دهند و نظر بعورت نکنند و بهتر انستکه بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را دویم جایز است که اقا کنیز خود را غسل دهد هر کاه زن شوی یا در عده کسی نبوده باشد و در غسل دادن کنیز اقا را خلافست سیم جایز است که غسل دهد اجنبی دختر سه سال را برهنه و بعضی تا پنج سال پسر سه ساله را برهنه و بعضی ... و ... تجویز کرده اند چهارم هر کاه مردی فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد ... محرم

ومنزل او در فردوس اعلی باشد سورة الشعراء از پیغمبر صلی الله علیه وآله مرویست کسیکه در هر
شب جمعه طواسین ثلث را بخواند از جمله اولیاء خدا خواهد بود و در جوار و حفظ خدای تعالی
خواهد بود و در دنیا مصیبتی باو نخواهد رسید هرگز و در آخرت از بهشت چندان باو
دهند که او راضی شود و خدای تعالی در بهشت صد حور باو تزویج کند سورة النمل از پیغمبر
مرویست کسیکه این سوره را قرائت کند مر او راست از اجر ده حسنه بعدد کسانی که تصدیق
و تکذیب کرده اند سلیمان و هود و صالح و شعیب و ابرهیم ع و چون از قبر بیرون آید ندا کند
که لا اله الا الله و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه طواسین ثلث را بخواند و ان حدیثی را
که در شعرا گذشت بیان فرمود سورة القصص از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند
او راست از اجر ده حسنه بعدد کسیکه تصدیق و تکذیب حضرت موسی ع کرده است و هر ملکی که
در آسمان و زمین است روز قیامت گواهی میدهند که او صادق است در قول خود که میگوید
کل شیء هالک الا وجهه سورة العنکبوت از حضرت پیغمبر ص مرویست که فرمود کسی که این سوره را
بخواند مر او راست از اجر ده حسنه بعدد هر مؤمن و منافقی و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه
سوره روم و عنکبوت را در شب بیست و سیم ماه رمضان بخواند بخدا قسم که از اهل بهشت خواهد
بود و در این قسم خود اصلا کسی را استثنا نمی کنم و نمی ترسم که خدای تعالی در این قسم بر من
گناهی بنویسد و بدرستی که این سوره نزد خدای تعالی منزلتی بزرگی هست سورة الروم
از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند مر او راست از اجر ده حسنه بعدد هر ملکی که خدای تعالی را
تسبیح می کند در میان آسمان و زمین و درک می کند آنچه را که ضایع کرده است در آن روز
و شب از اعمال حسنه سورة لقمان از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره بخواند در روز قیامت
لقمان رفیق او خواهد بود و مر او راست از اجر ده حسنه بعدد هر کسیکه امر کرده است بمعروف
و نهی کرده از منکر و از امام محمد باقر ع مرویست کسیکه این سوره را بخواند در شب خدای تعالی موکل

در کیفیت غسل میت

او را غسل
می توانند
داد از زیر جامه و همچنین است
هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهرا
در حال اختیار نیز محارم یکدیگر
غسل توانند داد و اما احوط آنست که تا ممکن
باشد زن را زن و مرد را مرد
کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل
کفن را مهیا کند و آب و سدر را و بعد
از آن سر تا سر و بعد از آن پیراهن را
چاک کند و نصف بالای پیراهن را بر
گرداند و لنگ را و بعد از آن ران
بتخته یا بجای خود چهار کند پس متوجه غسل
غسل شود و اگر میسر باشد که میت را
در وقت غسل بر روی تخت یا تخته
بخوابانند بهتر است و مستحب است که
در وقت غسل پای میت بسوی قبله
باشد بطریق حال احتضار و بعضی
واجب دانسته اند و در سایر احوال
باید چنین باشد مگر در حال نماز
و حال دفن و باید رختهایش را بکنند
و اگر خواهد با پیراهن غسل دهد
و اگر خواهد لنگ ببندد و پیراهن را
بکند و برهنه

سازد باو سی ملک که او را نگاه دارند از شر شیطان و لشکر او تا آنکه صبح شود سورة سجده از
حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را با سوره ملک بخواند ثواب کسی دارد که شب قدر را
زنده داشته باشد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را در شب جمعه بخواند
خدای تعالی روز قیامت کتاب او را بدست او می دهد و آنچه بر او واقع شده است بر او حساب
نمی کند و از رفقای محمد ص و اهل بیت او علیهم السلام خواهد بود سورة الاحزاب از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله مرویست کسیکه این سوره را بخواند و با اهل خود و بندهای خود تعلیم کند
خدای تعالی او را از عذاب قبر امان دهد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را
بسیار بخواند در جوار حضرت پیغمبر ص و ازواج او خواهد بود روز قیامت سورة سبا از حضرت
پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند هیچ ملک و نبی و رسولی نباشد مگر آنکه روز قیامت
با او مصافحه کند و رفیق او باشد و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه در شب این دو الحمد را بخواند
همیشه در حفظ و حمایت خدای تعالی باشد تا روز و اگر در روز بخواند تا شب و مکروهی نرسد
و از خیر دنیا و آخرت خدای تعالی چیزی باو کرامت کند که بر دل او خطور نکرده باشد و آرزوی
او بر او نرسیده باشد سورة فاطر از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را بخواند ثواب الهی
از هر دری که خواهد داخل بهشت شود و حدیث در ثواب هر دو الحمد لله گذشت سورة یس
از حضرت پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره بجهت رضای الهی بخواند خدای تعالی گناه او را می آمرزد
و دوازده برابر ثواب قرائت قرآن باو میدهد و هر بیماری که این سوره را نزد او بخوانند
نازل می شود بر او بعدد هر حرفی از این سوره ده ملک و نزد او صف زده می ایستند
و برای او استغفار می کنند و اگر او را مرگ رسیده باشد در وقت قبض روح او نزد او حاضر
می شوند و تشییع جنازه او می کنند و بر او نماز میگذارند و در دفن او حاضر می شوند
و هر بیماری که در سکرات مرگ این سوره را بخواند رضوان خازن بهشت نزد او آید و در فراش

تعدیل واجبست
که در وقت غسل دادن عورتین
میت را بپوشانند و مشهور آنست که واجبست
که اول ازالهٔ نجاست از بدن میت بکند و بعد
که برای حرمت میت پیراهن را از طرف
پا بیرون بکند و اگر تنگ باشد باذن
ورثه بشکافند و سنت است که در زیر
سقفی یا خیمه غسل دهد که برابر آسمان
نباشد و سنت است که دو نفر باشند
غسل دهنده یکی آب بریزد و دیگری
بگرداند میت را و مستحب است که انگشتان
میت را بمالد و بعد از آن نرم کند و اگر
دشوار باشد و خوف شکستن باشد
دست بر دارد و واجبست که میت را
سه غسل بدهد اول باب سدر
و بعد از آن باب کافور و بعد از آن
باب خالص و سنت است که اول دستهای
میت را تا نصف ذراع بشوید بنابر
تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید میت را
بعضی از روایات پس عورت میت را
بشوید و احوط آنست که چون خواهد
عورت بشوید لته بر دست ببندد
که بعورت نرسد

ثواب سوره مبارکه یس

او شربتی از شراب بهشت باو بدهد پس او سیراب بمیرد و سیراب برانگیخته شود و اصلا او را احتیاج نشود بحوضی از حوضهای انبیاء تا داخل بهشت شود در حالتی که سیراب باشد و کسی که این سوره را در شب پیش از آنکه بخوابد بخواند خدای تعالی هزار ملک را بر او موکل سازد که او را محافظت کنند از هر شیطان رانده شده و از هر آفتی و اگر در آن روز بمیرد خدای تعالی او را داخل بهشت گرداند و هزار ملک در وقت غسل او حاضر شوند و از برای او استغفار کنند و تشییع جنازه او کنند تا قبر و چون او را داخل قبر گردانند و در لحد گذارند آن ملائکه در اندرون قبر او خدای تعالی را عبادت کنند و ثواب عبادت ایشان از او است و تا چشم کار کند قبر او را از برای او فراخ سازند و از فشار قبر ایمن باشد و همیشه در قبر او نوری ساطع باشد تا آسمان تا وقتی که از قبر بیرون آید همیشه آن ملائکه با او باشند و مشایعت او کنند و در روی او خنده کنند و او را بشارت دهند بجمیع خیرات تا آنکه او را از صراط بگذرانند و از میزان خلاص گردانند و او را در جائی قرار دهند که غیر از ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین کسی از او نزدیکتر نباشد بخدای تعالی و با انبیا باشند نزد خدای تعالی بی بیم و جزع و بعد از آن خدای تعالی باو گوید که شفاعت کن نزد من که شفاعت ترا قبول می کنم در حق جمیع کسانی که تو شفاعت ایشان کنی و سؤال کن از من آنچه از من سؤال کنی بتو دهم و از گناهان او هیچ چیز را ننویسند و کتاب او را بدست راست او دهند و همه مردم گویند که سبحان الله این بنده را یک گناه نیست و از رفقاء محمد صلعم خواهد بود و حضرت صادق فرمود که پیغمبر را در قرآن پنج اسم است محمد و احمد و عبد الله و یس و ن و این روایت ملخص خبریست که شیخ طبرسی در مجمع البیان ذکر کرده است و از حضرت صادق مرویست که هر چیزی را قلبی هست و قلب قرآن یس است پس هر که این سوره را در روز بخواند تا شب از جمله محفوظین و مرزوقین باشد و اگر در شب بخواند تا صبح از جمله محفوظین و مرزوقین خواهد بود و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

در کیفیت غسل میت

و اگر بدست چپ بشوید بهتر است که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید پس آب بسیار بریزد تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد و بنرمی و همواری پائین کشد که اگر فضله باشد بیرون آید و اگر چیزی بیرون آید مخرج را بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد و علما گفته اند که سنتست که سر و ریش او را پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنتست که دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسیکه دست بر میت میگذارد پس وضو دهد میت را بر روش وضوی زندگان باب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس دو دو دستها او را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط آنستکه آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند هر دو نیت

ثواب سوره والصافات و ص و زمر

مرویست که هر که داخل مقبره شود و این سوره را بخواند تخفیف شود در عذاب اهل آن مقبره و از برای قاری این سوره بعدد امواتی که در آن مقبره است ثواب نویسند و دفع شود از او بلای دنیا و عذاب آخرت و این سوره را دافعه گویند زیرا که دفع می کند از صاحب خود جمیع شرور را و او را قاضیه نیز گویند زیرا که جمیع حاجات خواننده آن روا می شود و کسی که این سوره بخواند برابری می کند با هزار دینار که در راه خدا تصدق کرده باشد و کسیکه این سوره را بنویسد و بشوید و آب آنرا بخورد بهزار دوا و هزار یقین و هزار رحمت و هزار برکت داخل می شود و بیرون رود از او هر درد و علتی که دارد سوره الصافات از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر که این سوره بخواند داده می شود از اجر بعدد هر جن و شیطانی ده حسنه و مردم و شیاطین از او دور می شوند و از شرک بری می شود و دو فرشته که حافظ او نیند روز قیامت شهادت میدهند که او بمرسلین ایمان دارد و از حضرت صادق مرویست کسیکه در هر شب جمعه این سوره بخواند همیشه از جمیع آفات محفوظست و جمیع عاهت و بلیات از او مدفوعست و در دنیا مرزوقست با وسعت رزق و از شیطان رجیم و از جبار عنید بمال و بدن و ولد او بدی نرسد و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خدای تعالی او را شهید بمیراند و شهید برانگیزاند و او را با شهدا داخل بهشت گرداند و در روایت وارد است که قاری آن شرف و جاه و عزت یابد در دنیا و آخرت سوره ص از پیغمبر صلعم مرویست که کسیکه این سوره بخواند داده می شود از ثواب بوزن هر کوهی که خدای تعالی از برای داود عم مسخر کرده است و نگاه میدارد او را از اصرار کردن بر گناه صغیره و کبیره و از حضرت باقر عم مرویست که کسیکه این سوره را بخواند در شب جمعه داده می شود از خیر دنیا و آخرت آنچه بکسی داده نشده است بغیر از مردم مگر پیغمبر مرسل یا ملک مقرب و خدای تعالی داخل بهشت گرداند او را و هر کسرا که او دوست میدارد از اهل خود حتی خادم خود سوره الزمر از پیغمبر صلعم مرویست که کسیکه

در غسل میت

کنند و بهتر آنستکه نیت هر سه را در اول بکنند و از برای غسل با سدر و کافور و قراح نیز نیت جدا کنند پس اول نیت می کنند که این میت را غسل میدهم با آب سدر و کافور و قراح از جهة آنکه واجبست برای رضای خدا قربة الی الله پس سر میت را باب سدر میشویند و اولی آنستکه اول بجانب راست سر آب بریزد و بعد از آن بجانب چپ و سنتست که سر او و هر جانب را سه مرتبه بشوید پس میت را بر پهلوی چپ بخوابانند و جانب راست را بشوید و سنتست که سه مرتبه بشوید پس بر روی او که میت را بر پهلوی راست بخوابانند و سنتست که آب ریختن دست بر پشت و شکم او بمالد و انگشت دست مثل از پهلو جدا کند تا آنکه آب بزیر آن برسد و چنان کند که آب بزیر ران برسد و چنان کند که آب بزیر لنک و عورت و ران و ساق برسد

ثواب سورهٔ مؤمن و سجده و شوری و زخرف

این سوره را بخواند خدای تعالی امید او را قطع نکند و باو ثواب خائفین کرامت کند و از حضرت
صادق ع مرویست که کسیکه این سوره را بخواند خداوند عالم شرف دنیا و آخرت باو می دهد
و او را بی مال و عشیرت عزیز می گرداند بمرتبه که اگر کسی او را ببیند از او بترسد و جسد
او را بر آتش دوزخ حرام کند و بنا کند در بهشت از برای او هزار مدینه که در هر مدینه هزار
قصر باشد و در هر قصری صد هزار حور باشد و دو چشمه جاریه و دو چشمه نضاخه
و دو جنت دیگر باو کرامت کند سورة المؤمن از پیغمبر ص مرویست که کسی که این سوره را بخواند
روح جمیع انبیاء و مرسلین بر او صلوات میفرستند و از برای او استغفار می کنند
و از حضرت باقر ع مرویست که کسی که این سوره را در هر سه روز یکبار بخواند خدای تعالی
گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و کلمهٔ تقوی را ملازم او گرداند و آخرت او را بهتر
از دنیای او گرداند سورهٔ سجده از پیغمبر ص مرویست که کسیکه سوره را بخواند خدای تعالی بعدد
هر حرفی از این سوره ده حسنه باو میدهد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را
بخواند این سوره نوری خواهد بود و او در دنیا زندگانی خواهد کرد محمود و مغبوط
سورة الشوری از پیغمبر ص مرویست که کسیکه این سوره را بخواند از جملهٔ کسانی خواهد بود که ملائکه
بر ایشان صلوات میفرستند و استغفار می کنند و از حضرت صادق ع مرویست که هر که
این سوره را بخواند در قیامت مبعوث می شود در حالتی که روی او چون ماه شب چهارده
باشد و داخل بهشت می شود و او را قصری در بهشت خواهد بود از یاقوت سرخ و درها
و کنگره ها و درج آن قصر نیز از یاقوت سرخ است باطن او از ظاهر او می نماید و ظاهر او
از باطن او مینماید و در آن قصر او راست دو حور العین و هزار کنیزک و هزار غلام
از ولدان مخلد که خداوند عالم در کتاب خود ایشان را وصف فرموده سورة الزخرف از
حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند از جماعتی خواهد بود که خدای تعالی در حق

غسل میت

اعضا دیگر خوب برسد پس میت را بگر
داند و بر پهلوی راست بخواباند و پهلوی
چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه
مرتبه بشویید و در آب سدر مستی
کافیست و مشهور آنستکه حدی
ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت
برگ سدر باشد و بعضی یک
رطل و بعضی رطل و نیم گفته اند
که نزدیک بیست و پنج درم و زیاده
بوده باشد و گویا این زیادتیها
برای شستن فرج و سایر اعضا
پیش از غسل بوده باشد و احوط
آنستکه در این غسل آنقدر سدر
داخل نکند که مضاف شود و
آبش نگویند و بعضی روایات
در شستن هر دو جانب شستن
نصف سر نیز وارد شده است
و شاید که بد نباشد اگرچه خلاف
مشهور است پس میت را بر
پشت میخواباند و ظرفها را میشویید
که اثر سدر از آنها بر طرف شود
وانگاه آب کافور

ثواب سورهٔ دخان و جاثیه و احقاف و محمد ص

ایشان فرموده است یا عبادی لا خوف علیکم ولا انتم تحزنون ادخلوا الجنة بغیر حساب
و از امام محمد باقر ع مرویست که کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره خدای تعالی او را ایمن میگرداند
در قبر از حشرات الارض و از ضغطهٔ قبر تا آنکه پیش خدای تعالی بایستد و این سوره داخل می
گرداند قاری خود را در بهشت سورة الدخان از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این
سوره را در شب جمعه بخواند خدای تعالی او را بیامرزد و بعدد هر حرفی از آن ثواب آزاد
کردن صد هزار بنده میدهد و هفتاد هزار ملک از برای او استغفار می کنند و کسی که
این سوره را در شب جمعه و روز جمعه بخواند بنا می کند خدای تعالی از برای او خانه در بهشت
و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که کسیکه این سوره را در نماز واجب و نافله بخواند خدای تعالی
او را از جملهٔ آمنین مبعوث میگرداند و او را روز قیامت در زیر سایهٔ عرش خود جای می دهد
و حساب او را آسان میکند و کتاب او را روز قیامت بدست راستش میدهد سورة الجاثیه
از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی عورت او را بپوشد و در وقت حساب
ترس او را برطرف می سازد و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه این سوره را بخواند
هرگز آتش دوزخ نه بیند و رفیق حضرت پیغمبر ص باشد سورة الاحقاف از پیغمبر ص مرویست
که هر که این سوره بخواند عطا کرده می شود بعدد هر ریگی که در دنیاست ده حسنه و از حضرت
صادق ع مرویست که هر که در شب جمعه یا در روز جمعه این سوره را بخواند خدای تعالی ترس را از او برمیدارد
و در دنیا او را از فزع آخرت ایمن میسازد سورة محمد صلی الله علیه و آله از پیغمبر ص مرویست که
هر که این سوره را بخواند خدای تعالی از انهار بهشت باو آب دهد و از حضرت صادق ع مرویست
کسیکه این سوره را بخواند هرگز در دین او شک داخل نشود و همیشه از شرک و کفر محفوظ
باشد تا وقت مرگ و چون بمیرد خدای تعالی هزار ملک را موکل سازد که در قبر او نماز کنند
و ثواب نماز ایشان از او باشد و تسبیح او کنند تا آنکه او را باز دارند در موقف ایمن و همیشه

غسل میت

ریزه ریزه میکند و غسل دهنده
و داخل آب میکند و غسل دهنده
دستهای خود را تا مرفق میشوید و
بهتر آنستکه دست میت را تا نصف ذراع
سه مرتبه با آب کافور بشویید و فرجش
سه مرتبه بشویید بهمان نحو که اشنان یا دستمال
بر دست پیچد و دست بر شکم میت بکشد
بر دست بپیچد و بهتر آنستکه دست بر شکم
وارد و بهتر آنستکه کند که
میکشد سر میت را بلند کند که
فضلات از آن طرف بیرون رود و بهتر
احتیاطا این برنده هر دو نیت کند
که این میت را غسل میدهیم باب
کافور از برای آنکه واجبست از برای
رضای خدا پس سر را بشویید و سه مرتبه
که سه مرتبه بشویید و در هر مرتبه
بجانب راست سر کند و گرداند تمام
واری دستی حاله پس جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که
در غسل سدر مذکور شد بشویید
پس میت را بر پشت بخواباند و بان
دست خود را تا مرفقین بشویید و
ظرفها را خوب بشویید که اثر سدر و
کافور در آنها

[illegible]

در امان خدای تعالی باشد و در امان پیغمبر ص باشد و کسی که خواهد حال ما و حال اعداء
ما را داند باید که سوره محمد را بخواند پس بدرستی خدای تعالی می نماید باو اثر دعاء ما و ابه
در اعدای ما سورة الفتح از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را
بخواند چنانست که با پیغمبر ص در فتح شهید شده باشد و در قیامت با جماعتی خواهد بود
که در تحت شجره به پیغمبر ص بیعت کردند و از حضرت صادق ع مرویست که فرمود اموال و زنان
و بندگان خود را از تلف نگاه دارید باین سوره و کسیکه بر قرائت این سوره مداومت
کند منادی ندا کند او را و گوید که تو از بندگان مخلص مائی ای ملائکه من او را ملحق سازید
بصالحان و او را ساکن سازید در جنات نعیم و از رحیق بهشت باو دهید سورة الحجرات
از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند داده می شود از اجر بعدد آنکسانی که اطاعت
و عصیان خدا کرده اند ده حسنه و از حضرت صادق ع مرویست که در هر شب یا هر روز
این سوره را بخواند از زوار پیغمبر ص خواهد بود سوره ق از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که
این سوره را بخواند خدای تعالی سکرات مرگ را بر او آسان کند و از حضرت باقر ع مرویست که
هر که مداومت کند بر قرائت این سوره در فرایض و نوافل خود خدای تعالی رزق او را بر او
واسع گرداند و عطا کند کتاب او را بدست راست او و حساب او را آسان کند سورة الذاریات
از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که قرائت کند این سوره را داده میشود بعدد هر بادی که
می وزد و جاری میشود در دنیا ده حسنه و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را
بخواند خدای تعالی اصلاح معیشت او می کند و رزق بسیاری از نزد خود باو کرامت کند و در قبر او
نوری خلق می کند که تا روز قیامت مثل چراغی درخشد سورة الطور از پیغمبر ص مرویست که هر که
این سوره را بخواند بر خدای تعالی واجب می شود که او را از عذاب قبر خود ایمن گرداند و در بهشت خود
باو نعمت کرامت کند و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی از برای او

نماند
و اگر سدر یکبار برای آب قراح
نیت کند بهتر است و احوط آنست که
آب غسل قراح را از حوضی که از کر
کمتر بود و کافور و سدر در آن ریخته شده است بر
ندارد و از آبی بردارد که آنها مخلوط
نشده باشد پس دستهای میت را
تا نصف ذراع سه مرتبه با آب خالص
بشویند استحبابا و فرج میت را
نیز با آب خالص سه مرتبه بشویند
و اگر در این وقت نیز بار دیگر میت را
وضو دهند شاید بهتر باشد پس چنانچه
نیت کند که غسل میدهم این میت را
با آب قراح از جهت آنکه واجبست قربة الی
الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشوید
که یک مرتبه واجبست و دو مرتبه سنت
و بعضی از علما گفته اند که بعد از اداء دو
آب در تحتی دستی بکشد بر بدن میت و
پیش از این غسل و در اثنای غسل
دست بر شکم میت کشند و چون از
هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج
نجاستی بوده

تمم

جمع می کند خیر دنیا و آخرت را سورة النجم از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی باو بعدد
هر کسیکه تصدیق کرده است پیغمبر را و بعدد هر کس که تکذیب او کرده است ده حسنه بدهد
و از حضرت صادق ع مرویست که در هر روز یا در هر شب مداومت کند بر خواندن این سوره میان مردم
زندگانی می کند در حالتی که محمود و ستوده باشد سورة القمر از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که مداومت کند بقرائت این سوره یکروز نه یکروز در قیامت مبعوث می شود در حالتی که
روی او مثل ماه شب چهارده باشد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را بخواند
خدای تعالی او را از قبر بیرون می آورد در حالتی که او را بر ناقه از ناقه های بهشت سوار کرده
باشد سورة الرحمن از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی رحم می کند ضعف او را
و شکر نعمتهای الهی را ادا کرده است و نیز از آنحضرت مرویست که هر چیزی را عروسی هست و
عروس قرآن الرحمن است و از حضرت صادق ع مرویست که هر که بر قرائت این سوره مداومت
کند خدای تعالی در قیامت روی او را سفید می گرداند و شفاعت او را قبول می کند در حق هر کسی که
او خواهد و کسیکه این سوره را در شب بخواند و هر وقت که بآیه فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
برسد بگوید لَا بِشَيْءٍ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أُكَذِّبُ خدای تعالی موکل میسازد باو ملکی را که
او را حفظ می کند تا آنکه صبح شود و اگر در صبح بخواند باین روش خدای تعالی ملکی را موکل کند
که او را حفظ کند تا شب شود سورة الواقعه از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند
او را از جمله غافلان نمی نویسند و نیز از آنحضرت مرویست که هر که این سوره را هر شب بخواند
هرگز باو فقر نرسد و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که هر که این سوره را در شب پیش از آنکه بخوابد
بخواند روز قیامت ملاقات کند خدای تعالی را در حالتی که روی او مثل شب چهارده می باشد
و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را در هر شب جمعه بخواند خدای تعالی او را دوست
میدارد و مردم را دوست او گرداند و هرگز در دنیا فقر و فاقه و آفاتی از آفات دنیا باو نمیرسد و

بوده باشد قدری
پنبه در دبرش با حنوط آکنده کنند و هم
چنین در قبل او و بینی او قدری پنبه داخل
کند اگر خوف بیرون آمدن خون
یا نجاستی بوده باشد پس سنت است
که بدنش را با جامه خشک کند و بعد از آن
او را بر روی جامه های کفن بگذارد و سنت است
که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی
گرداند این دعا را بخواند اللهم ان
هذا بدن عبدك المؤمن وقد اخرجت
روحه منه وفرقت بينهما فعفوك
عفوك پس اگر زن باشد بگوید اللهم
ان هذا بدن امتك المؤمنة و اگر
رو بجهت بگوید بهتر است و در سایر احوال
غسل مکرر بگوید رب عفوك عفوك
و سنت است که
تا حد امکان بر زد و بر او ظاهر شود
هر چه از عیوب میت بر او ظاهر شود
بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد
چنانچه از مادر متولد شده و مستحب است
که غسل دهنده از جانب راست بایستد و
غسل دهند رو بقبله بکنند و تخته
که بر آن غسل دهند بلند باشد و کودالی در برابر آن
سر از پیر باشد که آب غسل در آن کودال
رود و مکروه است

در آداب

و در اخرت از رفقای امیر المؤمنین ع خواهد بود سورة الحدید از پیغمبر ص مرویست کسیکه این سوره را
بخواند در زمره جماعتی نوشته می شود که ایمان اورده اند بخدا و پیغمبران او و از حضرت امام
محمد باقر ع مرویست کسیکه این سوره ها مسبحات را قبل از انکه بخوابد بخواند درک حضرت صاحب
الزمان کند و اگر بمیرد در جوار پیغمبر باشد سورة المجادله در خبر است کسیکه این سوره را
بخواند روز قیامت او را از جمله رستکاران نویسند و از حضرت صادق ع مرویست که
هر که این سوره را و سوره حدید را در نماز واجبی بخواند و بران مداومت کند خدای تعالی
هرگز او را عذاب نکند و در نفس او و اهل او بدی ما و ننماید سورة الحشر از پیغمبر صلعم
مرویست که هر که این سوره را بخواند صلوات بر او فرستد و استغفار کنند از برای او بهشت
و دوزخ و عرش و کرسی و اسمانها و زمینها و انچه در میان اسمانها و زمینهاست و سباع و
هوام و بادها و بارانها و اشجار و دواب و افتاب و ماه و ملائکه و اگر در ان روز یا در ان شب
بمیرد شهید بمیرد و از حضرت صادق ع مرویست که سوره حشر و الرحمن را در وقت شب بخواند
خدای تعالی موکل میسازد بخوانه او ملکی را که ان ملک شمشیر خود را کشیده خانه او را اب
میدارد تا انکه صبح شود سورة الممتحنة از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند
جمیع مؤمنین و مؤمنات شفیع او خواهند بود در روز قیامت و از حضرت امام زین العابدین ع
مرویست که هر که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند خدای تعالی امتحان کند دل او را
از برای ایمان و نورانی گرداند چشم او را و هرگز با و و اولاد او از فقر و جنون نرسد سورة
الصف از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند تا در دنیاست حضرت عیسی ع
بر او صلوات فرستد و از برای او استغفار کند و در روز قیامت رفیق حضرت عیسی باشد
و از حضرت باقر ع مرویست کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره در فرایض و نوافل خدای
تعالی در قیامت او را در صف ملائکه و انبیاء مرسلین جای دهد سورة الجمعة از پیغمبر ص مرویست کسیکه

در احکام غسل اب بحالتی که در ان بول و غایت کنند بریزند و اگر چاله باشد که گنافات خانم در ان بریزند قصور ندارد و مکروه است میت را باب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروه است که میت را در هنگام پاهای خود بگیرد و ایضا مکروه است که ناخن میت یا موی او بگیرد یا شانه کند و اگر بگیرد ناخن یا موی او را موجود می در اثنای غسل جدا شود باید در میان کفن گذارد و با میت دفن کند حتی منقول است که دندانی از حضرت باقر ع کنده شد بحضرت صادق ع داد و فرمود که با من دفن کن در قبر و اگر سدر و کافور بهم نرسد یکمرتبه باب قراح غسل دهند و احوط انستکه سه مرتبه غسل دهند و اگر پیش از دفن بهم رسد احوط انستکه مرتبه دیگر از اسم غسل دهند و اگر اب بهم نرسد یا میت را نتوان غسل داد که خوف ان باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را

این سوره را بخواند بعدد کسانیکه در شهرها ایشان بنماز جمعه کرده اند و انکسانیکه نماز جمعه را
بجا نیاورده اند بعدد هر یک ده حسنه باو دهند و از حضرت صادق ع مرویست که فرمود
واجبست بر هر مؤمنی که شیعه ما باشد اینکه در شب جمعه سوره جمعه و اعلی را بخواند و در ظهر
جمعه سوره جمعه و منافقین بخواند پس چون چنین کند عمل پیغمبر را بجای اورده باشد و ثواب
او و جزای او بهشت است سورة المنافقین از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله مرویست که هر که این
سوره را بخواند از شک و نفاق بری میشود سورة التغابن از حضرت پیغمبر ص مرویست که
هر که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند در روز قیامت این سوره شفیع او خواهد
بود و شاهد عادلی خواهد بود بر خوبی قاری خود نزد کسیکه شهادة او را قبول کند
و بعد از ان از قاری خود جدا نشود تا انکه او را داخل بهشت کند سورة الطلاق از پیغمبر صلی الله
علیه و اله مرویست که هر که این سوره بخواند بر سنت پیغمبر بمیرد و از حضرت صادق ع مرویست که
هر که این سوره را با سوره تحریم در نماز فریضه بخواند در روز قیامت در پناه خدا باشد از حزن
و خوف و اتش دوزخ و خدای تعالی بواسطه تلاوت این دو سوره و محافظت او بر این دو سوره
او را داخل بهشت گرداند سورة التحریم از پیغمبر صلعم مرویست که هر که این سوره بخواند خدای تعالی
در قیامت توبه نصوح باو کرامت می کند سورة تبارک از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را
بخواند مثل انستکه شب قدر را احیا کرده باشد و این سوره نگاه دارنده و نجات دهنده است صاحب
خود را از عذاب قبر و از حضرت باقر ع مرویست که هر کس در هر روز و هر شب این سوره را
بخواند چون در قبر نکیر و منکر از طرف پای او در ایند پاهای او بنکیر و منکر گویند که شما را از
نزد من بر او راه نیست زیرا که او در هر روز و هر شب سوره ملک خوانده است بعد از ان نکیر
و منکر از طرف جوف او ایند از انجا نیز این حرف را شنوند پس از طرف زبان او ایند و از انجا
نیز همین کلام را شنوند و این سوره در توریه مکتوبست و کسی که این سوره را در شب بخواند

و ظاهر اب تیمم کافیست و سر تیمم تیمم چنین احوط انست بهتر انستکه تیمم چنین کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سدر و کافور و قراح از غسلهای واجبست برای رضای خدا از جهة انکه واجبست و قصد نماید که تیمم میدهم و تیمم دیگر را قصد نماید که این میت را بدل از غسل کافور و اجبا و همچنین قراح را قربة الی الله و همچنین دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت بکشد و دیگر نیت کند دست میت بکشد و بعد از ان بر پشت دست راست میت بکشد و ضرب دیگر بر پشت دست چپ او کرید و ضرب دیگر دهد و اگر میت تیمم دهد برای دستها اولیست و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و خوشبو نکنند باب در کفن کردن میت است و واجبات در کفن کردن میت انست که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول انها لنگ است که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند استکه سینه او را بپوشد

ثواب سورة تبارک و ن و الحاقة و نوح و جن و مزمل

و مواظبت کند بر آن از جمله عاقلان نوشته شود و او را این سوره مانع است از عذاب قبر و از
حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در نماز مکتوبه بخواند در امان خدا تعالی
است تا صبح و در آخرت در امان خدا تعالی است تا داخل بهشت شود سورة ن از حضرت
پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند عطا کرده می شود ثواب جماعتی که اخلاق
ایشان خوبست و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در فرایض یا نوافل خود
بخواند هرگز فقر باو راه نیابد و خدا تعالی او را از ضغطه قبر ایمن گرداند سورة الحاقة از پیغمبر
مرویست که هر که این سوره بخواند خدای تعالی حساب او را آسان کند و از حضرت باقر مرویست که
که بسیار این سوره را تلاوت کنید در فرایض و نوافل خود زیرا که این علامت ایمان بخدا
و رسولست و سلب نشود ایمان قاری این سوره تا آنکه بمیرد سورة المعارج از پیغمبر صلعم
مرویست که هر که این سوره را بخواند داده می شود ثواب جماعتی که با امانتها و عهدهای خود
رعایت کننده اند و جماعتی که بر نماز خود محافظت کننده اند و از حضرت امام محمد باقر مرویست
که هر که مداومت کند بر قرائت این سوره روز قیامت از گناهی که کرده است پرسیده نمی شود
و خدا تعالی او را با محمد و آل او در بهشت خود ساکن کند سورة نوح از پیغمبر صلی الله علیه و آله
مرویست که هر که این سوره را بخواند از جمله مؤمنانی خواهد بود که دعوت نوح ایشان را
ادراک کرده است و از حضرت صادق مرویست که هر که بخدا و کتاب او ایمان آورده است
قرائت این سوره را ترک نمی کند سورة الجن از پیغمبر مرویست کسیکه این سوره را بخواند
بخشیده می شود بعدد هر جن و شیطانی که تصدیق و تکذیب پیغمبر کرده اند ثواب
آزادی بنده و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را بخواند در ایام حیات او نسو
و کید و چشم و زخم جن بد باو نرسد و در قیامت با محمد و آل او علیهم السلام باشد سورة المزمل از پیغمبر
مرویست که هر که این سوره بخواند دفع کرده می شود از او دشواری دنیا و آخرت و از حضرت صادق

در احکام کفن میت

و تا پاها دوم پیراهنست و سیم سر
تا سری که جمیع بدن را بپوشد و بعضی
از علما گفته اند که پیراهن است دوم
تا سری و جایز است که بجای پیراهن
یک سر تا سری دیگر بکنند که مجموع
سه سر تا سری بوده باشد و این
قول اظهر است و احادیث معتبره
بر این دلالت دارد و احوط آنستکه
با اینها نیز لنگ بکنند و با سر تا سری
کافیست و باید که کفن حریر محض
نباشد و احوط آنستکه کفن زنان
نیز حریر محض نباشد و احوط آنستکه
کفن از پوست نبوده باشد و بهتر
آنستکه از پشم و مو نیز نبوده باشد
و مستحب است که از پنبه سفید
بوده باشد و سنت است که سر تا سری
بالا از جامه دو سر تا سری حبره باشد
و آن جامه بود که از یمن میاورده اند
و الان معلوم نیست و در روایتست
که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند
بد نباشد و علما گفته اند سنت
که اول جانب

ثواب سورة المدثر و قیمه و دهر و مرسلات و نبا و نازعات

مرویست که هر که این سوره را بخواند دفع کرده می شود از او دشواری دنیا و آخرت و از حضرت صادق
مرویست کسیکه این سوره را در نماز خفتن یا در آخر شب بخواند آن شب و روز این سوره
شهادت دهد بخوبی او و خدای تعالی او را حیات طیبه میدهد و در وقت مرگ بمیته طیبه
خواهد برد سورة المدثر از پیغمبر مرویست کسیکه این سوره بخواند بخشیده می شود ده حسنه
بعدد هر کس که تصدیق و تکذیب کرده است پیغمبر را در مکه و از حضرت باقر مرویست کسیکه این
سوره را در نماز فریضه بخواند بر خدای تعالی واجبست او را با پیغمبر در درجه او جای دهد و در
دنیا هرگز او را شقاوت در نیابد سورة القیمة از پیغمبر مرویست که فرمود هر که این سوره را
بخواند روز قیامت من و جبرئیل گواهی میدهیم که او در روز قیامت ایمان آورده و از حضرت
صادق مرویست که هر که مداومت کند بر قرائت این سوره و عمل باین سوره کند خدای تعالی
برمی‌انگیزد این سوره را با او در قبر او بخوبترین صورتی که در روی او خندان باشد و او را
بشارت دهد تا از صراط بگذرد سورة الدهر از پیغمبر مرویست که هر که در صبح روز
پنجشنبه این سوره را بخواند خدا تعالی صد حور العین باکره باو تزویج کند و رفیق پیغمبر باشد
سورة المرسلات از حضرت پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند در دیوان عمل او نوشته می شود
که او از جمله مشرکان نیست و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی
میان او و پیغمبر آشنائی اندازد سورة النبا از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای
در قیامت آب سرد گوارا باو دهد و از حضرت صادق مرویست که هر که مداومت کند بر خواندن
این سوره در هر روز در همان سال زیارت بیت الله الحرام نصیب او شود سورة النازعات
مرویست که هر که این سوره را بخواند حساب او روز قیامت بقدر یک نماز واجبی خواهد بود
بعد از آن او را داخل بهشت سازند و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را بخواند نمیرد
مگر آنکه سیراب باشد و مبعوث نشود مگر سیراب و داخل بهشت نشود مگر سیراب سورة عبس از

در احکام کفن میت

لفافه را
بر جانب چپ میت اندازند
بر جانب راست و سنت است لفافه را جانب
و بعد از آن جانب راست آنستکه چنین کند
چپ میت و بهتر آنست که ... سید و سنت
آنستکه خرقه طولانی که عرضش یک شبر و نیم
و طولش اقلا سه ذرع و نیم باشد
بدان دستها و پایها کنند بر میت
بان کمر او را محکم بندند و بر روی فرج
بندند و پنبه بسیار بر روی فرج
میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه
بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه قدری
کافور بپاشند شاید بد نباشد
و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر
آورند و از زیر آنچه در کمرش بسته اند
بیرون آورند و محکم بکشند که فرج
را بپوشد و از دو طرف کمر
کشیده باشد
بهم آورند و در آنجا ... بهم پیچند تا ران و پاها
باخرقه سخت به بندند و پیچند تا آنچه
بهر جا منتهی شود سر او را
پیچیده اند فرو برند و سنت است
که عمامه برای مرد بکنند که بر دور
سرش بپیچند

حضرت پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند روز قیامت خندان و مستبشر باشد و از حضرت
صادق ع مرویست کسیکه سوره عبس و تکویر را بخواند در بهشت در ظل و کرامت خدای تعالی
باشد سوره تکویر از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی در وقتی که
صحیفه او را بگشاید او را رسوا نکند و کسیکه خواهد که در روز قیامت بسوی من نگاه
کند باید که این سوره را بخواند سوره الانفطار از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که این سوره را بخواند نوشته می شود از برای او بعدد هر قطرات بارانی که از
اسمان نازل می شود بعدد هر قطره یک حسنه و در روز قیامت خدای تعالی کار او را
باصلاح میاورد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که سوره انفطار را و انشقاق را
بخواند در نماز فریضه و نافله و این دو سوره را نصب العین خود سازد هیچ چیز میان او
و میان خدای تعالی حاجب نشود و همیشه خدای تعالی نظر رحمت بر او نظر کند تا وقتی که مردم
از حساب فارغ شوند سوره التطفیف از پیغمبر صلی الله مرویست که هر که این سوره را بخواند
خدای تعالی در روز قیامت از رحیق مختوم باو دهد و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه
در نماز فریضه مداومت کند بر قرائت این سوره خدای تعالی او را از اتش دوزخ و از هول
حساب قیامت ایمن میگرداند و بر جسر جهنم واقع نمیشود سوره الانشقاق از حضرت پیغمبر
مرویست که هر که این سوره را بخواند کتاب او را از پشت سر او باو ندهند سوره البروج از
پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده می شود از اجر بعدد هر روز جمعه و هر روز
عرفه که در دنیاست ده حسنه و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را در فرایض
خود بخواند در روز قیامت با انبیا محشور شود زیرا که این سوره تعلق دارد بانبیا علیهم السلام
سوره الطارق از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده می شود بعدد هر ستاره
که در اسمانست ده حسنه و از حضرت صادق ع مرویست که هر که در نماز فریضه این سوره را بخواند او را

در آداب کفن میت (margin)

مشهور در زیر حنک بگردانند و موافق
و سر عمامه را از هر طرف بدر
اورند و بر سینه میت بیندازند
چپ را بجانب راست و راست را بجانب
چپ و بدل عمامه مرد از برای زن مقنعه
زیاد کنند و پارچه بر سینه زن
ببندند که پستانها را بیکدیگر بپیچد و پشتش
گره زنند و مکروه است که کفن را کتان
باشد یا پیراهنی تازه کنند که استین
داشته باشد اما اگر میت را در
پیراهن خودش کفن کنند در کار
نیست بریدن استین و با استین
باکی نیست اما تکمه‌ها و بندهایش را
ببرند و سنتست که میت را کفن
کنند در پیراهنی که در ان نماز می
کرده است و اگر در پیراهنی که در ان
نماز میکرده است و اگر در پیراهن بعضی
از علما و صلحا نیز کفن کنند در کار
نیست بریدن استین و با استین
باکی نیست اما تکمه‌ها و بندهایش را
ببرند و سنتست که میت را کفن
کنند در پیراهنی

نزد خدای تعالی جاه و منزلت عظیم خواهد بود و در بهشت از رفقاء انبیا خواهد بود سوره الاعلی
از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست کسیکه این سوره را بخواند بخشیده می شود از اجر بعدد هر حرفی
که بر ابرهیم و موسی و عیسی و پیغمبر ما نازل شده است ده حسنه و از حضرت صادق ع مرویست که
هر که این سوره را در فریضه یا نافله خود بخواند در روز قیامت باو گویند از هر در که میخواهی
داخل بهشت شو سوره الغاشیه از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند در فرایض و نوافل خود
باو روز قیامت گویند از هر در که خواهی داخل بهشت شو و حساب او را اسان کند و بپوشاند
او را خدای تعالی برحمت خود در دنیا و اخرت و از عذاب قیامت او را ایمن گرداند سوره الفجر از
حضرت پیغمبر مرویست که در ده شب اول ماه ذی الحجه هر که این سوره را بخواند خدای تعالی او را می امرزد
و کسیکه در روزهای دیگر این سوره را بخواند این سوره روز قیامت نوری خواهد بود از
برای او و از حضرت صادق ع مرویست کسیکه در فرایض و نوافل خود این سوره را بخواند در بهشت
با امام حسین ع در یک درجه خواهد بود زیرا که این سوره امام حسین است سوره البلد از پیغمبر
مرویست کسیکه این سوره را بخواند در روز قیامت از غضب خدای تعالی ایمن خواهد بود و از حضرت
صادق ع مرویست کسیکه این سوره را در فرایض خود بخواند در دنیا معروف خواهد شد باینکه او از
جمله صالحانست و در اخرت معروف خواهد بود باینکه او را نزد خدای تعالی منزلت و مرتبه بزرگیست
و از رفقاء انبیا و شهداء و صالحان خواهد بود سوره الشمس از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره را
بخواند گویا که تصدق کرده است بهر چیزی که افتاب و ماه بران بتابد و از حضرت صادق ع مرویست که
کسیکه این سوره را و سوره اللیل و الضحی و الم نشرح را بسیار بخواند در روز یا در شب هر چیزی
که نزد او حاضر است حتی موی او و پوست و گوشت و خون و رگها و پی و استخوانها و جمیع انچه را
که از او زمین برداشته است در روز قیامت از برای او شهادت خواهند داد بر خوبی او و خدای
تعالی میفرماید که من شهادت شما را قبول کردم از برای بنده خود او را ببرید بهشت تا اختیار کند هر جا را

در آداب کفن (margin)

که در ان نماز میکرده است و اگر در پیراهن
بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند
شاید بد نباشد و مستحبست در
جامه که در ان احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و
مستحبست که کفن خوش قماش و
صاحب قیمت باشد چنانچه در حدیث
وارد شده است که نیکو کنید کفن‌ها
مردگان خود را که زینت ایشانست
و بان کفنها در قیامت مبعوث میشوند
و سنتست که در قیمت کفن مضایقه
نکنند و کفن از مال حلال
و مبصر باشد و سنتست موافق
مشهور که بر کفن اقرار بر شهادتین و
اقرار بائمه علیهم السلام بنویسند
و دعای جوشن و غیر ان در بعضی
روایات وارد شده است و سنتست که
بتربت امام حسین ع بنویسند و علما
گفته اند که سنتست که کفن را بوسیله
از ان بیرون اورند و بدن و مکروه است
که اب دهن تر کنند و سنتست که
در قبیله غسل

ثواب سوره ضحی الم نشرح و علق و قدر و بینه

کرخواهد کوار ابود با و سوره اللیل از پیغمبر مرویست که کسیکه این سوره بخواند خدای تعالی چندانی
ثواب باو بخشد که او راضی شود و او را از عسر و تنگی نجات دهد و مهمات او را برآورد و اسان کند
سوره الضحی از پیغمبر مرویست که کسی این سوره را بخواند از جماعتی خواهد بود که خدای تعالی پسندیده است
که پیغمبر شفاعت کند از برای او و او را خواهد بود بعدد هر یتیم و کهر سائل ده حسنه سوره
الم نشرح از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده میشود و اجر مثل آنکسیکه ملاقات
کرده باشد پیغمبر را در حالتی که مغموم باشد آنحضرت و او رفع غم آنحضرت کند سوره التین
از پیغمبر صلی الله مرویست کسیکه این سوره را بخواند خدای تعالی دهد او را دو خصلت با او
کرامت کند عافیت و یقین و چون بمیرد خدای تعالی ببخشد باو بعدد آنکسی که این سوره را
خوانده روزه یکروز و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در فرایض و نوافل
خود بخواند از بهشت چندان باو دهند که او راضی میشود سوره العلق از پیغمبر مرویست
که هر که این سوره را بخواند ثواب کسی را داده که کل مفصل را بخواند و از حضرت صادق
مرویست کسیکه این سوره را بخواند در از روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و شهید
برانگیخته شود و ثواب کسی را دارد که با پیغمبر بجهاد رفته است سوره القدر از پیغمبر صلی الله
علیه و آله مرویست کسیکه این سوره را بخواند اجر مثل آنست که تمام ماه رمضان را روزه داشته است
و شب قدر را احیا کرده و از حضرت صادق مرویست که هر که این سوره را در فریضه از فرایض بخواند
ندا کرده میشود که ای بنده خدا گناهان گذشته تو امرزیده شد عمل خود را از سر گیر و از
حضرت باقر مرویست که هر که این سوره را بلند بخواند ثواب کسی دارد که شمشیر خود را برهنه
کرده در راه خدا جهاد کند و کسیکه این سوره را آهسته بخواند مثل کسی است که در راه خدا در
خون خود غلطیده و کسیکه این سوره را ده بار بخواند خدای تعالی هزار گناه او را می امرزد
سوره البینه از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را بخواند در روز قیامت مشهد

در لفیف حنوط میت (حاشیه):
خواهد میت را کفن کند ده درهم
مقدار حنوط سنت است پیش از آنکه شروع کند در کفن کردن و واجب است
حنوط کردن میت را با آنکه بر هفت
موضع سجده یعنی پیشانی و کف دستها
و زانوها و انگشت مهین پاها کافور
مالند اگر چه اندک باشد و احوط
آنستکه سر بینی را نیز مالند و بر
سینه اش بریزند و اگر کافور زیادتی باشد
کردن و بندهای پای و بندهای
دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ
ران و بند انگشتان و سایر بندهای بدن
بمالند احوط است و بهتر آنستکه کافور
حنوط کافور خام خود باشد و
مقدارش بقدر یک اشرفی باشد
که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر از آن
آنستکه سه مثقال بوده باشد و
بهتر از این آنستکه سیزده درهم و
ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت
رسول صلی الله علیه و آله که
تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد
و بهتر آنستکه کافور

در ثواب سوره الزلزال و عادیات و قارعه و تکاثر

و مقبل او با بهترین مردم خواهد بود و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود که اگر مردم ثواب این سوره را
بدانند اهل و عیال خود را میگذارند و بتعلم این سوره مشغول میشوند و این سوره را هم
که منافق و کسیکه در دل او شکی باشد نمیخواند و از زهد و یکر خدای تعالی اسمان و زمین را خلق
کرده است ملائکه مقربین این سوره را میخوانند و هر بنده که این سوره را در شب بخواند
خداوند تعالی برانگیزد ملائکه چند که دین او را نگاه میدارند و دعا کنند از برای او بمغفرت
و رحمت و اگر روز این سوره را بخواند داده میشود از ثواب مثل آنچه بکره ضوء نهار و ظلمت
شب بر آن واقع می شود و از امام محمد باقر مرویستکه هر که این سوره را بخواند از شرک بری
میشود و داخل میشود در دین پیغمبر و خدای تعالی او را مؤمن برمیانگیزاند و حساب او را
آسان میکرداند سوره الزلزال از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را
بخواند مثل آنستکه سوره بقره را خوانده است و ثواب قرائت ربع قران باو میدهند
و از حضرت صادق مرویست که هر که در نوافل خود این سوره را بخواند هرگز زلزله و صاعقه
و آفتی از آفات دنیا باو راه نیابد و چون بمیرد امر شود که او را به بهشت برند سوره
العادیات از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده میشود از
اجر بعدد هر کسیکه در مشعر الحرام حاضر شده است ده حسنه و از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که هر که مداومت کند بر قرائت این سوره خدای تعالی او را در روز قیامت با حضرت امیر
المؤمنین برانگیزد و از رفقاء آنحضرت باشد سوره القارعه از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی در روز قیامت میزان او را
ثقیل کرداند و از حضرت باقر مرویستکه هر که این سوره را بخواند خدای تعالی او را از فتنه دجال
و از اینکه ایمان باو اورد ایمن میسازد و از دود جهنم نیز ایمن میشود سوره التکاثر
از پیغمبر مرویست که هر که این سوره را بخواند خداوند نعمتی که باو در دنیا داده است از او حساب نمی

در جریدتین و مقدار آن (حاشیه):
غسل از این مقدار اما مستحب
نباشد و سنت موکد است که
دو جریده تازه با میت بگذارند و
در اخبار بسیار وارد شده است که تا
این چوبها تر است میت را عذاب نمی
کنند و بهتر آنستکه از چوب درخت
خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب
سدر کنند و اگر یافت نشود چوب
درخت بید و اگر بهم نرسد هر چوب تر
درخت انار و اگر بهم نرسد هر چوب تر
خوب است و باید تر باشد و تازه
از درخت بریده باشند و چوب خشک
هر چند اما کن مشرفه بریده باشند
فایده نمیکند و باید هر یک بقدر
یک شبر بوده باشد یا یک ذراع
دست و بعضی گفته اند که بقدر استخوان
ذراع که یکشبر بیشتر است و ظاهر
همه خوب است و بعضی گفته اند که پنبه
بر انها پیچیده تا رطوبتشان بیشتر
بماند و یکی را از جانب راست گذارند و
سرش را بچسبانند که بدن گذارند و دیگری را
ملصق ببدن سازند و دیگری را
از جانب چپ بعیان

طلبد

ثواب سوره عصر و همزه و فیل و قریش و دین

طلبد و مثل آنست که هر آیه از قرآن خوانده باشد و از حضرت صادق ع مرویست که این سوره را
در نماز فریضه بخواند ثواب صد شهید دارد و از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر که این
سوره را در خواب بخواند نگاه داشته می شود از فشار قبر سوره العصر از پیغمبر صلی الله علیه
واله مرویست که هر که این سوره را بخواند خاتمه امر او بخیر خواهد بود و روز قیامت با اصحاب
حق خواهد بود و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را در نوافل خود بخواند
خدای تعالی او را بر میانگیزد در حالتی که روی او درخشنده و دندان او خندان و چشم
او روشن باشد تا آنکه داخل بهشت شود سوره الهمزه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
مرویست که هر که این سوره را بخواند بخشیده می شود از اجر بعدد هر کسیکه به پیغمبر ص و اصحاب
او استهزاء کرده است ده حسنه و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را در فریضه
از فرایض خود بخواند فقر از او زایل می شود و رزق او واسع می شود و مردن بد از او دفع
می شود سوره الفیل از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند خدا تعالی او را در ایام
حیات او عافیت دهد از مسخ و قذف و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را در
فرایض خود بخواند خدای تعالی از برای او اشهادت می دهد روز قیامت هر زمین هموار و هر سنگ
و کلوخی بانکه او از جمله صلحاست و بسبب آن داخل بهشت می شود سوره قریش از پیغمبر ص مرویست که
هر که این سوره را بخواند بخشیده می شود از اجر ده حسنه بعدد هر کس که طواف کعبه کرده است
و در کعبه اعتکاف کرده است و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را بسیار بخواند
خدای تعالی او را برانگیزاند روز قیامت در حالتی که سوار باشد بر مرکبی از مراکب بهشت و
سواره بدر بهشت برود تا آنکه در بهشت بنشیند بر خوان نور سوره الدین از پیغمبر ص مرویست که
که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی می آمرزد او را تا زکوة دهد او که می کند و از حضرت باقر علیه السلم
مرویست که کسی که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند خدای تعالی نماز و روزه او را قبول

پیراهن
و سر ناف کذارد و بعضی
گفته اند که سنتست که بر جریدتین
شهادت بنویسند بتربت شریف و
اگر تعیین باشد بجریدتین توان در کفن
گذاشت در میان قبر بیندازند اگر
و اگر بعد پر کردن قبر بخاطرشان
اید در میان قبر فرو برند و بدانکه
کفن میت از اصل مال او مستقر
بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی
نداشته باشد زنشها او را تطهیر
کنند و بان کفن کنند و اگر انهم نباشد
برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که
از زکوة واجب کفن میت را میتوان
کرد و خالی از قوتی نیست و سنت
مؤکد است که مسلمانان او را کفن
کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که
کفن کند مؤمنی را چنانستکه ضامن
جامه او شده باشد تا روز قیامت و
هر که بکند از برای مؤمن قبری
چنانستکه او را در خانه موافق نیکو
جا داده باشد

ثواب سوره جحد و نصر و تبت و اخلاص

می کند و آنچه در دنیا از او صادر شده است با او حساب نمی کند سوره الکوثر از حضرت صلی الله علیه واله
مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی از انهار بهشت او را سیر گرداند و عطا کند باو
از اجر بعدد هر قربانی که بندگان او در عید اضحی قربانی کرده اند و قربان خواهند کرد و از حضرت
صادق ع مرویست که هر که این سوره را در فرایض و نوافل خود بخواند خدای تعالی او را از کوثر آب
دهد و در زیر درخت طوبی با پیغمبر حدیث گوید سوره الجحد از پیغمبر صلی الله علیه واله مرویست
که هر که این سوره را بخواند گویا ربع قرآن خوانده است و گردنکشان شیاطین از او دور می شوند
و از شرک بری می شود و از فزع روز اکبر معاف خواهد بود و نیز از آنحضرت مرویست که کسیکه این
سوره را در وقت خواب بخواند و بخوابد از شرک بری می شود و از حضرت صادق ع مرویست که
هر که سوره جحد و توحید را در فریضه از فرایض خود بخواند خدای تعالی او را و پدر و مادر او را
می آمرزد سوره النصر از پیغمبر صلی الله علیه واله مرویست که هر که این سوره را بخواند ثواب کسی را
دارد که با پیغمبر ص در فتح مکه حاضر شده باشد و از حضرت صادق ع مرویست که هر که این سوره را
بخواند در فریضه یا نافله خود خدای تعالی او را بر اعداء او نصرت دهد سوره تبت از پیغمبر ص
مرویست که هر که این سوره را بخواند خدای تعالی جمع نکند میان او و ابی لهب در یک خانه و از
صادق ع مرویست که هر که این سوره را بخواند باید که برابی لهب نفرین کند زیرا که او تکذیب
کرده است پیغمبر را سوره الاخلاص از پیغمبر ص مرویست که هر که این سوره را بخواند گویا که ثلث
قرآن خوانده است و بعدد هر کسیکه ایمان آورده است بخدا و ملائکه و کتب و رسل او در روز قیامت
ده حسنه باو دهند و از آنحضرت مرویست که هر که یکنوبت این سوره را بخواند برکت داده می شود و
اگر دو بار بخواند برکت داده می شود او و اهل او و اگر سه بار بخواند برکت داده می شود
او و اهل او و جمیع همسایگان او و از حضرت علی علیه السلم مرویست که هر که یازده نوبت
این سوره را در نماز صبح بخواند در آن روز گناهی از او صادر نشود و بینی شیطان بخاک مالد سوره

تا روز قیامت
و کفن زن بر شوهر واجبست
هر چند زن مالدار باشد و اگر کفن
بنده بر صاحبش واجبست و اگر از
میت نجاستی بیرون اید بدن او را بشویند
و اگر بقبر برده باشند مشهور آنستکه
آن موضع را مقراض میکنند و کفن را
از یک دیگر میکشند تا بدن میت
پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن
بوده باشد شستن در اندرون قبر
با آنکه طشت و آفتابه ببرند و بشویند
بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت تغیر
شده باشد و تطهیر آن لازم باشد و این
کفن را نیز بان عنوان بشویند و این
احوطاست و جمعی گفته اند مکروه است
کفن را با هن بریدن و گفته اند از مشایخ
چنین شنیده ایم و در حال کفن نمودن
سنتاستکه پاهایش بجانب قبله
باشد و کسیکه در غیر جهاد با امام
کشته باشد جراحتهای بدنش را از او
نمایند و غسل امید هند و اگر سر جدا
باشد در هر غسلی اول سر را بشویند
و آخر بدن را

الفلق از پیغمبر صلعم روایتست که هر که این سوره و سوره ناس را بخواند گویا که جمیع کتبی را که خدا تعالی
بر پیغمبران فرستاده است خوانده است و حضرت پیغمبر امر کرد بقرائت این دو سوره در وقت
خواب و در وقت بیدار شدن از خواب و از حضرت باقر ع مرویست که هر که در نماز وتر این دو
سوره را و سوره توحید را بخواند گفته می‌شود مر او را که ای بنده خدا وتر ترا خدا تعالی
قبول کرد سورة الناس فضل این سوره در سوره فلق مذکور شد و از حضرت امام محمد باقر ع
مرویست که هر که در شبی ده آیه از قران بخواند او را از غافلان ننویسند و اگر پنجاه آیه بخواند او را از
ذاکران نویسند و اگر صد آیه بخواند او را از قانتان نویسند و اگر دویست آیه بخواند او را
از خاشعان نویسند و اگر سیصد آیه بخواند او را از فائزان نویسند و اگر پانصد آیه بخواند او را
از مجتهدان نویسند و اگر هزار آیه بخواند از برای او یک قنطار از اجر است و قنطار عبارتست از
پنجهزار مثقال و مثقالی بیست و چهار قیراطست که کوچکترین آن مثل کوه احد است و بزرگترین آن
مابین آسمان و زمین است و از پیغمبر ص مرویست که هر که در نماز قرائت قران کند بازاء هر حرفی صد حسنه
باو دهند و کسیکه در نماز نشسته قران بخواند بهر حرفی پنجاه حسنه باو دهند و کسیکه در غیر
نماز نشسته قران بخواند بواسطه هر حرفی ده حسنه باو دهند و از حضرت صادق ع مرویست که کسیکه قران را
از روی مصحف بخواند خدای تعالی او را متمتع و بهره ور سازد بچشم خود و در عذاب پدر و
مادر او تخفیف دهد اگر چه کافر باشد باب ۴ در ذکر بعضی از خواص سوره قرآنیه پس ذکر میکنیم
ما از خواص سوره فاتحه شفاست از هر دردی مگر مرگ و اگر این سوره را در ظرف
طاهری بنویسند و بآب باران بشویند و کسیکه بیمار است روی خود را از آن آب بشوید از
آن آب بشوید از آن درد شفا یابد و اگر کسی را خفقانی باشد از این آب بنوشد شفا یابد البقره
اگر کسی این سوره را بر کسی که او را دردی باشد یا او را چشم زده باشند یا صرع داشته باشد
یا فزع و فقر داشته باشد ببندد امراض از او زایل شود آل عمران اگر این سوره را با زعفران

بدن را و بعضی گفته‌اند که
اگر خون بند نشود …
تا بند شود و از حضرت صادق ع
مرویست که در حکم چنین کسی او را
میشویند و …
و دست … پنبه و کافور میگذارند و محکم …
و هم چنین اگر کسی را … بریده باشد و جدا
نشده باشد کافور و پنبه بپاشند بر موضع
جراحت و پنبه را بر آن میگذارند
و محکم می‌بندند که خون بیرون
نیاید و اگر سر از بدن جدا شده
باشد در غسل اول سر را میشویند
و بعد از آن بدن را و پنبه بر بالای
گردن میگذارند و در میان کفن
می‌پیچند و در هنگام دفن سر را
با بدن میگذارند و …
… را بجانب قبله میگذارند
باب ۳ در نماز میت
و این نماز واجبست بر همه مسلمانان
که علم بفوت شخصی بهم رسانند
و اگر یکی از ایشان

و گلاب بنویسد و بزنی ببندد که بچه باو نزید میوه دهد و اگر بزنی ببندد آبستن شود و کسیکه بعد
از بسمله سه بار آیه رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ برهمه که درد کند بخواند از آن درد شفا یابد النساء کسیکه چیزی
دفن کرده باشد و از او گم شده باشد باید که از این سوره آیه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ
را تا آخر آیه بنویسد در ظرف نوی و بآب باران آنرا بشوید و آن آبرا بپاشد در آن مکان
بآن چیز ظفر یابد المائده کسیکه این سوره را بنویسد در منزل خود یا صندوق خود گذارد
چیزی از او نتوانند دزدید الانعام کسیکه در وقت سحر در کاغذی از این سوره این آیه را
بنویسد وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ
لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و بر کسی ببندد که او را
درد پهلو یا درد دست باشد شفا یابد الاعراف کسی که این سوره را بگلاب و زعفران
بنویسد و بر خود ببندد از مار و درنده و دشمن و گمراه شدن در راه ایمن شود النور کسیکه
این سوره را بر خود ببندد و برابر حاکم بایستد آن حاکم بر خصم او از برای او حکم کند یونس هر که
این سوره را در میان متاع تجارت یا در میان کلاه خود گذارد از دزد و سوختن ایمن شود
کسیکه این آیه را از این سوره که وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ در کوزه نوی
بنویسد و آن کوزه را پر از روغن زیت خوشبو کند و از آن روغن بجوشاند و بر پا و ساق
کسیکه پا و ساق او درد می‌کند بمالد از آن درد شفا یابد هود کسیکه از این سوره این آیه را
که وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بنویسد بر تخته و آن تخته را
بر هفتم کشتی نصب کند کشتی او از غرق محفوظ ماند یوسف کسیکه این سوره را بنویسد و
روز در منزل خود گذارد و بعد از آن بیرون رود و بر دیوار بیرون خانه دفن کند رسول
سلطان او را طلب کند از برای نصرت سلطان و او را نزد سلطان جاه و منزلتی تمام حاصل شود

بجا آورد از دیگران
ساقط میشود و واجبست نماز
بر شیعه اثنا عشری …
بخلاف … و اقوی آنست که بر طفلی
که شش سال تمام شده باشد نماز
واجبست و ظاهر آنست که اکتفا
میتوان کرد و کمتر از شش ساله را
اگر زنده متولد شده باشد بعضی
سنت دانسته‌اند و بعضی بدعت
و احوط نماز نکردنست و جایز نیست
نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان
که عداوت اهل بیت داشته باشند
و غالیان که ائمه را خدا میدانند یا
گویند که خدا در ایشان حلول کرده است
و بر مجسمه و آنها که خدا را جسم میدانند
و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و
ظاهر آنست که بر ایشان نماز نکند و …
چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم …
و لعنت کند بر او …
…

وکسیکه این سوره را بنویسد وبشوید واب انرا بیاشامد خدا تعالی اسان کرداند رزق اورا هر لحدی الرعد از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که هر که از این سوره این ایه را ومَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الأَرْضِ مَا فَکَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا را در نقصان ماه هفت بار بر ثالول بخواند از ان شفا یابد ابرهیم کسیکه این سوره را در خرقه از حریر سفید نویسد وبر بازوی طفل بندد ان طفل ایمن می شود از ترس وگریه واز جمیع شرور الحجر کسیکه این سوره را بزعفران بنویسد وبشوید واب انرا بزنی دهد که شیر او کم باشد شیر او فراوان شود وکسیکه این سوره را بنویسد ودر پهلو با بازوی خود نگاه دارد بیع وکسب ورزق او بسیار شود الکهف هر که این سوره را بنویسد ودر میان دیوار باغی کذارد بار جمیع درختهای ان باغ زیاد شود واکر در منزل جماعتی کذارد ان جماعت از ان منزل پراکنده شوند مریم کسیکه این سوره را در میان حریر سبزی کذاشته بر خود اویزد تیر او خطا نشود وکسیکه این سوره را بنویسد ودر میان شیشه سر تنکی کذارد ودر خانه خود کذارد از قرض وفقر ایمن شود وکسیکه این سوره را در ظرف ابکینه پاکی کذارد ودر منزل خود کذارد خیر ان منزل زیاد شود واصلا بدی بان منزل راه نیابد وکسیکه این سوره را بنویسد وبشوید واب انرا بیاشامد خوفی که دارد از ان زایل شود طه کسیکه این سوره را با خود دارد وبسوی قومی رود که اراده تزویج از ایشان دارد باو تزویج کنند واکر خواهد مباشد وکسی که دشمنی است الفت اندازد سخن او را قبول کنند واکر در میان لشکر مخالف رود متفرق شوند وکسیکه این سوره را بنویسد وبخود بندد وبر سلطانی داخل شود از شر او ایمن شود واز نزدیکان او شود الانبیاء کسیکه بسیار شود یا فکر بسیار وبیخوابی داشته باشد این سوره را بنویسد وباخود دارد شفا یابد الحجر کسیکه این سوره را بر ورق اهو بنویسد ودر اب کذارد وان اب را بپاشد در موضع والی

ما باشی ان قاضی ووالی از ان منزل بیرون روند المؤمنون کسیکه این سوره را در شب بنویسد ودر خرقه حریر سبز کذارد وبر خود اویزد شراب نخورد ومحبت شراب از دل او بیرون رود النور کسیکه این سوره را در فراشی که در او میخوابد بکذارد محتلم نمیشود وکسی که این سوره را در طشتی نویسد وبشوید واب انرا بچهار پای بیمار دهد واز ان اب بر رو بپاشد شفا یابد الفرقان کسیکه این سوره را بنویسد وباخود دارد وداخل شود بر قومی که در میان ایشان بیع باشد یا شری باشد از هم متفرق شوند وحشرات الارض نزدیک موضع ان نیایند الشعرا کسیکه این سوره را بنویسد وبر خروس سفیدی باویزد واو را رها کند هر جا که ان خروس بایستد چون می کنند انجا کنج یا سحری یافت می شود النمل کسیکه خواهد که زر بد معشوق در کار او نکند اخر ایه نمل را بخواند القصص کسیکه این سوره را بنویسد وبر غلامی یاویزد ایمن می شود بر او غلام از زنا وگریختن وخیانت وهم اکر بر کسی اویزد که او را درد جگر ودرد شکم وطحال باشد ایمن میشود از این اوجاع واکر این سوره را بشوید باب باران وبیاشامد از جمیع امراض ایمن شود الروم کسیکه این سوره را بشوید وبخورد از تب ربع وجمیع امراض خلاص شود لقمان کسیکه این سوره را در ظرف ابکینه سر تنک کذارد ودر منزل قومی کذارد هر که در ان خانه باشد بیمار شود واکر غریبی نیز داخل ان خانه شود بیمار شود السجده کسی را که اوجاع باشد یا خون از دماغ او اید وبند نیاید این سوره را بنویسد وبر ان ببندد ان مرض زایل شود الاحزاب کسیکه این سوره را بنویسد ودر منزل والی بکذارد در همان سال معزول شود واکر این سوره را بر کسی اویزد ایمن میشود از تب ودرد شقیقه سبا کسیکه این سوره را بر ورق اهو نویسد ودر خرقه سفیدی کذارد وباخود نکاه دارد ایمن میشود از حشرات الارض وعقوبت وتیر وسنان وامن بود ... بنویسد از او ان الذی ...

کتاب الله دو الرایم آخر آن بنویسد در چهارشنبه آخر ماه و در صاع تجارت گذارد مال آن نمو کند
و سود نماید یس هر کسیکه این سوره را بشوید و آب آن را بزنی دهد که شیرش باشد شیر او
فراوان شود و کسیکه این سوره را بشوید و با آن غسل کند او جاع او زایل شود ص کسیکه از
این سوره آیه ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب را در حال کندن چاه آب
بسیار بخواند آب چاه خوب شود و کسیکه این سوره را بر بازوی خود ببندد محبوب خلایق
گردد و همه مردم او را بخیر یاد کنند و کسی که این سوره را در شب بنویسد و در دکان خود
بگذارد مشتری او بسیار شود و اگر در باغ خود گذارد میوه او بسیار شود و اگر صاحب
دق یا صاحب قروح با خود دارد شفا یابد باذن الله تعالی الزمر اگر کسی این سوره را بنویسد
و باب باران بشوید و سرمه را با آب او بسایند و بچشم کشد از رمد و بیاض و اوجاع عین شفا یابد
فصلت کسی که این سوره را بنویسد و بشوید و آب آن را در سفر بیاشامد کم تشنه شود و اگر
از آن آب بر مصروعی پاشد شیطان او بسوزد و دیگر بسوی او عود نکند الشوری اگر آب آن را
بزنی دهند که با شوهر خود مخالفت ورزد اطاعت شوهر کند و اگر کسی قبض باشد از این آب
بخورد گشوده شود و کسیکه این سوره را با خود دارد از هر شری ایمن شود و اگر در زیر سر گذارد
و بخوابد خوابهای خوب بیند الزخرف کسیکه این سوره را با خود دارد از جمیع شرور ایمن باشد و
در نظرها بهیبت باشد و مردم او را دوست دارند و اگر کسی این سوره را بشوید و آب آن را بیاشامد
ایمن شود از هر سختی جنی و اگر بر طفلی ببندد آن طفل ایمن شود از جن و حشرات الارض الدخان
کسیکه این سوره را با خود دارد ایمن میشود از هر مجذوری و اگر در زیر سر نهد از شر جن ایمن
می شود محمد کسیکه این سوره را در جنگ بر خود آویزد منصور شود و کسیکه آب آن را بشوید و
بخورد ترس از او زایل شود و کسیکه در دریا بخواند از غرق ایمن شود الفتح کسیکه این سوره را
بر خود آویزد از سلطان ایمن شود و اگر بر دیوار یا خانه آویزد شیطان بر دیوار نزدیک نرود و اگر

زن پاکیزه کند نماز میت نماز مشهور و سنت است که شرط است و اگر مرده در پا داشته شدند در کار نیست کردن و اگر پابرهنه باشد بهتر است و واجبست که نیت کند و بهتر است که چنین نیت کند که نماز بر این میت حاضر میگذارم قربة الی الله و بعد تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را بر دارد تا محاذی گوشها و بعضی دیگر تکبیر اول را سنت میدانند و دست بر داشتن و اول اقوی است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف است و احوط وجوبست و ظاهر هر دعائی مجزی باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله و بعد از تکبیر دوم بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از تکبیر سیم بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و بعد از تکبیر

زن این سوره را بشوید و آب آن را بیاشامد شیر او بسیار شود الحجرات هر گاه این سوره را در مکانی
بیاویزند شیطان بآن مکان نزدیکی نکند و اگر بر مصروع ببندند شیطان بآن مکان عود
نکند ق کسیکه این سوره را در صحیفه بنویسد و باب باران بشوید و خایف یا کسی را که
شکم او درد کند از او بخورد الم او زایل شود و اگر بآن آب دهن طفلی را بشویند دندان
او بی مشقت بیرون آید الذاریات هر گاه او را بر زنی که درد زائیدن دارد ببندند وضع حمل او آسان
شود والطور اگر کسی در بند باشد و این سوره را بسیار بخواند زود بیرون آید و اگر مسافر بخواند
از آفات سفر ایمن شود النجم از این سوره هر گاه آیه افمن هذا الحدیث تعجبون و تضحکون
و لا تبکون و انتم سامدون بنویسد و بر اطفال ببندند گریه نکنند القمر کسیکه در روز
جمعه در وقت نماز ظهر این سوره را بنویسد و در زیر عمامه گذارد نزد محبوب و مقبول
القول گردد الرحمن کسیکه این سوره را بنویسد و بشوید و آب آن را بخورد از برای درد دل و طحال
نفع دهد و اگر بر مصروع یا صاحب رمد ببندند شفا یابد و اگر بر دیوار خانه بنویسند هوام
و حشرات الارض از آن خانه بروند الواقعه اگر این سوره را بر زنی ببندند یا سانی حمل بر زمین
نهد الحدید کسیکه این سوره را بر خود ببندد ایمن شود در جنگ از حدید و اگر بر پیکان تیر و مثل
آن خوانند بی الم از بدن مجروح بیرون آید و اگر او دایم بر قروح و جروح و باد سرخ را با آب آن
بشویند شفا یابد باذن خدای تعالی و اگر در برابر خصم او را بر دارد خصم او نه بیند المجادله
نزد مریض کسیکه این سوره را بخواند مرض او ساکن شود و اگر در میان حبوب مثل جو و گندم گذارند
فاسد نشود و کسیکه از آن بخواند از هر بدی محفوظ شود الحشر کسی که این سوره را بر جای الکینه
نویسد و باب باران بشوید و بخورد حفظ و بزرگی روزی او شود الممتحنه اگر سه روز این
سوره را متوالی بنویسد و بمطحول دهند الم او زایل شود الصف کسیکه در سفر بر قرائت
این سوره مداومت کند محفوظ ماند تا برگشتن از آن سفر الجمعه کسی که مداومت کند بر قرائت

چهار مکبر بگوید اللهم اغفر لهذا المیت و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود و تکبیر پنجم مشهور و بهتر آنست که مجزیست و کمترین بگوید بعد از نیت الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین پس بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت

این سوره در شب و روز در وقت صبح و شام از وسوسه شیطان ایمن شود المنافقون کسی که این سوره را
بر دماميل بخواند شفا یابد باذن الله تعالی التغابن کسیکه این سوره را بخواند و بر حاکمی داخل
شود شر او کفایت شود الطلاق اگر این سوره را بنویسند و بشویند و آب از آن در موضعی
بپاشند جدال و قتال در آن موضع بهم رسد و فراق در میان اهل آن منزل بهم رسد
التحریم هرگاه این سوره را بر مریض یا مار گزیده یا مصروع یا گیرا اگر شب خواب نمی‌برد بخوانند
آن الم از او زایل گردد و کسیکه مداومت کند بر قرائت این سوره دینی بر او نماند الملك
اگر بر میتی بخوانند تخفیف می‌شود از میت و نجات می‌یابد از عذاب قبر القلم هرگاه از آن
ببازو بندد بر کسی که درد دندان داشته باشد یا درد سر داشته باشد آن درد ساکن
شود الحاقه بر زن حامله هرگاه این سوره را ببازو بندد چنین که در شکم او باشد از هر آفتی
محفوظ ماند و در حال وضع حمل اگر آب از آن بطفل دهند صاحب فطانت می‌شود
و از حشرات الارض و شیطان محفوظ می‌ماند المعارج کسیکه این سوره را بخواند خدا از احتلام
و خوابهای ترسناک ایمن شود تا صبح نوح کسیکه در شب و روز مداومت بر قرائت این
سوره کند بهر حاجتی که توجه کند روا شود الجن کسیکه این سوره را بشوید و آب از آن بیاشامد
هر چیز که بشنود فرا گیرد و غالب شود بر کسیکه با او مناظره کند و در موضعیکه این سوره
خوانده می‌شود جن از آنجا منهزم می‌شود و کسیکه این سوره را بخواند و بر حاکمی داخل شود
از شر او ایمن شود و اگر بر محبوسی بخواند از آفات محفوظ ماند و اگر اسیری بخواند از قید آزاد
شود و اگر قرض داری بخواند قرض وا ادا شود المزمل کسیکه مداومت کند بر قرائت این
سوره پیغمبر را در خواب ببیند المدثر کسیکه بر قرائت این سوره مداومت کند و در آخر آن
حاجت خود را از خدای تعالی بخواهد حاجت او روا شود و اگر حفظ قرآن خواهد حفظ
کند القیمه قرائت این سوره تقویت قلب می‌کند و اگر کسی این سوره را بشوید و آب او را بخورد

اعلم رحمنا اللهم ان کان محسنا
فزد فی احسانه و ان کان مسیئا
فتجاوز عنه اللهم اجعله عندک
فی اعلی علیین واخلف علی اهله
فی الغابرین وارحمه برحمتک یا
ارحم الراحمین پس بگوید الله اکبر و
فارغ میشود و اگر زن باشد میگوید
اللهم ان هذه امتک وابنة عبدک
وابنة امتک نزلت بک وانت خیر
منزول به اللهم انا لا نعلم منها
الا خیرا وانت اعلم بها منا اللهم
ان کانت محسنة فزد فی احسانها
وان کانت مسیئة فتجاوز عنها
واغفر لها اللهم اجعلها عندک
فی اعلی علیین واخلف علی اهلها
فی الغابرین وارحمها برحمتک یا
ارحم الراحمین و اگر بعد از هر چهار
تکبیر این دعا بخواند خوبست
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له واشهد ان محمدا عبده
و رسوله اللهم صل علی محمد و
آل محمد واغفر

ضعف او مبدل بقوت شود المرسلات کسیکه این سوره را در خصومتی بخواند بر خصم خود غالب
شود و اگر از خود بیاویزد دمل از او زایل شود النبا کسیکه این سوره را بر روی آهو
نویسد بزعفران و گلاب و با خود دارد در خواب شپش او کم شود و حفظ او زیاد شود و اگر بر
بازوی خود بندد او را قوت عظیمی بهم رسد و کسی را که مرض بطن باشد و آب از آن بخورد زایل
شود النازعات کسیکه این سوره را در برابر دشمن یا سلطان بخواند از شر او ایمن شود عبس هر که
این سوره را با خود دارد و بسفر رود در راه خیر بیابد و برسد و بهم او کفایت شود و
اگر این سوره را سر روز هر روز هفت نوبت بر چشمه بخوانند که آب آن فرو رفته باشد آب
آن چشمه فراوان شود و اگر چیزی در جائی دفن کرده باشد که نداند مکان آن را چون این سوره را
بخواند خدای تعالی او را بآن مکان راه نماید کورت اگر کسی این سوره را بر چشمهای خود بخواند
چشمهای او قوت بهم رساند و رمد و شب کوری از او زایل شود الانفطار اگر کسی در زندان باشد
یا اسیر شده باشد یا از کسی بترسد چون این سوره بخواند خلاص شود التطفیف که بر مخزونی بخوانند
از آفات محفوظ شود الانشقاق اگر بر زنی بیاویزند ولادت او آسان شود و چون وضع حمل
او شود فی الفور از او جدا کنند و اگر این سوره را بر چهارپای بخوانند از آفات محفوظ ماند و اگر
بر گزیده بخوانند ساکن شود و هرگاه بر دیوار خانه بخوانند حشرات الارض از آن خانه دور
شوند و هم چنین هرگاه سوره القارعه را بر طشتی بنویسند و بگلاب بشویند و در خانه که
حشرات الارض باشد بپاشند حشرات از آنجا بروند الطارق کسیکه این سوره را بر فراش خود
بخواند محفوظ ماند و اگر در وقت بیرون رفتن از منزل بخواند و بر منزل خود دم داد و خانه
او و اهل و مال او محفوظ ماند و اگر کسی از اول این سوره تا قتل اصحاب الاخدود بخواند از
شر زنابیر محفوظ ماند الاعلی اگر کسی آب از جراحت را بشوید درد آن ساکن شود و بگوش
او کشوند بشنود و این سوره را بر هر مشروبی که بخوانند و بیاشامند از آن قی نکند الغاشیه اگر این سوره را

للمؤمنین والمؤمنات اللهم
ان هذا المسجی قدامنا عبدک
و ابن عبدک و قد قبضت روحه
الیک و قد احتاج الی رحمتک
و انت غنی عن عذابه اللهم انا لا نعلم
من ظاهره الا خیرا و انت اعلم بسریرته
اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه
وان کان مسیئا فتجاوز عنه اللهم ان هذه
و اگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه
المسجاة قدامنا امتک وابنة عبدک
و قد قبضت روحها الیک و قد
احتاجت الی رحمتک وانت غنی
عن عذابها اللهم انا لا نعلم منها
من ظاهرها الا خیرا وانت اعلم بسریرتها
اللهم ان کانت محسنة فزد فی
احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز
عن سیئاتها بلکه موافق جمعی
احادیث بشارات و اگر بعد از تکبیر
این دعا بخواند خوبست اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له و
اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم
صل علی محمد و آل محمد

برد واسیر یا بر موضع مسخ بخواند یا بر گوشی که درد می کند از مرض زایل می شود الفجر
هرگاه این سوره را بر جوز ذنی بخواند ضرر نکند و اگر بر مولود خوانند خدا تعالی از آسام
گرداند البلد اگر این سوره را یازده نوبت بر خود خواند و با زن خود مجامعت کند خدای تعالی
باو ولدی روزی کند که باعث روشنی چشم او باشد الشمس کسی را اگر در خشوم المی باشد
آب از او هرگاه سعوط کند الم او زایل شود و اگر در وقتی که ولد متولد شود این سوره را بر
آب خوانند بدان طفل ایمن شود از نقص و هر کاه آب این سوره را اگر کسی بخورد درد دل او ساکن
می شود اللیل اگر این سوره را بر گوش مصروع خواند صرع از او زایل شود الضحی اگر کسی
چیزی را فراموش کرده باشد چون این سوره را بخواند او را متذکر شود الم نشرح اگر کسی را سنگ
مثانه باشد و این سوره را بخواند سنگ مثانه او زایل شود و مثانه او مفتوح شود و از برد دست
نفع دهد و اگر کسی را درد سینه یا درد دل باشد این سوره را بخواند درد او ساکن شود
التین کسی که این سوره را بر طعامی بخواند خدای تعالی در آن طعام شفا خلق کند العلق کسی که
این سوره را در دریا بخواند سالم ماند القدر اگر کسی این سوره را بر چیزی بخواند که ذخیره
کرده است آنچیز محفوظ ماند و کسیکه این سوره را بشوید و آب از آن بخورد خدای تعالی
باو نور چشم و یقین قلب و حکمت روزی کند و اگر این سوره را بر روغن گل بخوانند
و بشیر زن مخلوط سازند و سعوط کند بلغم را نفع دهد و هرگاه آینه آهن را خوب جلا
دهند و سوره قدر را بزعفران بر او نویسند و کسی که لقوه دارد بخانه تاریک داخل
شود و مکرر بآن آینه نگاه کند شفا یابد باذن الله تعالی و اگر این سوره را در کوزه نوی
نویسند و بآب باران بشویند و اندکی از شکر داخل او کنند و بخورد کسی دهند که درد
جگر دارد شفا یابد باذن الله تعالی و کسیکه نزد زوال شمس صد نوبت این سوره را بخواند
حضرت پیغمبر را در خواب ببیند و کسیکه در هر شب جمعه صد بار بخواند هرگز فقیر نشود و کسی که

ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک غفور رحیم اللهم اغفر لاحیائنا و امواتنا من المؤمنین والمؤمنات والف بین قلوبنا علی قلوب اخیارنا واهدنا لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم اللهم عبدک وابن عبدک وابن امتک انت اعلم به افتقر الی رحمتک واستغنیت عنه فتجاوز عن سیئاته وزد فی حسناته واغفر له وارحمه بقدرتک ونور له فی قبره ولقنه حجته والحقه بنبیه صلی الله علیه وآله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده و اگر زن باشد از اول دعا میخواند تا انجا که الی صراط مستقیم است پس میگوید اللهم امتک وابنة عبدک وابنة امتک انت اعلم بها افتقرت الی رحمتک واستغنیت

اراده حج کند جامه نوی پوشد و قدحی از آب فرا گیرد و سی و پنج بار این سوره را بر آن آب بخواند
و از آن آب بر آن جامه بپاشد و بعد از آن چهار رکعت نماز کند بتد و سلام و در هر نماز
الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و بعد از آن از خدا تعالی موفق حج را طلب کند خدای تعالی
حج را روزی کند باو التکاثر هرگاه این سوره را بشویند و آب از آن بزن حامله بدهند بسلامت
بزاید و اگر این سوره را بر صاحب رقان یا بر صاحب نیابز یا بر صاحب باضرعین بعد از آنکه از لب
آن آشامیده باشند شفا یابند و قرائت این سوره هر طعام سموم را دفع میکند و اگر از سر
چهار راه یک کف خاک بردارند و این سوره را بر آن بخوانند و آن خاک را بر جماعتی پاشند
که بر ضلالت جمع شده باشند از هم متفرق شوند و هرگاه این سوره را بر جمع اورام نویسند
آن اورام زایل شود الزلزال قرائت این سوره از شر سلطان ایمن شود العادیات قرائت این سوره
خائف و گرسنه و تشنه را پوشیده از این الام خلاص کند التکاثر این سوره را هرگاه بر کسی بندد
که در قبر اذیت شده باشد توسعه در رزق او بهم رسد القارعه هرگاه این سوره را بر صداع
بخواند ساکن شود العصر این سوره را بر مخزون خوانند محفوظ ماند و اگر بر مجموع خوانند
شفا یابد و کسیکه در شب جمعه بعد از نماز خفتن بنویسد این سوره را و با خود دارد و هر جا که
داخل شود از شر او ایمن شود الهمزه بر چشمی که درد میکند چون این سوره را بخوانند شفا
یابد الفیل کسیکه این سوره را در حرب بخواند قوی شود بر قتال و هرگاه این سوره را بیان
دو لشکر بخوانند آن لشکر یکه بر حق نیست و طاغی است فرار نماید و اگر این سوره را بر نیزه
خوانند آن نیزه هر چیزی را که مصادف شد بشکند القریش کسیکه این سوره را بر طعامی بخواند
از ضرر او ایمن شود و اگر گرسنه قبل از طلوع شمس این سوره را بخواند طعام را با بسانی بر سانند
کسیکه بعد از نماز صبح صد بار این سوره را بخواند در حفظ خدا باشد الدین اگر دابه قولنج
کرده باشد این سوره را سه بار در گوش راست او بخواند و سه بار در گوش چپ او و بعد از

الدعا بنماز میت
عنها اللهم تجاوز عن سیئاتها وزد فی حسناتها واغفر لها وارحمها ونور لها فی قبرها ولقنها حجتها والحقها بنبیها صلی الله علیه وآله ولا تحرمنا اجرها ولا تفتنا بعدها و در روز آخر هر نماز که بعد از واجب شده است که بعد از نماز بگوید ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار و اگر میت مستضعف باشد یعنی ضعیف العقل باشد و تمیز میان مذاهب نکند و با این سبب یا مخالف بود باشد و عناد با شیعیان نداشته باشد یا اعتقاد مذهب نماز کند بعد از تکبیر چهارم بگوید اللهم عبدک وابن عبدک ... اللهم ان کان یوالی اعدائک ویعادی اولیائک ویبغض اهل بیت نبیک صلی الله علیه وآله ...

باهدایت داشته باشد و یا دشمن اهل بیت
میت باشد در نماز بر او بگوید اللّهمّ
اغفر للّذین تابوا واتّبعوا سبیلک وقهم
عذاب الجحیم و اگر مذهب معلوم نباشد
بگوید اللّهمّ انّ هذه النفس انت
احییتها وانت امتّها اللّهمّ ولّها
ما تولّت واحشرها مع من احبّت و
اگر میت طفل نابالغ باشد بگوید
اللّهمّ اجعله لابویه ولنا سلفا
وفرطا واجرا و مشهور در همه
آنستکه دعاهای سه تکبیر اول را
میخواند و بر سنّی اگر نماز کند تکبیر
پنجم را نمیگوید و سنّت استکه بر جای
خود بایستد تا جنازه را بر دارند
خصوصا پیشنماز و نماز جنازه را
در مسجد میتوان کرد و مشهور آنستکه
اگر در مسجد نکند بهتر است و بر یک
جنازه دو مرتبه نماز کردن خلافست
در جواز و دور نیست که کسیکه نماز
نکرده باشد تواند کرد و کسیکه در
اثنای نماز برسد با قصد وجوب ملحق
میشود و دعاها

باب ۴۱ در وجه تسمیهٔ ماههای عربی

ان پای خود را بر پهلوی او رسند بر خیزد انشاء الله تعالی الجحد کسیکه در وقت طلوع آفتاب به بار این
سوره را بخواند و بعد از ان هر دعا که کند مستجاب شود النصر کسی که در نمازی هفت بار
این سوره را بخواند آن نماز او مقبول شود و خدای تعالی نماز را محبوب او کرداند که همیشه در وقت
خود نماز را بجای آورد تبّت کسی که این سوره را بر اوجاع و امراض بخواند شفا یابد انشاء الله تعالی الاخلاص
کسیکه این سوره را بر جسد دردار بخواند شفا یابد انشاء الله تعالی المعوذتین کسیکه هر شب این دو
سوره را بخواند از شر جن و وسوسهٔ شیطان ایمن شود و کسیکه این دو سوره را بر طفل
بندد ان طفل ایمن شود از جن و حشرات الارض و امّا خواص غالب آیات در باب خود ذکر
شد دعا که در اتمام کلام مجید باید خواند از جمله دعائیست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
ختم قرآن میخواندند و از ادعیهٔ صحیفه است و آن اینست که اللّهمّ انّک اعنتنی
علی ختم کتابک الّذی تا آخر دعا **باب چهل و چهارم** در ذکر ماههای دوازده گانه و پیغمبر و ائمه
اثنی عشر علیهم الصّلوة والسّلام امّا ماههای دوازده گانه پس میگوئیم که شیخ طوسی ره در متهجد
خود ذکر کرده است که اول انها ماه رمضانست و اول تاریخ را محرم الحرام گرفته اند اهل
تاریخ و ما در این جا متابعت اهل تاریخ را می کنیم زیرا که مراد ما معرفت انچیز یست که بعد
از هجرت پیغمبر و قبل از ان حادث شده از حوادث شهور و اعوام و لیالی و ایام
و از خدای سبحانه و تعالی توفیق و هدایت براه راست مسئلت مینمائیم محرم الحرام این
ماه را محرم نام کرده اند بواسطه انکه حرامست قتال و حرب و غارات در این ماه نزد
عرب روز اول اینماه کشتی نوح بزمین رسید و در این روز خدا ندا اجابت
کرد دعای زکریا را و در این روز ادریس را داخل بهشت کردانیدند و سیم اینماه یوسف
از زندان خلاص شد و پنجم اینماه موسی از دریای نیل عبور کرد و هفتم اینماه موسی در
طور بتشریف کلام الهی مشرف شد و نهم این ماه یونس از شکم ماهی خلاص شد و در این روز

موسی و یحیی و مریم متولد شدند و دهم اینماه قتل امام حسین علیه السلام واقع شد و شانزدهم اینماه بیت
المقدس قبله شد و در هفدهم اینماه عذاب نازل شد بر اصحاب فیل و بیست و پنجم اینماه وفات
حضرت امام زین العابدین علیه السلام واقع شد صفر اینماه را صفر نام کردند زیرا که در انوقت
درختها خزان و زرد شده بود و بعضی گفته اند که چون محرم تمام می شد در اینماه عرب
بغارات و نهب بیرون می رفتند و خانها را خالی میگذاشتند لهذا این ماه را صفر نام
کردند و بنا بر این صفر از صفر ماخوذ است و صفر بمعنی خلوات در روز اول اینماه سر مبارک
حضرت امام حسین علیه السلام را وارد دمشق کردند و این روز را بنی امیه عید کردند و در این روز
زید بن علی را بقتل آوردند و در سیم اینماه مسلم بن عقبه در خانه کعبه را سوخت و بدیوار
ان آتش زد و دیوار کعبه شکاف خورد و از جانب یزید پلید با عبد الله بن زبیر مقاتله
کرد و در این روز امام محمّد باقر متولد شد و در هفتم اینماه حسن بن علی علیه السلام فوت شد
و حضرت کاظم علیه السلام در این روز متولد شد و در هفدهم اینماه حضرت امام رضا فوت شد
و در بیستم اینماه حرم امام حسین علیه السلام بمدینه رجوع کردند و در بیست و سیم اینماه خلافت عود
کرد ببنی عباس و سفاح خلیفه شد و در شب آخر اینماه پیغمبر صلعم مقبوض شد
ربیع الاوّل اینماه را بو اسطه ان ربیع الاوّل نام کردند که مردم از غارات و اسفار برگشته
در اینماه ارتباع نمودند و همچنین ربیع الثّانی را بو اسطه ان ربیع گویند که صلاح احوال
قوم در این دو ماه در فصل ربیع بود و در این دو ماه ارتباع می نمودند یعنی اقامت کردند در
شب اوّل اینماه در سال سیزدهم از بعثت پیغمبر صلعم انحضرت از مکه بمدینه مهاجرت کرد و این
مهاجرت در شب پنجشنبه بود و در این شب علی بن ابی طالب علیه السلام بر فراش پیغمبر صلعم خوابید و در
صبح این روز بود که مشرکان بدر غار آمدند و انحضرت در سه روز و سه شب در غار
بود و روز چهارم متوجه مدینه شد و روز دوازدهم اینماه بمدینه رسید و در هشتم اینماه

...پیش نماز باید بخوانند که اگر
صبا بد بخوانند و اگر دیر شود
جنازه را بر دارند باید عاپایی گوید
یا یک یا دو تکبیر ها باشند
و اگر میتی را پیش از دفن کرده باشند
و آن میت که بر قبر او نماز کنند هر
احوط آنستکه کذشته باشد و هر وقت
چند مدتی گذشته باشد مکر آنکه
نماز جنازه را میتوان کرد و حاضره را معتقد
حاضره تنک باشد و حاضره را وسعت وقت
بدارند و بعضی آنستکه با وسعت وقت دارد مکر
نیز اوّل حاضره را مقدّم دارد باشد
باب نیز اوّل حاضره را جنازه بوده باشد
انکه فوت نماز جنازه یا قتل میت
یا خوف ضایع شدن میت است و
ذیل هفتم در آداب دفن میت آنستکه تا میت را
آداب بعد از ان سنّتست و واجب اینست
در قبر بگذارند ننشینند و قدر واجب
کفایت کردن دفن میت و قدر واجب
آنستکه میت را در گودی پنهان کنند
بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور
گردد و بدن او از درندگان ایمن
باشد و خوابیدن او بر جانب راست
رو بقبله واجبست بقول مشهور
و بعضی مستحب

حضرت امام حسن عسکری ع فوت شد و تمام اینماه صاحب کتاب مسار الشیعه نقل کرده که هر که در این
روز چیزی نفقه کند گناهان او آمرزیده می شود و در این روز سنت است اطعام اخوان
و استعمال طیب و توسعه در نفقه عیال و پوشیدن جامه نو و شکر و عبادت
و این روز نفی هموم است و در روایتی وارد شده است که در این روز روزه داشتن
سنت نیست و جمهور شیعه گمان نموده اند که در این روز عمر بن خطاب بقتل آمد
و این صحیح نیست چنانچه محمد بن ادریس در سرائر خود گفته است کسیکه گمان می برد که عمر در
این روز مقتول شده باجماع اهل تاریخ و سیر خطا کرده است و شیخ مفید در کتاب تواریخ
گفته است که این گمان خطاست بلکه عمر در روز دوشنبه که چهار شب از ماه ذی الحجه
باقی مانده بود در سال بیست و سیم از هجرت چنانچه صاحب غره و صاحب معجم و صاحب
طبقات و صاحب مسار الشیعه و ابن طاوس گفته بلکه اجماع سنی و شیعه بر این
منعقد شده است و در دهم این ماه پیغمبر خدیجه را تزویج کرد و در آنوقت آنحضرت بیست و
پنج ساله بود و حضرت خدیجه چهل و پنج ساله بود و در مثل این روز در سال هشتم
از مولد آنحضرت ص وفات یافت عبد المطلب که سال هشتم عام الفیل بود و در دوازدهم
اینماه در سال صد و سی و دویم از هجرت دولت بنی امیه منقضی شد و در چهاردهم اینماه
یزید بن معویه ملعون بجهنم واصل شد و آن ملعون سی و هشت سال بود و در هفدهم
این ماه مولد حضرت پیغمبر ص و مولد حضرت صادق ع بود ربیع الثانی در چهارم این ماه حضرت
عسکری متولد شد و بعضی گفته اند در دهم اینماه آنحضرت متولد شد و در دهم اینماه در سال
اول از هجرت نماز حضر و سفر قرار گرفت جمادی الاول و الثانی این دو ماه را جمادی نام کردند
زیرا که تسمیه این دو ماه در زمستان واقع شد در وقتی که آب یخ می بست و جمادی اولی را جمادی
خمسه و جمادی الثانی را جمادی ستة نیز گویند زیرا که جمادی الاول ماه پنجم است از محرم و جمادی

الثانی ماه ششم از محرم و در نصف اینماه مولد حضرت سجاد ع بود و در آخر آن جنگ جمل واقع شد
و نصرت بر علی ع نازل شد جمادی الثانی ذکر کرده اند که در اینماه حوادث عجیبه بسیار واقع
شد و لهذا عرب گفته است العجب کل العجب بین الجمادی و الرجب و در اول اینماه ملک
بر پیغمبر ع نازل شد در سیم اینماه وفات حضرت فاطمه ع واقع شد و در نصف ماه چون ابن زبیر
متولی امر خلافت شد خانه کعبه را بدست خراب کرد و در از برای آن قرار داد که از یکی
داخل شوند و از دیگری خارج شوند و بعد از آن عبد الملک بن مروان بحالت اول رد
کرد خانه کعبه را و در مثل این روز در سال هفتاد و سه عبد الله بن زبیر را کشتند و او
هفتاد و سه سال بود و در بیستم اینماه در سال دویم از مبعث حضرت فاطمه ع متولد شد
و بعضی گفته اند در پنجم هجرت آنحضرت متولد شد و در بیست و هفتم این ماه ابی بکر ملعون
وفات یافت و امر خلافت بعمر لعین غصب کرد رجب اینماه را بجهت آن رجب گویند زیرا که
ترجیب کرده شده است زیرا که در زمان جاهلیت نیز عرب تعظیم این ماه میکردند و این
ماه را اصب نیز گویند زیرا که در اینماه از جانب الله رحمت و مغفرت میریزد بر بندگان او و اصم
نیز گویند از آن زیرا که در اینماه صدای فریاد خواه و مظلوم را کسی نشنید و بعضی گویند بواسطه
آن اصم گویند که در اینماه صدای اسلحه را کسی نمی شنید و این ماه را متصل الاسنه نیز گویند
زیرا که عرب در اینماه سنان نیزه ها را می کندند از نیزه ها زیرا که در اینماه قتال نزد ایشان حرام است
در اول اینماه نوح بکشتی سوار شد و در اول جمعه اینماه امام محمد باقر ع متولد شد و در سیم
این ماه حضرت هادی ع وفات یافت و ابن عیاش ذکر کرده است که مولد هادی در دویم
رجب بود یا در پنجم رجب بنا بر اختلاف روایت و نیز ابن عیاش ذکر کرده است که در دهم اینماه
مولد جواد ع بود و در سیزدهم اینماه در روز جمعه مولد علی بن ابی طالب در اندرون خانه
کعبه دوازده سال قبل از نبوت و حضرت پیغمبر ص در آنوقت بیست و دو ساله بود و در نصف اینماه

باب ۴۴ در احکام شهور عربی و وجه تسمیه آنها

پیغمبر از شعب بیرون آمد و در این روز بعد از پنج ماه از هجرت فاطمه را بعلی عقد کرد و در
این روز اشهاد و املاک واقع شد و در این روز فاطمه سیزده ساله بود و بعضی گفته‌اند آن
حضرت یازده ساله بود و در این روز زام داود دعا کرد و در این روز قبله از بیت المقدس
بکعبه متحول شد و مردم در نماز عصر بودند چنانکه بعضی از نماز ایشان روی به بیت المقدس
واقع شد و بعضی روی بکعبه و بیست و دوم این ماه معویه پادشاه شد و در بیست و پنجم این
ماه حضرت کاظم وفات یافت و در بیست و هفتم اینماه مبعث پیغمبر بود شعبان این ماه را شعبان
نام کردند بواسطه تشعب و تفرق عرب در اینماه بسوی غارات و مساعی خود و در دوم اینماه
در سال دوم از هجرت روزه رمضان واجب شد و سیم اینماه امام حسین متولد شد و در نصف این
ماه مولد حضرت قائم بود و در بیستم ثانی روز معتضدی بود زیرا که نیروز الفرس در
دهم ابان ماه بود معتضد ازاد در دهم حزیران قرار داد زیرا که اهل سواد و مزارعان بار شکایت
کردند که دیوانیان خراج را قبل از رسیدن غله و حصاد ان حواله می کنند و ما بنفع قرض
کرده می دهیم و ضرر بسیار بما میرسد معتضد قرار داد که طلب خراج نکنند در این نیروز
الفرس و از ان تاخیر کنند تا بیازدهم حزیران رمضان چون اینماه را در شدت گرما تسمیه
کردند از ان رمضان نام کردند زیرا که رمضاء در لغت حجاز حاره را گویند که از شدت گرمی
افتاب گرم شده باشد و بمعنی شدت گرما نیز امده است بعضی گفته‌اند که این ماه را رمضان
گویند که مردم از گرمای جوع و عطش محترق میشدند زیرا که رمض بمعنی احتراقست و اینماه را
مضمار نیز میگویند زیرا که میدان سبق عبادت و زهاد است بسبب عبادت و تقربات
و اول اینماه در سال صد و یکم از هجرت مردم با امام رضا بیعت کردند و در دهم اینماه در سال
دهم از مبعث پیغمبر سه سال قبل از هجرت خدیجه وفات کرد و در همین سال سه روز
قبل از وفات خدیجه ابوطالب عم پیغمبر وفات یافت لهذا این سال را پیغمبر عام الحزن نام نهاد

و نصف این ماه تولد حضرت امام حسن واقع شد و در شب هفدهم اینماه لیلة البدر بود که آنرا
لیلة الفرقان نیز گویند و هفدهم اینماه جنگ بدر واقع شد و شب نوزدهم اینماه وفد حاج
نوشته می شود و در این شب امیر المومنین ضربت خورد و بیستم اینماه در سال هشتم
از هجرت مکه معظمه فتح شد و در این روز علی پای خود را بر دوش مبارک پیغمبر نهاد و
بتها را شکست و بیست و یکم اینماه پیغمبر باسمان رفت و در این روز حضرت عیسی را باسمان بردند
و در این روز حضرت علی و حضرت موسی و یوشع مقبوض شدند و در مجمع البیان طبرسی مذکور است
که سه روز از این ماه گذشته بود که صحف ابرهیم نازل شد و تورات شش روز از این
ماه گذشته بود که نازل شد و سیزده روز از اینماه گذشته بود که انجیل نازل شد و هجده
روز گذشته بود که زبور نازل شد و بیست و چهار روز گذشته بود که قران نازل شد و
شب بیست و سیم اینماه از لیالی احیاست و این شب را لیلة الجهنی گویند و حدیث از پیغمبر
که گفت یا رسول الله خانه من دور است مرا امر کن بیکشبی از اینماه داخل مدینه شوم آنحضرت
فرمود شب بیست و سیم اینماه داخل شو و این شب شب قدر است بنا بر خلاف معروف و
شبهای احیا بنا بر مشهور هفت است شب عید فطر و شب عید قربان و شب نصف شعبان
و شب اول رجب و شب اول محرم و شب عاشورا و شب قدر یعنی شب بیست و سیم
و ذکر اقوال علماء در اختلاف در شب قدر لایق این مقام نیست و مطول ایشانست از برای غیر
که سبب پنهانست گفته اند که اخفی من لیلة القدر شوال این ماه را شوال نام کردند
زیرا که شتر از شدت شهوت شول ضراب ذنب خود را می کند یعنی دم خود را بلند می کند
و از این جهت که عرب مکروه می دانند که در اینماه تزویج کنند و دیگر انکه قبایل عرب در این
ماه از اماکن خود کوچ می کنند و از ان اماکن مرتفع می شوند و حدیثی از پیغمبر مرویست که این
ماه را بواسطه ان شوال گویند که گناهان مؤمنین در این ماه مرتفع شده است یعنی در ماه

باب ۴۴ در احکام شهور سنّت عرب و ساعات منحوسه

رمضان از گناه پاک شده اند و در این ماه برایشان گناهی نیست ولیکن ماه اوّل اشهر حج است و روز اوّل
آن عید فطر است و این روز را یوم الرحمة گویند زیرا که خدای تعالی در این روز بر بندگان خود
رحم میکند و در این روز خدای تعالی وحی کرد به زنبور عسل که عسل را بسازد و در نصف ماه
و بعضی گفته اند در هفدهم این ماه جنگ احد واقع شد و در این روز مقتل حمزه بود و در
این روز آفتاب بر امیر المؤمنین رد شد و در آخر این ماه ایام نحسات است که خداوند عالم
در آن قوم عاد را هلاک نمود و بعضی گفته اند ایام نحسات ایام برد العجوز است ذو القعده
و این ماه را ذو القعده گویند بواسطه آنکه در این ماه عرب از حرب و غارات احتیاط میکردند
و قعود میکردند بجهة آنکه از اشهر حرم است و در اوّل این ماه خدای تعالی با موسی وعده سی شب کرد و در
بیست و پنجم این ماه ابرهیم و اسمعیل تعمیر خانه کعبه کردند و قاعده خانه کعبه را بلند کردند و در بیست و
پنجم این ماه دحو الارض واقع شد و ابن بابویه در ثواب الاعمال گفته است که در شب بیست و نهم
این ماه ابرهیم و عیسی علیهما السلام متولد شد و در بیست و نهم این ماه خدای تعالی کعبه را انزال کرد و آن اوّل
رحمتی بود که از آسمان نازل شد ذی الحجه این ماه را بواسطه آن ذی الحجه میگویند که اداء مناسک
حج در این ماه واقع میشود و ایام معلوماتی که در قرآن کریم است ده روز اوّل ذو الحجه است
و ایام معدودات عبارتست از ایام تشریق و روایتی است که میقات موسی تمام ماه ذی القعده
بود پس خدای تعالی آنرا تمام کرد به ده ذی الحجه و ایام معلومات عبارتست از این ده روز است و در
اوّل این ماه ابوبکر معزول شد از تأدیه سوره برائة و این امر بعلی رجوع شد و در این روز حضرت
ابرهیم متولد شد و در این روز حضرت ابرهیم را خلیل خود خواند و در این روز پیغمبر
فاطمه را بعلی تزویج کرد و در روایتی واقع است که در ششم این ماه بود که تزویج واقع شد چنانچه شیخ طوسی
این روایت را در مصباح خود ذکر کرده و بعضی گفته اند که این تزویج در ماه رجب واقع
شد و ذکر آن گذشت قبل از این و در ششم این ماه توبه آدم قبول شد و در هفتم این ماه حضرت

در احکام ایام شهور عربیه

موسی بر سحره فرعون غالب شد و این روز را یوم الزینه نیز گویند و هشتم این ماه یوم الترویه است
و نهم این ماه روز عرفه است و در این روز درهای اصحاب که بمسجد الحرام گشوده می شد مسدود شد
مگر در خانه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و در این روز مسلم و هانی در کوفه شهید شدند و
بعضی گویند معراج پیغمبر در این روز واقع شد و در این روز ولادت حضرت عیسی واقع شد
و در دهم این ماه عید قربان است و سه روز بعد از آن ایام تشریق است و در یازدهم این ماه اشهاد سنت
شد و هجدهم این ماه روز غدیر است و در این روز پیغمبر میان اصحاب خود عقد اخوت واقع کرد
و در این روز عثمان مقتول شد و در شب نوزدهم این ماه علی بر حضرت زهرا داخل شد و آن
جمعه بود و در بیست و یکم این ماه توبه داود نازل شد و در بیست و چهارم این ماه علی بر فراش
پیغمبر خوابید و این روز روز تصدق آنحضرت بخاتم خود و روز مباهله است و در روایتی
وارد شد که بیست و یکم این ماه روز مباهله است و در بیست و پنجم این ماه سوره هل اتی در باب اهل کسا
نازل شد و در بیست و هفتم این ماه عمر مقتول شد و خوانست که روز قتل او همین روز است

باب ۴۵ در بیان ایام هفته

در ضمن آنچه ما رقم کردیم و در طی آنچه ذکر کردیم ذکر ایام هفته معروفه و فصول اربعه
موصوفه داخل می شود اما ایام پس میگوئیم که روز یکشنبه اوّل ایام هفته است و در این روز
خدای تعالی خلق عالم را ابتدا کرد و این روز عید نصاری است و ایشان گمان کرده اند که ایزد
صلاحیت ابتدای امور دارد و این روز تعلق بآفتاب دارد و در این روز رد بدنا ارباب
دولت و سلاطین بسیار خوشست و در کتاب ربیع الابرار زمخشری مذکور است که عذاب ثمود
در روز یکشنبه واقع شد و در حدیث وارد است که نعوذ بالله من شر یوم الاحد فان له
حدا کحد السیف یعنی پناه می گیرم من بخدای تعالی از شر روز یکشنبه بواسطه آنکه او را تندی است
مثل تندی شمشیر روز دوشنبه تعلق بقمر دارد و این روز از برای تجارت و معاش بسیار
خوبست و این روز روز دویم خلق دنیاست و حضرت پیغمبر بسیار روزه این روز و روز پنجشنبه

باب ۴۴ در ماه ذی الحجه

مواظبت میکرد و میفرمود که در این روز اعمال بندگان باسمان میرود و من دوست میدارم که عمل من ملبند شود و حال آنکه روزه باشم روز دو روز پنجشنبه و ابن الجوزی در کتاب شدور العقود ذکر کرده است که پیغمبر صلعم روز دوشنبه متولد شد و در روز دوشنبه مبعوث شد و در روز دوشنبه مقبوض شد و در روز دوشنبه مبعوث شد و در روز دوشنبه از مکه بیرون رفت و در روز دوشنبه داخل مدینه شد و بعضی از علما این روز را شوم میدانند و بسبب این سخن در مذمت این روز ایراد نموده اند و از آنجمله شیخ مفید است در کتاب مزار خود مذمت این روز را کرده و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه ذکر کرده است و سید عمید الدین در شرح قواعد ذکر کرده است و ما نیز در باب آداب سفر ذکر کردیم و اعاده او لایق این مختصر نیست و روز سه شنبه تعلق بمریخ دارد و این روز از برای ملاقات دشمن و جهاد در راه خدا بسیار خوبست زیرا که پیغمبر صلعم فرموده است که سفر کنید در روز سه شنبه و در این روز طلب حاجات خود کنید و دیگر آنکه این روزیست که خدای تعالی در این روز آهن را برای داود نرم کرد و در این روز حجامت محمود است و در روایتی وارد شده که هر گاه حجامت هر کرا در روز سه شنبه هفدهم ماه اتفاق افتد این حجامت شفای اوست و در این روز حوا حایض شد و این روز حرب و خوبست و روز چهارشنبه تعلق بعطارد دارد و این روز برای علوم و حکمت و کتابت و حمام رفتن خوبست و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هیچ امری در روز چهارشنبه تمام نکنند مگر آنکه آن امر تمام شود و این روز نزد علما شومست خصوصا خصوصا چهارشنبه آخر ماه و بعضی گفته اند چهارشنبه آخر سال و از هر دو احتراز احوط است و ما باین معنی اشاره کردیم در باب آداب سفر و در آنجا ایام نحسات که در ماه و سال نحس است ذکر کردیم روز پنجشنبه تعلق بمشتری دارد و این روز از برای ملاقات قضاة و علما و اکابر و امرا خوبست و این روز مبارکی است از برای طلب حوائج و ابتدا نمودن سفر در کتاب علل مذکور است که روز پنجشنبه روزیست که سزاوار است که باو انس بگیرند و در این روز

و لا تضلنا بعده و ما ... و سنت آنست که در این جا عقاید حقه را تلقین او کنند خصوصا ولایت ائمه معصومین و بهتر آنست که بدست راست میت را بگیرد و بدست چپ دوش او را حرکت دهد و تلقین کند و اگر باین نحو بگوید جامعتر است اِسْمَعْ اِفْهَمْ اِسْمَعْ اِفْهَمْ اِسْمَعْ اِفْهَمْ یا فلان بن فلان و نام پدرش را بگوید هَلْ اَنْتَ عَلَی الْعَهْدِ الَّذِی فَارَقْتَنَا فِیهِ مِنْ شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَیِّدُ النَّبِیِّینَ وَ خَاتَمُ النَّبِیِّینَ وَ اَنَّ عَلِیّاً اَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ سَیِّدُ الْوَصِیِّینَ وَ اِمَامٌ افْتَرَضَ اللّٰهُ طَاعَتَهُ عَلَی الْعَالَمِینَ وَ اَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِیَّ بْنَ مُوسَی وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ وَ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ

ابلیس ملعون شد و ادریس باسمان رفت و این روز پنجم است از ابتداء خلقت دنیا و صاحب کتاب عجایب گفته است که در این روز و در روز جمعه حجامت مکروه است و ذکر کرده که رشید در این روز حجامت کرد و بزودی فوت شد و در روایت وارد است که پیغمبر نهی فرمود از حجامت کردن در این روز و فرمود کسیکه در روز پنجشنبه حجامت کند و تب کند در آن تب بمیرد روز جمعه تعلق بزهره دارد و این روز از برای تزویج و فرح خوبست و این روز عید ملت حنیفیه است و سید روزهاست و ذکر فضل این در باب آداب روز جمعه مذکور است و روز شنبه تعلق بزحل دارد و این روز برای عمل فلاحت و قضاء حوائج خوبست و این روز عید یهود است و گفته اند که این روزیست که خدای تعالی از خلق اشیا فارغ شد و گمان کرده اند که امور یکه در شنبه واقع می شود تا شنبه دیگر استمرار ندارد و از اینجهة است که در این روز یهود امتناع میکنند از داد و ستد و مسلمانان با ایشان مخالفت دارند در اینمعنی بواسطه قول پیغمبر صلعم که فرموده است مبارک باد از برای امت من در شنبه و پنجشنبه ایشان و باید که در روز شنبه داد و ستد واقع شود و علی بن ابرهیم در تفسیر خود گفته است که خداوند عالم جایز اگر عبارت از ابوالجن است در روز شنبه خلق کرد و زمین را در روز یکشنبه خلق کرد و جانوران بر و بحر را در روز دوشنبه خلق کرد و در روز دیگر در قول خدای تعالی واقع شده است که أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ مراد یکشنبه و دوشنبه است و درخت و نبات و زمین و انهار او و بحر در اوست و حشرات الارض را روز سه شنبه خلق کرد و طیور را روز چهارشنبه خلق کرد و ملائکه را در روز پنجشنبه خلق کرد و ادم را در روز جمعه خلق کرد و شیخ طبرسی در مجمع البیان از پیغمبر صلعم روایتی ذکر کرده است که فرمود خدای تعالی زمین را روز یکشنبه و دوشنبه خلق کرد و درخت و آب و آبادانی و خرابی را روز سه شنبه و چهارشنبه خلق کرده است و در روز جمعه آفتاب و ماه و ستارها و ملائکه و ادم را خلق کرده است و اسمانرا در

و الحسن بن علی العسکری و القائم الحجة المهدی صلوات الله علیهم ائمة المؤمنین و حجج الله علی الخلق اجمعین و ائمتک ائمة هدی ابرار یا فلان ابن فلان اذا اتاک الملکان المقربان رسولین من عند الله تبارک و تعالی و سئلاک عن ربک و عن نبیک و عن دینک و عن کتابک و عن قبلتک و عن ائمتک فلا تخف و لا تحزن و قل فی جوابهما الله جل جلاله ربی و محمد صلی الله علیه و آله نبیی و الاسلام دینی و القرآن کتابی و الکعبة قبلتی و امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب امامی و الحسن بن علی المجتبی امامی و الحسین بن علی الشهید بکربلاء امامی و علی زین العابدین امامی و محمد باقر علم النبیین امامی و جعفر بن محمد الصادق امامی و موسی الکاظم امامی و علی الرضا امامی و محمد الجواد امامی

باب ۴ در اختیار ایام سعد و نحس

روز پنجشنبه خلق کرده است و از ابیاتیکه منسوبست بحضرت امیر المؤمنین ع که در ایام سعد و نحس گردن ذاتی است گرفرموده است

اری الاحد المبارک یوم سعد لغرس العود یصلح والبناء
وفی الاثنین للتعلیم امر وبالبرکات یعرف والرخاء
وان رمت الحجامة فی الثلثا فذاک الیوم اهراق الدماء
وان احببت ان تسقی دواء فنعم الیوم یوم الاربعاء
وفی یوم الخمیس طلاب رزق لادراک الفوائد والغناء
ویوم الجمعة التزویج فیه ولذات الرجال مع النساء
ویوم السبت ان سافرت فیه وقیت عن المکاره والعناء
وهذا العلم لا یعلم الا نبی او وصی الانبیاء

یعنی به بینم روز یکشنبه را روز مبارک سعدی که صلاحیت دارد از برای درخت نشاندن و بنا نهادن و روز دوشنبه صلاحیت دارد از برای تعلیم و این روز معروف است ببرکات و رخاء و اگر اراده حجامت داری در سه‌شنبه باید کرد که روز ریختن خون است و اگر خواهی دوا بخوری در روز چهارشنبه بخور و در روز پنجشنبه طلب رزق خوبست و روز جمعه از برای تزویج و لذت یافتن مرد از زن خوبست و روز شنبه از برای سفر خوبست اگر در این روز سفر کنی از مکاره و عنا محفوظ خواهی ماند و این علم را نمیدانند مگر نبی یا وصی نبی

باب ۵ در فصول اربعه

پس بدانکه زمان عبارتست از مرور ایام و لیالی و این زمان منقسم میشود بقرون و قرون منقسم میشود بسالها و سالها منقسم میشوند بماهها و ماهها منقسم میشوند بایام و ایام منقسم میشوند بساعات و ساعات بدقیقها و زمان حیات انسان بهترین راس المال اوست بواسطه آنکه باین زمان کسب میکند کل سعادات را و آن جوهر گرانمایه ایست که قیمت ندارد و زمان شب و روز معروفست قسمت میشود به بیست و چهار ساعت و هریک از شب و روز دوازده ساعت کم و زیاد میشود و در این روز سیزدهم حزیرانست و درازترین شب سیزدهم کانون الاول و در سیزدهم آذار شب و روز معتدل می‌شوند و همچنین در شانزدهم ایلول شب و روز

در فصول اربعه

معتدل می‌شوند و بعضی تشبیه کرده‌اند اوقات شب و روز را بفصول اربعه یعنی صبح را بمنزله بهار قرار داده‌اند و وسط روز را بمنزله تابستان قرار داده‌اند و نصف شب را بمنزله زمستان

و فصل بهار نزد ایشان وقتی است که آفتاب در حمل و ثور و جوزا باشد و ماههای آن آذار و نیسان و ایار است و در این فصل خون که طغیان میکند و اخراج خون در این فصل محمود است و تخم مرغ نیم برشت و کاسنی و شیر بز و شیر میش و سرکه و شکر و هر چیزیکه معتدل است مثل جوجه مرغ و دراج در این فصل باید خورد و در این فصل سیر و پیاز و سبزیهای تند نباید خورد و همچنین طعام بطیء الهضم و در این فصل کثرت جماع و تعب و اسهال بطن و حمام خوبست و علامت کسیکه خون بر او غالبست سرخی رنگ و امتلاء بدن و انتفاخ عروق و حلاوت دهن است

و فصل تابستان وقتی است که آفتاب در سرطان و اسد و سنبله باشد و ماههای آن حزیران و تموز و آب است و در این فصل صفرای حاره با بسر غالب میشود و در این فصل چیزهای ترش و سرد می باید خورد مثل گوشت گوساله که در سرکه پخته باشند و مثل جوجه مرغ فربه که در آن دوغ و آب غوره پخته باشند و ترنج ترش و آلو و انار ترش و سبزیکه برودت بر او غالب باشد و تخم مرغ نیم برشت و در این فصل جماع کم باید کرد و تعب نباید نمود و راه بسیار نباید داد و کثرت حمام نباید رفت و خون از بدن خود کم باید اخراج کرد و ریاحین حاره بوی نباید کرد و از طیب حار مثل مشک و عنبر احتراز باید نمود و در این فصل غذای غلیظ نباید خورد و مسهل نباید خورد مگر بواسطه ضرورتی و در این فصل قی باید کرد و علامت غلبه صفرا از زردی رنگ و ضعف قلب و خواهش چیزهای سرد و تندی نفس و سرعت نبض و تلخی دهن است

فصل پائیز فصلی است که آفتاب در میزان و عقرب و قوس باشد و ماههای آن ایلول و تشرین اول و تشرین ثانی است و در این فصل سودای بارد غالب میشود و در این فصل جماع و فصد و استحمام باید و دوا مسهل و اصناف حلویات باید خورد و ریاحین حاره

بو باید کرد و بعد از طعام میوه باید خورد و در این فصل از طعام و شراب بارد باید احتراز
باید کرد و هر چیزی حار رطب است مثل جوجه و بره و انکور شیرین باید خورد و علامت غلبه
سودا آشفتگی لون و لاغری بدن و اندوه و تریر و فکر بسیار و عفوصت دهن و تبغض
است فصل زمستان که هو است که آفتاب در جدی و دلو و حوت باشد و ماههای آن کانون
اول و کانون ثانی و شباط است و در این فصل بلغم بارد و رطب غالب میشود و در این فصل چیزهای
گرم بخورد مثل کبوتر بچه و گنجشک و بره یکساله و کردکان و انجیر و سبزیهای تند و حلویات
و در این فصل از اطعمه بارده و آب سرد در عقب خواب و شرب مسهل و استفراغ احتراز
باید کرد مگر بواسطه ضرورتی و در این فصل حرکت و جماع بسیار بکند و علامت غلبه بلغم
خواب بسیار کردن و شیرینی دهن است فی در اینجا اشاره بفایده ایست هرگاه خواهی بدانی
که قمر در چه برج است بحسب آنچه از ماه عربی گذشته است مضاعف سازی و پنج در آن بیفزا آنچه جمع شود
ابتدا از عدد برج شمس کرده بازاء هر برجی پنج روز بینداز و بهر برجی که منتهی شود که از پنج
روز کمتر مانده است قمر در آن برج است مثلا هرگاه آفتاب در برج دلو باشد و از ماه یازده روز
گذشته باشد یازده را مضاعف سازیم بیست و دو شود و پنج را بر او اضافه کنیم بیست و هفت شود
بیست و پنج روز بازاء پنج برج که آن دلو و حوت و حمل و ثور و جوزا است پس آفتاب
در برج ششم است که آن سرطان است و اگر خواهیم بدانیم که آفتاب در چند درجه سرطان است دو را
در شش ضرب کنیم دوازده شود پس آفتاب در دوازده درجه سرطان خواهد بود و اگر خواهیم
بدانیم که آفتاب در کدام برج است بحسب آنچه از ماه عربی گذشته است مضاعف باید کرد و پنج روز
بر آن اضافه باید کرد و ابتدا از موضع قمر باید کرد و بازاء هر برجی پنج روز را باید انداخت بر
عکس بجهت مغرب پس هرگاه منتهی شود برجی که پنج تمام نمیشود و آفتاب در آن برج است اما اسماء
بروج دوازده گانه حمل و الثور و جوزا السرطان و رعی اللیث سنبل المیزان و رمی العقرب

یا با بوته گذاشتن مگر آنکه زمین بر
دار و در دریا هم بسیار داشته باشد
و چون لاریش قبر بر کی ماید بگوید انا
لله و انا الیه راجعون و الحمد لله
رب العالمین اللهم ارفع درجته
فی اعلی علیین و اخلف علی عقبه
فی الغابرین و عندک نحتسبه یا
رب العالمین پس سنت است که ما ضرین
بپشت کف دست خاک بر قبر بریزند
و اگر بر شکم دست کف ارا پر کنند و
مریزند نیز خوبست و سنت است که سه
مرتبه بریزند و در وقت ریختن خاک
بگویند اللهم ایمانا بک و تصدیقا
بکتابک هذا ما وعدنا الله و رسوله
و صدق الله و رسوله اللهم
زدنا ایمانا و تسلیما و در حدیث است
که هر که چنین کند و اینده خاک ریخته اند
حق تعالی بهر ذره از خاک حسنه برای
او بنویسد و مکروه است که خویشان
میت خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت
قلب و درد است

من القوس جدیا و استقی الدلو برکة الحیتان یعنی دوازده برج بان ترتیب است حمل و ثور و جوزا
و سرطان و لیث یعنی اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت بدانکه این بیتی که خواهد
آمد مشتمل است بر دوازده کلمه و هر کلمه سه حرفست حرف اول اشاره بماه عربی و حرف
دویم اشاره بروز و قفه و حرف سیم اشاره باول ماه رمضانست و آن بیت اینست مهو
صحد ریح روح حهد حده رحد شاب ضرج شهود ده زطی فحضلا و بیان آن این است
که مدانی آن ماهی را که در آن داخلی پس بدانکه مهوسه حرفست میم اشاره است بمحرم و ها
در حساب جمل پنج است و واو شش است پس پنجم محرم را باید دید چه روز است همان روز دو وقفه
و ششم آنرا باید دید چه روز است اول رمضان آن روز است و این حساب را ابن طاوس در کتاب
اقبال ذکر کرده است و کفعمی را دو بیت هست که مشتمل است بر بیان نزول شمس در بروج
اثنی عشر و ذکر ماهها مرتبست و هم چنین ذکر بروج بترتیب است و این بیت دوازده کلمه است
هر کلمه چهار حرفست حرف اول اشاره است ببرجی که آفتاب در آن نزول میکند و حرف دویم
و سیم اشاره است بعدد ایام ماضیه از ماه رومی و آن بحساب جمل است و حرف رابع
اشاره است باسم ماه رومی و آن دو بیت این است حکحا تیهش جیهنا
سیح ایخب سیزب میتول عتهب قهص جیمل
ر کال حیحب ها اشاره بحمل است و یا و جیم اشاره بسیزدهم ماه
و الف اشاره است بآذر ماه رومی و باقی دیگر بر این قیاس است و اما احوال حضرت معصوم
و حضرت فاطمه و ائمه علیهم السلام این جدول شامل کلیات آنها علی وجه الاختصار

باب چهل و هفتم در جدول احوالات چهارده معصوم علی وجه الاختصار

تلقین میت
رحمه الله الی ان قال و
سنت است که از غیر خاک قبر قبر را نریزند
که بار آنست بر میت و سنت است که قبر را
بقدر چهار انگشت بلند کنند و بعضی
چهار انگشت گشاده و بعضی هم اورده
گفته اند و ظاهرا مراد دو نحو باشد و
دو روز نیست که یک شبر نیز مجوز باشد
و مستحب است که قبر را چهار گوشه کنند
و روی آنرا پهن کنند و خر پشته نکنند
و بعد از آن
نحوی که سنت است آب بر قبر بریزند و در زبان است که تا
آب بر قبر بریزند هست عذاب دفع میکنند و
تری در قبر هست عذاب دفع میکنند و
سنت است که آب ریخته رو بقبله باشد
و ابتدا از پیش سر کند و بر یکجانب قبر
بریزد تا پیش پا و بگرداند بجانب دیگر
و بریزد تا پیش سر و بعد از آن میان
قبر بریزد و سنت است که آب را قطع نکند
و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است
که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند و
انگشتان گشاده باشد و
حالتیکه انگشتها اثر انگشتها بر گل بمانند
قوت کنند تا اثر انگشتان بر گل بماند و بعضی روایات
رو بقبله باشند و از بعضی روایات
مفهوم میشود

باب چهل و هفتم

جدول اسمای چهارده معصوم و کنیه و لقب ایشان و روز و ماه و سال تولد ایشان

اسمای ایشان علیهم السلام	محمد صلی الله علیه و آله	علی علیه السلام	فاطمه علیها السلام	الحسن علیه السلام	الحسین علیه السلام	علی علیه السلام	محمد علیه السلام
کنیه ایشان	ابو القاسم	ابو الحسن	ام ابیها	ابو محمد	ابو عبد الله	ابو الحسن	ابو جعفر
لقبهای ایشان	المصطفی	المرتضی	الزهراء	الزکی	الشهید	زین العابدین	الباقر
مکان تولد ایشان	شعب ابی طالب	الکعبه	المکه	المدینه	المدینه	المدینه	المدینه
روز تولد ایشان	دوشنبه	روز جمعه	روز جمعه	روز سه شنبه	روز پنجشنبه	روز یکشنبه	روز دوشنبه
ماه تولد ایشان	هفدهم ربیع	سیزدهم رجب	بیستم جمادی	نصف رمضان	سیم شعبان	پنجم شعبان	سیم صفر
سال تولد ایشان	سال اصحاب فیل	سی سال بعد از عام الفیل	پنج سال بعد از بعثت	سال بعد از هجرت	چهار سال بعد از هجرت	سی و [illegible]	پنجاه و [illegible] سال از هجرت
پادشاهان وقت تولد ایشان	نوشیروان عادل	[illegible]	یزدجرد	یزدجرد	یزدجرد	امیر المؤمنین	معاویه
نامهای مادران ایشان	آمنه دختر وهب	فاطمه بنت اسد	خدیجه بنت خویلد	فاطمه علیها السلام	فاطمه ع	شاه زنان	ام عبد الله بنت الحسن
نقش خاتمهای ایشان	[illegible]	الملک لله الواحد القهار	امن المتوکلون	العزة لله	ان الله بالغ امره	[illegible]	[illegible]
عدد ازواج ایشان	پانزده زن	[illegible]	حضرت امیر المؤمنین	شصت و چهار [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدد اولاد ایشان	هشت	بیست و هفت	پنج اولاد	پانزده اولاد	شش اولاد	پانزده	هفت اولاد
مدت عمر ایشان	شصت و سه سال	شصت و سه سال	شانزده سال	چهل و شش سال	پنجاه و هفت	پنجاه و هفت	پنجاه و هفت سال
ایام وفات ایشان	دوشنبه	دوشنبه	دوشنبه	روز پنجشنبه	دوشنبه	روز شنبه	دوشنبه
ماه وفات ایشان	دو روز باقی از صفر	[illegible]	سیم جمادی الآخر	روز هفتم صفر	دهم محرم		چهارم ذی الحجه
سالهای وفات	یازدهم از هجرت	چهل سال از هجرت	یازدهم از هجرت	پنجاه سال از هجرت	شصت و یک سال	نود و [illegible]	صد و [illegible]
مکان وفات	مدینه طیبه	نجف الکوفه	المدینه	مدینه طیبه	کربلا	المدینه	المدینه
سبب وفات	[illegible]	ضربت ابن ملجم	[illegible]	زهر [illegible]	[illegible]	زهر [illegible]	[illegible]
قبور ایشان	مدینه	نجف	[illegible]	در بقیع	در کربلا	در بقیع	در بقیع
پادشاهان وقت وفات	[illegible]	معاویه	[illegible]	معاویه	یزید	ولید بن عبد الملک	هشام بن عبد الملک
اسمای [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جابر جعفی

مادر پادشاهان وقت ولادت ایشان و نقش انگشتر ایشان و عدد ازواج و اولاد و مدت عمر و روز و ماه و سال و مکان و سبب وفات ایشان

اسمای ایشان	جعفر علیه السلام	موسی علیه السلام	علی علیه السلام	محمد علیه السلام	علی علیه السلام	الحسن علیه السلام	محمد علیه السلام
کنیه ایشان	ابو عبد الله	ابو ابراهیم	ابو الحسن	ابو جعفر	ابو الحسن	ابو محمد	ابو القاسم
القاب	الصادق	الکاظم	الرضا	التقی	الهادی	العسکری	الخلف المهدی
مکان ولادت	مدینه	در ابواء میان مکه و مدینه	مدینه	مدینه طیبه	مدینه	مدینه طیبه	سر من رای
روز ولادت	دوشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	جمعه	روز جمعه	روز دوشنبه	روز جمعه
ماه ولادت	هفدهم ربیع الاول	هفتم صفر	یازدهم ذی القعده	دهم رجب	سیوم رجب	چهارم ربیع الآخر	نیمه شعبان
سال ولادت	هشتاد و سه	صد و بیست و هشت	صد و چهل و هشت	صد و نود و پنج	دویست و [illegible]	دویست و سی و دو	دویست و پنجاه و پنج
پادشاهان وقت ولادت	عبد الملک بن مروان	ابراهیم بن الولید	المنصور	محمد الامین	المامون	الواثق بن المعتصم	المعتمد بن المتوکل
اسمای امهات	ام فروه بنت القاسم	حمیده ام ولد	ام البنین ام ولد	[illegible] ام ولد	سمانه ام ولد	حدیث ام ولد	نرجس خاتون
نقش انگشتر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	انا لله شهید	انا حجة الله وخاصته
عدد ازواج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدد اولاد	ده اولاد	سی و [illegible]	[illegible] اولاد	چهار [illegible]	پنج اولاد	[illegible]	العلم عند الله
مدت عمر	شصت و پنج سال	پنجاه و پنج سال	پنجاه و یک سال	بیست و پنج سال	چهل و یک	بیست و هشت سال	[illegible]
روز وفات	دوشنبه	روز جمعه	روز سه شنبه	روز سه شنبه	دوشنبه	روز جمعه	روز جمعه
ماه وفات	نصف رجب	بیست و پنجم رجب	[illegible] صفر	[illegible]	سیم رجب	هشتم ربیع الاول	علم او نزد خدای تعالی
سال وفات	صد و چهل و هشت	صد و هشتاد و سه	دویست و سه	دویست و بیست	دویست و پنجاه و چهار	دویست و شصت	علم او نزد خدای تعالی
مکان وفات	المدینه	در بغداد	در طوس	بغداد	سر من رای	سر من رای	وفاتش نزد خدای
سبب وفات	زهر منصور	زهر هارون	زهر مامون	زهر معتصم	زهر [illegible]	زهر معتمد	مخفی [illegible]
قبور ایشان	در بقیع	مقابر قریش	در طوس	مقابر قریش	[illegible]	[illegible]	[illegible]
پادشاهان وقت وفات	[illegible]	[illegible]	زمان مامون	زمان معتصم	زمان معتز	زمان معتمد	مخفی [illegible]
اسمای ابواب ایشان	المفضل بن عمر	محمد بن المفضل	عمر بن الفرات	عثمان بن سعید	عمر بن سعید	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید

و سبب وفات و قبور و پادشاهان وقت وفات و اسمای [illegible] ایشان علیهم السلام

باب چهارم در اعمال ماه رجب اما نمازها و زیارات شب رجب و ماه رجب و زیارات گذشت اما نمازهای آن سید رضی الدین علی بن طاوس در کتاب مصباح الزائرین ذکر کرده است که سلمان از حضرت رسول روایت نموده از برای هر شبی از شبهای رجب نمازی روایت نموده شب اول کسیکه سی رکعت نماز کند بپانزده سلام در هر رکعتی یکبار الحمد و سوره توحید و جحد را هر یک سه بار بخواند خدای تعالی گناهان او را می آمرزد و از نفاق بری می شود تا سال دیگر و او را از جمله نمازگذاران می نویسند و تا سال دیگر از برای او حسنات می نویسند و کسیکه این نماز را ایستاده نتواند کرد نشسته بکند و خدای تعالی با ملائکه خود مباهات می کند باو و می گوید که گناهان او را آمرزیدم و بباید دانست که جمیع نمازها که مذکور می شود در این سه ماه هر دو رکعت بیک سلام است شب دوم ده رکعت نماز است در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار سوره جحد بخواند و ثواب آن همان است که در شب اول گذشت شب سیم ده رکعت نماز است در هر رکعت یکبار الحمد و پنج بار سوره نصر هر کس این نماز را بکند خدای تعالی در بهشت از برای او قصری بنا می کند که آن قصر فراختر از برابر هفت دنیا و او را ندا می کنند ببشارت برافقت پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحان شب چهارم صد رکعت نماز است در رکعت اول الحمد و سوره فلق بخواند و در رکعت دوم الحمد و سوره ناس بخواند جمیع صد رکعت را دو رکعت دو رکعت باین روش کند چون این نماز را بکند از هر آسمانی ملکی نازل می شود که ثواب او را می نویسد تا روز قیامت و روز قیامت چون از خاک بر میخیزد روی او چون ماه شب چهارده درخشنده باشد و کتاب او را بدست راست او دهند و حساب او را آسان کنند شب پنجم کسیکه شش رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست و پنج بار سوره توحید بخواند خدای تعالی ثواب چهل پیغمبر و چهل صدیق و چهل شهید باو میدهد و بر صراط مثل برق جهنده می گذرد شب ششم کسیکه در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و هفت بار آیة الکرسی بخواند ندا کنند

در تلقین میت

که نزدیک سر او بنشینند و این دعا را بخوانند اللهم جاف الارض عن جنبیه و اصعد الیک روحه و لقه منک رضوانا و اسکن قبره من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوانند و اگر زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر را مؤنث بیاورد و سنت است که ولی میت بعد قرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و بآواز بلند تلقین که گذشت بار دیگر بخواند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد است که چون این تلقین را بکند منکر و نکیر میگویند بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج نیست پرسیدن پس برمیگردند و سؤال نمیکنند و مکروه است عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بسیار ماندن و مکروه است تجدید قبور مگر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند

از جانب خدای تعالی که تو ولی خدائی بحق و براستی هر حرفی که در این نماز خوانده شفاعت هفتاد کس را خدای تعالی در حق او قبول کند هفتاد هزار حسنه باو دهد که هر حسنه سنگین تر باشد از جمیع کوههای دنیا شب هفتم کسیکه در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و سه بار توحید و سه بار معوذتین بخواند و چون سلام دهد ده بار صلوات بر محمد و آل او بفرستد و ده بار تسبیحات اربع بخواند خدای تعالی او را در سایه عرش خود جای دهد و ثواب کسی دهد باو که ماه رمضان را روزه داشته باشد و ثواب آزادی هفت بنده از اولاد اسمعیل باو دهد با هفتاد رحمت شب هشتم هر که در این شب بیست رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد سه بار بخواند خدای تعالی باو ثواب شاکران و صابران کرامت کند و ثواب صد حج و ثواب صد عمره باو دهد و هزار رحمت باو فرستد و او را از آتش دوزخ نجات دهد و اگر تا هشتاد روز دیگر بمیرد شهید مرده باشد شب نهم هر کس دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و پنج بار الهیکم بخواند از مقام خود بر نخیزد مگر آمرزیده و اسم او در سلک صدیقان نویسند شب دهم هر که در این شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه توحید بخواند خدای تعالی از برای او قصری بلند کند در بهشت که آن قصر بر ستونی باشد از یاقوت سرخ و فراخی آن مثل فراخی مابین مشرق و مغرب باشد و در آن ستون هفتاد غرفه باشد از طلا و نقره و یاقوت که هر غرفه فراختر از دنیا باشد و در آن قصر خانهای بسیار باشد شب یازدهم هر که در این شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و دوازده مرتبه آیة الکرسی بخواند مثل کسی است که جمیع کتابها را که خدای تعالی فرستاده باشد خوانده باشد و از جانب خدای تعالی ندا رسد که عمل خود را از سر گیر شب دوازدهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و آیه آمن الرسول بما انزل الیه من ربه تا آخر سوره که فانصرنا علی القوم الکافرین باشد بخواند

در تلقین میت

که بول بر قبور علما و صلحا و مکروه است تازه کردن قبر بعد از آنکه مندرس شده باشد و نیز این حکم را دارد و مکروه است قبر بهم رسانیدن دو مرده در یک قبر و جایز است که حق تعالی دوستان را در دلهای شکسته و قبر کهنه مندرس شده و مکروه است در حال اختیار و وقت ایستادن و منع کذاشتن قبر کردن از بلد و در یک قبر گذاشتن دو مرده بجهت اینکه در انجا مرده است مگر آنکه بمشاهد مشرفه و بعضی بردن مکر بر مشاهد مشرفه و علما نقل عقیده علما و استثنا کرده اند نقل بمشاهد را نیز و مکروه است صلحا و شهدا را نیز و راه رفتن مگر روی قبر نشستن و راه رفتن بر روی قبور که ضرر رسانیدن بواسطه زیارت قبور که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در کفن غصبی دفن کرده باشند و دیگر آنکه او را بی غسل و کفن دفن کرده باشند و از هم پاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه را او

باب ۴ در اعمال ماه رجب

خداوند عالم ثواب کسانی دهد باو که امر بمعروف و نهی از منکر کردند شب ۱۳ سی رکعت نماز کند هر که ده رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از حمد والعادیات بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد سوره تکاثر و در هر پنج نماز چنین کند آمرزیده شود اگر چه عاق والدین باشد و نکیر و منکر اورا اذیت نکنند و بر صراط مثل برق جهنده بگذرد و نامه عمل او را بدست راست او دهند و میزان او ثقیل شود و او را خدای تعالی در فردوس هزار شهر بدهد شب ۱۴ هر که در این شب سی رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار توحید و آیه قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا گناهان او آمرزیده شود اگر چه زیاده از ستارهای آسمان باشد و ثواب کسی را دارد که جمیع کتب الهی را خوانده باشد و شب ۱۶ و ۱۷ هر که در هر یک از این سه شب سی رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و یازده بار سوره توحید ثواب هفتاد شهید باو دهند و ملائکه برای او استغفار کنند تا آنکه از این نماز فارغ شود و نزع روح بر او آسان شود و فشار قبر بر او سهل گردد و از دنیا بیرون نرود تا مکان خود را در بهشت نه بیند شب ۱۸ هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار توحید و ده مرتبه سوره فلق و ده مرتبه سوره ناس بخواند گناهان او آمرزیده شود اگر چه زیاده از گناهان عشاران باشد یعنی ده یک گیرنده گان از اهل التجار و غیرهم و حق تعالی میان او و دوزخ شش خندق خلق کند که عرض هر خندقی مابین آسمان و زمین باشد و می نویسند بعدد هر حرفیکه در این نماز میخواند ثواب شهیدی و ملائکه بشارت از جانب خدا باو میدهند یکی آنکه خدای تعالی او را در موقف قیامت رسوا نمیکند دوم آنکه حساب او را نمیکند سوم آنکه میگویند باو که بیحساب داخل بهشت شو

شب ۱۹ هر که در این شب چهار رکعت نماز کند و در هر رکعتی یکبار الحمد و پانزده بار آیة الکرسی و پانزده

در تلقین میت

مشهور آنستکه جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای غیر برادر و پدر ایشان جایز است بلکه از اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصا بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک آنست و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و احوط آنستکه طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قائل شده اند که زنی موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجب است کفاره بدهد چنانکه در روزه خواهد شد انشاء الله تعالی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره بر او نیست و دور نیست که سنت باشد و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر علما قائل شده اند که واجب است کفاره قسم بر زنیکه موی سر خود بکند در مصیبت و بر مردیکه خود را بخراشد که خون رو آید

[illegible]

مرتبه توحید خداوند مثل ثواب موسی باو میدهد شب ۲۰ هر کس در این شب شش رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ده بار سوره کوثر و ده بار سوره توحید بخواند یکسال بر او گناه ننویسند و تا سال دیگر بهر او ثواب نویسند و کسیکه این نماز را ایستاده نتواند کرد نشسته بکند و چون این نماز را خدای تعالی بملائکه خود مباهات میکند ملائکه خود را و میگوید که آمرزیدم او را شب ۲۲ هر که در این شب هشت رکعت نماز کند در هر یک یکبار الحمد و هفت بار سوره جحد بخواند و بعد از سلام دادن ده بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و ده بار استغفار کند از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت به بیند و بر اسلام بمیرد و او را ثواب هفتاد پیغمبر باشد شب ۲۳ هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و پنج بار سوره والضحی خداوند عالم او را بعدد هر مرد کافر و زن کافره یکدرجه در بهشت باو بدهد و ثواب هفتاد حج و کسیکه تشییع هزار جنازه کرده باشد و هفتاد مریض را عیادت کرده باشد و حاجت هزار مؤمن را برآورده باشد باو کرامت کند شب ۲۴ هر کس در این شب چهل رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار سوره اخلاص بخواند خدای تعالی هزار حسنه از برای او بنویسد و هزار سیئه از او محو کند و هزار درجه او را بلند کند و هزار ملک بر او نازل گرداند که دستهای خود را بر داشته بر او صلوات فرستند و خداوند سلامتی دنیا و آخرت را باو کرامت کند و مثل آنستکه شب قدر را درک کرده باشد شب ۲۵ هر که در این شب بیست رکعت نماز کند در میان شام و خفتن در هر رکعت یکبار الحمد و آیه آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ تا آخر سوره بخواند خدای تعالی او را و اهل او را و دین و دنیا و آخرت و مال او را در امان خود بدارد و از جای خود بر نخیزد مگر آنکه آمرزیده شود شب ۲۶ هر کس در این شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و چهار مرتبه سوره توحید بخواند ملائکه با او مصافحه کنند و از حساب و میزان و موقف صراط ایمن باشد و خدای تعالی هفتاد ملک را بر انگیزاند

دیگر در تعزیت

بمرد دیگر در جای خود یا زن خود یا فرزند خود بکند و کفاره یمین انشاء الله تعالی مذکور خواهد شد و بعضی واجب دانند و احوط عمل بمشهور است و لازم است اصحاب مصیبت را که جبر کنند بقضای الهی و راضی باشند و راضی باشند و بدانند که حق تعالی صابران را اجر بیحساب کرامت میفرماید و باید که صاحب مصیبت بسیار بگوید انا لله و انا الیه راجعون تا گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر گاه از مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان مابین این دو کلمه آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی بخاطر او در آید اگر چه بعد از مدتی باشد بگوید انا لله و انا الیه راجعون اللهم و الحمد لله رب العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی و اخلف علی افضل منها ثواب همان مصیبت باو داده میشود و سنت است که دیگران تعزیت ایشان بگویند و ایشان را بصبر و شکیبائی

که از برای او استغفار کنند تا وقت صبح و ثواب او را در نامهٔ عمل او نویسند شب ۲۷ و ۲۸ و ۲۹
هر کس در هر یک از این سه شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و سوره اعلی
و قدر هر کدام ده بار بخواند و بعد از سلام صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرستد
و صد نوبت استغفار کند خدای تعالی از برای او ثواب عبادت ملائکه را بنویسد شب آخر ماه
هر کس در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و یازده بار سوره توحید بخواند
خدای تعالی در بهشت فردوس هفت شهر او را در فردوس دهد و چون از قبر برخیزد روی
او مثل ماه درخشان باشد و مثل برق جهنده از صراط بگذرد و از جهنم نجات یابد بتمامه

در بیان نماز رغایب ذکر کرده سید ابن باقی ره در کتاب اختیار خود آنکه پیغمبر ص فرمود غافل
مشوید از اول جمعه رجب زیرا که شب او را لیلة الرغائب گویند زیرا که چون ثلث شب جمعه شود ملائکه
جمع می شوند ملائکه آسمان و زمین در کعبه و دور کعبه خداوند عالم می فرماید ای ملائکه
چه می خواهید می گویند حاجت ما آنست که بیامرزی روزه داران روزهای ماه رجب را پس برای
هر روز ثوابی فرموده اند که طول می کشد کتاب بذکر آنها و رغایب جمع رغیبه است یعنی عطیه
و بخشش از پیغمبر ص مرویست که نماز رغایب دوازده رکعتست و صفت عمل او اینست که پنجشنبه اول
رجب روزه بگیرد و در شب جمعه میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت
الحمد یک مرتبه و سوره قدر سه مرتبه و توحید دوازده بار بخواند و چون سلام دهد هفتاد
بار صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و سجده کند و در سجده هفتاد بار بگوید سبوح قدوس
رب الملائکة و الروح و بعد از آن سر از سجده بردارد و هفتاد مرتبه بگوید رب اغفر
و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت العلی الاعظم و بعد از آن هفتاد بار سجده کند
و هفتاد بار بگوید سبوح قدوس رب الملائکة و الروح و در سجود حاجت خود را
از خدای تعالی بخواهد که حاجت او بر آورده می شود انشاء الله تعالی و از پیغمبر ص مرویست که در ماه رجب

در ادب مصیبت

امر کنند پیش
از دفن و بعد از دفن و بعد از دفن
بعد از دفن بیشتر است و اوقات تعزیه آنست که
بروند تا صاحب عزا ایشان را به بیند
و منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله که هر که صبر فرماید اند و هنگام
در صحرای محشر که همه برهنه باشند خدا
او را از حلهای بهشت بپوشاند که مو
سرور او گردد و هر که مصیبت زده را
صبر فرماید حق تعالی او را صاحب مصیبت
کرامت فرماید بدانکه از اجر او چیزی کم شود
فرمود که ثواب تعزیت و صبر فرمودن
بهشت است و مستحب است که صاحب مصیبت
تغییر وضع خود بکند تا او را بشناسند
و جایز است گریه کردن و ندبه کردن
که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه
کردن بحق جایز است که دروغ نگویند
و چیزی که باید از برای میت اظهار بکنند
و بهتر آنست که نوحه گر نیاورند و مستحب است
که دیگران خصوصا همسایگان تا سه
روز از برای صاحب مصیبت طعام
بفرستند و زیاده از سه روز
نگیرند

رکعت نماز باید کرد باین طریق که ده رکعت در اول ماه به پنج سلام در هر رکعت الحمد یکبار و سه بار
توحید و سه بار سوره جحد بخواند چون سلام دهد هر دو دست خود را بسوی آسمان بردارد
و بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو
حی لا یموت بیده الخیر و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم
لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد و بعد از آن
دستهای خود را بروی خود فرود آورد و ده رکعت نماز در میان ماه بنماز و
بجای آورد و چون سلام دهد هر دو دستها را بردارد و بگوید لا اله الا الله وحده
لا شریک له تا و هو علی کل شیء قدیر پس بگوید الها واحدا احدا فردا صمدا لم یتخذ
صاحبة و لا ولدا و بعد از آن دستهای خود را بروی خود بکشد و ده رکعت در
آخر ماه بجا آورد بهمان طریق که گذشت و چون سلام دهد هر دو دست خود را بردارد
و بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له تا و هو علی کل شیء قدیر و صلی الله
علی محمد و آل محمد آله الطاهرین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و هر
دو دست خود را بروی خود فرود آورد و حاجت خود را از خدای تعالی بخواهد که حاجت
او روا شود و خدای تعالی میان او و جهنم هفت خندق می کند که عرض هر خندقی ما بین آسمان
و زمین باشد برای هر رکعت ثواب هزار هزار رکعت نماز می نویسند و از برای او
برات آزادی از آتش دوزخ و جواز از صراط می نویسند و محو می کنند از او هر گناهی که کرده است
در کوچکی و بزرگی و می بخشند باو ثواب کسی را که تمام این ماه را روزه گرفته باشد و تا
سال دیگر از جمله مصلین می نویسند و در هر روز از برای او عمل شهیدی از شهدا
بدر می نویسند و هزار درجه از برای او بلند می کنند و اگر تمام این ماه را روزه بدارد
خدای تعالی او را از آتش نجات می دهد و از برای او بهشت را واجب می گرداند ای سلمان این علا[illegible]

که چهار شام دهد
روز برای شوهر ماتم بگیرد یا نگه
جامه های رنگین نپوشد و زینت نکند
و مستحب است زیارت قبر مؤمنان
خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان
شود بگوید السلام علی اهل الدیار من
المؤمنین و المسلمین انتم لنا فرط و نحن
ان شاء الله بکم لاحقون و بروایت
دیگر السلام علی اهل الدیار من المؤمنین
و المؤمنین رحم الله المستقدمین منا
و المستأخرین و انا ان شاء الله بکم
لاحقون و بروایت دیگر بگوید السلام
علیکم اهل الدیار من قوم مؤمنین
و رحمة الله و برکاته انتم لنا سلف و
نحن لکم تبع رحم الله المستقدمین منکم
و المستأخرین منا و انا لله و انا الیه
راجعون و در احادیث بسیار وارد شده
که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود بنشیند
هفت مرتبه انا انزلناه بخواند از ترس
بزرگ روز قیامت ایمن گردد و بعید نیست
دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد
و سنت است که در وقت خواندن دست
بر قبر بگذارد و رو بقبله

باب ۴۱ در اعمال ماه رجب

میان مؤمن و منافق بواسطه آنکه منافق این نماز را نمی کند و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که
کسی که در رجب و شعبان و رمضان در هر شب و روز سه مرتبه فاتحه و سه آیة الکرسی و سه
مرتبه قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه قل هو الله احد و سه بار معوذتین و سه مرتبه
تسبیحات اربع و سه مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بخواند و سه مرتبه صلوات
فرستد و چهار صد بار استغفار کند خداوند عالم گناهان و را می آمرزد اگرچه بعدد قطرات
باران و برگ درختان و کف دریا باشد و روز عید فطر ندائی از جانب الله آید که ای بنده
تو ولی حق منی و مرتراست نزد من بعدد هر حرفی شفاعتی در برادران مؤمن خود و بعد
از آن آنحضرت فرمود قسم بخدائی که نفس من در دست او است که کسیکه این فعل را در این سه ماه
روزها و شبها بجا آورد اگرچه در عمر خود یکبار باشد خداوند عالم اعطا کند باو بعدد هر
حرفی هفتاد هزار حسنه که گرانتر از کوه باشد و خدای تعالی هفتصد حاجت او را روا کند در وقت
و هفتصد حاجت او را نزد خروج از قبر و هفتصد نزد پریدن نامها از جانب راست و چپ
و هفتصد نزد میزان و هفتصد نزد صراط و خدای تعالی او را در سایه عرش خود جای
دهد و حساب او را آسان کند و هزار هزار ملک او را متابعت کنند تا او را به بهشت رسانند
و خدای تعالی آماده کند از برای او چیزی که هیچ چشمی او را ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد
و بر قلب هیچ کس خطور نکرده باشد و در شب نصف این ماه دوازده رکعت نماز باید کرد در هر رکعتی
الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و چون سلام دهد هر یک از الحمد و معوذتین و آیة الکرسی
و تسبیحات اربع را چهار مرتبه چهار مرتبه بخواند و بعد از آن بگوید الله الله ربی لا اشرک
به شیئا و ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم و از حضرت جواد ع مرویست که در ماه
رجب شبی است که بهتر است از آنچه که آفتاب بر او می تابد و آن شب بیست و هفتم رجب است
و در صبح این شب بود که پیغمبر ص مبعوث شد به پیغمبری و عامل در این شب را از شیعیان ثواب

در ادکار قبور

بخواند اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک ارواحهم و زد فی تعا
عنهم منک رضوانا و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم
و تونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و بروایت معتبر دیگر اینده عا
بخواند اللهم ارحم غربته و صل وحدته و انس وحشته و آمن روعته
و اسکن الیه من رحمتک ما یستغنی عن رحمة من سواک و الحقه بمن
کان یتولاه و بروایت دیگر مستحب است
که در نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا
انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که در قبرستان مؤمنان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده
مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان ببخشد بعدد مردگان
اجر و ثواب

در دعاهای ماه رجب

سنت سالم است و در شب مبعث در هر ساعتی از شب که خواهد پیش از نصف شب دوازده رکعت
نماز کند در هر رکعتی الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و چون سلام دهد هر یک از الحمد و معوذتین
و توحید و قدر و جحد و آیة الکرسی را هر یک هفت بار بخواند و بعد از آن بگوید الحمد لله الذی
لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من
الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک
و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم الاعلی الاعلی
الاعلی و بکلماتک التامات ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله
و روز مبعث نیز دوازده رکعت در هر رکعتی الحمد و هر سوره که خواهد بخواند و بعد از
سلام الحمد و توحید و معوذتین هر یک را چهار چهار بار بخواند و چهار مرتبه بگوید لا اله الا
الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و چهار
مرتبه بگوید الله الله ربی لا اشرک بربی احدا و بعد از آن هر دعا که کند مستجاب شود
و اما دعاهای ماه رجب در شب اول ماه این دعا را بخواند که از حضرت جواد ع مرویست و آن اینست
اللهم انی اسئلک بانک ملک و انک علی کل شیء مقتدر و انک ما تشاء من امر
یکون اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة یا محمد یا رسول الله انی اتوجه
بک الی الله ربک و ربی لینجح لی بک طلبتی اللهم بنبیک محمد و الائمة من اهل بیته
صلی الله علیهم انجح لی طلبتی و بعد از آن حاجت خود را بخواهد و در هر روز از این ماه
این دعا را بخواند یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة
منک سمع حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدک الصادقة و ایادیک
الفاضلة و رحمتک الواسعة و اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی
لی حوائجی فی الدنیا و الآخرة دعائی که ابن عیاش گوید از ناحیه مقدسه برون آمد بر دست شیخ ابو

بایدو بروایتی که
هر که آیة الکرسی را بخواند و ثوابش را
هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد
هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح کند
برای او تا روز قیامت و در روز
پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحب است
و در احادیث معتبره وارد شده است که
هر که را مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت
رسالت پناه را بیاد آورد که صعب
ترین مصیبتها است و در اخبار
بسیار وارد شده که هر که در وقت
مصیبت دست بر ران خود زند ثوابش
حبط میشود و نباید که شیون
و فریاد کند و واویلاه و وامصیبتاه
و واثکلاه بگوید و در حدیث معتبر
منقولست که هر که یک فرزند از
او بمیرد و صبر کند بهتر است از
برای او از آنکه هفتاد فرزند از برای
او بماند که همه سوار شوند و در راه
خدا جهاد کنند و منقولست که هر که
خدا او را دوست میدارد بهترین
فرزندان او را میگیرد و منقولست که
ثواب مؤمن از مردن

الفاسم بن حسین بن روح بیرون امد دعای ایام رجب بود و از اینست اللهم انی اسئلک بالمولودین
فی رجب محمد بن علی الثانی و ابنه علی بن محمد المنتجب و اتقرب بهما الیک خیر
القرب یا من الیه المعروف طلب و فیما لدیه رغب اسئلک سؤال معترف
مذنب قد اوبقته ذنوبه و اوثقته عیوبه فطال علی الخطایا دؤبه و عن
الرزایا خطوبه یسئلک التوبة و حسن الاوبة و النزوع عن الحوبة و من
النار فکاک رقبته و العفو عما فی ربقته فانت یا مولای اعظم امله و
ثقته اللهم و اسئلک بمسائلک الشریفة و وسائلک المنیفة ان تتغمدنی
فی هذا الشهر برحمة منک واسعة و نعمة وازعة و نفس بما رزقتها قانعة
الی نزول الحافرة و محل الاخرة و ما هی الیه صائرة و بسند معتبر منقولست که حضرت
صادق در هر روز ماه رجب این دعا را میخواندند خاب الوافدون علی غیرک
و خسر المتعرضون الا لک و ضاع الملمون الا بک و اجدب المنتجعون
الا من انتجع فضلک بابک مفتوح للراغبین و خیرک مبذول للطالبین
و فضلک مباح للسائلین و نیلک متاح للاملین و رزقک مبسوط لمن
عصاک و حلمک معترض لمن ناواک عادتک الاحسان الی المسیئین و
سبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم اهدنی هدی المهتدین و ارزقنی
اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی من الغافلین المبعدین و اغفر لی یوم الدین و ایضا
بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق عرض کرد فدای تو شوم اینماه
رجبست مرا تعلیم نما دعائی که حق تعالی مرا بان نفع بخشد حضرت فرمودند که در هر روز از ماه رجب
در صبح و پسین و بعد از همه نمازها و در شب و روز این دعا را بخوان یا من ارجوه لکل خیر
و امن سخطه عند کل شر یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سئله یا من

در آداب مصیبت

فرزندش بخشد اگر مصیبت خود را صبر کند و خواه
نکند و بسند معتبر منقولست که حضرت
صادق در وقت مصیبت این دعا
میخواندند الحمد لله الذی لم یجعل
مصیبتی فی دینی و الحمد لله الذی
لو شاء جعل مصیبتی اعظم مما
کانت و الحمد لله علی الامر الذی شاء
ان یکون فکان و باید که مردگان را
فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از عمل
خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان
و خویشان و برادران و برادر مؤمن
امیدوارند و احسان ایشان را چشم
براهند خصوصا دعا کردن در نماز
شب و بعد از نمازهای فریضه و در اماکن
مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران
دعا باید کرد و عمل خیر از برای ایشان بعمل
و در خبر است که بسا فرزندی که در
حال حیات پدر و مادر عاق ایشان
باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار
گردد بسبب اعمال خیری که برای ایشان
بعمل آورده و بسا فرزندی که در
حال الحیوة پدر

یعطی من لم یسئله و من لم یعرفه تحننا منه و رحمة اعطنی بمسئلتی ایاک جمیع
خیر الدنیا و جمیع خیر الاخرة و اصرف عنی بمسئلتی ایاک جمیع شر الدنیا و
شر الاخرة فانه غیر منقوص ما اعطیت و زدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش
مبارک را بدست چپ خود گرفتند و انگشت شهادت دست راست خود را بجانب راست و چپ حرکت
میدادند و این دعا را میخواندند با انگشت ابهام یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا النعماء
و الجود یا ذا المن و الطول حرم شیبتی علی النار و دست برنداشت تا از ابن ابی
نهد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده که حضرت صادق بمعلی بن خنیس گفت که در ماه
رجب این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک و عمل الخائفین
منک و یقین العابدین لک اللهم انت العلی العظیم و انا عبدک البائس
الفقیر و انت الغنی الحمید و انا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد و اله و
امنن بغناک علی فقری و بحلمک علی جهلی و بقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز
اللهم صل علی محمد و اله الاوصیاء المرضیین و اکفنی ما اهمنی
من امر الدنیا و الاخرة یا ارحم الراحمین و از روایت سید بن طاوس ره
ظاهر میشود که این دعا معتبرین دعاهاست و در همه اوقات میتوان خواند و از حضرت
رسول صلعم منقولست که در جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید استغفر
الله ربی و اتوب الیه پس دستها را بسوی اسمان بردارد و بگوید اللهم اغفر
لی و تب علی و استغفار در جمیع ایام سال سنتست و هزار مرتبه قل هو الله
احد در جمیع ماه سنتست و ثواب بسیار در ان وارد شده اگر خواهد در یکروز بخواند
و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا
منقولست که هر که هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه از برای او نوشته

در خیرات برای میت

و مادر نیکوکار بوده از فوت ایشان عاق گردد
باشد و بعد از فوت ایشان اگر عمل
بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان
بجا آورده و عمل خیر ایشان برای پدر و
مادر و سایر خویشان آنکه قرض
ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق
خدا و خلق بری بکنند و حج و سایر
عبادات اینکه از ایشان فوت شده باشد
بجا آورند یا باستیجار یا بتبرع
سعی کنند که منقولست که حضرت
و در حدیث صحیح منقولست
صادق در هر شب از برای فرزند خود و
در هر روز نماز برای پدر و مادر خود
دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول
انا انزلناه و در رکعت دوم
انا اعطیناه میخواندند و بسند صحیح
منقولست که بسا باشد که میت در تنگی
و شدت بوده باشد و حق تعالی او را وسعت
دهد و تنگی از او بر دارد و پس او را
گویند که این فرج که ترا داده
بسبب نماز یکی فلان برادر مؤمن
از برای تو بجا آورد و راوی پرسید
که دو میت را در یک نماز شریک
میتواند کرد فرمود

باب ۴ در اداب ماه رجب

می شود و حق تعالی در بهشت شهری از برای او بنا کند و شبهای این ماه صد مرتبه این استغفار
منقولست و در جمیع ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد استغفر الله الذی
لا اله الا هو وحده لا شریک له و اتوب الیه و در فضیلت ایام البیض ماه رجب
احادیث بسیار وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت
امام جعفر صادق منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که باحدی
از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده
که با امتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده
که مثل آن با امتهای پیش نداده است یس و تبارک و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند
میان این سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد پرسیدند چگونه جمع کند فرمود
که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر یک بعد از حمد این سه سوره
بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه
سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از حمد
این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و از حضرت صادق منقولست که
هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی هر روزی عبادت یکساله و روزه یکساله برای
او بنویسد و در قیامت او را در محل ایمان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و شب
پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد
و از حضرت رسول منقولست که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی
در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در سیزدهم و چهاردهم
رجب و پانزدهم رجب مشغول بعبادت شود شبها و روزها روزه بدارد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح و هر
روزی که روزه داشته هفتاد گناه از او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او برآورده شود در دنیا که

میت شاد میشود و فرح میابد با فرمود
بدعاء و استغفاری که برای او بکنند
چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که
از برای او ببرند و فرمود که بر میت داخل
میشود در قبرش نماز و روزه و حج و
تصدق و سایر عملهای خیر و دعا
و ثواب آن اعمال برای کسیکه کرده و
برای مرده هر دو نوشته میشود و در
حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان
از برای میت عمل صالحی بکند خدا
ثواب او را مضاعف میگرداند و میت
با آن عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد
شده است که هرگاه شخصی بنیت میتی
تصدق بکند حق تعالی جبرئیل را امر
میفرماید که با هفتاد هزار ملک بنزد
او بروند و هر یک طبقی در دست داشته باشند
از نعمتهای الهی و هر یک باو گویند السلام
علیک ای دوست خدا این هدیه
فلان مؤمن است از برای تو پس قبر او
روشن میشود و حق تعالی هزار شهر
در بهشت باو کرامت فرماید و هزار حوری
باو تزویج مینماید

از قبر بیرون آید و نزد صراط و نزد میزان رود و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل
آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کند در هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که
مستحق جهنم شده باشند و حق تعالی بنا کند از برای او هفتاد هزار شهر در جنات فردوس
که در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هفتاد هزار حوریه باشد و هر
حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و بدانکه عمده اعمال نصف رجب دعای ام داود است
که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای برآمدن حاجات
و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایتش آنست که مادر داود بن الحسن پسر زاده
امام حسن مجتبی دایه حضرت امام جعفر صادق و بشیر داود آنحضرت را شیر داده بود و چون محمد بن
عبدالله بن الحسن در مدینه خروج کرده بود و منصور دوانقی لشکر فرستاده او را کشتند
و ابرهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبدالله بن الحسن و جمعی از سادات را با غل و زنجیر
از مدینه بعراق بردند و او نیز در میان ایشان بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزندم گذشت
و از او خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع می کردم و از صلحا و نیکان استدعای دعا می کردم
و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر اجابتی ندیدم و گاهی خبر میرسید داود را کشتند و گاهی
می گفتند او را با پسران عم او زنده زیر عمارت گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من
بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید شدم تا آنکه روزی شنیدم حضرت
صادق را علتی عارض شده بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال گرفتم و دعا کردم و خواستم
برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را با آنحضرت داده بودم
چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست او در عراق محبوس است
و من از او قطع امید کردم و از شما التماس می کنم که او را دعا کنید که او برادر رضاعی شماست حضرت
فرمود که چرا غافلی از دعای استفتاح و دعائیکه درهای آسمان را برای

و هزار حله
باو میپوشاند و هزار حاجت او را برمیآورد
و در حدیث معتبر منقولست که شش خصلت
مؤمن میرسد بعد از وفات او اول فرزندی
از جهت او استغفار کند دوم مصحفی
کتاب علمیکه از او بماند بعد از او بخوانند سیم
درختیکه بکارد و مردم از او منتفع شوند
چهارم اینکه چاهی بسازد پنجم جامه که
نماید که مخلوق از او نفع برند ششم سنتیکه
مردم بان عمل نمایند از ارشاد و هدایت
ایشان یا تصنیف کتاب و مانند آن باب
پنجم در فضل روز جمعه و عملهائیکه
در این روز کرده میشود اما فضل روز
جمعه از خصایص پیغمبر صلی الله علیه و اله
مرویست که روز جمعه سید و بزرگ روز
هاست و این روز نزد خدا عظیم تر است از روز عید رمضان و عید قربان و در این
روز پنج خصلتست اول آنکه آدم را
خدای تعالی در این روز خلق کرد دویم
آنکه در این روز خدای آدم را بزمین
فرستاد سیم آنکه در این روز خدای
تعالی وحی فرستاد بآدم چهارم
آنکه آدم در این

در اعمال ام داود

برای او کشوده می شود و برای او استغفار می کنند و استقبال می کنند خواسته او را و او بشارت
می دهند او را باجابت و آن دعائیست که از مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و خواننده
او را ثوابی نیست بجز بهشت پس ام داود گفت ای فرزند طاهرین و راست گویان چگونه است
آن دعا حضرت فرمود ای ام داود ماه محترم یعنی ماه رجب نزدیک شده است و آن ماه
مبارک و حرمت عظیم است و دعاها در آن مستجابست چون آن ماه در آید سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم که ایام البیض است روزه بدار پس حضرت کیفیت عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این
دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن که می ترسم بدست کسی افتد که برای امر باطلی و نامشروعی
این دعا را بخواند بدرستی که این دعا شریف بسیار و مشتمل بر اسم اعظم خدا اگر هر که بخواند
البته حاجت او برآورده می شود و اگر دریا اسمان و زمین همه بسته شود یا دریاها حایل باشند
میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی حقتعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب و حاجت
ترا برمیاورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند خواه مرد و خواه زن و اگر جن و انس
همه دشمن فرزند تو باشند خداوند تعالی در کفایت شر ایشان می کند و زبان ایشان را می بندد
و ایشان را منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت و من
بخانه برگشتم چون ماه رجب داخل شد آنچه حضرت فرموده بود بعمل آوردم و در شب پانزدهم
نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار کرده قدری عبادت کردم و بخواب رفتم
و در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عباد را که من بر ایشان صلوات فرستاده
بودم و حضرت رسول صلعم بمن فرمود ای مادر داود بشارت باد ترا این جماعت که می بینی همه
برادران و یاوران و شفیعان تو اند و از برای تو طلب آمرزش می کنند و بشارت می دهند
ترا باینکه حاجت تو برآورده است پس بشارت ترا با آمرزش خدا و خوشنودی خدا و خدا از جزای
خیر دهد شاد باش که حقتعالی فرزند ترا حفظ می کند و بتو برمیگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب

در اعمال ماه رجب

بیدار شدم و بعد از آن بقدر زمانیکه سوار تندی از عراق بمدینه اید داود نزد من آمد و
گفت ای مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر بودم و ناامید
بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که ملکها زمین بست
شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردانی چند بودند
که سرهای ایشان در اسمان بود و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا می کردند
پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر و جامهایش بسیار پاکیزه در بر داشت کمان
کردم که حضرت رسالت پناه صلعم است خطاب کرد بمن که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه
که حقتعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم رسولان منصور دوانیقی
بدر زندان رسیده بطلب من آمده بودند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد تا زنجیرها را
برداشتند و ده هزار درهم که هزار تومان بود مجملا از زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر
شتر راهواری سوار کنند و بسرعت تمام بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را
بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت
امیرالمومنین ع را در خواب دید که باو فرمود رها کن فرزند مرا اگر رها نکنی ترا در آتش می
اندازم چون نظر کرد دریائی از آتش در زیر پا خود دید پس از وحشت بیدار شد و از کرده خود
پشیمان شد و ترا رها کرد اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که در ماه رجب روز سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم نزد زوال غسل بکن و بروایت دیگر
نزدیک بزوال غسل کن و چون معلوم شود زوال پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش
و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نباید که ترا مشغول سازد و با تو سخن گوید و هشت
رکعت نماز زوال را بعمل بیاور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور و بعد از نماز فریضه
ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین

وهشت رکعت نافله عصر را با آداب بجا آوری و در بعضی از روایات وارد شده که در هر رکعت از
نافله عصر بعد از حمد سوره قل هو الله احد سه مرتبه و یک مرتبه سوره انا اعطیناك
الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده که بر روی
حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه
آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها را یکمرتبه بخوان سوره انعام و کهف و بنی
اسرائیل و لقمن و یس و الصافات و حم سجده و حمعسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت
الواقعه و تبارك الذی بیده الملك و ن و القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر
نتوانی این سورها را از روی قرآن درست بخوانی در عوض هر یک هزار مرتبه قل هو الله
احد بخوان و شیخ مفید ره گفته است که اگر بدانی یا نتوانی این سورها را مخصوص بخوانی
صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و این
خوبست و در روایت دیگر وارد شده است که بعد از حمد صد مرتبه بگو سبحان الله و الحمد
لله و لا اله الا الله و الله اکبر بعد از آیه الکرسی صد مرتبه بگوید اللهم صل
علی محمد و آل محمد و اگر آیه الکرسی را نتواند درست بخواند صد مرتبه سوره الحمد
و هزار مرتبه سوره توحید بخواند و آیه الکرسی را بقرار ستکن تا هم فیها خالدون بخواند
و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی
القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله
شیء و هو السمیع البصیر العلیم الخبیر شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة
و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم و بلغت رسله
الکرام و انا علی ذلك من الشاهدین اللهم لك الحمد و لك المجد
و لك العز و لك الفخر و لك القهر و لك النعمة و لك العظمة و لك

الرحمة و لك المهابة و لك السلطان و لك البهاء و لك الامتنان و لك التسبیح
و لك التقدیس و لك التهلیل و لك التکبیر و لك ما یری و لك ما لا یری
و لك ما فوق السموات العلی و لك ما تحت الثری و لك الارضون السفلی و لك
الآخرة و الاولی و لك ما ترضی به من الثناء و الحمد و الشکر و النعماء
اللهم صل علی جبرئیل امینك علی وحیك و القوی علی امرك و المطاع فی سمواتك
و محال کراماتك المتحمل لکلماتك الناصر لانبیائك المدمر لاعدائك
اللهم صل علی میکائیل ملك رحمتك و المخلوق لرأفتك و المستغفر المعین
لاهل طاعتك اللهم صل علی اسرافیل حامل عرشك و صاحب الصور
المنتظر لامرك و الوجل المشفق من خیفتك اللهم صل علی عزرائیل ملك
الموت الموکل علی عبیدك و امائك المطیع فی ارضك و سمائك
قابض ارواح جمیع خلقك اللهم صل علی حملة عرشك الطاهرین
و علی ملائکة الذکر اهل التأمین علی دعاء المؤمنین و علی السفرة
الکرام البررة الطیبین و علی ملائکتك الکرام الکاتبین و علی ملائکة
الجنان و خزنة النیران و ملك الموت و الاعوان یا ذا الجلال و الاکرام
اللهم صل علی آدم بدیع فطرتك الذی اکرمته بسجود ملائکتك و
ابحته جنتك اللهم صل علی امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من
الدنس المفضلة من الانس المترددة بین محال القدس اللهم صل علی
هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابرهیم و اسمعیل و
اسحق و یعقوب و یوسف و الاسباط و لوط و شعیب و ایوب و موسی
و هرون و یوشع و میشا و الخضر و ذی القرنین و یونس و الیاس و الیسع

وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وذكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان اللهم صل على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم وصل على من سميت ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسئلك اللهم بكل ما سئلك به احد منهم من مسئلة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر

بادين

وشستن سر است بخطمی و تراشیدن سر و گرفتن ناخن و چیدن شارب است و خواندن دعا است در سر تراشیدن و ناخن گرفتن و شانه کردن ریش است و پاکیزه ساختن جامه و بدن و پوشیدن جامه فاخر و نظیف است و دعا خواندن است نزد بیرون آمدن از خانه و آن دعا اینست اللهم من تهیأ تا آخر و رفتن بمسجد است بسکینه و وقار و بیست رکعت نافله جمعه کردن است شش رکعت نزد پهن شدن آفتاب و شش رکعت نزد ارتفاع آفتاب و شش رکعت نزد رسیدن آفتاب بسمت الراس پیش از زوال و دو رکعت نزد زوال و سنت است در نماز ظهر که در روز جمعه یا نماز جمعه میگذارد خواندن سوره جمعه و منافقین و دعا کردن از برای نفس خود و مؤمنین کردن و در ساعت استجابت دعا که مذکور شد و شرح آن در اول باب گذشت و سنت است در نماز فجر جمعه صد نوبت سوره

يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا دائم يا قائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا راصد يا واحد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض يا منيب يا مبين يا ظاهر يا مجيب يا متفضل يا مستجيب يا عادل يا عادل يا بصير يا مؤمل يا مسدي يا اواب يا وافي يا راشد يا ملك يا رب يا مذل يا معز يا ماجد يا رازق يا ولي يا فاصل يا سبحان يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه سهل يسير ويا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا رازق من يشاء بغير حساب يا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم

دراو | واجد

و صد نوبت استغفار کردن و صد نوبت صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل او باین طریق که اللهم صل على محمد وال محمد وعجل فرجهم و در روز سنت است خواندن سوره نساء و هود و الکهف و الصافات و الرحمن و خواندن دعائی که در فصل مقدم مذکور شد و آن اینست که اللهم من تعبأ و هفت نوبت این دعا را خواندن و سنت است که اللهم انت ربي لا اله الا انت تا آخر و سنت در روز جمعه زیارت کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و در فصل زیارت آنرا ذکر خواهیم کرد انشاء الله تعالی و سنت است ختم کردن در روز جمعه و بعد از ختم قرآن دعای ختم قرآن علی ابن الحسین خواندن و ذکر آن در کتاب ... که ثواب قرائت سوره های قرآنیه در آن مذکور شد و در کتاب سفینه بغداد به سند آن ابن عباس منقول

یا حی حین لا حی یا حی یا محیی الموتی یا حی لا اله الا انت یا بدیع السموات و الارض
یا الهی و سیدی صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمداً و آل محمد و بارک
علی محمد و آل محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت علی ابرهیم و آل ابرهیم
انک حمید مجید و ارحم ذلی و فاقتی و فقری و انفرادی و وحدتی
و خضوعی بین یدیک و اعتمادی علیک و تضرعی الیک ادعوک
دعاء الخاضع الذلیل الخاشع الخائف المشفق البائس المهین الحقیر الجائع الفقیر
العائذ المستجیر المقر بذنبه المستغفر منه المستکین لربه دعاء
من اسلمته ثقته و رفضته احبته و عظمت فجیعته دعاء حرق حزین
ضعیف مهین بائس مسکین بک مستجیر اللهم و اسئلک بانک ملیک
و انک ما تشاء من امر یکن و انک علی ما تشاء قدیر و اسئلک بحرمة
هذا الشهر الحرام و البیت الحرام و البلد الحرام و الرکن و المقام و المشاعر
العظام و بحق نبیک محمد علیه و آله السلام یا من وهب لآدم شیثاً
و لابرهیم اسمعیل و اسحق یا من رد یوسف علی یعقوب و یا من کشف
بعد البلاء ضر ایوب یا راد موسی علی امه و یا زائد الخضر فی علمه
و یا من وهب لداود سلیمان و لزکریا یحیی و لمریم عیسی یا حافظ بنت
شعیب یا کافل ولد ام موسی ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لی
ذنوبی کلها و تجیرنی من عذابک و توجب لی رضوانک و امانک
و احسانک و غفرانک و جنانک و اسئلک ان تفک عنی کل حلقة
بینی و بین من یؤذینی و تفتح لی کل باب و تلین لی کل صعب
و تسهل لی کل عسیر و تخرس عنی کل ناطق بشر و تکف عنی کل باغ
و تکبت عنی کل عدو لی و حاسد و تمنع منی کل ظالم و تکفینی کل عائق

هفت نوبت بعد از نماز جمعه سورهٔ توحید بخواند تا جمعهٔ دیگر محفوظ میماند و در کتاب فضایل قرآن ابن ضریس مذکور داشته که کسی که در روز جمعه فاتحه و معوذتین و توحید را هفت بار بخواند تا جمعهٔ دیگر محفوظ است و در مسند ابی حنیفه از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که بعد از نماز جمعه از مجلس خود بر نخواسته هفت بار توحید و هفت بار معوذتین بخواند تا جمعهٔ دیگر محفوظ است و در خزاین مذکور است از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که کسیکه در روز جمعه چون سلام بدهد و هنوز عطف رجلین خود نکرده باشد سورهٔ فاتحه و توحید و معوذتین را هفت بار بخواند خدای تعالی گناهان گذشته و آیندهٔ او را می آمرزد و در جامع ابن وهب حدیثی مرفوع هست که مضمون آن اینست که کسی روز جمعه نزد تسلیم امام پیش منعطف ساختن پای خود ...

بخواند

بینی و بین ولدی و تحاول ان یفرق بینی و بین طاعتک و یثبطنی عن عبادتک
یا من الجم الجن المتمردین و قهر عتاة الشیاطین و اذل رقاب المتجبرین
و رد کید المتسلطین عن المستضعفین اسئلک بقدرتک علی ما تشاء و تسهیلک
لما تشاء کیف تشاء ان تجعل قضاء حاجتی فیما تشاء پس بسجده رود و پهلوی
روی خود را بر خاک بگذارد و بگوید اللهم لک سجدت و بک امنت فارحم ذلی
و فاقتی و اجتهادی و تضرعی و مسکنتی و فقری الیک یا رب پس حضرت فرمود
که سعی کن که آب از دیدهات بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی باشد که آن علامت استجابت
دعاست و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده این دعا را بخواند اللهم لک سجدت
و بک امنت فارحم ذلی و خضوعی بین یدیک و فقری و فاقتی الیک و ارحم
انفرادی و خضوعی و خشوعی و اجتهادی بین یدیک و توکلی علیک
اللهم بک استفتح و بک استنجح و بمحمد عبدک و رسولک و آله اتوجه الیک
اللهم سهل لی کل حزونة و ذلل لی کل صعوبة و اعطنی من الخیر اکثر
مما ارجو و عافنی من الشر و اصرف عنی السوء یا قاضی حوائج الطالبین اقض
حاجتی بلطفک یا خفی الالطاف و در روایت معتبره وارد شده که ام داود
بحضرت عرض کرد که ای سید و آقای من این دعا را آیا در غیر ماه رجب میتوان خواند فرمود
بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر اتفاق افتد که روز جمعه باشد نمیشود فارغ شد صاحبش
مگر آنکه خدای تعالی می آمرزد او را و در هر ماه که باشد ایام البیض اگر ماهرا روزه بدارد
و در روز پانزدهم این دعا را بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش بر آورده میشود و در
روایت دیگر وارد شده است که در روز عرفه و هر روز که باشد این دعا را بخواند
حاجتش بر آورده میشود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام

البیض او را روزه بدارد و روز پانزدهم این عمل را بجا آورد مطلوب او بر حاصل میگردد و در بعضی روایت است
که اگر روز عرفه و روز جمعه و سایر ایام متبرکه نیز این عمل را بجا آورد خوب باشد و اگر در
غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و ماه رجب و محرم است این دعا را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر
بگوید بحرمة شهر الحرام و هذا بهتر باشد فایده در بیان احوال پیغمبران که در این
دعا مذکور است و ابدال و سیاح و غیرهم چنانچه در کتاب عمده و کتاب شذور العقود
و مفاتیح التنزیل مذکور است آنست که آدم نهصد و سی سال عمر کرد و از دنیا رحلت نکرد تا
آنکه ولد و ولد ولد او بچهل هزار رسید و حوا بعد از آدم یکسال زنده بود و چون حوا فوت شد
او را با آدم دفن کردند چون هابیل قابیل را کشت پوست او سیاه شد شیث پنج سال بعد از
هابیل متولد شد و از اولاد آدم غیر از شیث عقب نگذاشت و انساب جمیع مردم باو
منتهی میشود و عمر او نهصد و دوازده سال بود و ادریس که اخنوخ عبارت از آنست
بعد از سیصد و شصت سال باسمان رفت و پدر او الیارد نام داشت و نوح پسر ملکست و عمر
او چهار صد و پنجاه سال بود و هود بن سالخ هشتصد و هفت سال عمر داشت و صالح
از اولاد ثمود است و پدر او عاد بن ارم بن سام است و آنحضرت در مکه فوت شد و عمر او
پنجاه و هشت سال بود و ابرهیم بن تارخ صد و هفتاد و پنج سال عمر او بود و اسمعیل صد و
بیست سال عمر او بود و حضرت ابرهیم هشتاد و چهار سال عمر داشت که اسمعیل متولد
شد و اسحق را صد و هشتاد عمر بود و حضرت ابرهیم صد ساله بود که اسحق متولد شد و یعقوب
بن اسحق را صد و چهل و شش سال عمر بود و جمیع اسباط از نسل او بهم رسیدند یوسف
صد و بیست سال عمر داشت و اسباط دوازده نفر بودند از اولاد یعقوب و لوط پسر خاله
حضرت ابرهیم و بعضی گفته اند که پسر خاله او بود اول کسیکه ایمان با برهیم آورد او بود
و شعیب عمر کشتیار کرد و دختر لوط در حباله او بود و ایوب بن اموص لیا را که دختر یعقوب بود

در حبا

صلوات بر
محمد و آل محمد بفرستد برای او
میکند باعتقاد درکشتار و از حضرت
صادق مرویست که کسی که بعد از نماز
صبح و بعد از نماز جمعه بگوید اللهم
اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک
و رسلک علی محمد و آل محمد یک
بر او گناه نویسند و نیز از آنحضرت
مرویست که کسی در روز جمعه بعد از
نماز ظهر الحمد و قل قل ربع را که آن
قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس است هر کدام را هفت بار بخواند
و آخر سوره برائت که آن آیه لقد
جاءکم رسول من انفسکم
عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم
بالمؤمنین رءوف رحیم فان تولوا
فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه
توکلت و هو رب العرش العظیم تا
آخر سوره حشر که آیه لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا
متصدعا من خشیة الله و تلک
الامثال نضربها

در حباله خود در آورد و این زن بود که ایوب او را ضغث یعنی یک دسته چوب که صد شمراخ
بود بر حد زد که ایوب سوگند خورده بود که او را بزند و مادر ایوب دختر لوط بود
و موسی را صد و بیست عمر بود و هرون را صد و بیست و سه سال عمر بود و آنحضرت سه سال
پیش از موسی فوت شد و یوشع بن نون و نون پسر افراهیم بن یوسف بود و منشا
پسر یوسف بود و او را پسری بود موسی نام که پیش از موسی بن عمران بود و خضر بن ملکان
و ملکان پسر فانع بن هود بود و ذو القرنین جمیع دنیا را مالک شد و یونس بن متی را
خدای تعالی باهل نینوی که از زمین موصل است فرستاد و الیاس از سبط یوشع بن نون
بود و الیسع شاگرد الیاس بود و خدای تعالی او را بعد از الیاس پیغمبر کرد و ذو الکفل
پیغمبری بود که پیش از عیسی مبعوث شد و بعضی گفته اند او را بواسطه آن ذو الکفل گفتند
که کفیل هفتاد پیغمبر شد و ایشان را از عدو خلاص کرد و طالوت چون بسیار طویل القامه بود
او را طالوت نام کردند داود دختر او را در حباله خود در آورد و او از فرزندان ابن یامین
بن یعقوب بود و داود صد و چهل سال عمر کرد و سلیمان پنجاه و سه سال عمر کرد و آنحضرت
سیزده ساله بود که پادشاه شد و زکریا بن داود بود و نه سال عمر کرد و شعیبا موسی را
خدای تعالی بر قومی فرستاد آن قوم او را شهید کردند و خدای تعالی ایشان را هلاک کرد و
یحیی و عیسی پسر خاله یکدیگر بودند و نوح عیار تست از متی که پدر یونس است و ارمیا را
خدای تعالی فرستاد بر بیت المقدس و قوم او باو ایمان نیاوردند پس خدای تعالی بخت النصر را
بر ایشان مسلط کرد و ارمیا بسوی مصر رفت و باز به بیت المقدس بر گشت و توشه او انگور و
انجیر بود خدای تعالی صد سال او را میراند و بعضی گفته اند که او عزیر بود و حیوق و در بعضی
از نسخ حیوقست و او پیغمبری بود که بعد از موسی مبعوث شد و بر شریعت موسی بود
و بخت النصر دانیال و عزیر هر دو را اسیر کرد و خدای تعالی هر دو را از او نجات داد و یهود گفتند

لناس لعلهم
یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو
الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو
الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما
یشرکون هو الله الخالق الباری المصور
له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی
السموات و الارض و هو العزیز
الحکیم تا آخر سوره بخواند و پنج آیه
از سوره آل عمران که آن ان فی خلق
السموات و الارض و اختلاف اللیل
و النهار لآیات لاولی الالباب الذین
یذکرون الله قیاما و قعودا و
علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق
السموات و الارض ربنا ما خلقت
هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب
النار ربنا انک من تدخل النار
فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار
ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا
فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا
سیئاتنا و توفنا

که عزیر پسر خدا است بواسطه آنکه توریه را اقامت کرد از برای بنی اسرائیل بعد از آنکه او را سوخته
بودند و عیسی ع در سیزده سالگی با او وحی فرستاد و در سی و سه سالگی باسمان رفت و
عمران بن ماثان جد او بود و حنانه مادر مریم جده او بود و شمعون بن حمون صفا وصی
عیسی بود و جرجیس از اهل فلسطین بود و حق تعالی او را بعد از حضرت عیسی ع بسوی
ملک موصل مبعوث ساخت اسم حواریان از برای اصحاب حضرت عیسی است که مخصوص
عیسی بودند و ایشان دوازده نفر بودند بعضی از ایشان لوقا و مرقابولس و یوحنا و متی
بودند و بعضی از ایشان رسولان حضرت عیسی ع بودند بسوی اهل انطاکیه چنانچه حق تعالی
فرموده وارسلنا الیهم اثنین فکذبوهما فعززنا بثالث وان ثالث شمعون بود که سرکرده
حواریین بود و بعضی گفته اند که آن ثالث یونس بود و بعضی گفته اند هلوم بود و بعضی
گویند دو رسول دیگر صادق و صدوق بودند پس این اسم را استعمال کردند در هر کسی
که شبیه باشد بایشان از مصدقان خالد بن سنان العبسی از عرب بود و بعد از عیسی مبعوث
شد حنظله بن صفوان در زمان فترت میان حضرت عیسی و محمد ع بود ابدال عبارتست از
عابدان و از حضرت علی ع مرویست که ابدال در شام می باشند و ایشان برگزیده خیدند که بعضی
بدل بعضی دیگر می باشند و اوتاد خلاصه ابدالند و سیاح جماعتی می باشند که در
زمین سیر می کنند بجهه عبادت الهی و در این امت عبادت روزه دارانند صائم را سایح
بواسطه شباهت او بسایح در زمین بی زاد و توشه زیرا که صائم نیز نفس را در مشقت خود
می گذارد و بعضی گفته اند که زمین خالی نیست از قطب و چهار وتد و چهار بدل و هفتاد
نجیب و سیصد و شصت صالح قطب حضرت صاحب الزمانست و اوتاد کمتر از چهار کس نیستند زیرا
که دنیا چون خیمه ایست و حضرت مهدی ع مثل عمود است و این اربعه طنابهای آن خیمه می باشند
و گاه باشد که اوتاد زیاده از چهار باشند و ابدال زیاده از چهل و نجبا زیاده از هفتاد باشند و

و صلحا زیاده از سیصد و شصت باشند و ظاهر آنست که خضر و الیاس از جمله اوتادند و ملحوظ میباید بود که
قطب در صفات و اوتاد آنست که یک طرفة العین از خدای خود غافل نشوند و از دنیا هیچ جمع
نکنند و هفوات و آثام بشر از ایشان صادر نشود و عصمت در ایشان شرط نیست اما
در قطب عصمت شرطست و اما ابدال در مرتبه ادون از اوتادند و گاه هست که از ایشان
غفلتی واقع شود پس تدارک کنند آن غفلت را بذکر و عمدا از ایشان گناهی سر نمیزند و اما
نجباء در مرتبه ادون از ابدالند و اما صلحا عبارت می باشد از متقیانی که موصوفند بعدالت
و گاه هست از ایشان گناهی صادر شود و باستغفار و پشیمانی تدارک آن کنند چنانچه خدا تعالی
فرموده است ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون
خدا تعالی همه را هدایت براه راست نماید باب ۲۴ روز بیست و هفتم این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و روزیست که
حضرت رسول برسالت در این روز مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل
شد و شبش نیز شب بسیار مبارکی است و بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه
رجب شبی هست از برای مردم بهتر است از آنچه آفتاب بران می تابد و آن شب بیست و هفتم این
ماه است و در صبح آن شب حضرت رسول ص برسالت مبعوث گردید و کسی که عبادت کند این
شب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا باو عطا کند پرسیدند عمل آن شب چیست فرمودند که
چون نماز خفتن کردی بخواب و هر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن
برخیز و دوازده رکعت نماز کن بطریقیکه گذشت و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر
منقولست که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد و در
هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه سوره فلق و چهار مرتبه سوره الناس و توحید بخوان و چون
از دوازده رکعت فارغ شدی در همان مکان چهار مرتبه بگو لا اله الا الله والله اکبر
والحمد لله و سبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی طلب

روز جمعه
ثم ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلک
ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف
المیعاد بخواند خدای تعالی کفایت امور او
کند از این جمعه تا جمعه دیگر و از جمله
انچیزی که مخصوص است بتعقیب نماز
جمعه اینست که یکبار الحمد بخواند و
هفت بار توحید بخواند و هفت بار قل اعوذ
دیگر الحمد بخواند و یکبار الحمد
برب الفلق بخواند و هفت بار قل اعوذ برب الناس
بخواند و بعد از آن بگوید اللهم
اجعلنی من اهل الجنة حشوها
البرکة و عمارها الملائکة
مع نبینا محمد و ابینا ابرهیم و بعد از ان
بگوید اللهم صل علی محمد و
ال محمد حتی لا یبقی صلوة اللهم
و بارک علی محمد و ال محمد حتی
لا یبقی برکة اللهم و سلم علی
محمد و ال محمد حتی لا یبقی سلام
اللهم وارحم محمدا و ال محمد حتی
لا یبقی رحمة و این صلوات را
بروایت دیگر

باب ۴۹ در اعمال بیست هفتم رجب

براورده است مؤلف گوید هر یک ازاین دو روایت اگر عمل نماید خوبست و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر
نماز نصف شب مار جبرا که بسند صحیح وارد شده چنانکه گذشت در این شب بجا آورد خوبست و در آن روایت
وارد شده که در این شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی ره گفته است که غسل در این شب سنت است و زیارت
حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین در این شب مناسب است و این دعا نیز وارد شده که در این شب
بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّی الْاَعْظَمِ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ
وَالْمُرْسَلِ الْمُكَرَّمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنا ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ
مِنّا یا مَنْ یَعْلَمُ وَلا یُعْلَمُ اَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا فی لَیْلَتِنا هٰذِهِ الَّتی بِشَرَفِ الرِّسالَةِ
فَضَّلْتَها وَبِكَرامَتِكَ اَجْلَلْتَها وَبِالْمَحَلِّ الشَّریفِ اَحْلَلْتَها اَللّٰهُمَّ فَاِنّا
نَسْئَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّریفِ وَالسَّیِّدِ اللَّطیفِ وَالْعُنْصُرِ الْعَفیفِ اَنْ تُصَلِّیَ
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمالَنا فی هٰذِهِ وَفی سائِرِ اللَّیالی مَقْبُولَةً
وَذُنُوبَنا مَغْفُورَةً وَحَسَناتِنا مَشْكُورَةً وَسَیِّئاتِنا مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنا بِحُسْنِ
الْقَوْلِ مَسْرُورَةً وَاَرْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ بِالْیُسْرِ مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَریٰ
وَلا تُریٰ وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلیٰ وَاِنَّ اِلَیْكَ الرُّجْعیٰ وَالْمُنْتَهیٰ وَاِنَّ لَكَ
الْمَماتَ وَالْمَحْیا وَاِنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ وَالْاُولیٰ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَ
نَخْزیٰ وَاَنْ نَأْتِیَ ما عَنْهُ تَنْهیٰ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعیذُ
بِكَ مِنَ النّارِ فَاَعِذْنا مِنْها بِقُدْرَتِكَ وَنَسْئَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعینِ فَارْزُقْنا
بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ اَوْسَعَ اَرْزاقِنا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنا وَاَحْسَنَ اَعْمالِنا عِنْدَ
اقْتِرابِ آجالِنا وَاَطِلْ فی طاعَتِكَ وَما یُقَرِّبُ اِلَیْكَ وَیُحْظی عِنْدَكَ وَ
یُزْلِفُ لَدَیْكَ اَعْمارَنا وَاَحْسِنْ فی جَمیعِ اَحْوالِنا وَاُمُورِنا مَعْرِفَتَنا وَلا تَكِلْنا
اِلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَیَمُنَّ عَلَیْنا وَتَفَضَّلْ عَلَیْنا بِجَمیعِ حَوائِجِنا لِلدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ

وَابْدَءْ بِآبائِنا وَاُمَّهاتِنا وَاَبْنائِنا وَجَمیعِ اِخْوانِنَا الْمُؤْمِنینَ فی جَمیعِ ما
سَئَلْناكَ لِاَنْفُسِنا یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
الْعَظیمِ وَمُلْكِكَ الْقَدیمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا
الذَّنْبَ الْعَظیمَ فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظیمَ اِلَّا الْعَظیمُ اَللّٰهُمَّ وَهٰذا
رَجَبُ الْمُكَرَّمُ الَّذی اَكْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ اَكْرَمْتَنا بِهِ
مِنْ بَیْنِ الْاُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ یا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَ
بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذی خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ
فی ظِلِّكَ فَلا یَخْرُجُ مِنْكَ اِلیٰ غَیْرِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ
الطّاهِرینَ وَاَنْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلینَ فیهِ بِطاعَتِكَ وَالْاٰمِلینَ فیهِ
بِشَفاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنا اِلیٰ سَواءِ السَّبیلِ وَاجْعَلْ مَقیلَنا عِنْدَكَ
خَیْرَ مَقیلٍ فی ظِلٍّ ظَلیلٍ وَمُلْكٍ جَزیلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكیلُ
اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنا مُفْلِحینَ مُنْجِحینَ غَیْرَ مَغْضُوبٍ عَلَیْنا وَلَا ضالّینَ بِرَحْمَتِكَ یا
اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِواجِبِ رَحْمَتِكَ
السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَالْغَنیمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ
مِنَ النّارِ اَللّٰهُمَّ دَعاكَ الدّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَئَلَكَ السّائِلُونَ
وَسَئَلْتُكَ وَطَلَبَ اِلَیْكَ الطّالِبُونَ وَطَلَبْتُ اِلَیْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
الثِّقَةُ وَالرَّجاءُ وَاِلَیْكَ مُنْتَهَی الرَّغْبَةِ وَالدُّعاءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلیٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْیَقینَ فی قَلْبی وَالنُّورَ فی بَصَری وَالنَّصیحَةَ فی صَدْری
وَذِكْرَكَ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهارِ عَلیٰ لِسانی وَرِزْقاً واسِعاً غَیْرَ مَمْنُونٍ وَلا
مَحْظُورٍ فَارْزُقْنی وَبارِكْ لی فیما رَزَقْتَنی وَاجْعَلْ غِنایَ فی نَفْسی وَرَغْبَتی

در اعمال روز بیست و هفتم رجب

فیما عندک برحمتک یا ارحم الراحمین پس بسجده رود و بگو الحمد لله الذی
هدانا لمعرفته وخصنا بولایته ووفقنا لطاعته پس صد مرتبه بگوید
شکراً شکراً پس سر از سجده بردارد و بگو اللهم انی قصدتک
بحاجتی واعتمدت علیک بمسئلتی وتوجهت الیک بائمتی وسادتی
اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا
الجنة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین و در روز بیست و هفتم غسل
سنت است و کیفیت دوازده رکعت نماز او گذشت و بهتر آنست که بعد از هر دو رکعت
این دعا را بخوانی الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریک فی
الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیراً یا عدتی فی مدتی یا
صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی
حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت
الساتر عورتی فلک الحمد وانت المقیل عثرتی فلک الحمد وانت
المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد وآل محمد واستر عورتی و
آمن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب
الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون واما ثواب روزه آن از حضرت
رسالت صلی الله علیه وآله منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان را بداند و وصل نماید
روزه این دو ماه را بماه مبارک رمضان اینها های مبارک روز قیامت گواهان
او خواهند بود در نزد حق تعالی و در آن روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب
و شعبان و رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شما و طاعت او از برای
خدا همان ماهها گویند که بنده تو توشه گرفت از ما از برای اطاعت تو و استمداد

دعای روز جمعه (در حاشیه):
وانت العزیز الحکیم سبحانک
لا اله الا انت یا حنان یا منان یا بدیع
السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام
صل علی محمد وآل محمد وسلم تسلیماً
کثیراً کثیراً و بعد از آن از روی خضوع
و خشوع بدل ملتفت بگوید که اللهم
انی اسئلک بحق محمد وانت المحمود
و بحق علی وانت الاعلی و بحق فاطمة
وانت فاطر السموات والارض و
بحق الحسن وانت المحسن و بحق
الحسین وانت قدیم الاحسان ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان
تقبل دعائی وتغفر ذنوبی و
تقضی حاجتی بحق محمد وآله اجمعین
الحمد لله الذی علا فقهر الحمد لله
الذی ملک فقدر الحمد لله الذی
بطن فخبر الحمد لله الذی یحیی الموتی
ویمیت الاحیاء وهو علی کل شیء
قدیر و سوره حمد و توحید را بخواند
و بگوید یا من هو اقرب الیه
من حبل الورید یا من یحول بین
المرء وقلبه

در اداب ماه رجب

فضل و رحمتهای تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل
محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکلند بر این ماهها که ما نیافتیم این بنده را
مگر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو و امیدوار رحمت و آمرزش تو و آنچه را نهی کرده
بودی ترک کرد و آنچه از او طلبیده بودی بسوی آنها مسارعت نمود و روزه کامل داشت
از برای تو و شکم و فرج و چشم و گوش و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب
اجتناب کرد و روزها بر تشنگی بشب رسانید و در شبها خود را بتعب افکند برای بندگی
تو و تصدق بفقرا و مساکین بسیار کرد و احسان نسبت بایشان بسیار نمود و با این ماهها مصاحبت
نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن این ماهها پیرامون محرمات
تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید ببرید این بنده را که بسوی بهشت استقبال
کنند او را ملائکه خدا بتحفها و کرامتها او را بر شتران و اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی
نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سرائی که جوانانش هرگز پیر نمیشوند و
شادی و خوشنودی او زوال ندارد و هرگز ایشان را تعب نمی باشد و از عذاب ایمن می گردند
و مشقت حساب بر ایشان نیست و ایضاً از آنحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی
و فضیلت آن نمیرسد و قتال با کافران در این ماه حرامست و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست و رمضان
ماه امت منست کسی که یکروز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب
الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بروی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن
جعفر ع منقولست که هر که یکروز از ماه رجب را روزه دارد آتش جهنم یکسال راه از او دور گردد
و هر که سه روز از او را روزه دارد بهشت از برای او واجب شود و فرمود که رجب نام نهریست
در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و هر که یکروز از ماه رجب را روزه دارد البته از آن
نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه رجب ماه استغفار

دعای روز جمعه (در حاشیه):
یا من هو
بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله
شیء وهو السمیع البصیر و دعای
سمات را بخوان و آن اینست که
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک باسمک العظیم
الاعظم الاعز الاجل
الاکرم الذی اذا دعیت به
علی مغالق ابواب السماء للفتح
بالرحمة انفتحت واذا دعیت به
علی مضائق ابواب الارض للفرج
انفرجت واذا دعیت به علی
العسر للیسر تیسرت واذا دعیت
به علی الاموات للنشور انتشرت و
اذا دعیت به علی کشف البأساء
والضراء انکشفت وبجلال
وجهک الکریم اکرم الوجوه الذی
عنت له الوجوه وخضعت له الرقاب
وخشعت له الاصوات ووجلت
له القلوب من مخافتک وبقوتک
التی تمسک السماء ان تقع علی
الارض الا باذنک وتمسک السماء
والارض

باب نهم در اعمال ماه رجب

[illegible]

آمرزشست پس بسیار طلب آمرزش کنید در اینماه که خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بسیار ریخته میشود پس بگوئید استغفر الله و اسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که سه روز از ماه رجب را روزه دارد هفت در جهنم بروی وی بسته گردد و هر که هشت روز از او روزه بگیرد هشت در بهشت بروی او گشاده گردد و هر که پانزده روز از او روزه بدارد خدا حساب او را آسان کند و هر که جمیع ماه رجب را روزه دارد حقتعالی خوشنودی خود را از برای او بنویسید و هر که او را عذاب نکند و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در اینماه گفتم نه ای فرزند رسول خدا فرمود آنقدر ثواب از تو فوت شده که قدر آنرا غیر از خدا کسی نمیداند بدرستیکه این ماهی است که خداوند از باقی ماهها دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده و برای روزه داشتن گرامی داشتن آنرا بر خود واجب گردانیده پس گفتم یا بن رسول الله در باقی مانده این ماه روزه بدارم آیا ببعضی ثواب روزه داران فایز میگردم فرمود ای سالم هر که یک روز از آخر اینماه را روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر اینماه را روزه بدارد بر صراط بآسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه را روزه بدارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای آنروز و برات بیزاری از آتش جهنم بوی عطا کند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که هر که یک روز از اول یا از وسط یا از آخر آنرا روزه دارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و هر که یکشب از اینماه را احیا کند حقتعالی او را از جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق هفتاد مرد گناهکار و هر که در اینماه تصدقی از برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده و گوشی نشنیده

وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكًا وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا وَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا

وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا

و بر خاطر احدی خطور نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق روایت شده است که چون روز قیامت شود منادی از جانب عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای ایشان جمیع محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد ترا اکرام حقتعالی ای بنده خدا و خداوند رحمن ندا کند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند که شما را در ماوی نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از غرفهای بهشت که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو مزدیست مزد کارکنان از برای من پی آنکه واجب گردانم بر شما روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس آنحضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسی است که چیزی از ماه مبارک را روزه دارد اگر چه یک روز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا مرویست که هر که روز اول ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز او را روزه دارد خدای تعالی بغایت از او خوشنود و راضی باشد و او را خوشنود گرداند و هر که سه روز او را روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی گرداند روز قیامت و هر که هفت روز او را روزه دارد چون بمیرد درهای آسمان برای روح او گشاده گردد تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز او را روزه بدارد هشت در بهشت بروی او گشاده شود و هر که پانزده روز او را روزه بدارد هر حاجتی که از حقتعالی بخواهد بر آورد مگر آنکه سؤال او برای گناهی یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام اینماه را روزه بدارد از گناهان بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده و از آتش جهنم آزاد گردد

تجميع الناس

أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى ابْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّينَ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ وَجَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ

وداع

در اعمال ماه رجب

و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و در روز بیست و هفتم رجب غسل سنت و روزه این
فضیلت بسیار دارد و بسندهای معتبر از حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است
با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال و ایضا منقولست بسند معتبر از حضرت امام رضا
که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب روزه دارد کفاره نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست
و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه او گردد و هر که روز سی ام این ماه را روزه بدارد
حقتعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز آخر ماه نماز سلمان سنتست و احادیث
در این باب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در خاتمه در بعضی از روایات معتبره
وارد شده است که بدل روزه مستحبی یک درهم تصدق کند که موافق روایتها این زمان تقریبا
هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یک مد گندم یا جو وارد شده است
و احوط در مد صد درم شاه است و ظاهرا صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص
ماه مبارک رجب بدل یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه
پریشان باشد و قادر بر درهم و مد نباشد و ایضا در خصوص روزه ماه رجب از حضرت
رسول صلعم وارد شده است که اگر قادر بر روزه نباشد بعوض او هر روز این تسبیح را بخواند
تا ثواب روزه را بیابد سُبْحَانَ الْاِلٰهِ الْجَلِیلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَنْبَغِی التَّسْبِیحُ اِلَّا لَهُ
سُبْحَانَ الْاَعَزِّ الْاَکْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ و در روایات
معتبره وارد شده که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده
باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از روزه داشتن است
هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است برابر یکسال روزه است و زنان
روزه سنت نگیرند بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر
و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب

فی طور سیناء عَلَیْهِ السَّلَامُ
وَلِاِبْرٰهِیمَ خَلِیلِکَ عَلَیْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِی
مَسْجِدِ الْخَیْفِ وَلِاِسْحٰقَ صَفِیِّکَ عَلَیْهِ
السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِی الْمَسْجِدِ الْخَیْفِ
فِی بِئْرِ شَیْعٍ وَلِیَعْقُوبَ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ السَّلَامُ
فِی بَیْتِ اِیلٍ وَاَوْفَیْتَ لِاِبْرٰهِیمَ عَلَیْهِ السَّلَامُ
بِمِیثَاقِکَ وَلِاِسْحٰقَ بِحَلْفِکَ وَلِیَعْقُوبَ
بِشَهَادَتِکَ وَلِلْمُؤْمِنِینَ بِوَعْدِکَ
وَلِلدَّاعِینَ بِاَسْمَائِکَ فَاَجَبْتَ وَ
بِمَجْدِکَ الَّذِی ظَهَرَ لِمُوسَی ابْنِ عِمْرَانَ
عَلَیْهِ السَّلَامُ عَلٰی قُبَّةِ الرُّمَّانِ
وَبِآیَاتِکَ الَّتِی وَقَعَتْ عَلٰی اَرْضِ
مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ بِآیَاتٍ
عَزِیزَةٍ وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِعِزَّةِ
الْقُدْرَةِ وَبِشَأْنِ الْکَلِمَةِ
التَّامَّةِ وَبِکَلِمَاتِکَ الَّتِی
تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلٰی اَهْلِ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ وَاَهْلِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ
وَبِرَحْمَتِکَ الَّتِی مَنَنْتَ بِهَا عَلٰی جَمِیعِ
خَلْقِکَ وَبِاسْتِطَاعَتِکَ الَّتِی
اَقَمْتَ بِهَا الْعَالَمِینَ وَبِنُورِکَ
الَّذِی قَدْ خَرَّ

و بآیاتک التی وقعت علی ارض مصر

در اعمال ماه شعبان

نیست و مشهور میان علماء آنست که سنت روزه مملوک بی اذن مالک باطل است و همچنین روزه
سنت زن بی اذن شوهر صحیح نیست و در روزه فرزند اگر سنت باشد مکروه است بی اذن پدر
و مادر و باطل نیست و بعضی گفته اند بی رخصت پدر و مادر باطل است و در روزه سنت مهمان
بدون رخصت میهماندار خلافست و احوط آنست که مهمان و مهماندار بی رخصت یکدیگر روزه مستحب ندارند
اگرچه اظهر آنست که مکروه است باب پنجاهم در اعمال ماه شعبان اما نمازهای آن از پیغمبر مرویست که
هر که در شب اول از این ماه صد رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و توحید یکبار و چون
سلام دهد پنجاه مرتبه سوره فاتحه بخواند دفع می کند خدای تعالی از او شر اهل آسمان و زمین را
شب دویم هر که در این شب پنجاه رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکمرتبه و توحید و معوذتین
هر کدام یکمرتبه بخواند تا سال دیگر بر او گناهی ننویسند و خدای تعالی او را از عبادت اهل
آسمان و زمین بهره کرامت کند پس آنحضرت برای این نماز ثواب بسیار ذکر فرمود شب سیم هر که در این
شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه توحید بخواند درهای بهشت برای
او گشوده شود و درهای جهنم بروی او بسته شود شب چهارم هر که در این شب چهل رکعت
نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه توحید بخواند خداوند عالم بعدد هر رکعت
ثواب هزار سال عبادت از برای او بنویسد شب پنجم هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت
الحمد یکمرتبه و توحید پانصد بار بخواند و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل او
فرستد خدای تعالی هزار حاجت او را از حوائج دنیا و آخرت برآورد و در شب ششم هر که در این
شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و ده مرتبه توحید بخواند خدای تعالی قبض روح
او کند بر سعادت و قبر او را فراخ و نورانی گرداند و او را مبعوث سازد در حالتیکه [illegible]
باشد شب هفتم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد و صد مرتبه توحید و در رکعت
دویم یکمرتبه الحمد و یکمرتبه آیة الکرسی بخواند خدای تعالی دعای او را مستجاب گرداند و حوائج او را

مِنْ فَزَعِهِ طُورُ
سَیْنَاءَ وَبِعِلْمِکَ وَجَلَالِکَ وَ
کِبْرِیَائِکَ وَعِزَّتِکَ وَجَبَرُوتِکَ
الَّتِی لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْاَرْضُ وَ
انْخَفَضَتْ لَهَا السَّمٰوَاتُ وَانْزَجَرَ
لَهَا الْعُمْقُ الْاَکْبَرُ وَرَکَدَتْ لَهَا
الْبِحَارُ وَالْاَنْهَارُ وَخَضَعَتْ لَهَا
الْجِبَالُ وَسَکَنَتْ لَهَا الْاَرْضُ
بِمَنَاکِبِهَا وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ
کُلُّهَا وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّیَاحُ فِی
جَرَیَانِهَا وَخَمَدَتْ لَهَا النِّیرَانُ فِی
اَوْطَانِهَا وَبِسُلْطَانِکَ الَّذِی عُرِفَتْ
لَکَ بِهِ الْغَلَبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ وَ
حُمِدْتَ بِهِ فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِینَ
وَبِکَلِمَتِکَ کَلِمَةِ الصِّدْقِ
الَّتِی سَبَقَتْ لِاَبِینَا آدَمَ عَلَیْهِ
السَّلَامُ وَذُرِّیَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ
اَسْئَلُکَ بِکَلِمَتِکَ الَّتِی غَلَبَتْ
کُلَّ شَیْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی
تَجَلَّیْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَکًّا
وَخَرَّ مُوسٰی صَعِقًا وَبِمَجْدِکَ
الَّذِی ظَهَرَ عَلٰی طُورِ

باب ۵ در آداب ماه شعبان

براورد و بعدد هر سوره ثواب یکشهید باو کرامت کند یک گناه از او محو کند شب هشتم هر کس در
این شب دو رکعت نماز کند در رکعت اول یکبار الحمد و پانزده یازده مرتبه توحید بخواند
و در رکعت دویم الحمد و آیه قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره بخواند و پانزده مرتبه
توحید خدای تعالی گناهان او را بیامرزد اگرچه مثل کف دریا باشد و ثواب کسی دارد که
چهار کتاب خدا را خوانده باشد شب نهم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در رکعتی یکمرتبه
الحمد و ده بار سوره النصر بخواند حق تعالی بدن او را بر آتش دوزخ حرام سازد شب دهم
هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و سه مرتبه آیة الکرسی و سه
بار سوره الکوثر بخواند خدای تعالی از برای او صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار درجه
بلند کند و صد هزار در از برای او در بهشت بگشاید و او و مادر و پدر او را و همسایه
او را بیامرزد شب یازدهم هر کس که در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکمرتبه
و سوره جحد ده بار بخواند خدای تعالی بعدد هر رکعتی وضعی از ریاض بهشت باو کرامت
فرماید و این نماز را نکند مگر مؤمنی که ایمان او کامل باشد شب دوازدهم هر کسیکه در این شب
دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ده مرتبه سوره التکاثر بخواند خدای تعالی گناهان
چهل سال او را بیامرزد شب ۱۳ هر کسیکه در این شب دو رکعت نماز کند و در هر رکعت الحمد
یکبار و سوره والتین یکبار بخواند از گناهان بیرون آید مثل از روزیکه از مادر متولد شده
باشد و ثواب کسی دارد که ده بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد شب ۱۴ هر کسی که در
این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و سوره والعصر پنج مرتبه بخواند حق تعالی
از برای او ثواب عظیم با ثنا دهد که از زمان آدم نماز کنند تا قیامت و جمیع گناهان او را بیامرزد
شب ۱۵ هر کسی که در این شب چهار رکعت نماز کند میان نماز شام و خفتن در هر رکعت یکبار الحمد و
ده مرتبه توحید بخواند و بعد از سلام ده مرتبه بگوید اللهم اغفر لنا و ده مرتبه بگوید یا رب

در آداب ماه شعبان

ارحمنا و ده بار بگوید سبحان الله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء
قدیر دعای او را مستجاب کند و حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و کتاب او را در روز قیامت
بدست راستش دهد و تا سال دیگر محفوظ باشد شب ۱۶ هر که در این شب دو رکعت نماز
کند در هر رکعت یکبار الحمد و یکبار آیة الکرسی و توحید پانزده مرتبه او را ثواب پیغمبران
خواهد بود و از برای او در بهشت صد قصر بنا کنند شب ۱۷ هر که در این شب دو رکعت نماز کند
در هر رکعت الحمد یکبار و سوره توحید هفتاد بار و چون سلام دهد هفتاد بار استغفار
کند خدا او را بیامرزد و بر او گناه ننویسند شب ۱۸ هر که در این شب ده رکعت نماز کند در
هر رکعت الحمد یکبار و پنجاه بار توحید بخواند هر حاجتی که از خدای تعالی طلب کند حاجت او روا
شود و اگر در آن سال بمیرد شهید مرده باشد شب ۱۹ هر که در این شب دو رکعت نماز کند در
هر رکعت در هر رکعت الحمد یکمرتبه و آیه قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب پنج مرتبه
خدای تعالی او را بیامرزد و عمل او را قبول کند و اگر مادر و پدر او در آتش دوزخ باشند خدای
تعالی او را از آتش دوزخ بیرون آورد شب بیستم هر که در این شب چهار رکعت نماز کند در هر
رکعت الحمد و سوره نصر پانزده مرتبه از دنیا بیرون نرود تا مراد خود را در خواب ببیند و جای
خود را در بهشت ببیند و خدای تعالی او را با ملائکه کرام برره محشور کند شب بیست و یکم هر که در این
هشت رکعت نماز کند و توحید و معوذتین را هر کدام یکمرتبه بعد از حمد بخواند خدای تعالی
برای او بعدد ستاره آسمان ثواب نویسد و بهمین عدد درجات او را بلند گرداند و سیئات
او را محو کند شب ۲۲ هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد توحید را پانزده
مرتبه خواند نام او را در آسمان صدیق نویسند و چون روز قیامت سر بر آید در ستر خدای
تعالی باشد و از عذاب قبر نجات یابد و حساب او را خدای تعالی آسان کند و روز قیامت
او را اکرام کند بزیارت حضرت آدم و پیغمبران دیگر و او را صاحب شفاعت گرداند شب ۲۳ هر که در این

باب در اعمال ماه شعبان

شب سی رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد یکمرتبه سوره اذا زلزلت را بخواند خدا بیعالی عشر وغل را
از دل او بیرون کند شب ۲۴ هر که در این شب بیست رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد یکمرتبه سوره
نصر را ده مرتبه بخواند از آتش دوزخ آزاد شود شب ۲۵ هر که در این شب ده رکعت نماز کند در هر
رکعت بعد از حمد یکمرتبه سوره تکاثر بخواند ثواب بیحسابش دهند که امر بمعروف و نهی از
منکر می کند شب ۲۶ هر که در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ایه آمن الرسول
بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا
كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ
أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا
مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
ده مرتبه بخواند از آفات دنیا و آخرت ایمن و عافیت یابد و روز قیامت شش نور باو دهند شب ۲۷
هر که در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ده مرتبه سوره اعلی بخواند حقتعالی
از برای او هزار هزار حسنه نویسد و هزار هزار سیئه از او محو کند و هزار هزار درجه او را بلند
کند و تاجی از ثواب بر سر او گذارد شب ۲۸ هر که در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت بعد
از حمد توحید و معوذتین را هر کدام یکبار بخواند چون از قبر مبعوث شود روی او مثل ماه
شب چهارده باشد و خدای تعالی ترس روز قیامت را از او بردارد شب ۲۹ هر که در این شب ده
رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد تکاثر و توحید و معوذتین را هر یک ده مرتبه بخواند
ثواب مجاهدان باو کرامت کند و میزان او را ثقیل و حساب را خفیف گرداند و چون برق خاطف
از صراط بگذرد شب سیام هر کس در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره
اعلی بخواند و چون سلام دهد صد بار صلوات بر محمد و آل او فرستد حقتعالی در بهشت الماوی هزار

دعای سمات: تَدْبِيرٌ … إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ … عَلِيمٌ وَاجْعَلْنِي فِي حِرْزِكَ وَفِي حِزْبِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَعِيَاذِكَ وَسِتْرِكَ … وَصَلَاتِكَ وَكِفَايَتِكَ … لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَذِلَّ … أَوْ أَضِلَّ عَنْ هُدَاكَ … عَنْ فَضْلِكَ أَوْ أُبْعَدَ عَنْ رِضَاكَ … أُضَامَ وَلَكَ الْأَمْرُ … جَمِيلَ السِّتْرِ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ … وَأَشْرَفَ مَنْ قَصَدَهُ الْقَاصِدُونَ وَتَضَرَّعَ إِلَيْهِ الْمُتَضَرِّعُونَ وَقَبِلَ إِلَيْهِ … تَوْبَةَ التَّائِبِينَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لَنَا خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ وَتَسْأَلُكَ النَّصِيبَ الْأَوْفَرَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ كَذَا لِكَ دار …

شهر باد

در اداب و ثواب روزه شعبان

شهر باد دهد مخفی نماند که در روایات بدبر ایشان ثواب کرشده بجهت اختصار ذکر ننمودیم
و اما ثواب روزه شعبان بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجب و منسوبست بحضرت پیغمبر
چنانچه منقولست از حضرت صادق که چون حضرت رسول ماه شعبان را مشاهده می فرمود امر
می نمود منادی را که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا بسوی شما می
فرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین
فرمود که از روزیکه ندای منادی آنحضرت را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک
نخواهم کرد و فرمود که روزه ماه شعبان و رمضان توبه ایست از جمیع گناهان برای مردم از جانب خدا
و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول هیچ ماهی را تمام روزه نداشت مگر ماه شعبان را که وصل
میکرد بماه رمضان و ایضا منقولست که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه افضل است فرمود
روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر منقولست که آنحضرت ماه شعبان را روزه
میداشت و وصل میکرد برمضان و میفرمود هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته
و آینده است و ایضا از حضرت باقر منقولست که هر که ماه شعبان را روزه بدارد پاک گرداند او را
از هر لغزشی و معصیتی و قسمی که در وقت غضب از حضرت رسالتپناه منقولست که ماه شعبان ماهی است شریف و ماه
منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم می نمایند و حق و حرمت آنرا می شناسند و آن ماهی است که زیادی شود در
آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت می کنند در آن بهشتها را و از این شعبان نام نهاده اند برای آنکه متشعب
می شود در آن روزیهای مؤمنان و حسنه را در آن ماه مضاعف میکردند هفتاد برابر و گناه در آن بخشیده میگردد و
امرزیده می شود و اعمال خیر در آن مقبول می شود و خدا و ند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و در عبادت
کنندگان آن ماه پس مباهات میکند بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز آن ماه ثوابی فرمود
که ذکرش موجب تطویل است و بسند معتبر از حضرت صادق مرویست که روزه شعبان ذخیره بنده است برای
روز قیامت هر که در ماه شعبان روزه بسیار بگیرد حقتعالی امر معیشت او را باصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان

دعا در ادای جمعه: … اَلْإِمَامِ … وَسُنَّتِكَ بعد از عصر … الرَّحِيمِ … این صلوات بر محمد و آل محمد … از حضرت صادق … و این صلوات … اللّٰهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا … صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا وَصَفْتَهُ فِي كِتَابِكَ حَيْثُ تَقُولُ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ فَأَشْهَدُ أَنَّهُ كَذَلِكَ وَأَنَّكَ لَمْ تَأْمُرْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ إِلَّا بَعْدَ أَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَمَلَائِكَتُكَ … إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَا لِحَاجَةٍ إِلَى صَلَاةِ أَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ بَعْدَ صَلَاتِكَ عَلَيْهِ وَلَا إِلَى تَزْكِيَتِهِمْ إِيَّاهُ بَعْدَ تَزْكِيَتِكَ بَلِ الْخَلْقُ جَمِيعًا هُمُ الْمُحْتَاجُونَ إِلَى ذَلِكَ لِأَنَّكَ جَعَلْتَهُ بَابَكَ الَّذِي لَا تَقْبَلُ لِمَنْ أَتَاكَ إِلَّا مِنْهُ وَجَعَلْتَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ قُرْبَةً مِنْكَ وَوَسِيلَةً

او را وکثر ثوابی که بروزه دارد روزی از شعبان می دهند آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسند صحیح
معتبر از آنحضرت منقولست که فرمود که شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه خداست هر که یکروز از
ماه من روزه دارد من شفیع او می شوم در روز قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه دارد گناهان
گذشته او آمرزیده گردد و هر که سه روز از ماه من را روزه بدارد ندا کنند او را که عمل را از سر
گیر یعنی هیچ گناهی نداری و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که یکروز از ماه شعبان را
روزه بدارد بسبب آن خدا داخل بهشت گردد و هر که یکروز از ماه شعبان را هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت
در زمره حضرت رسول محشور شود و کرامت داشتن خدا او را واجب شود و هر که در شعبان
تصدقی بکند اگرچه بنصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش حرام گرداند و هر که سه روز آخر
شعبان را روزه بدارد و وصل کند او را بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه متصل از برای او
بنویسد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت شده است که هر که سه روز از ماه شعبان را روزه دارد
بهشت از برای او واجب شود و حضرت رسول خدا شفیع او باشد در روز قیامت و بسند بسیار
معتبر از حضرت صادق مرویست که چون ماه شعبان داخل می شد حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را
جمع می نمود و می فرمود ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست این ماه شعبانست و حضرت رسول
می فرمود که شعبان ماه منست پس روزه دارید این ماه را برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی
پروردگار خود بحق آن خدائی که جان علی بن الحسین در دست قدرت اوست قسم یاد می کنم که شنیدم از پدرم حسین بن علی علیهما السلام
که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین که هر که روزه دارد ماه شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و
از برای تقرب بخدا حقتعالی او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت
و بهشت را از برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده که شعبان
ماه منست و ماه رمضان ماه خداست پس هر که روزه بدارد ماه مرا من شفاعت کنم او را در روز قیامت
و هر که روزه بدارد ماه خدا را حقتعالی مونس او گرداند در قبر و او را تنها نگذارد و از قبر بیرون آید

الملك و
زلفة عندك ودللت الشفعاء
عليه وامرتهم بالصلوة عليه لتزداد
بها اثرة لديك وكرامة عليك
ووكلت بالمصلين عليه ملائكتك
يصلون عليه ويبلغونه صلاتهم
وتسليمهم اللهم رب محمد صلى
الله عليه وآله فاني اسألك بما
عظمت به من امر محمد صلى
الله عليه وآله فاني اسألك بما عظمت
به من امر محمد صلى الله عليه وآله
من حقه ان تطلق لساني من الصلوة
عليه بما تحب وترضى وبما لم تطلق
به لسان احد من خلقك ولم
تعطه اياه ثم تؤتيني على ذلك مرافقته
حيث احللته على قدسك وجنان
فردوسك ثم لا تفرق بيني وبينه
اللهم اني ابدأ بالشهادة له ثم
بالصلوة عليه وان كنت لا ابلغ
من ذلك رضى نفسي ولا يعبر لساني
عن ضميري ولا الام على التقصير
لعجز قدرتي عن بلوغ الواجب علي
منه لانه حظ لي

روز قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او را بدست راست او بدهند و تا آنکه او را نزد عرش الهی
حاضر سازند پس حقتعالی او را ندا کند که ای بنده من او بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید
که روزه داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملکی را که بگیرید
دست بنده مرا و ببرید نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد من پس باو گویم ماه مرا روزه داشتی
امروز شفاعت تو میکنم پس حقتعالی فرماید که من حقوق خود را به بنده خود بخشیدم اما حقوق
خلق من هر که از او عفو کند من از نقد عوض باو بدهم که او را راضی گرداند پس من دست او را
بگیرم و بیاورم نزد صراط پس ببینم که صراط لغزنده است و می لرزد و پاکیزه کاران بر آن سبز
شود پس دست او را بگیرم و بیاورم و ملکی که موکل است بر صراط گوید کیست این گویم که
فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه داشته است بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه
داشته است از برای طلب وعده خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت
رسانم پس رضوان گوید که امروز روزیست که در آن برای امت تو می گشایم و او را داخل بهشت کنیم پس حضرت
امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در روز قیامت و
روزه بدارید ماه خدا را تا بنوشید از شراب سر بمهر بهشت و اعمال هر روز ماه شعبان بسند معتبر از
حضرت امام رضا منقولست که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده
شود اگرچه بعدد ستارهای آسمان باشد و از حضرت صادق روایت کرده حسین بن سعید
که فرمود رسول خدا که شعبان ماه منست پس در این ماه بسیار صلوات فرستید بر من و بر اهل من و
شعبان را ماه شفاعت می گویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت می کند کسی را که در این ماه صلوات بر او و آل
او فرستد و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در
هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار بار استغفار
کرده باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود بگو استغفر الله واسئله التوبة و بسند معتبر

وحق على وآله اليك
وحق له في عنقي اذ قد بلغ
رسالاتك غير مفرط فيما امرت
ولا مجاوز لما نهيت ولا مقصر فيما
اردت ولا متعد لما اوصيت
وتلا اياتك على ما انزلت اليه وحيك
وجاهد في سبيلك مقبلا غير
مدبر ووفي بعهدك وصدق
وعدك وصدع بامرك لا يخاف
فيك لومة لائم وباعد فيك
الاقربين وقرب فيك الابعدين
وامر بطاعتك وائتمر بها سرا و
علانية ونهى عن معصيتك
سرا وعلانية مرضيا عندك
محمودا في المقربين وانبيائك
المرسلين وعبادك الصالحين
المصطفين وانه غير مليم ولا
ذميم وانه لم يكن من المتكلفين
وانه لم يكن ساحرا ولا سحر
له ولا كاهنا ولا تكهن له
ولا شاعرا ولا شعر له ولا كذابا
وانه رسولك وخاتم النبيين
جاء بالحق من

از حضرت امام رضا منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و اسئله التوبه بنویسد حق تعالی برات بیزاری از آتش جهنم برای او و بگذراند او را و داخل بهشت کرداند و بسندهای معتبر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه حق تعالی روح او را در افق مبین جای دهد و آن فضای وسیعی است در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کناران نهرها هست بعدد ستارهای آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و در هر دو خوبست مراد هر دعاهای وارده در ماه شعبان بسیار است از انجمله دعائیست که بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین منقولست که در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات میخواندند اللهم صل علی محمد و ال محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملئکة و معدن العلم و اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد و ال محمد الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة یامن من رکبها و یغرق من ترکها المتقدم لهم مارق و المتاخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد و ال محمد الکهف الحصین و غیاث المضطر المستکین و ملجا الخائفین و عصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد و ال محمد صلوة کثیرة طیبة تکون لهم رضی و لحق محمد و ال محمد و ال محمد اداء و قضاء بحول منک و قوة یارب العالمین اللهم صل علی محمد و ال محمد الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت لهم حقوقهم و فرضت طاعتهم و ولایتهم اللهم صل علی محمد و ال محمد و اعمر قلبی بطاعتک و لا تخزنی بمعصیتک و ارزقنی مواسات من قترت علیه من رزقک بما وسعت علی من فضلک و نشرت علی من عدلک

عند الحی وصلی والمرسلین واشهد ان الذین کذبوه ذائقوا العذاب الالیم واشهد ان ما اتانا به من عندک واخبرنا به عنک انه الحق الیقین لا شک فیه من رب العالمین اللهم فصل علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و ولیک و نجیک و صفوتک و خیرتک من خلقک الذی انتجبته لرسالتک واستخلصته لدینک واسترعیته عبادک وائتمنته علی وحیک علم الهدی و باب التقی والعروة الوثقی فیما بینک و بین خلقک الشاهد لهم المهیمن علیهم اشرف وافضل وازکی واطهر وانمی واطیب ماصلیت علی احد من خلقک وانبیائک و رسلک واصفیائک المخلصین من عبادک اللهم واجعل صلوتک وغفرانک ورضوانک ومعافاتک وکرامتک ورحمتک ومنک وفضلک و

وصفتک باب ۵

و احیتنی تحت ظلک و هذا شهر نبیک سید رسلک صلواتک علیه و اله شعبان الذی حففته منک بالرحمة و الرضوان الذی کان رسول الله صلی الله علیه و اله یداب فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه بخوعا لک فی اکرامه و اعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا علی الاستنان بسنته فیه و نیل الشفاعة لدیه اللهم فاجعله لی شفیعا مشفعا و طریقا الیک مهیعا و اجعلنی له متبعا حتی القاک یوم القیمة عنی راضیا و عن ذنوبی غاضیا قد اوجبت لی منک الرحمة و الرضوان و انزلتنی دار القرار و محل الاخیار و در روز سیم ماه شعبان چون روز ولادت باسعادت حضرت امام حسین علیه السلام است روزه بدارند و این دعا را بخوانند اللهم انی اسئلک بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها و الارض و من علیها و لما یطا لابتیها قتیل العبرة و سید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه فی اوبته و الاوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبته حتی یدرکوا الاوتار و یثاروا الثار و یرضوا الجبار و یکونوا خیر انصار صلی الله علیهم مع اختلاف اللیل و النهار اللهم فبحقهم الیک اتوسل و اسئل سؤال مقترف و معترف مسیء الی نفسه مما فرط فی یومه و امسه یسئلک العصمة الی محل رمسه اللهم صل علی محمد و عترته و احشرنا فی زمرته و بوئنا معه دار الکرامة و محل الاقامة اللهم و کما اکرمتنا بمعرفته فاکرمنا بزلفته و ارزقنا مرافقته و سابقته و اجعلنا ممن یسلم لامره و یکثر الصلوة علیه عند ذکره و علی جمیع اوصیائه

و سلامک و تشریفک و اعظامک و تبجیلک و صلوات ملائکتک و رسلک و انبیائک و الاوصیاء و الشهداء و الصدیقین و عباد الصالحین و حسن اولئک رفیقا و اهل السموات و الارضین و ما بینهما و ما فوقهما و ما تحتهما و ما بین الخافقین و ما بین الهواء و الشمس و القمر و النجوم و الجبال و الشجر و الدواب و ما سبح لک فی البر و البحر فی الظلمة و الضیاء بالغدو و الاصال و فی اناء اللیل و اطراف النهار و ساعاته علی محمد بن عبد الله سید المرسلین و خاتم النبیین و امام المتقین و مولی المؤمنین و ولی المسلمین و قائد الغر المحجلین و رسول رب العالمین الی الجن و الانس و الاولین و الاخرین الشاهد البشیر النذیر الامین الداعی الیک باذنک السراج المنیر اللهم صل علی محمد و

الاولین

وَاَهلِ اصطفائه المَمدودين منك بالعدد الاثني عشر النجوم الزهر
والحجج على جميع اهل البشر اللهم وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وانجح
لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن
عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر اوبته آمين رب العالمين

وسنتست كه در شب سيزدهم دو ركعت و در شب چهاردهم چهار ركعت و در شب پانزدهم
شش ركعت نماز بجا آورند و در هر ركعت بعد از حمد سوره يس و تبارك الذي بيده الملك و
قل هو الله احد بخوانند و در نمازهاي سنتي سورهاي كه از حفظ نتوان خواند و روزه هر
سه روز سنتست

باب ۲م در فضايل و اعمال شب پانزدهم و اينها زياده از آنست كه در اين رساله احصا
توان نمود و اكتفا مي نمائيم بآنچه صحيح تر است از حضرت امام محمد باقر عم مرويست كه در شب
نصف شعبان چهار ركعت نماز بايد كرد در هر ركعت الحمد يكبار و سوره اخلاص صد
بار بايد خواند و چون فارغ شوي از نماز اين دعا را بخواند كه اللهم اني اليك فقير
ومن عذابك خائف مستجير اللهم لا تبدل اسمي ولا تغير جسمي ولا تجهد
بلائي ولا تشمت بي اعدائي اعوذ بعفوك من عقابك واعوذ برحمتك
من عذابك واعوذ برضاك من سخطك واعوذ بك منك جل ثناؤك
انت كما اثنيت على نفسك وفوق ما يقول القائلون و از حضرت صادق
مرويست كه بهترين چيزها در شب نصف شعبان اينست كه بعد از نماز خفتن دو ركعت نماز كنند
در ركعت اول الحمد و توحيد بايد بخوانند و چون سلام دهند سي و سه بار بگويند سبحان الله
و سي و سه بار الحمد لله و سي و چهار مرتبه بگويند الله اكبر و بعد از اين
دعا را بخوانند يا من اليه ملجأ العباد في المهمات واليه يفزع الخلق
في الملمات يا عالم الجهر والخفيات يا من لا يخفى عليه خواطر الاوهام

اللهم صل على محمد في الاولين وصل على محمد في الآخرين وصل على محمد وآل محمد يوم الدين يوم يقوم الناس لرب العالمين اللهم صل على محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد كما استنقذتنا به اللهم صل على محمد كما انعشتنا به اللهم صل على محمد كما احييتنا به اللهم صل على محمد كما شرفتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد كما اعززتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد كما فضلتنا به اللهم اجز نبينا محمدا صلى الله عليه وآله افضل ما انت جاز يوم القيمة نبيا عن امته ورسولا عما ارسلته اليه اللهم اخصصه بافضل قسم الفضائل وبلغه اعلى شرف المنازل من الدرجات العلى في اعلى عليين في جنات ونهر في مقعد صدق عند مليك مقتدر اللهم اعط محمدا صلى الله عليه وآله

وتصرف الخطرات يا رب الخلائق والبريات يا من بيده ملكوت الارضين
والسموات انت الله لا اله الا انت امت اليك بلا اله الا انت
اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت اليه فرحمته وسمعت دعاءه
فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن سالف خطيئته
وعظيم جريرته فقد استجرت بك من ذنوبي ولجأت اليك في
ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط خطاياي
بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك و
اجعلني فيها من اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم
لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني ممن سعد
جده وتوفر من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم وفاز فغنم واكفني
شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد في معصيتك وحبب الي طاعتك
وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي اليك ملجأ الهارب ومنك
ملتمس الطالب وعلى كرمك معول المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم
وانت اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور الرحيم
اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا
تخيبني من جزيل قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة
من شرار بريتك رب ان لم اكن من اهل ذلك فانت اهل الكرم
والعفو والمغفرة وجد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن
ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك وانت ارحم الراحمين
واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعوذ

حتى يرضى وزده بعد الرضا واجعله اكرم خلقك منك مجلسا واعظمهم عندك جاها واوفرهم عندك حظا في كل خير انت قاسمه بينهم اللهم اورد عليه من ذريته وازواجه واهل بيته وذوي قرابته وامته من تقر به عينه واقرر عيوننا برؤيته ولا تفرق بيننا وبينه اللهم صل على محمد وآل محمد واعطه الوسيلة والفضيلة والشرف والكرامة ما يغبطه به الملائكة المقربون والنبيون والمرسلون والخلق اجمعون اللهم بيض وجهه واعل كعبه وافلج حجته واجب دعوته وابعثه المقام المحمود الذي وعدته واكرم زلفته واجزل عطيته وتقبل شفاعته واعطه سؤله وشرف بنيانه وعظم برهانه ونور نوره واوردنا حوضه واسقنا بكأسه وتقبل صلوة امته

باب ٥٢ در اعمال نصف شعبان

بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس عني الخلق ويضيق علي الرزق
حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ نعمائك
فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من
عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد بما سئلتك وانل ما التمست منك
اسالك بك لا بشيء اعظم منك پس بسجده میروی ومیگوئی یا رب بیست مرتبه
ویا الله هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله لا حول
ولا قوة الا بالله ده مرتبه لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد وآل محمد
بفرست آنچه خواهی وحاجات خود را از خدا تعالی طلب بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات
باران از خدا حاجت بخواهی حقتعالی ترا بآنها میرساند بکرم وفضل خود وبروایت
دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه بگوید یا رب محمد وشیخ گفته است
پس بگو الهي تعرض لك في هذا الليل المتعرضون وذکر او در ضمن نماز شب گذشت
ابن بابویه از حضرت مجتبی روایت کرده که جبرئیل بر حضرت رسول نازل شد وگفت
یا محمد امت خود را امر فرما که شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام
ودر هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده مرتبه بخوانند پس بسجده روند
در سجده بگویند اللهم لك سجد سوادي وخيالي وبياضي يا عظيم كل عظيم
اغفر لي ذنبي العظيم فانه لا يغفره غيرك يا عظيم پس هر که این عمل را بجا
آورد محو کند حقتعالی از او هفتاد هزار گناه را وثبت از حسنه در نامه عملش بنویسد
ومحو کند از پدر ومادرش هفتاد هزار گناه ونماز دیگر نمازیست که عامه وخاصه از حضرت
رسول روایت کرده اند که آنحضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم جبرئیل
بر من نازل شد وگفت یا محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است پس

دعای روز جمعه

وانقضرنا اثره واسلك
بنا سبيله وتوفنا على ملته
واستعملنا بسنته وابعثنا
على منهاجه واجعلنا ندين بدينه
ونهتدي بهداه ونقتدي
بسنته ونكون من شيعته و
مواليه واوليائه واحبائه و
خيار امته ومقدم زمرته و
تحت لوائه نعادي عدوه و
نوالي وليه حتى نورد ناعليه
بعد الممات مورده غير خزايا
ولا نادمين ولا مبدلين ولا
ناكثين اللهم واعط محمدا مع
كل زلفة زلفة ومع كل قربة
قربة ومع كل وسيلة وسيلة
ومع كل فضيلة فضيلة
ومع كل شفاعة شفاعة
ومع كل كرامة كرامة ومع
كل خير خيرا ومع كل شرف
شرفا وشفعه في كل من يشفع
له من امته وغيرهم من الامم
حتى لا يعطي

در اعمال نصف شعبان

برخیز اینکه مرا او برد بقبرستان بقیع وگفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه این شبیست که
آسمان در اینشب گشوده میشود یعنی درهای رحمت ودرهای خوشنودی خدا ودرهای آمرزش
گناهان ودرهای فضل واحسان ودرگاه نعمت ودرگاه توبه ودرگاه جود وبخشش ومیامرزد
حقتعالی از بندگان در اینشب بعدد موهای چهارپایان وگوسفندهای ایشان ای محمد هر که احیا کند
این شب را بگفتن الله اکبر ولا اله الا الله وسبحان الله والحمد لله ونماز کردن وقرآن خواندن
وطلب آمرزش کردن واستغفار کردن بهشت جای او باشد در آخرت وگناهان گذشته وآینده او
آمرزیده میشود ای محمد هر که در اینشب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت بعد از حمد
ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند وچون از همه فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی وده مرتبه
سوره حمد بخواند وصد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیره از او آمرزد که کشنده او را ایام
وبعد هر سوره وتسبیح قصری در بهشت باو عطا فرماید وشفاعت او را قبول کند
در حق صد نفر از اهل خانه وخویشان او وشریک گرداند او را در ثواب شهیدان وثواب روزه
داران ایماه وثواب عبادت کنندگان ایماه را باو عطا کند بی آنکه از ثواب ایشان چیزی کم شود پس
احیا کند این شب را ای محمد امر نما امت خود را که احیا کنند او را وتقرب جویند بسوی حقتعالی بعبادات
آن بدرستیکه این شبی است بسیار شریف ای محمد چون نزد تو آمدم جمیع ملائکه آسمانها پای خود را
نزد هم گذارده نزد حق تعالی بعبادت مشغول بودند بعضی ایستاده وبعضی در رکوع وبعضی در
سجود بودند وبعضی مشغول دعا وبعضی در تکبیر وبعضی مشغول تسبیح وبعضی با استغفار با
ای محمد بدرستیکه حقتعالی در اینشب نظر رحمت به بندگان میافکند ومیامرزد هر مؤمن را که با ایمان
است باشد بایستد ومشغول تسبیح باشد یا در رکوع وسجود یا مشغول یاد خدا باشد واین شبی است
که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب شود وهر که سؤال کند باو عطا کرده میشود وهر که استغفار
کند آمرزیده میشود وهر که توبه کند توبه او مقبول میگردد ومحروم کسی است که از خیر اینشب محروم گردد

ما انت مرتب
ولا نبي مرسل ولا عند مصطفى
الا دون ما انت معطيه
صلى الله عليه وآله يوم القيمة
اللهم اجعله المقدم في
والمؤثر به في الاثرة والمنوه
باسمه في الشفاعة اذا تجليت
بنورك وجيء بالكتاب و
النبيين والصديقين والشهداء
والصالحين وقضي بينهم بالحق
وقيل الحمد لله رب العالمين
ذلك يوم التغابن ذلك يوم
الحسرة ذلك يوم الازفة ذلك
يوم لا يستقال فيه العثرات
ولا تبسط فيه التوبات ولا
تستدرك فيه ما فات اللهم
صل على محمد وآل محمد كافضل
ما صليت وترحمت وباركت
على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد
مجيد اللهم وامنن على محمد
وآل محمد كافضل ما مننت على
موسى وهرون اللهم وسلم
على محمد و

در اعمال شب نیمه شعبان

و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند با فرادر مرتبه قل هو الله احد یعنی
در هر رکعت ده مرتبه بخواند دل او در روزی که دلها از ترس مرده باشد و غیرتها مانکه صد ملکرا
بفرستد که او را ایمن کرد انند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر
ایمن باشند که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میدارند و سی نفر ایمن باشند که شب و روز برای
او استغفار میکنند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ کنند از دشمنان و منقولست که حضرت
رسول در این شب این دعا را میخواندند اللّهمّ اقسم لنا من خشیتك ما یحول بیننا و بین
معصیتك و من طاعتك ما تبلّغنا به رضوانك و من الیقین ما یهوّن
علینا به مصیبات الدّنیا اللّهمّ امتعنا باسماعنا و ابصارنا و قوّتنا
ما احییتنا و اجعلها الوارث منّا و اجعل ثارنا علی من ظلمنا و انصرنا علی من عادانا
و لا تجعل مصیبتنا فی دیننا و لا تجعل الدّنیا اکبر همّنا و لا مبلغ علمنا و لا
تسلّط علینا من لا یرحمنا یا ارحم الرّاحمین و این دعا جامع کاملی است متضمن جمیع مطالب
دنیا و آخرتست و از جمله اعمال این شب زیارت حضرت امام حسین است بتفاصیلی که در باب زیارات مذکور
شد و از جمله برکات این شب که ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر علیه السلام در این شب واقع
شده است پس زیارت کنند آنجناب را بطریقی که در باب آن گذشت و این دعا را بخوانند اللّهمّ
بحقّ لیلتنا هذه و مولودها و حجّتك و موعودها الّتی قرنت الی فضلها
فضلاً فتمّت کلمتك صدقاً و عدلاً لا مبدّل لکلماتك و لا معقّب لآیاتك
نورك المتألّق و ضیاؤك المشرق و العلم النّور فی طخیاء الدّیجور الغائب
المستور جلّ مولده و کرم محتده و الملائکة شهّده و الله ناصره و مؤیّده
اذا آن میعاده و الملائکة امداده سیف الله الّذی لا ینبو و نوره الّذی لا یخبو
و ذو الحلم الّذی لا یصبو مدار الدّهر و نوامیس العصر و ولاة الامر و المنزّل علیهم

سلام علی ... کافضل ما سلّمت علی ... فی العالمین اللّهمّ صلّ
علی محمّد و آل محمّد و علی ائمّة
المسلمین الاوّلین منهم و الآخرین
اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد
و علی امام المسلمین و احفظه من
بین یدیه و من خلفه و عن یمینه
و عن شماله و من فوقه و من
تحته و افتح له فتحاً یسیراً و انصره
نصراً عزیزاً و اجعل له من لدنك
سلطاناً نصیراً اللّهمّ و عجّل
فرج آل محمّد و اهلك اعداءهم
من الجنّ و الانس اللّهمّ صلّ علی
محمّد و اهل بیته و ذرّیّته و ازواجه
الطّیّبین الاخیار الطّاهرین
المطهّرین و الهداة المهدیّین
غیر الضّالّین و لا المضلّین الّذین
اذهب الله عنهم الرّجس و
طهّرهم تطهیراً اللّهمّ صلّ
علی محمّد و آل محمّد فی الاوّلین و
الآخرین و صلّ علیهم فی
الملأ الاعلی

در اعمال شب نیمه شعبان

الذّکر و ما ینزّل فی لیلة القدر و اصحاب الحشر و النّشر تراجمة وحیه و ولاة
امره و نهیه اللّهمّ فصلّ علی خاتمهم و قائمهم المستور عن عوالمهم و ادرك
بنا ایّامه و ظهوره و قیامه و اجعلنا من انصاره و اقرن ثارنا بثاره و اکتبنا
فی اعوانه و خلصائه و احینا فی دولته ناعمین و بصحبته غانمین و بحقّه
قائمین و من السّوء سالمین یا ارحم الرّاحمین و الحمد لله ربّ العالمین و
صلّی الله علی محمّد خاتم النّبیّین و المرسلین و علی اهل بیته الصّادقین و عترته
النّاطقین و العن جمیع الظّالمین و احکم بیننا و بینهم یا احکم الحاکمین
و زید شهید نقل کرده که پدرم امام زین العابدین علیه السّلام ما را نزد خود جمع میکرد در شب
نیمه شعبان و شب را سه حصّه میکرد ثلث اول را نماز میکرد و در ثلث دویم دعا میکرد و ما آمین
میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش میکرد و ما نیز استغفار میکردیم
تا آنکه صبح داخل میشد بعد از نماز شب و مناسبت دارد این دعای عهد که از حضرت
صادق مرویست بخوانند و آن اینست اللّهمّ ربّ النّور العظیم و ربّ الکرسیّ
الرّفیع و ربّ البحر المسجور و منزل التّوریة و الانجیل و الزّبور و ربّ الظّلّ
و الحرور و منزل الفرقان العظیم و ربّ الملائکة المقرّبین و الانبیاء
المرسلین اللّهمّ انّی اسئلك باسمك الکریم و بنور وجهك المنیر
و ملکك القدیم یا حیّ یا قیّوم و باسمك الّذی اشرقت به السّموات و
الارضون یا حیّ قبل کلّ حیّ یا حیّ بعد کلّ حیّ یا حیّ لا اله الّا انت
اللّهمّ بلّغ مولانا الامام الهادی المهدیّ القائم بامرك صلوات الله علیه و علی
آبائه الطّاهرین عن جمیع المؤمنین و المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها
سهلها و جبلها و برّها و بحرها عنّی و عن والدیّ و ولدیّ و اخوانی من الصّلوات

و صلّ علیهم ... صلوة لا امد لها ... ربّ العالمین
ابد الآبدین صلوة ترضاك ... رضاك آمین ربّ العالمین
اللّهمّ العن الّذین بدّلوا دینك و
اللّهمّ العن الّذین بدّلوا نعمتك ... و غیّروا سنّة نبیّك صلّی الله علیه
و آله و حرّفوا کتابك و ازالوا الحقّ عن مواضعه
سیّد الملك و الحقّ عن ... مواضعه
اللّهمّ العن ... لعنة مخالفة غیر مؤتلفة
اللّهمّ العن ... لعنة مؤتلفة
و العنهم و العن اشیاعهم
غیر مختلفة ... و تعطی ... تعطیلهم
و اتباعهم ... الّلهمّ یا باری
الاوّلین و الآخرین ... المدحوّات ... و خالق
السّموات ... الدّنیا و الآخرة
الجبابرة و رحمن الدّنیا و رحیمهما ... تعطی منهما ما تشاء
و ... تمنع ما تشاء اسئلك بنور
وجهك و بحقّ محمّد صلّی الله علیه
و آله اعط محمّداً صلّی الله علیه
و آله الوسیلة ... و بلّغه
الّلهمّ اجعل محمّداً ... و اکرم
العظمی اللّهمّ ... فی ... الجنّة
فی السّابقین غایته و ... فی العالمین ذکره و
اسکنه ... الفردوس
فی الجنّة العلیا

زنة عرشك ومداد كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم انی
اجدد له فی صبیحة یومی هذا وما عشت به من ایام حیوتی عهدا و عقدا و
بیعة له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلنی من انصاره
واعوانه والذابین عنه والمسارعین الیه فی حوائجه والممتثلین لاوامره ونواهیه
والسابقین الی ارادته والحامین عنه والمستشهدین بین یدیه اللهم فان
حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی عبادك حتما مقضیا فاخرجنی
من قبری مؤتزرا كفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی
فی الحاضر والبادی اللهم ارنی الطلعة الرشیدة والغرة الحمیدة واكحل
عینی بنظرة منی الیه وعجل فرجه واوسع منهجه واسلك بی
محجته وانفذ امره واشدد ازره وقو ظهره واعمر اللهم به بلادك واحی
به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد فی البر والبحر بما كسبت
ایدی الناس فاظهر اللهم لنا ولیك وابن ولیك وابن بنت نبیك المسمی
باسم رسولك صلواتك علیه وآله فی الدنیا والآخرة حتی لا یظفر بشیء
من الباطل الا مزقه ویحق الحق ویحققه اللهم واجعله مفزعا للمظلوم
من عبادك وناصرا لمن لا یجد له ناصرا غیرك ومجددا لما عطل من احكام
كتابك ومشیدا لما ورد من اعلام دینك وسنن نبیك واجعله ممن
حصنته من بأس المعتدین اللهم وسر نبیك محمدا صلی الله علیه وآله برؤیته
ومن تبعه علی دعوته وارحم استكانتنا من بعده اللهم اكشف هذه
الغمة عن هذه الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم یرونه بعیدا
ونریه قریبا برحمتك یا ارحم الراحمین پس دست خود را سه بار بر ران راست خود

بزن و بگوی العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان وبعد از این دعا را بخوان که از حضرت
امیر المؤمنین مرویست اللهم صل علی محمد وآل محمد والعن صنمی قریش و
جبتیهما وطاغوتیهما وافكیهما وابنتیهما اللذین خالفا امرك وانكرا
وحیك وجحدا انعامك وعصیا رسولك وقلبا دینك وحرفا كتابك
واحبا اعدائك وجحدا آلائك وعطلا احكامك وابطلا فرائضك
والحدا فی آیاتك وعادیا اولیائك وواليا اعدائك وخربا بلادك
وافسدا عبادك اللهم العنهما واتباعهما واولیائهما واشیاعهما ومحبیهما
فقد اخربا بیت النبوة وردما بابه ونقضا سقفه والحقا سمائه بارضه
وعالیه بسافله وظاهره بباطنه واستاصلا اهله وابادا انصاره
وقتلا اطفاله واخلیا منبره من وصیه ووارث علمه وجحدا امامته
واشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما فی سقر وما ادریك ما سقر
لا تبقی ولا تذر اللهم العنهم بعدد كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر
علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولی آذوه وطرید آووه وصادق
طردوه وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غیروه واثر انكروه
وشر آثروه ودم اراقوه وخیر بدلوه وكفر نصبوه وارث غصبوه و
فیء اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه وجور بسطوه
ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامان خانوه و
عهد نقضوه وحلال حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه
وصك مزقوه وشمل بددوه وعزیز اذلوه وحق منعوه وكذب دلسوه
وحكم قلبوه اللهم العنهم بكل آیة حرفوها وفریضة تركوها

وجنین اسقطوه وذلیل اعزوه

در لعن صنمی قریش

وسنّةٍ غیّروها و رسومٍ منعوها واحکامٍ عطّلوها وبیعةٍ نکثوها ودعوی ابطلوها وبیّنةٍ انکروها وحیلةٍ احدثوها وخیانةٍ اوردوها و عقبةٍ ارتقوها ودبابٍ دحرجوها وازیافٍ لزموها وشهاداتٍ کتموها و وصیّةٍ ضیّعوها اللّهمّ العنهما فی مکنون السّرّ وظاهر العلانیة لعناً کثیراً ابداً دائماً دائباً سرمداً لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده لعناً یعود اوّله ولا یروح آخره لهم ولاعوانهم وانصارهم ومحبّیهم وموالیهم والمسلّمین لهم والمائلین الیهم والنّاهضین باحتجاجهم والنّاهضین باجنحتهم و المقتدین بکلامهم والمصدّقین باحکامهم پس چهار مرتبه بگوید اللّهمّ عذّبهم عذاباً یستغیث منه اهل النّار آمین ربّ العالمین و دعائی که مناسب دارد

وضع ان بعد ازین دعاء دعائی که ابن طاوس ره در مهج خود از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است گفته است که کسی که در سجدهٔ شکر این دعا را بخواند مثل کسی است که هزار هزار تیر با پیغمبر در جنگ بدر واحد وحنین بجانب کفار انداخته باشد و آن دعا اینست اللّهمّ العن الّذین بدّلا دینک وغیّرا نعمتک واتّهما رسولک وخالفا ملّتک وصدّا عن سبیلک وکفرا آلائک وردّا علیک کلامک واستهزءا برسولک وقتلا ابن نبیّک وحرّفا کتابک وجحدا آیاتک واستکبرا عن عبادتک وقتلا اولیائک وجلسا فی مجلسٍ لم یکن لهما بحقّ وحملا النّاس علی اکتاف آل محمّد اللّهمّ العنهما یتلو بعضهم بعضاً واحشرهما واتباعهما الی جهنّم زرقاً اللّهمّ انّا نتقرّب الیک باللّعنة لهما والبرائة منهما فی الدّنیا والآخرة اللّهمّ العن قتلة امیر المؤمنین وقتلة الحسین بن علیّ ابن بنت رسول الله اللّهمّ زدهما عذاباً فوق العذاب وهواناً فوق هوانٍ وذلّاً فوق ذلٍّ و

دسعوات سلطانها وسلاطینها و شرّ شیاطینها وبغی من بغی علیّ فیها اللّهمّ من ارادنی فارده ومن کادنی فکده وافقأ عنّی عیون الکفرة واعصمنی من ذلک بالسّکینة والبسنی درعک الحصینة واجعلنی فی سترک الواقی واصلح لی حالی وبارک لی فی اهلی ومالی وولدی وحزانتی ومن احببت فیک واحببنی اللّهمّ اغفر لی ما قدّمت وما اخّرت وما اعلنت وما اسررت وما نسیت وما تعمّدت اللّهمّ انّک خلقتنی کما اردت فاجعلنی کما تحبّ یا ارحم الرّاحمین واز جمله دعای علی ابن الحسین ع که در صحیفه مذکور است که در روز عید فطر هرگاه فارغ میشدند از نماز عید بر میخواستند و رو بقبله می ایستادند و این دعا را میخواندند و در روز جمعه نیز میخواندند

وحزناً فوق حزنٍ اللّهمّ دعّهما الی النّار دعّاً وارکسهما فی الیم عذابک رکساً اللّهمّ احشرهما واتباعهما الی جهنّم زمراً اللّهمّ فرّق جمعهم وشتّت امرهم وخالف بین کلمتهم وبدّد جماعتهم والعن ائمّتهم واقتل قادتهم وسادتهم والعن رؤسائهم وکبرائهم واکسر رایاتهم والق البأس بینهم ولا تبق منهم دیّاراً اللّهمّ العن ابا جهلٍ والولید لعناً یتلو بعضه بعضاً و یتبع بعضه بعضاً اللّهمّ العنهما لعناً یلعنهما به کلّ ملکٍ مقرّبٍ وکلّ نبیٍّ مرسلٍ وکلّ مؤمنٍ امتحنت قلبه للایمان اللّهمّ العنهما لعناً یتعوّذ اهل النّار منه ومن عذابهما اللّهمّ العنهما لعناً لم یخطر لاحدٍ ببالٍ اللّهمّ العنهما فی مستتر سرّک وظاهر علانیتک وعذّبهما عذاباً فی التّقدیر وشارک معهما ابنتیهما واشیاعهما ومحبّیهما ومن شایعهما انّک سمیع الدّعاء واز جمله ادعیهٔ شب جمعه دعای کمیل است و کمیل بن زیاد از اعاظم اصحاب حضرت امیر المؤمنین ع بود و آنحضرت او را بر اسرار خود واقف می نمود و او را زمانی عامل شهر هیت که شهری بود در کنار شط فرات بود نموده بود و حجّاج علیه اللّعنة او را شهید کرد و آنحضرت خبر داده بود که اعلون او را شهید خواهد کرد و این دعا بهتر این است که در اوقات دیگر نیز میتوان خواند جناب سیّد جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیر المؤمنین ع در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمهٔ شعبان مذکور شد حضرت فرمودند که هر که این شب را بعبادت احیا کند و دعای حضرت خضر را در این شب بخواند البتّه دعا او مستجاب شود و چون آنحضرت بمنزل خود مراجعت نمود شب بخدمت آن بزرگوار رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمدهٔ ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین ع بطلب دعای حضر آمده ام فرمود بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در ماهی یک مرتبه یا در سالی یکمرتبه بخوان تا کفایت

در دعای روز جمعه و در روز جمعه و دعا اینست نیز میخوانند یا من یرحم من لا یرحمه العباد و یا من یقبل من لا تقبله البلاد و یا من لا یحتقر اهل الحاجة الیه و یا من لا یخیّب الملحّین علیه و یا من لا یجبه بالرّدّ اهل الدّالّة علیه و یا من یجتبی صغیر ما یتحف به و یشکر یسیر ما یعمل له و یا من یشکر علی القلیل و یجازی بالجلیل و یا من یدنو الی من دنا منه و یا من یدعو الی نفسه من ادبر عنه و یا من لا یغیّر النّعمة ولا یبادر بالنّقمة و یا من یثمر الحسنة حتّی ینمیها و یتجاوز عن السّیّئة حتّی یعفّیها انصرفت الآمال دون مدی کرمک بالحاجات و امتلأت بفیض جودک اوعیة الطّلبات و تفسّخت دون بلوغ نعتک الصّفات فلک العلوّ الاعلی فوق کلّ عالٍ والجلال الامجد فوق کلّ جلالٍ و کلّ جلیلٍ عندک صغیرٌ و کلّ شریفٍ فی جنب شرفک

باب ۲۵ در دعای کمیل

شرف شما از تو نشو و یاد کرده شو و روزی داده شو والبته امرزیده شو دعای کمیل بتو اصحب نوشه
تو موجب ان شد که تورا بچنین نعمتی و کرامتی ممتاز کردانم و سرافراز نمایم پس فرمود که
بنویس و دعارا تلقین من نمود و از اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك
برحمتك التی وسعت کل شیء وبقوتك التی قهرت بها کل شیء و
خضع لها کل شیء وذل لها کل شیء وبجبروتك التی غلبت بها کل شیء
وبعزتك التی لا یقوم لها شیء وبعظمتك التی ملأت کل شیء وبسلطانك الذی
علا کل شیء وبوجهك الباقی بعد فناء کل شیء وباسمائك التی ملأت
ارکان کل شیء وبعلمك الذی احاط بکل شیء وبنور وجهك الذی اضاء له
کل شیء یا نور یا قدوس یا اول الاولین ویا اخر الاخرین اللهم اغفر لی
الذنوب التی تهتك العصم اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم اللهم
اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس الدعاء
اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء اللهم اغفر لی الذنوب التی
تقطع الرجاء اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته وکل خطیئة اخطاتها اللهم
انی اتقرب الیك بذکرك واستشفع بك الی نفسك واسئلك
بجودك ان تدنینی من قربك وان توزعنی شکرك وان تلهمنی
ذکرك اللهم انی اسئلك سؤال خاضع متذلل خاشع
ان تسامحنی وترحمنی وتجعلنی بقسمك راضیا قانعا وفی جمیع الاحوال
متواضعا اللهم واسئلك سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك عند
الشدائد حاجته وعظم فیما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك و
علا مکانك وخفی مکرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك

حقیر خاب الوافدون علی غیرك
وخسر المتعرضون الا لك وضاع
الملمون الا بك واجدب المنتجعون
الا من انتجع فضلك بابك مفتوح
للراغبین وجودك مباح للسائلین
واغاثتك قریبة من المستغیثین
لا یخیب منك الاملون ولا
ییئس من عطائك المتعرضون
ولا یشقی بنقمتك المستغفرون
رزقك مبسوط لمن عصاك
وحلمك معترض لمن ناواك
عادتك الاحسان الی المسیئین
وسنتك الابقاء علی المعتدین
حتی لقد غرتهم اناتك عن الرجوع
وصدهم امهالك عن النزوع
وانما تانیت بهم لیفیئوا الی امرك
وامهلتهم ثقة بدوام ملکك
فمن کان من اهل السعادة ختمت
له بها ومن کان من اهل الشقاوة
خذلته لها کلهم صائرون
الی حکمك وامورهم ائلة الی امرك

در دعای کمیل

ولا یمکن الفرار من حکومتك اللهم لا اجد لذنوبی غافرا ولا
لقبائحی ساترا ولا لشیء من عملی القبیح بالحسن مبدلا غیرك لا اله
الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسی وتجرأت بجهلی وسکنت الی
قدیم ذکرك لی ومنك علی اللهم مولای کم من قبیح سترته وکم من
فادح من البلاء اقلته وکم من عثار وقیته وکم من مکروه دفعته
وکم من ثناء جمیل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائی وافرط بی
سوء حالی وقصرت بی اعمالی وقعدت بی اغلالی وحبسنی عن نفعی
بعد املی وخدعتنی الدنیا بغرورها ونفسی بخیانتها ومطالی یا سیدی
فاسئلك بعزتك ان لا یحجب عنك دعائی سوء عملی وفعالی ولا
تفضحنی بخفی ما اطلعت علیه من سری ولا تعاجلنی بالعقوبة علی ما عملت
فی خلواتی من سوء فعلی واسائتی ودوام تفریطی وجهالتی وکثرة شهواتی
وغفلتی وکن اللهم بعزتك لی فی الاحوال کلها رؤفا وعلی فی جمیع الامور
عطوفا الهی وربی من لی غیرك اسئله کشف ضری والنظر فی امری الهی
ومولای اجریت علی حکما اتبعت فیه هوی نفسی ولم احترس فیه من
تزیین عدوی فغرنی بما اهوی واسعده علی ذلك القضاء فتجاوزت
بما جری علی من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد
فی جمیع ذلك ولا حجة لی فیما جری علی فیه قضاؤك والزمنی فیه
حکمك وبلاؤك وقد اتیتك یا الهی بعد تقصیری واسرافی علی
نفسی معتذرا نادما منکسرا مستقیلا مستغفرا منیبا مقرا مذعنا
معترفا لا اجد مفرا مما کان منی ولا مفزعا اتوجه الیه فی امری غیر

وامهلتهم ثقة بدوام ملکك فمن کان من
اهل السعادة ختمت له بها ومن کان من
اهل الشقاوة خذلته لها کلهم صائرون الی حکمك وامورهم
ائلة الی امرك لم یهن علی طول مدتهم
سلطانك ولم یدحض لترك معاجلتهم برهانك حجتك
قائمة وسلطانك ثابت لا یزول
فالویل الدائم لمن جنح عنك والخیبة
الخاذلة لمن خاب منك والشقاء
الاشقی لمن اغتر بك ما اکثر
تصرفه فی عذابك وما اطول
تردده فی عقابك وما ابعد غایته
من الفرج وما اقنطه من سهولة
المخرج عدلا من قضائك لا تجور
فیه وانصافا من حکمك لا تحیف
علیه فقد ظاهرت الحجج وابلیت
الاعذار وقد تقدمت بالوعید
وتلطفت فی الترغیب وضربت
الامثال واطلت الامهال واخرت وانت

قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل
عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف
بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدء خلقي وذكري وتربيتي وبري
وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف
برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك
وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك
واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك
هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد
من آويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا الهي
وسيدي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت ساجدة وعلى السن نطقت
بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة
وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى
اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك
ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل
من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك
بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي
لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم
مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك
وهذا ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك
الضعيف الذليل الحقير المسكين يا الهي وربي ومولاي وسيدي

در دعای روز جمعه

وانت مستطيع للمعاجلة وتانيت بي
ولم تكن اناتك عجزا ولا امهالك وهنا ولا
امساكك غفلة ولا انتظارك
مداراة بل لتكون حجتك ابلغ و
كرمك اكمل واحسانك اوفى و
نعمتك اتم كل ذلك كان ولم
تزل وهو كائن ولا تزال حجتك
اجل من ان توصف بكلها ومجدك
ارفع من ان يحد بكنهه ونعمتك
اكثر من ان تحصى باسرها واحسانك
اكثر من ان تشكر على اقله وقد
قصر بي السكوت عن تحميدك و
فههني الامساك عن تمجيدك
وقصاراي الاقرار بالحسور لا
رغبة يا الهي بل عجزا فها انا ذا
اؤمك بالوفادة واسئلك
حسن الرفادة فصل على محمد
وآله واسمع نجواي واستجب
دعائي ولا تختم يومي بخيبتي ولا
تجبهني بالرد في مسئلتي واكرم
من عندك منصرفي

لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب وشدته
ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك وجمعت
بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك فهبني
يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك
وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن النظر الى كرامتك ام كيف
اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي اقسم صادقا
لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك بين اهلها ضجيج الآملين ولاصرخن
اليك صراخ المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين و
لانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين
يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين افتراك يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت
عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها بجرمه
وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيدك
ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف
من حلمك ورافتك ام كيف تؤلمه النار وهو يامل فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه
لهيبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم
ضعفه ام كيف يتغلغل بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها
وهو يناديك يا ربه ام كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات
ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين
من برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك
وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كان لاحد

والبك مستبقين
لانك غير ضائق بما تريد ولا
عاجز عما تسئل وانت على كل شيء قدير
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم

و بعد از دعای روز جمعه

اللهم هذا يوم مبارك ميمون
والمسلمون فيه مجتمعون في اقطار ارضك
يشهد السائل منهم والطالب و
الراغب والراهب وانت الناظر
في حوائجهم فاسئلك بجودك
وكرمك وهوان ما سئلتك
عليك ان تصلي على محمد وآل
محمد واسئلك اللهم ربنا بان
لك الملك ولك الحمد لا اله الا
انت الحليم الكريم الحنان المنان ذو
الجلال والاكرام بديع السموات
والارض مهما قسمت بين عبادك
المؤمنين من خير او عافية او
بركة او هدى او عمل بطاعتك
او خير تمن به عليهم تهديهم

باب ٥ در دعای حضرت امیر المؤمنین ع

فیها مقرا ولا مقاما لکنک تقدست اسمائک اقسمت ان تملأها من الکافرین
من الجنة والناس اجمعین وان تخلد فیها المعاندین وانت جل ثناؤک قلت
مبتدئا وتطولت بالانعام متکرما افمن کان مؤمنا کمن کان
فاسقا لا یستوون الهی وسیدی فاسئلک بالقدرة التی قدرتها وبالقضیة
التی حتمتها وحکمتها وغلبت من علیه اجریتها ان تهب لی فی هذه اللیلة و
فی هذه الساعة کل جرم اجرمته وکل ذنب اذنبته وکل قبیح اسررته
وکل جهل عملته کتمته او اعلنته اخفیته او اظهرته وکل سیئة
امرت باثباتها الکرام الکاتبین الذین وکلتهم بحفظ ما یکون منی وجعلتهم
شهودا علی مع جوارحی وکنت انت الرقیب علی من ورائهم والشاهد لما خفی
عنهم وبرحمتک اخفیته وبفضلک سترته وان توفر حظی من کل خیر
تنزله او احسان تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطا
تستره یا رب یا رب یا رب یا الهی وسیدی ومولای ومالک رقی یا من بیده
ناصیتی یا علیما بضری ومسکنتی یا خبیرا بفقری وفاقتی یا رب یا رب یا رب
اسئلک بحقک وقدسک واعظم صفاتک واسمائک ان تجعل اوقاتی
فی اللیل والنهار بذکرک معمورة وبخدمتک موصولة واعمالی عندک
مقبولة حتی تکون اعمالی واورادی کلها وردا واحدا وحالی فی خدمتک سرمدا
یا سیدی یا من علیه معولی یا من الیه شکوت احوالی یا رب یا رب یا رب
قو علی خدمتک جوارحی واشدد علی العزیمة جوانحی وهب لی الجد فی
خشیتک والدوام فی الاتصال بخدمتک حتی اسرح الیک فی میادین
السابقین واسرع الیک فی المبادرین واشتاق الی قربک فی المشتاقین

در دعای روز جمعه

الیک وترفع لهم عندک درجة او تعطیهم به خیرا
من خیر الدنیا والآخرة واسئلک
اللهم بان لک الملک ولک الحمد لا اله
الا انت ان تصلی علی محمد وآل
محمد عبدک ورسولک وحبیبک
وصفوتک وخیرتک من خلقک
وعلی آل محمد الابرار الطاهرین
الاخیار صلوة لا یقوی علی
احصائها الا انت وان تشرکنا فی
صالح من دعاک فی هذا الیوم
من عبادک المؤمنین یا رب العالمین
وان تغفر لنا ولهم انک علی کل
شیء قدیر اللهم الیک تعمدت
بحاجتی وبک انزلت الیوم فقری
وفاقتی ومسکنتی وانی بمغفرتک
ورحمتک اوثق منی بعملی و
لمغفرتک ورحمتک اوسع من
ذنوبی فصل علی محمد وآل محمد
وتول قضاء کل حاجة هی
لی بقدرتک علیها وتیسیر ذلک
علیک وبفقری

وادنو منک دنو المخلصین واخافک مخافة الموقنین واجتمع فی جوارک
مع المؤمنین اللهم ومن ارادنی بسوء فارده ومن کادنی فکده و
اجعلنی من احسن عبادک نصیبا عندک واقربهم منزلة منک واخصهم
زلفة لدیک فانه لا ینال ذلک الا بفضلک وجد لی بجودک واعطف
علی بمجدک واحفظنی برحمتک واجعل لسانی بذکرک لهجا وقلبی بحبک
متیما ومن علی بحسن اجابتک واقلنی عثرتی واغفر لی زلتی فانک
قضیت علی عبادک بعبادتک وامرتهم بدعائک وضمنت لهم الاجابة
فالیک یا رب نصبت وجهی والیک یا رب مددت یدی فبعزتک
استجب لی دعائی وبلغنی منای ولا تقطع من فضلک رجائی واکفنی شر
الجن والانس من اعدائی یا سریع الرضا اغفر لمن لا یملک الا الدعاء فانک
فعال لما تشاء یا من اسمه دواء وذکره شفاء وطاعته غنی ارحم من
راس ماله الرجاء وسلاحه البکاء یا سابغ النعم یا دافع النقم یا نور
المستوحشین فی الظلم یا عالما لا یعلم صل علی محمد وآل محمد وافعل بی
ما انت اهله وصلی الله علی رسوله والائمة المیامین من آله وسلم تسلیما
کثیرا خاتمه در تتمه اعمال ماه از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که سه روز از آخر
ماه شعبان را روزه دارد و بماه مبارک رمضان وصل نماید حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی
از برای او بنویسد ابو الصلت هروی گوید که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام
رضا ع رفتم حضرت فرمود ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک
و تلافی کن از آنچه از این ماه مانده است تقصیرها را که در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو باد که
رو آوری بر آنچه نافع است برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن

الیک ...
فانی لم اصب خیرا قط
الا منک ولم یصرف عنی سوء قط
احد غیرک ولا ارجو لامر آخرتی
ودنیای سواک اللهم
من تهیأ وتعبأ واعد واستعد
لوفادة الی مخلوق رجاء رفده و
نوافله وطلب نیله وجائزته
فالیک یا مولای کانت الیوم تهیئتی
وتعبئتی واعدادی واستعدادی
رجاء عفوک ورفدک وطلب
نیلک وجائزتک اللهم فصل
علی محمد وآل محمد ولا تخیب الیوم
ذلک من رجائی یا من لا یحفیه
سائل ولا ینقصه نائل فانی
لم آتک ثقة منی بعمل صالح
قدمته ولا شفاعة مخلوق
رجوته الا شفاعة محمد واهل
بیته علیه وعلیهم سلامک
اتیتک مقرا بالجرم والاسائة
علی نفسی اتیتک ارجو عظیم
عفوک الذی عفوت به عن
الخاطئین

در آداب دخول ماه رمضان

و توبکن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص کرداننده باشی خود را از برای خدا و مگذار امانت و حق کسیرا در گردن خود مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه از دل بیرون کنی و مگذار گناهی را که می کرده مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا از پنهان و آشکار امور خود و هر که بر خدا توکل نماید خدا بس است و بسیار بخوان در بقیه ماه این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ بدرستیکه خدای تعالی در این ماه آزاد میکند بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان

باب بیست و چهارم در طلب

استهلال و ادعیه روزانه

در ادعیه و زیارات دخول ماه مبارک رمضان و ادعیه شب اول و روز و سنن و ... بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان می خواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي اُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنُ وَجَعَلْتَهُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا مَنْ اَخَذَ الْقَلِيلَ وَشَكَرَ الْكَثِيرَ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِي اِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلاً وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعاً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ عَفَى عَنِّي وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْنِي بِارْتِكَابِ الْمَعَاصِي عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ اِلٰهِي وَعَظْتَنِي فَلَمْ اَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ اَنْزَجِرْ فَمَا عُذْرِي فَاعْفُ عَنِّي يَا كَرِيمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا اَهْلَ التَّقْوَى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ اَمَتِكَ ضَعِيفٌ فَقِيرٌ اِلَى رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنَى وَالْبَرَكَةِ عَلَى الْعِبَادِ قَاهِرٌ مُقْتَدِرٌ اَحْصَيْتَ

در دعای شریف

اَعْمَالَهُمْ وَقَسَمْتَ اَرْزَاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً اَلْسِنَتُهُمْ وَاَلْوَانُهُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ لَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ عِلْمَكَ وَلَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ قَدْرَكَ وَكُلُّنَا فُقَرَاءُ اِلَى رَحْمَتِكَ فَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَالْاَمَلِ وَالْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ اِلٰهِي اَبْقِنِي خَيْرَ الْبَقَاءِ وَاَفْنِنِي خَيْرَ الْفَنَاءِ عَلَى مُوَالاتِ اَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاتِ اَعْدَائِكَ وَالرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ وَالْخُشُوعِ وَالْوَفَاءِ وَالتَّسْلِيمِ لَكَ وَالتَّصْدِيقِ بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَاناً بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَرِضًى بِقَضَائِكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَاَثَرَةً وَطُمَأْنِينَةً وَتَوْبَةً نَصُوحاً اَسْئَلُكَ ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اِلٰهِي اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصَى فَكَاَنَّكَ لَمْ تُرَ وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطَاعُ فَكَاَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَاَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سُكَّانُ اَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَاداً وَبِالْخَيْرِ عَوَّاداً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلٰوةً دَائِمَةً لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ وَلَا يَقْدِرُ قَدْرَهَا غَيْرُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و سنتست که طلب هلال ماه رمضان بکنند و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون هلال ماه رمضان دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها بسوی خدا بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَائَهُ وَفِتْنَتَهُ و بهتر دعاها

باب ٤٥ دعای رؤیت هلال

دعای رؤیت هلال صحیفهٔ کامله است که از علی بن الحسین علیه السلم است و ان اینست ایها الخلق المطیع الدائب السریع المتردد فی منازل التقدیر المتصرف فی فلک التدبیر امنت بمن نور بک الظلم و اوضح بک البهم و جعلک آیة من آیات ملکه و علامة من علامات سلطانه و امتهنک بالزیادة و النقصان و الطلوع و الافول و الانارة و الکسوف فی کل ذلک انت له مطیع و الی ارادته سریع سبحانه ما اعجب ما دبر فی امرک و الطف ما صنع فی شانک جعلک مفتاح شهر حادث لامر حادث فاسال الله ربی و ربک و خالقی و خالقک و مقدری و مقدرک و مصوری و مصورک ان یصلی علی محمد و آل محمد و آله و ان یجعلک هلال برکة لا تمحقها الایام و طهارة لا تدنسها الاثام هلال امن من الافات و سلامة من السیئات هلال سعد لا نحس فیه و یمن لا نکد معه و یسر لا یمازجه عسر و خیر لا یشوبه شر هلال امن و ایمان و نعمة و احسان و سلامة و اسلام اللهم صل علی محمد و آله و اجعلنا من ارضی من طلع علیه و ازکی من نظر الیه و اسعد من تعبد لک فیه للتوبة و اعصمنا فیه من الحوبة و احفظنا فیه من مباشرة معصیتک و اوزعنا فیه شکر نعمتک و البسنا فیه جنن العافیة و اتمم علینا باستکمال طاعتک فیه المنة انک المنان الحمید و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

باب ٤٦ در بیان فضیلت ماه مبارک رمضان بدانکه ماه مبارک رمضان بهترین ماهها و شریف‌ترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که حضرت رسول در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و در آخر خطبه خواندند که ایها الناس قد اقبل الیکم شهر رمضان بالبرکة و الرحمة

دعائی
و اذقنی طعم العافیة
الی منتهی اجلی و لا تشمت بی
عدوی و لا تمکنه من عنقی و لا
تسلطه علی الٰهی ان دفعتنی فمن
ذا الذی یضعنی و ان وضعتنی
فمن ذا الذی یرفعنی و ان اکرمتنی
فمن ذا الذی یهیننی و ان اهنتنی
فمن ذا الذی یکرمنی و ان عذبتنی
فمن ذا الذی یرحمنی و ان اهلکتنی
فمن ذا الذی یعرض لک فی
عبدک او یسئلک عن امره و قد
علمت انه لیس فی حکمک
ظلم و لا فی نقمتک عجلة و انما
یعجل من یخاف الفوت و انما یحتاج
الی الظلم الضعیف و قد تعالیت
یا الٰهی عن ذلک علوا کبیرا
اللهم صل علی محمد و آل محمد
و لا تجعلنی للبلاء غرضا و لا
لنقمتک نصبا و مهلنی و
نفسنی و اقلنی عثرتی و لا تبتلنی
ببلاء علی اثر بلاء فقد تری
ضعفی و

در خطبهٔ نبوی در فضیلت ماه رمضان

و المغفرة و شهر هو افضل الشهور و ایامه افضل الایام و لیالیه افضل اللیالی و ساعاته افضل الساعات قد دعیتم فیه الی ضیافة الله و جعلتم فیه من اهل کرامته انفاسکم فیه تسبیح و نومکم فیه عبادة و عملکم فیه مقبول و دعاؤکم مستجاب فاسئلوا الله ربکم بنیة صادقة و قلوب طاهرة ان یوفقکم لصیامه و تلاوة کتابه فان الشقی من حرم غفران الله فیه و اذکروا بجوعکم و عطشکم جوع یوم القیمة و عطشه و تصدقوا علی فقرائکم و مساکینکم و وقروا کبارکم و ارحموا صغارکم و صلوا ارحامکم و غضوا عما لا یحل النظر الیه ابصارکم و عما لا یحل الاستماع الیه اسماعکم و تحننوا علی ایتام الناس یتحنن علی ایتامکم و توبوا من ذنوبکم و ارفعوا ایدیکم بالدعاء فی اوقات صلواتکم فانها افضل الساعات ینظر الله تعالی الی عباده بالرحمة و یجیبهم اذا ناجوه و یلبیهم اذا نادوه و یستجیب لهم اذا دعوه یعنی ای مردمان بدرستیکه روی آورد بشما ماه رمضان با برکت و رحمت و مغفرت و این ماه بهترین جمیع ماههاست و روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شبها و ساعتهایش بهترین ساعتها است بدرستیکه شما در این ماه خوانده شده اید بضیافت خدای تعالی و گردانیده شده اید در این ماه از اهل کرامت حق تعالی نفس زدن شما در این ماه تسبیح است و خواب شما عبادتست و عمل شما در آن مقبولست و دعای شما در آن مستجاب پس بنیت صادق و دل پاک از خدای تعالی بخواهید که توفیق دهد شما را از برای روزه این ماه و تلاوت کتاب او پس شقی کسی است که در این ماه از غفران حق تعالی محروم شود و گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد آورید و تصدق کنید بر فقرا و مساکین و بزرگان از خود را حرمت دارید و عزت کنید و بر خوردسالان خود رحم کنید و صلهٔ رحم بجا آرید و چشم خود را بپوشید از چیزیکه نگاه کردن بآن حرامست و گوش خود را ببندید از چیزیکه شنیدن

و قلة حیلتی و تضرعی الیک و اعوذ بک
الیوم من غضبک فصل
علی محمد و آله و اعذنی و استجیر
بک الیوم من سخطک فصل علی
محمد و آل محمد و اجرنی و اسئلک
امنا من عذابک فصل علی محمد
و آله و امنی و استهدیک فصل
علی محمد و آله و اهدنی و
استنصرک فصل علی محمد و
آله و انصرنی و استرحمک فصل
علی محمد و آله و ارحمنی و استکفیک
فصل علی محمد و آله و اکفنی و
استرزقک فصل علی محمد و آله
و ارزقنی و استعینک فصل علی
محمد و آله و اعنی و استغفرک لما
سلف من ذنوبی فصل علی محمد
و آله و اغفر لی و استعصمک
فصل علی محمد و آله و اعصمنی
فانی لن اعود لشیء کرهته
منی ان شئت ذلک یا رب یا رب یا حنان
یا منان یا ذا الجلال و الاکرام صل
علی محمد و آله

باب ۵ در فضائل ماه رمضان

ان حلال نیست بر ایشان مردم مهر بانی کنید وار گناهان خود توبه کنید و دستهای خود را بدعا بسوی خدای تعالی بردارید در اوقات نمازهای خود که از بهترین ساعتها که خدای تعالی در آن اوقات نظر می کند بر بندگان برحمت خود واجابت می کند دعا و مناجات ایشان را و لبیک می گوید ندای ایشان را أیها الناس من حسن فی هذا الشهر خلقه کان له جوازا علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام ومن خفف فیه عما ملکت یمینه خفف الله حسابه ومن کف فیه شره کف الله عنه غضبه یوم یلقاه ومن وصل فیه رحمه وصله الله برحمته یوم یلقاه ومن تطوع فیه بصلوة کتب الله له براءة من النار ومن ادی فیه فرضا کان له ثواب من ادی سبعین فریضة فیما سواه من الشهور ومن اکثر فیه من الصلوة ثقل الله میزانه یوم تخفف فیه الموازین ومن تلا فیه آیة من القرآن کان له اجر من ختم القرآن فی غیره الا ان ابواب الجنة مفتحة فیه فاسئلوا ربکم ان لا یغلقها عنکم وابواب النار مغلقة فاسئلوا ربکم ان لا یفتحها علیکم والشیاطین مغلولة فاسئلوا ربکم ان لا یسلطها علیکم یعنی ای مردمان کسی که در اینماه خلق خود را خوب کند روزیکه قدمهای مردم از صراط بلغزد واسان از صراط می گذرد و کسی که در اینماه تخفیف دهد در خدمت بندگان خود و ایشان را کار آسان فرماید خدای تعالی تخفیف دهد حساب او را و کسی که در اینماه شر خود را از مردمان نگاه دارد خدای تعالی غضب خود را از او باز میدارد روزیکه ملاقات واقع می شود و کسیکه در اینماه صله رحم بجای آورد خدای تعالی رحمت خود را در روز قیامت باو میرساند و کسیکه در اینماه یک نماز نافله بکند خدای تعالی از برای او برائت می نویسد از آتش دوزخ و کسی که در اینماه یک فریضه را ادا کند ثواب هفتاد فریضه دارد که در غیر اینماه بجا آورد و کسیکه در اینماه نماز بسیار کند خدای تعالی میزان او را گران می کند در روزیکه میزانها سبک باشد و کسی که در اینماه یک آیه از قرآن بخواند

در دعاء رمضان

واستجیب لی جمیع ما سألتک ومسألتک وقدره وقضه وامضه وخر لی فیما تقضی منه وبارک لی فی ذلک وتفضل علی به واسعدنی بما تعطینی منه وزدنی من فضلک وسعة ما عندک فانک واسع کریم وصل ذلک بخیر الآخرة ونعیمها یا ارحم الراحمین ثم تدعو بما بدا لک وتصلی علی محمد وآله الف مرة هکذا نفعل علیه السلام

باب هفتم در صوم

وان امساک از امور یست که میاید و منقسم میشود بواجب و مندوب و مکروه و حرام و از برای هر یک اقسام چند میباشد که خواهد امد و مطالب متعلقه بان در ضمن چند مبحث گفته میشود مبحث اول در شرایط و کیفیت و احکام آنست و در آن دو مقصد است مقصد اول در بیان شرایط و لواحق آن و در آن دو فصل است

ثواب یک ختم قرآن که در غیر اینماه ختم کرده باشد بدرستیکه درهای بهشت در اینماه گشوده است پس درخواهید از خدا که آنها را بر شما نه بندد و درهای دوزخ بر شما بسته شده در اینماه از خدای تعالی درخواهید که آنها را بر شما نگشاید و جمیع شیاطین در اینماه مغلول‌اند از خدای تعالی درخواهید که ایشان را بر شما مسلط نگرداند و از حضرت صادق روایتست که هر گاه شب اول ماه رمضان در آید خدای تعالی امر کند از خلق خود هر کس را که می خواهد و در شب دویم ماه دو برابر آنچه در شب اول امر زیده است می امرزد و در شب سیم سه برابر و هم چنین می سازد تا شب آخر و در شب آخر اینماه دو برابر آنچه در کل اینماه امرزیده است امرزد و از حضرت پیغمبر روایت است که فرمود بدرستیکه خدای تعالی موکل می سازد در ماه رمضان بهر شبی هفت ملک را و ملکه ایشان را می رسانند از بد تا آخر ماه رمضان و فرمود ایها الناس هر که افطار نماید روزه دار مؤمنی را در اینماه از برای او خواهد بود نزد حق تعالی ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند که یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم بافطار دادن روزه داران بنصف دانه خرما باشد و اگر چه بیک شربت آبی باشد بدرستیکه حق تعالی این ثواب را می دهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس این ماهی است که خدا از بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و در اینماه گشوده می شود درهای آسمان و درهای رحمت و بسته می شود درهای جهنم و در اینماه شنیده می شود دعاهای مؤمنان و مستجاب می گردد دعاهای ایشان و رحم می کند بر گریه‌های ایشان او در اینماه شبی هست که در آن شب ملائکه از آسمان بزمین میایند و سلام می کنند بر مردم روزه دار برخصت پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده در آن شب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه آدم را خلق کند بد و هزار سال و عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روز آن بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتاب ماه رمضان و

در اداء صوم

فصل اول در شرایط وجوب و صحت روزه

در شرایط وجوب روزه و آن چند چیز است اول و دویم بلوغ و عقل سیم مسافر نبودن بسفریکه نماز در آن قصر باشد چهارم سلامتی از مرض بلکه هیچ مضاریکه بترسد شخص بسبب آنها بر نفس محترمه یا عرض محترمه یا از تلف چیزی که حفظ آن واجب باشد یا از مشقت شدیدیکه که متحمل آن شد عادة و مثل آنها پنجم سلامتی از بیهوشی که غالب حواس شده باشد ششم خالی بودن از حیض و نفاس و شرایط در صحت روزه نیز چند چیز است اول آنکه شرط است در وجوب مگر بلوغ که از طفل ممیز هم صحیح است دویم و سیم ایمان و اسلام چهارم آنکه آن زمان قابل باشد از برای روزه مثل عید فطر و اضحی نباشد و زمانیکه

در آداب ماه رمضان

ماههای که طالع میشود بر مردمان روزه دار مگر با رحمت و این ماه شما مانند ماههای دیگر نیست و روزهای بهترین روزها است و شبهای بهترین شبها و دیوان و شیاطین در این ماه غل کرده در زندان و زیاد میکند خدا تعالی در این ماه روزیها و عمرها را و می نویسد و مقدر می کرداند در این ماه حاجیان بیت الله را و در این ماه حفظ تجار و میکند بسوی اهل آسمانها بر زمین فیروزی و رحمت و دوری و خوشنودی خدا و ندجزا دهنده ای روزه دار پس تدبیر کار خود را بکن بد رستیکه ایامها را مهمان خدا خودی پس نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و در روز خود و چگونه نگاه میکنی اعضا و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب باشی و روزها غافل از یاد خدا باشی پس بیرون رود ماه و گناهان تو بر تو باقی باشد مانده باشد پس در هنگامی که روزه داران مزد خود را بگیرند تو از جمله زیانکاران باشی و در وقتی که مکرامات ای خود فایز کردند تو از جمله محرومان باشی و در روزیکه سعادتمند کردیدند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از جمله رانده شدها باشی ای روزه دار اگر آقای تو تورا از درگاه خود بیرون کرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم کرداند تو را ابو و تو کی روزی خواهد داد و اگر او ترا خوار کند کی ترا کرامی خواهد داشت و اگر او ترا ذلیل کند کی ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا از بندگان خود قبول نکند بنده کی کدام خداوند را اختیار کنی و اگر او از لغزشهای تو نکذرد و ترا نیامرزد امید بکی خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب کرده است از تو بخواهد چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی خداوند بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده است که شفاعت از قبول می نمایند و روز قیامت شفاعت میکند از برای آنها که تلاوت کرده اند او اینرا با امیرو ند بد رجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسیکه کرد در این ماه می کشی ثواب تسبیح در نامه عمل تو می نویسد و خواب تو در این ماه عبادت و طاعت بود

بیکماه و بیکروز نداشته باشد و هم چنین شهر رمضان اگر روزه آن واقع نمیشود در آن پس اگر روزه غیر ماه رمضان او را رمضان قصد غایبانه از آن محسوبست و نه از رمضان مگر اینکه بروجه تشریع نباشد مثل آنکه یوم الشک را بقصد شعبان روزه گرفت و بعد معلوم شد که ماه مبارک بوده محسوب میشود از ماه مبارک پنجم آنکه کسیکه روزه سنت میخواهد بگیرد قضای ماه رمضان بلکه غیر او نیز مثل کفاره و نحو آن در ذمه او نباشد اگر قضا از غیر نباشد و اگر استیجار باشد بلکه مطلق تحمل ضرر ندارد با وسعت وقت و تجبر ششم اذن از برای زن و غلام و کنیز در روزه مستحب و امثال داد و اجیر موسع اذن معتبر نیست بلکه مخالفت ضرر ندارد و مراعات احتیاط خوبست در بلکه این احتیاط ترک نکند و شرط است در

در آداب ماه رمضان

در اینماه مقبول است و گناهان تو در اینماه آمرزیده است و اوازهاء در اینماه شنیده شده و اجابت است دعاهای تو از بکه با خدای گوئی بر تو رحم می کند بد رستیکه شنیدم از حبیب خود حضرت رسول که خداوند عالمیان در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کرده های از آتش جهنم که عدد آنها غیر از خدا کسی نمی داند چون شب آخر ماه می شود در آن شب عطا میکند مثل آنکه در جمیع ماه آمرزیده است او ای بنده خدا را ای روزه دار هر که ماه رمضان روزه بدارد و نفس خود را از چیزهائیکه خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت اللّه او را واجب کرداند و هر که در اینماه روزه دارد و در هیچ شب از شبهای آن برای افطار حرام نباید البته داخل بهشت شود پس فرمود شنیدم از سید انبیا که فرمود بهترین اوصیا پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان است و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول اللّه این البته واقع خواهد شد فرمود بلی بحق پروردگارم بد رستیکه بر انگیخته میشود بدبخت ترین امت من جنت بی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب کرده پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر بزیر آمد و از حضرت رسول منقول است بسندهای معتبر که فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه مبارک رمضان پس روزه دارد روزهای او را و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری از شب او و نمازهای او را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه آن و با مدد بنماز عید او حاضر کردد پس در یافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز کردیده بجایزها و بخششهای پروردگار خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست

باب پنجم در اعمال شب اول و افطار

در شب اول ماه جماع با حلال خود سنت است و غسل در شب اول سنت است و از حضرت صادق منقول است که هر که غسل کند در شب اول ماه در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد با طهارت خواهد بود تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود هر که در شب اول ماه مبارک رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضا منقول است که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت صادق امر میفرمود و وصیت می نمود فرزندان خود را که اهتمام کنند و سعی

مستحب روزت مستحب از فرزند عدم نهی پدر و مادر خصوصا با اینکه امر واقع شده در حکم روزه کرده اجتهاد یا تقلید در رحکم روزه و در غیر ان از آنچه بعمل آید پیاورد و در چیزهائیکه از جمله ضروریات باشد مثل وجوب روزه ماه مبارک رمضان بلکه علی ای حال باشد ضروری و نیست در ان تقلید پس اگر سهل انکاری کند و اخذ مسائل روزه نکند و در آن و کسی که روزه را نداند نحو اجمال ترک کند یا اخذ نماید از کسیکه نباید اعتماد باو نماید یا عدم اعتقاد بوجوب اعتماد بر او بجهة امساک بنحو مذکور کفایت در امتثال روزه نمیکند و هم چنین است حکم در غیر روزه از ساير عبادات و اگر عاقل محض باشد همین قدر که قصد قربت از او متحقق شود و اتیان بواقع نماید کافیست و در روزه چه سنت بلکه مطلق سنن چه روزه چه نماز چه در حج و چه غیر اینها معتبر دیگر آنکه

نیست و مطلع بفتوای مجتهد
از یکی از علمای شیعه یا حکم مجتهد
استحسان به بیند یا قول بوجوب
باشد با اطلاع بر عدم وجوب آن
از مجتهد کفایت در رجحان فعل
میکند و از این باب است آنچه در
کتب شیعه باشد از سنن در
مذکوره و احتیاج بتقلید در خصوص
آنها نیست هشتم نیت قربت پس
نمیشود روزه و نه صحیحست بدون
آن چیزی از شرایط وجوب غیر از
بلوغ و صحیحست روزه از مستحاضه
اگرچه هست ... و از غسلهای شب و
روز بجهت نماز بعمل بیاورد و احوط
آنست که ترک نکند آنچه بر او هست از
وضو گرفتن و تغییر دادن پنبه و
نجوان هرچند صحت روزه توقف
بر غیر غسل ندارد و اما آنچه موقوف
صحت روزه بر آنست غسل ظاهر است
که از غسلهای روز است و هم غسل
شب گذشته اگر پیش از فجر غسل کند
کافی است در صحت

باب ٥ در آداب اول ماه رمضان

نماید در اینماه دعا بسیار کرد در اینماه روزیها قسمت میشود و اعمال بندگان و عمرها نوشته شود و حاجات
در اینماه مقدر میشوند که بحج بروند و در اینماه شبی هست که آن شب بهتر است از هزار ماه و از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند از
شما بلا را و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین در شب اول ماه سنت
بطریقیکه در باب زیارات گذشت و از حضرت صادق منقولست که هر که در شب اول ماه
رمضان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگ از درختان و از گناهان
بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و نیز
از آنحضرت منقولست که هر که در شب این ماه سوره انا انزلناه را در نافله بخواند در آنسال
از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند که حقتعالی از او کفایت
شر و بکند کفایت کند او را از آنچه می ترسد در اینماه و حفظ کند او را از آنچه می ترسد از
بیماریها و دردها و نماز را تکسیر توان کرد و سوره را از روی قرآن میتوان خواند و در روز
اول ماه نیز سنت که غسل کند در آب جاری و سی کف بر سر بریزد و از حضرت صادق منقولست که چون
در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت
منقولست که هر که در روز اول ماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی بیرون آید
و اگر هر روز بکند در آن روز از بلاها ایمن گردد و دو رکعت نماز اول ماه که در باب صلوات نمازهای
مستحبه گذشت بکند و سلامتی آنماه را بخرد و در روز اول ماه سنت است خواندن این دعا اللهم
قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا صیامه وانزلت فیه القرآن
هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان اللهم اعنا علی صیامه و
تقبله منا وتسلمه منا وسلمه لنا فی یسر منک وعافیة انک علی کل

شیء قدیر و ایضا از آنحضرت منقولست که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول این دعا را م
میخواندند اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت
فیه القرآن وجعلته بینات من الهدی والفرقان اللهم فبارک لنا فی شهر
رمضان واعنا علی صیامه وصلواته وتقبله منا و ایضا بسند معتبر از حضرت
صادق منقولست که چون ماه مبارک داخل میشود یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند
و در رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد حقتعالی جمیع
بدیها را از آنسال از او دور گرداند و در حفظ حقتعالی باشد تا سال آینده و در شب اول یا روز
اول دعای صحیفه کامله را بخوانند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح
روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول
ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای حقتعالی
و بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آنسال باو نرسد فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر
رساند بدین او یا بدن او و حقتعالی حفظ کند او را از شر آنچه در آنسال واقع میشود از فتنها
و بلاها و آن دعا اینست اللهم انی اسئلک باسمک الذی دان له کل شیء وبرحمتک
التی وسعت کل شیء وبعظمتک التی تواضع لها کل شیء وبقوتک التی خضع لها
کل شیء وبعزتک التی قهرت کل شیء وبجبروتک التی غلبت کل شیء وبعلمک
الذی احاط بکل شیء یا نور یا قدوس یا اول قبل کل شیء ویا باقی بعد فناء کل شیء
یا الله یا رحمن صل علی محمد وآل محمد واغفر لی الذنوب التی تغیر النعم واغفر
لی الذنوب التی تنزل النقم واغفر لی الذنوب التی تقطع الرجاء واغفر لی الذنوب
التی تدیل الاعداء اللهم واغفر لی الذنوب التی ترد الدعاء واغفر لی الذنوب
التی یستحق بها نزول البلاء واغفر لی الذنوب التی تحبس غیث السماء واغفر لی الذنوب

التی تکشف الغطاء واغفر لی الذنوب التی تعجل الفناء واغفر لی الذنوب التی تورث

الندم واغفر لی الذنوب التی تهتک العصم والبسنی درعک الحصینة التی

لا ترام وعافنی من شر ما احاذر باللیل والنهار فی مستقبل سنتی هذه اللهم

رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش

العظیم ورب السبع المثانی والقرآن العظیم ورب اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل

ورب محمد صلی الله علیه وآله سید المرسلین وخاتم النبیین اسئلک بک

وبما سمیت به نفسک یا عظیم انت الذی تمن بالعظیم وتدفع کل محذور وتعطی کل

جزیل وتضاعف من الحسنات بالقلیل وبالکثیر وتفعل ما تشاء یا قدیر

یا الله یا رحمن صل علی محمد واهل بیته والبسنی فی مستقبل سنتی هذه

سترک ونضر وجهی بنورک واحببنی بمحبتک وبلغنی رضوانک وشریف

کرامتک وجسیم عطیتک واعطنی من خیر ما عندک ومن خیر ما

انت معطیه احدا من خلقک والبسنی مع ذلک عافیتک یا موضع کل

شکوی ویا شاهد کل نجوی ویا عالم کل خفیة ویا دافع ما تشاء

من بلیة یا کریم العفو یا حسن التجاوز توفنی علی ملة ابرهیم وفطرته

وعلی دین محمد صلی الله علیه وآله وسنته وعلی خیر الوفاة فتوفنی موالیا

لاولیائک ومعادیا لاعدائک اللهم وجنبنی فی هذه السنة کل عمل او قول

او فعل یباعدنی منک واجلبنی الی کل عمل او قول او فعل یقربنی

منک فی هذه السنة یا ارحم الراحمین وامنعنی من کل عمل او قول او

فعل یکون منی اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتک ایای علیه حذار ان

تصرف وجهک الکریم عنی فاستوجب به نقصا من حظ لی عندک یا رؤف

وعید روز بدل بدنه از
برای کسیکه بیرون رفتن باشد از
قبل از غروب آفتاب عمداً و روزه
نذر کرده باشد گرفتن از اد دحضر
و سفر هر دو یا سفر تنها کم صحیح
اما در روزه مندوب قول بکر
مکرر در سه روز در مدینه بجهت
حاجت خالی از قوه نیست لکن احوط
ترک است و اگر روزه بگیرند صاحب
اعداد سابقه مجزی نخواهد بود از
ایشان و جهت ایشان قضا مکر
مسافریکه جاهل بحکم باشد پس
مجزیست روزه او و اگر ملتفت
شود جاهل بالمسئله در
اثناء روز بمسئله واجب
است افطار نمودن و
جاهل در حکم عالمست اگر
عالم باشد بحکم اجمالا
یا نداند بودن جزیره
سفر مصداق دوم

بکل اسم هو لک انزلته فی کتابک او اثبته فی قلوب الحافین

حول عرشک فتراجعت القلوب الی الصدور عن البیان

باخلاص الوحدانیة وتحقیق الفردانیة مقرة لک بالعبودیة

وانک انت الله انت الله انت الله لا اله الا انت واسئلک بالاسماء

الاسماء التی تجلیت بها للکلیم علی الجبل العظیم فلما بدا شعاع

نور الحجب من بهاء العظمة خرت الجبال متدکدکة لعظمتک

وجلالک وهیبتک وخوفا من سطوتک راهبة منک فلا اله

الا انت فلا اله الا انت فلا اله الا انت واسئلک بالاسم

الذی فتقت به رتق عظیم جفون عیون الناظرین

الذی به تدبیر حکمتک وشواهد حجج انبیائک یعرفونک

بفطن القلوب وانت فی غوامض مسرات سریرات الغیوب

اسئلک بعزة ذلک الاسم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان

تصرف عنی جمیع الآفات والعاهات والاعراض والامراض و

والخطايا والذنوب والشك والشرك والكفر والشقاق والنفاق
والضلالة والمقت والجهل والغضب والعسر والضيق و
فساد الضمير وحلول النقمة وشماتة الاعداء وغلبة الرجال
انك سميع الدعاء لطيف لما تشاء وصلى الله على محمد وآل محمد
يا ارحم الراحمين

لتسخير العدو بسم الله الرحمن الرحيم اللهم سخر لي اعدائي
كما سخرت الريح لسليمان بن داود عليه السلام ولين هم لي كما لينت
الحديد لداود عم وذلل هم لي كما ذللت فرعون لموسى عم وقهرهم
لي كما قهرت ابا جهل لمحمد صلى الله عليه وآله بحق كهيعص
وبحق حمعسق صم بكم عمي فهم لا يعقلون صم بكم عمي فهم لا يعلمون
صم بكم عمي فهم لا يتكلمون صم بكم عمي فهم لا يسمعون حسبي الله ونعم الوكيل
نعم المولى ونعم النصير فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
وصلى الله على محمد وآله اجمعين

لدفع الشدائد يا صريخ المستصرخين ويا غياث المستغيثين
ويا مفرج كرب المكروبين قد ترى مكاني وتعرف حالي ولا يخفى لك
شيء من امري   فايده چون نزديک پادشاهی يا بزرگی رسی هفت
بار بگو خيرك بين عينيك وشرك تحت قدميك وبالله استعين
عليك اللهم اكفني بما شئت فانه لا قوة الا بك   واگر از غضب
پادشاهی ترسی در برابر او بگو تعززت بالحي القيوم وتحصنت
بلا اله الا الله العلي العظيم وحروف كهيعص را با انگشتان
دست راست عقد کن وحروف حمعسق را با انگشتان دست چپ عقد کن
وبگو وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما انگاه انگشتان
بر روی او باز کن که هيچ از قصد ربتو نتواند بستن   وهرگاه در مجلس
حاکمی بنشينی بسيار بگو الله الله ربي لا اشرك به شيئا وينجي الله الذين
اتقوا بمفازتهم لا يمسهم السوء ولا هم يحزنون که فوايد بسيار دارد
فايده در نصرت بر اعدا آية الكرسي بخوان وبگو اللهم خلصنا

یا رحیم اللهم اجعلنی فی مستقبل سنتی هذه فی حفظک و فی جوارک و فی کنفک و جللنی ستر عافیتک و هب لی کرامتک عز جارک و جل ثناؤک اللهم اجعلنی تابعا لصالح من مضی من اولیائک و الحقنی بهم و اجعلنی مسلما لمن قال بالصدق علیک منهم و اعوذ بک اللهم ان تحیط بی خطیئتی و ظلمی و اسرافی علی نفسی و اتباعی لهوای و اشتغالی لشهواتی فیحول ذلک بینی و بین رحمتک و رضوانک فاکون منسیا عندک متعرضا لسخطک و نقمتک اللهم وفقنی لکل عمل صالح ترضی به عنی و قربنی الیک زلفی اللهم کما کفیت نبیک محمدا صلی الله علیه و اله هول عدوه و فرجت همه و کشفت غمه و صدقته وعدک و انجزت له عهدک اللهم فبذلک فاکفنی هول هذه السنة و آفاتها و اسقامها و فتنتها و شرورها و احزانها و ضیق المعاش فیها و بلغنی برحمتک کمال العافیة بتمام دوام النعمة عندی الی منتهی اجلی اسئلک سؤال من اساء و ظلم و استکان و اعترف و اسئلک ان تغفر لی ما مضی من الذنوب التی حصرتها حفظتک و احصتها کرام ملائکتک علی و ان تعصمنی الهی من الذنوب فیما بقی من عمری الی منتهی اجلی یا الله یا رحمن یا رحیم صل علی محمد و اهل بیته و آتنی کل ما سألتک و رغبت الیک فیه فانک امرتنی بالدعاء و تکفلت لی بالاجابة یا ارحم الراحمین و سحور خوردن در هر شب ماه مبارک رمضان مستحبست و از حضرت رسول منقولست که ترک نکند امت من سحور خوردن را اگرچه یک دانه خرمای زبون باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که حق تعالی و ملئکه صلوات می فرستند بر آنها که استغفار می کنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه یک شربت آب باشد و بهترین سحرها قاوُت و خرما و ایضا فرمودند سحور بخورید اگرچه بجرعه آبی باشد و خداوند صلوات و رحمت می فرستند

من هذه المحنة و نجنا من هذه الفتنة و قنا سوء القضاء و اکفنا طول البلاء و اغمد عنا سیوف الاعادی و امنع عنا صنوف العوادی و انقضنا من کل سوء و اظفرنا من کل مرجو برحمتک یا ارحم الراحمین فائده در دفع اعداء هفتاد بار بگوید اللهم شتت شملهم و فرق جمعهم و قلب تدبیرهم و خرب بنیانهم و قرب آجالهم و قصر اعمارهم و بدل احوالهم و اقطع ارزاقهم و امح آثارهم و ابتر عمرهم و اقطع نصلهم و اشغلهم بابدانهم و خذهم اخذ عزیز مقتدر یا قهار یا قهار یا قهار یا جبار یا جبار یا جبار که در اندک زمانی دشمنان تو هلاک شود

برسحور خوردن کان واز حضرت صادق ع منقولست که هر که سورهٔ انا انزلناه را در وقت سحور و
وقت افطار بخواند و در ما بین این دو حالت بمیرد ثواب کسی را داشته باشد که در راه
خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد
از سحور خوردن بکند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت می توان کرد و همین که مید اند و قصد
روزه دارد که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد بس است و اما آداب افطار سنت است که
اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر اینکه جمعی بانتظار او باشند یا آنکه گرسنگی
و تشنگی بر او غالب باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز در این دو صورت افطار را
مقدم داشتن بهتر است چنانچه از حضرت امام محمد باقر ع مرویست فرمود نماز کن در حالت صائم
باشی که دوست میدارم که نماز تو ختم شود بروزه و از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر گاه یکی
از شما روزه بدارد باید بگشاید بخرما و نه خورد و اگر خرما نیابد باب روزه بگشاید زیرا که
آب طهور است و حضرت صادق ع افطار می کرد ابتدا بحلوا و اگر حلوا نبود بشکر یا بخرما افطار
میکرد و اگر هیچ کدام نبود باب فاتر یعنی نیم گرم افطار میکرد و میفرمود که آب فاتر معده را
پاک میسازد و ما صبر را قوت میدهد و گاهها را می شوید و عروق و مصطر را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و بلغم را قطع می کند و اطفاء حرارت میکند و درد
سر را ساکن میسازد و از حضرت صادق ع مرویست که فرمود هر که بخرما روزه بگشاید نور چشم او
کم می شود و هر گاه بشیرینی افطار کند نور او عود میکند بمکان خود و قوت می یابد و
از حضرت صادق ع مرویست که هر که روزه دار را افطار فرماید مر او راست مثل اجر آن روزه دار
و از حضرت ابوالحسن ع مرویست که روزه گشودن تو برادر صائم خود را بهتر است از روزه داشتن
تو و از حضرت پیغمبر مرویست که هر که روزه دار را روزه بگشاید مر او راست مثل اجر روزه دار بی آنکه
از اجر او چیزی کم شود و هر عمل خوبی که آن صائم بقوت آن طعام بجا بیاورد مثل ثواب آن عمل را

در اعمال افطار

خدا بجا میاورد بهتر است آنکه از اجر عامل او چیزی کم شود و از آنحضرت روایت است که آنچه در خطبه فرموده در
فضیلت افطار دادن و از آنحضرت مرویست که هر که وقت افطار این دعا را بخواند از گناهان بیرون
میاید مثل روزیکه از مادر متولد شده است یا عظیم یا عظیم یا عظیم انت الله لا اله الا
انت اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا انت یا عظیم دعای
دیگر که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت افطار میخواندند اللهم رب النور
العظیم و رب الکرسی الرفیع و رب البحر المسجور و رب الشفع الکبیر و النور
العزیز و رب التوریة و الانجیل و الزبور و الفرقان العظیم انت اله من
فی السموات و اله من فی الارض لا اله فیهما غیرک انت جبار من فی السموات
و جبار من فی الارض لا جبار فیهما غیرک و انت ملک من فی السموات و ملک
من فی الارض لا ملک فیهما غیرک اسئلک باسمک الکبیر و نور وجهک
الکریم و بملکک القدیم یا حی یا قیوم و اسئلک باسمک الذی اشرق به
کل شیء و باسمک الذی اشرقت به السموات و الارض و باسمک الذی صلح به
الاولون و به یصلح الآخرون یا حیا قبل کل حی و یا حیا بعد کل حی یا حی
لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی ذنوبی و اجعل لی من امری
یسرا و فرجا قریبا و ثبتنی علی دین محمد و آل محمد و علی هدی محمد و آل محمد
و علی سنة محمد و آل محمد علیه و علیهم السلام و اجعل عملی فی المرفوع
المتقبل و هب لی کما وهبت لاولیائک و اهل طاعتک فانی مؤمن بک متوکل
علیک منیب الیک مع مصیری الیک و تجمع لی و لاهلی و لولدی الخیر
کله و تصرف عنی و عن اهلی الشر کله انت الحنان المنان بدیع السموات
و الارض تعطی الخیر من تشاء و تصرفه عمن تشاء فامنن علی برحمتک یا ارحم

در مسایل صوم

گرفتن بی اشکال کند حایض
فصل دوم باید افطار کند و عذر ایشان
و نفساء هر گاه حاصل شود عذر ایشان هر چند قلیلی
در جزئی از روزه باشد یا منقطع شود
پیش از غروب یا بعد از طلوع فجر و واجب است
بعد بعد از طلوع فجر و کافر
بر طفل در وقتیکه بالغ شود و روزه تمام کردن
مسلم شود در اثناء روزه لکن مستحب است بر طفل تمام کردن
روزه اگر افطار نکرده باشد و بالغ
روزه اگر افطار نکرده باشد و احوط در آن
شود بغیر مبطل بلکه اگر پیش
عدم ترک گشتن مبطل و بر کافر اگر
از ظهر مسلم شود و افطار نموده
باشد و هم چنین است حال دیوانه
و بیهوش اگر زایل شود دیوانگی و
بیهوشی از ایشان در اثناء روزه
و اما مریض و مسافر پس اگر بر طرف
شود مرض و حاضر شود مسافر
پیش از ظهر و افطار نموده باشند
پیش از آن واجب است بر ایشان
و نه صحیح است و اگر افطار نکرده
باشند واجب است بر ایشان تمام
نمودن روزه

باب ۵۷ در نمازهای شبهای ماه رمضان

الراحمین و نیز حضرت امیر المؤمنین ع در وقت افطار این دعا را می خواند بسم الله اللهم لک
صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا انک انت السمیع العلیم و حضرت صادق ع
نزد افطار می گفت الحمد لله الذی اعاننا فصمنا و رزقنا فافطرنا اللهم تقبل
منا و اعنا علیه و سلمنا فیه و تسلمه منا فی یسر منک و عافیة الحمد لله
الذی قضی عنا یوما من شهر رمضان **باب ۵۸ در نمازهای شبهای ماه مبارک رمضان** از
کتاب اربعین شیخ شهید نقل کرده ایم که از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست شب اول رمضان هر کس
در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و بیست و پنج بار توحید بخواند حق تعالی
باو ثواب صدیقان و شهدا کرامت کند و گناهان او را بیامرزد و در روز قیامت از جمله فایزان و رستگاران
خواهد بود شب دوم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و بیست مرتبه سوره قدر
بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و رزق او را واسع گرداند و تمام سال او را کفایت کند شب سوم
هر که در این شب ده رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و پنجاه مرتبه توحید بخواند در قیامت
ندای آید که او آزاد کرده شده است از آتش دوزخ و درهای هفت آسمان از برای او گشوده می شود و کسیکه
این شب را احیا کند حق تعالی جمیع گناهان او را می آمرزد شب چهارم هر که در این شب هشت رکعت نماز کند در هر
رکعت یکمرتبه الحمد و بیست مرتبه سوره قدر عمل او را در این شب مثل عمل هفت پیغمبر که تبلیغ رسالت
خدای تعالی کرده باشند بآسمان برند شب پنجم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد
و پنجاه مرتبه توحید بخواند و چون سلام دهد صد بار صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد با من محشور
در بهشت باشد شب ششم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار سوره الحمد و یکمرتبه سوره
تبارک بخواند چنانست که شب قدر را دریافته است شب هفتم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه
الحمد و سیزده مرتبه سوره قدر را بخواند حق تعالی از برای او در جنت عدن قصری بنا کند از طلا
و تا سال دیگر در امان خدا است شب هشتم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و ده مرتبه

در مسائل روزه

و اگر
حاصل شود عذر ایشان در
اثناء روزه پس مریض افطار کند چه
پیش از زوال و اما مسافر پس اگر
خارج شود پیش از ظهر واجبست
افطار نماید چه در شب نیت سفر نموده
باشد یا نه و اگر خارج شود بعد
از زوال تمام نماید روزه را لکن احوط
آنست که سفر نماید پیش از ظهر مگر
اینکه نیت سفر را در شب کرده
باشد و هر گاه نیت نکرده باشد
در شب تمام نماید روزه را و قضا
نماید و مرد پیر و زن پیر هرگاه
عاجز شوند از روزه گرفتن چه
متعذر باشد بر ایشان روزه
و چه متعسر افطار نمایند و همچنین
است حکم کسیکه صاحب
دردیست که سیراب نمی شود و نمی
تواند ترک آب خوردن نماید در
تمام روز ولکن واجبست بر هر یک
از ایشان در صورت مشقت بودن
روزه بر ایشان تصدق نمودن
از هر روزی

و هم بعد از زوال

نمازهای شبهای ماه رمضان

سوره توحید بخواند و چون سلام دهد هزار مرتبه تسبیح بگوید درهای بهشت بجهت او گشوده می شود تا
از هر دری که خواهد داخل بهشت شود شب نهم هر کس در این شب میان نماز شام و خفتن شش رکعت نماز کند
در هر رکعت یکمرتبه الحمد و هفت مرتبه آیة الکرسی بخواند و چون سلام دهد پنجاه مرتبه صلوات
بفرستد عمل او را با عمل صدیقان و شهدا و صالحان بآسمان برند شب دهم هر کس در این شب بیست رکعت
نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و سی بار توحید بخواند حق تعالی رزق او را واسع گرداند و او را از
فایزان گرداند شب یازدهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست بار سوره کوثر
بخواند در آن روز بر او گناهی ننویسند شب دوازدهم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار
الحمد و سی بار سوره قدر بخواند او را ثواب شاکران دهند و در قیامت ثواب صابران دهند شب سیزدهم
هر کسیکه در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه توحید بخواند مثل برق
جهنده از صراط بگذرد شب چهاردهم هر کس در این شب شش رکعت نماز بکند در هر رکعت الحمد یکبار و سی بار
سوره زلزله بخواند حق تعالی سکرات موت و هول منکر و نکیر را بر وی آسان کند شب پانزدهم هر کس
در این شب چهار رکعت نماز کند در دو رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه توحید بخواند و چندان
عظمت الهی باو داده شود که غیر از خدای تعالی کسی او را نداند شب شانزدهم هر کس در این شب دوازده رکعت نماز
بکند در هر رکعت الحمد یکبار و دوازده مرتبه سوره تکاثر بخواند در روز قیامت از قبر بیرون آید با
خبر دو ندا کند که اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله تا آنکه بی حساب داخل
بهشت شود شب هفدهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد و هر سوره که خواهد بخواند
و در رکعت دوم الحمد و صد مرتبه توحید بخواند و بعد از سلام صد بار لا اله الا الله بگوید ثواب
هزار هزار حج و هزار هزار عمره باو دهند شب هیجدهم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند در هر رکعت
یکبار الحمد و بیست و پنج مرتبه سوره کوثر بخواند ملک الموت او را بشارت دهد که خدای تعالی از تو راضی است شب
نوزدهم هر کس در این شب پنجاه رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و پنجاه مرتبه سوره زلزله بخواند شب

در مسائل روزه

بمدی از طعام علاوه بر این در غیر
و شیر هست علاوه و واجب نیست قضا
یاس از برء از مرض بر ایشان
بر مرد پیر و زن پیر روزه گرفتن بعد ماه
آسان شود در صورت اول احوط قضا
لیکن در صورت دوم و اما صاحب ناخوشی
عطش پس اگر برء از مرض از برای
او حاصل شود در بین رمضان
و رمضان آینده واجب است بر
او قضا و واجب نیست اگر برء
حاصل نشود و جایز است برای
که آب سیر نخورد و همچنین
واجب است افطار نماید و ترک
روزه کند زن حامله که وضع
حمل او نزدیک باشد هرگاه بترسد
بر خود یا فرزندش در شکم یا بر هر دو
چه از تشنگی باشد یا گرسنگی و هم
چنین زنیکه شیر میدهد طفل را
و کم باشد شیر او و بترسد بر ضرر
طفل بسبب روزه گرفتن و فرق نیست
در میان آنکه بترسد بتشنگی یا گرسنگی
یا ضرر دیگر

در نماز شبهای ماه رمضان

مثل انکه صد حج و صد عمره کرده باشد و خدای تعالی باقی عمل او را قبول کند شب بیستم هر کس در این
شب هشت رکعت نماز کند با الحمد و هر سوره که خواهد امرزیده شود شب بیست و یکم هر کس در این شب
هشت رکعت نماز کند با الحمد و هر سوره که خواهد درهای اسمان برای او گشوده شود و دعای او
مستجاب شود شب بیست و دوم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد و هر سوره که
خواهد از هر دری که خواهد داخل بهشت شود شب بیست و سیم این شب نیز مثل شب بیست و یکم است در
عمل و قدر ثواب شب بیست و چهارم نیز مثل شب بیست و یکم است که این نماز را بجا اورد مثل کسی است که حج و عمره
کرده باشد شب بیست و پنجم هر کس در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد یکبار و ده بار
توحید بخواند از برای او ثواب عابدان نویسند شب بیست و ششم در عمل و قدر و ثواب مثل شب بیست و
یکم است شب بیست و هفتم هر کس در این شب چهار رکعت نماز کند بحمد و تبارک و اگر
تبارک را از حفظ نداشته باشد بیست و پنج نوبت توحید بخواند خدای تعالی او را و پدر و مادر او را
بیامرزد شب بیست و هشتم هر کس در این شب شش رکعت نماز کند در هر رکعت یکبار الحمد و ایة الکرسی
و کوثر و توحید هر کدام ده بار بخواند و چون سلام دهد صد مرتبه صلوات بر محمد
و ال او فرستد امرزیده شود شب بیست و نهم هر کس در این شب دو رکعت نماز کند در هر رکعت الحمد و
بیست مرتبه توحید بخواند از جمله مرحومان باشد و کتاب او را در علیین برند شب سی ام هر کس در این
شب دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت یکمرتبه الحمد و بیست مرتبه توحید بخواند و چون سلام
دهد صد بار صلوات بر محمد و ال او فرستد خاتمه عمر او برحمت الهی ختم شود بدانکه اجماع بر مشروعیت
نافله ماه رمضان قائم شده چنانچه شیخ طوسی و سلار و غیرهما گفته اند و روایتی که ابن بابویه اسناد کرده
بر عدم مشروعیت ان معارض است با روایاتی که نزدیکست بحد تواتر برسد و معارض است
بعمل اصحاب زیرا که اصحاب نافله را عمل می کردند و معنی روایاتیکه در نفی ان وارد شده است
اینست که این نافله را بجماعت نگذارند بلکه فرادی بجای اورند و باید دانست نافله رمضان که خلافی در مشروعیت

در [illegible] روزه

تصدق نماید زن در عوض هر
روزی یک مدی از طعام و قضا کند بعد
از زوال عذر و فرقی نیست میان مادر و
مستاجره و متبرعه در تعلق صدقه و در
طفل میان ولد نسبی و رضاعی و حلال
زاده و حرام زاده و هر گاه ممکن باشد بجهت
از برای مرضعه یا رفع ضرر از طفل نتواند
نمی تواند افطار نماید و لازم است که صدقه
از مال مرضعه باشد و اگر جماعت
مذکوره که بایستی افطار نمایند در غیر رمضان
بگیرند روزه ایشان باطلست و مسقط
قضا نیست در جائیکه قضا داشته
باشد فصل دویم در بیان حقیقت
روزه و در ان چند فصلست فصل
اول در زمان روزه و وقت ان از طلوع
فجر دویمست که باید ترک نماید از ان
وقت تا مغرب اگر خواهد امری مگر
جماع که باید ترک نماید از پیش از
صبح هر گاه زمان وسعت ندارد
از برای ان و غسل نمود از جنابت
و در حکم جماعت استمنا و اخراج قی
انزال بر اتوی

در اعمال روزهای ماه

ان غیر این نوافل است که ما از اربعین شیخ شهید نقل کردیم بلکه مراد از ان هزار رکعت نافله رمضان است
زاید بر نوافل معتاده که اصحاب او را ذکر کرده اند و گفته اند که در بیست روز اول ماه رمضان
پانصد رکعت او را باید کرد با این طریق که در هر شب هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت
بعد از نماز عشا بجای باید اورد و بعضی گفته اند بعد از مغرب دوازده رکعت بجای باید اورد
و بعد از عشا هشت رکعت و در شب نوزدهم صد رکعت بر ان بیست رکعت بیفزاید و در ده روز
اخیر ماه پانصد رکعت بجای اورد با این طریق که در هر شب سی رکعت بجای اورد هشت رکعت بعد از
مغرب و بیست و دو رکعت بعد از عشا و در شب بیست و یکم صد رکعت بر سی رکعت بیفزاید
و در شب بیست و سیم نیز چنین کند و بهترین اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک تلاوت
قرانست که بسیار باید خواند چون قران در اینماه نازل شده و در حدیثست که هر چیزی را بهاری است و بهار
قران ماه رمضانست و در ماههای دیگر ماهی یک ختم سنتست و اقلش شش روز است و در ماه مبارک
رمضان هر روز یک ختم سنتست و اگر روزی یک ختم نتواند کرد خوبست در سه روز و در حدیثست که بعضی از ائمه
در اینماه چهل ختم قران و زیاده می کردند و اگر هر ختمی را ثوابش را بروح مقدس امامی از ائمه
و رسول خدا و فاطمه زهرا قربت کند و هدیه نماید ثوابش مضاعف می گردد و صلوات بر
محمد و ال محمد بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت
و نافلهای شب و روز را ترک نباید کرد و در شبهای طاق ماه رمضان غسل سنتست خصوصا شب
اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه اخر در شبهای جفت
نیز غسل سنتست خصوصا در شب اخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل
مستحب است و در هر شب سوره انا انزلناه سنتست خواندن و صد مرتبه سوره حم دخان اگر میسر
شود **مطلب ۵۵۸** در ادعیه هر شب و هر روز ماه مبارک رمضانست از حضرت صادق و
حضرت کاظم منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند یا علی یا عظیم

در نیت روزه

واحوط بر طرف
شدن حرمت شهر قبلیت و از نیت
شدن ان فصل دویم در نیت روزه
کند شعبان میکند در ان قصد بودن
بدانکه کفایت میکند در ان قصد بودن
روزه قربة الی الله و تعیین ان هر گاه
معین نباشد و اما قصد وجوب یا
استحباب ان یا مثل ان یا اخطار صحیح
نیست و ترک ان مبطل روزه است
بر وجه عمد باشد بلی مگر در یوم
الشک اگر بعد معلوم شود که از ماه
رمضان بوده باشد چنانچه میاید
پس کفایت میکند در نیت ماه رمضان
اینکه امساک میکنم از امور دیگر
مطلست قربة الی الله بدون قصد
وجوب و تعیین اگر بداند که از ماه
رمضانست و اگر نداند و روزه
بگیرد به نیت غیر ماه رمضان
و بعد معلوم شود که ان از ماه رمضان
بوده کفایت میکند و مسقط
قضا خواهد بود و مثل رمضانست
در این حکم و در عدم حاجت
بتعیین با علم بان نذر معین و
عهد و یمین

باب ۵۸ در ادعیه لیالی ماه رمضان

یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر
وهذا شهر عظمته وکرمته وشرفته وفضلته علی الشهور وهو
الشهر الذی فرضت صیامه علی وهو شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن
هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان وجعلت فیه لیلة القدر
وجعلتها خیرا من الف شهر فیا ذا المن ولا یمن علیک من علی بفکاک
رقبتی من النار فیمن تمن علیه وادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین
و دعای بسیار خوبیست و اقلا شبی یکمرتبه خوبست که خوانده شود و بسند صحیح منقولست
که در هر شب این ماه هر که این دعا را بخواند گناه چهل سالهٔ او آمرزیده شود الهی اللهم
رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادک فیه
الصیام صل علی محمد وآل محمد وارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا و
فی کل عام واغفر لی تلک الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک
یا رحمن یا علام و بسند صحیح معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در هر شب ماه مبارک این دعا را
بخوانند اللهم انی اسئلک ان تجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم فی
الامر الحکیم من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج
بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر
عن سیئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل عمری فی خیر وعافیة
وتوسع فی رزقی وتجعلنی ممن تنتصر به لدینک ولا تستبدل بی غیری
و این دعای عالیة المعانی والمضامین نیز در هر شب وارد شده اللهم برحمتک فی
الصالحین فادخلنا وفی علیین فارفعنا وبکاس من معین من عین سلسبیل
فاسقنا ومن الحور العین برحمتک فزوجنا ومن الولدان المخلدین کانهم لؤلؤ

مکنون

در نیت روزه

لیکن در استمرار نیت تا آخر و استمرار
غیر لازم است و اما کفارات و نذر مطلق
و روزه مندوب محتاج است بتعیین و
بعضی گفته اند که وقت نیت در شب است هر
چند در جزء آخر آن باشد و لیکن در این
مسئله تفصیلی هست و کفایت میکند
هرگاه در اول طلوع صبح صادق
داعی بر امساک مخصوص در زمان
مخصوص باو باشد و قصد منافی
آن نداشته باشد و اگر ترک نماید
عمدا نیت را و امتداد یابد تا داخل صبح شود روزه
او صحیح نیست و قضا بر او واجبست نه
کفاره و همچنین باطلست روزه هرگاه
در شب نیت کند که فردا افطار میکنم
و هرگاه بعد از نیت تا مسائل نماید
پیش از صبح نیت باطل نمیشود و تجدید
نیت ضرور نیست هر چند جماع
کرده باشد اینها که ذکر شد در
روزه واجب معین است مثل رمضان
و نذر معین در حال اختیار اما
در حال اضطرار مثل آنکه نداند
که امروز از رمضان

در ادعیه شبهای ماه رمضان

مکنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطیر فاطعمنا ومن ثیاب السندس
والحریر والاستبرق فالبسنا ولیلة القدر وحج بیتک الحرام وقتلا فی سبیلک
فوفق لنا وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا واذا جمعت الاولین والآخرین
یوم القیمة فارحمنا وبراءة من النار فاکتب لنا وفی جهنم فلا تغلنا وفی
عذابک وهوانک فلا تبتلنا ومن الزقوم والضریع فلا تطعمنا ومع الشیاطین
فلا تجعلنا وفی النار علی وجوهنا فلا تکبنا ومن ثیاب النار وسرابیل
القطران فلا تلبسنا ومن کل سوء یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
فنجنا و سنتست که در هر روز ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند و این دعا را کفعمی با سند
و از ابو الفتح رازی در کتاب روضة العابدین نقل کرده است و کلینی نیز روایت کرده و شیخ مفید
نیز روایت کرده از حضرت صادق ع که آنحضرت در ماه رمضان این دعا را می خواند اللهم منک
حاجتی ومن طلب حاجة الی احد من الناس فانی لا اطلب حاجتی الا منک وحدک
لا شریک لک اسئلک بفضلک ورضوانک ان تصلی علی محمد واهل بیته
وان تجعل لی فی عامی هذا الی بیتک الحرام سبیلا حجة مبرورة متقبلة زاکیة
خالصة لک تقر بها عینی وترفع بها درجتی وترزقنی ان اغض بصری
وان احفظ فرجی وان اکف بها عن جمیع محارمک حتی لا یکون عندی شیء آثر من
طاعتک وخشیتک والعمل بما احببت والترک لما کرهت ونهیت عنه
واجعل ذلک فی یسر منک وعافیة واوزعنی شکر ما انعمت به علی
واسئلک ان تجعل وفاتی قتلا فی سبیلک تحت رایة محمد نبیک مع
ولیک صلواتک علیهما واسئلک ان تقتل بی اعدائک واعداء رسولک
وان تکرمنی بهوان من شئت من خلقک ولا تهنی بکرامة احد من اولیائک

در مسائل روزه

اول ماه یا امروز روز
رمضانست یا فراموش
کرد نذر معین نموده است یا فراموش
نموده باشد نیت را پس وقت نیت
باقیست تا ظهر و واجبست که
هرگاه علم بهم رساند بوجوب روزه یا
بخواطرش بیاید بعد از فراموش
شدن آنکه فورا نیت کند و اگر نه
روزهٔ او باطلست و اما غیر روزه
ماه رمضان و نذر معین از قضاء روزه
واجب و نذر مطلق و نافله اما
واجب پس جایز است اگر بخواهد تجدید
نیت در آن تا زوال در وقتیکه
منافی بعمل نیاورده باشد نیت را
پس وقت نیت باقیست یا بظهر
و واجبست بر کسیکه علم بروزه
او صحیحست و بظهر شدن فوت میشود
وقت آن و اما مندوب پس جایز است
نیت نمودن تا پیش از غروب آفتاب
اگر بعد از نیت چیزی از روز
مانده باشد و کفایت نمیکند نیت
روزه رمضان پیش از دخول ماه
چه بیک روز یا بیشتر

در ادعیه ماه رمضان

اللهم اجعل لي مع الرسول سبيلا حسبي الله ما شاء الله وصلى الله على سيدنا
محمد رسوله خاتم النبيين وآله الطاهرين و نیز سنت است که این دعا را بخواند که از پیغمبر ص
مرویست که هر که این دعا را در ماه مبارک رمضان بعد از نماز واجب بخواند گناهان او آمرزیده
می شود و آن دعا اینست اللهم ادخل على اهل القبور السرور اللهم اغن كل فقير
اللهم اشبع كل جائع اللهم اكس كل عريان اللهم اقض دين كل مدين اللهم
فرج عن كل مكروب اللهم رد كل غريب اللهم فك كل اسير اللهم
اصلح كل فاسد من امور المسلمين اللهم اشف كل مريض اللهم سد فقرنا
بغناك اللهم غير سوء حالنا بحسن حالك اللهم اقض عنا الدين واغننا
من الفقر انك على كل شيء قدير و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که
بشیعیان نوشتند که در شبهای ماه رمضان این دعا را بخوانند و دعای ملائکه این را می شنوند
و برای صاحبش طلب مغفرت و استغفار می کنند اللهم اني افتتح الثناء بحمدك وانت
مسدد للصواب بمنك وايقنت انك انت ارحم الراحمين في موضع
العفو والرحمة واشد المعاقبين في موضع النكال والنقمة واعظم المتجبرين
في موضع الكبرياء والعظمة اللهم اذنت لي في دعائك ومسألتك فاسمع
يا سميع مدحتي واجب يا رحيم دعوتي واقل يا غفور عثرتي فكم يا الهي من
كربة قد فرجتها وهموم قد كشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد
نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم
يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد
لله بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه
ولا منازع له في امره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته

دعای افتتاح الثناء بحمدك

الحمد لله الفاشي في الخلق امره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود يده
الذي لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة العطاء الا جودا وكرما انه هو العزيز الوهاب
اللهم اني اسألك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه
قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير اللهم ان عفوك عن ذنبي
وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن
كثير جرمي عند ما كان من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسألك ما
لا استوجبه منك الذي رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني
من اجابتك فصرت ادعوك آمنا واسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا
مدلا عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي عليك ولعل
الذي ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر
على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض
اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك فلم يمنعك ذلك
من الرحمة لي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك
الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك الملك
مجري الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين الحمد لله
على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول اناته
في غضبه وهو القادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق
ذي الجلال والاكرام والفضل والاحسان الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد
النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله
ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما

بنا الحمد لله یجیبنی حین اناديه ویستر علی کل عورة وانا اعصیه ویعظم النعمة علی فلا اجازیه فکم من موهبة هنیئة قد اعطانی وعظیمة مخوفة قد کفانی وبهجة مونقة قد ارانی فاثنی علیه حامداً واذکره مسبحاً الحمد لله الذی لا یهتک حجابه ولا یغلق بابه ولا یرد سائله ولا یخیب امله الحمد لله الذی یؤمن الخائفین وینجی الصادقین ویرفع المستضعفین ویضع المستکبرین ویهلک ملوکاً ویستخلف آخرین الحمد لله قاصم الجبارین مبیر الظلمة مدرک الهاربین نکال الظالمین صریخ المستصرخین موضع حاجات الطالبین معتمد المؤمنین الحمد لله الذی من خشیته ترعد السماء وسکانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار ومن یسبح فی غمراتها الحمد لله الذی یخلق ولم یخلق ویرزق ولا یرزق ویطعم ولا یطعم ویمیت الاحیاء ویحیی الموتی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک وامینک وصفیک وحبیبک وخیرتک من خلقک وحافظ سرک ومبلغ رسالاتک افضل واحسن واجمل واکمل وازکی وانمی واطیب واطهر واسنی واکثر ما صلیت وبارکت وترحمت وتحننت وسلمت علی احد من عبادک وانبیائک ورسلک وصفوتک واهل الکرامة علیک من خلقک اللهم صل علی علی امیر المؤمنین ووصی رسول رب العالمین وصل علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین وصل علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین وصل علی سبطی الرحمة وامامی الهدی الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنة وصل علی ائمة المسلمین علی بن الحسین

با طلشت اگر طفل ... بلوغ برسد پیش از ظهر تجدید نیت ... روزه را احتیاطاً اگر لازم نیست بلکه نیت سابق میتواند ... کند و مستحب واقع میشود و اگر نیت نکرده باشد میتواند تجدید نماید و اگر بعد از ظهر ... بلوغ برسد روزه آن روز بر آن واجب نیست فصل در بیان آنچه باید امساک نمود پیش از زمان روزه مثل بقاء بر جنابت در شب روزه تا صبح در زمان روزه مثل غیر بقاء بر جنابت از آنچه میاید از محرمات که اگر بفعل آورد روزه باطل میشود و اینها ... الحقیقه در جزء اول روزه ملاحظ میشود هرچند تدارک آنرا از سابق باید کرد و ده چیز است اول و دویم خوردن و آشامیدن که هریک مفسد روزه و موجب قضا و کفاره است ... چه معتاد باشد ماکول مثل نان و آب

ومحمد بن علی وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والخلف الهادی المهدی حججک علی عبادک وامنائک فی بلادک صلوة کثیرة دائمة اللهم وصل علی ولی امرک القائم المؤمل والعدل المنتظر احففه بملائکتک المقربین وایده بروح القدس یا رب العالمین اللهم اجعله الداعی الی کتابک والقائم بدینک استخلفه کما استخلفت الذین من قبله ومکن له دینه الذی ارتضیته له وابدله من بعد خوفه امناً یعبدک لا یشرک بک شیئاً اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصراً عزیزاً اللهم اظهر به دینک وملة نبیک حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فیها من الدعاة الی طاعتک والقادة الی سبیلک وترزقنا بها کرامة الدنیا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وکثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ویسر به عسرنا وبیض به وجوهنا وفک به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعیدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به فوق رغبتنا یا خیر المسؤولین واوسع المعطین اشف به صدورنا واذهب به غیظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم وانصرنا به علی عدوک وعدونا اله الحق آمین اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا وغیبة ولینا وکثرة عدونا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علینا فصل علی محمد وآل محمد

مفاد ... مثل خاک و سنگ ریزه ... و نشر ... در خت چه خوردن و آشامیدن آنها متعارف باشد چه غیر متعارف مثل هرچند ماکول و مشروب باشد ... فرو بردن بقیه غذا که در دهن ... می ماند که آن مبطل است نیز و اگر سهواً فرو برد باطل نمیشود هرچند مقصر باشد در خلال کردن ولیکن احوط خلال کردنست چنانچه احوط قضا نمودنست هرگاه خلال نکرده باشد و مبطل نیست فرو بردن آب دهن هرچند طعم بهم رساند از آنکه مثل قند دران و مصطکی بشرط آنکه جزئی از اجزاء آنها داخل دهن یافت نشود و فرقی نیست در حکم آب دهن میان آنکه فرو برد بطریق عادت یا جمع نماید در دهن و فرو برد ولیکن در دویم ترک اولی است و هم چنین در فرو بردن نخامه و نخاعه هر چند مقطر بودن آنها خلاف طاهر است و احوط نکشیدن ... فضلات است از ...

[illegible]

وَأَعِنّا عَلى ذلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ
وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها وَعافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ
از دعاهای سحر که مشتمل است بر اقسام مناجات و ابتهالات دعائیست که ابو حمزه ثمالی از حضرت امام
زین العابدین علیه السلم روایت کرده إِلهِي لا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلا تَمْكُرْ بِي
فِي حِيلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يا رَبِّ وَلا يُوجَدُ إِلاّ مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ أَيْنَ لِيَ النَّجاةُ
وَلا تُسْتَطاعُ إِلاّ بِكَ لاَ الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَغْنى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلاَ الَّذِي
أَساءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ القدر
بگوید که نفس منقطع شود بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَ
لَوْلا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ ما أَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً
حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً
حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي أُنادِيهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ
لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حاجَتِي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلا أَدْعُو
غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعائِي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلا أَرْجُو
غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لأَخْلَفَ رَجائِي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي
وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النّاسِ فَيُهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ
عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتّى كَأَنِّي لا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي
وَأَحَقُّ بِحَمْدِي اَللّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ
الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَالاسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّلَكَ مُباحَةً وَأَبْوابَ
الدُّعاءِ إِلَيْكَ لِلصّارِخِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرّاجِي بِمَوْضِعِ الإِجابَةِ
وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ إِغاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلى جُودِكَ وَالرِّضا بِقَضائِكَ

در مسائل وضو

سر بسوی حلق و اگر بیرون آورد
آب دهن یا اخلاط یا نخاع را و فرو برد
باطل است و همچنین است آب دهن
مضر نیست مکیدن انگشتی که بجهة
دفع تشنگی و غیر آن و همچنین بجا
طعام بجهة طفل و دانه و نان در
حلق کبوتر و مرغ و نحو آن نمودن
مثل آن و چشیدن نمک آش و امثال آن
بلا اینکه عمداً چیزی فرو نبرد و
احوط و اولی ترک این امور است
بدون ضرورت و حاجت و اگر
بدون اختیار چیزی از او فرو رفت
چیزی در این مواضع باطل نشود
روزه هرچند بجهة غرض صحیحی
نموده باشد ولکن احوط ترک
آن است و جایز است مضمضه
کردن از برای روزه دار هرچند
بجهة غیر خنک شدن باشد و
لیکن افضل ترک آن است در غیر
وضوء و مکروه است که مبالغه
و تکرار کند و مستحب است که
بعد از مضمضه

عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْباخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّ الرّاحِلَ إِلَيْكَ
قَرِيبُ الْمَسافَةِ وَأَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلاّ أَنْ تَحْجُبَهُمُ الآمالُ دُونَكَ وَ
قَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغاثَتِي
وَبِدُعائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقاقٍ لاسْتِماعِكَ مِنِّي وَلاَ اسْتِيجابٍ لِعَفْوِكَ
عَنِّي بَلْ لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي إِلى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلَجَئِي
إِلَى الإِيمانِ بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لا رَبَّ لِي غَيْرُكَ
وَلا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ اَللّهُمَّ أَنْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ
وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَاسْأَلُوا اللّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللّهَ كانَ بِكُمْ رَحِيماً وَلَيْسَ
مِنْ صِفاتِكَ يا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنّانُ
بِالْعَطِيّاتِ عَلى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ إِلهِي
رَبَّيْتَنِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسانِكَ صَغِيراً وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيراً فَيا مَنْ
رَبّانِي فِي الدُّنْيا بِإِحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَأَشارَ لِي فِي الآخِرَةِ إِلى
عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يا مَوْلايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي
إِلَيْكَ وَأَنَا واثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلالَتِكَ وَساكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلى شَفاعَتِكَ أَدْعُوكَ
يا سَيِّدِي بِلِسانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ أُناجِيكَ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ
أَدْعُوكَ يا رَبِّ راهِباً راغِباً راجِياً خائِفاً إِذا رَأَيْتُ مَوْلايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ
وَإِذا كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ راحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظالِمٍ حُجَّتِي يا
اللّهُ فِي جُرْأَتِي عَلى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِتْيانِي ما تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَ
عُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قِلَّةِ حَيائِي مِنْكَ رَأْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ
لا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ مُنْيَتِي فَحَقِّقْ رَجائِي وَاسْمَعْ دُعائِي يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ وَ

بقلب
رأيت

باب ٥ دعاء ابو حمزه

افضل من رجاء راج عظم يا سيدي املي وساء عملي فاعطني من عفوك
بمقدار املي ولا تؤاخذني باسوء عملي فان كرمك يجل عن مجازاة
المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وانا يا سيدي عائذ
بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن
بك ظنا وما انا يا رب وما خطري هبني بفضلك وتصدق علي
بعفوك اي رب جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك
فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة
لاجتنبته لا لانك اهون الناظرين الي واخف المطلعين علي بل
لانك يا رب خير الساترين واحكم الحاكمين واكرم الاكرمين
ستار العيوب غفار الذنوب علام الغيوب تستر الذنب بكرمك
وتؤخر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك
بعد قدرتك ويحملني ويجرئني على معصيتك حلمك عني ويدعوني
الى قلة الحياء سترك علي ويسرعني الى التوثب على محارمك معرفتي
بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر
الذنب يا قابل التوب يا عظيم المن يا قديم الاحسان اين سترك الجميل
اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع اين رحمتك
الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة اين صنائعك
السنية اين فضلك العظيم اين منك الجسيم اين احسانك القديم
اين كرمك يا كريم به وبمحمد وآل محمد فاستنقذني وبرحمتك
فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لست اتكل في النجاة

مرتبه ابد ها نرا بیندازد و هرگاه کسی مضمضه کند و آب حلق او فرو رود پس اگر عمداً فرو برد روزه او باطل است و موجب قضا و کفاره است و اگر عمداً نباشد پس اگر در وضوء نماز واجبی باشد براو چیزی لازم نیست و همچنین است هرگاه بجهة مداوی یا ازاله نجاست بکند یا آنکه بعد از چیز خوردن باشد و اگر در وضوء نافله باشد لازم است قضاء آن و همچنین است اگر مضمضه را بعنوان لغو و عبث یا از برای خنک شدن کرد و آب بحلق او فرو رفت و اما استنشاق پس اگر بسبب آن آب داخل شود در حلق بدون تعمد براو چیزی نیست بلکه مفسد بودن آن ثابت نیست و جایز است مسواک کردن حتی بچوب تر بلکه سنت است مطلقا و لکن اگر مسواک را بیرون بیاورد و دوباره مسواک کند مادامیکه مسواک ... میکند و اگر

دعاء ابو حمزه ثمالی

من عقابك على اعمالنا بل بفضلك علينا لانك اهل التقوى واهل
المغفرة تبدئ بالاحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري
ما نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم ما ابليت واوليت ام
كثير ما منه نجيت وعافيت يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين
من لاذ بك وانقطع اليك انت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب
عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك واي جهل يا رب لا يسعه جودك
واي زمان اطول من اناتك وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف
نستكثر اعمالا نقابل بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين
ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك
يا سيدي لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما
انتهى الي من المعرفة بجودك وكرمك وانت الفاعل لما تشاء
تعذب من تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف تشاء
ولا تسئل عن فعلك ولا تنازع في ملكك ولا تشارك في امرك ولا
تضاد في حكمك ولا يعترض عليك احد في تدبيرك لك الخلق والامر
تبارك الله رب العالمين يا رب هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك
والف احسانك ونعمك وانت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص
فضلك ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل
العظيم والرحمة الواسعة افتراك يا رب تخلف ظنوننا او تخيب
آمالنا كلا يا كريم فليس هذا ظننا بك ولا هذا طمعنا فيك يا رب ان لنا
فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء عظيما عصيناك ونحن نرجو

حل

و اگر سیعون آورد و آب او را فرو برد جایز است دوا را احلیل نمودن تا آنکه بجوف برسد و مفطر نیست و همچنین دوا بر جراحت ریختن بجوی که بجوف برسد یا امر نماید احدی را که چیزی را او بریزد مثل نیزه که فرو رود در شکم او یا خود باختیار چیزی نماید و مثل مذکورات است چیزی در دماغ کردن بجوی که وارد بر حلق و داخل در جوف آن شود و احوط اجتناب از تعمد از آنست ششم جماع کردن است و آن مفسد روزه است و موجب کفاره و قضا است نیز مطلقا چه در قبل و چه در دبر و چه در فاعل و چه در مفعول هر چند مفعول مرده باشد و همچنین چه انزال بشود چه نشود و در فرج حیوان و اگر محتلم شود در روز در روزه مفسد روزه نیست چهارم کذب بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام که مبطل روزه و موجب قضا و کفاره است و لیکن در وقتی مبطل است که بداند کذب است و نسبت او را بدهد

ان تستر علينا وندعوك ونحن نرجو ان تستجيب لنا فحقق رجاءنا يا مولينا
فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا بانك
لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين
لرحمتك فانت اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك
فامنن علينا بما انت اهله وجد علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار
بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا
بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم
ونعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل
ولا يزال ملك كريم ياتيك عنا بعمل قبيح فلا يمنعك
ذلك من ان تحوطنا بنعمتك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك ما احلمك
واعظمك واكرمك مبدئا ومعيدا تقدست اسماؤك وجل ثناؤك
وكرم صنائعك وفعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم حلما من ان
تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو سيدي سيدي سيدي
اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك واجرنا من عذابك وارزقنا
من مواهبك وانعم علينا من فضلك وارزقنا حج بيتك الحرام وزيارة قبر
نبيك صلواتك ومغفرتك ورحمتك وبركاتك ورضوانك عليه
وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا عملا بطاعتك وتوفنا على
ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه وآله اللهم اغفر لي ولوالدي
وارحمهما كما ربياني صغيرا اجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات غفرانا
اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم

بالخيرات

از اینها و هرگاه اعتقاد
بر کذب بودن نداشته باشد و نسبت
بر هدود در واقع کذب باشد مبطل
نیست و نه موجب قضا و کفاره هر
چند احوط اقتصار در صورت اعتقاد
صدق است و احوط الحاق فاطمه زهرا
با ائمه معصومین هرچند ظاهر
عدم الحاق است و اما کذب بر غیر
خدا و رسول و ائمه موجب قضا
و کفاره نمیشود هرچند احوط
الحاق سایر انبیا و اوصیا است بایشان
پنجم ارتماس در آبست که مبطل روزه
و موجب قضا و کفاره است و حاصل
میشود آن بفرو رفتن در آب بلکه
بفرو بردن سر را در آب هرچند
موی سر یا بدن بیرون باشد
از آب و فرقی نیست در میان آنکه منافذ
منسد باشد یا نباشد و در میان روزه
واجب و مستحب را نشاید و در میان
آنکه بدفعه عرفیه سر زیر آب کند یا نه
مگر آنکه هر جزئی را در وقتی زیر
آب کند مجموع

بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا صغيرنا
وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا
وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني
ما اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي
منك واقية باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني من
فضلك رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم احرسني بحراستك واحفظني
بحفظك واكلاني بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا
وفي كل عام وزيارة قبر نبيك والائمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب من تلك
المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة اللهم تب علي حتى لا اعصيك و
الهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين
اللهم اني كلما قلت قد تهيات وتعبات وقمت للصلوة بين يديك
وناجيتك القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك اذا انا ناجيت
ومالي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت
لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك عن بابك
طردتني وعن خدمتك نحيتني او لعلك رايتني مستخفا بحقك فاقصيتني او لعلك
رايتني معرضا عنك فقليتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او
لعلك رايتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس
العلماء فخذلتني او لعلك رايتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني او لعلك
رايتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني او لعلك لم تحب ان تسمع
دعائي فباعدتني او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك بقلة

حيائي منك

در زیر آب نباشد
حال زیر آب نه حرامست و نه
کم این اقتصار نه و زیر آب کند بقصد
غسل این آب
مفطر بیش و غسل او باطلست اینها
غسل کردن بعد بودن ارتماس است
همه بر تقدیر عمد بودن ارتماس نماید یا باشد
و اما اگر سهو ارتماس نماید مگر آنکه بعد
از فوت دارد به تعمیل نمیشود مگر آنکه
از فرو بردن سر نباید
و مبادرت نماید به بیرون آوردن
سر از آب و غسل در صورت
صحیحست و اگر ارتماس نماید در آب
غصبی سهوا صحیحست و در زمان
و باطل است غسل
غبار بحلق
دار است و آن موجب قضا و کفاره است
چه غبار حلال باشد مثل آرد
یا حرام باشد مثل خاک هرگاه خود
برساند بحلق یا باعث شود و علم
که آن موجب رسیدن باشد
مثل آنکه بایستد در موضعی
که غبار باشد و حفظ ننماید از
خود و اما اگر فساد آنکه

باب ۵ در دعای ابوحمزه ثمالی

جازیتنی فان عفوت یا رب فطال ما عفوت عن المذنبین قبلی لان کرمک
ای رب یجل عن مجازات المذنبین و حلمک یکبر عن مکافات المقصرین
و انا عائذ بفضلک هارب منک الیک متنجز ما وعدت من الصفح
عمن احسن بک ظنا الهی انت اوسع فضلا و اعظم حلما من ان تقایسنی
بعملی او ان تستزلنی بخطیئتی و ما انا یا سیدی و ما خطری هبنی بفضلک
یا سیدی و تصدق علی بعفوک و جللنی بسترک واعف عن توبیخی بکرم
وجهک سیدی انا الصغیر الذی ربیته و انا الجاهل الذی علمته و انا
الضال الذی هدیته و انا الوضیع الذی رفعته و انا الخائف الذی امنته و انا
الجائع الذی اشبعته و انا العطشان الذی ارویته و العاری الذی کسوته و
الفقیر الذی اغنیته و الضعیف الذی قویته و الذلیل الذی اعززته و السقیم
الذی شفیته و السائل الذی اعطیته و المذنب الذی سترته و الخاطی
الذی اقلته و انا القلیل الذی کثرته و المستضعف الذی نصرته و انا
الطرید الذی اویته و انا یا رب الذی لم استحییک فی الخلاء و لم اراقبک
فی الملاء انا صاحب الدواهی العظمی انا الذی علی سیده اجترء انا الذی عصیت
جبار السماء انا الذی اعطیت علی معاصی الجلیل الرشی انا الذی حین بشرت
بها خرجت الیها اسعی انا الذی امهلتنی فما ارعویت و سترت علی فما استحییت
و عملت بالمعاصی فتعدیت و اسقطتنی من عینک فما بالیت فبحلمک امهلتنی
و بسترک سترتنی حتی کانک اغفلتنی و من عقوبات المعاصی جنبتنی حتی
کانک استحییتنی الهی لم اعصک حین عصیتک و انا بربوبیتک جاحد و لا
بامرک مستخف و لا لعقوبتک متعرض و لا لوعیدک متهاون و لکن خطیئة

(حاشیه:)
حفظ نماید
از خود بخود بکه باید و بعد
ان ظاهر شود کم غبار در حلق ان
داخل شده است ضرر ندارد علی
الاظهر الاحوط و احوط انست که بمعتبر نیست
درد او غلیظ بودن بلکه کفایت میکند
احساس نمودن ان و جمعی الحاق نموده
اند بغبار دود و بخار را که غلیظ
باشد و احوط اجتنابست و این
مستند واضحی ندارد هفتم قی
کردن و ان موجب قضا است اگر
بعمد و اختیار واقع شود و اگر بی
اختیار قی نماید چیزی بر او نیست
و اگر بطریق ضرورت باشد عقاب
ندارد لکن مفسد روزه هست
و مدار قی بر صدق عرفیست کرم
نیست از این باب بیرون امدن هسته
و کرم و نحو انها و همچنین هرگاه
غذا یا اب بیرون اید بحلق و برگردد
مضر نیست و اگر در رمضان در دهن
بیاید باید انرا بریزد و اگر عمدا فرو
برد قضا و کفاره براو واجبست
هشتم استمنا

در دعای ابوحمزه ثمالی

عرضت و سولت لی نفسی و غلبنی هوای و اعاننی علیها شقوتی و غرنی سترک
المرخی علی فقد عصیتک و خالفتک بجهدی فالان من عذابک من یستنقذنی
و من ایدی الخصماء غدا من یخلصنی و بحبل من اتصل ان انت قطعت حبلک
عنی فوا سوأتاه علی ما احصی کتابک من عملی الذی لولا ما ارجو من کرمک
و سعة رحمتک و نهیک ایای عن القنوط لقنطت عند ما اتذکرها
یا خیر من دعاه داع و افضل من رجاه راج اللهم بذمة الاسلام اتوسل
الیک و بحرمة القران اعتمد علیک و بحبی للنبی الامی القرشی الهاشمی
العربی التهامی المکی المدنی ارجو الزلفة لدیک فلا توحش استیناس
ایمانی و لا تجعل ثوابی ثواب من عبد سواک فان قوما امنوا بالسنتهم
لیحقنوا به دماءهم فادرکوا ما املوا و انا امنا بک بالسنتنا و قلوبنا لتعفو
عنا فادرک بنا ما املنا و ثبت رجاءک فی صدورنا و لا تزغ قلوبنا بعد
اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب فوعزتک لو
انتهرتنی ما برحت من بابک و لا کففت عن تملقک لما الهم
قلبی من المعرفة بکرمک و سعة رحمتک الی من یذهب العبد الا
الی مولاه و الی من یلتجی المخلوق الا الی خالقه الهی لو قرنتنی بالاصفاد
و منعتنی سیبک من بین الاشهاد و دللت علی فضائحی عیون العباد
و امرت بی الی النار و حلت بینی و بین الابرار ما قطعت رجائی منک و ما صرفت
وجه تامیلی للعفو عنک و لا خرج حبک عن قلبی انا لا انسی ایادیک عندی
و سترک علی فی دار الدنیا یا سیدی صل علی محمد و ال محمد اخرج حب الدنیا
من قلبی و اجمع بینی و بین المصطفی و اله خیرتک من خلقک و خاتم

(حاشیه:)
یعنی اخراج
منی از خود بغیر
نمودن منی از خود بیرون میشود بان قضا و
کفاره و همچنین است علی که انزال
جماع واجب میشود بان قضا و
لشود عادة هرچند انزال قصد انزال داشته
باشد و اگر قصد انزال داشته
بان نشود و منی بیرون نیاید
باشد بفعلی و منی باشد لکن
ان مفسده روزه نمی باشد و اگر نظر کردن
ان فعل حرامست و منی هرگاه
و نگاه کردن خارج شود منی بی اختیار او
قصدا و انزال باشد یا انکه خروج
منی عادت او باشد موجب قضا و کفاره
میشود چه بحلال باشد چه بحرام و
به موجب قضا است و نه کفاره
و همچنین است حال گوش دادن
بصدای زن و سخنان و تخیل
جماع و نحو ان هرگاه با خروج
منی شود نهم احتقان بما یع است
بدون ضرورت و ان حرام و مفسد
روزه و موجب قضا و کفاره است
و بجامد مکروه هست لیکن احوط
ترک است دهم بقاء بر جنابت
عمدا تا طلوع

النبي بن محمد صلى الله عليه وآله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني بالبكاء
على نفسي فقد افنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين
من خيري فمن يكون اسوء حالاً مني ان انا نقلت على مثل حالي الى قبر لم
امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي وما لي لا ابكي ولا ادري
الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي تخاتلني وقد خفقت عند
راسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي
لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير اياي ابكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً
حاملاً ثقلي على ظهري انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في
شان غير شاني لكل امرئ منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ مسفرة
ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي
عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك
من تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نقيت من
الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني افبلساني هذا الكال اشكرك
ام بغاية جهدي في عملي ارضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك
وما قدر عملي في جنب نعمك واحسانك الهي ان جودك بسط املي
وشكرك قبل عملي سيدي اليك رغبتي ومنك رهبتي واليك
تاميلي وقد ساقني اليك املي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك
انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي واليك
القيت بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش
قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي

بجز جنابت با احتلام بهم رسید یا بسبب دیگر و ان حرام
و مفسد روزه و کفاره است و این
حکم در روزه شهر رمضان و قضا
ان ثابت است نه در جمیع اقسام روزه
حتی در صوم مستحب و مثل بقاء
بر جنابت است بقاء بر حیض و نفاس
و استحاضه لیکن ظاهر ثبوت قضا
در اینها نه کفاره و مخصوص است
حکم اینها بشهر رمضان و قضاء
شهر رمضان نه بغیر آن هرچند احوط عدم
بقاء بر احداث مذکوره است حتی
جنابت در جمیع اقسام روزه حتی
در مستحب بلکه خالی از قوه نیست و غسل
مس میت واجب نیست و مثل
بقاء بر جنابت است خوابیدن
جنب بقصد غسل نکردن یا با
تردد در آن یا خوابیدن بعد از
خوابیدن پیش از آن جنب شده باشد
اگر عازم بر غسل نباشد و اگر عازم
باشد و بخواب رود تا صبح کفاره
براو لازم است

و لازم نیست ولکن قضا

صل على محمد وآل محمد وفرق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك
فانما اسئلك لقديم الرجاء فيك وتحوبي اليك وعظيم الطمع منك
الذي اوجبته على نفسك من الرافة والرحمة والامر لك وحدك لا شريك
لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك وكل شيء خاضع لك تباركت
يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجتي وكل عن جوابك لساني
وطاش عند سؤالك اياي لبي فيا عظيم رجائي لا تخيبني اذا اشتدت
فاقتي اليك فلا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري واعطني لفقري
وارحمني لضعفي سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي
وبرحمتك تعلقي وبفنائك احط رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك
اي رب استفتح دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت
ظل عفوك قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك
اديم نظري فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية
فانك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني باحسانك ومعروفك فانك
ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي ان كان قد دنا
اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبي وسائل
عللي الهي ان عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك
في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر
وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر
لي ما خفي على الآدميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني صريعاً
على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل على ممدوداً على المغتسل يغسلني

و این خواب
خواب سابق هم حکم جنب
و خواب اول بلیست ولیکن احوط ترک
او حرام بلیست و اگر دفعه دویم بخوابد
خواب دوم و سیم هم توبه لازم است مع
قضا و کفاره هم ... و مثل
چند عازم بر غسل باشد و مثل
نومه ثالثه است نیت داشتن بر غسل
بخوابد بدون نیت باشد در غسل
تا بصبح یا متردد باشد و اما اگر غافل
نمودن و نمودن و ... از غسل پیش
شود از جنابت یا از غسل روزه است
از صبح یا از آنکه شب ... واجب بلیست
کفاره بلکه قضا براو ... یکی از جنب و
و اگر ممکن نشود بر یکی از ... تیمم عاید
غیر از غسل واجب است تیمم و نخوابیدن
و احوط بقاء بر این تیمم و تعیین
تا صبح است هرچند در تعیین
ان اشکال است باقی مانده در مقام
چند مبحث اول آنکه آنچه مذکور
شد که مبطل روزه است در وقتی
که بعمل آورد از روی عمد و
اختیار پس هرگاه نسیانا فعل
مفطری بعمل آرد

باب ۵۸ دعای ابو حمزه

صالح جيرتي وتحنن على محمولا قد تناول الأقرباء أطراف جنازتي وجد على
منقولا قد نزلت بك وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي
حتى لا استأنس بغيرك يا سيدي فانك ان وكلتني الى نفسي هلكت سيدي
فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي والى من افزع ان فقدت عنايتك
في ضجعتي والى من التجئ ان لم تنفس كربتي سيدي ومن يرحمني ان
لم ترحمني وفضل من أؤمل ان عدمت فضلك يوم فاقتي والى من
الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي لا تعذبني وانا ارجوك
الهي حقق وآمن خوفي فان كثرة ذنوبي لا ارجو فيها الا عفوك سيدي انا
اسئلك ما لا استحق وانت اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر لي
والبسني من نظرك ثوبا يغطي على الذنوب والتبعات وتغفرها لي ولا
اطالب بها انك ذو من قديم وصفح عظيم وتجاوز كريم الهي انت الذي
تفيض سيبك على من لا يسئلك وعلى الجاحدين بربوبيتك فكيف
سيدي بمن سئلك وايقن ان الخلق لك والامر اليك تباركت وتعاليت
تباركت وتعاليت يا رب العالمين الهي وسيدي عبدك ببابك اقامته
الخصاصة بين يديك يقرع باب احسانك بدعائه ويستعطف جميل نظرك
بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم عني واقبل مني ما اقول فقد
دعوت بهذا الدعاء وانا ارجو ان لا تردني معرفة مني برأفتك ورحمتك الهي
انت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول
اللهم اني اسئلك صبرا جميلا وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما
اسئلك يا رب من الخير كله ما علمت منه وما لم اعلم اسئلك اللهم من

دو روزه باطل نمیشود و اگر بداند که روزه است
ولیکن فراموش کرده باشد که چیزی باطل میکند
روزه را و او را بعمل اورد
و همچنین باطل میشود هرگاه بدون
قصد و اراده فعل مفطری از او صادر
شود مثل آنکه پشه پرواز کند و در
حلق او داخل شود یا داخل شود غبار
در حلق او در محلیکه احتراز
از ان ممکن نباشد و همچنین هرگاه
بیفشرند در حلق او چیزی را یا
بترسانند او را که بی اختیار و بی قصد
شود و بخورد و اگر او را بترسانند
بر ضرر بنفس یا عیال یا مال یا
برادران دینی او بنحویکه لایق بحال
او نباشد تحمل آن و قراین شهادت
بدهد که اگر افطار نکند چنان
خواهد شد پس اگر افطار نماید روزه
او باطل است و قضا بر او واجب است
و مثل اینست تقیه از مخالفین
و اگر شک داشته باشد در اینکه
چیزی مبطل روزه هست یا نه مثل
آنکه مجتهد است ممکن نمیشود او را
فهمیدن حکم آن یا مقلد است
و دستش به مجتهد

در دعای ابو حمزه ثمالی

خير ما سئلك منه عبادك الصالحون يا خير من سئل واجود من اعطى
اعطني سؤلي في نفسي واهلي ومالي وولدي ووالدي واهل حزانتي
واخواني فيك وارغد عيشي واظهر مروتي واصلح جميع احوالي واجعلني
ممن اطلت عمره وحسنت عمله واتممت عليه نعمتك ورضيت عنه واحييته
حيوة طيبة في ادوم السرور واسبغ الكرامة واتم العيش انك تفعل ما
تشاء ولا يفعل ما يشاء غيرك اللهم خصني منك بخاصة ذكرك و
لا تجعل شيئا مما اتقرب به في آناء الليل واطراف النهار رياء ولا سمعة
ولا اشرا ولا بطرا واجعلني لك من الخاشعين اللهم اعطني السعة في الرزق و
الامن في الوطن وقرة العين في الاهل والمال والولد والمقام في نعمك عندي
والصحة في الجسم والقوة في البدن والسلامة في الدين واستعملني
بطاعتك وطاعة رسولك محمد واهل بيته صلى الله عليه وآله ابدا ما
استعمرتني واجعلني من اوفر عبادك عندك نصيبا في كل خير انزلته و
تنزله في شهر رمضان في ليلة القدر وما انت منزله في كل سنة من رحمة
تنشرها وعافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات تتجاوز
عنها وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقا
واسعا من فضلك الواسع واصرف عني يا سيدي الاسواء واقض عني
الدين والظلامات حتى لا اتاذى بشيء منه وخذ عني باسماع وابصار اعدائي
والباغين علي وانصرني عليهم واقر عيني وحقق ظني وفرح قلبي واجعل
من همي وكربي فرجا ومخرجا واجعل من ارادني بسوء من جميع خلقك
تحت قدمي واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي و

در مسائل روزه

همینکه یقین کند بر ان
جایز نیست ان فعل اشکال است
هر چند در لزوم قضا اشکال است
چنانچه در عدم وجوب کفاره ظاهر است
و اما جاهل پس اگر مقصر است روزه
او باطل است و قضا بر او واجب است
نه کفاره و اگر غیر مقصر است پس نه کفاره
و قضا نیست

مبحث در بیان افطار
آنچه حرام نیست ارتکاب آنها ولیکن
موجب قضا میشود و آن چند چیز است
از آنجمله افطار کردن پیش از تفحص از صبح
با قدرت بر آن که جایز است تا یقین به صبح
ندارد لیکن موجب قضا میشود اگر بعد
معلوم شود که صبح بوده است قضا
بر او لازم است نه کفاره و اگر ملاحظه
و تفحص نماید به باقی بودن شب
بر آن بنا گذاشته باشد و بعد معلوم
شود که صبح بوده است لازم نیست
بر او قضا و نه کفاره و مخصوص است
حکم بصحت بر تقدیر تفحص نمودن
به شهر رمضان و واجب معین نیز
از آنجمله است اعتماد نمودن بر قول
کسیکه خبر دهد

در دعای ابوحمزه ثمالی

طهّرنی من الذنوب کلها واجرنی من النار بعفوك وادخلنی الجنة برحمتك
وزوّجنی من الحور العین بفضلك والحقنی باولیائك الصالحین محمد واله
الابرار الطیبین الطاهرین الاخیار صلوات الله علیهم وعلی ارواحهم وعلی
اجسادهم ورحمة الله وبرکاته الهی وسیدی وعزّتك وجلالك لئن
طالبتنی بذنوبی لاطالبنّك بعفوك ولئن طالبتنی بلؤمی لاطالبنّك بکرمك
ولئن ادخلتنی النار لاخبرنّ اهل النار بحبّی لك الهی وسیدی ان کنت
لا تغفر الا لاولیائك فالی من یفزع المذنبون وان کنت لا تکرم الا اهل
الوفاء بك فبمن یستغیث المسیئون الهی ان ادخلتنی النار ففی ذلك سرور
عدوّك وان ادخلتنی الجنة ففی ذلك سرور نبیك وانا والله اعلم ان سرور
نبیك احبّ الیك من سرور عدوّك اللهم انی اسئلك ان تملأ قلبی
حبّاً لك وخشیة منك وتصدیقاً بکتابك وایماناً بك وفرقاً منك و
شوقاً الیك یا ذا الجلال والاکرام حبّب الیّ لقائك واحبب لقائی واجعل لی
فی لقائك الراحة والفرج والکرامة اللهم الحقنی بصالح من مضی و
اجعلنی من صالح من بقی وخذ بی سبیل الصالحین واعنّی علی نفسی بما
تعین به الصالحین علی انفسهم واختم عملی باحسنه واجعل ثوابی منه
الجنة برحمتك یا رب العالمین واعنّی علی صالح ما اعطیتنی وثبّتنی
یا رب ولا تردّنی فی سوء استنقذتنی منه ابداً اللهم انی اسئلك
ایماناً لا اجل له دون لقائك احینی ما احییتنی علیه وتوفّنی اذا توفّیتنی
علیه وابعثنی اذا بعثتنی علیه وابرء قلبی من الریاء والشك والسمعة فی
دینك حتی یکون عملی خالصاً لك اللهم اعطنی بصیرة فی دینك وفهماً

دعای سحر ابوحمزه

فی حکمك وفقهاً فی علمك وکفلین من رحمتك وورعاً یحجزنی عن معاصیك
وبیّض وجهی بنورك واجعل رغبتی فیما عندك وتوفّنی فی سبیلك
وعلی ملّة رسولك صلی الله علیه واله اللهم انی اعوذ بك من الکسل
والفشل والهمّ والحزن والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلّة والمسکنة
والفقر والفاقة وکل بلیّة والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ
بك من نفس لا تقنع وبطن لا یشبع وقلب لا یخشع ودعاء لا یسمع وعمل لا ینفع
وصلوة لا ترفع واعوذ بك یا رب علی نفسی ودینی وولدی ومالی وعلی
جمیع ما رزقتنی من الشیطان الرجیم انك انت السمیع العلیم اللهم انه لا یجیرنی
منك احد ولا اجد من دونك ملتحداً فلا تجعل نفسی فی شیء من عذابك ولا
تردّنی بهلکة ولا تردّنی بعذاب الیم اللهم تقبّل منّی واعل ذکری
وارفع درجتی وحطّ وزری ولا تذکرنی بخطیئتی واجعل ثواب مجلسی
وثواب منطقی وثواب دعائی رضاك والجنة واعطنی یا رب جمیع
ما سألتك وزدنی من فضلك انی الیك راغب یا رب العالمین اللهم
انك انزلت فی کتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمّن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا
فاعف عنّا فانك اولی بذلك منّا وامرتنا ان لا نردّ سائلاً عن ابوابنا وقد
جئتك سائلاً فلا تردّنی الا بقضاء حاجتی وامرتنا بالاحسان الی ما ملکت
ایماننا ونحن ارقّائك فاعتق رقابنا من النار یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی
عند شدّتی الیك فزعت وبك استغثت وبك لذت لا الوذ بسواك
ولا اطلب الفرج الا منك فاغثنی وفرّج عنّی یا من یقبل الیسیر ویعفو
عن الکثیر انك انت الغفور الرحیم اللهم انی اسئلك ایماناً تباشر

باب ۵ دعای سحور

به قلبی و یقیناً صادقاً حتّی اعلم انّه لن یصیبنی الّا ما کتبت لی و رضّنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین و مختصرین دعاها سحر اینست یا مفزعی عند کربتی و یا غوثی عند شدّتی الیک فزعت و بک استغثت و بک لذت لا الوذ بسواک و لا اطلب الفرج الّا منک فاغثنی و فرّج عنّی یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منّی الیسیر و اعف عنّی الکثیر انّک انت الغفور الرحیم اللهمّ انّی اسئلک ایماناً تباشر به قلبی حتّی اعلم انّه لن یصیبنی الّا ما کتبت لی و رضّنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین یا عدّتی فی کربتی و یا صاحبی فی شدّتی و یا ولیّی فی نعمتی و یا غایتی فی رغبتی و یا صاحبی فی شدّتی و یا ولیّی فی نعمتی و یا غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی و الآمن روعتی و المقیل عثرتی فاغفر لی خطیئتی یا ارحم الراحمین ایضاً بسند بسیار معتبر وارد شده که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که حضرت امام محمد باقر این دعا را در سحرهای ماه رمضان میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت او هر آینه شمشیر برای طلب این دعا کشیده با یکدیگر قتال نمایند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعاست راست گفته‌ام پس چون این دعا را بخوانید با اهتمام تمام و تضرّع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا این است اللهمّ انّی اسئلک من بهائک بابهاه و کلّ بهائک بهیّ اللهمّ انّی اسئلک ببهائک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من جمالک باجمله و کلّ جمالک جمیل اللهمّ انّی اسئلک بجمالک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من جلالک باجلّه و کلّ جلالک جلیل اللهمّ انّی اسئلک بجلالک کلّه انّی اسئلک من عظمتک باعظمها و کلّ عظمتک عظیمة اللهمّ

دعای مزهابائک

انّی اسئلک بعظمتک کلّها اللهمّ انّی اسئلک من نورک بانوره و کلّ نورک نیّر اللهمّ انّی اسئلک بنورک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من رحمتک باوسعها و کلّ رحمتک واسعة اللهمّ انّی اسئلک برحمتک کلّها اللهمّ انّی اسئلک من کلماتک باتمّها و کلّ کلماتک تامّة اللهمّ انّی اسئلک بکلماتک کلّها اللهمّ انّی اسئلک من کمالک باکمله و کلّ کمالک کامل اللهمّ انّی اسئلک بکمالک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من اسمائک باکبرها و کلّ اسمائک کبیرة اللهمّ انّی اسئلک باسمائک کلّها اللهمّ انّی اسئلک من عزّتک باعزّها و کلّ عزّتک عزیزة اللهمّ انّی اسئلک بعزّتک کلّها اللهمّ انّی اسئلک من مشیّتک بامضاها و کلّ مشیّتک ماضیة اللهمّ انّی اسئلک بمشیّتک کلّها اللهمّ انّی اسئلک من قدرتک بالقدرة الّتی استطلت بها علی کلّ شیء و کلّ قدرتک مستطیلة اللهمّ انّی اسئلک بقدرتک کلّها اللهمّ انّی اسئلک من علمک بانفذه و کلّ علمک نافذ اللهمّ انّی اسئلک بعلمک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من قولک بارضاه و کلّ قولک رضیّ اللهمّ انّی اسئلک بقولک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من مسائلک باحبّها و کلّ مسائلک الیک حبیبة اللهمّ انّی اسئلک بمسائلک کلّها اللهمّ انّی اسئلک من شرفک باشرفه و کلّ شرفک شریف اللهمّ انّی اسئلک بشرفک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من سلطانک بادومه و کلّ سلطانک دائم اللهمّ انّی اسئلک بسلطانک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من ملکک بافخره و کلّ ملکک فاخر اللهمّ انّی اسئلک بملکک کلّه اللهمّ انّی اسئلک من علوّک باعلاه و کلّ علوّک عالٍ اللهمّ انّی

دعاهای مختصره ایام

اسئلك بعلوك كله اللهم انی اسئلك من منك باقدمه وكل منك قدیم اللهم انی اسئلك بمنك كله اللهم انی اسئلك من آیاتك باكرمها وكل آیاتك كریمة اللهم انی اسئلك بآیاتك كلها اللهم انی اسئلك بما انت فیه من الشان والجبروت واسئلك بكل شان وحده وجبروت وحدها اللهم انی اسئلك بما تجیبنی حین اسئلك فاجبنی یا الله پس هر حاجتیکه خواهد از حق تعالی بخواهد که البته برآورده می شود اما دعاهای هر روز از اول ماه تا آخر ماه در ذخیره از ابن عباس روایتکرده که او از پیغمبر صلعم روایتکرده که در روز اول بگوید اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین وقیامی فیه قیام القائمین وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین واعف عنی یا عافیا عن المجرمین تا آنکه خدا تعالی هزار هزار حسنه باو بدهد و هزار هزار سیئه از او محو کند و هزار هزار درجه او را بلند کرده اند دعای روز دویم بگوید اللهم قربنی فیه الی مرضاتك وجنبنی فیه من سخطك ونقماتك ووفقنی فیه لقرائة آیاتك برحمتك یا ارحم الراحمین تا آنکه خدا تعالی بعدد هر گامی که میگذارد عبادت یکساله در نامه اعمال او نویسد که روزها بروزه و شبها بنماز باشد دعای روز سیم بگوید اللهم ارزقنی فیه الذهن والتنبیه وابعدنی فیه عن السفاهة والتمویه واجعل لی نصیبا من کل خیر تنزل فیه یا اجود الاجودین تا آنکه خدا تعالی از برای او در جنة الفردوس خانه بنا کند که در آن هزار غرفه باشد از نور درخشنده و در هر غرفه هزار حور باشد و داخل شود بر او هر روز هزار ملك از نزد خدای تعالی که هر کدام هدیه از برای او آورد دعای روز چهارم بگوید اللهم قونی فیه علی اقامة امرك وارزقنی لاداء شكرك واحفظنی فیه بحفظك

در آداب روزه

پس هر کس یکسال بجهت دیدن وا جب نیست سنت است و روزه مستحب صحیح نیست از کسیکه بر ذمه او روزه واجب باشد مگر آنکه قادر نباشد بر واجب که جایز است

باب ۷۰ در سنتیها و اداب روزه

مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست مالیدن و بازی کردن با ایشان و اقرب آنستکه کراهت مخصوص بصورتی است که اینها تحریک شهوت او باشند و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است کشیدن چیزی در چشم که او را طعمی باشد که بحلق برسد یا در آن مشك باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن خون است از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروه است بوئیدن گلها خصوصا نرجس و بهتر آنستکه مشك را هم نبوید و سایر بوهای خوش مکروه

دعاهای مختصره ایام

وسترك یا ابصر الناظرین تا آنکه او را خدا تعالی در جنة الخلد هفتاد هزار تخت کرامت فرماید که بر روی هر تختی حوری باشد دعای روز پنجم بگوید اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادك الصالحین القانتین واجعلنی فیه من اولیائك المقربین برافتك یا ارحم الراحمین تا آنکه خدای تعالی در جنة المأوی هزار قصر کرامت باو بدهد که در هر قصر از او هزار لون از طعام باشد دعای روز ششم بگوید اللهم لا تخذلنی فیه لتعرض معصیتك ولا تضربنی بسیاط نقمتك وزحزحنی فیه من موجبات سخطك بمنك وایادیك یا منتهی رغبة الراغبین تا آنکه خدا تعالی در بهشت چهل هزار شهر باو بدهد که در هر شهری هزار خانه باشد و در هر خانه هزار تخت باشد که طول هر تختی هزار ذرع باشد و بر هر تختی حوری باشد که او را هزار گیسو باشد و بر هر گیسو او را کنیزی کرفته باشد دعای روز هفتم بگوید اللهم اعنی فیه علی صیامه وقیامه وجنبنی فیه من هفواته واثامه وارزقنی فیه ذکرك بدوامه بتوفیقك یا هادی المضلین تا آنکه خدا تعالی باو کرامت کند در بهشت چیزی که بر شهدا و سعدا و اولیا کرامت کرده است دعای روز هشتم بگوید اللهم ارزقنی فیه رحمة الایتام واطعام الطعام وافشاء السلام ومجانبة اللئام وصحبة الکرام بطولك یا ملجأ الاملین تا آنکه عمل او مثل عمل جبرئیل صدیق بسوی آسمان بلند شود دعای روز نهم بگوید اللهم اجعل لی فیه نصیبا من رحمتك الواسعة واهدنی فیه لبراهینك الساطعة وخذ بناصیتی الی مرضاتك الجامعة بمحبتك یا امل المشتاقین تا آنکه خدا تعالی باو ثواب انبیاء بنی اسرائیل کرامت کند دعای روز دهم بگوید اللهم اجعلنی فیه من المتوکلین علیك واجعلنی فیه من الفائزین لدیك واجعلنی فیه من المقربین الیك باحسانك یا غایة الطالبین دعای روز یازدهم

در آداب روزه

نیست
بلکه سنت است و از حضرت صادق منقولست که طیب تحفه صائم است و هر روزیکه روزه دار بکند در اول روز بخود دارد از خشبو کند عقلش زایل نشود و اشهر و اقوی آنستکه بوئیدن دائما غلط مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوی غلیظه که بحروف برسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنستکه بوی خوش سائیده که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکروه هست که صائم که جامه را صوف بدنش تر کند و مکروه هست زن صائم را که در آب نشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق منقولست که هرگاه روزه داری باید که روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از حرامها بلکه از مکروهات و فرمود که باید روز روزه تو با شد

در ادعیه مختصره ایام

بگوید اللهم حبب الی فیه الاحسان و کره الی فیه الفسوق و العصیان و حرم علی
فیه السخط و النیران بعونک یا غیاث المستغیثین تا انکه نوشته شود از برای
او حجه مقبوله که انرا با پیغمبر بجا اورده باشد و عمره مقبوله که انرا با اهل علیهم السلام
بجا اورده باشد و هر حجه که با پیغمبر بجا اورد برابری میکند با هفتاد هزار حجه که با غیر پیغمبر
بجای اورد و هر عمره که با ائمه بجا اورد برابری میکند با هفتاد هزار عمره که با غیر ایشان
بجای اورده باشد روز دوازدهم بگوید اللهم زینی فیه بالستر و العفاف و
استرنی فیه بلباس القنوع و الکفاف و احملنی فیه علی العدل
و الانصاف و امنی فیه من کل ما اخاف بعصمتک یا عصمة الخائفین
خداوند بیامرزد گناهان گذشته او را و سیئات او را بحسنات مبدل سازد روز
سیزدهم اللهم طهرنی فیه من الدنس و الاقذار و صبرنی فیه علی
کائنات الاقدار و وفقنی فیه للتقی و صحبة الابرار بعونک یا
قرة عین المساکین تا انکه حق تعالی بعدد هر سنگ و کلوخی حسنه با و
کرامت کند و بعدد مذکور درجه او را در بهشت بلند گرداند روز چهاردهم بگوید
اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات و اقلنی فیه من الخطایا و الهفوات و
لا تجعلنی فیه غرضا للبلایا و الافات بعزتک یا عز المسلمین تا انکه روزه
او مثل روزه باشد که با انبیا و صلحا و صدیقین و شهدا گرفته باشد روز پانزدهم بگوید
اللهم ارزقنی فیه طاعة العابدین و اشرح فیه صدری بانابة المخبتین بامانک یا
امان الخائفین تا انکه حق تعالی هشتاد حاجت او را بجا اورد از حوائج دنیا و بیست حاجت
از حوائج اخرت و درجنة الفردوس هزار شهر باو دهند در همسایگی پیغمبران از نور
درخشنده در هر شهری هزار غرفه باشد در هر غرفه هزار حجره و در هر حجره انچه بنفس خواهد

در اداب روزه داری

منقولست که فرمودند که روزه نه همین باز داشتن خود است از خوردن و اشامیدن تنها بلکه باید که در روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام و باید نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و جدال مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز نخورید دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از انچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف براخرت گردانید و منتظر فرج و ظهور قائم ال محمد باشید و از روز ملاقات اخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای اخرت بردارید

در ثواب ادعیه ایام

و چشم از ان محظوظ شود موجود باشد و در انجا مخلد باشد روز شانزدهم بگوید اللهم
اهدنی فیه لعمل الابرار و جنبنی فیه مرافقة الاشرار و ادخلنی فیه برحمتک
الی دار القرار بالهیتک یا اله العالمین تا انکه خدای تعالی در روز بیرون اوردن
بیرون اید ما و نور درخشانی کرامت فرماید که در ان نور رود و حله از بهشت او پوشند
و ناقه باو دهند که بر او سوار شود و از شراب بهشت باو دهند روز هفدهم بگوید اللهم
اهدنی فیه لصالح الاعمال و اقض لی فیه الحوائج و الامال یا من لا یحتاج
الی السؤال یا عالما بما فی صدور العالمین تا انکه خدای تعالی او را بیامرزد اگر چه از
خاسران باشد روز هجدهم بگوید اللهم نبهنی فیه لبرکات اسحاره و نور فیه قلبی بضیاء
انواره و خذ بکل اعضائی الی اتباع اثاره یا منور قلوب العارفین تا انکه
خدای تعالی ثواب هزار پیغمبر باو عطا فرماید روز نوزدهم بگوید اللهم وفر حظی فیه من برکاته
و سهل سبیلی الی خیراته و لا تحرمنی قبول حسناته یا هادیا الی الحق المبین
تا انکه ملائکه اسمان و زمین از برای او استغفار کنند و دعا نمایند روز بیستم بگوید
اللهم افتح لی فیه ابواب الجنان و اغلق عنی فیه ابواب النیران و وفقنی فیه لتلاوة
القران یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین تا انکه بعدد هر کسیکه در اینماه
روزه گرفته عبادت شصت سال مقبوله از برای او نوشته شود و حق تعالی هزار ملک
بر انگیزاند که او را حفظ کنند از شر هر جبار عنید و هر شیطان مرید و خدای تعالی میان او
و اتش دوزخ هفت خندق بیافریند که عرض هر خندقی ما بین اسمان و زمین باشد روز
بیست و یکم بگوید اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتک دلیلا و لا تجعل للشیطان فیه علی
سبیلا یا قاضی حوائج السائلین تا انکه حق تعالی قبر او را نورانی گرداند و روی او را
سفید گرداند و بر صراط مثل برق جهنده بگذرد روز بیست و دوم بگوید اللهم افتح لی فیه ابواب

و اجعل الجنة لی منزلا و مقیلا

و بر شما باد بادام و خضوع و خشوع و شکستگی دل و ارایش و بترسید و مثل بندگان از اقای خود بترسید ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید برحمت او و باید که پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و بواطن تو از حیلها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئید بسوی خدا از انچه غیر او است و در روزه خود را خالص گردانی از برای او و خود را نگاهداری از انچه نهی کرده است خدا تو را از ان در اشکار و پنهان و بترسی از خداوند جبار انچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و اشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز و جل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را برای محبت او و یاد او و بکار فرمائی بدن و زبان خود را در انچه خدا امر کرده است ترا بان پس هرگاه انچه را که خوانده است بسوی ان بعمل اوردی انچه سزاوار روزه داشتن است بعمل اورده و فرموده خدا را اطاعت کرده و انچه کم کنی از انچه بیان کردم از برای تو نقصان

در ادعیه مختصره ایام

فضلك وانزل عليّ فيه بركاتك ووفّقني فيه لموجبات مرضاتك واسكنّي
فيه بحبوحة جنّاتك يا مجيب دعوة المضطرّين تا آنکه خدای تعالی سکرات مرگ را بر وی
آسان کرداند و او را ثابت کرداند بر قول ثابت روز بیست و سوم بگوید اللّهمّ اغسلني فيه
من الذنوب وطهّرني فيه من العيوب وامتحن فيه قلبي بتقوى القلوب
يا مقيل عثرات المذنبين تا آنکه با پیغمبران و صدیقان مثل برق جهنده از صراط
بگذرد روز بیست و چهارم بگوید اللّهمّ انّي اسئلك فيه ما يرضيك واعوذ بك
فيه ممّا يؤذيك واسئلك التوفيق فيه لأن اطيعك ولا اعصيك يا عالماً
بما في صدور العالمين تا آنکه خدای تعالی بعدد هر موی که بر سر و جسد اوست کنیز و غلام
که مثل یاقوت و مرجان باشد باو عطا فرماید روز بیست و پنجم بگوید اللّهمّ اجعلني فيه
محبّاً لأوليائك ومعادياً لأعدائك مستنّاً بسنّة خاتم انبيائك يا عاصم
قلوب النبيّين تا آنکه حق تعالی بنا کند از برای او در بهشت صد قصر که بر هر قصری خیمه سبزی
باشد روز بیست و ششم بگوید اللّهمّ اجعل سعيي فيه مشكوراً وذنبي فيه مغفوراً
وعملي فيه مقبولاً وعيبي فيه مستوراً يا اسمع السامعين تا آنکه در قیامت
او را ندا کنند که ای بنده خدا مترس و اندوهگین مباش که خدای تعالی ترا امرزید روز بیست و
هفتم بگوید اللّهمّ وفّر حظّي فيه من النوافل واكرمني فيه باحضار المسائل
وقرّب فيه وسيلتي اليك من بين الوسائل يا من لا يشغله الحاح الملحّين تا آنکه ثواب
کسی باو دهند که اطعام داده باشد هر گرسنه را و سیراب کردانیده باشد هر تشنه را
و اکرام کرده باشد هر مؤمن و مؤمنه را که در دنیا باشد روز بیست و هشتم اللّهمّ غشّني
فيه بالرحمة وارزقني فيه التوفيق والعصمة وطهّر قلبي فيه من غياهب التهمة يا رحيماً بعباده
المؤمنين تا آنکه در بهشت چندان بهره باو دهند که اگر قیاس کرده شود نصیب و بهره او بدنیا

اثنا از روزه که میشود از فضل آن
بتوبه آن بدرستیکه پدرم گفت
که رسول خدا شنید که زنی در دو
روزه جاریه خود را دشنام داد
حضرت طعامی طلبید و فرمود اینرا
بخور گفت من روزه ام حضرت
فرمود که چگونه روزه داری و جاریه خود را
دشنام دادی روزه از خوردن و
آشامیدن تنها نیست بلکه بدرستیکه
حق تعالی روزه را حجابی کردانیده است
از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار
بد و چه بسیار کمند روزه داری
که بهره نیست او را بغیر از گرسنگی
و تشنگی و چه بسیار عبادت کنندگانی
که نیست او را بهره از عبادت بغیر
تعب خوشا خواب زیرکان که بهتر است
از بیداری و عبادت احمقان و خوشا
افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه
داشتن بیخردان است زیرا که خواب
مقرّبان چون بنیت صحیح و قلب سالم
واقع شود از جمله عبادات ایشان است
بلکه ارواح ایشان

در ادعیه ایام ماه مبارک

جمله برابر دنیا باشد روز بیست و نهم بگوید اللّهمّ ارزقني فيه فضل ليلة القدر و
صيّر اموري فيه من العسر الى اليسر واقبل معاذيري وحطّ عنّي الوزر يا رؤفاً
بعباده الصالحين تا آنکه بنا شود از برای او در بهشت هزار شهر از طلا و نقره و زمرد
و مروارید روز سی ام بگوید اللّهمّ اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على ما
ترضاه ويرضاه الرسول محكمة فروعه بالاصول بحقّ سيّدنا محمّد وآله الطيّبين
الطاهرين والحمد لله ربّ العالمين و بسند معتبر منقولست از حضرت امام زین العابدین و امام
محمّد باقر عم منقولست که در هر روز ماه مبارک این دعا می خواندند اللّهمّ هذا شهر رمضان
الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبيّنات من الهدى والفرقان وهذا شهر
الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر
المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنّة وهذا شهر فيه ليلة
القدر التي هي خير من الف شهر اللّهمّ فصلّ على محمّد وآل محمّد واعنّي
على صيامه وقيامه وسلّمه لي وسلّمني فيه واعنّي عليه بافضل عونك
ووفّقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك صلوات الله عليهم و
فرّغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك وعظّم لي فيه البركة
واحسن لي فيه العافية واحرز لي فيه التوبة واصحّ لي فيه بدني واوسع فيه
رزقي واكفني فيه ما اهمّني واستجب فيه دعائي وبلّغني فيه رجائي اللّهمّ
صلّ على محمّد وآل محمّد واذهب عنّي فيه النعاس والكسل والسأمة
والفترة والقسوة والغفلة والغرّة وجنّبني فيه العلل والاسقام والهموم
والاحزان والاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف عنّي فيه السوء
والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انّك سميع الدعاء اللّهمّ صلّ

در عالم قدس
با ارواح انبیا و اوصیا آمیزش میکنند
و بر اسرار غیب مؤمنان خشنود میکردند
و در رؤیای صادقه مطلع میکردند
و راهی از راههای قرب بایشانست و افطار
خردمندان چون از راه دانائیست
افطار می بوجهی که حق تعالی خواسته است
از روزهای احمقان بهتر است
نمایند بهتر است از روزه و نفس کشی
که روزه دار دستگاه خود
کرده اند و بر او عیب و غرور و عجب
کرده اند و بر عمل خود تکیه میکنند
و شرایط صوم عمل نمیکنند
و در بیانجمله از ختوم مجربه و اسرار که
بعضی از آن از جمله غیابات و افاضات
ربانیه است آن جمله ختوم ختم آیه کریمه
الله نور السموات والارض است
و این ختم را مرحوم مبرور آخوند ملا
زین العابدین کلپایکانی اعلی الله مقامه
از اساتید خود نقل فرموده اند و نیز
مرحوم مبرور حاجی سید علی
شوشتری ره از مرحوم سید محمد
العلوم اعلی الله مقامهما روایت
فرموده اند و حقیر این ختم را از مرحوم
حاجی سید علی

علی محمد و ال محمد و اعذنی فیه من الشیطان الرجیم و همزه و لمزه و نفثه
و نفخه و وسوسته و تثبیطه و بطشه و کیده و مکره و حبائله و خدعه
و امانیه و غروره و فتنته و شرکه و احزابه و اتباعه و اشیاعه و اولیائه
و شرکائه و جمیع مکائده اللهم صل علی محمد و ال محمد و ارزقنا قیامه
و صیامه و بلوغ الامل فیه و فی قیامه و استکمال ما یرضیک عنی صبرا
و احتسابا و ایمانا و یقینا ثم تقبل ذلک منی بالاضعاف الکثیرة و الاجر
العظیم یا رب العالمین اللهم صل علی محمد و ال محمد و ارزقنی الحج و العمرة
و الجد و الاجتهاد و القوة و النشاط و الانابة و التوبة و التوفیق
القربة و الخیر المقبول و الرهبة و الرغبة و التضرع و الخشوع و الرقة
و النیة الصادقة و صدق اللسان و الوجل منک و الرجاء لک و التوکل
علیک و الثقة بک و الورع عن محارمک مع صالح القول و مقبول السعی
و مرفوع العمل و مستجاب الدعوة و لا تحل بینی و بین شیء من ذلک
بعرض و لا مرض و لا هم و لا غم و لا سقم و لا غفلة و لا نسیان بل بالتعاهد
و التحفظ لک و فیک و الرعایة لحقک و الوفاء بعهدک و وعدک
برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد و ال محمد و اقسم لی فیه
افضل ما تقسمه لعبادک الصالحین و اعطنی فیه افضل ما تعطی اولیائک
المقربین من الرحمة و المغفرة و التحنن و الاجابة و العفو و المغفرة الدائمة
و العافیة و المعافاة و العتق من النار و الفوز بالجنة و خیر الدنیا و الاخرة
اللهم صل علی محمد و ال محمد و اجعل دعائی فیه الیک واصلا و رحمتک
و خیرک الی فیه نازلا و عملی فیه مقبولا و سعیی فیه مشکورا و ذنبی فیه

که سحر نیز از عدول اجازه گرفته اند او نیز اجازه فرموده اند بدهم برسانند که در این اربعین گفتیم که چهل روز روزه بدارد و غرض از صوم مجرد نیت و امساک از مفطرات نیست بلکه مقصود صوم کامل است که از جمیع معاصی قلبیه و جوارحیه اجتناب نماید و از کافه شهوات نفسانیه اجتناب نماید و در روز اول غسل کند و در هر شب ما بین العشائین هر یک از کلمه کهیعص را با حم عسق بعدد جمل کبیر تلاوت کند و در وقت تلاوت با حضور قلب سر برهنه چهارده مرتبه صلوات بفرستد و چهارده مرتبه صلوات آیه مبارکه نور را تلاوت کند چون بدین نحو مداومت نماید در شب سی ام خواهد دید و هرگاه قابل نباشد او را خواهند ترسانید و هرگاه بنحو فهم او ترقی دهند در اربعین دیم هر یک از صلوات و آیه نور را بیست و هشت

مغفورا حتی یکون نصیبی فیه الاکبر و حظی فیه الاوفر اللهم صل علی محمد و
ال محمد و وفقنی فیه للیلة القدر علی افضل حال تحب ان یکون علیها
احد من اولیائک و ارضاها لک ثم اجعلها لی خیرا من الف شهر و ارزقنی فیها
افضل ما رزقت احدا ممن بلغته ایاها و اکرمته بها و اجعلنی فیها من عتقائک
من جهنم و طلقائک من النار و سعداء خلقک بمغفرتک و رضوانک یا ارحم
الراحمین اللهم صل علی محمد و ال محمد و ارزقنا فی شهرنا هذا الجد و الاجتهاد
و القوة و النشاط و ما تحب و ترضی اللهم رب الفجر و لیال عشر و
الشفع و الوتر و رب شهر رمضان و ما انزلت فیه من القران و رب
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمیع الملائکة المقربین و رب ابرهیم و
اسمعیل و اسحق و یعقوب و رب موسی و عیسی و جمیع النبیین و المرسلین
و رب محمد خاتم النبیین صلواتک علیه و علیهم اجمعین و نظرت الی
نظرة رحیمة ترضی بها عنی رضا لا تسخط علی بعده ابدا و اعطنی جمیع
سؤلی و رغبتی و امنیتی و ارادتی و صرفت عنی ما اکره و احذر و اخاف
علی نفسی و ما لا اخاف و عن اهلی و مالی و اخوانی و اخواتی و ذریتی اللهم
الیک فررنا من ذنوبنا فاونا تائبین و تب علینا مستغفرین و اغفر لنا
متعوذین و اعذنا مستجیرین و اجرنا مستسلمین و لا تخذلنا راهبین
و امنا راغبین و شفعنا سائلین و اعطنا انک سمیع الدعاء قریب مجیب
اللهم انت ربی و انا عبدک و احق من سئل العبد ربه و لم یسئل العباد
مثلک کرما و جودا یا موضع شکوی السائلین و یا منتهی حاجة الراغبین
و یا غیاث المستغیثین و یا مجیب دعوة المضطرین و یا ملجا الهاربین و یا صریخ

بخواند و در اربعین بعدد لفظ نور که دویست و پنجاه و شش است بخواند چون باین نحو مواظبت نماید در رؤیای صادقه خواهد دید خدمت حضرت ائمه علیهم السلام میرسد و افاضات کافیه باو میرسد و بانچه مطلوب است فایز میگردد و لی باید متقی و پرهیزکار باشد و قلب خود را از محبت دنیا و حسد و کینه و کبر و ریا و اشال اینها پاک کرده اند و بمحاسن اخلاق متصف شود و پیوسته بمجاهده شرعیه مشغول باشد اثار کلیه از این ختم شریف برای او حاصل میشود و بر جمله از علوم غریبیه اگاه میشود و شرط اول خلوت است و اکل طعام ختم چند امر است اول قلة مباشرت ممکن حیوانی دویم قلة ... مطلوبات سیم قلة کلام چهارم قلة خواب و پنجم اینکه غالبا از ذکر خدا غافل نباشد و اعظم امور اینکه

المستصرخین و یا رب المستضعفین و یا کاشف کرب المکروبین و یا فارج
هم المهمومین و یا کاشف الکرب العظیم یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم
الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی ذنوبی و عیوبی و اسائتی و
ظلمی و جرمی و اسرافی علی نفسی و ارزقنی من فضلک و رحمتک فانه لا
یملکها غیرک و اعف عنی و اغفر لی کل ما سلف من ذنوبی و اعصمنی
فیما بقی من عمری و استر علی و علی والدی و ولدی و قرابتی و اهل
حزانتی و من کان منی بسبیل من المؤمنین و المؤمنات فی الدنیا و الآخرة
فان ذلک کله بیدک و انت واسع المغفرة فلا تخیبنی یا سیدی و لا ترد
دعائی و لا ترد یدی الی نحری حتی تفعل ذلک بی و تستجیب لی جمیع ما
سألتک و تزیدنی من فضلک فانک علی کل شیء قدیر و نحن الیک
راغبون اللهم لک الاسماء الحسنی و الامثال العلیا و الکبریاء و الآلاء
اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم ان کنت قضیت فی هذه اللیلة
تنزل الملائکة و الروح فیها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی
فی السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة
و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا لا یشوبه شک و رضا بما
قسمت لی و آتنی فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنی عذاب النار
و ان لم تکن قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة و الروح فیها فاخرنی
الی ذلک و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک و طاعتک و حسن عبادتک
فصل علی محمد و آل محمد بافضل صلواتک یا ارحم الراحمین یا
احد یا صمد یا رب محمد و آل محمد اغضب الیوم لمحمد و لابرار عترته

و اقتل اعدائهم بددا و احصهم عددا و لا تدع علی ظهر الارض منهم احدا
و لا تغفر لهم ابدا یا حسن الصحبة یا خلیفة النبیین انت ارحم الراحمین
البدیء البدیع الذی لیس کمثله شیء و الدائم غیر الغافل و الحی الذی
لا یموت انت کل یوم هو فی شان انت خلیفة محمد صلی الله علیه و
آله و ناصر محمد و مفضل محمد اسئلک ان تنصر وصی محمد و خلیفة محمد و القائم
بالقسط من اوصیاء محمد صلواتک علیه و علیهم اعطف علیهم نصرک یا
لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی معهم فی
الدنیا و الآخرة و اجعل عاقبة امری الی غفرانک و رحمتک یا ارحم الراحمین
و کذلک نسبت نفسک یا سیدی باللطیف بلی انک لطیف فصل علی
محمد و آل محمد و الطف بی انک لطیف لما تشاء اللهم فصل علی محمد و آل محمد و ارزقنی
الحج و العمرة فی عامنا هذا و فی کل عام و تطول علی بجمیع حوائج الدنیا
و الآخرة پس سه مرتبه بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه ان ربی قریب مجیب
استغفر الله ربی و اتوب الیه ان ربی رحیم ودود استغفر الله ربی
و اتوب الیه انه کان غفارا اللهم اغفر لی انک انت ارحم
الراحمین رب انی عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب
الا انت استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الحلیم العظیم العلیم الکریم
الغفار للذنب العظیم و اتوب الیه استغفر الله ان الله کان غفورا رحیما
پس سه مرتبه بگوید اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تجعل فیما تقضی و تقدر من الامر العظیم المحتوم فی لیلة القدر من القضاء
الذی لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم

الشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفّر عنهم سیئاتهم وان تجعل فیما تقضی و تقدر ان تطیل عمری و توسع رزقی و تؤدی عنی امانتی ودینی آمین رب العالمین اللّهم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب واحرسنی من حیث احترس ومن حیث لا احترس وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما کثیرا و از جمله دعاها هر روز ماه مبارک رمضان دعائی است که سید بن طاوس ره فضیلت بسیار از برای او ذکر کرده و در استجابت دعوات مجرّب و مضامین عالیه مشتمل است و دعا اینست سه مرتبه بگوید اللّهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّهم انی اسئلک من بهائک بابهاه وکل بهائک بهی اللّهم انی اسئلک ببهائک کله اللّهم انی اسئلک من جلالک باجله وکل جلالک جلیل اللّهم انی اسئلک بجلالک کله اللّهم انی اسئلک من جمالک باجمله وکل جمالک جمیل اللّهم انی اسئلک بجمالک کله پس سه مرتبه بگوید اللّهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّهم انی اسئلک من عظمتک باعظمها وکل عظمتک عظیمة اللّهم انی اسئلک بعظمتک کلها اللّهم انی اسئلک من نورک بانوره وکل نورک نیّر اللّهم انی اسئلک بنورک کله اللّهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللّهم انی اسئلک برحمتک کلها پس سه مرتبه بگوید اللّهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّهم انی اسئلک من کمالک باکمله وکل کمالک کامل اللّهم انی اسئلک بکمالک کله اللّهم انی اسئلک من کلماتک باتمها وکل کلماتک تامة

دارند ودر مملکت وجود انسانی قوهٔ عاقله و قوهٔ جاهله موجود است و هر یک از اینها هفتاد و پنج نفر دارند و پیوسته در مقام منازعه و جدال میباشند و همه ملکات حسنه از جنود عقل و جمیع ملکات رذیله از جنود جهل میباشد پس هرگاه جنود عقل را مسلط نمودی جنود جهل مغلوب میشود و نجات خواهی یافت و اگر جنود جهل را مسلط نمودی و متابعت هوا و هوس نمودی هلاک خواهد شد فتبصر ان کنت بصیرا وافهم واغتنم فان الحر تکفیه الاشارة و بدانکه ایمان بجمیع اعضا و جوارح تو منبعث میباشد و هرچه اطاعت خدا را میکنی ایمان تو زیاد میشود و آنچه مرتکب معصیت میشوی معادل همان معصیت از ایمان تو کم میشود حدیث لا یزنی الزانی و هو مؤمن ولا یسرق السارق و هو مؤمن اشاره بهمین معنی باشد مؤلف گوید هنگام در ارض اقدس نجف

اللّهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللّهم انی اسئلک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیرة اللّهم اسئلک باسمائک کلها پس سه مرتبه بگوید اللّهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّهم انی اسئلک من عزتک باعزها وکل عزتک عزیزة اللّهم انی اسئلک بعزتک کلها اللّهم انی اسئلک من مشیتک بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللّهم انی اسئلک بمشیتک کلها اللّهم انی اسئلک من قدرتک بالقدرة التی استطلت بها علی کل شیء وکل قدرتک مستطیلة اللّهم انی اسئلک بقدرتک کلها پس سه مرتبه بگوید اللّهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّهم انی اسئلک من علمک بانفذه وکل علمک نافذ اللّهم انی اسئلک بعلمک کله اللّهم انی اسئلک بعلمک کله اللّهم انی اسئلک من قولک بارضاه وکل قولک رضی اللّهم انی اسئلک بقولک کله اللّهم انی اسئلک من مسائلک باحبها الیک وکل مسائلک الیک اللّهم انی اسئلک بمسائلک کلها پس سه مرتبه بگوید اللّهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّهم انی اسئلک من شرفک باشرفه وکل شرفک شریف اللّهم انی اسئلک بشرفک کله اللّهم انی اسئلک من سلطانک بادومه وکل سلطانک دائم اللّهم انی اسئلک بسلطانک کله اللّهم انی اسئلک من ملکک بافخره وکل ملکک فاخر اللّهم انی اسئلک بملکک کله پس سه مرتبه بگوید اللّهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّهم انی اسئلک من علائک باعلاه وکل علائک عال اللّهم

اشرف مشغول تحصیل علوم بودم مسائل و مطالب بسیاری بر حقیر مشکل شده بود که رامی برای حل آنها پیدا نمیشود تا آنکه باشاره مرحوم حاجی سید علی شوشتری اعلی الله مقامه مشغول تذکیهٔ اخلاق شدم و در اول شب بعد از فراغ از نماز شب هر شب مشغول تضرع و زاری و استغفار میشدم و نحو ما تو جمله از ادعیهٔ صحیفه و در شب مواظبت میکردم تا اینکه در شب چهارم را در مسجد سهله احیاء داشتم چون صبح شد بیکباره شطف اثر در قم شخصی را دیدم که بر روی علم راه میرود و بجانب من میآید چون بنزدیک رسید از آب خارج شد و نشست و مرا امر بجلوس فرموده و سؤال کرد از آنچه منجم امی حقیر در سؤال الکثر ستم و جواب هر یک را شنیدم پس از آن شخص را نشناختم از نظرم غائب شد و حقیر بسیاری از آنچه را سؤال کرده بوده و جواب شنیده ام در این کتاب بیان

باب در ادعیه ایام ماه رمضان

اللّهم اسئلك بعلائك كلّه اللّهم انی اسئلك من مسائلك باقدمه وكلّ مسائلك قديم اللّهم انّی اسئلك بمسائلك كلّه اللّهم انّی اسئلك من آياتك باعجبها وكلّ اياتك عجيبة اللّهم انّی اسئلك باياتك كلّها پس سر برمی بكو بدا اللّهم انّی ادعوك كما امرت فاستجب لی كما وعدتنی پس بكو اللّهم انّی اسئلك من فضلك بافضله وكلّ فضلك فاضل اللّهم انّی اسئلك بفضلك كلّه اللّهم انّی اسئلك من رزقك باعمه وكلّ رزقك عامّ اللّهم انّی اسئلك برزقك كلّه اللّهم انّی اسئلك من عطائك باهنئه وكلّ عطائك هنیّ اللّهم اسئلك بعطائك كلّه اللّهم انّی اسئلك من خيرك باعجله وكلّ خيرك عاجل اللّهم انّی اسئلك بخيرك كلّه اللّهم انّی اسئلك من احسانك باحسنه وكلّ احسانك حسن اللّهم انّی اسئلك باحسانك كلّه اللّهم انّی اسئلك بما تجيبنی به حين ادعوك فاجبنی يا الله نعم دعوتك اللّهم انّی اسئلك بما انت فيه من الشئون والجبروت اللّهم انّی اسئلك بكلّ شان وجبروت اللّهم انّی اسئلك بشانك وجبروتك كلّها اللّهم انّی اسئلك بما تجيبنی به حين اسئلك فاجبنی يا الله صلّ علی محمّد وآل محمّد پس هر حاجتی داری طلب نما و بكو اللّهم صلّ علی محمّد وآل محمّد وابعثنی علی الايمان بك والتصديق برسولك والولاية لعلیّ بن ابی طالب عليه السلام والائتمام بالائمة من آل محمّد والبراءة من اعدائهم وانّی قد رضيت بذلك يا ربّ اللّهم صلّ علی محمّد وآل محمّد واسئلك خير الخير رضوانك والجنّة واعوذ بك من شرّ الشرّ سخطك والنار اللّهم صلّ علی محمّد وآل محمّد واحفظنی من كلّ مصيبة و

من كلّ بليّة ومن كلّ عقوبة ومن كلّ فتنة ومن كلّ بلاء ومن كلّ شرّ ومن كلّ مكروه ومن كلّ مصيبة ومن كلّ آفة نزلت او تنزل من السماء الی الارض فی هذه الساعة وفی هذه الليلة وفی هذا اليوم وفی هذا الشهر وفی هذه السنة اللّهم صلّ علی محمّد وآل محمّد واقسم لی من كلّ سرور ومن كلّ بهجة ومن كلّ استقامة ومن كلّ فرج ومن كلّ عافية ومن كلّ سلامة ومن كلّ كرامة ومن كلّ رزق واسع حلال طيّب ومن كلّ نعمة ومن كلّ حسنة نزلت او تنزل من السماء الی الارض فی هذه الساعة وفی هذه الليلة وفی هذا اليوم وفی هذا الشهر وفی هذه السنة اللّهم ان كانت ذنوبی قد اخلقت وجهی عندك فانّی اسئلك بنور وجهك الكريم الذی لم يطفأ وبوجه حبيبك محمّد المصطفی وبوجه وليّك علیّ المرتضی وبحقّ اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تغفر لی ولوالدیّ وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلّها صغيرها وكبيرها وان تختم لنا بالصالحات وان تقضی لنا الحاجات والمهمّات وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحقّ محمّد وآل محمّد اللّهم صلّ علی محمّد وآل محمّد لمن آمين آمين ما شاء الله كان ولا حول ولا قوّة الّا بالله سبحان الله ربّ العزّة عمّا يصفون وسلام علی المرسلين والحمد لله ربّ العالمين پس دستها را بجانب آسمان بلند كن و ميل ده كردن را بسوی دوش چپ خود و كريه بكن و اكر نيايد خود را بكريه بدار پس بعد از آن بكو يا لا اله الّا انت اسئلك بحقّ من حقّه عليك عظيم بلا اله الّا انت اسئلك ببهاء لا اله الّا انت يا لا اله الّا انت اسئلك بجلال لا اله الّا انت بجمال لا اله الّا انت يا لا اله الّا

در ادعیه ایام ماه مبارک رمضان

انت اسئلك بنور لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بكمال لا اله الا انت
يا لا اله الا انت اسئلك بعزة لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك
بعظم لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بقول لا اله الا انت يا لا اله
الا انت اسئلك بشرف لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بعلاء لا
اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بلا اله الا انت يا لا اله الا انت يا
رباه انقدر بگوید که نفس وفا کند پس برهمان حالتی که بود گردن کج کرده بدوش چپ بگوید
اسئلك يا سيدي پس بگوید يا الله يا رباه ان قدر که نفس وفا کند پس بگوید يا سيداه
يا مولاه يا غياثاه يا ملجاه يا مولاه يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم الراحمين
اسئلك بك فليس كمثلك شيء واسئلك بكل دعوة مستجابة دعاك
بها نبي مرسل او ملك مقرب او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت
دعوته منه واتوجه اليك بمحمد نبيك نبي الرحمة واقدمه بين يدي
حوائجي يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي اتوجه بك الى الله ربك و
ربي واقدمك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه اسئلك بك فليس
كمثلك شيء واتوجه اليك بمحمد حبيبك وبعترته الهادية واقدمهم
بين يدي حوائجي واسئلك بحياتك التي لا تموت وبنور وجهك الذي لا
يطفى وبعينك التي لا تنام واسئلك بحق من حقه عليك عظيم ان تصلي على محمد
وآل محمد قبل كل شيء وبعد كل شيء وعدد كل شيء وزنة كل شيء وملاء
كل شيء اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد عبدك المصطفى ورسولك المرتضى
وامينك المرتجى ونجيك دون خلقك وحبيبك وخيرتك من خلقك اجمعين
النذير البشير السراج المنير وعلى آله الطيبين الطاهرين المطهرين الاخيار الابرار

متابعت میشمایند سیم انکه چیزهائی نسبت
باهل بیت علیهم السلام نسبت
چهارم انکه جمیع علماء را از زمان
غیبت کبری تا زمان مرحوم شیخ
احمد احسائی برباطل میدانند
وحال انکه حقیت انها بادله اربعه
ثابت است پنجم معراج حضرت
رسول صلی الله علیه وآله تاویل
میکنند یعنی که راجع بروحانی
میشود وحال انکه معراج جسمانی
بنص کتاب وسنت متواتره واتفاق
شیعه ثابت شده است ششم انکه میگویند
ضمائر حمد بائمه علیهم السلام
راجع میشود ومیگویند عبادات
انها عبادت خداست واین قول
مختص بجمعی از غلات است
ودر معنی شرکت در عبادة است
وخلاق عالم جل شانه شریکی
در هیچ مرتبه ندارد هفتم انکه
در حق رکن رابع فضائل بسیار
قائل شده اند که همه انها محض
کذب وخلاف است

در ادعیه ایام ماه مبارک رمضان

وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك
الذين ينبئون بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم في رحمتك
الائمة المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل و
ملك الموت ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار وروح القدس وحملة
العرش ومنكر ونكير وعلى الملكين الحافظين علي بالصلوة التي تحب ان تصلي
بها عليهم صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية نامية طاهرة شريفة
فاضلة تبين بها فضلهم على الاولين والآخرين اللهم اني اسئلك ان تسمع
صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنوبي وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتقبل قصتي
وتنجز لي ما وعدتني وتقيلني عثرتي وتتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي
وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني
ولا تبتليني وترزقني من اطيب الرزق واوسعه واهنئه وامرئه واسبغه
واكثره ولا تحرمني يا رب النظر الى وجهك الكريم والفوز بالجنة
والعتق من النار واقض عني يا رب ديني وامانتي وضع عني وزري ولا تحملني
ما لا طاقة لي به يا مولاي وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد
واخرجني من كل سوء اخرجتهم منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين
ابدا في الدنيا والآخرة پس سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب
لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك قليلا من كثير مع حاجة
بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عليك سهل يسير فامنن به علي
انك على كل شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين
فارفعنا وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين

هشتم انکه
معاد جسمانی را با ابدان اصلی
انکار کرده اند وحال
انکه مقتضای آیات واخبار وطریقه
حقه شیعه انستکه بهمین بدن عود
میکند وتاویل در معاد باطل است
نهم انکه این فرقه میگویند امر خلق و
رزق تفویض شده است بائمه علیهم
السلام بدلیل خطبة البیان وجمله از اخبار
که اسانید انها صحت ندارد واین
قول خلاف حق است بلکه حق انستکه ائمه
علیهم السلام مانند ملئکه چون خدام امر خدا میباشند باذن
متصدی امر خلق ورزق وموت
وامثال این امور میباشند زیرا که
هیچ نطفه منعقد نمیشود مگر باذن
انها وملک الموت روح احدی را قبض
نمیکند مگر باذن انها بلکه هیچ
امری بدون اذن ائمه در عالم امکان
واقع نمیشود وما یشاؤن الا ان
یشاء الله چنانچه در حدیث معتبر
فرمودند نحن اوعیة مشیة الله اذا
شئنا شاء الله وما تشاؤن الا
ان یشاء الله

سؤال

خون امام پاک است یا نجس و آیه تطهیر دلالت بدان میکند یا نه

جواب فرمودند چون امام علیه السلام حکم بول او ست خبیث نیست بلکه طیب است و بلکه دوای جمله از امراض است و لکن نظر بحکمت اشتراک در تکلیف هرگاه بول امام یا خون امام زیاده از درهم بر جامه مکلف باشد نماز او باطل است و خوردن آن حرام است چنانچه حجام چون خون امام علیه السلام خورد امام با و فرمود خوب کاری نکردی ولی این خون حجابی شد میان تو و آتش جهنم پس بحسب ظاهر شرع احکام تعبدیه نجاست بر آن جاری میشود ولی نجس و خبیث معنوی نیست

سؤال علم امام علیه السلام حضوری است یعنی لازم ذات انجناب است یا اینکه حصولی است

جواب علم امام علیه السلام حصولی است ولی نسبت جهل در هیچ مرتبه نسبت بامام علیه السلام نمیتوان داد زیرا که خلاق عالم جل شانه علم ما کان

بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنْ وِلْدَانٍ مُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا خَالِقَنَا اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَأَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ فَلَا تَقْرِنَّا وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا تُقَلِّبْنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكُبَّنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلُكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ يَا رَبِّ أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَفْضَلِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا وَأَنْجَحِهَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَصُونِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ دَعَاكَ بِهِ عَبْدٌ هُوَ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَوْ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ فَأَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ وَلَمْ يَثِقْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِمَا هُوَ فِيهِ سَادًّا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا وَلَا لِعَثْرَتِهِ مُقِيلًا غَيْرَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَعَظِّمٍ بَلْ بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ

و ما یکون را بامام علیه السلام تعلیم فرموده است و علم جمیع امور در قوه حافظه امام موجود است و هرگاه بجهت امری اهتمام از قوه حافظه بقوه ذاکره منتقل میشود پس هرگاه بخواهند که بدانند یعنی ملتفت گردند علم خود شوند چنانچه فرمودند اذا شاؤا ان یعلموا علموا مؤلف گوید فقیر تفصیل این مسئله علم امام علیه السلام در کتاب شرح الزیاده بیان کرده ام

سؤال نص و اجماع ثابت است که تحرز از ضرر و خوف لازم است پس سبب چیست که ائمه علیهم السلام از مواضع ضرر اجتناب نمیکردند با وجود یکه عالم بضرر بودند و حال آنکه خدا فرموده است و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه حتی آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مکرر با ابن ملجم لعین فرمودند تو قاتل منی باشی و در صبح نوزدهم رمضان بعد از اذان صبح اشاره باو فرمودند و چگونه با وجود این علم در محراب معهود نماز بجا آورده و حال آنکه فرمودند نماز در مواضع ضرر جایز نیست و حضرت امام حسین علیه السلام با وجود علم الشهادت

يَا رَحْمَنُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً شَرِيفَةً أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هَذَا وَتَرْحَمَنِي وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُعْطِيَنِي فِيهِ خَيْرَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ مُنْذُ أَسْكَنْتَنِي أَرْضَكَ إِلَى يَوْمِي هَذَا بَلِ اجْعَلْهُ عَلَيَّ أَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا وَأَجْزَلَهُ وَأَهْنَاهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هَذَا أَوْ تَنْقَضِيَ بَقِيَّةُ هَذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هَذَا الشَّهْرُ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا أَوْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا أَوْ تُوقِفَنِي بِهَا مَوْقِفَ خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَوْ تُعَذِّبَنِي بِهَا يَوْمَ أَلْقَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا تُقْضَى دُونَكَ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ الْإِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ بِهِ وَالنَّجَاةُ لِي فِيمَا فَزِعْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظَامِ عَنْ أَيُّوبَ وَمُفَرِّجَ غَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنَفِّسَ كَرْبِ يُوسُفَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ مِنْهُ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ مِنْهُ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ

فيه الصديق وليتمت فيه العدو وازلته بك وشكوته اليك رغبة مني
فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيته فانت ولي كل نعمة
وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله التامات
من شر ما خلق من شيء اللهم اني اسئلك بركة يومي هذا وما نزل فيه
من عافية ومغفرة ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علي
وعلى والدي وولدي وعيالي واهلي واهل خزانتي ومن احببت واحبني
وولدت وولدني اللهم اني اعوذ بك من الشك والشرك والحسد والبغي
والحمية والغضب اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما
فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد وال محمد واكفني
المهم من امري بما شئت وكيف شئت پس بخوان سوره حمد وآية الكرسي را وبگو
اللهم انك قلت لنبيك صلى الله عليه واله ولسوف يعطيك ربك
فترضى اللهم ان نبيك ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك لا
يرضى بان تعذب احدا من امته دانك بموالاته وموالاة الائمة من
اهل بيته وان كان مذنبا خاطئا في نار جهنم فاجرني يا رب من جهنم و
عذابها وهبني لمحمد وال محمد يا ارحم الراحمين يا جامعا بين اهل
الجنة على تالف من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم
وجاعلهم اخوانا على سرر متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته وبين من
خلقها له ويا مفرج حزن كل محزون ويا مونس كل غريب يا راحمي في غربتي
وفي كل احوالي بحسن الحفظ والكلائة لي يا مفرج ما بي من الضيق والخوف
صل على محمد وال محمد واجمع بيني وبين احبتي وفادني وسادتي

وهدايتي وموالي يا مولفا بين الاحباء صل على محمد وال محمد ولا تفجعني
بانقطاع رؤيته محمد وال محمد عني ولا بانقطاع رؤيتي عنهم فبكل
مسائلك يا رب ادعوك يا رب الهي فاستجب دعائي اياك يا ارحم الراحمين
اللهم اني اسئلك بانقطاع حجتي ووجوب حجتك ان تغفر لي اللهم
اني اعوذ بك من خزي يوم المحشر ومن شر ما بقي من الدهر ومن شر الاعداء
وصغير الفناء وعضال الداء وخيبة الرجاء وزوال النعمة وفجاة النقمة
اللهم اجعل لي قلبا يخشاك كانه يراك يوم يلقاك و در روز بیست که هر وقتی
از اوقات که مکر که شدتی روی دهد یا حاجت ضروری بهم رسانند چار ابواب خواندن
واگر نتواند جوشن صغیر را بخواند در روایت وارد شده که هر که این دعا را در ماه مبارک
رمضان یکمرتبه بخواند خدا جسد او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه مرتبه در اینماه بخواند
بهشت بر او واجب گردد و خدا ملائکه را بر او موکل گرداند که او را از معاصی حفظ نمایند
و درهای بهشت را بروی او بگشایند و درهای جهنم را بر روی او ببندند و در حیات
و ممات خود در امان خدا بوده باشد و در ششم اینماه مامون ملعون با حضرت امام
رضا بیعت کرد و در روایت شده است هر که در این روز دو رکعت نماز بکند در هر رکعت
بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق
آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در شب
سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده
الملک و قل هو الله احد بخوانند و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام بدین صفت
و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکات و عشر
و زیارت حضرت امام حسین در آن مستحب و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت

باب ۵ در لیالی قدر

رسول الله فرمود که هر که در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حقتعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از او شر دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مردن او سی ملک بفرستند که او را بشارت بدهند ببهشت و سی ملک که او را ایمن کرداند از آتش جهنم و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان زیارت حضرت امام حسین ع را بکند و بعد از نماز عشاء ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله بخواند بمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را ببهشت و ملکی چند که ایمن کرداند او را از آتش جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در آن شب لشکر حضرت رسول ص با کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روز جنگ بدر شد و حقتعالی لشکر او را بر لشکر کفار ظفر داد و از اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در آنشب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حقتعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبیکه نزد خدا قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از زیادتی نزول ملائکه و ما ادریک ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزار ماه تنزل الملائکة والروح فیها فرود می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است در آنشب باذن ربهم برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده که ملائکه و روح در اینشب بر امام زمان نازل می شوند و آنچه برای هر کس در آنشب مقدر شده است بر امام عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و مومنان که در این شب عبادت میکنند تا طلوع صبح و میان سنیان و شیعه خلاف بسیار هست در شب قدر و بعضی از

در تفسیر شب قدر

سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول بود و بعد از آنحضرت بر طرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است و بعضی گفته اند که در تمام سال پنهانست و در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی گفته اند که در شعبان و رمضان پنهانست و بعضی گفته اند که شب نیمه شعبانست و بعضی گفته اند که شب اول رمضانست و بعضی گفته اند شب نیمه است و بعضی شب ۱۷ و بعضی شب ۲۱ و بعضی شب ۲۳ و بعضی شب ۲۹ و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر ایشان در این زمان اتفاق کرده اند بر شب ۲۷ و علمای شیعه امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردد میان شب ۲۱ و بیست و سیم میدانند و در بسیاری از احادیث دلالت میکند بر آنکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب را باید احیا کرد بعبادت تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی از احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است و در بعضی تعیین خصوص بیست و سیم واقع شده است و منقولست که او شب جهنی است و او اعرابی بود بحضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است از مدینه شبی را میخواهم از برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آنشب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سیم را برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آنشب با اهل و خیل و حشم داخل مدینه میشد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدر اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت ممکنست که بعضی تغییر یابد و در شب سیم ختم میشود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسانست و بعد از آن بدفاتر مینویسند و تغییرش دشوارتر است اما تا بمهر سلطان نرسیده باز ممکن است تغییر یابد و چون بمهر سلطان رسید بمنزله ختم است و تغییرش در غایت صعوبت است و حقتعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور هست مانند اسم اعظم الهی که برای آنکه مردم مستبشر است و نماز وسطی که بهترین نمازها است و ساعت استجابت دعا در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها

در حلقت نبوت و ولایت

خلق نموده است ... بلکه نور آنجناب علیه السلام ... اسماء ایشان میباشد ... کرسی و بهشت و ... این قسمت کننده ... صاحب و اصل این نکات و اسرار ... مولف گوید که زحمتی در این مقام فرموده اند که

سؤال اول در اظهار آن نیست سئوال ما قبل از خلقت چیست یا خلقت مخلوقات آیا نور محمد میباشد یا بعد از خلقت نور محمد

جواب اول مخلوقات نور محمد است چنانچه قاعده عقلیه امکان اشرف و اخبار معتبره شاهد برآن است و خلقت زمان نور مقدم بر خلقت زمان چه زمان از حرکت فلک الافلاک پیدا میشود و نور محمد صلی الله علیه و آله بحد بوده است و محتاج بزمان و مکان نداشته است و چون از ممکنات بود لهذا مبیح ... نبوت حاجت ندارد زیرا که نیست باواجب تغیر ... سؤال واجب با ممکن تباین کلی است معنای آیه کریمه و من ... چیست جواب مقصود ...

در معنای آیه کریمه واذ قلنا للملائکة اسجدوا لادم چیست جواب سجده ملائکه برای خدا بود و خدا را سجده کردند و سجده ایشان بسوی آدم بود چنانچه بر ما لازم است که خدا را سجده کنیم ولی سجده ما بجانب کعبه باید باشد پس سجده ملائکه برای خدا بود و آدم ع ... خدا را سجده کردند از جهت تعظیم و تکریم برای آدم سؤال معنای ابو القاسم که کنیه محمد میباشد چیست جواب آنجناب طفلی داشتند مسمی بقاسم لهذا آنجناب را ابو القاسم مینامند و دیگر آنکه چون قسیم نار و جنت امیر المومنین ع میباشد و صاحب این قسمت محمد مصطفی میباشد زیرا که این قسمت بر حسب فرمان آنجناب است لهذا آنجناب صاحب این قسمت و ابو القاسم میباشد و چون قسمت جنت و نار بلکه قسمت جمیع حوادث باذن حضرت امیر المومنین ع است و نور آنجناب از نور محمد ... قسمت عالم امکان بر حسب اذن حضرت محمد ص بوده و میباشد و آنجناب در مرتبه علت غائی عالم امکان و علت غائیه خلق ... لهذا آنجناب ... سبحان

در علت مخفی بودن شب قدر

مل حکمت در مبهم ساختن اینها انست که بر همه اسماء مقدس الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها کنند
و در همه ساعات شب و روز جمعه دعا بکنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی از اینها
مقبول گردد و هم چنین در شب قدر شبهائیکه احتمال ان دارد همه را احیا دارد و حکمت دیگر
در بعضی از ابهام تواند بود مثل انکه اسم اعظم را اگر همه کس داند گاه باشد که نفوس شریره
ان را وسیله حصول مطالب ناشایسته کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و هم چنین شب و ساعت
استجابت دعا اگر بخصوص انها را دانند ممکن است که امور غیر مشروع یا ضررها عظیم نسبت
ببعضی از مسلمان است دعا کنند و اگر بخصوص دانند البته مستجاب گردد و دیگر انکه
مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که ذکر ان خارج از وضع این مختصر است
پس باید مومن این سه شب را احیا کند و اهتمام در دعا و عبادت بکند تا فضیلت شب قدر را در
یابد و در دو شب اخر اهتمام بیشتر کند و در شب بیست و سیم که احادیث بسیار در تخصیص ان
وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر کند و فواید عبادات شب قدر بسیار است از جمله
انکه چون عبادت شب قدر دریابد بنص قران زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که
زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر می فرماید و دیگر انکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر
و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق و اعمال خیر و سایر امور در این شب اصلاح می شود
احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا
نوشته باشد و در این شب تغییر یابد و از جمله سعدا نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر
دعاها و اکثر احادیث معتبره وارد شده است و دیگر انکه چون حضرت صاحب الامر در تمام
این شب با ملائکه مقربین محشور است فوج فوج بمجلس او می ایند و بر او سلام می کنند و تقدیرات
که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض می کنند بس سزاوار نیست که در چنین شبی غافل باشی نکنند
با امام خود و بغفلت بسر اورند و از حضرت رسول منقول است که چون شب قدر می شود فرود

در علت استحباب زیارت

مفسوح است هرکه متوسل ان دامن شد در ان نجات یافت و هرکه تخلف کرد هلاک شد سوال شکی نیست که زیارت حضرت امیر المومنین و سایر ائمه افضل از حج کعبه است پس از چه حج و زیارت مستحب جواب هر که حج و طواف کعبه مستحب میسود مگر ... پس دیگر احدی حج بعمرفت مگر قلیلی از مردم و زیارت چنین نیست و دیگر افضلیت ربطی بوجوب و استحباب ندارد چه سلام مستحب است و جواب واجب و سلام از جواب ان افضل است و دیگر عمده تکالیف حصول امتحان است از جهت تکمیل نفوس مومنین و اینکه حجتی برای خلایق باشد و تا باشد و خبیث از طیب تمیز داده شود چنانچه خدا می فرماید لیبلوکم ایکم احسن عملا احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا و هم لا یفتنون و لقد فتنا الذین ... الایه و هم معرا

در فضیلت شب قدر

می ایند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل است و جبرئیل با خود علمها
می اورد یک علم را بر قبر منور من نصب کند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام
و یکی را در طور سینا و نمی گذرند بر هر مومن و زن مومنه مگر انکه بر وی سلام می کنند
و ایضا از حضرت رسول منقولست که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان
زینت می کنند چون شب اول ماه می شود نسیمی از زیر عرش میوزد که ان را مثیره می گویند بصدای
او برگ درختان و حلقهای درهای بهشت را پس نغمه از ان می شنوند که هرگز شنوندگان نغمه از ان
خوش اینده تر نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون میایند و ندا می کنند که ایا کسی که ما را
خواستگاری کند از خدا باعمال صالحه خود پس از رضوان خازن بهشت می پرسند که این چه شب است
رضوان می گوید لبیک ای نکو رویان و نیکو کاران این شب اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده
شده است از برای روزه داران امت محمد ... جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد را
و غلها در گردن ایشان گذار و ایشان را در لجهای دریا انداز تا فاسد نکردانند بر امت حبیب
من محمد روزهای ایشان را و فرمود انحضرت که حقتعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا
می فرماید که ایا سوال کننده هست که سوال کند او را عطا کنم ایا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم
ایا استغفار کننده هست که گناهش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالدار دیگر هرگز ... ثبات
نمی شود و فا کننده است بوعدهای خود و ستم نمی کند و فرمود که در اخر هر روز از ماه رمضان
در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از جهنم ازاد می گرداند و چون شب جمعه و روز جمعه می شود
در هر ساعتی هزار هزار کس را از اتش جهنم ازاد می کند که همه مستوجب عذاب باشند و در شب اخر و روز
اخر ماه بعدد انچه در تمام ماه ازاد کرده است ازاد می کند و چون شب قدر می شود حق تعالی امر می کند
جبرئیل را که بر زمین می اید با لشکر عظیم از ملائکه و با خود علم سبزی می اورد و بر بالای کعبه
معظم نصب می کند و او ششصد بال دارد دو بال را نمی گشاید مگر شب قدر و چون شب قدر ان دو بال را

در معنی صراط

امتحان ... اشد و این امتحانات در حج موجود است و این تحقق نیست در ساتر زیارات ... حجة الاسلام ... شوال ... معنای صراط چیست ... معنای صراط است و ان جسریست که بر روی جهنم است که هر کس باید از ان عبور بکند چنانچه ایه کریمه وان منکم الا واردها کان علی ربک حتما مقضیا اشاره بان میباشد و دیگر ولایت اهل بیت است که امام فرمودند انا الصراط و انا المیزان و دیگر شریعت است و ان صراط مستقیم است که در ایه اهدنا الصراط المستقیم اشاره بان شده است و چنانکه صراط جسمانی ادق از مو و احد از شمشیر است هم چنین شریعت که صراط معنوی است ادق و احد است و هر کس بخواهد از مقتضای شریعت تخلف کند مستحق عقوبت میباشد سوال معنای تسبیح چیست گفتن سبحان الله ... جلال خدای عز و جل

در فضیلت شب قدر

می‌کشایند از مشرق و مغرب می‌گردانند و چون می‌کند جبرئیل آن علمها را در اطراف زمین پس سلام
می‌کنند بر هر ایشان و نشستر که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه می‌کنند و
چون ایشان دعا می‌کنند ملائکه آمین می‌گویند و پیوسته مشغول اینکارند تا طلوع
صبح پس چون صبح می‌شود ندا می‌کند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس
ملائکه می‌گویند ای جبرئیل خداوند تعالی چه کرد در حوائج مؤمنان از امت محمد جبرئیل میگوید
خدا گناهان همه ایشان را آمرزید مگر کسیکه همیشه شراب خورد و یا عاق پدر و مادر بوده باشد
یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت نماید و چون شب عید می‌شود از آن شب جوایز میگویند
خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه مبارک رمضان را بحساب و چون بامداد روز عید می‌شود
حقتعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرهای فرستد که بزمین آیند و بر سر کوچه‌ها و بازارها و درها
می‌ایستند و می‌گویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریمیکه عطاهای بزرگ
می‌بخشد و گناهان بزرگ را می‌آمرزد پس چون بمصلی میروند بجهة نماز عید حقتعالی بملائکه می
گوید که ای ملائکه من گواه می‌گیرم شما را که ثواب ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت
شبهای آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا می‌کند مؤمنان
که در این مجمع حاضر شده‌اند که ای بندگان من هر چه خواهید سؤال کنید بعزت و جلال خود
سوگند یاد می‌کنم که در این مجمع شما هر حاجتی که برای آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته
عطا می‌کنم و عیبهای شما را می‌پوشانم تا از من روگردان نشوید و مرتبه‌های شما را مضاعف میدهم
و شما را میان گناهکاران رسوا نمی‌کنم برگردید از مصلی آمرزیده بدرستیکه خوشنود کردید
مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد می‌شوند و یکدیگر را بشارت میدهند و می‌گویند
بانچه حقتعالی بامت محمد عطا کرده و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که
هر که احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هر چند بعدد ستاره‌های آسمان و سنگینی کوهها

در کیفیت تسبیح جمادات

ان من شیء الا یسبح بحمده و میفرماید و
چگونه جمادات تسبیح میگویند و چگونه
بآیات محمد و آل محمد اقرار دارند و چگونه
سجده الهی میکنند که خدا میفرماید و
له یسجد من فی السموات و من فی الارض
و میفرماید الم تر ان الله یسبح له من
فی السموات و من فی الارض و می
فرماید کل قد علم صلوته و تسبیحه
آیا همه موجودات عقل و شعور و
ادراک و معرفت دارند و معصوم
از غیر معصوم تمیز میدهند یا آنکه
تسبیح و معرفت آنها نظری است و
عقل و شعور ندارند و معنای آیه
کریمه فقلنا للسماء و الارض ائتیا
طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین
هرگاه سماء و ارض از ذوی العقول
نباشند چگونه خطاب بآنها صحیح
باشد و چگونه اطاعت میکنند امر
الهی را و حال آنکه اطاعت ظاهر در
اختیار است هر چند مفطور باشند
باطاعت کز مثل ملائکه که فطرت
و جبلت آنها

در اعمال شب قدر

و کیل در دعاها باشد و با اعمال این سه شب دو نوع است اول آنکه مشترکست میان هر سه شب و
باید کرد دوم آنکه مخصوص هر شبی است اما اول از حضرت رسول منقولست که هر که در شب قدر
دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد
از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید از جای خود برنخیزد تا حقتعالی او را
و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستد
بسوی بهشت که درختها برای او غرس نماید و قصرها برای او بنا کند و نهرها برای او جاری گرداند و از دنیا
بیرون نرود تا همه را مشاهده کند و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و غسل این شبها را اول
مغرب کردن بهتر است که نماز شب را با غسل بجا آورد و مستحب است که در این شبها قرآن مجید را بدست
بگیرد و بگشاید و این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل علی نبیک المرسل
و ما فیه و فیه اسمک الاکبر و اسمائک الحسنی و ما یخاف و یرجی ان
تجعلنی من عتقائک من النار و تقضی حوائجی للدنیا و الاخرة پس حاجات خود را
از حقتعالی طلب نماید که انشاء الله برآورده است چنانچه از حضرت امام محمد باقر منقولست و از
حضرت امام جعفر صادق منقولست که مصحف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگو اللهم بحق هذا القرآن
و بحق من ارسلته به و بحق کل مؤمن مدحته فیه و بحقک علیهم فلا احد
اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بگوید یا الله و ده مرتبه بمحمد و ده مرتبه
بعلی و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلی
بن الحسین و ده مرتبه بمحمد بن علی و ده مرتبه بجعفر بن محمد و ده مرتبه
بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده مرتبه بمحمد بن علی و ده مرتبه بعلی
بن محمد و ده مرتبه بالحسن بن علی و ده مرتبه بالحجة القائم صلوات الله علیهم
پس هر حاجت که داری طلب نما و زیارت حضرت امام حسین در هر یک از این سه شب مستحب مؤ

در کیفیت تسبیح جمادات

مفطور است
باطاعت و انقیاد و عبادت
و معرفت ولی از روی اختیار عبادات
حق سبحانه و تعالی را بجای میاورند
و مجبور نیستند و چگونه حصاة
تسبیح میگفت و حال آنکه هرگاه بگوش
صدای تسبیح در او خلق شده بود
تسبیح را با او نتوان داد و چگونه شجر
باامر حضرت رسول نزد آنجناب آمد و
حال آنکه این فعل او دلیل است بر
عقل و شعور و ادراک شجر که رسول را
می‌شناخت و اطاعت میکرد و چگونه
زمین او امر پیغمبران را اطاعت
میکرد و بعضی از گناهکاران را مثل
قارون فرو میبرد و چگونه باد قوم
عاد را هلاک ساخت و مؤمنین
از آن قوم را سلامت بداشت
پس اینها دلیل است بر شعور نباتات
و هم چنین است حالات حیوانات
جواب ... است و هر یک
از موجودات از بنی نوع انسان
... و بهجان و حیوانات
و ...

خصوصاً در شب بیست و سیم و صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد
از حمد ده مرتبه قل هو الله احد می خواند و در بعضی از روایات معتبر وارد شده است که
هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یکمرتبه قل هو الله احد اکتفا می توان کرد و احادیث
بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت غیر از نافلهٔ شب باشد
و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم می تواند کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش
و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن مرده
و زنده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد است آنچه مقدور شود و در بعضی از
روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند و اما دیگر
اعمال مخصوص شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید اَستَغفِرُ اللهَ رَبّي وَ اَتُوبُ اِلَيهِ
و صد مرتبه اللّٰهُمَّ العَن قَتَلَةَ اَمیرِ المُؤمِنینَ ع و این دعا را بخوانند اللّٰهُمَّ اجعَل
فیما تَقضي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الاَمرِ المَحتُومِ وَ فیما تَفرُقُ مِنَ الاَمرِ الحَکیمِ في لَیلَةِ القَدرِ
مِنَ القَضاءِ الَّذي لا یُرَدُّ وَ لا یُبَدَّلُ اَن تَکتُبَني مِن حُجّاجِ بَیتِکَ الحَرامِ المَبرُورِ
حَجُّهُمُ المَشکُورِ ذُنُوبُهُمُ المُکَفَّرِ عَنهُم سَیِّئاتُهُم وَ اجعَل فیما تَقضي وَ تُقَدِّرُ
اَن تُطیلَ عُمري وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ في رِزقي وَ تُقَدِّرَ لي في جَمیعِ اُمُوري ما هُوَ
خَیرٌ لي في دُنیايَ وَ آخِرَتي یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ پس حوائج خود را از حق تعالی طلب
نماید و شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه همه را باید
بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مسجد جامع سنت است و در همه استجابت دعاست
و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت
نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند و در حدیث
معتبر دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر ع این دو شب را احیا می کرد و در نصف اول شب

در احوال مؤلف

هر یک بحسب اقتضاء و جمادات
قابلیت و استعدادی که حضرت
رب الارباب در آنها خلق فرموده قوه
درک و شعور دارند و معرفت دارند
نباتات حکم شعور انسان زیاده از
حیوانات و شعور حیوانات از نباتات
و جمادات زیاده است و هر یک از موجودات
بر حسب معرفت مرتبه قابلیت و
استعداد معرفت دارند و عرفان
ربوبیت و توحید خداوند عالم و
نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت
ائمه مقر و معترف میباشند و
مطیع و منقاد میباشند و از این
جهت خطاب بآنها صحیح میباشد
مؤلف گوید عرض کردم میخواهم
ایمان من کامل شود و قلب
من مطمئن شود فرمودند این مطلب
منوط بتصفیه قلب است و آن به پنج
امر حاصل میشود اول تفکر است در
فناء دنیا و بی اعتباری آن و کثرت
تفکر در موت و عقبات آخرت تا از آن
مرتبه زهد حاصل

بدعا مشغول می شد و در نصف آخر شب مشغول نماز می شد و بسند موثق از حضرت صادق ع
مرویست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه در هر یک صد رکعت نماز بکن
بغیر سیزده رکعت نماز شب و نافله صبح و تا صبح بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا
و تضرع باشی بدرستی که امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه
و هر امری که در آن سال واقع می شود در شب قدر مقدر میگردد و دعای این شب در ضمن
دعاهای دهه آخر مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت
می کند بر اینکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و یکی در آخر شب و حضرت
صادق ع فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر می
گردد و در آن شب مقدر می شود جمیع مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در
آن سال واقع می شود تا شب قدر آینده پس خوشا حال کسیکه احیا کند در آن شب و بیدار باشد
بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل
گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد و آنحضرت
فرمود که حق تعالی امر می کند ملکی را که ندا می کند در هر روز ماه رمضان که بشارت باد شما را
ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب
می گردانم و شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول می گردانم مگر کسیکه افطار کند بر مسکری یا کینه
مؤمنی در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که سوره روم و عنکبوت را
در شب بیست و سیم بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمی کنم در او احدی را و نمی ترسم
که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را در نزد حق تعالی منزلت عظیم هست
و ایضاً از آنحضرت بسند معتبر منقول است که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار
مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص ماست

در تکمیل ایمان

شود دویم مرتبه
یقین و رجا و تسلیم است
که موت و حیوة و فقر و غنی و صحت
و مرض و جمیع حالات نزد تو برابر
و یکسان باشد و امور خود را تفویض
و تقدیر مفوض نمائی و در جمیع احوال
از قضای تقدیر راضی باشی سیم انقطاع
الی الله است و فرار قلبی از ما سوی الله
که در قلب تو سوای عظمت الهی
چیزی خطور نکند چهارم آنکه
مشیت تو تابع مشیت الهی
باشد و از متابعت هوا اجتناب
نمائی و جمیع افعال تو و اقوال تو
تابع صراط مستقیم شریعت باشد
پنجم آنکه اخلاق رذیله را از
حسد و تکبر و حب دنیا و نحو
اینها از خود دور گردانی و در
هر حال مخالفت نفس اماره نمائی
تا آنکه ملکه راسخه برای تو
حاصل شود مؤلف گوید آن شخص
جلیل از نظر من غائب شد و
تاسف بسیاری عارض من
شد پس مدت

در اعمال شب بیست وسیم

از کرامتها در این شب بسبب آنچه در خوابه ببیند و حم دخان انیه سنتست که در این شب بخواند وار حضرت
امام محمد تقی ع منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع در شب بیست وسیم که امید شب
قدر هست و در آن هر امری مقدر می شود مصافحه می کند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر
که همه در این شب رخصت طلبند در زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان و صد رکعت نماز بکند حق
تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان از او کفایت کند و پناه دهد او را از
غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و از شر درندگان و دفع کند
از او هول منکر و نکیر را و چون از قبر بیرون آید او را نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را
و نامه اش را بدست راست او بدهند و بنویسند از برای او برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن
از صراط و ایمنی از عذاب او داخل بهشت شود بحساب و در بهشت او را از رفقای پیغمبران و
صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای این شب از جمله
دعای دهه آخر بخواند و ایضا این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمْرِی وَ اَوْسِعْ لِی فِی
رِزْقِی وَ اَصِحَّ جِسْمِی وَ بَلِّغْنِی اَمَلِی وَ اِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیٰاءِ فَامْحُنِی مِنَ الْاَشْقِیٰاءِ وَ
اُکْتُبْنِی مِنَ السُّعَدٰاءِ فَاِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتٰابِکَ الْمُنْزَلِ عَلٰی نَبِیِّکَ صَلَوٰاتُکَ عَلَیْهِ
وَ اٰلِهِ یَمْحُوا اللّٰهُ مٰا یَشٰاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ اُمُّ الْکِتٰابِ و ایضا بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی
مِنْ اَوْفَرِ عِبٰادِکَ نَصِیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ وَ اَنْتَ مُنْزِلُهُ
مِنْ نُورٍ تَهْدِی بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهٰا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ بَلٰاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ
تَکْشِفُهُ وَ اکْتُبْ لِی مٰا کَتَبْتَ لِاَوْلِیٰائِکَ الصّٰالِحِینَ الَّذِینَ اسْتَوْجَبُوا مِنْکَ
الثَّوٰابَ لِاَوْلِیٰائِکَ الصّٰالِحِینَ الَّذِینَ اسْتَوْجَبُوا مِنْکَ الثَّوٰابَ وَ اَمِنُوا بِرِضٰاکَ
عَنْهُمْ مِنْکَ الْعِقٰابَ یٰا کَرِیمُ یٰا کَرِیمُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِی ذٰلِکَ

بکمال
مشغول بمجاهده و تحصیل
اخلاق و دفع اخلاق رذیله شدم
تا زمانیکه وارد سامره شدم چهار
روز در آنجا مشغول بودم و روز
چهارم بزیارت عسکریین ع مشرف
شدم همان شخص را دیدم نماز میکرد
چون از نماز فارغ شد بجانب مقامی
که سرداب مطهر در آنجا است روانه
شد و با کمال وقار و طمانینه راه
میرفت و من بسرعت راه میرفتم
باو نمیرسیدم تا آنکه وارد سرداب
شد ساعتی ایستاد و صدای او
میشنیدم که مشغول زیارت و
تضرع و زاری بود مطالب چندی
بیان فرمود چون نیک ملاحظه
کردم دیدم آنچه در سرداب بود
هم بتسبیح الهی مشغول هستند
هر یک از آنها را بگوش خود شنیدم
فرمود این است تسبیح ممکنات
که از حقیقت آن سؤال نمودی
هداک و ثبتک علی الصراط المستقیم
واحدی صدای

در اعمال دهه آخر رمضان

برحمتک یا ارحم الراحمین و هر مقدار که ممکن باشد از قرآن بخواند و دعای صحیفه کامله را
بخواند خصوصا دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز حرمت بدارند
و بدعا و تلاوت بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده که روز قدر نیز
در فضیلت مثل شب قدر است و در شب ۲۴ نیز بخصوص غسل سنتست و در شب ۲۵ نیز بخصوص
غسل سنتست و احادیث معتبره در استحباب غسل کردن در آن وارد شده است و منقولست که
خدای عز و جل در این شب نظر می کند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلا را از روزه داران
ماه رمضان پس عطا می کند حق تعالی با ایشان نوری بر دیدها و گوشهای ایشان و در شب ۲۷
نیز بخصوص غسل وارد شده است و منقولست که حضرت امام زین العابدین ع در این شب مکرر این
دعا را می خواندند از اول شب تا آخر شب اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجٰافِیَ عَنْ دٰارِ الْغُرُورِ وَ
الْاِنٰابَةَ اِلٰی دٰارِ الْخُلُودِ وَ الْاِسْتِعْدٰادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ و در شب ۲۹
نیز بخصوص غسل وارد شده است و در شب آخر غسل سنتست و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
سنتست و مادعاهای دهه آخر ماه مبارک رمضان بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که آنحضرت در
هر شب از شبهای دهه آخر این دعا را می خواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتٰابِکَ الْمُنْزَلِ شَهْرُ رَمَضٰانَ
الَّذِی اُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْاٰنُ هُدًی لِلنّٰاسِ وَ بَیِّنٰاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَ الْفُرْقٰانِ فَعَظَّمْتَ
حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضٰانَ بِمٰا اَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْاٰنَ وَ خَصَصْتَهُ بِلَیْلَةِ الْقَدْرِ وَ جَعَلْتَهٰا
خَیْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ وَ هٰذِهِ اَیّٰامُ شَهْرِ رَمَضٰانَ قَدِ انْقَضَتْ وَ لَیٰالِیهِ
قَدْ تَصَرَّمَتْ وَ قَدْ صِرْتُ یٰا اِلٰهِی مِنْهُ اِلٰی مٰا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّی وَ اَحْصٰی لِعَدَدِهِ مِنَ
الْخَلْقِ اَجْمَعِینَ فَاَسْئَلُکَ بِمٰا سَئَلَکَ بِهِ مَلٰائِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ وَ اَنْبِیٰاؤُکَ
الْمُرْسَلُونَ وَ عِبٰادُکَ الصّٰالِحُونَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفُکَّ
رَقَبَتِی مِنَ النّٰارِ وَ تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ وَ اَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِالْاَمْنِ یَوْمَ

تسبیح آنها را میشنود و ممکن
کسیکه تصفیه قلب و تکمیل نفس
نموده باشد و قلب از غواشی ظلمانیه
پاک شده باشد و ...
افتادم و شکر و حمد الهی را بجا آوردم
چون سر از سجده برداشتم آن شخص از
نظر من غائب شد مؤلف گوید
بسوی کربلای معلی مراجعت
کردم و در شب نیمه شعبان تا صبح
در حرم مطهر حضرت سید الشهدا بودم
صلوات الله علیه و آله بدعا و زیارت مشغول
و نماز میکردم چون سحر شد بعد از
زیارت و دعا در سجده تضرع
بسیار بدرگاه الهی نمودم که مسئله
که در علوم دارم حل شود چون سر
از سجده برداشتم همان شخص را
دیدم که مشغول نماز و تضرع بود
چون از نماز فارغ شد نزد وی
رفتم با این جانب فرمود و جمله از علوم
منایا و بلایا را بمن تعلیم فرمود و
فرمود که مدت دوازده سال است
که پیوسته از درگاه

الخوف من كل هول اعددته ليوم القيمة الهى و اعوذ بوجهك الكريم
و بجلالك العظيم ان ينقضى شهر رمضان و لياليه و لك قبلى تبعة
او ذنب تؤاخذنى به او خطيئة تريد ان تقتصها منى لم تغفرها لى
سيدى سيدى اسئلك يا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان كنت
رضيت عنى رضا و ان لم تكن رضيت عنى فمن الان فارض عنى فى هذا
الشهر فازدد عنى يا ارحم الراحمين يا الله يا احد يا صمد يا من لم يلد
و لم يولد و لم يكن له كفوا احد و بسيار مى گفتند يا ملين الحديد لداود
عليه السلام يا كاشف الضر و الكرب العظام عن ايوب عليه السلام
اى مفرج هم يعقوب عليه السلام اى منفس غم يوسف عليه السلام
صل على محمد و ال محمد كما انت اهله و اسئلك ان تصلى عليهم
اجمعين و افعل بى ما انت اهله و لا تفعل بى ما انا اهله و بسند معتبر
از ان حضرت منقولست که باید در هر شب دهه اخر اين دعا بخواند اعوذ بجلال وجهك
الكريم ان ينقضى عنى شهر رمضان او يطلع الفجر من ليلتى هذه و بقى
لك عندى تبعة او ذنب تعذبنى عليه يوم القاك و بسند های معتبر
از حضرت صادق روایت شده است و بر مطالب دنیا و اخرت مشتملست و ثواب عظیم
دارد دعای شب بیست و یکم يا مولج الليل فى النهار و يا مولج النهار فى الليل و
مخرج الحى من الميت و مخرج الميت من الحى يا رازق من يشاء بغير حساب يا الله
يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء
الحسنى و الامثال العليا و الكبرياء و الالاء اسئلك ان تصلى على محمد
و ال محمد و ان تجعل اسمى فى هذه الليلة فى السعداء و روحى مع الشهداء

در احوالات ...

از درگاه الهی مسئلت میکنی که در راه خدا شهید شوی دعای تو مستجاب شده است و اینمعنی در الواح قضائیه و قدریه و در نفوس فلکیه ثبت و ضبط شده است و مشیة الهیه بان تعلق گرفته است عرض کردم قضاء و مشیة حتمیه است یا معلقه فرمود قضاء حتم نیست بلکه احتمال بداء قائم است يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب پس از ان سؤالات دیگر نمودم از ان جمله عرض کردم قضیه حضرت موسی را و عالم دیگر که خداوند عالم جل شانه در قران مجید نقل فرموده که ان عالم گفت بموسی انك لن تستطيع معى صبرا و موسی میفرماید لقد جئت شيئا امرا و مرتبه دیگر میفرماید لقد جئت شيئا نكرا و حال انکه هر دو از جانب خدا حکم میکردند

و احسانى فى عليين و اسائتى مغفورة و ان تهب لى يقينا تباشر به قلبى
و ايمانا يذهب الشك عنى و ترضينى بما قسمت لى يا ارحم الراحمين
و اتنا فى الدنيا حسنة و فى الاخرة حسنة و قنا عذاب النار الحريق
و ارزقنى فيها ذكرك و شكرك و الرغبة اليك و الانابة و التوبة
و التوفيق لما وفقت له محمدا و ال محمد عليه و عليهم السلام دعای شب بیست و دوم
يا سالخ النهار من الليل فاذا هم مظلمون و مجرى الشمس لمستقرها بتقدير
يا عزيز يا عليم و مقدر القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم
يا نور كل نور و يا منتهى كل رغبة و ولى كل نعمة يا الله يا رحمن
يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
و الامثال العليا و الكبرياء و الالاء اسئلك ان تصلى على محمد و ال
محمد و على اهل بيته و ان تجعل اسمى فى هذه الليلة فى السعداء و روحى
مع الشهداء و احسانى فى عليين و اسائتى مغفورة و ان تهب لى يقينا
تباشر به قلبى و ايمانا يذهب الشك عنى و ترضينى بما قسمت لى و اتنا فى
الدنيا حسنة و فى الاخرة حسنة و قنا عذاب النار الحريق و ارزقنى فيها
ذكرك و شكرك و الرغبة اليك و الانابة و التوبة و التوفيق
لما وفقت له محمدا و ال محمد عليه و عليهم السلام دعای شب بیست و سوم يا رب
ليلة القدر و جاعلها خيرا من الف شهر و رب الليل و النهار و الجبال و
البحار و الظلم و الانوار و الارض و السماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله
يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى و
الامثال العليا و الكبرياء و الالاء اسئلك ان تصلى على محمد و ال محمد

در حکایات خضر و موسی

حکم میکردند چگونه با هم اختلاف نمودند چنانکه حضرت موسی بان عالم اعتراض نمود جواب فرمود که حضرت موسی علیه السلام محکوم باحکام ظاهریه بود و ان عالم مامور باطنیه بود و از این جهة بحسب ظاهر موسی در معنی اعتراض نمود که این حکم باحکام ظاهریه نازل شده است خلاف انست و در معنی موسی نسبت خطا بان عالم نداد بلکه مقصود انجناب استفسار از حقیقت و سر معنوی بوده است هر چند موسی پیغمبر اولوا العزم بود ولی جمله از اسرار مخصوص بان عالم بود که موسی بر ان اگاه نبود و مقصود او استعلام و تعلم بود و از جهت ادراك مصلحت تعلم موسی بر ان عالم اعتراض نمود چنانچه اختلاف ان دو ملك که نزد داود امدند بر امر مبنی بر مصالح بود و اختلاف حضرت علیهما السلام

وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاۤءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاۤءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاۤئَتِي مَغْفُورَةً وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاۤءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاۤئَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ (دعای شب بیست و چهارم) يَا فَالِقَ الْاِصْبَاحِ وَيَا جَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَناً وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَاناً يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا اَللّٰهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَكَ الْاَسْمَاۤءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاۤءُ وَالْاٰلَاۤءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاۤءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاۤءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاۤئَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ (دعای شب بیست و پنجم) يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاساً وَالنَّهَارِ مَعَاشاً وَالْاَرْضِ مِهَاداً وَالْجِبَالِ اَوْتَاداً يَا اَللّٰهُ يَا قَاهِرُ يَا اَللّٰهُ يَا جَبَّارُ يَا اَللّٰهُ يَا سَمِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا قَرِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاۤءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاۤءُ وَالْاٰلَاۤءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

در حاشیه:

از وقایع غیر معنی بر مصالح شرعیه بود و حدیث لو علم اباذر ما فی قلب سلمان لکفره محمول بر معنای مذکور است و در نزد اهل سر مثل کمیل و میثم تمار و نحو اینها اسراری بوده است که افشاء نمیکردند و دیگران مکلف بخلاف اینها بودند و این مرحله منافات با اشتراک در تکلیف ندارد بلکه از باب اختلاف در موضوع است چنانچه تکلیف صغیر و بالغ مختلف است و ایجاب بر غیر بالغ مستحب است چنانچه بحسب ظاهر شرع هر کس ادعا کند که در غیبت کبری حضرت قائم عجل الله فرجه را مشاهده کرده و شناخته دروغ گفته است و برحسب معنی و الباطن خدمت انجناب میرسیدند و بدانکه علماء بر سه طایفه اند اول عالم بعلم بالظواهر است دوم عالم باحکام است سیم عالمی است که جامع مرتبتین است و طایفه ثانیه هر گاه بر اسرار طایفه اولی مطلع شوند

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاۤءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاۤءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاۤئَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَاٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ (دعای شب بیست و ششم) يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اٰيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَا اٰيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ اٰيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ وَرِضْوَاناً يَا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلاً يَا اَللّٰهُ يَا مَاجِدُ يَا اَللّٰهُ يَا وَهَّابُ يَا اَللّٰهُ يَا جَوَادُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاۤءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاۤءُ وَالْاٰلَاۤءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاۤءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاۤءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاۤئَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَاٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ (دعای شب بیست و هفتم) يَا مَادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ اِلَيْكَ قَبْضاً يَسِيراً يَا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِيَاۤءِ وَالْاٰلَاۤءِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اَللّٰهُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاۤءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاۤءُ وَالْاٰلَاۤءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

در حاشیه:

بر آنها رد و تخطئه خواهند و طائفه ثالثه هر گاه بر طایفه اولی مطلع شوند انکار خواهند و احکام ظاهریه را از آنها نخواهند و طایفه ثالثه چون بر اسرار و احکام هر دو مطلع است تصدیق تو میکند جمیعا و این طائفه از جمله اولیاء الله میباشند و مرتبه تقوای عما سوی الله و فناء برای آنها حاصل شده است و آنها نظیر شهداء میباشند که حیوة ابدیه معنویه برای آنها حاصل است بل احیاء عند ربهم یرزقون و بعالم امر رسیده اند و مرتبه آنها مانند مرتبه روح است که خدا میفرماید قل الروح من امر ربی و باین مرتبه اشاره شده و حدیث موتوا قبل ان تموتوا اشاره ببعضی از درجات و مراتب اینها است و آیه کریمه و اذ قال الله یا عیسی انی متوفیک و رافعک الی الآیه مقصود از متوفیک دفع و رفع عوائق جسمانیه است که مانع از عروج بعالم سماوی بوده است و مقصود فوت حقیقی نیست بلکه عیسی در حال حیوة باسمان عروج نمود و تحقیق این مطلب بما قریب خواهد آمد

در ادعیهٔ لیالی آخر ماه مبارک

علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء
واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی
وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة
وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک و
شکرک والرغبة الیک والانابة والتوفیق والتوبة لما وفقته
محمداً وآل محمد علیه وعلیهم السلام دعای بیست و هشتم یا خازن اللیل فی
الهواء وخازن النور فی السماء ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما
ان تزولا یا علیم یا عظیم یا غفور یا دائم یا الله یا وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله
یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی
مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر
به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا
حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک
وشکرک والرغبة الیک والرهبة منک والتوبة والانابة والتوفیق
لما وفقت له محمداً وآل محمد علیه وعلیهم السلام دعای بیست و نهم یا مکور
اللیل علی النهار و یا مکور النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا رب الارباب و
سید السادات لا اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله
یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء
اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء
وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی

ختم دیگر

ختم از مجربه نموده اند هر کس
کسی در مدت ده ماه هر روز دو هزار و پانصد مرتبه استغفر
الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم من جمیع ظلمی وجرمی
واسرافی علی نفسی واتوب الیه خلاق عالم جل
شانه مال و علم بسیار باو کرامت فرماید و
حاجات وی بر آورده شود و خداوند جل
شانه اولاد باو کرامت فرماید ختم دیگر که
بعضی از علمای این عصر از تجربه نموده اند هر کس
بعد از تزکیه و تصفیه نفس در مدت چهل شب
در هر شب هزار مرتبه این آیه را بخواند لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین حاجت
او بر آورده شود و هر که از دشمن بترسد در
شب جمعه هزار مرتبه این آیه بخواند خداوند جل
شانه شر دشمنان را از او دفع و رفع فرماید
و شخصی از علما نقل فرموده که این ختم را
مداومت نمودم در شب چهلم هر چه در
منزل بود همه این ذکر را تلاوت مینمود ختم
دیگر هر که بعد از نماز صبح و مغرب صد
مرتبه بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم خلاق عالم جل شانه مهمات او را
کفایت فرماید ختم دیگر که بسیار مجرب است
ختم کلمهٔ لا اله...

در ادعیهٔ لیالی آخر ماه

یقیناً تباشر به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی
الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها
ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما
وفقت له محمداً وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم دعای سیم الحمد لله لا شریک
له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله وکما هو اهله یا قدوس یا
نور یا نور القدس یا سبوح یا منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا
علیم یا کبیر یا الله یا لطیف یا جلیل یا الله یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله
یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی
مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر
به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة
وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک و
شکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له
محمداً وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم اجمعین واما وداع ماه رمضان سنت مؤکد است
از برای آنکه روزه و عبادات این ماه بر ما گران و صعب نبود و ما خواهان آن بودیم و از مفارقت
آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فواید آن را در دنیا و عقبی دانسته است
عاشق عبادت و بنده کی میباشد پس باید این ماه وافر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیزی
از اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند و معلوم است غلامی که از خدمت آقای خود
شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت او دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترک خدمت
کند و بان راضی نباشد و دعاها وداع را نیز در شب آخر سنت خواندن و اگر در روز آخر

کرد دعا
بعد چله کبیر بخواند و برای شرح صدر
و کامل شدن مراتب توحید و اعتقاد
و کامل شدن معارف و اعتقاد
الا الله و کلمه دارد و قف باید غالباً قلب
فائده کلیه دارد مشغول باشد و از امور که
او بذکر خدا مشغول باشد اجتناب کند
باعث غفلت است اجتناب کند
با این نحو مواظبت نماید اثر تام حکمت
و علم بر قلب او میشود و زبان او بحکمت
جاری میشود ولی باید اول مجاهده
نماید که از حب دنیا و اخلاق رذیله
قلب او پاک شده باشد و در تنگ
هیچ معصیتی نشود و در اربعین
سیم و چهارم ترقی کلی برای او حاصل
میشود ختم دیگر بعضی از علمای
نجف اشرف نقل فرموده که مرحوم
آخوند ملا زین العابدین گلپایگانی
ره در زمانیکه در نجف اشرف بود
بسیار معیشت بر او تنگ بود تا
آنکه در یکی از لیالی بحضرت مولای متقیان
استغاثه نمودند در عالم واقعه
اشاره شد بایشان که حضرت امام رضا
متکفل احوال غربا

در وداع ماه مبارک رمضان

بز بخوانند خوب و در حدیث که اگر آخر ماه سی باشد دو شب احتیاط است که بخوانند و دعائی که

منسوب است در بحرین المهاد علی صحیفه کامله است و بسند های معتبر ازحضرت امام جعفر

صادق ع این دعای وداع منقول است بسم الله الرحمن الرحيم اللّهم انّك قلت في كتابك

المنزل على لسان نبيك المرسل صلواتك عليه و آله وقولك الحق شهر رمضان

الذي انزل فيه القران هدىً للناس وبينات من الهدى والفرقان و هذا

شهر رمضان قد تصرّم وانقضت ايامه ولياليه فاسئلك بوجهك الكريم

وكلماتك التامة ان كان بقي علىّ ذنب لم تغفره لي او تريد ان تعذبني

عليه او تقايسني به ان يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم هذا الشهر الّا

وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين اللّهم لك الحمد بمحامدك كلّها اوّلها

وآخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك الخلائق الحامدون المجتهدون

المعدّدون الموثرون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء

حقك من اصناف خلقك من الملئكة المقربين والنبيين والمرسلين

واصناف الناطقين المستجيبين لك من جميع العالمين على انك بلغتنا شهر

رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل قسمك واحسانك وتظاهر

امتنانك لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد المخلد السرمد

الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه

وقيامه من صلوة وما كان منا فيه من برٍّ او شكر او ذكر اللّهم

فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك

وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء

موهوب وتؤمننا من كل امر مرهوب وذنب مكسوب اللّهم انّي اسئلك

هستند که باید با ایشان التجا نماید و استغاثه با نحضرت نمودند انحضرت در عالم رؤیا فرموده بودند هر روز صبح در تعقیب نماز یکصد و ده مرتبه این دعا را بخواند و دعا اینست اللّهم اغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن سواك مرحوم اخوند ده چند روز این دعا مداومت نمود در وزی برای ایشان حاصل شد ختم دیگر در تحفه از مؤلفات مرحوم سید مهدی بحر العلوم نجفی اعلی الله مقامه بخط مرحوم دیدم که نوشته بودند مدت چندین سال بود که از درگاه الهی مسئلت نموده بودند یکی آنکه واقعه کربلا را در عالم رؤیا مشاهده نمایند و دیگر آنکه در بیداری خدمت ذی سعادت حضرت قائم عجل الله فرجه مشرف شوند و دیگر آنکه حضرت رسول صلی الله علیه در خواب ببینند با این سبب مشغول این ختم شدند و مطلوب رسیدند

دعای وداع ماه مبارک رمضان

بعظيم ما سئلك احد من خلقك من كريم اسمائك وجزيل ثنائك وخاصة

دعائك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر

رمضان مرّ علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص

نفسي وقضاء حاجتي وتشفعني في مسائلي وتمام النعمة علىّ وصرف السوء

عنّي ولباس العافية لي وان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر

وجعلتها له خيراً من الف شهر في اعظم الاجر وكريم الذخر وطول

العمر وحسن الشكر ودوام اليسر اللّهم واسئلك برحمتك وطولك

وعفوك ونعمائك وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله

آخر العهد منا لشهر رمضان حتى تبلغناه من قابل الى احسن حال وتعرّفني

هلاله مع الناظرين اليه والمعترفين له في اعفى عافيتك واتمّ نعمتك و

اوسع رحمتك واجزل قسمك اللّهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون

هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من قابل

في اسبغ النعم وافضل الرخاء وانا لك على احسن الوفاء انك سميع الدعاء

اللّهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي لك وتوكلي

عليك وانا لك مسلّم لا ارجو نجاحاً ولا معافاتاً ولا تشريفاً ولا تبليغاً الّا

بك ومنك فامنن علىّ جل ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر

رمضان وانا معافاً من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد

لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا آخر ليلة منه

اللّهم انّي اسئلك باحبّ ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد

صلى الله عليه وآله ان تصلي على محمد وآل محمد ولا تجعل وداعي شهر رمضان

وکیفیت آن آنست که در مدت چهل روز در روز از بعد از نماز شب از ماه شعبان هر روز یکصد و ده مرتبه اسماء الحسنی را بخواند و قبل از خوابیدن چهار ده مرتبه این دعا را بخواند و باید با وضو بخواند و در سحرها مشغول دعا و تهجد و تضرع و زاری باشد و آداب عامه ختوم را که قلت اکل و خواب و کلام و معاشرت باشد مراعات کند و پیوسته بذکر خدا مشغول باشد و باید قبل از آن قلب را از اخلاق رذیله تصفیه نموده باشد و حب دنیا را از قلب خود اخراج نموده باشد مرحوم سید ده نوشته که در مسجد کوفه مشغول این ختم شدم واقعه کربلا را بعین دیدم در یک طرف مشاهده کردم حضرت امام ع با جمعی و ریش خون آلود سوار ایستاده و از یکطرف صدای العطش اطفال از خیمه گاه بگوش

باب ۵ وداع رمضان

وداع خروجي من الدنيا ولا وداع اخر عبادتك فيه ولا اخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا باري يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات والارض لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وال محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي وان تؤتيني في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وان تعتق رقبتي من النار يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك ولم يسئل العباد مثلك جودا وكرما وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك انت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسئلك باعظم المسائل كلها وافضلها وانجحها التي ينبغي للعباد ان يسئلوك بها يا الله يا رحمن وباسمائك ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا وبنعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك واحبها اليك واشرفها عندك

منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها منك ثوابا واسرعها لديك اجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الاكبر الاجل الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له دعائه وحق عليك ان لا تخيب سائلك واسئلك بكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم هو لك في التورية والزبور والفرقان وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكة سمواتك وجميع الاصناف من خلقك من نبي او صديق او شهيد وبحق الراغبين اليك القريبين منك المتعوذين بك وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك وبحق كل عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفا بائسا فقيرا مستجيرا بك اسئلك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك وبملكك وبهائك وجودك وكرمك وبالائك وحسنك وجمالك وبقوتك على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبر المتعال واسئلك بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي تملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد

وآل محمد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع عليّ من فضلك العظيم و
تقبّل منّي شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر
لي وارحمني واعف عنّي ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك
وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم
اوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك افضل ما
اعطيت احداً من عبادك فيه اللهم لا تجعلني اخسر من سألك فيه و
اجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدّم من ذنبه
وما تأخّر واوجبت له افضل ما رجاك وامّل منك يا ارحم الراحمين
اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممن
كتبته في هذا الشهر من حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم المغفور لهم
ذنبهم المتقبّل عملهم آمين آمين رب العالمين اللهم لا تدع
لي فيه ذنباً الا غفرته ولا خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها
ولا ديناً الا قضيته ولا عيلة الا اغنيتها ولا همّاً الا فرّجته ولا فاقة
الا سددتها ولا عرياناً الا كسوته ولا مريضاً الا شفيته ولا داءً الا اذهبته
ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل املي ورجائي
فيك يا ارحم الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا تضلّنا
بعد اذ هديتنا ولا تذلّنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا
ولا تهنّا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ
اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا ولا تغيّر شيئاً من نعمك علينا
واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن منّا فانّ في كرمك

درجات ... آنکه صفات تو ... علامت و منافع میشود صعود بدرجات کامله ایمانیه چون او را کشتی چون و را قطع نمودی فایز میشوی بمقامات عالیه و درجات رفیعه که مقام قرب و رضوان است که ناشی میشود از درجه رضا و تسلیم که اینها حاصل میشود از مرتبه یقین چنانچه مرتبه زهد بلکه جمیع مراتب زهد بلکه جمیع مراتب اخلاق حمیده ناشی و حاصل است از مرتبه یقین پس هرچه یقین تو زیادتر است کمالات اخلاق تو بیشتر میباشد و عمده اخلاق رذیله و صفات مذمومه از ضعف مرتبه یقین ناشی میشود چنانچه کلمه آمنوا در آیه کریمه یا ایها الذین آمنوا آمنوا امر است و مقصود لزوم تحصیل یقین کامل است و بدانکه علامت یقین کامل توکل و انقطاع و تقوای عما سوی الله و رضا و تسلیم و محبت است و علامت محبت الله متابعت و تاسی بحضرت رسول صلی الله علیه وآله

وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنّا ولا تعاقبنا
عليها يا ارحم الراحمين اللهم فاكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهنّي
بعدها ابداً واعزّني عزّاً لا تذلّني بعده ابداً وعافني عافية لا تبتليني
بعدها ابداً وارفعني رفعة لا تضعني بعدها ابداً واصرف عنّي شرّ كلّ
شيطان مريد وشرّ كلّ جبّار عنيد وشرّ كلّ قريب او بعيد وشرّ كلّ
صغير او كبير وشرّ كلّ دابّة انت آخذ بناصيتها انّ ربّي على صراط
مستقيم اللهم ما كان في قلبي من شكّ او ريبة او جحود او قنوط او
فرح او مرح او بطر او بذخ او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او
نفاق او كفر او فسوق او معصية او شيء لا تحبّ عليه وليّاً لك
فاسئلك ان تصلّي على محمد وآل محمد وان تمحوه من قلبي وتبدّل لي
مكانه ايماناً بوعدك ورضاً بقضائك ووفاءً بعهدك ووجلاً منك
وزهداً في الدنيا ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمأنينة اليك و
توبة نصوحاً اليك اللهم ان كنت بلّغتناه والّا فأخّر عنّا آجالنا الى قابل
حتى تبلّغناه في يسر منك وعافية يا ارحم الراحمين وصلّى الله على محمد
وآله كثيراً ورحمة الله وبركاته عليهم و در جمعه آخر نیز وداع جمعه خوبست
از جابر بن عبد الله انصاری منقولست که گفت رفتم خدمت حضرت رسول در جمعه
آخر رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعه ایست از ماه مبارک رمضان
پس او را وداع کن و بگو اللهم لا تجعله آخر العهد من صيامنا اياه فان جعلته
فاجعلني مرحوماً ولا تجعلني محروماً پس هر که این دعا را در این روز بخواند بیکی
از دو خصلت نیکو ظفر می یابد یا برسیدن بماه رمضان آینده یا بآمرزش خدا و رحمت او

علامت محبت خدا

میباشد که خدا میفرماید قل ان کنتم تحبون الله فاتبعوني یحببکم الله و کثرت ذکر الهی باعث زیاد شدن محبت و وصول بدرجات عالیه میشود چنانچه آیه کریمه و اذکروني اذکرکم اشاره باین مطلب است و باین مطلب ... و محبت محمد سبب محبت الهی میشود چنانچه خدا میفرماید یحبهم و یحبونه و رضا سبب رضای الهی میشود چنانچه خدا میفرماید رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك هو الفوز العظیم و علامت دیگر یقین آنستکه خوف و امید وار باو و بدرگاه الهی کامل میگردد و از این جهت است که خوف الهی از برای اولیاء زیاده از خوف دیگران است و علامت دیگر آنستکه عبادت آنها از جهت خوف از عذاب و وصول بدرجات جنت نیست بلکه از جهت محبت و قرب است یا از جهت آنستکه خدا را اهل و سزاوار معبودیت میدانند چنانچه حضرت امیر المؤمنین ع بدرگاه الهی عرض میکند الهی ما عبدتك

در آداب ماه مبارک رمضان

و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که در هر شب آخر باید این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ إِلَّا وَ قَدْ غَفَرْتَ لِي حق تعالی پیش از صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابه روزی کند و ایضا منقولست که این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ وَ أَرْضَىٰ مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْ وَدَاعَ شَهْرِي هٰذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَ لَا وَدَاعَ آخِرِ عِبَادَتِكَ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ اجْعَلْهَا لِي خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَعَ مُضَاعَفَةِ الْأَجْرِ وَ الْإِجَابَةِ وَ الْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ و از جمله چیزهائیکه سنتست در شب آخر آزاد کردن بنده هاست زیرا که شبی است که حق تعالی بنده بسیار از آتش جهنم آزاد میکرداند هرگاه بنده ضعیفی فرمایه از بنده کان را از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی‌زوال با آن وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد کرداند و نام او را از جرایدِ عاصیان محو نماید چنانچه منقولست که حضرت امام زین العابدین بنده هائی که در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه مبارک رمضان آزاد می نمود و میفرمود شما را آزاد کردم با امید خداوند رحیم از تقصیر من درگذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد کرداند و چون روز عید می شد جایزه‌های عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی‌نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد می کند از آنها که مستوجب جهنم شده اند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد می کند و آن حضرت هیچ غلام و کنیز را زیاده از یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز بنده‌گان خود را آزاد می فرمود و سنتست که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخوانند و صد مرتبه بگویند أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ باب نهم در اعمال شب عید فطر و روز او و شب عید قربان از جمله اعمال مذکوره است

خود من ... تا از ... طمعا ... فی جنتک بل وجدتک اهلا للعبادة فعبدتک و علامت دیگر آنستکه همیشه معترف بتقصیر میباشند و بگناه معترف میباشند چنانچه معصومین با وجود اینکه معصوم بودند و در هیچ زمانی و حالی گناه نکرده بودند بدرگاه حضرت الٰه اقرار بگناه میکردند و استغفار می نمودند و حدیث حسنات الابرار سیئات المقربین اشاره باین مطلب است زیرا که ائمه بعضی از حالات ایشان حالات ابرار بود و آن حالاتی بود که مشغول بلوازم بشریت بودند و باقی حالات ایشان حالات مقربین بود که مشغول بودند بتوجه و ذکر و عبادت و حالت اولی باضافه مرتبه ثانیه ثابتست و از این جهتست که در حال مناجات چون متذکر حالت اولی میشدند اعتراف بگناه ... و استغفار میکردند حاصل آنکه چون هر عبادت ...

در آداب شب عید فطر

و شبش از جمله لیالی شریفه است در فضیلت و ثواب عبادت و احیا آن احادیث بسیار است از حضرت رسول منقولست که هرکه احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین شب عید را احیا می کرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد میماند و میگفت که ای فرزند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنتست و شخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم میگویند آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد در ماه رمضان در شب قدر حضرت فرمود که کارکر مزد شرا نمی دهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن شب عید است راوی گفت چه کار سزاوار است در آن شب بکنم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل کن و چون فریضه مغرب و نافله را از آنجا اوری دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرَهُ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ پس بسجده برو و صد مرتبه در سجده بگو أَتُوبُ إِلَى اللّٰهِ پس هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که بر آورده است و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که در شب عید فطر دو رکعت نماز می کردند و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله احد می خواندند و در رکعت دوم یکمرتبه می خواندند و بعد از سلام بسجده می رفتند و صد مرتبه می گفتند أَتُوبُ إِلَى اللّٰهِ پس میگفتند يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ يَا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند پس سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند بحق آن خداوندیکه جانم بید قدرت اوست هرکه این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی طلبد البته او را عطا فرماید و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز سنتست که این دعا را بخوانند يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللّٰهُ يَا مَلِكُ يَا اللّٰهُ يَا قُدُّوسُ يَا اللّٰهُ يَا سَلَامُ يَا اللّٰهُ يَا مُؤْمِنُ يَا اللّٰهُ يَا مُهَيْمِنُ يَا اللّٰهُ يَا عَزِيزُ

علامات یقین

که بتمامیا و زند ... همه را از جانب خدا میدانستند و وجود خود را عین فقر و احتیاج میدانستند لهذا اطاعت و ذلت میداشتند که باعث مزید یقین ایشان بود و باعث اقرار و از کناهان استغفار میکردند و دیگر از علامات یقین تقوای از ما سوی الله است کل شیء هالک الا وجهه ما عندکم ینفد و ما عند الله باق و نیز از علامات یقین ورع و اجتهاد در عبادت و صبر است و صبر از برای ایمان بمنزله راس است از برای جسد و بدانکه در بهشت مقامات و درجاتی است که مختص است بصابران و مراتب یقین مختلف است چنانچه در حق حضرت عیسی منقولست که کان یمشی علی الماء و فرمودند لو ازداد یقینه لمشی علی الهواء و لطافت عیسی عن ... علی ... که مرتبه یقین حضرت خاتم الانبیاء اکمل و اشد بود با وجود اینکه ... بود و عبادات ...

باب دعای شب عید فطر

یا اللّٰه یا جبّار یا اللّٰه یا متکبّر یا اللّٰه یا خالق یا اللّٰه یا باری یا اللّٰه یا مصوّر
یا اللّٰه یا عالم یا اللّٰه یا عظیم یا اللّٰه یا علیم یا اللّٰه یا کریم یا اللّٰه یا حلیم یا اللّٰه
یا حکیم یا اللّٰه یا سمیع یا اللّٰه یا بصیر یا اللّٰه یا قریب یا اللّٰه یا مجیب یا اللّٰه
یا جواد یا اللّٰه یا واحد یا اللّٰه یا ولیّ یا اللّٰه یا وفیّ یا اللّٰه یا مولی یا اللّٰه یا قاضی
یا اللّٰه یا سریع یا اللّٰه یا شدید یا اللّٰه یا رؤف یا اللّٰه یا رقیب یا اللّٰه یا مجیب
یا اللّٰه یا جواد یا اللّٰه یا ماجد یا اللّٰه یا علیّ یا اللّٰه یا حفیظ یا اللّٰه یا محیط یا اللّٰه
یا سیّد السادات یا اللّٰه یا اوّل یا اللّٰه یا آخر یا اللّٰه یا ظاهر یا اللّٰه یا باطن یا اللّٰه
یا فاخر یا اللّٰه یا قاهر یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا
ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ودود یا اللّٰه یا نور یا اللّٰه یا دافع یا اللّٰه
یا مانع یا اللّٰه یا فاتح یا اللّٰه یا نفّاع یا اللّٰه یا جلیل یا اللّٰه یا جمیل یا اللّٰه یا شهید
یا اللّٰه یا شاهد یا اللّٰه یا حبیب یا اللّٰه یا فاطر یا اللّٰه یا مطهّر یا اللّٰه یا مالک یا
اللّٰه یا مقتدر یا اللّٰه یا قابض یا اللّٰه یا باسط یا اللّٰه یا محیی یا اللّٰه یا ممیت یا اللّٰه
یا مجیب یا اللّٰه یا باعث یا اللّٰه یا معطی یا اللّٰه یا مفضل یا اللّٰه یا منعم یا اللّٰه یا
حقّ یا اللّٰه یا مبین یا اللّٰه یا طیّب یا اللّٰه یا محسن یا اللّٰه یا مبدئ یا اللّٰه یا معید
یا اللّٰه یا بارئ یا اللّٰه یا بدیع یا اللّٰه یا هادی یا اللّٰه یا کافی یا اللّٰه یا شافی یا اللّٰه
یا علیّ یا اللّٰه یا حنّان یا اللّٰه یا منّان یا اللّٰه یا ذا الطّول یا اللّٰه یا متعالی یا اللّٰه
یا عدل یا اللّٰه یا ذا المعارج یا اللّٰه یا صادق یا اللّٰه یا دیّان یا اللّٰه یا باقی یا اللّٰه
یا ذا الجلال یا اللّٰه یا ذا الاکرام یا اللّٰه یا معبود یا اللّٰه یا محمود یا اللّٰه یا
صانع یا اللّٰه یا معین یا اللّٰه یا مکوّن یا اللّٰه یا فعّال یا اللّٰه یا لطیف یا اللّٰه یا
جلیل یا اللّٰه یا غفور یا اللّٰه یا شکور یا اللّٰه یا نور یا اللّٰه یا حنّان یا اللّٰه

علامات یقین

حضرت عیسی کثرت عبادات و طاعات و مقامات حضرت خاتم الانبیاء بود حضرت عیسی با وجود آنکه متصف بود بمقامات فیه معصومیت و عصمت مرتبه آنجناب تخلّف داشت از مرتبه حضرت سیّد الانبیاء صلعم و تخلّف آنجناب بقدر زیادتی فضیلت محمد صلی اللّٰه علیه و آله از او بود و معلوم است که حضرت خاتم الانبیاء صلی اللّٰه علیه و آله باید افضل از پیغمبران باشد که دین او ناسخ جمیع ادیان باشد غرض آنکه هر پیغمبری مظهر اسمی از اسماء الهیه میباشند و حضرت عیسی مظهر اسامی رحمت بود و مظهر اسامی غضبیه مثل جبّار و منتقم نبود و حضرت محمد صلی اللّٰه علیه و آله مظهر اسماء اللّٰه بودند و آن جامع جمیع اسماء جمال و جلال و غضب و رحمت بودند و البتّه مقام جمع الجمع اکمل و اشرف است از مقام اوّل و هرگاه مقام حضرت عیسی تخلّف نداشت

در اعمال شب عید

یا قدیر یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه
یا ربّاه یا اللّٰه یا ربّاه یا اللّٰه یا اللّٰه اسئلک ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و تمنّ
علیّ برضاک و تعفو عنّی بحلمک و توسّع علیّ من رزقک الحلال الطّیّب من
حیث احتسب و من حیث لا احتسب فانّی عبدک لیس لی احد سواک و لا
احد اسئله غیرک یا ارحم الرّاحمین ما شاء اللّٰه لا حول و لا قوّة الّا باللّٰه
العلیّ العظیم پس سجده میروی و میگوئی یا اللّٰه یا اللّٰه یا ربّ یا اللّٰه یا
ربّ یا اللّٰه یا ربّ یا اللّٰه یا منزل البرکات بک تنزّل کلّ اسئلک بکلّ
اسم فی مخزون الغیب عندک و الاسماء المشهورات عندک المکتوبة
علی سرادق عرشک ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان تقبل منّی شهر
رمضان و تکتبنی من الوافدین الی بیتک الحرام و تصفح لی عن الذّنوب
العظام و تستخرج یا ربّ کنوزک یا رحمن و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه
قل هو اللّٰه نیز صد مرتبه وارد شده است و ایضا سنّت مؤکّدات که بعد از نماز شام
و خفتن و صبح عید و نماز عید این تکبیرات بگوید اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر لا اله الّا
اللّٰه و اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر و للّٰه الحمد اللّٰه اکبر علی ما هدانا ... در
اعمال روز عید پس زکوة فطر واجب مؤکّدات و ترکش با تحقّق شرایط موجب گناه کبیره است
و شرط قبول روزه ماه مبارک رمضان است چنانچه از حضرت صادق ع منقول است که از تمامی
روزه دادن زکوة است یعنی چنانچه صلوة بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است پس اگر کسی روزه
بدارد و زکوة فطر ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمدا ترک کند و اگر صلوات بر
محمد و آل او را عمدا ترک کند در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا ذکر کرده زکوة را پیشتر از
نماز در اینجا که فرموده قد افلح من تزکّی و ذکر اسم ربّه فصلّی یعنی بتحقیق که رستگاری یافت

در ختم و تجربه

استقامات مقامات و افضلیّت و مقامات حضرت ختمیّت و تخلّف حضرت مرا نیز خاتم میبود دلیلش تخلّف آنجناب و عدم ختمیّت عیسی ع دلیل است بر عدم آن جهت است که تمتّع میدانیم و از این جهت افضل از محمد ص خلقی برخلاف عالم انیکه افضل پیغمبران خلق کند زیرا که افضل پیغمبران باشد و خاتم با اوّل مخلوقات باشد و ختمی ... و این صفت منحصر است پیغمبران و این صفت ممتنع است که با آنجناب و بعد از آنجناب ممتنع است که دیگری متصف باین صفت باشد و قدرت خدا بر ممتنع تعلّق نمیگیرد در

ختم دیگر آنستکه هرگاه کسی در شب بیست و سیم شهر رمضان المبارک هزار مرتبه با حضور قلب سوره مبارکه انّا انزلناه را تلاوت کند پس صبح میکند با یقین کامل با اعتراف با آنچه مخصوص باهل بیت علیهم السّلام است بسبب آنچه در خواب ببیند مؤلف گوید حقیر چند مرتبه تجربه کردم تا آنکه اثری بظهور نرسید ... مشرف

هر که زکوة فطره را داد و پروردگار خود را یاد کرد بزبان تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را
بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال می شود و مال از تلف محفوظ می ماند
چنانچه منقولست که هیچ مال در صحرا و دریا تلف نمی شود مگر بندادن زکوة و همچنین فطره
زکوة بدنست و بدن را پاکیزه می گرداند از بخل و سایر آفات معنویه و او را تا سال دیگر
از بلاها حفظ می کند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق ع با معتب وکیل خرج خود
فرمود که برو و فطره جمیع غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن که زکوة او را ندهی
زیرا اگر یکی را ترک کنی می ترسم که در عرض سال بمیرد و واجبست زکوة فطره بشرط بلوغ
و عقل و عدم اغماء و آزاد بودن و غنی بودن و اخیر شرط وجوبست نه صحت بخلاف آنها از
سایر شروط که شرط وجوب و صحتست چنانچه اسلام شرط صحتست نه وجوب و غنی بودن
متحقق میشود بمالک بودن اخراجات سال خود و عیال خود هر چند بالفعل مالک نباشد بلکه
صنعتی داشته باشد که اخراجات سال از آن بعمل آید و مستحبست که هرگاه مقدار زکوة را مالک
باشد زیاده از قوت یکشبانه روز خود ترک نکند و در صورتیکه [illegible] از یکنفر باشند
و یکنفر زکوة بیشتر نداشته باشد باین نحو کند که برای خود بدهد اول ببعض از عیال و هر یک
از ایشان بدیگری بدهد و آخر از همه می تواند بیکی از ایشان بدهد یا بغیر ایشان و این سنتست و این
در وقتی است که عیال او تمام مکلف باشند و هرگاه کافر اسلام اختیار کند در شب عید زکوة از او
ساقطست و هرگاه پیش از دخول شب عید باشد واجبست دادن و همچنین است حکم طفل هرگاه
بالغ شود یا دیوانه عاقل بشود یا فقیر غنی شود و یا مولودی از برای او متولد شود و معتبرست
در آن نیت و کفایت می کند در آن قربت و تعیین اگر معین نباشد و علاوه نمودن وجوب
احوطست و واجبست دادن زکوة از برای خود و هرگاه عیال او باشد باختیار نه باکراه چه واجب
النفقه او باشد یا نباشد بالغ باشد یا نابالغ باشد بنده باشد یا آزاد مسلمان باشد یا کافر و همچنین

مشروع
شد و مکرر مواظبت آداب
شرعیه شد و مجاهده بسیار در تحصیل
اخلاق شرعیه و دفع اخلاق رذیله
و اجتناب از شهوات نفسانیه نمودم آثار
بسیار بظهور رسید و مرحوم سید
بحر العلوم علیه الرحمه در بعضی از
مؤلفات خود نوشته است که در شب
بیست و سیم شهر رمضان هزار مرتبه
این سوره را تلاوت کردم بعد از فراغ
وارد حرم شدم و پس از حرم و زیارت
و نماز شب در سجده گریه بسیار کردم
در میانه خواب و بیداری یا در
عالم دیگر یا حضرت امام زین العابدین ع
را مشاهده کردم که در مقابل ضریح
پا کرده بتنها ایستاده بودند و مشغول
تضرع و زاری بودند و بدرگاه
الهی مناجات میفرمودند و عرض
کردند الهی بحق امشب که شب قدر است
رحمت خود را بر شیعیان امیر
المؤمنین و بر گریه کنندگان بر حسین
نازل گردان و ایشان را بیامرز و بعد
از آن با صوت حزین

تمام و کفایت می کند حصول آن در آخر جزء از ماه رمضان بحیثیتی که هلال شوال ظاهر شود و صدق
اسم مهمان بر او بکند عرفا هر چند غذا را نخورده باشد و احتیاطا مهمان نیز اگر غنی باشد
بدهد مگر آنکه صدق عیلوله حاصل شود که احتیاط ندارد و زنیکه چیز دار باشد و شوهر
فقیر باشد و خرج زن را بمشقت متوجه باشد احوط آنست که زن زکوة خود را بدهد هر چند
سقوط از هر دو قوت بسیار دارد مگر در صورتیکه شوهر نتواند زکوة او را داد هر چند بقرض و
مثل آن باشد که بر این تقدیر واجبست بر زن که زکوة خود را بدهد چنانچه اگر خرج او با خودش
باشد واجبست زکوة خود را بدهد و اگر خرج او با غیر شوهر باشد زکوة او با منفق است و
همچنین حکم غیر زن از آنها که واجب النفقه اند شخص را از قبیل پدر و پسر و هرگاه خرج آنها با خود
ایشان باشد یا عیال غیر کسی باشد که نفقه ایشان بر آن واجبست جنس او منحصرست در قوت غالب
انسان از گندم و جو و خرما و مویز و کشک و عدس و خرما و نخود و غیر آن و احوط اقتصار است بر
غلات اربع و افضل بیرون کردن زکوة است از خرما و مویز و قوت غالب بلد و بعضی فضیلت را
مرتب داشته اند بهمین ترتیب و مراعات آن خوبست و اگر برای فقیر چیزی از این اجناس انفع
باشد سنت اختیار آن و اولی آنست که قیمت را از نقره بدهد و جایز است از برای کسیکه با یک
چند نفر زکوة بدهد هر یک را از جنسی بدهد و در قیمت رجوع بنرخ بازار است و قدریکه
باید داده شود از برای هر نفری یکصاعست از جمیع اجناس و مقدار صاع ششصد و چهارده
مثقال و ربع مثقال صیرفی است و آن نه من و نیم شاه الا بیست و پنج مثقال صیرفی و سه ربع
و واجب می شود زکوة فطره بغروب کردن آفتاب در روز آخر رمضان و اولی جدا کردن
زکوة است در شب و احوط و افضل بیرون انداختن زکوة است پیش از نماز عید و جایزست بیرون انداختن
از نماز عید چه اول وقت نماز کند چه آخر وقت و از آخر زکوة فطرست و اگر بیرون انداخته بدون
جدا نمودن احوط آنست که بدهد بقصد قربت و قصد نماید که اگر وقت باقی است ادا و اگر باقی نیست

ذکر
مکرر این ذکر را
میخواندند لا اله الا انت و [illegible]
و هر چه در رواق و ضریح بود هم با آنحضرت
در این ذکر موافقت و متابعت می
کردند مرحوم بحر العلوم نوشته است که
تعجب داشتم که از آنحضرت سؤال کنم که
جمادات چگونه در ذکر الهی با شما
موافقت دارند آنحضرت ملتفت شده
و فرمودند خداوند جل شانه عرض
داشته است توحید و نبوت و ولایت
ما اهل بیت را بر جمیع ممکنات و همه
ما را می شناسند و مطیع و منقاد
ما می باشند و اطاعت ما بر جمیع
ممکنات حتم است و همه جمادات
بتسبیح و تهلیل الهی مشغول هستند
ولی اکثر خلایق تسبیح آنها را نمی
فهمند بعد از آن فرمودند هیچ
نطفه منعقد نمیشود مگر باذن امام و هیچ
احدی نمیمیرد مگر باذن امام و هیچ
برگی از درخت ساقط نمیشود مگر
باذن امام ما ائمه ابواب فیوضات
ربانیه و مفاتیح استفاضه و
ما ائمه قسیم جنت

در اداب فطره

قضا و اکر نه تصدق باشد و اکر تعیین مقدار زکوة کسی نماید باینکه جدا کند از از مال خود و اخبیت رسانیدن چه وقت زکوة بکذرد یا نکذرد و اکر ممکن نباشد رسانیدن بفقیر بسبب عذری یا منتظر فقیر باشد تاخیر ضرر ندارد و مصرف زکوة فطره مصرف زکوة مالست و اولی انست که از اد رغیر مصرف فقرا صرف ننمایند و جایز نیست که بهر فقیری کمتر از زکوة یک نفر بدهند مکر در صورتیکه جمع شوند فقرا انقدر که بهر فقیر یکسر فطره نرسد که جایز است کمتر دادن و جایز است که بیکنفر انقدر بدهند که غنی شود و اولی انست که اکر کسی اقارب فقیر داشته باشد بایشان بدهد و همسایه را مقدم بدارد بر غیر اقارب و اهل علم او فضل را بعد از ایشان بر غیر ایشان مقدم بدارد و اولی انست که نزد فقیه جامع شرایط فتوی که مامون باشد ببرند و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار نمایند و سنت است که بر خرما افطار نمایند و غسل روز عید سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر اسمان مکن و پیش از غسل بکو اَللّٰهُمَّ اِیمَاناً بِکَ وَتَصْدِیقاً بِکِتَابِکَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ پس بسم الله بکو و غسل بکن و چون از غسل فارغ شوی بکو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ کَفَّارَةً لِذُنُوبِی وَطَهِّرْ دِینِی اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الدَّنَسَ و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عید سنت مؤکد است و ثواب بسیار در ان وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام واجبست و در زمان غیبت امام اکثر علما سنت می دانند و بجماعت کردن اشت دانند و تنها نیز میتوان کرد و نماز عید دو رکعتست و در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میکوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میکوید و چهار قنوت میخواند و قنوت مخصوص دارد و اکر کسی انرا نداند انچه در قنوت نمازها دیکر میخواند بخواند و هر کاه بجماعت بکنند بعد از نماز دو خطبه میخوانند و قنوت مخصوص نماز عید فطر این است اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْکِبْرِیَاءِ

کشکول مؤلف

امور خلایق باذن ما است و مشیت ما تابع مشیت الهیه است عرض کردم چه ثواب دارد محبت و ولایت شما اهل بیت فرمودند هر که با ولایت و محبت ما اهل بیت بمیرد با ما محشور شود عرض کردم اجر کریه کنندکان بر امام حسین چه چیز است فرمودند با ثواب شهدای کربلا شریک است و سرپلند خواهد بود در روز قیامت و هر که از ایشان بکوید یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما خداوند ثواب یک حج و یک عمره با او کرامت میفرماید و هر که بر مظلومی انجناب کریه کند تا اشک بر رخسارش جاری شود خداوند کناهان کذشته و اینده او را بیامرزد و صورت او بر اتش حرام شود و من ضامن هستم برای او بهشت را عرض کردم چه ثواب دارد برای کسیکه یکنفر از شماها را زیارت کند فرمودند در قبر بزیارت او میرویم و او را از جمیع شداید نجات میدهیم

در قنوت نماز عید فطر

وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوَی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَوْمِ الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِینَ عِیداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَکَرَامَةً وَمَزِیداً اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِی فِی کُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فِیهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ مَا سَئَلَکَ بِهِ عِبَادُکَ الصَّالِحُونَ وَاَعُوذُ بِکَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُکَ الْمُخْلَصُونَ و بعد از نماز عید دعا بسیار وارد شده است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در هنکامی که مهیا رفتن بسوی نماز جمعه و عید فطر و عید قربان می شوی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ فِی هٰذَا الْیَوْمِ اَوْ تَعَبَّأَ اَوْ اَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلَی مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَایَاهُ فَاِنَّ اِلَیْکَ یَا سَیِّدِی تَهْیِئَتِی وَتَعْبِئَتِی وَاِعْدَادِی وَاسْتِعْدَادِی رَجَاءَ رِفْدِکَ وَجَوَائِزِکَ وَنَوَافِلِکَ وَفَوَاضِلِکَ وَفَضَائِلِکَ وَعَطَایَاکَ وَقَدْ غَدَوْتُ اِلَی عِیدٍ مِنْ اَعْیَادِ اُمَّةِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلَمْ اَفِدْ اِلَیْکَ الْیَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ اَمَّلْتُهُ وَلٰکِنْ اَتَیْتُکَ خَاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبِی وَاِسَائَتِی اِلَی نَفْسِی فَیَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ اغْفِرْ لِیَ الْعَظِیمَ مِنْ ذُنُوبِی فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ اِلَّا اَنْتَ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

تمت متن الرسالة علی ید اقل الخلیقة بل لا شیء فی الحقیقة احمد بن محمد علی الاصفهانی

در ختم مجرب

ختم لیلة بسیار مجرب که حاجی مرحوم شیخ ... نقل فرموده که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا صلوات الله علیها این ختم را تعلیم فرموده و بسیار مجربست چون بشدت و بلیه مبتلا شوی با حضور قلب هزار و یکمرتبه با حضور ایه کریمه ربّ انی مسّنی الضر وانت ارحم الراحمین را با خضوع و خشوع و تضرع و زاری بخوان از بلیه و مهلکه نجات خواهی یافت ختم دیگر مؤلف کوید در سال ۱۲۹۴ از هجری جمعی از ظلمه کمال عداوت را با من داشتند و بعضی از انها در صدد قتل من بودند در اواخر شهر رمضان بود بدرکاه الهی بسیار تضرع و زاری نمودم و بخواب رفتم در عالم واقعه بخدمت حضرت حجة الله عجل الله فرجه مشرف شدم و مطالبی که داشتم بعرض انجناب رسانیدم و جواب صواب شنیدم از انجمله از دست

ظلم شکایت نمود فرمودند بعد از نماز صبح ده مرتبه آیهٔ وَمَن یَتَوَکَّل عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسبُه را بخوان و
ایضاً ده مرتبه بگو فَاللهُ خَیرٌ حَافِظاً وَهُوَ اَرحَمُ الرَّاحِمِینَ و چون بباب خانهٔ ظالم برسی
روی خود را بجانب آسمان کن و با کمال خضوع این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَکفِی مِن
کُلِّ شَیءٍ وَلَا یَکفِی مِنکَ شَیءٌ فَاکفِنِی شَرَّ هٰذِهِ الطَّاغِیَة وَقِنِی شَرَّه و هَمزَه و بعد
سؤال دیگری از انجناب نمودم فرمودند سَیَجعَلُ اللهُ بَعدَ عُسرٍ یُسراً چون از خواب
بیدار شد بموجب فرموده انجناب عمل نمودم خداوند جل شانه شرّ و ظلم را دفع و
زمع فرمود ختم دیگر از نوشتجات مرحوم اسید هاشم نجفی اعلی الله مقامه بخط انمرحوم
دیدم که هرگاه کسی بخواهد حضرت رسول صلی الله علیه و اله را در خواب ببیند باید
بعد از تصفیه قلب تا مدت اربعین هزار مرتبه صلوات بفرستد خواه اول شب
باشد یا اخر شب و قبل از خوابیدن چهارده مرتبه آیه نور را تلاوت نماید مکرر بتجربه
رسیده است ختم دیگر مؤلف گوید در شهر ذی الحجه و محرم از سنه ۱۲۹۴ از هجری شدتی
بسیاری روی داد و اهالی دیوان در مقام خصومت بودند و ناصر و معینی سوی
خداوند جل شانه نبود در شب ختمی را که بجهت رؤیای صادقه مجرب بود بعمل اوردم
در عالم خواب بزرگواری را دیدم بعد از سؤال و جواب فرمودند بوالد خود بگو
بجانب ارض اقدس مشهد روانه شود انچه از حاجات ظاهریه و باطنیه دارند بر اورده
میشود و علامت این مطلب انستکه در تاریخ هزار و دویست و شصت از هجرت
در حرم حضرت امام حسین ع کیفیت ختم سوره الم نشرح را باو تعلیم نمودم پس من از
خواب بیدار شدم و چند روز بعد والد مد ظله العالی روانه مشهد مقدس شدند
مؤلف گوید در نجف اشرف مشغول تحصیل علم اخلاق بودم در عالم رؤیا مرا
دلالت نمودند بر حاجی سید علی ششتری اعلی الله مقامه انمرحوم در ان زمان

خواب مؤلف

از مردمان پس هلاک شدند در این دریای تاریک کسانیکه هدایت شده اند و
بدانکه نجات نخواهد یافت از این دریا مگر کسیکه بسفینه تقوی متمسک شود
شود و نفس خود را مراقبت نماید و مراقب افعال قلبیه و جوارحیه خود باشد و
با نفس اماره مجاهده کامله نماید و بدرگاه الهی تضرع کند و در جمیع حالات توکل
واعتمادش بفضل و کرم خدا باشد ختم دیگر که از جهت حیوة قلب و انقطاع
الی الله و افاضات ربانیه و الهامات و رؤیای صادقه مجرب است ذکر یا حی یا
قیوم است بعد دجمل کبیر آن و باید مجاهده کند با نفس که اجتناب از هوای برای
او حاصل شود بحیثیتی که مشیت او وقف بر اطاعت اوامر و نواهی خدا باشد زیرا
که متابعت نفس و هوی و شیطان در معنی شرک خفی است و خدای تعالی
میفرماید اَرَأَیتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهُ هَوٰیهُ و باید قلب او از ذکر خدا غافل نباشد و جمیع
اقوال و افعال او تابع شریعت باشد چون بدین نحو مواظبت نماید آثار عجیبه
خواهد دید و بهتر انستکه بعد از ذکر یا حی یا قیوم بگوید یا من لا اله الا انت
و این ختم مرحوم مجلسی اول اعلی الله درجته میباشد و باید در قلب او غیر از ذکر خدا
چیزی خطور نکند بیت من کان فی قلبه مثقال خردلة سوی جلالک
فاعلم انه مریض و در جمیع حالات توجه بدرگاه الهی داشته باشد و تهجد و نماز
شب را ترک نکند چون چهل روز مواظبت کند انوار حکمت و معرفت و محبت در
قلب او ثابت میشود پس ترقی میکند تا اینکه بمقام فنا فی سبیل الله میرسد
چنانچه در حدیث معتبر وارد شده است من اخلص لله تعالی صباحا انبت الله الحکمة
فی قلبه و انطق بها لسانه و بصره عیوب الدنیا دائها و دوائها و بهتر انستکه
بسیاری از اوقات مشغول تفکر باشد زیرا که فرموده تفکر ساعة خیر من

در شرایط ختم

بودم و در شب عرفه در روضهٔ مطهر حضرت سید الشهداء روحی لتربته الفداء تا وقت سحر اشتغال نمودم و حضرت حبیب بن مظاهر را به درگاه انجناب شفیع کردانیدم چون وقت سحر شد بعد از تهجد کریه بسیار کردم در همانجا بخواب رفتم در عالم خواب دیدم حبیب از ضریح بیرون امد و بعضی از مصائب امام حسین را ذکر مینمود و کریه میکرد و وارد حرم شد دیدم که در ضریح کشوده شد و حضرت امام حسین ع ظاهر شدند پس حبیب زیارت وارث را خواند و من نیز همان زیارت را میخواندم و حضرت امام حسین ع جواب سلام حبیب را فرمودند چون لحظه کذشت نظر شریف بجانب من فرمودند و نظر بجانب اسمان فرمودند و این دعا را خواندند اَللّٰهُمَّ یا مُسَبِّبَ الاَسْبابِ وَ یا مُفَتِّحَ الاَبْوابِ وَ یا قاضِیَ الحاجاتِ وَ یا سامِعَ المُناجاتِ وَ یا کافِیَ المُهِمّاتِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْكَ عَظِیمٌ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَقْضِیَ حاجَتَهُ چون از خواب بیدار شدم مکرر این دعا را با کمال تضرع و زاری و خضوع و خشوع میخواندم و بجای ان تقضی حاجته ان تقضی حاجتی میخواندم تا انکه صبح شد روز عید بعد از فراغ از زیارت روانه نجف اشرف شدم و مشغول تحصیل فقه شدم و بمطلوب فایز شدم و بسیار تفکر و تدبر در معانی قران و اخبار می نمودم و انچه تدبر و تفکر من زیاد میشد بر علوم مطلع میشدم و مشغول استنباط احکام و نوشتن فقه شدم اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدانا لِهٰذا وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّٰهُ **ختم دیکر** مرحوم مبرور شیخ محمد تقی اعلی الله مقامه بخط خود نوشته اند که انچه دارم از این ختم است و کیفیتش ان استکه مشغول تصفیه و تزکیه نفس و قطع علائق جسمانیه نماید و بر مجاهدات شرعیه مواظبت نماید تا اینکه صفای قلب برای او حاصل شود و قلب او ارکدورات پاک شود و از جمیع امور دنیویه اعراض داشته باشد و امور خود را تفویض بقضای الهی نموده

طریق ختم

باشد بحکم و رضا و قضای الهی راضی باشد و تسلیم داشتم چون مدتی مشغول مجاهده شود و ملکه برای او در این مراتب حاصل شد در هر شب بعد از نماز شب مشغول تضرع و زاری شود و هر قدر از اسماء الحسنی که بتواند مکرر با حضور قلب بخواند تا اینکه قلب او خاضع و خاشع شود و قلب او بدرکاه الهی منقطع شود چون باین نحو مداومت نماید بمطلوب فایز میکردد مؤلف کوید بر مواظبت این اعمال شدم در اربعین سیم بعد از فراغ از تهجد بخواب رفتم در عالم خواب حضرت امام جعفر صادق را دیدم که در مسجد نشسته بودند و جمعی از علماء که چند نفر از انها را میشناختم در محضر انجناب بعضی نشسته و بعضی ایستاده اند و در دو زانو دیدم در حضور انجناب نشستند یکنفر از علماء عرض کرد زمان ظهور و فرج چه وقت است فرمودند لم یجعل الله لذلك وقتا کذب الوقاتون و

کفتکوی با بعضی از بزرکان

هلك المستعجلون و نجی المسلمون بعد فرمودند منتظر فرج باشید که برای شما خوب بود اجر شهید دیکری عرض کرد متی الفرج فرمودند سیجعل الله من بعد عسر یسرا دیکری عرض کرد جمیع انبیاء و اوصیاء غائب میشدند و ظاهر میشدند سبب چیست که غیبت امام زمان عجل الله فرجه زیاده از همه غیبتها طول کشیده فرمودند سبب انستکه در امم سابقه چون حجه انها غائب میشد امت اتفاق میکردند و بدرکاه الهی انابه و توبه و دعا میکردند حجه انها ظاهر میشد و این امت اتفاق نکردند و بدعا و انابه کوتاهی نمودند و دیکر انکه باید علامات ظهور واقع شود و خواص اصحاب ان امام همام موجود شود و سیملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا عرض کردیم این حدیث از شما استکه هر کاه بمیرد و یك صفحه از علم از او بماند که از برای مردم نافع باشد ان حجابی میشود میانه او و اتش جهنم فرمودند بلی قریب باین مضمون است عرض کردم که من قریب بهفتاد هزار بیت در علوم نوشته ام ایا در میانه انها صفحه هست که حجاب شود میانه من و اتش جهنم فرمودند رساله در بیان غیبت امام زمان خود تصنیف کن که مشتمل باشد بر ذکر غیبت جمیع پیغمبران و احادیثی که مردم بان محتاجند بعد فرمودند من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة دیکری از علماء عرض کرد میخواهم محبت دنیا از قلب من بیرون رود فرمودند بسیار مرك را یاد کن عرض کرد میخواهم غنی باشم فرمودند بعد از فریضه صبح و بعد از فریضه مغرب صد مرتبه بکو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ العَلِیِّ العَظِیمِ عرض کردم میخواهم سکرات موت بر من اسان شود فرمودند علائق دنیویه را از خود دور کن و مهیای سفر اخرت باش **ختم دیکر** مؤلف کوید بخط مرحوم سید بحر العلوم علیه الرحمه دیدم نوشته بودند که این ختم از جهت حصول مطالب و افاضات علمیه و شرح صدور و وصول بکمالات اخلاقیه و رؤیای صادقه

و تکمیل نفس و اطلاع بر بعضی از علوم و ملاقات با اولیاء و مخفیات ملاقات رجال الغیب مجرب است و در بعضی از مؤلفات مرحوم صمیمین ختم را از مرحوم مبرور شیخ محمد تقی اعلی الله مقامه بخط انمرحوم دیدم و خود انمرحوم فرموده اند که من بر این ختم عمل کردم بتجربه رسیده است مکرر این ختم را بجا اوردم و مقامات بسیار برای من مشهود شد و مرحوم شیخ محمد تقی از استاد خود نقل فرموده اند که کفته چون این ختم را اربعین مواظبت نمودم بر روی من راه ملکوت و بعضی از علوم اکاه شدم و کیفیت ان انستکه اول باید چند چیز را تحصیل نماید اول انکه حب دنیا را از قلب خود زایل کند و مجاهده با نفس نماید و از متابعت هوای نفس و شهوات نفسانیه و غواشی ظلمانیه و اخلاق رذیله از قبیل ریا و کبر و حسد و نفاق و امثال انها از قلب خود قطع نماید که قلب او صاف و مجرد شود و مواظبت طاعات و عبادات نماید باشد و از

در خنوم مجرّبه

معاصی شرعیه واخلاقیه اجتناب کند تا انکه ملکه راسخه برای او حاصل شود که مشیت
واراده او تابع شریعت باشد وبعضی از کاملین مثل مرحوم اخوند ملا زین العابدین اعلی
الله مقامه نوشته‌اند که هرگاه شخص قابل باشد در اربعین سیم این ملکه برای او حاصل
میشود وباید اوقات سحر را بیدار باشد ومشغول نماز شب وذکر ومناجات وتضرع و
زاری باشد غالبا قلبا وبذکر الهی مشغول باشد وبین الطلوعین ومابین الغروبین را
بذکر الهی مشغول باشد مؤلف گوید بقدر میسور در نجف اشرف براین عمل مواظبت
نمودم اسرار عجیبه مشاهده کردم از ان جمله در شب چهارشنبه در مسجد سهله
هنگام سحر شخصی از رجال الغیب را دیدم وسؤالات بسیاری از او نمودم وجوابهای
از فرمایش حضرت عجل الله فرجه نقل میفرمود وانچه میفرمود حقیر از او نوشتم که فراموش نشود
سؤال رجال الغیب چه کسانی هستند وایا قول انها حجه است یا نه وایا خدمت امام
عصر عجل الله فرجه میرسند یا خیر **جواب** رجال الغیب اشخاصی هستند که از جانب
حضرت صاحب الزمان مامور هستند که در صحراها وبیابانها شیعیان انحضرت را دستگیری
نمایند وقدرت بر طی الارض دارند وازان حضرت علوم را کسب نموده اند وقدرت بر
طی الارض دارند وازان حضرت علوم را کسب نموده اند ولی شخص انجناب را مشاهده
نمیکنند وفیوضات انجناب بانها میرسد واز جمله مقربین درگاه الهی میباشند وبرجمله از
علوم بلایا ومنایا مطلع میباشند واز خواص صحابه واز اهل سر هستند وهمه السنه را
می فهمند وعرایض شیعیان را بخدمت امام همام میرسانند وصدای امام را در دربلدان میشنوند
مردم راه می روند **سؤال** نماز جمعه در زمان غیبت سنت یا واجب است **جواب** مستحبست تعیینی و
واجب تخییری است پس مکلف مخیر است میانه نماز ظهر وجمعه **سؤال** ایا تکالیف
شرعیه مختص است بطوائف انس وملئکه وجن یا انکه مشترک است میانه جمیع ممکنات

جواب بدانکه جمله از تکالیف اختصاص بطوائف ثلثه دارد وانهم مشترکست میانه جمیع ممکنات چند امر است اول اقرار واذعان بتوحید ونبوت وولایت دوم محبت انها وتسبیح بادی تم ... چه همه موجود است مفقود میباشد بر محبت وعشق ومقام خود طالب تکمیل میباشند ونذیر وبشیر ونهادی هم موجود است ... صلی الله علیه واله میباشد چنانچه خدای تعالی میفرماید سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من ایاتنا ایضا تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا ومقصود از عالمین همه ماسوی الله میباشد **سؤال** در حدیث ماثور است که حضرت امیر المؤمنین در زیر دیوار نشسته بودند که مشرف

... انفصال ... بود ... که ... بپرهیزی ...

در عدد اصول دین

بر هبوط بود واندیشه نمیفرمود چون برخواستند دیوار ساقط شد فرمودند این یقین است
معنای این حدیث چیست ودیگر انکه حضرت در مقام دیگر از زیر دیوار شکسته بیرون
امدند وفرمودند فرار کردن از قضای الهی بسوی قدر **جواب** اما حدیث اول چون
دیوار بدون اذن امام ساقط نمیشد لهذا یقین بسلامت داشتند ولفظ قدر در
حدیث ثانی اشاره بلوح قدر ومرتبه بدائیه است وچون انجناب بر الواح قضائیه وقدریه
مطلع بودند بعضی از اثر انها را بیان فرمودند **سؤال** اصول دین سه امر است یا پنج امر وکسانیکه
اقرار بامامت ندارند کافرند یا مسلم **جواب** اصول دین که سبب بحسب ظاهر شرع
سه امر است توحید ونبوت ومعاد جسمانی پس هرکه باین امور معتقد باشد ومرتد نشده
باشد بحسب ظاهر شرع محکوم باسلام است بجهت مصلحت تقیه وحصول تیسیر وسهولت
برای شیعه ولی در باطن کافر است واقرار بامامت ائمه اثنی عشر شرط است در توحید
زیرا که اسلام عبارت از تسلیم است وانکار امامت با مقام تسلیم منافات دارد پس اسلام
بمعنای اعم مشروط باقرار بامامت نیست واسلام بمعنای اخص مشروط باوست پس منکر
امامت در روز قیامت در زمره کفار محشور میشود هرچند در دنیا بحسب احکام
ظاهریه خون ومال او محفوظ است وطاهر است ومواصلت با او جایز است واحکام ارث برا او
جاری است واز مؤمن ارث میبرد واما مسئله عدالت پس هرکاه کسی العیاذ بالله خدا را
ظالم بداند کافر است وهرگاه اعتقادی داشته باشد که لازم ان اعتقاد انکار عدالت خدا
باشد مثل مجبره واشاعره پس انها بحسب ظاهر شرع مسلم هستند ومؤمن نیستند
بلکه در معنی کافر میباشند **سؤال** در حدیث است که فرمودند من قال لا اله
الا الله دخل الجنة وان زنی وان سرق ودر حدیث دیگر فرمودند فاذا زنی فارقه
روح الایمان ودر حدیث دیگر فرمودند لایزنی الزانی وهو مؤمن ولا یسرق السارق

وهو مؤمن معنای این اخبار چیست **جواب** غرض از حدیث اول انستکه مکر مؤمن باشد عاقبت امر داخل بهشت میشود وزنی وسرقت باعث خلود در اتش نیست خصوصا هرگاه توبه کند یا انکه شفاعت شامل حال او شود ودو حدیث دیگر اشاره بمرتبه ایمانست که زانی وسارق متصف بایمان کامل نیستند **سؤال** در حدیث است که جبرئیل هنگام وفات حضرت رسول صلی الله علیه واله عرض کرد هذا اخر هبوطی الی الارض ودر اخبار وارد شده است که جبرئیل در مسجد کوفه در مقابل منبر حضرت امیر المؤمنین حاضر شد ودر صحرای کربلا نیز امد معنای این اخبار چیست **جواب** مقصود از حدیث اول هبوط از جهت وحی است ومعلوم است که وحی بوفات حضرت رسول صلی الله علیه واله منقطع شد وانچه بعد از وفات انجناب نازل شد از جهت وحی

در سؤال وجواب

نموده است سؤال کیفیت جمع میان حدیث لو کشف الغطاء ما ازددت
یقینا وحدیث اللهم زدنی فیك معرفة وایه کریمه رب زدنی علما چیست
جواب مقصود از حدیث اول موت است مقصود از ثانی وایه کریمه تحصیل مقام اکملیت است
زیرا که انجناب پیوسته در مقام ترقی بودند وفیوضات ربانیه بالنسبه بانجناب منقطع
نمیشد ودر هران کامل بودند واکمل میشدند چنانچه مقام قاب قوسین یکی از مراتب
وشئون انجناب بود سؤال معنای ایه کریمه واذ قال الله یا عیسی انی متوفیك ور
رافعك الی وجاعل الذین اتبعوك فوق الذین کفروا الی یوم القیمة چیست وحال انکه
در حدیث است که حضرت قائم ع عالم را مملو از عدل وقسط میفرماید وهیچ کافری باقی نم
ماند پس چگونه تابعین حضرت عیسی ع تا روز قیامت فوق یهود خواهند بود جواب
مقصود از قیامت وقت ظهور قائم است که انرا قیامت صغری مینامند ودیگر انکه
متابعت حضرت عیسی بدون تصدیق بحضرت رسول وائمه ع متحقق نمیشود پس تابعین
حضرت عیسی انکسانی هستند که تصدیق بجمیع انبیاء واوصیاء نموده باشند وانها
در مرتبه فوق کفار میباشند تا زمانیکه قیامت برپا شود وخداوند جل شانه
جزای هریك از مؤمنین وکافرین را بدهد چون مطلب باینجا رسید چون باینجا
رسید صبح شد برخواستیم ونافله وفریضه صبح رابجا اوردیم وبعد از فراغ از
تعقیب بسیاری از فقرات ومشکلات زیارت جامعه را سؤال نمودم وجواب شنیدم
نه میل انمطالب را در کتاب شرح زیارت جامعه را که مسمی بکاشف الاسرار است
بیان نموده ام سؤال معنای حدیث موتوا قبل ان تموتوا چیست جواب مقصود
از این حدیث قطع علائق وقیود جسمانیه وازاله محبت دنیای دنیه از قلب است
زیرا که حب دنیا راس هر خطیئه است ومانع از عروج بمعارج عالیه وترقیات

در معنی فناء فی الله

چون از مال ونفس گذشتی ومشیت نفسانی شد وهوای نفس را کشتی شراء جنت
خواهد کرد وجنت برد وقسمت جنت جسمانی وجنت روحانی که انرا رضوان مینامند وهر دو
ثابت ومتحقق است وثانی اشرف وافضل از اول است زیرا که او مقام قرب است وچون فانی
شدی قلب تو بذکر الهی مطمئن میشود وحلاوت ذکر ومناجات را خواهی چشید وتقوای از
ماسوی الله برای تو حاصل خواهد شد وبمقام یقین فایز میشوی وبدانکه حضرت کلیم ع چون
خطاب فاخلع نعلیك انك بالواد المقدس طوی را شنید ومحبت زن وولد واموال
دنیویه را از قلب خود قطع نمود کلیم حضرت حق سبحانه وتعالی گردید وبمقام قرب ومعراج رسید
وحضرت یونس معراجش شکم ماهی بود که در مدت چهل روز در انجا مشغول تسبیح وتقدیس
الهی بود وعلائق او قطع شد ومعراج حضرت خلیل هنگامی بود که او را از منجنیق بجانب اتش
نمرودی انداختند که از ماسوی الله منقطع شد ودر جواب جبرئیل گفت اما الیك فلا وبدرگاه
الهی عرض کرد الهی علمك بحالی یغنیك عن سؤالی وان مرتبه فناء بود ومعراج حضرت ایوب
هنگام شدت مرض او بود که عرض کرد رب انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین که مقام انقطاع
وانتهاء الی الله بود ومعراج حضرت سید کائنات مقام قاب قوسین او ادنی بود ومعراج حضرت
سید الشهداء هنگام شهادت بود پس مقام فناء اشرف مقامات واعظم سعادات است و
بدانکه محبت دنیا ومحبت خدا در یك قلب جمع نمیشود وچون محبت دنیا را از قلب خود
خود خارج نمودی واخلاق رذیله را دفع نمودی محبت خدا در قلب تو داخل میشود و
وحدیث الصلوة معراج المؤمن اشاره بان صلوة است که از مصلی با کمال خضوع وخشوع
وانقطاع وانتهاء وفناء وحضور قلب بجا اورده شود ومجرد افعال صلوتیه معراج نیست
زیرا که معراج اشاره بمقام قرب است وخضوع وخشوع بدون علم حاصل نمیشود انما
یخشی الله من عباده العلماء وان از علامات مؤمن وایمان است که خدا میفرماید الذین

در تمنای مرگ

کلام و تدبر کن در آیاتی که در مذمت دنیا وارد شده است در یکجا میفرماید الذین یریدون الحیوة الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها لا یبخسون و میفرماید اولئک الذین لیس لهم فی الاخرة الا النار الایه و در مقام دیگر میفرماید انما الحیوة الدنیا لهو و لعب و چون بچشم بصیرت و نور معرفت در این آیات تدبر نمودی حقیقت دنیا بر تو معلوم میشود و دنیا مزرعه آخرت است آنچه در مزرعه زرع نمودی همان را حاصل خواهی کرد و چون نفس را بقتل رسانیدی حیوة ابدیه برای تو حاصل میشود و چون قوه عاقله و حقیقت انسانیه را بر قوه جاهله حیوانیه مقدم داشتی و او را تقویت نمودی ترقیات ایمانیه برای تو حاصل میشود و بدرجات رفیعه واصل میشوی و مشیت تو تابع مشیت حق میشود و آنچه از خدا طلب نمائی بتو کرامت میفرماید و حدیث العبودیه جوهرة کنهها الربوبیه اشاره بهمین مطلب است و چون نفس اماره و لوامه را بقتل رسانیدی بمقام مطمئنه فایز میشوی و تحمل نزول بلا میکردی و آنچه مرتبه زیاد میشود بلا یا محنت بر تو افزون میکرد و تقرب و درجه تو بدرگاه الهی رفیع تر میشود چنانچه فرموده الدنیا سجن المومن و جنة الکافر و علامت وصول باین مقامات آنست که در هر لحظه موت و مرگ را تمنا میکنی چنانچه در آیه شریفه اشاره بآن شده است قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم اولیاء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان کنتم صادقین و از این جهت است که حضرت امیر المؤمنین ع فرمودند والله ان ابن علی ابن ابی طالب آنس بالموت من الطفل بثدی امه و هنگامی که سر مبارکش از شمشیر ابن ملجم شکافته شد فرمود فزت برب الکعبه و چون بمقام محبت رسیدی تحمل بلیات و مشقتهای دنیویه را برای تو سهل و آسان میشود و بقضای و قدر الهی راضی خواهی شد و خضوع و خشوع تو بسیار میشود و چون از این مقامات ترقی نمودی از فناء خود نیز فانی خواهی شد و سوای ذکر خدا در قلب تو امری خطور نکند مگر امری که مقرون برضای الهی باشد و این مرتبه را مرتبه قربیه و رضوان و ذکر

در ذکر خدا

ذکر خدا میفرماید و لذکر الله اکبر و آن نتیجه و فائده صلوة است که خدا میفرماید اقم الصلوة لذکری و بدانکه مقام عبودیت مقامی است رفیع و آن موقوفست بر مقام طاعت و قطع اخلاق رذیله و دفع شهوات نفسانیه و دفع اهواء فاسده و چون بندگی نمودی بمقام محبت و قرب خواهی رسید و آن اشرف مقامات سالکین و اعظم درجات عابدین است چه نتیجه و غایت و فائده جمیع عبادات حصول محبت است و فائده انقیاد مرتبه قرب است و قرب معراج مومن است و این منوط و مربوط بخلاصی از قید هستی و اتصاف بمرتبه نیستی و فناء میباشد که اکمل مراتب آن مرتبه فناء از فناء است و چون باین مقام رسیدی نفس تو از قیود و ظلمانیه فارغ میشود و باندک تدبری در آیات و احادیث علوم شرعیه بر تو منکشف گردد

جواب سؤال دهم

گردد العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء و قیود جسمانیه موجب بلادت ذهن و کدورت قلب میشود و مانع میشود ترا از عروج بمعارج و درجات رفیعه و مقامات عالیه و سلوک بدون دفع و رفع قیود و عوائق ممکن نیست و آن منوط و مربوط بریاضات شرعیه و مجاهدات اخلاقیات است و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و در حدیث قدسی ماثور است من تقرب الی شبرا تقربت الیه ذراعا و این حدیث اشاره بمقام قرب است و این ناشی از مقام محبت است و محبت منوط بمرتبه رضا است و رضا منوط بمرتبه یقین است مادامیکه مرتبه یقین و معرفت برای تو حاصل نشود بمقام رضا نخواهی رسید و چون بمقام معرفت رسیدی و بتحقیق مرحله لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین واقف شدی دانستی که جمیع امور راجع بخدا است و او اعلم است بصلاح بنده مؤمن خود بمرتبه رضا فایز میشوی و بمقام تسلیم و انقیاد کامل خواهی رسید **سؤال** اولا سبب چیست که در هنگام شهادت حضرت سید الشهداء قرص آفتاب گرفته شد و هوا تاریک شد و زمین بلرزه در آمد و هنگام شهادت و وفات سایر معصومین ع اینگونه حوادث واقع نشد و ثانیا کدام یک از شهداء کربلا بعد از مرتبه حضرت امام حسین ع افضل از سایر شهداء بودند و ثالثا آنکه آنکه حضرت امام زین العابدین اکبر بودند یا حضرت علی اکبر و رابعا آنکه سبب چیست که جمعی از انبیاء سابقین بر قوم خود نفرین فرمودند و حضرت امام حسین نفرین نفرمود آیا نفرین ممدوح است یا مذموم و خامسا اهل بیت آنحضرت و همچنین جابر بن عبد الله انصاری در اربعین همان سال دیگر وارد ارض کربلا شدند یا در اربعین سال دیگر و سادسا آنکه چگونه رأس مطهر حضرت امام حسین ع در مواضع عدیده تکلم فرمود و سابعا حضرت زینب معصومه بود یا آنکه متصف بمرتبه عصمت نبود و ثامنا کدام یک از دوازده امام علیهم السلام افضل بودند و آیا ائمه افضل میباشند و یا انبیا

در سؤالات

سابقین و آیا حضرت فاطمه صلوات الله علیها افضل میباشند یا یازده فرزندان ایشان و آیا حضرت امام حسن افضل بودند یا حضرت امام حسین و تاسعا آیا وجود یکی حضرت امام زین العابدین در دست اعداء اسیر بود دفن شهدا اطفالی چگونه هنگام دفن شهداء حاضر شد آیا و شهدا را دفن نمودند عاشرا آیا شهداء کربلا افضل میباشند یا شهداء بدر و حنین و صفین و سبب چیست که شهید را غسل نمیدهند و کفن نمیپوشانند بلکه با همان لباس او را باید دفن نمود و آیا حضرت امام حسین در روز عاشوراء بقوه امامت و معجزه جنگ نمود یا بقوه بشریه و سبب جنگ که در اثناء جنگ دست از جنگ برداشتند و در مقام شهادت و تسلیم بودند **جواب** اما اول ایراد آنکه مطلب چند سبب داشت یکی آنکه حادثه و ظلمی که بر آن مظلوم وارد شد بر احدی از مظلومین وارد نشد و این علامات

در تفضیل چهارده نور

معجزه بود که بر کفار حجت تمام شود و دیگر آنمظلوم در قتلگاه قریب سه ساعت بیهوش بودند
و روح مطهر آنحضرت خارج شد و مراجعت نمود از جهت حصول تکلیم در مقام شهادت و چون
خارج شد بسوی عرش رفت و بدرگاه الهی برای گناهکاران از شیعیان طلب آمرزش کرد
و خدای تعالی بموجب عهدیکه در روز الست با آنجناب فرموده بود مقام شفاعت با آنمظلوم کرامت
فرمود و حضرت امام زین العابدین ع هنگام شهادت حضرت امام حسین ع در غش بیهوش بودند
و امور دیگر ظاهر شد آثار عذاب بود و مشیت قضائیه الهیه تعلق گرفته بود که عذاب بر
اهل زمین نازل نماید بدعای امام ع عذاب رفع شد و چون مشیت حتمیه و قضاء
محتوم نبود بداء در آن حاصل شد و خدای تعالی ظالمانرا تا وقت معین مهلت داد و
قوام و بقاء زمین مربوط و منوط بوجود امام ع و فیوضات آنجناب است و امام ع بمنزله
قلب عالم امکان است و همه ممکنات فرمان او را مطیع می باشند هر چند علم امام حصولی
نه حضوری و لیکن چنانچه قلب بر جمیع اجزاء بدن مطلع است همچنین امام ع بر جمیع اجزاء
عالم امکان اطلاع دارد و سلطان عالم امکان است و واسطه فیوضات بانیه و علة
غائیه خلقت ممکنات است و اما ثانی پس بعد از مرتبه امام حسین ع حضرت عباس ع افضل
از سائر شهداء بودند و بعد از آنجناب حضرت علی اکبر افضل بودند و بعد از آن حضرت
قاسم و بعد از مرتبه انها برادران حضرت عباس افضل از سائر شهداء بودند و بعد از
مرتبه انها حبیب و مسلم افضل از سائر شهداء بودند و در تمام خلق عالم کسانیکه شایسته
مرتبه شهادة بودند همین هفتاد و دو نفر بودند و کسانیکه در شب عاشورا متفرق شدند
تا بل در رتبه این مقامات نبودند و از این جهت بود حضرت امام حسین ع بانها فرمودند
هر که میخواهد در این شب برود مرخص میباشد و اما ثالث پس حضرت امام زین العابدین ع
از حضرت علی اکبر اکبر بودند و اما رابع پس مصالح و حکمتهای اینمطلب بسیار است و هر

مرتبه محمد صلی الله علیه از جمیع ممکنات افضل می باشند و علم انها افضل از جمیع ممکنات می باشد بلکه در جمیع صفات و در صفات کمال

تفضیل ائمه

چند نفرین بر کافر مجدوح است
ولی صبر افضل است و اما خامس پس اهل
بیت آنحضرت و جابر در اربعین سال
دیدم و اما سادس پس نفس شریف مطهر
آنمظلوم از جانب راس و دهان تکلم
فرمود و نفس امام ع احاطه دارد و اما
در معنی جوف دارد و عندیتهم یرزقون
و این مقام نورانیت و دخلی بعالم بشریت
ندارد و اما سابع پس حضرت زینب از
شهود لیکن انبیاء و اوصیاء معصوم نبود
ولی هرگز مرتکب گناه نشد و مراعات
اوامر و نواهی شرعیه شرعیه مواظبت
داشت پس از معاصی معصوم بود
و از این جهت او را بعصمت صغری
نامیده اند و اما ثامن پس حضرت
امیر المؤمنین ع از یازده امام دیگر
در جمیع مراتب افضل بودند و سائر
ائمه ع هر یک از ایشان در بعضی جهات از
جهات و مراتب افضل بودند نه در جمیع
و هم چنین حضرت فاطمه ع و لی
شکی نیست در اینکه دوازده امام ع بعد از

کیفیت زیارت عاشورا

و اله برای ائمه ع ثابت است و دعای انبیاء مستجاب شد بسبب استشفاع با ائمه ع و علما
انبیاء بنی اسرائیل در رجب علوم ائمه طاهرین ع مثل قطره است در جنب دریا و اما
تاسع پس اینمطلب معجزه و خرق عادة است و مقام نورانیت است و رجوعی بمرتبه قوه
بشریه ندارد و اما عاشر پس شهداء کربلا از شهداء دیگر افضل میباشند و نظر
بشرافت خون شهید در شرع مقرر شد که شهید را غسل ندهند و بهمان نحوی که
که شهید شده است در قیامت محشور شود و حضرت امام حسین در روز عاشوراء
بقوه امامت جنگ فرمود تا آنکه ذره از مقام نورانیه امامت بر خلایق ظاهر شود
و لی از جهت وصول بمرتبه شهادت و وفاء بعهد الست دست از قوه امامت برداشت
و بمقتضای قوه بشریه ضعف بر آنمظلوم مستولی شد تا آنکه از اسب بر روی
زمین قرار گرفت مؤلف گوید چون مطلب باینجا رسید نزدیک بزوال ظهر رسید
و آنشخص از مسجد بیرون رفت چون روز دیگر شد بعد از اداء فریضه صبح مشغول
تعقیب بودم همان شخص از در مسجد سهله داخل شد و نشست و من در روز سابق مسائل
چندی از او سؤال کردم و جواب فرمود و بنحو سؤال و جواب آنچه گفتگو شده بود در این کتاب
نوشته شده میشود **سؤال** کیفیت زیارت عاشوراء را بیان فرمائید **جواب**
اول سلامی بنحو اختصار بجانب حضرت امیر المؤمنین و بجانب حضرت امام حسین ع
بکن و بعد از آن بگو دو رکعت نماز زیارت بعمل آورد و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت
بعمل آور و بعد از آن زیارت مشهوره را که اولش السلام علیک یا ابا عبد الله است
بخوان و بعد از آن صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام و دو رکعت دیگر نماز زیارت
و دعای سجده و دعای علقمه بترتیبی که در کتب معروفه دعوات مسطور است بعمل آور
هر حاجتیکه داری انشاء الله بر آورده است و امام ع ضامن استجابت این دعا است

در مسئله نماز

و اگر صد مرتبه
لعن و سلام را نتوانی بعمل آوری مبالغه
لعن و سلام کفایت میکند و هرگاه مرتبه
در لعن و سلام ده مرتبه بعمل آوری
از لعن و سلام حاصل میشود و کفایت
مبالغه بان حاصل میشود و هرگاه ترک
میکند انشاء الله **سؤال** هرگاه نماز زیارت
بنماز قضاء مشغول باشد نماز زیارت
و سائر صلوات مندوبه را میتواند
بعمل آورد یا نه **جواب** بلی میتواند
اگر کاهی مشغول بنماز قضاء باشد
که تسامح و تهاون در نماز قضاء نشود
سؤال معنای العبودیة جوهرة
کنهها الربوبیة چیست و حقیقه
عبودیت چگونه است **جواب** معنی
حقیقه عبودیت تخلق باخلاق شرعیه
و باید در جمیع اقوال و افعال و حرکات
و سکنات تابع شریعت باشد و
متصف بمقام رضا و تسلیم باشد
و مشیت و اراده او تابع مشیته الهیه باشد
چون باینمقام واصل شود آنچه بخواهد
خدا باو کرامت میفرماید و خلوقات
در این منزل باختلاف مقامات
خود مختلف
و در ایجاد گردد

حتی آنکه صدای زنگ حیوانات نیز ساکت شده بود حاصل آنکه همه ممکنات فرمان او را مطیع و منقاد میباشند و همه در جنب او خاضع و خاشع هستند و بقاء زمین و اهل آن منوط و مربوط بوجود امام ع میباشد و این خضوع و اطاعت مثل تسبیحی است که همه اشیاء بان مشغول میباشند که خدا فرموده ان من شیء الا یسبح بحمده مقصود آنکه چنانچه همه ممکنات بتسبیح الهی مشغول هستند و بمقامات توحید و نبوت و ولایت مقر و مذعن و مفطور و مامور میباشند همچنین همه اینها برای امام ع خاضع و خاشع میباشند باذن خدای تعالی و حدیث العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة اشاره باین معنی است پس امام ع آنچه را که بخواهد برای او میسر است ولی بمقام رضا و تسلیم ثابت است و از مقام عبودیت ...

معنی تخلق باخلاق الله

میباشند و اکمل از جمیع مراتب مقام محمد و آل محمد علیهم السلام میباشد که انچه مشیت انها بان تعلق گیرد مشیت خدا هم بان تعلق گرفته است و ما یشاؤن الا ان یشاء الله و در زیارت جامعه کبیر مسطور است السلام علی محال مشیة الله و حضرت فرمودند نحن اوعیة مشیة الله اذا شئنا شاء الله و ما نشاء الا ان یشاء الله و بدانکه مقامات و درجاتی که برای ایشان حاصل شد همه انها از جهت عبودیت و بندگی بود و مشیت انها تابع مشیة الهیه بود و این حقیقت معنای عبودیت است و همچنین مقامات نورانیه ایشان از مقام عبودیت حاصل شد و ان مقاماتی است که زبان قوه تقریر انرا نیست و حاصل از انکه ایشان ابواب مشیته و مفاتیح استفاضه میباشند و واسطه میباشند میانه خالق و مخلوق در جمیع مراتب فیوضات و علة غائیه خلقت جمیع ممکنات و اول و افضل و اشرف میباشند از جمیع ممکنات و مظهر اسم الله که کلمه جامعه است میباشند و چون مشیة ایشان اشرف از مشیت سائر ممکنات بود لهذا مشیت انرا منسوب بخدا نموده اند چنانچه خانه کعبه و روح حضرت ادم را نسبت بخدا داده اند و عیسی را روح الله نامیده اند **سؤال** معنای و مجمع کل متکبر لطاعتکم که در زیارت جامعه مسطور است چیست و گفتگوی خضوع کفار و دشمنان ائمه چگونه است یا خضوع تکوینی است یا تشریعی و یا بر وجه اختیار است یا اضطرار **جواب** چون امام ع سلطان و پادشاه عالم امکان است و جمیع ممکنات در ظل کفایت او هستند و همه ممکنات مامور باطاعت او میباشند و انچه در عالم امکان واقع میشود همه باذن او و مقرون بمشیت او میباشد و قاهر است بر عالم امکان چنانچه در عالم الست و عالم ذر هم همین تکلیف بر قاطبه ممکنات ثابت شده است پس امام ع بمنزله قلب عالم امکان است و احاطه معنویه دارد بر ممکنات پس همه ممکنات خاضع میباشند در تحت سلطنت او چنانچه حضرت امام حسین ع در روز عاشوراء محض آنکه

در جمع ما بین امتناع الرؤیة و امکانه

باین مقامات و درجات رفیعه فایز شده است و در اینمقام مطالبی است که در حقیقی در اظهار ان نیست **سؤال** مشهور است که در طوفان حضرت نوح ع عوج بن عنق بن ادم غرق نشد و حال آنکه آیه کریمه رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا و آیه لا عاصم الیوم من امر الله دلیل است بر اینکه جمیع کفار باید هلاک شده باشند و عوج کافر بود پس چگونه هلاک نشد **جواب** عوج چون در ساختن کشتی حضرت نوح اعانت کرده بود و خدا عمل احدی را ضایع نمیکند چنانچه فرموده است انی لا اضیع عمل عامل منکم و میفرماید و من یعمل مثقال ذرة خیرا یره و عوج در اخرت هیچ اجری ندارد لهذا اجر و مزد او را خداوند عالم نجات از غرق قرار فرمود چنانچه شیطان بواسطه عباداتی که بعمل اورده بود مهلت داده تا یوم وقت معلوم که زمان ظهور حضرت قائم ع باشد و امر الهی بعرفیت عوج تعلق نگرفته بود **سؤال** معنای حدیث نیة المؤمن خیر من عمله چیست و حال انکه در حدیث است افضل الاعمال احمزها **جواب** بدانکه نیة احمز و اصعب اعمال و روح عبادة است و عبادة روح افضل اعمال بدنیه است **سؤال** ما وجه الجمع بین ما ورد من امتناع الرؤیة و المعرفة و بین ما یدل علی امکانهما و وقوعهما فقد قال الله تعالی لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و فی الحدیث ان الله قد احتجب عن العقول کما احتجب عن الابصار و فی الحدیث لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا **جواب** بلی بکنه حقیقت الهی نتوان رسید چرا که ذات الهیه محیط است بهمه چیز و هو بکل شیء محیط پس چیزی بان احاطه نتواند کرد و ادراک چیزی که بی احاطه عقل باشد ممکن نیست فاذا لا یحیطون به علما و لا تدرکه العیون بمشاهدة الابصار و لکن تدرکه القلوب بحقایق الایمان و حضرت امام حسین ع میگوید تعرف لی فی کل شیء فرایتک ظاهرا فی کل شیء فانت الظاهر لکل شیء و قال الله تعالی او لم یکف بربک

انه علی کل شیء شهید ... اکابر ... الوجود

سبب غیبت امام

ولی بالنسبة ببعضی از مراتب و شئون لفظ جلال اسم اعظم است ولی تاثیر آن موقوف بر شروط
چند است و بالنسبة ببعضی از مراتب کلمه لا اله الا الله الملک الحق المبین اسم اعظم است و
بالنسبة ببعضی از مقامات کلمه یا هو یا من لیس الا هو و کلمه یا هو یا من لا هو الا هو اسم
اعظم است و تاثیر آن منوط بمرتبه فناء و انقطاع از ماسوی الله است و هر گاه کسی طالب حصول
بعضی از فوائد اسم اعظم باشد در وقت سحر با خضوع و اخلاص و حضور قلب و خلو
قلب از حب دنیا و قیود جسمانیه چهارده مرتبه از اول آیه لا یستوی اصحاب النار و
اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون تا آخر سوره حشر بخواند بمطلوب خود فائز میشود
ان شاء الله تع **سؤال** سبب چیست که خلائق در غیبت امام عصر عجل الله فرجه از
فیوضات ملاقات آن اعلیحضرت محروم مانده اند و اینجا متوسل میشوند بخدمت آنجناب
نمیرسند **جواب** فیوضات امام ع بهمه اشیاء میرسد زیرا که امام واسطه است
میانه خالق و مخلوقات در جمیع فیوضات ظاهریه و معنویه و هر یک از ممکنات بحسب
استعداد و قابلیت خود کسب فیض میکند و نور از آفتاب وجود امامت مینماید و اشخاص
چند مثل رجال الغیب و جمعی از اولیاء و نقباء بخدمت آنحضرت مشرف میشوند و شفاها
سؤال و جواب میکنند چنانچه مرحوم السید مهدی طباطبائی و ملا احمد اردبیلی و
محمد باقر بهبهانی و آخوند ملا محمد تقی مجلسی و مرحوم شیخ محمد تقی اعلی الله مقاماتهم
و جمع کثیری از علماء که شایسته اینمقام بودند بخدمت امام ع مشرف میشدند و آنچه می
خواستند سؤال میکردند و جواب سؤال میشنیدند و لی مکلف باظهار اسرار
نیستند بلکه مکلف میباشند که احکام شرعیه واقعیه و ظاهریه را متابعت نمایند **سؤال**
ارجو منک ان تمن علینا بتعلیم ذکر خاص مجرب لجمیع الحوائج **جواب** لا اعلم ذکرا
اقرب الی الله سبحانه من الصلوة علی محمد و آله فعلیک بمواظبتها فی کل یوم مائة

(حاشیه:)
مرة و فی یوم ... کانت تامة
الجمعة الف مرة فانت ... اعظمه
خواصها و تاثیراتها امور اعظمیة **سؤال**
تقصر اللسان عن بیانها
ما معنی قوله تعالی الله نور السموات
و الارض **جواب** فیه معانی کثیرة
تشیر الی بعضها و لا نحصر فی اطهارها
کثیرة منها فالاول منها الله خالق نور
السموات و الارض فیکون بصیغة الماضی
و الثانی ان الله ذو نور السموات و صاحب
نور السموات و الارض و الثالث
التشبیه بالنور من جهة شدة ظهوره
و اما ان هر ... اهل السموات و الارض
انهم یستضیئون به و الرابع ان معناه
ان الله نور قلوب اهل الحق بنور الحق
و التشبیهات التی وقعت بالمشکوة و
المصباح و الزجاجة و الزیت کلها لا ...
ظهور صفة الحق و وضوحها و الخامس
ان المراد من قوله تع مثل نوره کمشکوة
القرآن لانه مبین الحق یعنی هدی الله
الخلق بکلامه المبین الذی هو حق
مبین و قد سماه الله نورا حیث قال
و انزلنا الیکم نورا
... باشد ...

طرق معرفة الله

ایا لا آثار و المصنوعات و تعرف بالوجود و تعرف بذاته علی ذاته و الاول طریق العوام و الثانی
طریق الخواص و الثالث طریق الصدیقین کما ورد فی الحدیث اعرفوا الله بالله و فی الدعاء
یا من دل علی ذاته بذاته و فی الحدیث ان الله اجل من ان یعرف بخلقه بل العباد یعرفون بالله
و فی الدعاء بک عرفتک و انت دللتنی علیک و دعوتنی الیک و لولا انت لم ادر ما انت
و فی الحدیث ما رایت شیئا الا و رایت الله بعده و معه و قبله فسبحان من خفی من شدة
ظهوره و العاقل تکفیه الاشارة اطفئ السراج فقد طلع صبح مقصودک من افق البیان
و اعلم ان معرفة الله بالله من اعظم مقامات العارفین و ارفع درجات الموقنین و لا
تحصل الا لعباده المخلصین و هو القرب المعنوی من جناب الالوهیة الذی هو غایة
المطالب و نهایة المقاصد و معرفة اسرار اسماء الله تعالی و صفاته و مظاهر آیاته
فی العوالم العلویة و السفلیة و رجوع النفس الیها بعد قائق انواع السلوک و شدائد
اصناف المجاهدات و تعذیب النفس باقسام الریاضات الشرعیة و تخلیتها عن القیود
الدنیویة الدنیة و تخلیصها عن الغواشی الظلمانیة و تبعیدها عن هوای النفس الاماره
فان الاولیاء ذبحوا انفوسهم بسیوف الریاضات و اعرضوا عن طلب الدنیا العذارة
للوصول الی حیاض زلال المعالی فاجلست سرائرهم سریر الشهود و اطلقت ضمائرهم
فی میدان الوجود فلما رغبت قلوبهم عما سوی الله و ابتهجت بفیضان ذکر الله و اطمانت
قلوبهم بذکر الله و فازوا بالتقوی عما سوی الله و انقطعوا الی الله فی جمیع الحالات و
اضمحلت مشیتهم فی جنب مشیة الله بحیث لا یشاؤن الا ان یشاء الله باحوا باسرار
التوحید و اظهروا دقائق التوحید التحقیق بلسان العرفان فاثبت الله الحکمة فی قلوبهم
و انطق بها جوارحهم و فازوا بمقامات العارفین کما فاز و ابدلک العلم و بالجملة فان الله تع
اظهر الاشیاء و اجلاها و هو البرهان علی کل شیء فمن شدة الظهور و علیه التجلی انما

(حاشیه:)
چهار تا
و لذا تری ان عین الخفاش ... منشاء الخفاء افراط الظهور
الشمس فی ذکاء الحال ... نور
المحسوس فما ظنک بالواجب تعالی
سؤال ذکر تعلیم نمائید که از جهت
کاملان مراتب یقین و توحید و
انقطاع الی الله و مقامات اخلاص و رضا
تسلیم و توسل نافع باشد **جواب**
... ذکری از جهت این مطلب اشرف
... از مواظبت بر سوره توحید و
... لا اله الا الله نیست چون با کمال
... خضوع و خشوع بر آن مداومت نمائی
... مقامات مذکوره خواهی رسید و
... هنگام ذکر ملتفت بمقامات
... توحید باشی و جمیع معانی آنها
... بیانی **سؤال** اسم اعظم و
... آن چیست **جواب** اسم اعظم
... یک حرف است و علم بآن مخصوص
... است و رخصت در اظهار آن
... بسم الله الرحمن الرحیم
... است و هم چنین در خرابات
... موجود است

معانی آیهٔ الله نور السموات

مبینا لان القرآن سبب للهدایة ومنور قلوب العارفین ومظهر نور الحق والعرفان
فالمصباح کلام الله والزجاجة قلب النبی صلی الله علیه وآله والذکر ان یکون بالمعنی الفاعل
ای الله منور السموات والارض وخالقهما ومبدعهما فهو بمنزلة قولك نور الانوار ومظهر
الموجودات فان وجود کل شئ عبارة عن نوریة یظهر ماهیة ذلك الشئ وذاته فالله منشئ الانوار
بنفس ذاته فکلما فی السموات والارض مظهر لکلمة الله والله مظهرها وصانعها والتاسع
ان المراد بالنور فی قوله تعالی مثل نوره کمشکوة ما روی عن النبی صلی الله علیه وآله انه لما
نزلت آیة افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه سئل عنه ما معنی هذا
النور فقال ان النور اذا قذف فی قلب المؤمن انشرح له الصدر الحدیث فعلی هذا اشبه
الله نور قلب المؤمن بالمصباح لان المصباح قد حصل واستنار من نور آخر فکذا
هذا النور قذف فی قلبه وحصل واستنار من النور المطلق الالهی والوجود القیومی
والقلب بمنزلة المشکوة والالهامات الربانیة بمنزلة الزیت والثامن انه تعالی هادی لاهل
السموات والارض والمبین لاهل السموات والارض امور دینهم ومصالحهم فلما کان الله
وبهداه یهتدی اهل السموات والارض الی مصالحهم وامور دینهم کما یهتدون
بالنور الذی خلقه الله لهم فی السموات والارض الی صلاح دنیاهم قال انه نور
السموات والارض علی هذا المعنی واجری علی نفسه هذا الاسم توسعا ومجازا لان
العقول دالة علی انه تعالی لا یجوز ان یکون نورا او ضیاء ولا من جنس الانوار
لانه خالق الانوار وخالق جمیع اجناس الاشیاء ولا ریب فی وجوب افتراق الرب و
المربوب والخالق والمخلوق والصانع والمصنوع وثبت بالبرهان ان الله لا شبیه
له ولا نظیر فصح ان نوره الذی شبهه بالمصباح انما هو دلالته اهل السموات والارض
علی توحیده وحکمته وعدله والحاصل انه تعالی هادی لاهل السموات والارض

معانی آیهٔ نور

بطاعته لان الله وفقه لذلك وهداه ونور قلبه لانه تعالی منور قلوبکم حتی عرفتم
توحیده الثالث عشر انه تعالی نور النور یهدی من یشاء بنوره الی قدرته وبقدرته
الی غیبه وبغیبه الی قدمه وبقدمه الی ازله وابده وبهما الی وحدانیته لا اله الا هو
یؤید من یشاء علما بتوحیده وتنزیهه والرابع عشر ان الله خلق الارواح قبل الاجساد
بالفی عام ونورها بالصفات الکمالیة المعنویة وخاطبها بنفسه واستضائها بنور
قدسه واخبر عنها بقوله الله نور السموات والارض لانه تعالی منور الارواح بکمال
نوره الخامس عشر ان المراد بالسموات عالم الانوار العلویة وبالارض عالم
الاجسام الظلمانیة السادس عشر ان المراد بالسموات العقول النوریة وبالارض
مرتبة النفوس القدسیة السابع عشر ان المراد بالسموات المقامات النوریة الملکوتیة
والحجب والسرادقات وبالارض اجسام السموات والارض والثامن عشر ان هذا النور
احد اسماء الله تعالی وهو منور ومحقق ومظهر الهویات فانه تعالی منور الانوار اعنی نور القمر
والشمس ونور العقل ونور الایمان ونور التقوی ونور الیاقوت والله تعالی هو الکاشف
لرموزهم والمخرج لکنوزهم والمدون لعلومهم والمبین لفهومهم والمبرهن لمقاماتهم
والشارح لاشاراتهم فهو حقیقة بسیطة ظاهرة بذاتها مظهرة لغیرها فلا جنس
له ولا فصل فلا لها معرف حدی ولا لها کاشف رسمی لعدم قصانها فی نفسها بل هی
اظهر الاشیاء واجلاها فلا برهان علیه الا به بل هو البرهان علی کل شئ اذ هو غیر النور
فهو خفی فی ذاته ظاهر بالنور مستضیئ به فکیف یکون هو مظهر النور ومعرفا
کاشفا له فثبت ان الله تعالی هو ظاهر بذاته اذ ذاته عین ظهور ذاته ومظهر لغیره بنفس
ذاته لذاته وموجدها من کتم العدم الی عرصة الوجود وبالجملة فالنور هو الذی نور
قلوب العارفین بتوحیده وانار اسرار المحبین بتاییده وکون الاشیاء بالتصویر

الا فتنتك وهم چنین بعضی از کلماتی که انبیاء بدرگاه الهی عرض مینمودند مبنی
بر حکمتها است بیت بین المحبین سر لیس یفشیه قول ولا قلم للخلق یحکیه سؤال
در حدیث است که حضرت امیر المؤمنین ع فرمودند انچه در تمام قران است در بسم
الله الرحمن الرحیم ثابت است وانچه در بسم الله میباشد در باء بسم الله وانچه در باء
میباشد در نقطه است ومنم ان نقطه معنای این حدیث ومعنای نقطه چیست تفسیر
این حدیث از غوامض علوم است وبرچند وجه تفسیر میشود مقصود از نقطه حضرت
امیر المؤمنین ع است وجمیع علوم بر وجه حصول نزد انجناب موجود است ولا رطب
ولا یابس الا فی کتاب مبین ودر الصحیفة السجادیه وعلمهم الله علم ما کان وعلم ما بقی
وشرح این مطلب انستکه نقطه در میانه حروف شبیه ونظیری ندارد وهمه حروف و
کلمات از نقطه حاصل میشود وحضرت امیر المؤمنین ع نور انجناب با نور حضرت رسول
صلی الله متحد بودند وافضل از جمیع ممکنات میباشند وواحدی از ممکنات در مرتبه ایشان
نیست که مثل ایشان بوده باشد وایشان علة غائیه وعلة غائیه وعلة مادیه وصوریه
ممکنات میباشند ونقطه دائره امکان هستند وبوجه دیگر قلب وسلطان و
حافظ وواسطه در فیوضات فایضه بتمام امکان هستند وصادر اول واول مخلوقات و
ابواب الله ومفتاح مشیة واستفاضه میباشند ودیگر انکه نقطه مرکز است وعلی ع
مرکز حق است کما قال صلی الله علیه واله علی مع الحق والحق مع علی یدور حیثما دار
ودیگر انکه مرجع ومآل حروف بسوی نقطه است در رجوع وحساب خلائق با علی علیه
السلام است ودیگر انکه نقطه میزان است وعلی ع میزان حق وباطل است زیرا که او است صراط
مستقیم ومنهاج قویم ونور الهی ودیگر انکه از نقطه اسرار حروف شناخته میشود واز علی ع
اسرار معارف واحکام شناخته میشود واو است هادی وراهنمای خلائق چنانچه از اخبار

در تفسیر نقطه

ولکل قوم هاد انما انت منذر
ومیکرد وصراط علی حق نمسکه وبوجهه
لا ریب ان علیا ع هو سر الله وایة
العظمی ومظهر الاسماء والنقطة هی سر الهویة
الغیبیة المطلقة فی عالم الرقم المطلقة فی
عالم الرقم وهی هیئة جمعیة احدیة محیطة
بمراتب مخارج الحروف فالرقمیة ومدارج
اشکالها وهیأتها الحسیة مندمجة
فی خصوصیاتها محتجبة بصورها و
اعیانها ونسبة صورتها الی مدارج
الحروف والکلمات نسبة التعین الاول
من المتعین الی مراتب اعیان الوجودات
والتعین الاول امر اعتباری لا تحقق
له الا بالمتعین کما لا یتحقق ظهور المتعین
الا بالتعین وهو مبدء امتداد نفس
الاقدس فی درجات المخارج الانسانیة
واول تعینها اشارة الی الصادر الاول
یعنی اوائل التجلیات الایجادیة الذی
هو عبارة عن الوجود المنبسط والعقل
الاول لاظهار الحقائق الکونیة فی
برزات الظهور والاظهار فالنقطة
قیوم الحروف

مع احتجابها فیها مع اندراجها فی مدارج مخارجها واعلم ان للنقطة باعتبار اختفائها
بالصور الالفیه وظهورها بها ثلث مراتب الاولی قبل الامتداد وهی المرتبة الاجمالیة
الاتحادیه وهی مرتبة لا یظهر اعیانها وهی عبارة عن المرتبة النورانیة الثابتة للامام
علی حسب ما هی مذکورة فی الاخبار والاثار والثانیة ابتداء النفس بایجاد اعیان الحروف
حال تعیناتها فی مخارجها وهذا تشبیه لکون الامام ع واسطة بین الخالق والمخلوق
فی جمیع الفیوضات وکونه ع حافظا للشریعة وهادیا للامة وقلبه عبارة عن المشکوة
التی فیها مصباح المصباح کما فی الحدیث نحن اوعیة مشیة الله اذا شئنا شاء الله
ولا نشاء الا ان یشاء الله وفی الزیارة الجامعة السلام علی محال مشیة الله والسر
فی المعنی المذکور ظاهر اذ تلك التعینات اشارة الی مقام اقبال المعصوم الی الخلق لاصلاح
امور دینهم وانتظام دنیاهم وخلوه عن تلك التعینات اشارة الی مقام ادباره عن
الخلق واقباله الی الحق والفناء فی مشیة الله والبلوغ الی عالم الامر والروح کما یشیر
الی ذلك الحدیث الوارده فی بیان العقل والجهل وهو قوله ع لما خلق الله العقل استنطقه
فقال له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر الحدیث ویمکن ان تکون المرتبة الاولی اشارة
الی کون الامام مظهر المقام الاحدیة والثانیة اشارة الی کونه ع مظهر المقام الواحدیة
والثالثة تعیین النقطة الروحانیة فی امتداد النفس وعبورها علی مدارج المخارج
وفی هذا اشارة الی کون الامام ع واسطة فی عموم تجلیات النفس الرحمانیة وانبعاث
الفیض الوجودی من غیب التعیین النوری علی قابلیات مظاهر اسم الظاهر واعلم
ان للمرتبة النورانیة للامام ع شئون ومقامات کثیرة لا یعرفها الا الراسخون فی العلم
الا ان شیئا منها مستفاد من التلویحات الوارده فی الاخبار وللنقطة بالمعانی المتقدمة
مراتب اربع فالاولی منها اشارة الی التنزل الاول وهو کون الامام ع مظهر المقام

الواحدیة التی
هی عبارة عن مقام الاسماء والصفات
اذ قد ثبت وتحقق ان الامام ع مظهر جمیع
الاسماء الالهیة کما قال ع انا الاسماء الحسنی
منا والثانیة کونه ع مظهر العالم
الملکوت المسمی بعالم الامر واللوح
المحفوظ وظهوره فی الاطوار و
الثالثة کونه مظهر العالم الملك المسمی
بعالم الحس والشهادة والرابعة
کونه ع مظهر اللفیض الاقدس و
ظهوره فی العالم الناسوتیة وظهوره فی
المظاهر الکمالیة الانسانیة عکوس
الاسماء الالهیة واما قوله ع فی
الحدیث بسم الله الرحمن الرحیم
اقرب الی الاسم الاعظم من سواد
العین الی بیاضها ففی معناه وجوه
کثیرة نشیر الی بعضها الاول انه
کنایة عن کون البسملة هی عین الاسم
الاعظم اما بهذا الترتیب او بترتیب
اخر یعرفون عند اهله ولکن ترتیب
الاثار العظیمة علیها مشروط
لا یتفق اجتماعها الا عند الاولیاء
الثانی ان الاسم

تفسیر حدیث ما ترددت فی شیء انا فاعله

الاعظم کما ورد فی کثیر من الاخبار عبارة عن وجود الامام و شدت فیه بهم الی البسمله فی غایة الوضوح والثبوت کما یشهد به ایه فکان قاب قوسین او ادنی و بوجه اخرا النقطه هو وجود الامام ع والبسمله اقرب الی النقطه من حیث المعنی من سواد العین الی بیاضها

سؤال معنای حدیث ما ترددت فی شیء انا فاعله فی قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت وانا اکره مسائته چیست **جواب** بدانکه خداوند جل شانه را بندگان مقربی می باشد که بعضی صفات انها را بخود اسناد میدهد تشریفا لهم پس تردد ملک الموت و اعوانش را تردد خود شمرده چنانچه فرموده الله یتوفی الانفس حین موتها و در مقام دیگر فرموده قل یتوفیکم ملک الموت و در ایه دیگر فرموده وما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی و سبب تردد ملک الموت کثرة وقوع علوم بدائیه است از جهت صدور امور یکه از بنده که باعث طول عمر میشود مثل صدقه و صله ارحام و نیکوئی و صدور اشیائی که باعث نقصان عمر میشود مثل قطع رحم و ظلم و نحو انها **سؤال** اجول ملک ان تاذن لی فی روایة الاخبار والختوم الماثوره والاذن لمن استاذن منی ممن هو اهل لذلک **جواب** انت ماذون فی ذلک وقد اذنت واجزت لک ان تاذن لمن استاذن منک ممن کان من الصالحین **سؤال** در حدیث است که عایشه خدمت حضرت رسول صلی الله علیه واله عرض کرد ثواب زیارت حضرت امام حسین ع چیست فرمودند یک حج و یک عمره عایشه تعجب کرد فرمودند دو حج و دو عمره وانچه عایشه تعجب میکرد حضرت ثواب را زیاد میفرمود تا انکه رسید بهفتاد حج و هفتاد عمره مقبوله سر این حدیث اختلاف بیان چیست و حال انکه حجة الاسلام واجب است واصعب از زیارت است و در حدیث است که افضل الاعمال احمضها **جواب** این حدیث اشباه ان باعتبار عظمت شان و اکرام خود است و سر انکه حضرت در مرتبه اول فرمودند ثواب

وجه زیارتی ثواب زیارت

فرمودند یک حج و یک عمره است و بعد ... اختلاف ... زیارت حسب اختلاف اشخاص در خواص ... زیارت انحضرت مقرر شده بود ثواب یک حج و یک عمره بود وانچه عایشه تعجب میکرد خدا ثواب زیارت را زیاد میفرمود و حضرت رسول مطلع میشدند و بیان میفرمودند تا اینکه بهفتاد رسید ... ثواب مثل ... انحضرت زیاد میفرمود ... انکه هر یک از زیارت ثوابی دارد ... اختلاف ثواب زیارت ... زیارت عاشورا افضل از سایر زیارات و بعد از ان زیارت نیمه رجب و نیمه شعبان و عید اضحی و عید فطر ... افضل است **سؤال** خمس ... زهد و تقوی و سایر مقامات اخلاقیه و دفع اخلاق رذیله

در انقسام روح انسانی

و وسواس شیطانیه و افاضات قلبیه و سایر مراتب شرعیه و ائمه کامله داشته باشد **جواب** هر گاه در وقت سحر بعد از تهجد سر بسجده با حضور قلب و خضوع و خشوع و انقطاع الی الله هر یک از اسماء الله الحسنی را با حرف نداء مرتبه بخوانی جمیع این مقامات برای تو حاصل میگردد مؤلف گوید مکرر در این مرحله تجربه کردیم فوائد کلیه حاصل شد **سؤال** روح انسانی اشرف است یا عقل **جواب** انسان چند روح دارد یکی روح حیوانی است والبته عقل اشرف از ان است بجهت اینکه عقل او شعبه از شئونات عقل اول است که اول مخلوقات بود و بعقل عبادت خدا بجا اورده میشود و عقل سراج منیر و حجت باطنیه و دلیل و از جمله حجج است و بواسطه عقل انسان از حیوان امتیاز شده است و عقل که سلطان بدن است با وامر و نواهی عقل رفتار میکند و روح حیوانی از جنبه حیوانیه است و منشا اخلاق رذیله و شهوات نفسانیه است و دیگر روح انسانی است و ان از عالم امر است کما قال الله تعالی و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی و ان عبارت از نفس ناطقه است و ان ببعضی از معانی نفس عقل است و بیک معنی ملازم با عقل است و بیک معنی و عاء عقل است و ان روحی که مغایر با عقل است عقل از ان اشرف است و بدانکه عقل اول مخلوقات است که فرمودند اول ما خلق الله العقل و در حدیث است اول ما خلق الله الروح و در حدیث دیگر فرمودند اول ما خلق الله نوری و در حدیث دیگر فرمودند اول ما خلق الله الماء وافلاطون و متابعین او گفته اند وجود امکانی اول مخلوقات است و مقصود از جمیع یک امر است پس عقل انسانی همان روح انسانی که دائره مستدیره قلم اعلی است و نور محمد صلی الله علیه واله صادر اول و واسطه در جمیع فیوضات است و ان قلم و مثل اعلی است که میفرماید ولله المثل الاعلی و سایر عقول امکانیه از پرتو نور عقل اول خلق شده است باعتبار علة غائیه بلکه علة علة

مراد از ماد ...

مادیه و صوریه ... وقال الله تعالی وجعلنا من الماء کل شیء حی مقصود از ماء نور محمد است که حی فرمودند ... و بقلم ... الخ لصاحة الارض باهلها چنانچه بقاء انسان بروح است و بقاء ما هی بقاء انسانی ... منحی ... بقاء و وجود ... وافلاطون گفته مقصود از ماء وجود است ... بقاء ... جمیع اشیا بوجود موجود میشوند و وجود اصل اشیاء است **سؤال** در حدیث است اصل اشیاء که عمر بن الخطاب ... گناه اولین و اخرین بر گردن ... ثابت میشود سر این چیست **جواب** سر این مطلب امر است ... طینت ... اصل و ماهیت ان وجود عمر ... و جمیع کفار از ان طینت خلق شده اند و کل شیء یرجع الی اصله پس جمیع شرور راجع باو است ... اقسام کفر راضی بود ... اللهبود و هر که بعمل کسی راضی باشد با او در ان عمل شریک است من احب قوما حشر معهم ومن احب عمل قوم ...

در تفسیر و معنی لعن کل بنی امیه

قوم اسرائیل فی عملهم ولذا ورد اللهم العن قتلة امیر المؤمنین ع وحال انکه قاتل انجناب یکنفر بود
وصیغه جمع انجهة انست که هر که راضی بقتل امام بود شریک در قتل است و در حدیث اللهم العن
بنی امیه قاطبة نیز محمول بر این مطلب است و هم چنین فقره زیارت ولعن الله امة سمعت بذلک
فرضیت به انکه در عالم ذر چون خطاب الهی رسید و خدا امر فرمود جمیع اهل العالم را باقرار
بتوحید و نبوت و ولایت اول کسیکه منکر ولایت شد عمر بن الخطاب بود و سایر
جاحدین او را متابعت کردند و جمیع شرور از این مخالفت ناشی شد مؤلف گوید در اصفهان
در سالی که ابن طالمی بود بسیار بر مسلمانان ظلم می نمود و غرتش روز بروز زیاد می شد تا انکه
چند شب از دست ظلم او بعد از تهجد بدرگاه الهی شکایت کردم شبی از شبها بعد از تهجد
مرا خواب ربود در عالم واقعه حضرت امیر المؤمنین ع در خواب دیدم این ختم را بمن تعلیم فرمودند
و فرمودند فواید همه ختوم در این ختم موجود است و طریق خواندن ان انستکه در سحر
بخواند رو بقبله بر سر سجاده یکصد و پانزده مرتبه غالب انستکه در اول سحر طلب
برآورده می شود چون تمام شود دست بیکنوبت بگوید یا ذا الجلال والاکرام و ده مرتبه صلوات
بفرستد و چهل و یکبار کلمه جلاله را بیکنفس بگوید و بغیر اهلش تعلیم نماید دعا اینست یا من
لیس فی السموات العلی الی منتهی قرار نجوم الارضین السفلی انت غیاث لکل
احد عند کل شدة نزلت بر غیر لنا الله فرج همنا و انجح طلبتنا فانک العرف
بحاجاتنا و حاجت خود را در نزد بلفظ ثبته و بلفظ با نجح قصد کند و وقف نکند بر الله
... انداین دعا را در شب جمعه یا دوشنبه بعد از دو رکعت نماز عرض کردم حدید ابن تعلیم
فرمائید که هنگام هر نعمتی قرائت نمایم که ثواب ان شکر نعمت را داشته باشد و باعث زیادی نعمت
و دفع بلیات شود فرمودند این حمد را بخوان الحمد لله لا ینسی من ذکره الحمد لله الذی
لا یخیب من دعاه الحمد لله من توکل علیه کفاه الحمد لله الذی من وثق به لم یکله

در حاشیه: در بیان ختم
الحمد لله الذی یجزی ... الاحسان احسانا الحمد لله الذی یجزی بالصبر نجاة والحمد لله ... الحمد لله یکشف ضرنا عند کروبنا والحمد لله الذی هو ثقتنا حین ینقطع الحیل ... الحمد لله الذی هو رجائنا حین ساءت ظنونا باعمالنا و فرمودند این حمد را بعد از هر نماز و هنگام هر نعمت ... بعد از ان فرمودند مطالب دیگری که ... بیدار شدم و در شب جمعه دعا را ... قرائت نمودم صبح روز شنبه خبر ... اسفل اهل النصفه بود و در ... اختیار شد و ازان روز یکه براین حمد مواظبت نمودم فواید عجیبه مشاهده نمودم و ... علی من اتبع الهدی ... هنگامی که در نجف اشرف مشغول تحصیل علوم ... و مجاهده بودم ... در صحرای وادی السلام ... و ناصح سید ... بودم ...

در ختم مجربه

در بار رقتم شنیدم صدای شخصی را که در وسط دریا با حق تعالی مشغول مناجات بود و تضرع و زاری
بود از انجمله عرض میکرد اللهم انت الله لا اله الا انت خالق الخلق و رازقهم و انت الله
لا اله الا انت مبدئ الخلق و معیدهم و انت الله الرحمن الرحیم العظیم المهیمن السلام
العزیز الجبار المتکبر و انا عبدک الضعیف الذلیل الخاضع الفقیر المسکین المستجیر
الهی انت ثقتی فی کل شدة و انت رجائی من کل خوف و انت کهفی عند الشدائد یا کافی
المهمات و یا قاضی الحاجات صل علی محمد و آل محمد وارحم ذلی بین یدیک و تضرعی
الیک و وحشتی من الناس و انسی بک یا کریم دیگر صدای او را نشنیدم بعد از ساعتی
شنیدم میگفت لا اله الا انت ربی حقا حقا سجدت لک یا رب تعبدا و رقا
اللهم ان عملی ضعیف فضاعفه لی یا کریم یا کریم یا کریم مؤلف گوید از شنیدن
این کلمات کمال خوف و خشیت بر من عارض شد که نزدیک بود بیهوش شوم و فواید
کثیره اخلاقیه بر این خوف و خشیت مترتب شد ختم دیگر از جمله رؤیای صادقه و
افاضات علمیه بسیار نافع و مجرب است و ان انستکه در مدت چهل روز مواظبت بتقوی
باشد و از اخلاق رذیله مجتنب باشد و در هر روز هر یک از اسماء الحسنی را با حرف
ندا با خضوع و خشوع و حضور قلب یکصد و ده مرتبه بخواند اثار عجیبه مشاهده
خواهد کرد و این ختم را در تالیفات مرحوم اخوند ملا زین العابدین کلپایگانی اعلی
الله مقامه ملاحظه کردم که از اساتید خود نقل نموده اند و نوشته بودند که در شهر
رمضان مشغول این ختم شدم در یکی از شبها در منزل یکنفر از اهل دنیا که موعود بودم
در انجا افطار کردم در شب چهلم شخصی از اجله علما را در خواب دیدم فرمود شرط این
ختم اجتناب از شبهه است و ان طعام مشتبه باعث فساد این ختم شد و خداوند عالم
جل شانه هیچ یک از نماز و روزه تو را در این ماه قبول نکرد از جهة انکه طعام مشتبه را خوردی

در حاشیه: ختم دیگر
مؤلف گوید مدتی ... بودم اثار عجیبه مشاهده ... بودی ... شایع مشغول این ختم بودم ... ختم دیگر در نوشتجات مرحوم ... دیدم ... سید بحر العلوم اعلی الله مقامه بخط ... انمرحوم دیدم که نوشته بودند بعد از تهذیب اخلاق چهل روز مشغول ذکر یا الله ... بوده و شروط ختم را مراعات نمودم در شب چهلم در حرم مطهر حضرت ... سید الشهدا ... نزدیک قبور شهدا ... اماحسین نزدیک شد ... بدست من داد ان سیب را استشمام نمودم بوی ان شبیه بود ببوی مشک و عنبر نزدیک بود که بیهوش شوم و دانستم انچه را دانستم این ختم مجرب است ... و افاضه علوم بر ان حاصل است ... در ۱۲۸۲ محرم الحرام ... گوید در شب ... محرم ... بودم نصف شب کربلای معلی مشرف بودم بعد از تهجد چند دقیقه بخواب رفتم ... حضرت فاطمه زهرا را در خواب دیدم که ایستاده بودند و جمع کثیری از شیعیان ایشان ... بودند و اعظم مصایبی که بر حضرت ... وارد شده بود از عمر بن الخطاب علیه ... امیر المؤمنین ...

در معنی حدیث انا الاول وانا الاخر

بود بنا میفرمود و مردم گریه میکردند چون ذکر مصیبت تمام شد مردم متفرق شدند پس نظر بما
من بواسطهٔ نسبت و سبب محرمیت داشتم نقاب از روی خود برداشتند و فرمودند این اول
مصیبتی استکه بر ما اهل بیت وارد شده است شاد مبادا چشمی که این مصیبت را بشنود و قلب
او محزون و چشم او گریان نشود و انچه ظلم بر اهل بیت وارد شد نتیجه ظلمی بود که بواسطه
سقیفه وارد شد و بعد فرمودند در شادی ما شاد باشید و در حزن ما اندوه ناک
باشید عرض کردم چه ثواب است برای کسیکه در مصیبت شما گریه کند فرمودند گناهان
گذشته و اینده او امرزیده میشود و من در روز قیامت او را شفاعت خواهم نمود بدرستیکه
هرگاه اهل مشرق و مغرب عالم بر محبت اهل بیت اتفاق میکردند و در مصیبت ایشان
محزون بودند هر اینه خدا جهنم را خلق نمیفرمود بدرستیکه اتش جهنم بر دوستان اهل بیت
حرام است **سؤال** در حدیث است که حضرت امیر المؤمنین ع فرمودند انا الاول انا الاخر
انا الظاهر انا الباطن مقصود چیست **جواب** نور انحضرت با نور حضرت محمد صلی الله علیه
واله یکی بود و اول مخلوقات بود پس او سابق و اول و دیگر انکه امیر المؤمنین ع اول من
امن بالله و اول من دعی فاجاب بودند و چون نور حضرت امیر المؤمنین با یازده امام
دیگر متحد بودند با ایشان وصایت و امامت ختم شد پس هریک از ایشان را اخر میتوان
گفت چنانکه فرمودند نحن السابقون الاولون و معنای ظاهر ظهور ولایت انجناب است
بر عرصه ممکنات و مقصود از باطن مقامات معنویه و ولایت و مقامات نورانیت انجناب است
و دیگر انجناب مظهر اسم الله و اول و اخر میباشند و فرمودند ما لله اية اکبر منا
و صفات ایشان از اعظم دلائل است بر توحید صانع ع و دیگر انکه چون در جمیع عوالم
سماویه و ارضیه انجناب از جانب حق سبحانه و تعالی هادی و رهنمای خلق بوده اند
لهذا اول و اخر میباشند از این حیث **سؤال** ایا ائمه افضلند یا پیغمبران سابق **جواب** بعضی

مراد از طینت علیین و سجین

مراد از لفظ خمیر

معصیت فائده ندارد و هیچ عبادت کننده مستحق ذم نیست و عذاب عاصی بر مستلزم ظلم و قطع
و این امور بر حق تعالی روا نیست و عمده شبهه ایشان اخبار طینت است که ظاهر از اخبار اینست که
طینت هرکه از علیین برداشته اند کافر نشود و طینت هرکه از سجین برداشته اند که مؤمن نشود
و جماعتی از محققین از علما این اخبار را تاویل کرده اند بعید کرده طبیعت با ایمان و کفر و خیر و شر از انکه
برداشتن طینت از سجین ادمی را مجبور کرده اند بر شر و کفر مولف گوید که حق انستکه طینت باعث
ایمان و کفر مکلفین نمیگردد بلکه باعث بمعنی است که حق تعالی بعلم ازلی خود پیش از خلق خلایق میدید
هریک از مکلفین را که او کفر را اختیار میکند یا ایمان را و چون اینمعنی را میدانست طینت
اهل ایمان میکرده اند و از کفر دوری مینمودند از علیین برداشته اند و انها که
ایمان نمیکردند طینت ایشان را از سجین برداشته اند و اگر از سجین هم برنمیداشت
از قبول ایمان نمیکردند و علم حق تعالی علت نیست و از معاذات است و علیین و سجین حادث شده و چون
حضرت عز شانه پیش از خلق علیین و سجین از امر را میدانست باین سبب طینت نیکان را از انجا بر داشت
و طینت بدان را از انجا بدبر داشته است چنانچه در اخبار بسیار وارد شده است که حق تعالی
فرموده است که من پیش از انکه خلق را ایجاد کنم میدانستم که هر خلقی را خلق کنم انچه خواهند
بود و اینمعنا علم ازلی است پس بنابراین طینت در ایمان و کفر مکلف مدخلیت نامه
در مثل این باب تشبیه مثل اینستکه دو غلام داشته باشد یکی در نهایت اطاعت و فرمان
باشد غلام دیگر در نهایت عدم اطاعت و مخالفت و سرکشی باشد و از دو غلام
نیز اگهی باشد پس غلام مطیع را اشیاء بهتر و نفیس تر و فاخر تر بپوشاند و غلام عاصی را جامهای
پوشاند هیچ عاقلی اقا را از نیکی مذمت نمیکند بلکه مدح میکند که تسویه مابین مطیع
نکرده است و طینت مکلفین مانند خلعتی است از برای ایشان و معنای اخبار طینت بابن
انستکه طینت امیر مجبور بر اعمال او نکند **سؤال** وجه تسمیه خمیر چیست با پیغمبر
و نسبت بذات و ازمان دو شیء او را خمیر نامیدند **جواب** خطاب پیغمبر

لا يستحق عليها ثواب الصلوة وان استحق اجر الذكر المطيع بحركاته وسكناته ان لم نتفضل الله تعالى بجوده

الخامس ان ذلك مخالف لظواهر الاخبار المأثورة منها الخبر المذكور ومنها رواية محمد بن مسلم عن احدهما ع قال سئلته عن الرجل يرى في ثوب اخيه دما وهو يصلي قال لا يؤذنه حتى ينصرف وصحيحة او رواية عبد الله بن بكير المروية في كتاب قرب الاسناد قال سئلت ابا عبد الله عليه السلم عن رجل اعار رجلا ثوبا يصلي فيه وهو لا يصلي فيه قال لا يعلمه قلت فان اعلمه قال يعيد الخ فلو كان الامر كما مر من كون وصف النجاسة انما هو باعتبار الواقع وبنفس الامر وان صلوة المصلي والحال كذلك باطلة واقعا فكيف يحسن من الامام المنع من الابداء والاخبار بالنجاسة في الصلوة كما في خبر محمد بن مسلم او قبلها كما في خبر ابن بكير وهل هو تنبيها على ما ذكر الا من قبيل التقرير له على فعل الصلوة الباطلة والمعاونة على الباطل ولا ريب في بطلانه

السادس الاخبار الدالة على معذورية الجاهل وانه لا شيء عليه كقوله عليه السلم ايما امرئ ركب امرا بجهالة فلا شيء عليه فان النكرة المنفية مفيدة للعموم ومقتضاه نفي الاعادة والقضاء

السابع قوله صلى الله عليه وآله وسلم رفع عن امتي ما لا يعلمون وقوله ما حجب الله علمه الحديث وغير ذلك من اخبار البرائة

الثامن ان التكليف بوجوب الاعادة من الامور الوجودية المسبوقة بالعدم فيستصحب العدم كما يقتضيه بعد الوجوب

التاسع ان ما دل على حجية الطرق المقررة لمعرفة الموضوعات يدل على كون مداليلها ثابتة في الشريعة سواء كانت مطابقة للواقع او مخالفة له اقتضى الامر قيام الدليل على عدم اعتبارها اذا علم بمخالفتها للواقع في حال العمل او لحصول العلم بالمخالفة بعد الفراغ عنه ومما لا دليل على خروجه عن اطلاق الادلة فما دل على ان الطاهر ما لم يعلم نجاسته والعلم يقضي بكونه محكوما بالطهارة ما لم يعلم خلافه في حال العمل العاشر استصحاب الصحة موجبا للاعادة

الحادي عشر ان الاحكام الوضعية كالنجاسة والشرطية والجزئية ونحوها ليست مجعولة في نفسها وانما هي تابعة للحكم التكليفي كوجوب الاجتناب بالنسبة الى الاولى ووجوب الاتيان بالاخيرتين وظاهر ان الحكم التكليفي لا يتعلق الا بالمعلوم اما لان الالفاظ موضوعة للمعاني المعلومة او لانها منصرفة اليها او لانه القدر المتيقن فيقتصر عليه او لما دل من العقل والنقل على اشتراط التكليف بالعلم فاذا انتفى الحكم التكليفي في الواقع كان الحكم الوضعي ايضا منتفيا لانه تابع له